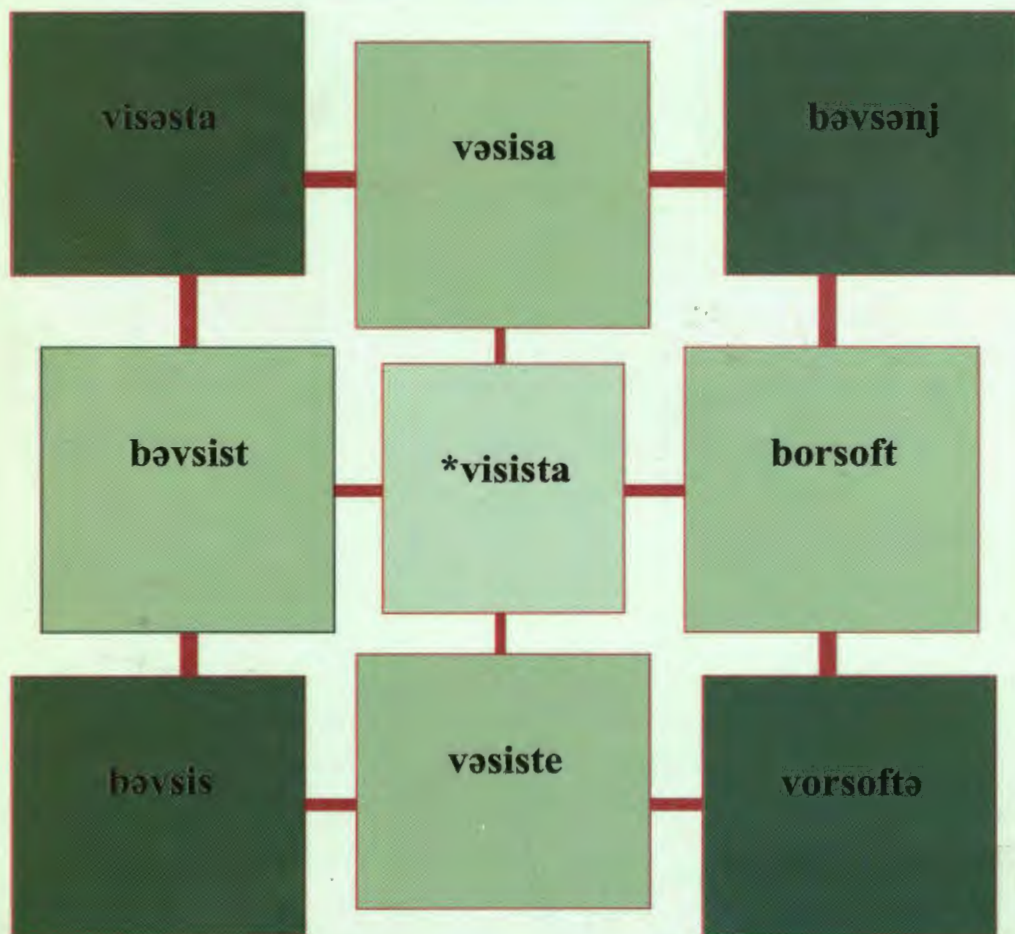


بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های
تاتی، تالشی و گیلکی



دکتر جهان دوست سبزوعلیپور
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
به کوشش

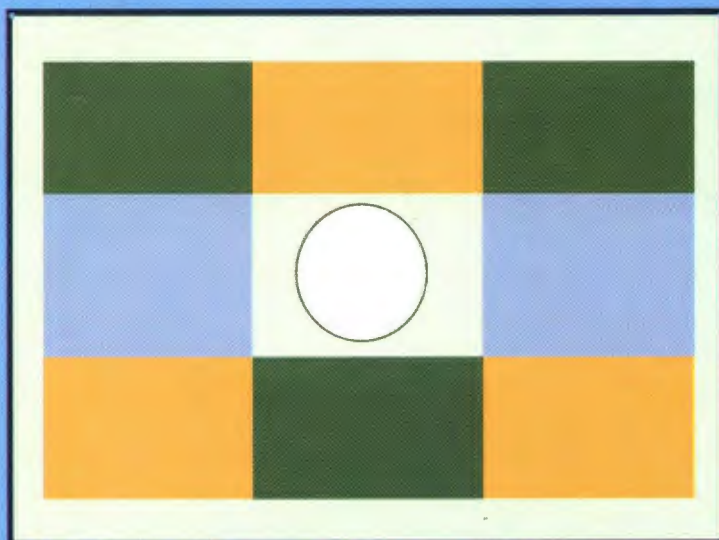
گروه پژوهشی گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان

انتشارات دانشگاه گیلان

بہارِ نبوت و سیرتِ عظیمہ

五、

Y



این اثر که صورت تجدید نظر شده رساله دکتری نگارنده کتاب است، در بردارنده ساختمان فعل نه گونه از گویش های تاتی، تالشی و گیلکی است و در آن سه گونه از هر گویش، ضمن توصیف، نخست با همدیگر و در ادامه با گویش های دیگر و در آخر با زبان های ایرانی باستان و ایرانی دوره میانه مقایسه شده اند. حاصل تحقیق نشان از آن دارد که این سه گویش، در بخش فعل، بسیار به همدیگر نزدیک هستند یعنی شباهت های ساخت فعل آنها بسیار و تفاوت شان اندک است. گویش تاتی بیش از تالشی و گویش تالشی بیش از گیلکی ویژگی های کهن زبانی را حفظ کرده اند و گیلکی ضمن حفظ ویژگی های فراوان کهن، به دلایل مختلف بیش از دو گویش دیگر تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته است.

ISBN:978-800-153-046-7



9 786001 530467

۴۷۰
۱۱
۲۴ و ۲۳ ای...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های

تاتی، تالشی و گیلکی

کتابخانه
دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

تألیف

دکتر جهان دوست سبزعلیپور

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

به کوشش

گروه پژوهشی گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان

انتشارات دانشگاه گیلان

۱۳۹۱

سبزعلیپور، جهان دوست، ۱۳۵۰ -	سرفصلنامه
بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش های تاتی، تالشی و گیلکی / تألیف جهان دوست سبزعلیپور.	متران و نام پدیدآور
رشت: دانشگاه گیلان، ۱۳۹۱.	مشخصات نشر
۳۹۲ ص: جدول.	مشخصات ظاهری
978-600-153-048-7	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کتابخانه	پادداشت
دستور زبان تطبیقی -- فعل	موضوع
تاتی -- دستور زبان	موضوع
تالشی -- دستور	موضوع
گیلکی -- دستور	موضوع
دانشگاه گیلان	شناسه افزوده
۱۳۹۱ پ ۲/س ۲۷۷۱ PIR	رده بندی کنگره
۴۵۵	رده بندی دیویی
۲۹۹۳۵۷۵	شماره کتابشناسی ملی



دانشگاه گیلان

شابک: ۷-۰۴۸-۱۵۳-۶۰۰-۹۷۸

انتشارات دانشگاه گیلان

نام کتاب	: بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش های تاتی، تالشی و گیلکی
مؤلف	: دکتر جهان دوست سبزعلیپور
ویراستار جامع	: دکتر سیدمجتبی میرمیران
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۱
ناشر	: انتشارات دانشگاه گیلان
شمار	: ۱۰۰۰ جلد
قیمت	: ۱۲۰۰۰۰ ریال

* هر گونه چاپ و تکثیر فقط در اختیار انتشارات دانشگاه گیلان است.*

تقدیم به استادانم:

دکتر حسن رضایی باغبیدی،
دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله
و دکتر علی رفیعی جیردهی

فہرست

صفحه	عنوان
۵	علایم آوانگاری و نشانه‌های اختصاری
۱	مقدمه
۱۷	پیش‌گفتار
۳۳	بخش اول: گویش تاتی
۳۳	۱ ریشه فعل
۳۴	۲ ماده فعل
۳۴	۱-۲ ماده مضارع
۳۵	۲-۲ ماده ماضی
۴۰	۳-۲ ماده مجهول
۴۱	۴-۲ ماده جعلی
۴۱	۵-۲ ماده سببی (واداری)
۴۲	۳ مصدر
۴۳	۱-۳ مصدر ساده
۴۴	۲-۳ مصدر پیشوندی
۴۴	۳-۳ مصدر ترکیبی
۴۵	۴ پیشوندهای فعل
۴۵	۱-۴ پیشوندهای تصریفی
۴۵	۱-۴-۱- وند وجه
۴۵	۱-۴-۱-۱- وند وجه اخباری
۴۵	۱-۴-۱-۲- وند وجه تمنایی
۴۵	۱-۴-۱-۳- وند وجه التزامی
۴۵	۱-۴-۱-۴- وند وجه امری
۴۷	۲-۴-۱- وند نمود
۴۷	۴-۱-۲- وند نمود مستمر
۴۸	۴-۱-۲- وند نمود تأکیدی
۵۲	۴-۱-۳- وند نفی
۵۴	۴-۲- پیشوندهای اشتقاقی

صفحه	عنوان
۵۴	۱-۲-۴ پیشوندهای فعلی
۶۲	۵ پسوندهای فعلی
۶۲	۱-۵ پسوندهای تصریفی
۶۲	۱-۱-۵ شناسه‌های فعلی
۶۵	۲-۱-۵ پسوند ماده ماضی ساز
۶۶	۳-۱-۵ وند سببی
۶۷	۲-۵ پسوندهای اشتقاقی
۶۷	۱-۲-۵ پسوند مصدر ساز
۶۷	۲-۲-۵ پسوند صفت مفعولی
۶۹	۶ وجه فعل
۶۹	۱-۶ وجه اخباری
۷۰	۲-۶ وجه تمنایی
۷۰	۳-۶ وجه التزامی
۷۰	۴-۶ وجه امری
۷۰	۷ نمود فعل
۷۰	۱-۷ نمود ساده
۷۰	۲-۷ نمود مستمر
۷۰	۳-۷ نمود تأکیدی
۷۰	۴-۷ نمود آغازی
۷۱	۸ جهت فعل
۷۱	۱-۸ فعل متعدی
۷۲	۲-۸ فعل لازم
۷۳	۳-۸ فعل مجهول
۷۵	۹ زمان فعل
۷۵	۱-۹ ماضی مطلق
۷۸	۲-۹ ماضی نقلی
۷۸	۱- ۲-۹ ماضی نقلی
۸۱	۲-۲-۹ ماضی نقلی نزدیک
۸۲	۳-۲-۹ ماضی نقلی ابعد

صفحه	عنوان
۸۳	۴-۲-۹ ماضی نقلی غیرمحقق
۸۶	۵-۲-۹ ماضی نقلی بعید غیرمحقق
۸۷	۳-۹ ماضی تمنایی
۸۹	۴-۹ ماضی التزامی
۹۲	۵-۹ ماضی بعید
۹۵	۶-۹ ماضی بعید تمنایی
۹۷	۷-۹ ماضی استمراری
۱۰۰	۸-۹ ماضی استمراری تمنایی
۱۰۲	۹-۹ ماضی مستمر
۱۰۴	۱۰-۹ مضارع اخباری
۱۰۷	۱۱-۹ مضارع تمنایی (شرطی)
۱۰۹	۱۲-۹ مضارع التزامی
۱۱۱	۱۳-۹ مضارع مستمر
۱۱۳	۱۰ فعل امر و فعل نهی
۱۱۳	۱-۱۰ فعل امر
۱۱۹	۲-۱۰ فعل نهی
۱۲۰	۱۱ فعل‌های معین و شبه‌معین
۱۲۰	۱-۱۱ فعل معین
۱۲۲	۲-۱۱ فعل‌های شبه‌معین
۱۲۸	۱۲ فعل‌های ربطی
۱۳۴	۱۳ فعل‌های غیرشخصی
۱۳۵	۱۴ فعل ناقص
۱۳۶	۱۵ چند نکته مهم در فعل تاتی
۱۳۶	۱-۱۵ فعل مرکب ضمیری
۱۳۸	۲-۱۵ افزونه فعل‌های ماضی
۱۳۹	۳-۱۵ ساخت ارگتیو
۱۴۲	۴-۱۵ تمایز جنس دستوری در تاتی

صفحه	عنوان
۱۴۵	بخش دوم: گویش تالشی
۱۴۵	۱ ریشه فعل
۱۴۷	۲ ماده فعل
۱۴۷	۱-۲ ماده مضارع
۱۴۸	۲-۲ ماده ماضی
۱۵۴	۳-۲ ماده مجهول
۱۵۵	۴-۲ ماده جعلی
۱۵۶	۵-۲ ماده سببی (واداری)
۱۵۷	۳ مصدر
۱۵۸	۱-۳ مصدر ساده
۱۵۸	۲-۳ مصدر پیشوندی
۱۵۹	۳-۳ مصدر ترکیبی
۱۵۹	۴ پیشوندهای فعل
۱۵۹	۱-۴ پیشوندهای تصریفی
۱۶۰	۱-۱-۴ وند وجه
۱۶۰	۱-۱-۴ وند وجه اخباری
۱۶۰	۲-۱-۴ وند وجه تمنایی
۱۶۰	۳-۱-۴ وند وجه التزامی
۱۶۰	۴-۱-۴ وند وجه امری
۱۶۱	۲-۱-۴ وند نمود
۱۶۲	۱-۲-۴ وند نمود مستمر
۱۶۲	۳-۲-۴ وند نمود تأکیدی
۱۶۵	۳-۱-۴ وند نفی
۱۶۸	۲-۴ پیشوندهای اشتقاقی
۱۶۹	۱-۲-۴ پیشوندهای فعلی
۱۷۴	۵ پسوندهای فعلی
۱۷۴	۱-۵ پسوندهای تصریفی

صفحه	عنوان
۱۷۴	۱-۱-۵ شناسه‌های فعلی
۱۷۸	۲-۱-۵ پسوند ماده ماضی ساز
۱۷۹	۳-۱-۵ وند سببی
۱۸۰	۲-۵ پسوندهای اشتقاقی
۱۸۰	۱-۲-۵ پسوند مصدر ساز
۱۸۰	۲-۲-۵ پسوند صفت مفعولی
۱۸۲	۶ وجه فعل
۱۸۲	۱-۶ وجه اخباری
۱۸۳	۲-۶ وجه تمنایی
۱۸۳	۳-۶ وجه التزامی
۱۸۳	۴-۶ وجه امری
۱۸۳	۷ نمود فعل
۱۸۳	۱-۷ نمود ساده
۱۸۳	۲-۷ نمود مستمر
۱۸۳	۳-۷ نمود تأکیدی
۱۸۴	۴-۷ نمود آغازی
۱۸۵	۸ جهت فعل
۱۸۵	۱-۸ فعل متعدی
۱۸۶	۲-۸ فعل لازم
۱۸۷	۳-۸ فعل مجهول
۱۸۸	۹ زمان فعل
۱۸۹	۱-۹ ماضی مطلق
۱۹۲	۲-۹ ماضی نقلی
۱۹۴	۳-۹ ماضی نقلی غیر محقق
۱۹۶	۴-۹ ماضی التزامی نشانه دار
۱۹۷	۵-۹ ماضی التزامی بی نشانه
۲۰۰	۶-۹ ماضی بعید

صفحه	عنوان
۲۰۳	۷-۹ ماضی بعید تمنایی
۲۰۶	۸-۹ ماضی استمراری
۲۱۰	۹-۹ ماضی استمراری تمنایی
۲۱۲	۱۰-۹ ماضی مستمر
۲۱۵	۱۱-۹ مضارع اخباری
۲۱۷	۱۲-۹ مضارع التزامی نشانه‌دار
۲۱۹	۱۳-۹ مضارع التزامی (بی نشانه)
۲۲۱	۱۴-۹ مضارع مستمر
۲۲۳	۱۵-۹ آینده در گذشته
۲۲۴	۱۶-۹ آینده نزدیک
۲۲۶	۱۰ فعل امر و نهی
۲۲۶	۱-۱۰ فعل امر
۲۲۶	۲-۱۰ فعل نهی
۲۳۲	۱۱ فعل‌های معین و شبه‌معین
۲۳۲	۱-۱۱ فعل معین
۲۳۴	۲-۱۱ فعل‌های شبه‌معین
۲۴۰	۱۲ فعل‌های ربطی
۲۴۸	۱۳ فعل‌های غیر شخصی
۲۴۸	۱۴ فعل ناقص
۲۴۹	۱۵ چند نکته مهم در فعل تالشی
۲۴۹	۱-۱۵ فعل مرکب ضمیری
۲۵۳	۲-۱۵ افزونه فعل‌های ماضی
۲۵۴	۳-۱۵ ساخت ارگتیو
۲۵۷	بخش سوم: گویش گیلکی
۲۵۷	۱ ریشه فعل
۲۵۸	۲ ماده فعل
۲۵۸	۱-۲ ماده مضارع

صفحه	عنوان
۲۵۸	۲-۲ ماده ماضی
۲۶۴	۳-۲ ماده جعلی
۲۶۵	۴-۲ ماده سببی (واداری)
۲۶۶	۳ مصدر
۲۶۷	۱-۳ مصدر ساده
۲۶۸	۲-۳ مصدر پیشوندی
۲۶۹	۳-۳ مصدر ترکیبی
۲۶۹	۴ پیشوندهای فعل
۲۶۹	۱-۴ پیشوندهای تصریفی
۲۷۰	۱-۱-۴ - وند وجه
۲۷۰	۱-۱-۴ وند وجه اخباری
۲۷۰	۲-۱-۴ وند وجه تمنایی
۲۷۰	۳-۱-۴ وند وجه التزامی
۲۷۰	۴-۱-۴ وند وجه امری
۲۷۱	۲-۱-۴ وند نمود
۲۷۱	۱-۲-۴ وند نمود مستمر
۲۷۲	۲-۲-۴ وند نمود تأکیدی
۲۷۳	۳-۱-۴ وند نفی
۲۷۵	۲-۴ پیشوندهای اشتقاقی
۲۷۵	۱-۲-۴ پیشوندهای فعلی
۲۸۵	۵ پسوندهای فعل
۲۸۵	۱-۵ پسوندهای تصریفی
۲۸۵	۱-۱-۵ شناسه‌های فعلی
۲۸۷	۲-۱-۵ پسوند ماده ماضی ساز
۲۸۸	۳-۱-۵ وند سببی
۲۸۸	۲-۵ پسوندهای اشتقاقی
۲۸۹	۱-۲-۵ پسوند مصدر ساز

صفحه	عنوان
۲۸۹	۵-۲-۲ پسوند صفت مفعولی
۲۹۰	۶ وجه فعل
۲۹۱	۶-۱ وجه اخباری
۲۹۱	۶-۲ وجه التزامی
۲۹۱	۶-۳ وجه امری
۲۹۱	۷ نمود فعل
۲۹۱	۷-۱ نمود ساده
۲۹۱	۷-۲ نمود مستمر
۲۹۱	۷-۳ نمود تأکیدی
۲۹۱	۷-۴ نمود آغازی
۲۹۲	۸ جهت فعل
۲۹۲	۸-۱ فعل متعدی
۲۹۳	۸-۲ فعل لازم
۲۹۴	۸-۳ فعل مجهول
۲۹۵	۹ زمان فعل
۲۹۵	۹-۱ ماضی مطلق
۲۹۷	۹-۲ ماضی نقلی
۳۰۱	۹-۳ ماضی استمراری
۳۰۴	۹-۴ ماضی بعید
۳۰۶	۹-۵ ماضی بعید تمنایی
۳۰۹	۹-۶ ماضی التزامی
۳۱۱	۹-۷ ماضی مستمر
۳۱۵	۹-۸ مضارع اخباری
۳۱۷	۹-۹ مضارع التزامی
۳۲۰	۹-۱۰ مضارع مستمر
۳۲۳	۱۰ فعل امر و نهی
۳۲۳	۱۰-۱ فعل امر

صفحه	عنوان
۳۲۶	۱۰-۲ امر منفی (فعل نهی)
۳۲۸	۱۱ فعل‌های معین و شبه‌معین
۳۲۸	۱-۱۱ فعل معین
۳۲۹	۲-۱۱ فعل‌های شبه‌معین
۳۳۵	۱۲ فعل‌های ربطی
۳۴۲	۱۳ فعل‌های غیرشخصی
۳۴۲	۱۴ فعل ناقص
۳۴۳	۱۵ چند نکته مهم در فعل گیلکی
۳۴۳	۱-۱۵ فعل مرکب ضمیری
۳۴۴	۲-۱۵ افزونه فعل‌های ماضی
۳۴۷	بخش چهارم: نتیجه تطبیق گویش‌ها با هم
۳۷۳	کتاب‌نامه

جدول علائم آوانگاری و نشانه‌های اختصاری

در این کتاب مثال‌هایی از گویش‌های مختلف ذکر شده است و توصیف جدول واج‌های همه آنها در اینجا نمی‌گنجد، در صورت نیاز خوانندگان می‌توانند به کتاب‌های *آواشناسی* (فونتیک) علی‌محمد حق‌شناس (۱۳۸۲) و *آواشناسی زبان فارسی*، آواها و ساخت آوایی هجا، از یدالله ثمره (۱۳۸۵) مراجعه کنند. در جدول زیر چند نمونه از مهم‌ترین علائم آوانگاری و اختصاری ذکر می‌گردد.

نشانه‌های آوانگاری

آوا	نشانه	مفهوم	نشانه
۱- صامت (همخوان)			
	r	ر	
پ	p	م	m
ب	b	ن	n
ت	t	ل	l
د	d	ی	y
ک	k	۲- مصوت (واکه)	
گ	g	ای ی ی	i
ق، غ	q	ا، ب، ه	e
ع، ه (همزه)	?	آ، اَ، اِ، اُ	a
ف	f	در انگلیسی اولین واکه واژه about	ə
و	v	ا، اُ و	o
س، ث، ص	s	ا (کشیده)	ō
ز، ذ، ض، ظ	z	ا، اِ	â-ā
ش	ʃ	او، و	u
ژ	ʒ	او (کشیده)	ū
خ	x	ای	ây
ه، ح	h	در انگلیسی boy (پسر)	oy
چ	ç	ای	ay
ج	j	ای	ey
-	علامت نرم‌کامی شده‌گی همخوان		<
:	کشیدگی یا مد		v
		واکه	

نشانه‌های اختصاری

مفهوم	نشانه	مفهوم	نشانه
نشانه تهی	∅	یا	/
انتخاب آزاد، معنی و توضیح	()	vowel	v
consonant	c	تکیه	'
تبدیل می‌شود به	→	نگاه کنبد	نک.
صورت فرضی یا نادرست	°	نشانه آوانویسی و نیز صدای میانجی	[]

۱- مقدمه

این اثر صورت تکمیل شده رساله دکتری این جانب در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان است. هر چه از دفاع این رساله می‌گذرد، بیشتر متوجه کاستی‌های آن می‌شوم و کم‌کم به این نتیجه می‌رسم که بعضی از ایرادات کار در حد بضاعت علمی فعلی نگارنده نیست و زمان زیادی می‌طلبید تا اثری کامل و احسن شود، و از طرفی کمال‌گرایی در نشر چنین اثری منجر به سکوت، فوت زمان و در حاشیه قرار گرفتن همین مقدار می‌شود. غرض نگارنده در آغاز فراهم کردن بستری برای تطبیق سه گویش از گویش‌های ایرانی حاشیه دریای خزر بود تا بتوان به طور صحیح و علمی در یک زمینه خاص آنها را با هم مقایسه کرد. از آنجا که فعل از اساسی‌ترین بخش‌های دستور زبان است، برای این کار ساخت فعل انتخاب شد. حال بعد از اتمام کار، آن را فقط مقدمه‌ای جهت طرح مسائلی در زمینه گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی می‌دانم و امیدوارم نواقص و کم‌کوشی‌های آن عامل و بهانه‌ای برای تطبیق، تکمیل، مطالعه و تحقیق بیشتر در این حوزه باشد.

تلفی گذشتگان از زبان به عنوان وسیله‌ای ارتباطی تغییر کرده و در عصر حاضر جایش را به تعریف‌های دیگری از زبان داده است. امروزه، زبان نه صرفاً یک وسیله ارتباطی، بلکه خانه هستی و بستری است که رودخانه عظیم تفکر بشری در آن جاری است. تمام نگرش انسان به هستی و ماورای آن در زبان منعکس می‌شود و این زبان است که به انسان قدرت غلبه بر جهان پیرامون اعطا می‌کند. با شناخت یک زبان می‌توان جامعه گویشوران آن زبان را از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اسطوره‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبی، تاریخی، سیاسی و غیره شناخت.

در روزگاری که عصر تشخیص‌ستیزی است و مردم زمانه روگردان از هرگونه تبعیض و تفاوت، هراسان از هر نوع تشخیص و تمایز، با شتاب هرچه تمام‌تر به سوی یکسانی و یکدستی و یکنواختی رانده می‌شوند تا در ناکجاآباد هزاره سوم، همگان زیر سلطه یک نظام اقتصادی نامرئی، همه مثل هم بزیایند و مثل هم بزیبند و مثل هم بمیرند (سرکاراتی، ۱۳۸۰: ۵)، بررسی تفاوت‌ها و تشخیص‌های فرهنگی بسیار مشکل شده است، چرا که جهان به یکسان‌سازی روی آورده است. گویش‌ها و لهجه‌ها، همان تشخیص‌ها و تفاوت‌های فرهنگی‌اند که در مقابل یکسان‌سازی جهانی دوام آورده و هنوز هم به یکدستی تن نداده و برجسته و متمایز از دیگر مقوله‌ها باقی مانده‌اند. در زمانی که گویش‌ها و زبان‌ها هر روز مثل کوه یخی در حال ذوب شدن هستند، پرداختن به زبان‌ها و گویش‌ها و توصیف یا ثبت تشابهات و تفاوت‌هایشان بسیار ارزشمند است، این در حالی است که امروزه شاهد از دست دادن بسیاری از گویش‌ها و زبان‌های ایرانی هستیم.

دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی همگانی، فرهنگ و زبان‌های باستانی، زبان و ادبیات فارسی و... در چند دهه اخیر پایان‌نامه‌های خوبی در زمینه گویش‌های ایرانی تألیف کرده‌اند^۱، اما هنوز درباره بعضی از گویش‌های ایرانی کار شایسته‌ای در داخل ایران صورت نگرفته است. تعدادی از آنها نیز نوشته‌هایی هستند که فقط گویشوران منطقه یا نویسندگان‌شان از آنها لذت می‌برند و در محافل علمی قابل اعتماد نیستند و نمی‌توان به آنها استناد کرد. تعدادی از تحقیق‌هایی که ایران‌شناسان و دانشمندان خارجی چند دهه قبل انجام داده‌اند، از منابع قابل استناد در این زمینه هستند.

بررسی تطبیقی گویش‌های یک منطقه، به عنوان مثال گویش‌های حاشیه دریای خزر، این امکان را به محقق می‌دهد که خط سیر تحولات هر کدام از آنها را ترسیم نماید و حتی در تک‌تک موارد زبانی به مقایسه آنها بپردازد، نحوه تحول و احیاناً فروپاشی و نیز ویژگی‌های زبانی هریک از گویش‌ها را مشخص کند. در این اثر یکی از مقوله‌های دستوری، یعنی فعل از نظر صرفی یا ساختارزی، در گویش‌های تاتی خلخال، تالشی و گیلکی، به طور تطبیقی بررسی شده و موارد تشابه و تفاوت هر کدام ذکر و در مواردی ارتباط هر کدام با زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی بیان شده است.

۲- پیشینه تحقیق

این اثر در بردارنده نه گونه از سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی است. از گویش تاتی خلخال، گونه‌های دروی (dəravi)، لردی (lərdi) و کجلی (kajali)؛ از گویش تالشی، گونه‌های غنبرانی، پره‌سری (parasari) و سیاه‌مزی؛ و از گویش گیلکی، گونه‌های رشتی، رودسری و قومنی انتخاب شده‌اند. در ذیل فقط به تعدادی از اهم منابع قابل توجه که درباره گویش‌های سه گانه مطالبی بیان کرده‌اند، اشاره می‌شود:

یارشاطر در مقاله «گویش تاتی کجلی» (Yarshater, 1960) به ذکر نکات کلی در زمینه ساخت فعل تاتی کجلی^۲ بسنده کرده و در مقاله دیگری با عنوان «گویش شاهرود (خلخال)» (Yarshater, 1959) ویژگی‌های کلی تاتی خلخال را بر مبنای گونه کلوری و شالی ذکر کرده است. یحیی‌زاده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال» (۱۳۸۲) نکات مفیدی درباره تاتی کلوری بیان نموده است. رضایتی و سبزه‌علی‌پور نیز در مقاله «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال» (۱۳۸۶) به ذکر ویژگی‌های ساخت مورد نظر در آن گویش پرداخته‌اند. درباره گونه دروی^۳ کتاب «فرهنگ

۱- محمد امین ناصح در مجموعه‌ای، فهرست پایان‌نامه‌های حوزه زبان و زبان‌شناسی را همراه با چکیده‌هایشان گردآورده است (ناصر، ۱۳۸۶).

۲- آرادگلی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی با عنوان «بررسی واج‌شناسی گویش تاتی دهکده کجلی خلخال» براساس روش‌های نوین زبان‌شناسی به بررسی واج‌شناسی آن گونه پرداخته است (نک. آرادگلی، ۱۳۴۹).

۳- کتاب «گویش تاتی از زبان آذری» از منصوره پورداد، نشر هما، ۱۳۸۵، در ۱۲۳ صفحه، درباره تاتی گونه دروی است، اما مواد زبانی اندکی دارد و از نظر علمی چندان قابل اعتماد نیست.

تاتی» (سبزه‌علیپور، ۱۳۹۰)، مقاله «ساختمان فعل در گویش تاتی خلخال» (سبزه‌علیپور، ۱۳۸۸) و پایان‌نامه «بررسی ساختار فعل در گویش تاتی درو» (سیفی، ۱۳۹۰) و درباره گونه لردی از گویش تاتی خلخال «فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی» (معراجی لرد، ۱۳۸۸) درخور توجه است.

در زمینه تالشی، اولین اثر مهم قابل ذکر، رساله‌ای است از پاول ریس (۱۸۵۵) با عنوان «درباره تالش‌ها، طرز زندگی و زبان آنها» که در شماره سوم مجله انجمن جغرافیایی قفقاز، در تفلیس به چاپ رسیده است. در زمینه تالشی شمالی، مهم‌ترین اثر نوشته ب. و. میلر (۱۹۵۳) با عنوان «زبان تالشی» است که در آن تالشی منطقه لنکران جمهوری آذربایجان بررسی شده است. ولفگانگ شولتز در کتاب «تالشی شمالی» (Schulze, 2000) و ربابه امیریان (۱۳۸۴) در «گویش تالشی عنبران/اردبیل (ویکیچ)» به بررسی تالشی شمالی پرداخته و مواد زبانی مفیدی درباره تالشی آن منطقه ارائه کرده‌اند.

در حوزه تالشی مرکزی، علاوه بر مقاله «تالشی/اسالم» از یازشاطر (۱۹۹۶) آثار ارزشمند رضایتی کیشه‌خاله قابل ملاحظه است، از جمله آنها کتاب «زبان تالشی» (۱۳۸۶) و مقالات «چند نکته دستوری در گویش تالشی» (۱۳۸۲)، «ارگتیو در گویش تالشی» (۱۳۸۴)، «صدر و ساخت آن در گویش تالشی» (۱۳۸۵) و «ناملی دیگر در فهلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی» (۱۳۸۴) و «فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی» (رضایتی کیشه‌خاله و خادمی ارده، ۱۳۸۷) قابل ذکرند. پورشققی (۱۳۸۵) در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی» دستگاه فعل تالشی را به صورت تطبیقی، در شش گونه بررسی کرده است.

در زمینه تالشی جنوبی، مقاله پروفیسور لازار^۱ با عنوان «گویش تالشی ماسکوله (گیلان)» (Lazard, 1979) و کتاب «زبان تالشی (گویش خوشابر)» حاجت‌پور (۱۳۸۳) قابل توجه‌اند. مهرداد نفزگوی‌کهن در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود (۱۳۷۴) با نام «بررسی گویش تالشی دهستان تاسکوه ماسال» و نیز در مقاله «توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی (دهستان تاسکوه ماسال)» (۱۳۷۵)، نکات مفیدی درباره تالشی تاسکوه ارائه داده است. رفیعی جیردهی در دو مقاله «پیشوندهای فعلی در تالشی» (۱۳۸۴) و «فعل پیشوندی در تالشی» (۱۳۸۶) نکات قابل توجهی را در زمینه تالشی جنوبی بر مبنای گونه آلیانی (از دهستان‌های قومن) بررسی کرده و تعداد و بسامد هریک از پیشوندهای فعلی را با جدول‌هایی همراه مصادر و فعل‌های پیشوندی ذکر نموده است.

۱- جعفر خمایی‌زاده و علی رفیعی جیردهی ترجمه این مقاله و دو مقاله دیگر از لازار را سال ۱۳۸۶، در انتشارات دانشگاه گیلان به چاپ رسانده‌اند.

در زمینه گویش گیلکی رشت^۱ منابع زیر قابل توجه‌اند:

«گویش گیلکی رشت»^۲، از کریستن‌سن (۱۳۷۴)، «زبان گیلکی»^۳ از ت. ن. پاخالینا و و. س. سوکولوا (۱۹۵۷)، «زبان گیلکی»^۴ از و. س. راستارگویوا (۱۹۷۱)، مقاله «پیشوندهای فعلی در گویش گیلکی و راههای بازشناسی آنها»، از احمد سمیعی (گیلاتی) (۱۳۸۰)، «بررسی ویژگی‌ها و ساختار زبان گیلکی رشتی» از پورهادی و شهرستانی (۱۳۸۴)، پایان‌نامه دکترتوی مسعود پورییاحی (۱۳۵۳) با عنوان «بررسی گویش گیلکی رشت»^۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد از مجید عبدی ولمی (۱۳۷۶) با عنوان «پیوند گویش گیلکی با زبان‌های باستانی ایران (اوستا، فارسی باستان و پهلوی)»^۶ و پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرانک ادیبی (۱۳۵۰) با عنوان «گویش گیلکی رشت»^۷.

در حوزه گیلکی غربی، رساله دکترتوی ایوب رسایی با عنوان «گویش گیلکی فومنات» (۱۳۸۴) قابل ملاحظه است. در این پایان‌نامه آن گونه که باید، به مسایل زبانی گویش گیلکی پرداخته نشده ولی کلیات مفصلی از پیشینه پژوهش‌های گیلکی ارائه شده است، حتی در این رساله تعداد پیشوندهای فعلی گیلکی نیامده است. در زمینه گیلکی غربی دیگر مناطق، می‌توان از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصطفی حقیری لیمودهی (۱۳۷۱) با عنوان «بررسی گروه اسمی و گروه فعلی گویش گیلکی صومعه‌سر» نام برد.

در زمینه گویش گیلکی شرقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نصرالله جعفری (۱۳۷۹) با عنوان «زمان و نمود (در عبارت فعلی) گویش گیلکی رودسری» و نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد سیده لعیا جلایی امسام (۱۳۸۰) با عنوان «بررسی گویش املشی» قابل ملاحظه‌اند. در زمینه بررسی تطبیقی گویش‌های حاشیه خزر، پایان-

۱- رضا مدنی در «کتابشناسی و بررسی واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌ها و نوشته‌های گیلکی، دیلمی و تالشی (از سده هشتم تا کنون)»، فهرست مفصلی از منابع تهیه نموده و در جلد دوم گیلان‌نامه (مجموعه مقالات گیلان‌شناسی)، سال ۱۳۶۹ به همت م. پ. جکتاجی چاپ شده است.

۲- این کتاب با ترجمه و تحشیه جعفر خمایی‌زاده، در سال ۱۳۷۴ در انتشارات سروش به چاپ رسیده است.

۳- این اثر بعد از کتاب کریستن‌سن، علمی‌ترین بررسی دستوری از گویش گیلکی به شمار می‌آید.

۴- این کتاب را مرحوم رضا مدنی ترجمه کرده، اما گویا مجال چاپ آن را پیدا نکرده و این نکته را قبل از مرگ در مقاله خود آورده است (مدنی، ۱۳۶۹: ۲۳۶-۲۹۵).

۵- این پایان‌نامه در کتابخانه دانشکده ادبیات و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نبود (در اردیبهشت ۱۳۸۸ به کتابخانه‌های مذکور مراجعه کردم و مدتی بعد وقتی نوشته‌های دکتر مدنی (۱۳۶۹: ۳۶۵) را خواندم، متوجه شدم ایشان نیز همین مطلب را در کتابشناسی خود آورده است.

۶- این پایان‌نامه به دنبال پیوند گویش گیلکی رشت با زبان کهن فارسی است و ریشه‌های قدیمی واژگان گیلکی را با زبان‌های دوره باستانی و میانه مقایسه کرده است.

۷- در این پایان‌نامه پاره‌ای از وندهای تصریفی گویش گیلکی رشت ذکر شده و چندین متن گیلکی با خودکار آوانویسی شده که به دلیل تاریخ نگارش آن (۱۳۵۰) قابل توجه است. در این پایان‌نامه /t/ یک پیشوند فعلی فرض شده است (برای توضیح بیشتر ← بخش «پیشوندهای فعلی گیلکی رشتی»).

نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی بختیاری مرکیه (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی تطبیقی ساختمان گروه اسمی فارسی و گویشهای تالشی، تاتی جنوبی (آذری)، گیلکی و تبری» قابل ذکر است.

۳- ساختار کتاب

این کتاب از پیش‌گفتار، مقدمه، و هفت فصل اصلی به شرح زیر تشکیل شده است:

در پیش‌گفتار پیشینه تحقیق، ساختار کتاب، تعریف اصطلاحات کلیدی، روش تحقیق، محدودیت‌های تحقیق و چند نکته و تذکر درباره کتاب آمده است.

مقدمه، مدخلی است برای خوانندگان، تا قبل از ورود به بحث یا در حین مطالعه، بتوانند نگاهی در زمانی به ساخت فعل در زبان‌های ایرانی داشته باشند و با مباحث و اصطلاحات مربوط به فعل مثلاً ریشه ضعیف، ریشه قوی، ماده، نمود، و وجوه مختلف آن در گویش‌های ایرانی آشنا گردند.

در فصل یک، ساخت فعل سه گونه تاتی در ضمن توصیف، به طور تطبیقی با هم بررسی شده‌اند.

در فصل دو، سعی شده است در همه موارد دستوری (که به موضوع این اثر ربط دارد)، نتیجه یا خلاصه تطبیق ذکر شود و در این فصل تا حد ممکن، مثالی ذکر نشده و فرض بر این بوده که خواننده متن کتاب را خوانده است. در این قسمت تفاوت‌ها و شباهتها سه گونه مهم بوده است. ترتیب این بخش همان ترتیب فصل یک است تا خواننده به راحتی متن و مثال مورد نظر آن را بیابد.

در فصل سه، گونه‌های مرکزی، جنوبی و شمالی تالشی ضمن توصیف، به طور تطبیقی بررسی شده است.

در فصل چهار، نتیجه تطبیق سه گونه تالشی ذکر شده است.

فصل پنج، به ساخت فعل گیلکی پرداخته و ضمن توصیف، به طور تطبیقی سه گونه گیلکی را بررسی کرده است.

در فصل شش، به روش فصل دو و چهار، نتیجه تطبیق سه گونه گیلکی ذکر شده است.

در فصل هفت، ضمن بیان نتیجه تطبیق سه گونه تاتی، تالشی و گیلکی با هم، به طور خلاصه ماحصل تطبیق آنها با زبان‌های ایرانی دوره باستان و ایرانی دوره میانه بیان شده است.

۴- اصطلاحات کلیدی تحقیق

در ذیل به اختصار توضیحی درباره هریک از اصطلاحات این تحقیق ذکر می‌گردد:

زبان یا گویش، زبان‌های ایرانی (زبان‌های ایرانی باستان، زبان‌های ایرانی میانه، و زبان‌های ایرانی نو)، گویش‌های حاشیه خزر، آذری، گویش‌های سه‌گانه (تاتی، تالشی، گیلکی)، گونه‌های نه‌گانه (دروی، لردی، کجلی، پره‌سری، جنوبی، شمالی، رشتی، غربی، شرقی).

۴-۱ زبان / گویش، گونه

هریک از گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی را می‌توان به اعتباری زبان و به اعتباری دیگر گویش نامید. سه اصطلاح «زبان»، «گویش» و «گونه» از مفاهیم و اصطلاحات پربسامد در زبان‌شناسی هستند که تعاریف مختلفی از آنها ارائه شده است. دبیر مقدم در مقاله «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی» (دبیرمقدم، ۱۳۸۷)، ضمن ذکر تعریف‌های مختلف از محققان داخلی و خارجی، به بررسی و مقایسه تعریف‌های گوناگون پرداخته و خود نیز تعریفی از آن ارائه کرده است.

«میان مفهوم «زبان» و «گویش» رابطه‌ای دیالکتیکی وجود دارد. شاخه‌شاخه شدن و پیدا شدن تفاوت میان دو زبان یک قبیله یا یک ملت که در اصل، یک زبان واحد است، منجر به تشکیل گویش‌ها می‌گردد. با این‌همه در شرایط تاریخی معینی هر یک از این گویش‌ها می‌تواند منشأ پیدایش یک زبان مستقل گردد.» (آرانسکی، ۱۳۷۸: ۲۸).

۴-۲ زبان‌های ایرانی

زبان‌های ایرانی شاخه‌ای از زبان‌های هندوایرانی است که در کنار شاخه نورستانی، زبان‌های آریایی را تشکیل می‌دهند. زبان‌های آریایی نیز شاخه‌ای از خانواده بزرگ زبان‌های هندواروپایی است، آریایی آغازین زبان گروهی از مهاجران هندواروپایی بود که در حدود هزاره سوم پیش از میلاد از هم‌نژادان خویش جدا شدند و در دشت‌های آسیای مرکزی رحل اقامت افکندند (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۰-۱۳).

شرایط تاریخی- فرهنگی متفاوتی باعث پیدایش دگرگونی در زبان ایرانی مشترک شده و آنها را به دو دسته شرقی و غربی تقسیم کرده است. می‌توان کویر نمک را مرز قراردادی میان این دو گروه قرار داد (آرانسکی، ۱۳۷۸: ۴۸). گویش‌هایی که در شرق کویر واقع شده‌اند، گویش‌های شرقی و آنها که در غرب آن قرار گرفته‌اند، گویش‌های غربی نامیده می‌شوند. گویش‌های غربی خود به دو شاخه تقسیم می‌شوند:

الف) گویش‌های جنوب‌غربی که در جنوب غربی فلات ایران رواج داشته و دارند؛

ب) گویش‌های شمال‌غربی که در شمال و شمال‌غربی فلات ایران به کار رفته و می‌روند.

به طور کلی همه زبان‌های ایرانی به سه دوره تاریخی تقسیم شده‌اند:

۴-۲-۱ زبان‌های ایرانی باستان

زبان‌های ایرانی باستان اصطلاحاً به زبان‌هایی گفته می‌شود که از هنگام جدایی اقوام ایرانی از هم‌نژادان آریایی‌شان در هزاره دوم پیش از میلاد تا اندکی پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی در سال ۳۳۰ قبل از میلاد در میان اقوام ایرانی در پهنه وسیعی از مرزهای شمالی چین در شرق (در میان قبایل سکایی) تا سواحل شمالی دریای سیاه و دریای آزف در غرب (در میان قبایل اسکیتی یا سکایی غربی)، و از شمال غربی فلات ایران (در میان قبایل مادی) تا سواحل خلیج فارس (در میان قبایل پارسی) رواج داشت. این

زبان‌ها عبارت بودند از: اوستایی، سکاکی باستان، فارسی باستان، مادی باستان، سغدی باستان، پارتی باستان و غیره (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۹).

۲-۲-۴ زبان‌های ایرانی میانه

زبان‌های ایرانی میانه اصطلاحاً به آن دسته از زبان‌های ایرانی گفته می‌شود که پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی در سال ۳۳۰ قبل از میلاد تا مدتی بعد از فتح ایران به دست سپاهیان عرب و کشته شدن یزدگرد سوم در سال ۳۱ ق / ۶۵۱ م، در میان اقوام ایرانی‌تبار رواج داشت. این زبان‌ها را به دو دسته شرقی و غربی تقسیم می‌کنند (همان: ۷۷).

۳-۲-۴ زبان‌های ایرانی نو

زبان‌های ایرانی نو زبان‌هایی هستند که پس از فتح ایران به دست مسلمانان در سال ۳۱ ق / ۶۵۱ م، به تدریج در مناطق مختلف پدیدار شدند و با آنکه برخی از آنها همزمان با تعدادی از زبان‌های ایرانی میانه رایج بودند، از لحاظ ساختاری تحول‌هایی در آنها مشاهده می‌شود که آنها را از زبان‌های ایرانی میانه متمایز می‌سازد (همان: ۱۶۱).

از زبان‌های ایرانی نو شرقی آسی، یغناپی، پشتو و گویش‌های فلات پامیر را می‌توان نام برد. از زبان‌های ایرانی نو غربی می‌توان بلوچی، کردی، گویش‌های ساحل خزر (شامل گیلکی، مازندرانی، تالشی و تاتی)، گویش‌های مرکزی و گویش‌هایی که در شمال گویش‌های مرکزی رایج‌اند، مانند تاکستانی، سمنانی، سنگسری، لاسگردی، سرخ‌های، هرزی، کرینگانی و ... را نام برد. میان غالب این گویش‌ها می‌توان مناسباتی یافت که حاکی از پیوستگی آنهاست. تاکستانی از جهتی با سمنانی و از جهتی با تالشی شبیه است (یارشاطر، ۱۳۳۶: ۳۱-۴۱). «گویش‌های هرزن و کرینگان به واسطه خصوصیتی که دارند از گویش‌های جالب ایران به شمار می‌روند. اگر چنانکه معمول است گویش‌های ایرانی غربی را به دو دسته شمالی و جنوبی تقسیم کنیم، گویش‌هایی که ذکرشان گذشت، همه به دسته شمالی متعلق‌اند، گویش‌های فارسی دری، فارسی تاجیکی، سایر گویش‌های جنوبی مانند: لری، بختیاری، لکی، لاری، بشکردی و ... از شاخه جنوب‌غربی به شمار می‌روند» (همان: ۳۶-۳۷).

بنابر این مقدمه، گویش‌های تاتی، تالشی، سمنانی، مازندرانی، (طبری) و گیلکی از گویش‌های ایرانی شاخه شمال‌غربی‌اند که در کنار سایر گویش‌های ایرانی نو، در داخل و یا خارج از ایران بدانها تکلم می‌شود.

۳-۴ گویش‌های حاشیه خزر

سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی را در دسته‌بندی زبانی «گویش‌های حاشیه خزر» نیز نامیده‌اند. ویلپلم گیگر و کوهن آلمانی در کتاب «بنیاد زبان‌شناسی ایرانی»، بار اول در سال ۱۹۰۴ میلادی سه گویش فوق را در شمار زبان‌های کاسپی که زیرمجموعه زبان‌های شمال‌غربی هستند، طبقه‌بندی کرده‌اند. این اصطلاح

بعدها به «زبان‌های دریای خزر»^۱ برگردانده شد (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۴۰). آرانسکی به نقل از گیگر این اصطلاح را برای سه گویش فوق به کار برده است (آرانسکی، ۱۳۷۹: ۳۱۷)، لُکوک در راهنمای زبان‌های ایرانی (۱۳۸۳: ۴۸۹) و یارشاطر در زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی (۱۳۳۶: ۳۵) از این سنت پیروی کرده‌اند. یارشاطر ضمن دسته‌بندی این گویش‌ها، در پاورقی افزوده است: «با آنکه این لهجه‌ها با عنوان "لهجه‌های ساحلی دریای خزر" متداول‌اند، چنین عنوانی از حیث ارتباط این لهجه‌ها دقیق نیست. شاید درست‌تر آن باشد که سمنانی، تاتی، تالشی، خلخال (شاهرودی)، هرزنی و کرینگانی و تاتی را یک دسته خاص به حساب آوریم» (همان: ۳۵).

۴-۴ آذری

به مسأله سخن گفتن به زبان آذری در آذربایجان، در طی نخستین قرن‌های اسلامی و هم چنین ایرانی بودن آن در مآخذ معتبر تصریح فراوانی شده است. آذری گذشته از زبان، بر مردم آذربایجان نیز اطلاق می‌شده است. مردم آذربایجان قبل از رواج ترکی به زبانی که از گویش‌های مهم ایرانی بوده و به مناسبت نام آذربایجان آذری خوانده می‌شده، سخن می‌گفته‌اند که با زبان ری، همدان و اصفهان از یک دست بوده است و تا قرن هفتم و هشتم و به احتمال قوی تا مدتی پس از آن نیز زبان غالب آذربایجان بوده است (یارشاطر، ۱۳۵۴: ۳۹۱-۳۹۳). مردم اغلب جاهایی که روزگاری زبان آذری در آنها رواج داشته، خود را تات و زبانشان را تاتی می‌نامند (نک. لُکوک، ۱۳۸۳: ۴۸۹ و رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۸۰). «تردید نیست که زبان آذری جز دنباله زبان مادی نمی‌توانسته باشد، چه آذربایجان و جبال مسکن قوم ماد بوده و هیچ دلیل تاریخی وجود ندارد که پیش از غلبه ترکی، زبان دیگری جانشین زبان مادی در آذربایجان شده باشد. جز آنکه می‌توان تصور کرد که زبان پهلوی اشکانی و سپس فارسی به نوبت در مراکز عمده آذربایجان، تا حدی رواج گرفته و برخی اثرها در آذری به جا گذاشته باشد. اما چون از زبان مادی اثری در درست نیست و از آن جز برخی اصطلاحات و اسامی و کلمات پراکنده، عمدتاً در کتیبه‌های هخامنشی به جای مانده است، تشخیص دقیق آذری و خصوصیات آن تنها از مطالعه آثار آذری به جای مانده در دوره اسلامی و هم چنین بقایای آذری در آذربایجان کنونی میسر است» (همان: ۳۹۴). از زبان قدیم آذربایجان جز رساله روحی انارجانی، بعضی فہلویات و تعدادی واژه پراکنده از گویش‌های مناطقی چون اران، باکو، شروان (در جمهوری آذربایجان)، و تبریز چیزی بر جای نمانده است (نک. صادقی، ۱۳۸۱: ۲۲). زبان تاتی باقی‌مانده در مناطقی از آذربایجان و سایر نقاط ارتباط و خویشاوندی نزدیکی با زبان قدیم آذربایجان دارد. این گویش‌ها چنان به هم بسته و نزدیک‌اند که ملازم همدیگرند و ذکر یکی، دیگری را به یاد می‌آورد و نمی‌توان آنها را جدا از هم بررسی کرد

۱- گویا این اصطلاح بار اول از همین جا وارد زبان‌شناسی شده است (برای نقد آن نک. مدنی، ۱۳۶۹: ۳۴۰).

نمونه‌هایی از مواد زبانی به جا مانده از آذری را می‌توان در آثار زیر یافت^۱:

مواد جمع‌آوری شده پژوهشگرانی مثل: عبدالعلی کارنگ (۱۳۳۰ و ۱۳۳۵)، منوچهر مرتضوی (۱۳۴۲) و (۱۳۶۸)، یحیی ذکاء (۱۳۶۸ و ۱۳۳۶)، ادیب طوسی (۱۳۳۵) و احمد اصغری (۱۳۸۵)؛ اصطلاحات و واژه‌های به جا مانده از آذری که هنوز در بین مردم آذربایجان رایج است و تعدای بسیاری از آنها جمع‌آوری شده است^۲ (ماهیار نوابی، ۱۳۳۲)؛ جاینام‌های فعلی آذربایجان که بسیاری از آنها به زبان قدیم آذربایجانند؛ دوبیتی‌ها یا فهلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی (نک. صادقی، ۱۳۸۲) و رضایتی کیشه‌خاله، ب: (۱۳۸۴)، و امثال و حکم موجود در زبان ترکی آذری (زبان فعلی آذربایجان)، از آنجا که امثال و حکم عبارت‌گونه و گاه موزون‌اند، بسیار محافظه‌کارند و واژه‌های قدیمی بسیاری را در خود جای داده‌اند.

با توجه به ویژگی‌های باقی‌مانده از گویش آذری و جغرافیای زبانی آن، می‌توان در زبان‌ها و گویش‌های باقی‌مانده در مناطقی که در آنها تاتی، تالشی و نیز گویش‌های مجاور آنها نظیر گیلکی، مازندرانی و سمنانی رایج است، نشانه‌ها و ویژگی‌های مشترک را جمع‌آوری و با همدیگر مقایسه کرد و سرآخر ویژگی‌های زبانی کهن شاخه شمال‌غربی را استخراج کرد. این اثر نیز به دنبال یافتن ویژگی‌های مشترک زبانی سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی است. در آینده می‌توان با مقایسه آنها با مازندرانی و سمنانی و گویش تاتی اطراف قزوین و سایر مناطق به خصوصیات مشترک بیشتری دست یافت.

۴-۵ گویش‌های سه‌گانه

منظور از گویش‌های سه‌گانه در این اثر گویش‌های تاتی خلخال، تالشی و گیلکی است.

۴-۵-۱ تاتی

در یک طبقه‌بندی کلی تاتی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) تاتی شمالی، ب) تاتی جنوبی. الف) تاتی شمالی به لحاظ تاریخی از زبان‌های ایرانی جنوب‌غربی (هم‌خانواده با زبان فارسی، فارسی میانه و ...) است. سخنگویان تاتی شمالی در خارج از ایران در داغستان (دربند)، منتهی‌الیه شمال شرقی جمهوری آذربایجان (باکو و وارتاشین) زندگی می‌کنند (لکوک، ۱۳۸۳: ۴۸۹). ب) تاتی جنوبی^۳ به لحاظ تاریخی از زبان‌های ایرانی شمال‌غربی (هم‌خانواده با پهلوی اشکانی، مادی باستان و ...) است. تاتی جنوبی در نواحی مختلف زیر در ایران رواج دارد:

۱- در مجموعه «زبان فارسی در آذربایجان» تعداد بسیار زیادی از نوشته‌های دانشمندان و زبان‌شناسان گردآوری شده است (ایرج افشار، ۱۳۷۱).

۲- نگارنده بسیاری از واژه‌های مشترک تاتی و ترکی آذری (بیش از دو هزار واژه) را که اغلب باقی‌مانده از زبان قدیم آذربایجان هستند، جمع‌آوری نموده، اما هنوز فرصت تدوین آنها را نیافته‌است.

۳- مهم‌ترین تحقیقی که در زمینه تاتی جنوبی انجام گرفته، از یارشاطر است نک. Yarshater, 1969.

- ۱- مناطقی در جنوب غرب قزوین: شامل گونه‌های تاکستانی، شالی، خیارجی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، دانسفاتی، اسفرورینی و خوزنینی (17-18: 1969, Yarshater)
 - ۲- اشتهاارد کرج (Ibid)
 - ۳- خلیخال: شامل گونه‌های اسکستانی، آسبویی، دروی، گلوری، شالی، دیزی، کرینی، کپلی، لردی، گیلوانی، طهارم‌دشتی در بخش شاه‌رود و گونه کجلی و گزنقی در بخش خورش‌رستم.
 - ۴- زنجان: در خویین، در شصت کیلومتری جنوب غربی استان زنجان و طارم علیا (شامل گونه‌های نو-کیانی، سیاورودی، هزاررودی، جمال‌آبادی و باکلوری، کله‌سری، شالوایی چره‌یی (Ibid: 17).
 - ۵- آذربایجان شرقی: شامل هرزند، دیزمار، کرینگان، کلیبر و مناطقی دیگر.
 - ۶- رودبار، الموت و کوهپایه. در بخش جیرنده رودبار روستاهای ناش، اسطخ کوه، چیچال، لیاؤل علیا، چلوانستر، قوشلان، سپستانک، گرزته‌چاک، کشکش، جلال‌ده، لیاؤل سفلی و مرکز بخش، بره‌سر، و در بخش فاراب روستاهای انبوه، کلیشم، خرمکوه، ویه، ناوه، لایه، نوده فاراب، پکونوم به تاتی تکلم می‌کنند^۱.
 - ۷- شمال خراسان، جلگه شوغان و منطقه چهارده سنخواست (صفرزاده، ۱۳۸۲: ۲۳).
- در برخی دیگر از مناطق ایران مردمانی زندگی می‌کنند که زبان خود را تاتی می‌دانند، اما تنها به گفته مردم نمی‌توان زبان‌شان را تاتی دانست. بر مبنای تحقیقات علمی و استخراج ویژگی‌های زبانی، می‌توان جغرافیای زبانی تاتی را به طور دقیق ترسیم و تکمیل کرد.

۴-۵-۲ تالشی

تالشی از گویش‌هایی است که در حاشیه جنوب‌غربی دریای خزر علاوه بر ایران، در جمهوری آذربایجان به آن تکلم می‌شود و گونه‌های متعددی دارد که همه به سه گروه عمده قابل تقسیم‌اند:

- ۱- تالشی شمالی؛
 - ۲- تالشی مرکزی؛
 - ۳- تالشی جنوبی.
- هرکدام از سه دسته فوق دارای گونه‌های متعددی است. گستردگی حوزه اقلیمی گویشوران، وجود موانع طبیعی، چون کوه‌ها، رودها و دره‌ها، زندگی عشیره‌ای و قبیله‌ای، عدم وجود خط و آثار فرهنگی مدون و ... از جمله عواملی هستند که در ضعف یا گسستگی ارتباط گویشوران با یکدیگر و در نتیجه، تنوع گونه‌های گویش‌ها، به ویژه در روزگاران گذشته، نقش مؤثری داشته‌اند (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۵: ۷). از گونه‌های تالشی می‌توان ماسالی، شاندرمنی، شفتی، خوشابری، پره‌سری، اسالمی، هشتپری، ماسوله‌ای، عنبرانی، لنکرانی و ... را نام برد.

۱- نک. سبزه‌علی‌پور، زبان تاتی رودبار (توصیف گویش تاتی رودبار)، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۹.

برخلاف تاتی که در نواحی ایران پراکنده است، گویش تالشی پراکندگی کمتری دارد و بیشتر متمرکز است. در مناطقی تاتی و تالشی در مجاورت همدیگرند و این امر باعث شده بسیار بر همدیگر تأثیر بگذارند به حدی که گاه فقط در نام تاتی یا تالشی هستند.^۱

۴-۵-۳ گیلکی

گویش گیلکی از گروه زبان‌های شاخه شمال غربی و گروه زبان‌های حاشیه خزر در ایران، بین رشته کوه‌های البرز و کرانه‌های جنوبی دریای خزر رایج است. این گویش را به پنج دسته زیر می‌توان تقسیم کرد:

۱- گویش گیلکی مرکز و غرب گیلان یا «بیه‌پس» که در شهرهای خمam، انزلی، رضوان‌شهر، شفت، صومعه‌سرا، فومن، و غیره رواج دارد؛

۲- گویش شرق گیلان یا «بیه‌پیش» که در شهرهای لاهیجان، سیاهکل، آستانه اشرفیه، لشت‌نشا، حسن‌کیاده، لنگرود، رودسر، کلاچای و ... رایج است؛

۳- گویش رشتی که در مرکز استان گیلان، یعنی شهر رشت و حومه آن رایج است؛

۴- گویش گالشی که در کوهپایه‌های حوزه جنوب شرقی گیلان رایج است؛

۵- گیلکی رودبار که در جنوب گیلان در منطقه رستم آباد، رودبار، منجیل، لوشان و ... رایج است و با تاتی آمیختگی‌هایی دارد.

همان‌طور که معلوم است حوزه رواج گیلکی در مناطق خاصی در استان گیلان و هم‌چنین در مازندران است. برخی از ساکنان استان مازندران نظیر مردم کلاردشت غالباً خود را گیلک و زبان‌شان را گیلکی می‌نامند و این درحالی است که زبان‌شان با گیلکی استان گیلان تفاوت چشمگیر دارد (کلباسی، ۱۳۷۶: پانزده).

۴-۶ معرفی گونه‌های نه‌گانه

منظور از گونه‌های نه‌گانه در این اثر، گونه‌های ذکر شده در جدول زیر است:

گویش	گونه	موقعیت جغرافیایی	علامت اختصاری
تاتی	دروی	روستای درو dorav، بخش شاهرود خلخال	د/دروی
تاتی	لردی	دهستان لرد lard، بخش شاهرود خلخال	ل/لردی
تاتی	کجلی	روستای کجل kajal، بخش هشتجین خلخال	ک/کجلی
تالشی	پره‌سری	بخش پره‌سَر شهرستان رضوانشهر	پ/پره‌سری

۱ - به عنوان مثال زبان تاتی اسکستانی و اسبویی از گونه‌های تاتی خلخال را به راحتی نمی‌توان تاتی به حساب آورد، چرا که نشانه‌های تالشی در آنها به قدری است که محتمل است، اصلاً تالشی باشند. سبزه‌لیپور در «نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال» به این امر پرداخته است (سبزه‌لیپور، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۳۰).

تالشی	سیاهمزگی	روستای سیاهمزگی، از بخش احمدسرگوراب شفت	ج/ جنوبی
تالشی	عنبرانی	عنبران، از شهرستان نمین استان اردبیل	ش/ شمالی
گیلکی	رشتی	شهرستان رشت و حومه آن: خمام و کوچصفهان	ر/ رشتی
گیلکی	رودسری	شهرستان رودسر	ق/ شرقی
گیلکی	فومنی	شهرستان فومن	غ/ غربی

۵- روش تحقیق و تحلیل داده‌ها

از مجموعه نه گونه مورد نظر، از زبان تالشی پره‌سری و گیلکی رشتی توصیفی انجام شده بود. از هفت گونه دیگر، توصیف زبان‌شناختی کاملی صورت نگرفته است. نگارنده اول درباره هر گونه، مواد خام بسیاری را از روی پرسش‌نامه‌ای که از قبل برای همین منظور نوشته بود، جمع‌آوری نموده و پس از جمع‌آوری و ثبت پیکره زبانی، آنها را روی کاغذ پیاده و بعد با الفبای آوانگاری ثبت کرده است. مواد و پیکره زبانی جمع‌آوری شده برای نگارش این اثر به چند صورت گردآوری شده است:

۱- هم‌نشینی و مصاحبت با گویشوران در محل زندگی آنها و گوش دادن مستقیم یا غیر مستقیم به گفتارشان؛

۲- مصاحبه با گویشوران با سؤالات از قبل تهیه شده. در مجموع ۴۷ ساعت مصاحبه با گویشوران گونه‌های مختلف ضبط شده است؛

۳- خواندن روزنامه، کتاب و مجله به زبان محلی. به عنوان نمونه، برای گیلکی رشتی از مجلات و روزنامه‌های گیلکی نیز استفاده شده است. بسیاری از مصادر گیلکی رشتی از فرهنگ‌ها و دستورنامه‌های گیلکی رشتی استخراج شده است؛

۴- گوش دادن به اشعار. شیون فومنی بسیاری از شعرهایش را با صدای خود در مجموعه‌ای ثبت و ضبط نموده است. از این مجموعه برای گونه فومنی استفاده شده است؛

به طور کلی از مجموع چهار روش فوق، از روش مصاحبه‌ای بیش از دیگر موارد استفاده شده است. برای گونه تاتی دروی، که زبان مادری نگارنده است، مصاحبه‌ای ضبط نشده و تالشی پره‌سری که قبلاً توصیف شده است، دو ساعت مواد ضبط شده دارد. چهل و پنج ساعت مواد جمع‌آوری شده، شامل مواد هفت گونه دیگر است.

بعد از ثبت داده‌ها بر کاغذ، گونه‌های سه‌گانه هر گویش کنار هم توصیف شده و بعد، با هم مقایسه شده‌اند. بعد از توصیف و تطبیق، در بخشی دیگر در انتهای کتاب، نتیجه تطبیق سه گویش با هم و با زبان‌های ایرانی دوره باستان و ایرانی میانه غربی ذکر شده است.

از آنجاکه در هر مرحله از کار، امکان خطا و اشتباه وجود دارد، نگارنده برای جلوگیری از ورود خطاهای بیشتر در داده‌پردازی، تحلیل و آوانگاری، بعد از اتمام هر گویش، یعنی بعد از اینکه مثال‌های انتخاب شده ثبت و آوانویسی شد، یکبار دیگر به گویشور مورد نظر خود در هر گونه مراجعه کرده و مثال‌های ثبت‌شده را مطابق شَمّ زبانی او بررسی و ویرایش نموده است. و در هر جایی که مواد زبانی گویشور، مشکوک به تداخل زبانی احساس شده، با نفرات دیگر در همان گونه مشورت کرده و به شکل صحیح یا تقریباً صحیح آن دست پیدا کرده است.

به دلیل کارهای پراکنده و بسیار در زمینه گویش‌های مورد نظر، نگارنده سعی کرده است همه موضوعات مورد نظر- حتی موضوعات بررسی شده دیگر پژوهندگان- را با مواد زبانی خود، بررسی و از صحت آنها یقین حاصل کند، و سپس آنها را ذکر نماید، مگر در مواردی که به دلیل اعتبار علمی تحقیق، از منبع قبلی نقل شده است. بعد از توصیف داده‌ها، از منابع موجود کتابخانه‌ای برای تحلیل گویش‌ها استفاده شده است.

۶- گویشوران^۱

از آنجا که این اثر، به بحث‌های دستوری مثل ریشه ماده، مصدر و وندهای مختلف می‌پردازد، نگارنده سعی کرده است گویشوران را از کسانی انتخاب کند که از قبل روی زبان مادری خود تحقیق و تفحص کرده یا در حال تحقیقند و پنج گویشور این اثر (دکتر رضایتی کیشه‌خاله، پورهادی، نصرتی سیاهمزی، معراجی لرد و نگارنده کتاب)، از این دسته‌اند. و سه گویشور دیگر (میرمیران، چراغی و شریفی)، در زبان و ادبیات فارسی یا فرهنگ و زبان‌های باستانی، تحصیلات عالی دارند و خود به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول‌اند و با مقوله‌های دستوری آشنا هستند.

گویشورانی^۲ که در این اثر نگارنده را یاری کرده‌اند، عبارت‌اند از:

- ۱- آقای فردوس یزدان‌پناه، بازنشسته آموزش و پرورش پنجاه ساله^۳ و نگارنده اثر، برای تاتی دروی؛
- ۲- جواد معراجی لرد، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش، پنجاه و دو ساله، برای تاتی لردی؛
- ۳- عاکف جبروتی، کارشناس ارشد جغرافی، دبیر آموزش و پرورش، چهل و چهار ساله، و اسحاق فنایی، کارشناس عربی، دبیر آموزش و پرورش، سی و پنج ساله، برای تاتی کجلی؛

۱- برای خصوصیات و ویژگی‌های یک گویشور خوب نک. سامارین، ۱۹۶۷: ۴۳.

۲- در همین جا از همه گویشوران صبور این تحقیق که زحمات فراوان این جانب را پذیرفتند، سپاس‌گزاری می‌نمایم و از خداوند بزرگ آرزوی توفیق آنان را دارم.

۳- سن گویشوران، مربوط به زمان تحقیق است.

- ۴- پیمان خدایی، لیسانس مدیریت صنعتی، کارمند صدا و سیما، سی و چهار ساله، برای تالشی شمالی؛
- ۵- دکتر محرم رضایتی، دانشیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه گیلان، چهل و شش ساله، تالشی پره‌سری؛
- ۶- علی نصرتی سیاه‌مزیگی، دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، دبیر آموزش و پرورش سی و شش ساله، و احمد رحمت‌پناه، کارمند بازنشسته اداره بهداشت، هفتاد و سه ساله، برای تالشی جنوبی؛
- ۷- رضا چراغی، استادیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه گیلان، سی و هفت ساله و مسعود پور هادی، محقق و نویسنده، پنجاه و شش ساله، برای گیلکی رشتی؛
- ۸- رسول شریفی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش پنجاه ساله و حجت نوروزی، کارشناس زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش، چهل و سه ساله، برای گیلکی غربی (فومنی)؛
- ۹- دکتر سید مجتبی میرمیران، عضو هیأت علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان، چهل و شش ساله، برای گیلکی شرقی (رودسری).

۷- محدودیت‌های تحقیق

- محقق عرصه تطبیق ساخت فعل در چند گویش متفاوت باید به طور جداگانه به دستور زبان هر کدام دست یابد، آنگاه به تطبیق اقدام نماید، اما درباره گونه‌های بررسی شده در این اثر، چنین امکانی فراهم نبود، یعنی برای همه آنها (به جز گونه تالشی پره‌سری و تا حدودی گیلکی رشتی) دستور زبانی علمی و قابل اعتماد وجود نداشت و نگارنده مجبور شد در آغاز، خود به توصیف ساخت فعل هر کدام از گونه‌ها اقدام کند، یعنی تطبیق وابسته به توصیف بوده و تطبیق در حوزه‌های صورت گرفته که توصیفی از آن ارائه شده است، مسأله‌ای که درباره گویش‌های فوق کشف نشده، به طور طبیعی، تطبیقی هم در پی نداشته است.

- به طور کلی یکی از مشکلات تحقیق درباره گویش‌ها، پیدا کردن گویشور است، هر تحقیقی به گویشوری خاص نیاز دارد، گرچه در زمینه‌هایی مثل جمع کردن افسانه‌ها، داستان‌ها و واژه‌های قدیمی، یک گویشور بی‌سواد و مسن بیشتر از تحصیل کرده جوان به کار می‌آید، ولی در زمینه ساخت فعل و کارهای دستور زبان، که به اجزای ریز زبان می‌پردازد، گویشور تحصیل کرده و با سواد بیشتر به کار می‌آید.

- مواد این تحقیق با تلاش فراوان جمع‌آوری، تحلیل و بازخوانی شده است و در جاهایی که اطلاعات زبانی گویشور کافی نبوده، تلاش شده است به چندین گویشور مراجعه شود. گویش‌های روستایی بسیار بهتر از گونه‌های نیمه‌شهری یا شهری جمع‌آوری شده‌اند و از آنجاکه در شهری مانند رشت گویشورانی از چندین زبان مثلاً ترکی، کردی، فارسی، تاتی، تالشی، گیلکی، مازندرانی، و غیره، زندگی می‌کنند، و گویش گیلکی هم تنوع و گونه‌گونی فراوانی دارد، آن‌چنان توفیقی که در ثبت داده‌های تاتی و تالشی حاصل شده، در ثبت داده‌های گیلکی حاصل نشده است چرا که گیلکی تاثیر فراوانی از دیگر زبان‌ها پذیرفته است.

- گرچه در تطبیق، اصل و محور کار بر مدار نگاه همزمانی و توصیفی است، ولی در هنگام توصیف و تطبیق گویش‌هایی نظیر آنچه در این اثر بررسی شده، محقق ناگزیر از نگاه درزمانی و تاریخی است، مثلاً در بحث از ریشه ضعیف و قوی فعل، نویسندگان و نیز خواننده ناچار است به بحث تاریخی ریشه ضعیف و قوی فعل نیز توجه نماید و بدین خاطر در آغاز این اثر، نگارنده ملزم به ارائه چشم‌اندازی کلی از ساخت فعل در زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه شده است.

- خوانندگان بومی و گویشوران یک اثر گویش‌شناسی وقتی درباره گویش خود، کتاب یا مقاله‌ای را می‌خوانند، ناخودآگاه در برابر تعدادی از معانی، تلفظ، شکل واژگان و یا جملات آنها از خود مقاومت نشان می‌دهند و آن شکلی را که خود در ذهن دارند، بهتر و راحت‌تر می‌پذیرند، و این درباره گویش‌هایی که کمتر بررسی شده بیشتر صدق می‌کند. برای کاهش چنین مواردی، در این اثر سعی شده است به گویشوران بیشتری مراجعه شود.

۸- چند نکته و تذکر درباره این اثر

- از مواد و پیکره زبانی متعددی برای هر گویش و گونه استفاده شده است، بدین خاطر در حد امکان، سعی شده در کنار هر فعل یا جمله‌ای، نام گویش و گونه آن ذکر شود. در جاهایی که نام گویش و گونه در بالای جدول آمده، از ذکر مجدد نام آنها در کنار هر مثال خودداری شده است.

- چون کتاب به بحث‌های نحوی نپرداخته، برای ذکر مثال در اغلب موارد، از فعل استفاده شده است نه از جمله، مگر در ساخت‌هایی که ذکر جمله لازم بوده است. هر فعل می‌تواند یک جمله باشد و لازم است بعد از جمله نقطه گذاشته شود، مثال‌های این اثر اغلب از یک فعل (ساده، پیشوندی و مرکب) تشکیل شده است و باید به دنبال نقطه گذاشته شود، اما از آن جا که فعل در این اثر بیشتر به عنوان یک مقوله صرفی یا ساختارزی (مانند اسم، صفت، قید و غیره) بررسی می‌شود، به دنبال هر فعل نقطه نیامده است، ولی در آخر جملات مرکب سعی شده است نقطه بیاید. در این اثر سعی بر این بوده است که مثالها در داخل جدول باشد تا خوانندگان به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند.

- شماره بندها و زیرمجموعه‌های فصل اول تا چهارم مشترک است، علت آن بوده که وقتی از یک ویژگی زبانی مثلاً از یک وند دستوری بحث به میان می‌آید، خواننده به راحتی بتواند معادل آن وند را (اگر معادلی داشته باشد)، در گویش دیگر پیدا کند.

- به دلیل اینکه خوانندگان این کتاب از افراد آشنا با اصطلاحات زبان‌شناسی و دستور هستند، اصطلاحات زبان‌شناسی و دستور- به استثنای موارد اندک- تعریف نشده است.

- مصدرها ممکن است در یک زبان معانی متعدد و متنوعی داشته باشند، در این اثر معنی کلی و غالب آنها ذکر شده و از بیان همه معانی یک مصدر یا فعل خودداری شده است. از نظر ساختمان نیز سه مصدر ساده، پیشوندی و مرکب در این تحقیق بررسی شده است.

- در مواقعی که وند، واژه، ساخت، یا جمله مورد بحث در گونه خاصی وجود ندارد، با علامت — مشخص شده است.

- ممکن است واژه‌هایی پیدا شود که تلفظ دقیق‌شان درج نشده، یا نوع دیگری از تلفظ‌شان نیز رواج داشته باشد، از آنجاکه در این اثر ساخت فعل مطرح بوده، نه مباحث دقیق آواشناسی، تا جایی که به بحث ساخت و معنا لطمه وارد نشود، از پرداختن به مباحث دقیق آوایی خودداری شده است. به عنوان مثال در گویش گیلکی رشت مصدری رایج‌اند که به دلیل تنوع گویشور در سطح شهر رشت، تلفظ‌های مختلفی دارند و هر گویشور مطابق محل تولد خود یک تلفظ را می‌پسندد. تلفظ‌های مختلف یک مصدر یا یک فعل در شهر بزرگی که مرکز استان است، طبیعی است، این گوناگونی تلفظ به گوناگونی ساخت فعل منجر نشده است و همه مصادر گیلکی رشتی از نظر ساخت فعل یکسان‌اند. یعنی همه از یک وند تصریفی یا اشتقاقی، یک ماده فعل و یک وند مصدری تشکیل شده‌اند. این نکته در مورد گونه رشتی که پرجمعیت‌تر از بقیه گونه‌هاست بیشتر صدق می‌کند.

در تمام مراحل این کار، از آغاز تا انجام، خود را مدیون زحمات بی‌دریغ استادانم؛ دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله و دکتر حسن رضایی باغبیدی و دکتر علی رفیعی جیردهی می‌دانم که دقت و سخت‌کوشی آنان همیشه دست‌مایه این حقیر بوده است و این اثر نیز چه به صورت رساله و چه به صورت کتاب، حاصل تشویق همیشگی آنان بوده است و همواره قدردان زحمات آنها خواهم بود و برایشان بهروزی و شادکامی آرزومندم. از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه گیلان جناب آقای صدر مماتر، مدیر محترم پژوهشی جناب آقای محمود مرادی، و ریاست محترم انتشارات دانشگاه گیلان جناب آقای مازیار صلاحی که امکان انتشار این کتاب را فراهم کردند، سپاس ویژه دارم. از دوستان عزیزم، دکتر رضا چراغی، در بازخوانی بخش گیلکی، و نیز جناب آقای علی نصرتی سیاهمزیگی برای خواندن پیش‌نویس کتاب و رفع پاره‌ای از مشکلات ویرایشی آن تشکر می‌نمایم. سرآخر از زحمات همسرم، سرکار خانم صادقزاده خوجین، برای صبر و فداکاری‌اش در این مدت، و نیز از صبا و سنا به خاطر تلخکامی‌هایم و نیز از همه آنهایی که در این اثر یاری‌ام داده‌اند، سپاس‌گزاری می‌نمایم.

جهاندوست سبزه‌علیپور

خرداد ۱۳۹۱

کلیاتی از ساخت فعل در زبان‌های ایرانی باستان و میانه غربی

گویش‌های گیلکی، تالشی و تاتی از شمار گویش‌های ایرانی شمال‌غربی‌اند و برای شناخت بهتر آنها، آشنایی با ویژگی‌های زبان‌های ایرانی لازم است. بدین منظور برای ارائه تصویری کلی و اجمالی از ویژگی‌های ساخت فعل در زبان‌های ایرانی باستان (از جمله اوستایی و فارسی باستان) و زبان‌های ایرانی دوره میانه (از جمله فارسی میانه و پارسی)، سعی شده است نکاتی هر چند مختصر از ویژگی‌های فعل در زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه ذکر شود.

از آنجا که این اثر در زمینه ساخت فعل است، آنچه از زبان‌های ایرانی در ادامه می‌آید، کلیاتی از ساخت فعل است و از ساخت فعل نیز، فقط آنچه ارتباطی با گویش‌های گیلکی، تالشی و تاتی دارد، یا محتمل است نشانه‌هایی از آنها در این گویش‌ها یافت شود، ذکر شده است و از ذکر باقی موضوعات

۱- آنچه در این بخش با عنوان «کلیاتی از ساخت فعل در زبان‌های ایرانی باستان و میانه غربی» آمده، بحث تازمائی در این زمینه نیست، بلکه پیش‌گفتاری است که خواننده قبل از ورود به بحث یا در حین مطالعه نگاهی درزمانی به ساخت فعل در زبان‌های ایرانی داشته باشد و با مباحث مربوط به فعل در گویش‌های ایرانی نیز آشنا گردد. مطالب این بخش از منابع زیر استخراج شده است:

- Jackson, A. V. W. *Avesta Grammar and Reader, with an Introduction in Persian* by Hassan Rezai Baghbidi, Asatir, Tehran, 2004.

- Kent, R. G. *Old Persian Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven, American Oriental Society, 1953.

- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳)، راهنمای زبان‌های ایرانی، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، ققنوس، تهران.

- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۶۴)، درآمدی بر دستور زبان اوستایی، انتشارات کاریان، تهران.

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۲)، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، انتشارات معین، تهران.

- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۵)، راهنمای زبان پارسی (پهلوی اشکانی)، ققنوس، تهران.

- مولایی، چنگیز (۱۳۸۴)، راهنمای زبان فارسی باستان (دستور زبان، گزیده متون، واژه نامه)، مهرنامک، تهران.

بی‌ربط با کتاب خودداری شده است. در زیر ابتدا ویژگی‌های کلی فعل در ایرانی باستان و به دنبال آن، ویژگی‌های کلی فعل در ایرانی میانه غربی ذکر می‌گردد:

۱- ساخت فعل در ایرانی باستان

۱-۱ ریشه فعل

در ایرانی باستان ریشه به سه صورت ظاهر می‌شود:

۱. صورت ضعیف و آن صورتی از ریشه است که /a/ ندارد؛

۲. صورت افزوده و آن صورتی از ریشه است که /a/ دارد؛

۳. صورت بالانده و آن صورتی از ریشه است که به جای /a/ /ā/ دارد.

هریک از صورت‌های سه‌گانه ریشه به منظوری خاص به کار برده می‌شوند. فعل مجهول از صورت ضعیف و فعل سببی از صورت بالانده ریشه ساخته می‌شود. مثال از اوستایی (فعل ماضی سوم شخص مفرد):

معلوم	مجهول	سببی
sroat	sru-ya-ta	v-aya-tāsr
شنید	شنیده شد	شنوانید

۲-۱ ماده فعل

در ایرانی باستان ماده مضارع، ماده نقلی، ماده ماضی، ماده آینده، ماده مجهول، ماده سببی، ماده جعلی، ماده آغازی، ماده آرزویی و ماده تشدید یا تکریری وجود دارد.

۱-۲-۱ ماده مضارع

ماده مضارع به ماده /a/ دار و ماده بی /a/ تقسیم می‌شود که هرکدام از راه‌های خاصی ساخته می‌شوند. مثلاً نوعی ماده مضارع از افزودن صورت قوی -na و صورت ضعیف -n پیش از آخرین همخوان ریشه ساخته می‌شود. مانند، اوستایی: čināsti از ریشه čīš- «آگاه و اعلام کردن»، فارسی باستان: vaina از ریشه vai/vi- «دیدن»، vind از ریشه vid- «یافتن».

۲-۲-۱ ماده نقلی

ماده نقلی غالباً از مضاعف کردن ریشه به دست می‌آید.

۳-۲-۱ ماده ماضی

ماده ماضی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: ماده سین‌دار، که در ساخت آن /s/ هندواروپایی به کار رفته است؛

ب: ماده بی‌سین، که در ساخت آن /s/ هندواروپایی به کار نرفته است.

۱-۲-۴ ماده آینده

ماده آینده از پیوستن /-šy/ و /-hy/ به ریشه و افزودن /-a/ پس از /šy/ و /hy/ ساخته می‌شود. مانند: saō-šy-a ماده آینده از ریشه sav- «سود رساندن».

۱-۲-۵ ماده مجهول

ماده مجهول از پیوستن /-ya/ به ریشه ساخته می‌شود. در ماده مجهول /-ya/ تکیه دارد و در ماده مضارع که با /-ya/ ساخته می‌شود، ریشه تکیه دارد. در فارسی باستان /-ya/ برای ساختن ماده مجهول به ریشه متوسط یا افزوده اضافه می‌شود: فعل ماضی استمراری مجهول سوم شخص جمع: abariyaⁿ از ریشه bar «بردن».

۱-۲-۶ ماده سببی

ماده سببی از پیوستن -aya به صورت‌های مختلف ریشه ساخته می‌شود. مثال از اوستایی: stā- «یستادن»، stāya «یستادن».

۱-۲-۷ ماده جعلی

ماده جعلی از پیوستن /-yá/ یا /a/ به اسم و صفت ساخته می‌شود. مثال از اوستایی: nēmah «تعظیم، نماز»، nēmah-yá «تعظیم کردن».

۱-۲-۸ ماده آغازی

ماده آغازی از افزودن /-s/ به ریشه و افزودن /a/ پس از /-s/ ساخته می‌شود. مثال از اوستایی: tap-s-a ← taf-s-a «تفسیدن» («س» تفسیدن بازمانده نشانه ماده آغازی است).

۱-۲-۹ ماده آرزویی

ماده آرزویی از افزودن /-ha/ (که به صورت‌های -za و -ša هم در می‌آید)، به صورت مضاعف ریشه ساخته می‌شود. مثال از اوستایی: vī-varə-ša «ورزیدن خواستن».

۱-۲-۱۰ ماده تشدید یا تکریری

ماده تشدید یا تکریری از مضاعف کردن ریشه به دست می‌آید. مثال از اوستایی: dar-dar «پاره پاره کردن»، vā-var- «بسیار باوریدن».

۳-۱ باب

در ایرانی باستان فعل از نظر باب به دو قسمت تقسیم می‌شود: گذرا و ناگذر. هریک از باب‌های گذرا و ناگذر با شناسه‌هایی مشخص می‌شوند که خاص هریک از آنهاست.

۴-۱ وجه

در ایرانی باستان پنج وجه اخباری، امری، التزامی، تمنایی و انشایی وجود دارد. در فارسی باستان وجه اخباری و امری نشانه خاصی ندارد. وجه التزامی در فارسی باستان همه جا در نمونه‌های موجود دارای شناسه اولیه است. مصوت /a/ نشانه وجه التزامی است که به ماده مضارع افزوده می‌شود. همه نمونه‌های موجود وجه تمنایی در فارسی باستان دارای شناسه ثانویه هستند. نشانه تمنایی در ماده-های بی /a/ پسوند /-yā-/ است: avā-jān-iyā فعل تمنایی سوم شخص مفرد گذرا از ریشه jan- «زدن، کشتن».

۵-۱ زمان

در ایرانی باستان فعل از نظر زمان به مضارع، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی ساده، آینده تقسیم می‌شود.

۶-۱ شمار

از نظر شمار فعل در ایرانی باستان دارای سه شمار مفرد، مثنی و جمع است.

۷-۱ شخص

از نظر شخص فعل در ایرانی باستان دارای سه شخص است: اول، دوم و سوم شخص.

۸-۱ شناسه

در ایرانی باستان شناسه‌های متفاوتی برای فعل‌ها وجود دارد: شناسه‌های خاص فعل مضارع، شناسه‌های خاص فعل امر، شناسه‌های خاص ماضی نقلی، شناسه‌های خاص التزامی و شناسه‌های خاص تمنایی. و هریک از شناسه‌های پنج‌گانه بالا بر دو گونه‌اند: شناسه‌های خاص باب گذرا، شناسه‌های خاص باب ناگذر.

۹-۱ مصدر

وندهای زیر در زبان اوستایی وندهای سازنده مصدر هستند که به طور مستقیم به ریشه یا به ماده افزوده می‌شوند. مانند: stao-ma'ne «ستایش کردن»، jay-āi «برنده شدن، پیروز شدن»:

-dyāi, -tāe/-tayaē-ca, -aṇhe, -ma'ne/-va'ne, āi, -ē, -te

در فارسی باستان برای ساختن مصدر به ریشه، پسوند -tanaiy افزوده می‌شود، مانند: car-tanaiy «کردن»، از ریشه -kar kan-tanaiy از ریشه -kan به معنی «کندن».

۱-۱ پیشوندهای فعلی

۱-۱-۱ پیشوندهای فعلی اوستایی

پیشوندهای فعلی اوستایی در جدول زیر آمده است:

اوستایی	معنی پیشوند
ā-	به، به سوی
aibi-/aiwi-	به، به سوی، برابر، علاوه بر
aiti-	بر روی، آن سوی، ماورا
aṇtarə-	میان
anu-	در طول
apa-	دور
ava-/avā-	دور، پایین، بر
avi-	به سوی، بر
frā-	پیش، جلو
haṃ-/haṇ-	هم، با
nī-	پایین، زیر
niš-/niž-	کنار، دور، بیرون، جلو
paiti-	علیه، مقابل، به پشت
para-	دور، بیرون
parā-	همراه، کنار، پیش
upa-	به، به سوی، بالا
upairi-	بر، بالا
uz-/us-	بر، جلو، بالا، بیرون
vī-	دور، جدا

۱-۱۰-۲ ویژگی پیشوندهای فعلی اوستایی:

۱-۱۰-۱-۲ پیشوند بافاصله یا بی‌فاصله قبل از فعل می‌آید. در شاهد زیر-apa برای barōiš پیشوند است؛ چند کلمه میان پیشوند و فعل فاصله شده است:

zahibyō miθra barōiš.āpa hača

[کاش ای مهر! (ما را) از اندوه دور می‌کردی (یشت ۱۰، بند ۲۲).]

۱-۱۰-۲-۲ یک پیشوند ممکن است دوبار بیاید، یک بار پیش از چند کلمه و یک بار هم پیش از فعل؛ در شاهد ذیل hām یک بار پیش از šaētəm و یک بار پیش از bārayən آمده است:

hām iða šaētəm hām bārayən.

[اینجا خواسته انبار کنند (وندیداد، بند ۴۴).]

۱-۱۰-۲-۳ هنگامی که فعل پیشونددار باید تکرار شود، به جای تکرار فعل و پیشوند آن، تنها پیشوند تکرار می‌شود. در جمله زیر frā- به جای فعل پیشونددار fraorēnta تکرار شده است:

aya daēnaya fraorēnta ahurō mazdā ašava, frā vohū manō frā ... frā ... frā ...

به این دین گروید اهوره مزداه اشو، و هو منه. ... (یسن ۵۷، بند ۲۴).

۱-۱۰-۳ نمونه‌هایی از پیشوندهای اوستایی همراه با ذکر مثال از هر کدام:

پیشوند aog- + pa'ti- (گفتن) ← paityaoxta «پاسخ داد». -i- پیش از -a- به -y- تبدیل شده است.

پیشوند ay- + upa- (رفتن) ← upāit «نزدیک رفت». فعل ماضی سوم شخص مفرد گذرا. -a- پیشوند و -a- ریشه ادغام شده‌اند.

پیشوند ah- + para- (افکندن) ← parāphāt «وازشگون کند»، سوم شخص مفرد التزامی گذرا.

پیشوند kar- + frā- (رفتن) ← fračarāne «فرا روم، بگردم» مضارع التزامی اول شخص مفرد ناگذر.

پیشوند jan- + ni- (زدن) ← nijanāt «بکشد» فعل التزامی سوم شخص مفرد گذرا.

پیشوند tak- + apa- (دویدن) ← apatačaṭ «تاخت، گریخت» فعل ماضی سوم شخص مفرد گذرا.

پیشوند tav- + a'wi- (توانا بودن) ← aiwitūtuyā «توانا بوده باشی» فعل نقلی تمنایی دوم شخص مفرد گذرا.

پیشوند mrav- + upa- (گفتن) ← upamruyē «فرا خواندن، پیش خواندن».

پیشوند mrav- + ni- (گفتن) ← nimruyē «چیزی را با خود گفتن».

پیشوند vat- + api- (دریافتن، آشنا بودن) ← apivatahe «درمی‌یابی» فعل مضارع دوم شخص مفرد ناگذر.

پیشوند var- + pa'ri- (پوشیدن) ← pairivərənu- با پیشوند-pairi «گوش را مسدود کردن».

پیشوند zan- + uz- (زادن، متولد شدن) ← uszayata «زاده شد»، ماضی مجهول سوم شخص مفرد.

۱-۱۰-۴ پیشوندهای فعلی فارسی باستان:

معنی پیشوند	فارسی باستان
به، به سوی	ā-
به، به سوی، برابر، علاوه بر	abi-
دور	apa-
بر روی، آن سوی، ماورا	ati-
دور، پایین، بر	ava-
پیش، جلو	frā-
پایین، زیر	ni-
کنار، دور، بیرون، جلو	nij-
همراه، کنار، پیش	parā-
علیه، مقابل، به پشت	pati-
بر، جلو، بالا، بیرون	ud-
به، به سوی، بالا	upa-
بر، بالا	upari-
دور، جدا	vi-

۱-۱۰-۵ ویژگی مهم پیشوندهای فعلی فارسی باستان:

پیشوندهای فارسی باستان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) پیشوندهایی که تنها با افعال به کار می‌روند و کاربرد دیگری ندارند، این پیشوندها عبارت‌اند از:

apa- (دور، اوستایی -apa-);

ava- (پایین، دور، اوستای گاهانی -avā- اوستای متأخر -ava-);

ud- (بر، اوستایی -us-, -uz-);

nij- (کنار، دور، بیرون، اوستایی -niš- / -niž-);

frā- (پیش، جلو، اوستایی -frā-);

vi- (جدا، دور، اوستایی -vi-, -vī-).

۱-۱۰-۶ نمونه‌هایی از پیشوندهای فارسی باستان همراه با ذکر مثال از هر کدام:

پیشوند -jan- + -vi- (زدن، کشتن) ← vijanāntiy مضارع التزامی، سوم شخص جمع گذرا.

پیشوند -frā- + jan- (زدن، کشتن) ← frājanam فعل ماضی، اول شخص مفرد گذرا.
 پیشوند -nij- + ay- (بیرون رفتن) ← nijāyam فعل ماضی، اول شخص مفرد گذرا.
 پیشوند -ud- + pat- (قیام کردن، شورش کردن) ← udapatatā فعل ماضی سوم شخص مفرد ناگذر.
 پیشوند -ava- + jan- (زدن، کشتن) ← avājanan فعل ماضی، سوم شخص جمع گذرا.
 پیشوند -apa- + gaud- (پوشاندن، مخفی کردن) ← apagaudaya فعل انشایی، دوم شخص مفرد، گذرا
 ب) پیشوندهایی که علاوه بر نقش پیشوندی، در حکم حرف اضافه نیز به کار می‌روند:
 پیشوند -parā- + ay- (فرا رفتن، رهسپار شدن) ← paraidiy فعل امر دوم شخص مفرد گذرا؛
 پیشوند -pati- + pā- با حرف اضافه hačā «خود را از چیزی پاییدن» ← patipayauvā امر دوم شخص مفرد ناگذر؛
 پیشوند -ni- + ar- (فرود آمدن، پایین آمدن) ← nirasātiy فعل مضارع التزامی سوم شخص مفرد گذرا؛
 پیشوند -upari- + ay- (رفتار کردن) ← upariā[ya]m فعل ماضی اول شخص مفرد گذرا؛
 پیشوند -upa- + ay- (رسیدن) ← [u]pāyam فعل ماضی اول شخص مفرد گذرا؛
 پیشوند -abi- + jav- (پیش بردن، به جلو راندن) ← abiyajāvayam ماضی اول شخص مفرد گذرا؛
 پیشوند -ati- + ay- (گذشتن) ← atiyāiš فعل ماضی سوم شخص مفرد گذرا؛
 پیشوند -ā- + gam- (آمدن) ← ājamiyā فعل تمنایی سوم شخص مفرد گذرا.
 ج) در فارسی باستان ممکن است یک فعل دو پیشوند داشته باشد، مانند پیشوندهای -ā- pati- در pati-ā-baram و پیشوندهای -ā- ava- در ava-ā-baram

۱۱-۱ نشانه‌های نفی و نهی

در ایرانی باستان mā نشانه نفی است و با فعل‌های التزامی، تمنایی، انشایی و امری به کار می‌رود. nōit در اوستایی و naiy در فارسی باستان نشانه نفی است و با فعل‌های اخباری، التزامی و تمنایی به کار برده می‌شود. در ایرانی باستان نشانه‌های نفی و نهی با فاصله یا بی‌فاصله پیش از فعل می‌آیند. در شاهد زیر که از اوستایی است، mā با فاصله پیش از pərəsō آمده است. pərəsō فعل انشایی دوم شخص مفرد گذرا است.

mā dim pərəsō yim pərəsahi.

از آن که می‌پرسی، مپرس (هادخت نسک ۲، بند ۱۷).

۱۲-۱ فعل امر

در ایرانی باستان فعل امر از یکی از ماده‌های مضارع، نقلی و ماضی به اضافه شناسه‌های خاص فعل امر ساخته می‌شود.

۱۳-۱ فعل ماضی استمراری

فعل ماضی استمراری در ایرانی باستان از پیوستن شناسه‌های خاص فعل ماضی به ماده‌های مختلف مضارع ساخته می‌شود. در فارسی باستان پیش از ماده مضارع /a-/ آورده می‌شود، اما در اوستایی غالباً اینطور نیست.

۱۴-۱ فعل التزامی

فعل التزامی از ماده‌های مختلف مضارع و شناسه‌های خاص فعل التزامی ساخته می‌شود. میان ماده‌ها و شناسه‌ها /a/ آورده می‌شود. اگر ماده به /a/ پایان یافته باشد، /ā/ از ترکیب دو /a/ به وجود می‌آید. مثال از اوستایی: bar-a-a-ti ← barāiti «ببرد» (i پیش از t زاید است).

۱۵-۱ فعل تمنایی

فعل تمنایی در ایرانی باستان از ماده‌های مختلف مضارع و شناسه‌های خاص فعل تمنایی ساخته می‌شود. میان ماده‌ها و شناسه‌ها، نشانه‌های خاص تمنایی آورده می‌شود. نشانه‌های فعل تمنایی برای ماده‌های /a/ دار /ā/ است که از ترکیب /a/ و /ā/ /āi/ به وجود می‌آید. برای ماده‌های بی /a/ نشانه تمنایی برای فعل‌های گذرا /yā/ و برای فعل‌های ناگذر /ā/ است. مثال از اوستایی: bar-a-ī-t ← barōit «کاش ببرَد، ببرَدی»، jam-yā-t «کاش بیاید، بیایدی». در تعدادی از متون اوستایی متاخر، صیغه‌هایی از فعل مضارع تمنایی وجود دارد که ظاهراً می‌توانند توسط مضارع التزامی نیز بیان شوند.

۱۶-۱ فعل مجهول

در ایرانی باستان ماده مجهول از پیوستن /ya-/ به ریشه ساخته می‌شود. در ماده مجهول /-ya-/ تکیه دارد و در ماده مضارع که با -ya- ساخته می‌شود، ریشه تکیه دارد. مثال از اوستایی: manyá : ماده مجهول -mánya مضارع از man (اندیشیدن).

۱-۱۶ فعل مجهول در اوستایی

در اوستا از ترکیب پسوند /-ya-/ با صورت ضعیف ریشه دو نوع ماده مضارع ساخته می‌شود:

۱- ماده مضارع که معادل آن در هندی باستان دارای تکیه ریشه‌ای است.

۲- ماده مضارع مجهول که در هندی باستان تکیه روی پسوند آن قرار می‌گیرد:

kiryeiti کرده می‌شود = kriyáte (در ودایی) و در اوستایی برای صرف آن بدون قایل شدن تمایز هم از شناسه‌های گذرا استفاده می‌شود، هم از شناسه‌های ناگذر. ماده مضارع مجهول خیلی به کار برده

نشده، اما همگام با تحول زبان میزان استفاده از آن اندکی افزایش یافته است. /-ya-/ مجهول‌ساز در فارسی باستان به صورت -iya- درآمده است: ayadiya «ستایش شد».

۱-۱۶-۲ فعل مجهول فارسی باستان

در فارسی باستان فعل مجهول به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱-۱۶-۲-۱ آنهایی که با پسوند -iya- ساخته می‌شوند. مانند: ayadiya «ستایش شد»، akaniya «کنده شد» و abariya «برده شد».

۱-۱۶-۲-۲ آنهایی که از ترکیب صفت مفعولی با یا بدون فعل «بودن» ساخته می‌شوند:

DB 1.61f: xšačam tya hacā amāxam taumāyā	پادشاهی را که از تخمه ما برده شده بود.
parābartam āha.	
DB 4.46f: aniyašciy vasiy astiy kartam.	بسیار (چیزهای) دیگر کرده شده است.

بسیاری از این نوع افعال فارسی باستان را که با فعل کمکی مجهول می‌شوند، کنت در ص ۸۸ ذکر کرده است (kent, 1953:88).

در جایی هم فعل «بودن» حذف می‌شود:

DB 4.1 f: ima tya manā kartam.	این (است) آنچه به وسیله من کرده شده است.
--------------------------------	--

۱-۱۷ صفت مفعولی

صفت مفعولی در فارسی باستان غالباً از ریشه ضعیف با پسوند -ta- ساخته می‌شود؛ مانند: ni-pišta «تبسته». گاهی پسوند -ta- به ریشه قوی نیز افزوده می‌شود، مانند: pāta پاییده از ریشه pā «پاییدن».

۲- ساخت فعل در ایرانی میانه غربی

۱-۲ ماده فعل

در ایرانی میانه غربی ماده مضارع، ماده ماضی، ماده مجهول، ماده سببی و ماده جعلی وجود دارد. در ایرانی میانه غربی ماده جانشین ریشه و ماده ایرانی باستان شده است. آینده در فارسی میانه، ساخت خاصی نداشت و برای بیان آینده از مضارع اخباری و التزامی استفاده می‌شد.

در پارتی فعل‌های موجود را می‌توان به چند نوع تقسیم کرد:

الف: فعل‌هایی که ماده ماضی‌شان با افزودن پسوند *ta- ایرانی باستان (پسوند صفت مفعولی) به ماده مضارع ساخته شده است. افزودن پسوند *ta- که در پارتی به صورت /-t/ یا /-d/ ظاهر می‌شود، گاه باعث دگرگونی‌های آوایی شده است از این‌رو باید ماده ماضی هر فعل را در کنار ماده مضارعش به خاطر سپرد.

ب: فعل‌هایی که ماده ماضی‌شان با افزودن پسوند *-ād* (از *-aya-ta** ایرانی باستان) به ماده مضارع ساخته شده است.

ج: فعل‌هایی که ماده ماضی‌شان از ریشه‌ای دیگر است؛

د: ماده‌های مضارع */s/* دار که بازمانده ماده‌های آغازی ایرانی باستان (مختوم به *-sa**) هستند؛

ه: ماده مضارع سببی با پسوند *-ēn* یا *-ān* یا با مصوت */ē/*؛

و: ماده‌های مضارع جعلی که از اسم یا صفت ساخته شده‌اند؛

ز: برخی از بازمانده‌های ماده‌های مضارع مجهول ایرانی باستان (مختوم به *-ya**).

۲-۲ باب

باب‌های گذرا و ناگذر ایرانی باستان به ایرانی میانه غربی نرسیده‌اند.

۲-۳ فعل مجهول

در فارسی میانه فعل مجهول با نشانه *-īh* (جانشین *-ya* ایرانی باستان)، که میان ماده مضارع و شناسه آورده می‌شود، شناخته می‌گردد. فعل لازم و متعدی با هم از نظر ظاهر تفاوتی ندارند؛ مگر فعل سببی و فعل جعلی، که با فعل لازم از نظر ظاهری تفاوت دارد. فرق فعل لازم و متعدی از کاربرد آن دو در جمله دانسته می‌شود در فعل سببی و فعل جعلی *-ēn* آورده می‌شود. ماده سببی از پیوستن *-ēn* به پایان ماده مضارع ساخته می‌شود.

۲-۴ ماده ماضی

ماده ماضی ایرانی میانه غربی، بازمانده صفتهای مفعولی گذشته و صفتهای فاعلی گذشته ایرانی باستان است. مانند: اوستایی: *bərə-ta-* ایرانی میانه غربی *burd* فارسی دری «برد». در ایرانی میانه غربی علاوه بر ماده‌های ماضی که بازمانده صفتهای مفعولی گذشته و صفتهای فاعلی گذشته ایرانی باستانند، ماده‌های ماضی دیگری هم، که جعلی نامیده می‌شوند به کار می‌روند. ماده‌های جعلی در فارسی میانه با *-ist* و *-īd* و در پهلوی اشکانی ترفانی با *-ād* ساخته می‌شوند.

۲-۵ فعل امر

برای ساختن فعل امر از ماده مضارع استفاده می‌شود، دوم شخص مفرد امر شناسه‌ای ندارد. مانند: *kun* بکن، *gōw* بگو. شناسه دوم شخص جمع *-ēd* است، که به ماده مضارع افزوده می‌شود. برای بیان امر یا تجویز و توصیه ادات */ē/* پیش از سوم شخص مفرد فعل مضارع اخباری به کار می‌رود.

مانند: ē rawēd «برود». معادل /ē/ در فارسی میانه مانوی hēb و در زبور پهلوی و در کتیبه‌های پهلوی ēw است. در فعل نهی از ادات ma استفاده می‌شود: ma kun «مکن».

۶-۲ وجه

از نظر وجه فعل ایرانی میانه غربی دارای وجه اخباری، امری، التزامی و تمنایی است؛ وجه انشایی ایرانی باستان از بین رفته است.

۷-۲ شناسه

در ایرانی میانه غربی شناسه‌های فعل مضارع اخباری بازمانده شناسه‌های فعل مضارع گذرای ایرانی باستانند. امر مفرد دوم شخص مفرد شناسه ندارد و ماده مضارع به عنوان فعل امر به کار می‌رود. شناسه‌های فعل مضارع التزامی، بازمانده‌های شناسه‌های خاص التزامی گذرای ایرانی باستان‌اند. شناسه فعل تمنایی در پهلوی اشکانی ترفانی (h)indē- در فارسی میانه ترفانی (h)ē- و در فارسی میانه زرتشتی ēh- است.

۸-۲ فعل سببی

در پهلوی با افزودن میانوند ēn- به ماده مضارع، ماده مضارع سببی ساخته می‌شود و شناسه‌های مضارع به آن افزوده می‌شود. مثال از فعل رفتن: raw-ēn-ēd «روانه می‌کند». با افزودن īd- به ماده مضارع سببی، ماده ماضی سببی ساخته می‌شود و مانند ماضی متعددی صرف می‌شود. مانند: ū-š raw-ēn-īd «روانه کرد».

۹-۲ زمان

از نظر زمان فعل ایرانی میانه غربی دارای فعل‌های مضارع، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید و آینده است.

۱-۹-۲ فعل مضارع اخباری

فعل مضارع اخباری در ایرانی میانه غربی برای دلالت بر آینده هم، به کار می‌رود.

۲-۹-۲ فعل التزامی

در ایرانی میانه غربی فعل التزامی در موارد زیر به کار می‌رود: در جمله‌های پیرو، در جمله‌های جزای شرط، برای دلالت بر آینده، برای بیان دعا و برای دلالت بر امر.

۲-۹-۳ فعل تمنایی

در ایرانی میانه غربی فعل تمنایی برای موارد زیر به کار می‌رود: برای بیان دعا، برای بیان امر و در جمله شرطی و جزای شرط.

۲-۱۰ شمار

از نظر شمار، مفرد و جمع در ایرانی میانه غربی وجود دارد. شمار مثنای ایرانی باستان به ایرانی میانه غربی نرسیده است.

۲-۱۱ مصدر

مصدر در ایرانی میانه غربی به دو طریق ساخته می‌شود: ۱- ماده ماضی، بدون آنکه چیزی بدان افزوده شود، به عنوان مصدر به کار می‌رود این نوع مصدر در زبان فارسی مرخم نامیده می‌شود. āmad «آمد»، raft «رفت». به ماده ماضی پسوند -an (ایرانی باستان -anai) افزوده می‌شود: āmadan «آمدن».

۲-۱۲ نشانه‌های نفی و نهی و استمرار و تأکید

در ایرانی میانه غربی nē (→ فارسی باستان naiy)، برای نفی و mā/mā (→ فارسی باستان mā) برای نهی به کار می‌رود: nē rawēd «نمی‌رود»، ma bāš «مباش». hamēw در پهلوی اشکانی ترفانی و فارسی میانه ترفانی، hamē در فارسی میانه زردشتی برای دلالت بر استمرار به کار می‌روند: مثال از فارسی میانه زردشتی: hamē rawēd «همی‌رود».

وند hēb در پهلوی اشکانی ترفانی و فارسی میانه ترفانی و ē در فارسی میانه زردشتی پیش از فعل اخباری و تمنایی آورده می‌شود. با فعل اخباری: hēb xwarēnd «بخورند»، با فعل تمنایی: hēb bēn «باشند».

وند ba در فارسی میانه ترفانی، bē در فارسی میانه زردشتی که در اصل برای تأکید بوده، بدون اینکه تغییری در معنی فعل پدید آورند، پیش از فعل آورده می‌شوند: bē raft hēm «برفتم».

برای بیان امتداد در افعال متعدی گاهی از فعل داشتن استفاده می‌شود، به این صورت که پس از ماده ماضی فعل مورد نظر، صیغه‌های مضارع اخباری به کار می‌رود. مانند: paymōxt dārēd «پوشیده است» (تحت اللفظی: «پوشیده دارد»).

۲-۱۳ فعل‌های کمکی

فعل‌های کمکی ایرانی میانه غربی به دو دسته قابل تقسیم‌اند، شخصی و غیرشخصی: فعل‌های کمکی شخصی ایرانی میانه غربی عبارت‌اند از: šah «توانستن» (پهلوی اشکانی ترفانی)، nivistan «آغازیدن» (فارسی میانه ترفانی)، grifan «گرفتن» و kāmistan «خواستن» (فارسی میانه زردشتی).

فعل‌های کمکی غیرشخصی ایرانی میانه غربی عبارت‌اند از: پهلوی اشکانی ترفانی: čār «باید»، sažēd «سزد»، فارسی میانه abāyēd «باید»، šāyēd «شاید»، tuwān «توان» و sazēd «سزد».

۲-۱۴ پیشوندهای دوره میانه

تعداد پیشوندهای دوره میانه به مقدار پیشوندهای دوره باستان نیست، بیشتر پیشوندها از بین رفته‌اند، چند پیشوند به صورت مرده در کلمات زیر دیده می‌شوند:

āmad در (آمد در فارسی دری)؛

apa- ← ab- در (فارسی دری «افکن»، ماده مضارع افگندن)؛

upa- ← ab- در (فارسی دری «افزای» ماده مضارع افزودن)؛

ni- در (فارسی دری «نشست» ماده ماضی نشستن)؛

wi- در (فارسی دری «گذردن»).

پیشوندهای فعلی دوره میانه ممکن است در معنی فعل تغییری ندهند و تنها برای تأکید باشند.

پیشوندهای فعلی زنده دوره میانه:

معنی	پیشوند
بر	ul-
پیش	pēs
فرود	frōd
فراز	frāz
زیر	ēr
در، اندر	andar
باز، دوباره	abāz
بر، بالا	abar

کلمات *andar abar frāz* و *bē* که نقش قیدی دارند، گاه به صورت پیشوند فعلی نیز به کار می‌روند و در معنی یا جهت فعل تغییر معنایی می‌دهند: *bē šud* «بیرون رفت» (به طرف بیرون رفت).

رایج‌ترین پیشوندهای فعلی پارتی عبارت‌اند از: *andar* «در»، *abar* «بر، فراز» و *pēš* «پیش».

<i>hān-išān āz abar adīd.</i>	آز بر آنها غالب آمد (= آز بر آنها غالب شد).
<i>hān pad ōy tan gyān andar bast</i>	همانند جان در تن او بسته شد.

۲-۱۵ ساخت مجهول

ساخت مجهول صرف‌پذیر پارتی، از نظر تاریخی برابر است با ایرانی باستان، بنابراین با بُنی ظاهر می‌شود که آشکارا از ساخت معلوم متمایز است. در زبان پارتی دو نوع فعل مجهول وجود دارد:

۱- فعل‌هایی که بازمانده ماده‌های آغازی ایرانی باستان (مختوم به *-sa-**) هستند. این فعل‌ها مانند فعل‌های معلوم صرف می‌شوند: *āmīxs-ēd* «آمیخته می‌شود»؛

۲- فعل‌هایی که از ترکیب ماده ماضی و صیغه مضارع (اخباری یا التزامی)، فعل کمکی *baw* «بودن» ساخته شده‌اند: *wišād bawēnd* «گشوده می‌شوند»، *nigand bawēnd* «مدفون می‌شوند».

۲-۱۶ مجهول در زبان پهلوی

در زبان پهلوی فعل مجهول به دو گونه بیان می‌شود: یک) با استفاده از ماده مجهول، (دو) با استفاده از ماده ماضی (= اسم مفعول) و افعال کمکی.

۱- با استفاده از ماده مجهول؛

فعل مضارع مجهول از ماده مجهول و شناسه‌های مضارع ساخته می‌شود و این ماده خود از افزودن-*/īh/* به ماده مضارع به دست می‌آید: مثال از فعل «دیدن» *wēn-īh-ēd* «دیده می‌شود». فعل ماضی مجهول با افزودن *-ist* به ماده مضارع مجهول به دست می‌آید. از این ساختمان فقط صیغه سوم شخص مفرد ماضی ساده در دست است. مانند: *wēn-īh-ist* «دیده شد».

۲- با استفاده از ماده ماضی و افعال کمکی.

مضارع مجهول با افزودن صیغه‌های مضارع فعل بودن به ماضی ساده (اسم مفعول) ساخته می‌شود: *guft bawēd* «گفته می‌شود».

۲-۱۷ فعل‌های لازم و متعدی

در زبان‌های پارتی و پهلوی صرف افعال لازم و متعدی با هم تفاوت دارند. افعال ماضی متعدی زبان پهلوی دارای ساخت ارگتیو هستند.

۲-۱۸ ماضی شرطی (غیرمحقق)

از این وجه بیشتر سوم شخص مفرد در دست است که با افزودن صیغه سوم شخص مفرد مضارع خواستاری فعل h- یعنی hē و ندرتاً سوم شخص مفرد مضارع التزامی همین فعل یعنی hād به ماده ماضی هم در شرط و هم در جواب شرط ساخته می‌شود.

بخش اول

گویش تاتی

۱- ریشه فعل

ریشه^۱ جزیی است که میان لغت‌های تشکیل دهنده یک خانواده لغوی مشترک است و معنی اصلی اصلی آن لغت‌ها را در بر دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). در تاتی ریشه افعال در مواردی قابل شناسایی است و دو صورت دارد: ضعیف و قوی.

ریشه ضعیف صورتی از ریشه است که -ā- ندارد و ریشه قوی صورتی است که -ā- دارد. از ریشه قوی غالباً برای ساخت فعل‌های سببی (← ماد سببی یا واداری)، و از ریشه ضعیف برای فعل‌های مجهول و لازم و مواقعی هم برای ساخت فعل سببی استفاده می‌شود، به عبارتی، از گردش مصوت در تاتی به منظوره‌ای خاصی استفاده می‌شود، که نمونه‌اش واداری کردن فعل لازم است. در زیر نمونه‌هایی از ریشه ضعیف و قوی تاتی ذکر می‌شود:

ریشه قوی	ریشه ضعیف
gârd-ən-əs(t)-en/an گرداندن	gard-əs(t)-en/an ^۲ گشتن (د، ل، ک ^۲)
râs-ən-əs(t)-en/an رساندن	ras-əs(t)-en/an رسیدن (د، ل، ک)
târs-ən-əs(t)-en/an ترساندن	tars-əs(t)-en/an ترسیدن (د، ل، ک)
vaš-ən-əs(t)-en/an روشن کردن	vaš-əs(t)-en/an روشن بودن (د، ل، ک)
čâr-n-əs(t)-en/an چراندن	čar-əs(t)-en/an چریدن (د، ل، ک)
xâr-n-əs(t)-en/an خاراندن	xar-əs(t)-en/an خاریدن (د، ل، ک)

۱- هر نظری درباره ریشه فعل تاتی در این اثر، بر اساس تعداد ریشه‌هایی است که در تاتی موجود و شناخته شده است.

۲- در این کتب حروف ل نشان اختصاری گونه لردی، د نشانه اختصاری گونه دروی و ک نشانه اختصاری گونه کجلی است.

۳- مصدر گونه‌های سه گانه تاتی اختلاف اندکی با هم دارند، یعنی پسوند مصدر در دروی -en- و در دو گونه دیگر -an- است، بدین خاطر برای اجتناب از اطالة کلام، در مواردی مصادر سه گونه در یک جا در طرفین علامت ممیز / نوشته شده‌اند. مانند: gard-əs(t)-en/an یعنی در دروی gardəs-en لردی، gardəs-an و در کجلی gardəst-an است.

در زیر چند نمونه از افعال سببی، لازم و مجهول، در گونه‌های سه‌گانه تاتی ذکر می‌گردد:

فعل	کجلی	لردی	دروی
می‌ترسد	mə-tars-ə	tars-ə	tars-ə
می‌ترساند	mâ-târs-ân-ə	târs-en-ə	târs-ânə
می‌چرد	mə-čar-ə	čarr-ə	čar-ə
چرانیده شده است	čâr-nista	čâr-nəsa	čâr-nisa

۲- ماده فعل

ماده با افزودن جزیی به ریشه که در اساس برای افزودن معنی جدید به آن بوده، ساخته می‌شود (همان، ص ۱۴۸). در گویش تاتی ماده مضارع، ماده ماضی، ماده مجهول، ماده جعلی و ماده سببی (واداری) وجود دارد.

۲-۱ ماده مضارع

ماده مضارع جزء ثابت فعل در ساخت‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع تمنایی، ماضی استمراری تمنایی، ماضی استمراری (در گونه دروی)، ماضی مستمر، مضارع مستمر، امر و صفت فاعلی است، تنها نشانه ویژه‌ای که ماده مضارع در تاتی دارد، -n- است. در تاتی دروی در یک، مورد علامت nj- نشانه ویژه مضارع است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
ساییدن ^۱ (د)	su-en	sun	su
کشیدن روی زمین (د)	kəri-en/an	kərn	kəri
جویدن (د، ل، ک)	ju-en/an	jun	ju
درو کردن (ل)	duri-yan	durun	duri
زدن (د)	za-en	zan	za
چیدن (ک)	či-ân	čin	či
پاره کردن (د)	vəsəs-en	vəsənj	vəs

۴- مصدرها در گویش تاتی همانند دیگر گویش‌ها، معانی متعدد و متنوعی دارند، در اینجا به معنی کلی و غالب آنها نظر داشته‌ایم و از ذکر همه معانی یک مصدر یا فعل خودداری شده است.

۲-۲ ماده ماضی

ماده ماضی جزء ثابت فعل در ساخت‌های زمان ماضی (به استثنای ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی و ماضی مستمر (در دروی)، و پایه ثابت فعل در ساخت‌های مضارع مستمر (لردی)، صفت مفعولی و مصدر است.

در تاتی ماده ماضی از ریشه فعل به اضافه پسوندهای ماضی ساز -t, -i, -d, -s و -t (s/ss/s) به دست می‌آید، ساخت اصلی ماده ماضی با پسوند -t, -d, -s (باقی مانده از پسوند صفت مفعولی / * -ta / ایرانی باستان) است و ساخت‌های دیگر که امروزه بیشتر استفاده می‌شود، ثانوی به نظر می‌رسند. شکل اصلی ماده‌های ماضی در تاتی از پیوستن -t و -d به آخر ریشه یا ماده‌های مضارع ساخته می‌شود و پیوستن این نشانه‌ها اغلب موجب تغییرات آوایی ریشه یا ماده مضارع می‌گردد. به همین سبب، برخی پژوهشگران، این نوع فعل‌ها را افعال «بی‌قاعده» نامیده‌اند (← صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۴: ۳۱-۳۳ و لازار، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۶۴). علاوه بر ساخت فوق، شکل‌های دیگری نیز از ماده‌های ماضی در تاتی وجود دارد که امروزه کاربرد بیشتری پیدا کرده است. این ماده‌ها، در حقیقت شکل ثانوی یا ماده جعلی محسوب می‌شوند.

ماده‌های ماضی تاتی را به دو نوع می‌توان تقسیم کرد: اصلی و جعلی. ماده ماضی اصلی که اغلب با ماده مضارع هم‌ریشه خود، امروزه رابطه قیاسی استواری ندارد و ماده ماضی جعلی که دو نشانه عمده دارد: -i و -st. نشانه دوم (-st) در تاتی، ضمن آنکه کاربرد گسترده‌تری دارد، بین ریشه یا ماده مضارع و افزونه ماده ساز قرار می‌گیرد.

در اینجا نمونه‌هایی از ماده‌های ماضی اصلی (مختوم به -t/-d) تاتی را می‌آوریم که رابطه دستوری آنها همچنان با ماده مضارع آنها بدون تغییری حفظ شده است. البته، شمار این ماده‌ها در تاتی، محدود است.

الف) ماده‌های ماضی مختوم به -t:

این نوع از ماده‌ها در تاتی دروی و لردی اندک‌اند، اما در کجلی تعداد بیشتری از آنها یافت می‌شود.

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
نشستن (د، ل)	nəšt-en/an	nəš	nəš-t
کشتن (ل)	kušt-an	kuš	kuš-t
تراشیدن (ک)	tâšt-an	tâš	tâš-t
رسیدن (ک)	rist-an	ris	ris-t

ب) ماده‌های ماضی مختوم به -d :

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
عبور کردن (ک)	da-viyard-an ^۱	dā-viyar	da-viyar-d
بردن (د)	bard-en	bar	bar-d
کردن (د)	kard-en	kar	kar-d
مردن (ل)	mard-an	mar	mar-d
شستن (ک)	šurd-an	šur	šur-d
خواندن (ل)	xând-an	xân	xân-d

هرچند رابطه دستوری اغلب ماده‌های ماضی اصلی با ماده‌های مضارع هم‌ریشه آنها ظاهراً گسسته است، با این حال، بین این ماده‌ها نوعی رابطه برقرار است و از این نظر به صورت‌های زیر قابل طبقه‌بندی هستند:

الف) با افزودن نشانه ماضی ساز -t و -d به ماده مضارع، همخوان آخر این ماده حذف می‌شود، در این صورت، ماده مضارع اغلب مختوم به -j است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
آموختن (د، ل، ک)	â-mut-en/an	â-muj	â-mut
کشیدن (د)	da-rânt-en	da-rânj	da-rânt
دوختن (د، ل، ک)	dut-en/an	duj	dut
شکافتن (د)	aškât-en	aškâj	aškât
قدم زدن (د، ل، ک)	mæt-an	məj	mæt
پختن (د، ک)	pat-an	pej	pat
پیچیدن (د، ل)	pit-en/an	pič	pit
سوختن (د، ل)	sut-en/an	suj	sut
گفتن (د، ل، ک)	vât-en/an	vâj	vât

با این حال، در مواردی، ماده‌های مضارع مختوم به -š، -s و -č با فرایند حذف نیز دیده می‌شوند:

معنی مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
فروختن (د، ل)	xəruš	xərut
خوابیدن (د، ک)	xəs	xət
پیچیدن (د، ل)	pič	pit
فروختن (ک)	ruš	rut

۱ - این مصدر به صورت da-yvard-an نیز تلفظ می‌شود که شکل قلب‌شده مصدر قبلی است.

(ب) با اضافه شدن نشانه ماضی ساز -t و -d تغییرات آوایی خاصی به شرح زیر رخ می دهد:

۱- تبدیل z به š:-

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
گزیدن (د، ل، ک)	gašt-en/an	gaz	gašt
برخاستن (ل)	hešt-an	heyz	^{۱۱} Hešt
پریدن (د، ل، ک)	vašt-en/an	vaz	vašt
پهن کردن (د)	â-vrâšt-en/an	â-vrâz	â-vrâšt
میزیدن (ک)	ad-mišt-an	ad-miz	ad-məšt
خواستن، خواستگاری (ل)	â-xâšt-an	â-xâz	â-xâšt

۲- تبدیل s به š:-

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
نگاه کردن (د، ل)	diyašt-en/an	diyas	diyašt
نوشتن (د)	nəvəšt-en	nəvis	nəvəšt
لیسیدن (د، ک)	â-lišt-en/an	â-lis	â-ləšt
نوشتن (ل، ک)	nivišt-an	nivis	nivišt

۳- تبدیل r به š:-

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
کاشتن (ل)	kašt-an	kâr	kâšt
داشتن (د، ل، ک)	dâšt-en/an	dâr	dâšt
گذشتن (د)	gəzašt-en/an	gəzar	gəzašt

۱- شکل ظاهری دو مصدر hešten «بلند شدن» و hašten «به جا گذاشتن» در گونه دروی یکی است، و عامل تشخیص آنها ستاک مضارع آنهاست، ستاک مضارع اولی hayz و ستاک دومی harz است. این دو مصدر در تاتی لردی دو شکل متفاوت خود را حفظ کرده اند، یعنی اولی heštan «بلند شدن» و دیگری haštan «به جا گذاشتن» است.

۴- تبدیل ۳Z به ۵:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
گذاشتن (د، ل)	hašt-en/an	harz	hašt
رهاکردن (د)	â-[j]ašt-en	â-[j]arz	â-[j]ašt(> hašt)

با این حال، مواردی از ابدال Z به X نیز دیده می‌شود:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
باختن (د، ل)	باختن	bâz	bâxt
ساختن (د، ل)	ساختن	sâz	sâxt

ج) با افزودن نشانه ماضی ساز -d، -t، به ماده مضارع، تغییرات آوایی زیادی رخ می‌دهد، چنانکه نمی‌توان آنها را تحت قاعده خاصی درآورد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
شستن (د)	šəs-en/an	šəst	šur
گرفتن (د، ک)	gat-en/an	gat	gir
برشتن (د)	bərəšt-en	bərəšt	bərij
پختن (د، ل، ک)	pat-en/an	pat	pej/pəj
زاییدن (د، ل، ک)	zand-en/an	zand	zâ
میزیدن (د)	da-məšt-en/an	da-məšt	da-miz

د) ماده ماضی برخی از فعل‌ها با تغییر مصوت آخر ماده مضارع آنها به دست می‌آید. شمار این ماده‌ها بسیار محدود است.

در زیر تعدادی از نمونه‌های تبدیل a به â- آمده است:

معنی	معنی مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
دادن (د)	dâ-en	da	dâ
دادن (ک)	de-[y]-an	da	dâ
دادن (ل)	di-[y]-an	da	dâ
نهادن (د)	nâ-en	da	dâ
نهادن (ک)	ne-[y]-an	na	nâ
نهادن (ل)	ni-[y]-an	na	nâ

علاوه بر ماده‌های ماضی اصلی، ماده‌های جعلی نیز در تاتی وجود دارند که با افزودن نشانه‌هایی به آخر ماده مضارع و برخی اسم‌ها و صفت‌ها ساخته می‌شوند.^۱ این نشانه‌ها عبارت‌اند از -st (و گونه‌های آن) و -i که به شرح زیر شواهدی از ماده‌های جعلی در گونه‌های مختلف تاتی ذکر می‌شود.

-st -۱:

این نشانه معمولاً با مصوت میانجی /ə/ همراه است و فقط در گونه کجلی یافت می‌شوند:

معنی	معنی مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
پرسیدن (ک)	â-pars-əst-an	â-pars	â-pars-əst
چسبانیدن (ک)	âškân-əst-an	âškân	âškân-əst

-ss -۲: نشانه

این وند ماده‌ساز اغلب به ریشه‌هایی ملحق می‌شود که مختوم به مصوت باشند. همه مواردی که به -s ختم می‌شود، در اصل مختوم به -st بوده است، با گذشت زمان، /s/ و /t/ در هم ادغام شده، -st ابتدا به -ss و سپس به -s بدل شده است.

معنی	معنی مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
جارو کردن (ل)	da-russ-an	da-ru	da-russ
کوبیدن (د، ل)	kuss-en/an	ku	kuss
کوبیدن (ک، ل)	kuss-an	ku	kuss
پاییدن (د)	pâss-en	pâ	pâss
خواستن (د)	xâss-en	xâ	xass

-əs -۳: نشانه

معنی	معنی مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
آویزان کردن (د، ل)	-ləgânəs-en/anâ	-ləgânâ	-ləgân-əsâ

۱- سابقه استفاده از نشانه ماضی‌ساز /-əst/ به دوره میانه زبان‌های ایرانی گروه غربی می‌رسد. «فارسی میانه، علاوه بر ماده‌های ماضی بازمانده از صفت‌های فاعلی و مفعولی گذشته، که ماده‌های ماضی اصلی به شمار می‌آیند، ماده‌های ماضی جعلی هم دارد. ماده‌های ماضی جعلی فارسی میانه، از اسم، ماده مضارع لازم، معلوم، مجهول، واداری و جعلی با -îd و یا -îst ساخته شده‌اند» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳، ۱۷). در آثار اولیه فارسی دری، این نشانه به صورت -est (-ست) در ساختمان برخی از فعل‌ها دیده می‌شود و مواردی محدود، به زبان فارسی امروز نیز رسیده است. مانند: توانستن، زیستن، گریستن، و... اما این نوع فعل‌ها در فارسی دری زایایی چندانی نداشته و احتمالاً شواهد انگشت‌شمار آن از راه دیگر گویش‌های ایرانی به متون فارسی راه یافته‌اند (رضایانی کیشه‌خاله، ۱۳۸۵: ۱۱).

nəʃân-əs	nəʃân	nəʃânəs-en/an	نشانیدن (د، ل)
â-mân-əs	â-mân	â-mânəs-en	نشان دادن (د، ل)
â-parčîn-əs	â-parčîn	â-parčînəs-en	سپری کردن (د)
ras-əs	ras	rasəs-en/an	رسیدن (د، ل)
səj-əs	səj	səjəs-en	سوختن (د)

۴- نشانه s-:

معنی	معنی مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
منجمد شدن، یخ بستن (د)	bəys-en	bəy	bəy-s
چاییدن (د)	čāys-en	čāy	čāy-s
زفتن (د)	â-rus-en	â-ru	â-ru-s
شستن (ل)	šurs-an	šur	šur-s
خندیدن (ل)	xurs-an	xur	xur-s

دو نوع اخیر ماده‌ها (ماده مختوم به s- و əs-) فقط در «دروی» و «لردی» کاربرد دارند و در «کجلی» یافت نمی‌شوند.

۵- i-: از این نشانه، شواهد معدودی در تاتی وجود دارد:

معنی	معنی مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
بریدن (د)	bəri-[y]-en	bər	bəri
دزدیدن (ل)	dəzzi-[y]-an	dəž	dəzi
خریدن (د)	xəri-[y]-en	xər	xəri
دزدیدن (ک)	dəzdi-[y]-an	dəz	dəzi

۲-۳ ماده مجهول

ماده مجهول در تاتی از ماده مضارع به همراه وند-isi- (کجلی)، i- (دروی) و i- / ə- (لردی) ساخته می‌شود. برای ساخت فعل مجهول ماضی از ماده مجهول به اضافه پسوندهای ماضی‌ساز (← پسوند ماضی‌ساز) استفاده می‌شود. در تاتی بعضی از فعل‌های مجهول ماضی و مضارع معنی لازم نیز می‌دهند:

معنی	مجهول مضارع	معنی	مجهول ماضی
کنده می‌شود (د)	kan-i	کنده شد	bə-kan-is
کنده می‌شود (ک)	mə-kan-isi	کنده شد	bə-kan-ist

bə-pej-əs	پخته شد	paj-ə sar	دارد پخته می شود (ل)
bərr-əs-a	بریده شده است	bərr-ə	بریده می شود (ل)
bə-zar-is	پاره شد	zar-i	پاره می شود (د)
bə-zar-ist	پاره شد	mə-zar-isi	پاره می شود (ک)
bə-bey-is	منجمد شد	bey-i	بسته (منجمد) می شود (د)

از ماده مجهول در ساخت صفت مفعولی نیز استفاده می شود که در زیر چند نمونه ذکر می شود:

کجلی	لردی	دروی	فعل
bör-ista	bərr-əsa	bər-isa	بریده شده
vâj-ista	vâj-əsa	vâj-isa	گفته شده

در تاتی علاوه بر ساخت مجهول از ماده مجهول، از سوم شخص جمع فعل مضارع معلوم نیز برای ساخت فعل مجهول استفاده می شود که شرح آن در ذیل «فعل مجهول» آمده است.

۲-۴ ماده جعلی

ماده جعلی از اسم، صفت یا حتی حرف اضافه ساخته ساخته شده است. مثلاً در پهلوی: abāg- enīd-an «همراهی کردن» از abāg حرف اضافه «با» ساخته شده است. ماده ماضی جعلی، دو نشانه عمده دارد: -i و -st. نشانه دوم در تاتی، ضمن آنکه کاربرد گسترده تری دارد، بیشتر با مصوت میانجی -ə- همراه است که بین ریشه یا ماده مضارع و افزونه ماده ساز قرار می گیرند. در هر سه گونه تاتی ماده جعلی وجود دارد و بسیار پر کاربرد است، این ماده از اسم یا صفت ساخته می شود:

کجلی	لردی	دروی	فعل
fam-əst-an	fam-es-an	fam-es-en	فهمیدن
larz-əst-an	larz-əs-an	larz-əs-en	لرزیدن

۲-۵ ماده سببی (واداری)

ماده سببی در تاتی به دو روش به دست می آید:

(۱) با استفاده از نوعی گردش مصوت. در تاتی با نوعی گردش مصوت از -a- به -â- فعل سببی به دست می آید (نمونه هایی از گردش مصوت در تاتی در بخش ریشه فعل ضعیف و قوی آمده اند).

(۲) به کمک وندهای سببی -ân-, -ən-, -âvən- (ظاهراً از -aya-na-* ایرانی باستان):

در تاتی وندهای سببی دو دسته اند: الف) ریشه قوی + -(ə)n-/-ân- (ب) ریشه ضعیف + âvən-

الف) ریشه (قوی) + -(ə)n-/-ân-:

معنی سببی	مصدر سببی	معنی لازم	مصدر لازم
جوشانیدن (ل)	gul-ân-əs-an	جوشیدن	gul-əs-an
رسانیدن (ل)	â-râs-ân-es-an	رسیدن	â-ras-əs-an
لرزانیدن (د)	lârz-ân-s-en/an	لرزیدن	larz-əs-en/an
گردانیدن (د)	gârd-ân-əs-en	گشتن	gard-əs-en
گردانیدن (ک)	gârd-ân-əst-an	گشتن	gard-əs-an
لرزانیدن (ل)	lârz-ân-əs-an	لرزیدن	larz-əs-an
فراری دادن (د، ل)	ji-vâz-ən-əs(t)en/an	فرار کردن، جهیدن	ji-vašt-en/an

همان‌طور که از جدول فوق برمی‌آید، مصوت ماده فعل تغییر کرده و وند سببی به فعل اضافه شده است.

ب) ریشه ضعیف + âvən:

معنی	مصدر سببی	مصدر لازم
دل‌سرد کردن (د)	âsrang-âvən-əs-en	âsrang-əs-en
خنداندن (د)	xur-âvən-əs-en/an	xur-əs-en
ریختن، به رانش واداشتن (د)	sər-âvən-əs-en	sər-əs-en

کاربرد هر دو روش فوق سماعتی است و دارای قاعده خاصی نیست، تعداد فعل‌هایی که با روش دوم (با وند -âvən)، سببی می‌شوند، اندک‌اند. در لردی وند -âvən- رواج ندارد.

۳- مصدر^۱

مصدر در تاتی از ماده ماضی به علاوه علامت مصدری ساخته می‌شود. علامت مصدری در تاتی دروی: -[y]en- (و نیز -n) و در لردی و کجلی -[y]an- است. گونه‌های -n- و -[y]en- گاهی به ماده‌هایی ملحق می‌شود که مختوم به مصوت بلند باشند:

معنی	مصدر	ماده ماضی	علامت مصدری
رفتن (د، ل)	ši-[y]en/an	ši	-(y)en / (y)an
باز شدن (ک)	â-bi-[y]-an	â-be	-[y]an

۱- در بخش «وندهای تصریفی» فقط وند مصدرساز آمده است. در اینجا ساختمان مصدر و انواع آن بحث شده است.

-an	iškist	iškist-an	شکستن (ک)
-en/an	bard	bard-en/an	بردن (د، ل)
-en/an	bə-raməs	bəraməs-en/an	گریه کردن (د، ل)
-en/an	kus	kuss-en	کوبیدن (د)

چند مصدر در دروی ویژگی خاصی دارد، به این صورت که هم بدون واج میانجی و هم با واج میانجی به کار می‌روند. در لردی و کجلی این ویژگی به چشم نمی‌خورد:

با واج میانجی	بدون واج میانجی	فعل
za-[y]-en	z-en	زدن (د)
nâ-[y]en	nâ-n	نهادن (د)
dâ-[y]-en	dâ-n	دادن (د)

ساختمان مصدر: مصدر از نظر ساختمان در تاتی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۳-۱ مصدر ساده

مصدرهایی ساده‌اند که از مادهٔ ماضی و علامت مصدری ساخته شده‌اند و عنصر دیگری در ترکیب آنها یافت نمی‌شود. در تاتی تعداد این مصادر اندک است و تقریباً به ۲۰۰ (دویست)^۱ مصدر ساده می‌رسد:

معنی	فعل
بردن (د، ل)	bard-en/an
شمردن (ک)	âšmârd-an
کوبیدن (ل)	kuss-an
گفتن (د، ل)	vât-en/an
دادن (ک)	de-[y]-an
شستن (د، ل)	šəst-en/an
رفتن (د، ل، ک)	ši-[y]-en/an
شنیدن (ک)	ašnavəst-an

۲- نگارنده طبق یک برآورد آماری از فعل‌های تاتی دروی این عدد را به دست آورده است.

۲-۳ مصدر پیشوندی

مصدرهای پیشوندی از مادهٔ ماضی و یک پیشوند فعلی همراه با علامت مصدری ساخته می‌شوند. انواع پیشوندهای مصدری یا پیشوندهای فعلی در جدول زیر آمده است (نیز ← بخش «پیشوندهای فعلی» که در آنجا معنا، حوزهٔ جغرافیایی، طریقه و کمیت کاربرد هریک از پیشوندها آمده است). علامت — نشان دهندهٔ آن است که پیشوند مورد نظر در آن گونه وجود ندارد:

معنی	کجلی	لردی	دروی
باز کردن	â-kard-an	â-kard-an	â-kard-en
زیر چیزی بودن	jir-bi[y]-an	ji-bi[y]-an	ji-bi[y]-an
بیرون کردن	abar-kard-an	bar-kard-an	bar-kard-en
وارد شدن	ada-ši[y]-an	di-ši[y]-an	da-ši[y]-en
بستن	a-bast-an	a-bass-an	---
ریختن	ara-kard-an	ara-kard-an	---
نگاه کردن به بالا	---	---	pe-diyašt-en
نگاه کردن به پایین	---	---	e-diyašt-en
واژگون کردن	---	av-gârd-en-əs-an	---
بردن به بالا	av-ruard-an	---	---
برافراشتن	ey-pârâšt-an	---	---

۳-۳ مصدرهای ترکیبی

مصدرهای ترکیبی در تاتی از ترکیب اسم، صفت یا قید، با شکل ساده و یا پیشوندی مصدرهایی نظیر: kard-en/an (کردن)، (â-)bi-en/yan (بودن/شدن)، za-en/ziyan (زدن)، gat-en/an (گرفتن) و ... ساخته می‌شوند:

tar kard-en	قهر کردن (د)
das bar kard-an	از دست دادن (ل)
garm â-karde/an	گرم کردن (د، ک)
nâxuš â-bi-[y]en	مریض شدن (د)
var â-dâ-[y]-en/an	رها کردن (د، ل)
fær di[y]an	پرت کردن (ک)
âv â-gat-en /an	آب کشیدن (د)

۴- پیشوندهای فعل:

پیشوندهای فعلی را می‌توان به دو دسته پیشوندهای تصریفی و پیشوندهای اشتقاقی تقسیم کرد:

۴-۱-۱ پیشوند تصریفی:

وندهای تصریفی فعل تاتی عبارت‌اند از: وند وجه، وند نمود، وند نفی. در زیر هریک از وندها همراه مثال‌هایی به صورت جداگانه ذکر می‌گردد. در اینجا سعی شده است حتی المقدور وندها از نظر پیشوند یا پسوند بودن دسته‌بندی شود، اما همیشه این میسر نشده، چون وندی مثل وند نفی در تاتی هم پیشوند محسوب می‌شود و هم پسوند، یعنی هم در آغاز فعل و هم در آخر فعل ظهور می‌کند. بنابر این دسته‌بندی وندها برای حفظ شکل کلی و غالب دستورنویسی است، تا خوانندگانی که دنبال پیشوندهای فعلی هستند، بتوانند در جای خود آنرا بیابند.

۴-۱-۱-۱ وند وجه

در بخش «وجه فعل» درباره‌ی وجه فعل تاتی بحث شده است. در این جا فقط وند وجه بررسی می‌شود. گویش تاتی دارای چهار وجه اخباری، امری، التزامی و تمنایی است (← بخش وجه فعل).

۴-۱-۱-۱-۱ وند وجه اخباری تاتی: b- (و گونه‌های -ba, -bu, -bi, -bə و -bō) و m- (و گونه‌های -mā, -mō, -mu و -mi) است.

۴-۱-۱-۱-۲ وند وجه التزامی در تاتی: b- (و نیز گونه‌های -bə, -bi, -bu, -bō و -ba) است.

۴-۱-۱-۱-۳ وند وجه تمنایی: bay, bāy (و نیز bey), -â, -âu, -i و -i- است.

۴-۱-۱-۱-۴ وند وجه امری در تاتی: b(v) و m(a) است.

وندهای -bō و m- (و گونه‌های -mō, -mu, -mā و -mi)، در کجلی کاربرد دارند و در دو گونه دیگر (دروی، لردی)، به کار نمی‌رود. وندهای -bi, -bu در لردی و کجلی به کار می‌رود. وند

۱- این وند در آغاز به نظر می‌رسد $ba + y$ باشد، یعنی -y- ماضی نقلی و -ba- در هم ادغام شده باشند، اما چون در فعل‌های متعدی نقلی وند -y- وجود ندارد، این احتمال بعید است، چون در نقلی تمنایی متعدی bay به کار می‌رود، پس این -y- تمنایی است نه نقلی.

۲- یارشاطر این وند را در دو جمله‌ای که آورده، -ây- ضبط کرده است. مانند: *should I have age virita bâym* (run) [اگر دویده بودم]. نک. Yarshater, 1960 : 282. این احتمال وجود دارد که بعد از مدت‌ها (که از زمان تحقیق یارشاطر می‌گذرد)، *bây* به *bâu* تبدیل شده باشد (برای توضیح بیشتر ← ساخت ماضی نقلی غیرمحقق در کجلی).

۳- منظور از -b(v) این است که بعد از وند تصریفی -b- هر واکه‌ای می‌تواند بیاید. و علت ایتالیک نوشتن v یا واکه (vowel) این است که با همخوان /v/ اشتباه نشود.

(mə-) ویژه فعل مضارع اخباری است و با فعل‌های پیشوندی هم به کار می‌رود، گاهی به دلیل شرایط آوایی به -n- تبدیل می‌شود. گونه bə- و mə- پرکاربردترین وند در تاتی‌اند:

bə-nəšt	نشست (د، ل)	ماضی ساده	وجه اخباری
b-âmitəš	آموخت (ک)	" "	
bi-nivistəš	کره گرفت، نهره زد (ک)	" "	
bu-šurdəš	شست (ک)	" "	
bū-göləst	جوشید (ک)	" "	
mə-hārə	آرد می‌کند (ک)	مضارع اخباری	وجه اخباری
mi-ginə	برخورد می‌کند، می‌افتد (ک)	" "	
mō-rōjānə	برشته می‌کند (ک)	" "	
m-âkkārənə	به زمین می‌کشد (ک)	" "	
sar-əm a-m-bar-ši	سر در می‌آورم (ک)	" "	
ara-n-gir-əm	می‌گیرم (ک)	" "	وجه التزامی
b-in-əm	ببینم (د، ل)	مضارع التزامی	
bə-nəš-əm	بنشینم (د)	" "	
bə-zan-ə	بزند (ک)	" "	
bə-nəš-i	بنشینی (ل)	" "	
vinnda-m bə-bu	دیده باشم (د)	ماضی التزامی	وجه تمنایی
nəšta bey-me	نشسته باشم (ک، ل)	" "	
šiya-bə-bum	رفته باشم (د)	" "	
bə-nəš-â-mân	اگر بنشینیم (د)	مضارع تمنایی	
b-in-âm	ببینم (د، ل)	" "	
nəšta b-â-m	نشسته باشم (د، ل)	" "	
b-in-e-mân	اگر می‌دیدیم (ل)	" "	
bə-hös-â	اگر بخوابد (ک)	" "	وجه تمنایی
vind-am bâ	اگر دیده بودم (د)	ماضی تمنایی	

vinda-m biya bay	اگر دیده بوده‌ام (د)	ماضی نقلی غیرمحقق	وجه تمنایی
virita bāy-m	اگر دویده بوده‌ام (ک)	" "	
nəšta-bā-u-mân	اگر نشسته باشیم (ک)	" "	
harda-r biya bay	اگر خورده بوده‌ای (د)	ماضی نقلی بعید تمنایی	
bə-duj	بدوز (د، ل)	فعل امر	وجه امری
bə-gen	بیفت (د، ل)	" "	
b-â (<bə-vâr)	بیاور (د، ل)	" "	
bö-jöš	بجوش (ک)	" "	
bu-duj	بدوز (ل)	" "	
bu-šur	بشور (ک)	" "	
bi-niv	کره درست کن، نهره بزن (ک)	" "	
ma-nəš	ننشین (د، ل، ک)	فعل نهی	

وند وجه اخباری، امری و التزامی -b(۱) وقتی استفاده می‌شود که فعل، پیشوندی نباشد، در صورت پیشوندی بودن، خود پیشوند فعل، جانشین وند وجه می‌شود:

â-gard	برگردد (ل)	pe-gat-əm	برداشتم (د)
ara-ba (r)	ببلع (ل)	e-bard-ər	بلعیدی (د)
a-gata-m	برداشته‌ام (ل)	pe-gatam bəbu	برداشته باشم (د)
ara-barda-r biya be	می‌بلعیده بودی (ل)	e'-bar-i	ببلعی (د)

۴-۱-۲ وند نمود

در بخش «نمود فعل» درباره نمود بحث شده است، در این قسمت فقط به وند نمود اشاره می‌شود. فعل‌های تاتی دارای دو نمود اصلی (ساده و مستمر) و دو نمود فرعی (تأکیدی و آغازی) هستند. نمود ساده و آغازی در تاتی وندی ندارد (برای نمود ساده و آغازی نک. بخش‌های ۷-۱ و ۷-۴).

۴-۱-۲-۱ وند نمود مستمر

وند نمود مستمر (ماضی و مضارع مستمر) در گونه دروی -kərâ، در کجلی -kâri و در گونه لردی برای ماضی -ard- و برای مضارع -ar- است. در گونه دروی و کجلی -kərâ و -kâri وقتی با ماضی استمرار می‌آید، نشانه ماضی مستمر و وقتی با مضارع اخباری می‌آید، نشانه مضارع مستمر است. نشانه -i- در دروی و -e- در لردی وند نمود استمرارند. در کجلی مضارع اخباری و ماضی استمراری

دارای وند مخصوص -m(ə) (برای فعل‌های ساده) و -n- (برای فعل‌های پیشوندی) است (در جدول زیر علامت - - - نشان دهنده آن است که در ساخت آن گونه، نمود مورد نظر وندی ندارد):

فعل	کجلی	دروی	لردی
داشتم می‌نشستم	kâri mə-nəšt-im	kəɾâ nəš-im	nəšt-ard-əm
داشتید می‌ریختید	kâri ara-kard-ərân	kəɾâ e-kar-irân	ara-kard-ard-ərânə
دارم می‌نشینم	kâri mə-nəš-əm	kəɾâ nəš-əm	nəšt-ar-əm
دارید می‌گیرید	kâri ara-n-gir-a	kəɾâ e-gir-a	ara-kat-ar-â
می‌نشستم	mə-nəšt-im	nəš-i-m	nəšt-e-m
می‌گرفتم	ara-n-gat-əm	bar-i-m	ara-kat-e-m
می‌نشینم	mə-nəš-əm	---	---
می‌گیریم	ara-n-gir-âm	---	---

۴-۱-۲-۲ وند نمود تأکیدی

افزونه‌های -e، -â، -iya و -ən در تاتی نمودنمای تأکیدی است.

دروی: نمودنمای -â و -e در آخر بعضی از فعل‌های وجه اخباری و امری و مضارع التزامی ظاهر می‌شوند و مفهوم تأکید را به فعل می‌افزایند:

وجه	معنی	با وند -â	با وند -e
وجه اخباری	می‌گیرم (می‌گیرم ها) (د)	gir-əm-â	gir-əm-e
وجه امری	نترسیا (نترسی ها) (د)	ma-tars-â	ma-tars-e
وجه امری	می‌زنم (می‌زنم ها) (د)	zan-əm-â	zan-əm-e
مضارع التزامی	بزنیا (بزنی ها) (د)	bə-zan-i-[y]â	bə-zan-i-[y]e

لردی: نشانه -a در لردی در آخر بعضی از فعل‌های وجه اخباری، امری و التزامی ظاهر می‌شود و تأکید را می‌رساند:

nəš-əm-a	می‌نشینم (می‌نشینم ها)	وجه اخباری
ma-tars-a	نترسیا (نترسی ها)	وجه امری
ma-šiy-a	نرویا (نروی ها)	وجه امری
bi-nivisi-[y]-a	بنویسیا (بنویسی ها)	وجه التزامی

کجلی: نشانه -iya در آخر بعضی از فعل‌های وجه اخباری، امری و التزامی ظاهر می‌شود و تأکید را به فعل می‌افزاید:

فعل	شکل بدون تأکید	شکل تأکیدی
نگیریا (نگیری‌ها)	ma-gir	ma-gir- <i>iya</i>
برویا (بروی‌ها)	bəʃ	biš- <i>iya</i>
بگوا (بگو‌ها)	bâj	bâj- <i>iya</i>

در دو گونه لردی و دروی نشانه -ən فقط در برخی از فعل‌های وجه امری ظاهر می‌شود و محتمل است تحت تأثیر فعل‌هایی باشد که ماده مضارع آنها مختوم به -n است (نیز در این باره نک. Yarshaetr, 1959: 59 و نیز بخش فعل امر، چند نکته کلی، نکته ۴ بخش تاتی).

bro (د، ل)	bo-š-ən
بردار (د)	pe-gir-ən
نرو (د، ل)	ma-š-ən
نرو پایین (د)	e-ma-š-ən
نرو پایین (ل)	ji-ma-š-ən

در مقابل دسته فوق، فعل‌هایی قرار دارند که ماده مضارع آنها مختوم به -n است:

بسای (از سایدن) (د، ل)	bo-sun / bu-sun
بزن (د، ل)	bo-zan

شکل تأکیدی با -â و -e و نیز شکل بدون تأکید فعل za-en «زدن» در شش صیغه در جدول زیر معرفی شده‌اند:

معنی	تأکید با -â/a-	تأکید با -e-	دروی / لردی بدون تأکید
می‌زنم	zan-əm-â/a	zan-əm-e	zan-əm
می‌زنی	zan-i-[y]â/a	zan-i-[y]e	zan-i
می‌زند	zan-ə-[y]â/a	zan-ə-[y]e	zan-ə
می‌زنیم	zan-amâ/zan-âma	zan-am-e	zan-am/zan-âm
می‌زنید	zan-a-[y]â/a	zan-a-[y]e	zan-a/zan-â
می‌زنند	zan-ənd-[y]â/a	zan-ənd-[y]e	zan-ənd

شمار	فعل امر	فعل نهی
دوم شخص مفرد (د، ل)	bə-naʃ/bə- nəʃ -â-ʃ	ma-naʃ/ma-naʃ-â-ʃ
دوم شخص جمع (د، ل)	bə-naʃ-a /bə-naʃ-â-rân	ma-naʃ-a/ma-naʃ-â-rân

معنی	شکل ساده	تأکیدی	التزامی
آدم شو (د)	âdam bæ-b	âdam bæ-b-ən	âdam bæ-b-aʃ
تنبل نشو (د)	tanbal ma-b	tanbal ma-b-ən	tanbal ma-b-aʃ

۱- معنای استمراری. اغلب وند -say- معنای استمرار به فعل می‌افزاید:

۲- معنای شرط. در مواردی معنای شرط به فعل مورد نظر می‌افزاید:

۳- معنای تمنا، حسرت و آرزو:

۴- معنای آغازی:

ši-say-m, tə b-âmay-š. داشتیم من رفتم که تو آمدی. (د)

۱- در این مورد قابل قیاس است با ماده آغازی ایرانی، باستان که با *sa*- به دست می‌آید.

ب- از نظر کاربرد: وند فوق با چندین فعل به کار می‌رود:

ماضی استمراری: این وند بیشتر از همه با ماضی استمراری به کار می‌رود:

har ruz ši-say-nd, a xələ diyasind, هر روز می‌فتند به آن غار نگاه می‌کردند،
âgardi-say-nd. برمی‌گشتند. (د)

ماضی استمراری تمنایی: وند say- بعد از ماضی استمراری بیشتر با ماضی استمراری تمنایی به کار می‌رود:

agâ bənəši-say, hasanə vini say. اگر آنجا می‌نشست، حسن را می‌دید. (د)

ماضی نقلی غیرمحقق:

nəšta bâş say-m, man vini(say). اگر می‌نشسته بودم، مرا می‌دید. (د)

ماضی نقلی بعید تمنایی:

hašta biya na bay say-m, tə šân kəšta bə. (اگر) بیدار نمی‌شده بودهام، ترا کشته بودند. (د)

ماضی مستمر:

kəra ây-say-nd bân, e-gənəs čəmân sarə ku. داشتند می‌آمدند، بام افتاد سرشان. (د)

چند فرضیه در مورد وند say-:

۱- این وند از زبان ترکی منطقه خلخال وارد گویش تاتی شده است. دلیلش مجاورت مردم تات‌زبان شاهرود خلخال با مردم ترک‌زبان اطراف است، گرچه در لردی که ترکی بیشتر رسوخ کرده این وند به کار نمی‌رود. در ترکی وندی وجود دارد مانند: -se, -sa- که اغلب شرط را می‌رساند:

get-ma-sa dâqa, siz nan galar. اگر نرفت کوه، با شما می‌آید. (ترکی خلخال)
madrassa âčəl-se-ydi, râhat uley-dux. مدرسه باز می‌شد، راحت می‌شدیم. (ترکی خلخال)
bil-ma-se-ydəm, gal-maz-dəm. اگر نمی‌دانستم، نمی‌آمدم. (ترکی خلخال)

۱- در جمع‌آوری مثال‌های این بخش از سرکار خانم مزگان صادقزاده خوجین کمک فراوان گرفته‌ام، در این جا از نامبرده تشکر می‌نمایم.

۲- این وند همانند وندهای دیگر تاتی است که معنا و شکلی شبیه آن دارند.^۱ مانند: bay, bey, bây, به ترتیب در گونه‌های کجلی، لردی و دروی (← بخش وند وجه).

۴-۱-۳ وند نفی

وند نفی در تاتی عبارت‌اند از: n- (و نیز nâ-, nə-, na- و m- (و نیز ma-). در فعل‌هایی که دارای وند b(۱) هستند، وند نفی جایگزین وند تصریفی می‌شود. در کجلی وند نفی در افعال ساده و پیشوندی قبل از فعل می‌آید (← فعل‌های پیشوندی. برای جایگاه وند نفی در ساخت‌های مختلف ← به بخش «فعل از نظر ساخت»):

پیشوندی و ترکیبی	ساده
n-ara-gat-əm (ک) نگرتم	n-ar-ə (د) نمی‌خورد
â-ne-kar-ə (د) باز نمی‌کند	nə-nəšt (ک) ننشست
da-nə-gir-əm (د) شروع نمی‌کنم	ne-kar-ə (د، ل) نمی‌کند
sar nə gir-ə (ل) سر نمی‌گیرد	nə-m-başə (ک) نمی‌شود
tar-əm karda ni (د) قهر نکرده‌ام	harda-m ni (د) نخورده‌ام
â-karda-r na bə (ل) باز نکرده بودی	harda-m na bay (د) اگر نمی‌خورده بودم
xəšk â-ma-ka (د، ل) خشک نکن	vâta-mân ma-bâ (د، ل) نگفته باشیم
nâxuš ma-baş (ک) مریض نباش	m-âmuj (د) نیاموز
bikâr ma-baş (ک) بیکار نشو	m'-ar-a (> har) (د) اگر نخورید
dəru ma-vâj (د) دروغ نگو	duru n-âj-ia (ک مؤنث) دروغ نگوید

وند n- وقتی می‌آید که ماده فعل بعد از آن با مصوت شروع شده باشد:

n-âmut (د، ل) نیاموخت
n-âmə-man (ل) نیامدیم
n-aragat-əm (ک) نگرتم
n-anjaš (د، ل) خورد نکرد
n-ašt-imân (د، ل) بلند نشدیم

۲- استاد گرامی، دکتر حسن رضایی باغبیدی، بعد از خواندن پیش‌نویس این بخش، نظر خود را این گونه مرقوم داشتند: «به نظر می‌رسد [وند -səy] ترکیب وندهای ایرانی میانه -č- (وجه تمنای) به اضافه -ist- (ماضی‌ساز)، باشد و باید از تاتی به ترکی راه یافته باشد».

n-ara-bardəš-â	نبلعید (ک، مؤنث ^۱)
----------------	--------------------------------

گونه n- که پربسامدترین وند نفی تاتی است، به ماده‌هایی ملحق می‌شود که با همخوان شروع شده باشد:

nə-kard-ə-šân	نکردند (د، ل)
e-nə-gir-i-mân	نمی‌گرفتیم (د)
nə-šə	نرفت (ل)
nə-m-nəšt-im	نمی‌نشستم (ک)

گونه ma- و m- (در دروی) مانند دو گونه n- و n- است، هر جا -n(ə) باید، در نهی، التزامی و تمنایی‌اش m(a)- به کار می‌رود. در لردی وند نفی التزامی n- و n- است، اما در تمنایی از m- و ma- استفاده می‌شود. در کجلی از وند نفی ma- و m- فقط در وجه امری استفاده می‌شود:

منفی در وجه اخباری	منفی در وجه امری، التزامی و تمنایی
nə-šund/šində (د، ل)	نمی‌روند (د، ل)
e-nə-gir-imân (د)	نمی‌گرفتیم (د، ل)
n-âmuž-ə (ل)	نیموزد (د، ل)
nə-xar-ənd (ل)	نخورند (د، ل)
n-â-n-kar-əm (ک)	نریز (ک)
na-m-bar-kar-ə (ک)	وارد نشو (ک)

وند ni- با فعل‌های ماضی نقلی به کار می‌رود:

šiya-ni-m (د)	نرفته‌ام
harda-mân ni (د)	نخورده‌ایم
vinda-šân-ni-[y]ə (ک)	ندیده‌اند
ši[y]a- ni-me (ک)	نرفته‌ام
šiya ni-y-em (ل)	نرفته‌ام

در دروی na- و در لردی ni- با فعل‌های ماضی نقلی غیرمحقق به کار می‌روند:

šiya-ni-bem (ل)	اگر نرفته بودهام
-----------------	------------------

۱- گونه کجلی و لردی هنوز تمایز جنس دستوری مؤنث را در مقوله‌های اسم، صفت، ضمیر شخصی، ضمیر مبهم و فعل حفظ کرده‌اند. اسم مؤنث تاتی در حالت فاعلی و غیرفاعلی پی‌بست ə- دارد و در اسم مذکر و اسم جمع چنین تمایزی جنس وجود ندارد (← «تمایز جنس دستوری در تاتی» در همین اثر).

harda-r-na-bay	اگر نخورده بوده‌ای (د)
xarda-r-ni-be	اگر نخورده بوده‌ای (ل)

فعل‌های پیشوندی که پیشوند آنها مانند: bar- و ara- بیش از دو واج دارد، وقتی منفی شوند، وند نفی آنها بعد از اولین واج ظاهر می‌شود. در کجلی چون همه وندهای نفی قبل از فعل می‌آیند (چه ساده چه پیشوندی) تفاوتی از این نظر با هم ندارند:

ba-na-r kard-en	بیرون نکردن (د)
a-na-ra-kat-an	نگرفتن (ل)
ba-na-r kard-an	بیرون نکردن (ل)

۴-۲ پیشوند اشتقاقی

از پیشوندهای اشتقاقی فعل در تاتی پیشوندهای مصدری یا فعلی قابل ذکر است.

۴-۲-۱ پیشوندهای فعلی

پیشوندهای فعلی تاتی عبارت‌اند از:

â-, ji-, (a)bar-, ad(a)-/da-/da-, a-, (h)ara-, av-, ey-, pe-, e-.

برای تمایز پیشوند از غیر پیشوند سه روش وجود دارد:

(الف) منفی کردن، (ب) ساختن فعل امر از آن فعل، (ج) ساختن فعل مضارع التزامی از آن.

(الف) آوردن وند نفی بر سر مصدر یا بر سر فعل‌های ماضی ساده یا مضارع اخباری. به این صورت که اگر فعل پیشوندی باشد، وند نفی بعد از پیشوند، والا قبل از آن قرار می‌گیرد؛

(ب) ساختن فعل امر از آن فعل، یعنی اگر پیشوندی باشد وند تصریفی امر- b(ʔ) جای خود را به پیشوند فعلی می‌دهد و اگر ساده باشد، وند تصریفی امر- b(ʔ) بر سر آن ظاهر می‌شود. در کجلی فقط با روش دوم می‌توان پیشوند را تشخیص داد، یعنی وند نفی بعد از پیشوند قرار نمی‌گیرد، بلکه قبل از فعل‌های پیشوندی ظاهر می‌شود؛

(ج) ساختن فعل مضارع التزامی از آن. اگر فعل پیشوندی باشد، دیگر لازم نیست در مضارع التزامی وند التزامی -b(ʔ) به آن اضافه شود، آمدن وند التزامی به این معنی است که فعل ساده است.

نوع فعل	فعل	کجلی	لردی	دروی
فعل منفی	نخوابیدند	nö-höt-əndə	nə-xutt-əndə	nə-xət-ində
" "	بر نداشتیم	n-ara-gat-əm	a-nə-kat-əmə	pe-nə-gat-əm
" "	نریزد	m-ara-kar-a	də-ma-kar-a	da-ma-kar-a
" "	نمی‌نشینید	nə-m-nəš-â	nə-nəš-â	nə-nəš-a
فعل امر	بریزید	ara-kar-â	də-kar-â	e-ka-ra
" "	ببرید بالا	av-de-yâ	a-kar-a	pe-š-a
فعل امر	بنشینید	bə-nəš-â	bə-nəš-â	bə-nəš-a
مصدر	نشستن	nə-nəšt-an	nə-nəšt-an	nə-nəšt-en
" "	نخوابیدن	nə-hutt-an	nə-xutt-an	nə-xət-en
" "	بالا نیامدن	n-ara-šian	â-nə-šian	pe-nə-šien
مضارع التزامی	شاید ببریم	bə-bar-âm	bə-bar-âm	bə-bar-am
" "	بنشینید	bə-nəš-â	bə-nəš-â	bə-nəš-a
" "	نگیریم	n-ara'-gir-âm	a-nə-gir-âm	e-nə-gir-am

همان‌طور که از جدول پیداست در کجلی همیشه وند نفی در آغاز فعل ساده و پیشوندی، قرار می‌گیرد. پیشوندهای فعلی در اصل پیش‌فعل‌ها (پیشوندهای وابسته به فعل) بوده‌اند که بر جهت انجام کار دلالت می‌کرده‌اند، اما امروزه در مواردی معنای اصلی را از دست داده‌اند و معنای اصطلاحی به فعل بعد از خود می‌افزایند. بیشتر فعل‌های ساده این توانایی را دارند که با پیشوندهای مختلف به کار بروند. به عنوان مثال در «دروی» kard-en با تمام پیشوندها ششگانه به کار می‌رود:

pe-kard-en	باز کردن (د)	â-kard-en
e-kard-en	پهن کردن (د)	ji-kard-en
bar-kard-en	پوشیدن (د)	da-kard-en

معنای پیشوندهای تاتی:

â - معنی «حرکت به سوی مخاطب»^۱ به فعل بعد از خود می‌افزاید:

باز کردن (با کشیدن به طرف خود) (د)	â-kard-en
باز کردن (ک)	â-kard-an

۱- قس. «آوردن» (> â-bara* ایرانی باستان) و «آمدن» (> â-gmata* ایرانی باستان) در زبان فارسی (منصوری و حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱ و ۲۵ و نیز ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۲۴).

â-gat-an	گرفتن (ل)
----------	-----------

a- معنی «بالا» به فعل بعد از خود می‌افزاید:

a-gatan	برداشتن (ک)
a-šiyan	بالا رفتن (ل)

bar-(a) معنی «بیرون» به فعل بعد از خود می‌افزاید:

bar-kard-en	بیرون کردن (د)
bar-vašt-an	بیرون جستن (ل)
abar-ši-an	بیرون رفتن (ک)

ara-(h) معنی «پایین» به فعل می‌افزاید، این پیشوند در حال حاضر در لردی و کجلی -ara تلفظ می‌شود، اما قبلاً طبق نوشته یارشاطر (h)ara بوده است (← Yarshaetr, 1960: 286):

ara-diyān	فرستادن به پایین (ک)
ara-kard-an	ریختن (ل)

pe- معنی «بالا» به فعل می‌افزاید:

pe-kard-en	به طرف بالا ریختن (د)
pe-diyašt-en	به طرف بالا نگاه کردن (د)
pe-rānt-en	به طرف بالا کشیدن (د)

e- معنای «پایین» به فعل اضافه می‌کند:

e-kard-en	به طرف پایین ریختن (د)
e-diyašt-en	به طرف پایین نگاه کردن (د)
e-rānt-en	به طرف پایین کشیدن (د)

ji(r)- معنای «زیر» به فعل بعد از خود می‌افزاید:

ji-kard-en	انداختن به زیر کسی یا چیزی (د)
ji-šiyan	زیر بار رفتن (ل)
ji-r-âmi-[y]-an	پایین آمدن (ک)

da ad(a)- /dæ- /da- «درون و داخل» به فعل اضافه می‌کند:

da-kard-en	داخل چیزی یا جایی کردن (د)
------------	----------------------------

də-rānt-an	به درون کشیدن (ل)
ada-šiy-an	به درون رفتن (ک)

av- معنای «بالا» به فعل می‌افزاید:

av-diyešt-an	نگاه کردن به طرف بالا (ک)
av-ruard-an (<avard-an)	بردن به بالا (ک)

ey- در فعل‌های پیشوندی باقی مانده، گاه معنای «پایین» و گاه معنای «بالا» به فعل می‌دهد (← توضیحات ذیل گونهٔ کجلی در همین قسمت).

ey-vat-an	در آوردن لباس (ک)
ay-pârâst-an	افراشتن، تکیه دادن به دیوار (ک)

بیشتر فعل‌ها با پیشوندهای متعدد به کار می‌روند و از این جهت، کمبود فعل سادهٔ تاتی را جبران کرده‌اند. پیشوندهای فعلی تاتی دروی، کجلی و لردی کمی با هم تفاوت دارند، محدودهٔ جغرافیایی کاربرد پیشوندهای تاتی در سه گونه در جدول زیر مشخص شده است:

---	--	e-	pe-	----	---	da-	bar-	ji-	â-	دروی
----	----	----	---	ara-	a-	də-/di-	bar-	ji-	â-	لردی
ey-	av-	----	---	ara-	a-	ada-	abar-	ji(r)-	â-	کجلی

همان‌طور که در جدول آمده است، دو پیشوند **av-** و **ey-** مختص کجلی و دو پیشوند **e-** و **pe-** مختص دروی هستند.

گونهٔ دروی:

در تاتی دروی بیش از ۴۲۰ (چهار صد و بیست)^۱ فعل پیشوندی وجود دارد، در حالیکه فعل سادهٔ آن تقریباً به ۱۹۰ (صد و نود) فعل می‌رسد. (شکل‌های سببی و مجهول فعل‌های ساده و پیشوندی نیز در این آمار محاسبه شده‌اند). دو گونهٔ دیگر تاتی نیز تقریباً همین حالت را دارند. به دلیل وقت‌گیر بودن، آمار دقیقی از دو گونه دیگر استخراج نشده است. تعداد تقریبی فعل‌های پیشوندی تاتی دروی در جدول زیر آمده است:

۱ - تعداد فعل‌های ساده و پیشوندی گونهٔ دروی را نگارنده استخراج کرده است.

نوع پیشوند:	pe-	e-	â-	-da	ji-	bar-
تعداد فعل پیشوندی دروی:	۹۷	۹۹	۷۸	۸۴	۵۲	۱۳

گونه لردی:

چهار پیشوند -bar, -ji, -da و -â همان‌هایی هستند که در گونه دروی ذکر شد. پیشوند -ara در لردی همانند -e در دروی است:

مصدر	لردی	دروی
پیچیدن، کوبیدن	ara-pit-an	e-pit-an
گرفتن از پایین	ara-gat-an	e-gat-an
بلعیدن	ara-bard-an	e-bard-en

پیشوند -a در لردی همانند -pe در گونه دروی است:

مصدر	لردی	دروی
رفتن به بالا	a-ši-yan	pe-ši-en
پرت کردن به بالا	a-kard-an	pe-kard-an
رفتن به سمت بالا	a-rus(s)-an	pe-rus(s)-en

در زیر سه فعل رفتن، ریختن و آمدن با پیشوندهای مختلف آمده است:

با پیشوند -a و -ara:

بالا رفتن (ل)	a-ši-[y]an	رفتن به پایین (ل)	ara-ši-[y]an
ریختن به بالا (ل)	a-kard-an	ریختن به پایین (ل)	ara-kard-an
آمدن به بالا (ل)	a-[r]-âm-an	آمدن به زیر (ل)	ara-[j]-âm-an

با پیشوند -ji و -bar:

رفتن به زیر (ل)	ji-ši-yan	بیرون رفتن (ل)	bar-ši-[y]an
پهن کردن (ل)	ji-kard-an	بیرون کردن (ل)	bar-kard-an
به زیر آمدن (ل)	ji-[r]-âmiyan	بیرون آمدن (ل)	bar-âm-an

با پیشوند -â در لردی:

شبیه بودن (ل)	â-ši-[y]an
باز کردن (ل)	â-kard-an
آمدن (ل)	â-mi-[y]an

گونه کجلی:

چهار پیشوند -abar, -da/ (a)da-, -ji و -â در سه گونه کجلی، لردی و دروی یکسان به کار می‌روند و تفاوتی در معنا ندارند. فقط پیشوند -abar مصوت آغازین خود را در کجلی حفظ کرده ولی در دروی و لردی از دست داده است. و پیشوند -ad(a) کجلی نیز همان -da دروی و -da لردی است.

پیشوند -ji(r) کجلی در اغلب موارد نقش قیدی پیدا کرده و از رده پیشوندها خارج شده و فقط در بعضی از فعل‌ها باقی مانده است.^۱ در این مواقع راه شناخت این فعل آن است که در سوم شخص مفرد به فعل پیشوندی ضمائر متصل غیرفاعلی نمی‌پیوندد، ولی به فعل قیددار می‌پیوندد:

جید	پهن کرد	jir-əš-â-ka
پیشوند	به زیر رفت (مؤنث)	jir-â-šiyâ

پیشوند -ara کجلی همان -ara لردی است و به جای آن در دروی، از -e استفاده می‌شود:

مصدر	کجلی	لردی	دروی
ریختن (به پایین)	ara-kard-an	ara-kard-an	e-kard-en
گرفتن، برداشتن	ara-gat-an	ara-gat-an	e-gat-en

پیشوند -av کجلی همانند -a لردی و -pe دروی است:

مصدر	کجلی	لردی	دروی
پردن روی چیزی یا کسی	av-vašt-an	a-vašt-an	pe-vašt-en
فرستادن به بالا	av-di[y]-an	a-di[y]-an	pe-dâ[y]-en

پیشوند -a کجلی در مواردی همانند -a لردی است، اما همیشه اینچنین نیست:

مصدر	کجلی	لردی
برداشتن	a-gat-an	a-gat-an
وارد کردن، ریختن	a-kard-an	a-kard-an

۱- پیشوندها در اصل قید یا حرف اضافه بوده‌اند که بعدها بر اثر تحول نقش پیشوندی پیدا کرده‌اند، به نظر می‌رسد که در کجلی -jir نقش اولیه خود را که قید بوده، حفظ کرده است.

پیشوند ey- کجلی در چند مصدری که باقی مانده است، به نظر می‌رسد همان پیشوند e- دروی باشد و [y] - در آن میانجی است، مانند نمونه زیر:

معنی	دروی	کجلی
مصدر	e-vat-en	ey-vat-an
فعل امر	e-vaj	ey-vaj

اما در یک مصدر دیگر ey-pârâšt-an «افراشتن» معنای پایین نمی‌دهد و برعکس معنای بالا می‌دهد و در دروی مصدر آن pe-varâšt-en است. به هر حال، به دلیل کاربرد اندک این پیشوند، داوری درباره آن آسان به نظر نمی‌رسد.

نکته قابل ذکر در مورد پیشوندهای فعلی کجلی این است که وندهای تصریفی مضارع اخباری -(v)n- am (v)- وسط پیشوند و ماده فعل‌هایی قرار می‌گیرند که پیشوندشان بیش از یک واج دارد. مانند: av-, ada-, ey- bar-. پیشوند فعلی ara- از این نظر یک استثناء است، یعنی وند تصریفی مضارع اخباری وسط آن قرار نمی‌گیرد:

معنی	شکل مصدری	مضارع اخباری
بر می‌دارد (ک)	â-gat-an	â-n-gir-ə
در درخت گیر می‌کند (مونث)	av-taj-əst-an	a-n-və-taj-iyā
بیرون می‌کنیم (ک)	abar-kard-an	a-n-bar-kar-ām
می‌گیرم (ک)	ara-gat-an	ara-n-gir-əm
بیرون نمی‌کنیم (ک)	abar-kard-an	n-a-n-bar-kar-ām

در مثال آخر -n- وسط، وند مضارع اخباری است و -n- آغازین وند نفی است. نکاتی که می‌توان درباره پیشوندهای تاتی گونه‌های سه‌گانه ذکر کرد، عبارت‌اند از: نکته ۱: زمانی که ستاک فعل بعد از پیشوند با مصوت شروع شده باشد، همخوانی میانجی مانند: -[j]- و -[r]- به پیشوند الحاق می‌شود:

e-[j] âm-en	پایین آمدن (د)
da-[r]-asmard-en	سپردن، سفارش کردن (د)
ji-[r]- âm-en	به زیر آمدن (د)
da-[r] âm-en	وارد شدن (د)

۱- از نظر تاریخی می‌توان این همخوان‌ها را جزیی از پیشوند محسوب کرد که به مرور زمان حذف شده‌اند و در جاهایی به اصل خود بر می‌گردند (رضاییتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۵۹ و نیز ذیل نکته ۵ در قسمت پیشوندهای فعلی).

نکته ۲: گاهی پیشوندها کلماتی جدید می‌سازند که آن کلمه جدید چندان ارتباطی از نظر معنایی با ریشه فعل ندارد: در دروی مصدر z-en به معنای زدن است، اما یک شکل پیشوندی‌اش pe-z-en یا pe-za-en، به معنای کنایی «بیهوده ایستادن» است که امروزه چندان ارتباطی به معنای زدن ندارد. این مسأله را هم باید در نظر گرفت که در اصل همه این فعل‌های پیشوندی ارتباط معنایی نزدیکی با ریشه فعل و پیشوند آن داشته‌اند، اما امروزه آن ارتباط، تقریباً قطع شده و تبدیل به یک «اصطلاح» شده یا معنای «کنایی» پیدا کرده است.

نکته ۳: از نظر معنایی در مواردی هیچ فرقی بین شکل پیشوندی یک فعل با شکل ساده آن وجود ندارد:

فعل	پیشوندی	ساده
انعکاس صدا (د)	xan-is-en	bar-xan-is-en
پاره شدن (د)	zâr-n-əs-en	pe-zâr-n-əs-en

نکته ۴: همچنان که گاهی فعلی صورت پیشوندی ندارد مثل: hard-en/an «خوردن» و ju-en/an «جویدن»، بعضی از فعل‌های پیشوندی نیز شکل ساده ندارند. مانند:

گیر کردن، گیر دادن (د)	da-ləqəs-en
رمانیدن (د)	da-ram-ân-əs-en

تعداد فعل‌های ساده‌ای که در تاتی شکل پیشوندی ندارند، کمتر از فعل‌هایی است که شکل پیشوندی دارند، به عبارتی دیگر، بیشتر فعل‌های تاتی صورت پیشوندی هم دارند و تعداد فعل‌هایی که شکل ساده ندارند، بسیار کم است.

نکته ۵: درباره وجود واج ʔ- در پیشوندهای تاتی دو فرض قابل طرح است:

الف) همه یا اغلب پیشوندهای تاتی مختوم به ʔ- بوده‌اند، بعدها ʔ- از آن حذف شده است و در مواقعی به آن بر می‌گردد:

به زیر آمدن (د)	ji-r-âm-en
بالا آمدن (د)	pe-r-âm-en
به داخل آمدن (د)	da-r-âm-en
پخش کردن آب در باغ (د)	pe-r-anja-en
به هم زدن (د)	pe-r-šu-en

ب) مصوت ʔ- در این موارد یک همخوان میانجی است، به عبارتی، شکل پیشوندهای تاتی همان است که غالباً با آن ظاهر می‌شوند. مختوم به ʔ- بودن در چند صورت محدود، دلیلی بر شکل

همیشگی و اصل آنها نیست، چرا که در تاتی اغلب این واج (ʔ) جایی ظاهر می‌شود که ماده فعل با مصوت یا با واج‌های ʋ و h- آغاز شده است. و از طرفی در مواردی واجی غیر از ʔ- مانند j- در چنان جایگاهی به عنوان واج میانجی ظاهر می‌شود:

e-j-â-men	به پایین آمدن (د)
â-j-âm-en	سرایت کردن (د)

از اینها گذشته، نمی‌توان پذیرفت که پیشوند *â- (که یک پیشوند فعلی در ایرانی باستان در معنای حرکت به سوی متکلم بوده و به همین صورت به کار می‌رفته)، مختوم به ʔ- بوده باشد (نک. محسن ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۲۴).

اگر هم بتوان فرض اول را پذیرفت، باید چنین گفت که چند پیشوند فعلی در اصل مختوم به ʔ- بوده‌اند، مثل: j-, ʔi-, da-. و پیشوند -bar- هم ʔ- خود را حفظ کرده است. البته این نکته در مورد -bar- گفتنی است که در هنگام منفی کردن فعل، ʔ- از آن جدا می‌شود:

ba-ma-r ka	بیرون نكن (ل)
ba-ma-r ba	بیرون نبر (ل)

۵- پسوندهای فعل

پسوندهای فعلی تاتی دو دسته‌اند: تصریفی و اشتقاقی. از دسته تصریفی شناسه، پسوند ماده ماضی‌ساز و وند سببی، و از دسته اشتقاقی پسوندهای مصدرساز و صفت مفعولی قابل ذکرند.

۵-۱ پسوندهای تصریفی

پسوند تصریفی در تاتی شامل شناسه‌های فعلی، وند ماضی‌ساز و وند سببی است.

۵-۱-۱ شناسه‌های فعلی

شناسه‌های فعلی در تاتی چند دسته‌اند: شناسه‌های ماضی لازم: شناسه‌هایی که همراه فعل‌های ماضی و چند ساخت دیگر به کار می‌روند. شناسه‌های مضارع: شناسه‌هایی که همراه فعل‌های مضارع و امر و چند ساخت دیگر به کار می‌روند. شناسه‌های تمنایی: شناسه‌هایی که همراه فعل‌های تمنایی به کار می‌روند.

۵-۱-۱-۱ شناسه‌های ماضی

شناسه‌های ماضی لازم تاتی عبارت‌اند از:

شخص و شمار	کجلی	لردی	دروی
اول شخص مفرد	-(i)m	-(e)m	-(i)m

- (i)š	- (e)š	- (i)r	دوم شخص مفرد
- (ə/e/ø)	- (ə)	- (e)	مذكر سوم شخص مفرد
-----	- â	- â	مؤنث سوم شخص مفرد
- (i)mân	- (ə/e)mân	- (i)mun	اول شخص جمع
- (i)rân	- (ə/e)rân	- (i)run	دوم شخص جمع
- (i)ndə	- (ə/e)ndə	- (i)ndə-end(ə)	سوم شخص جمع

شناسه‌های ماضی برای فعل‌های لازم در ساخت‌های ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی التزامی، ماضی بعید و ماضی مستمر به کار می‌روند. در دروی برای ماضی التزامی شناسه مضارع به کار می‌رود. نکته: وقتی ماده یا ستاک فعل به یک همخوان ختم شود و شناسه هم با همخوان شروع شده باشد، واجی به عنوان میانجی (معمولاً -e- و -i-) بین آنها ظاهر می‌شود:

فعل	دروی	لردی	کجلی
نشستیم	bə-nəšt-i-m	bə-nəšt-e-m	bə-nəšt-e-m
پريدیدم	bə-vašt-i-mân	bə-vašt-e-mân	bə-vašt-e-mân

۵-۱-۲ شناسه‌های مضارع

شناسه‌های مضارع تاتی عبارت‌اند از:

شخص و شمار	کجلی	لردی	دروی
اول شخص مفرد	- (e)m	- (ə)m	- (ə)m
دوم شخص مفرد	- i	- i	- i
مذكر سوم شخص مفرد	- e	- ə	- ə
مؤنث سوم شخص مفرد	- i[y]a	- i[y]a	---
اول شخص جمع	- âm	- âm	- am
دوم شخص جمع	- â	- â	- a
سوم شخص جمع	- ən(də)	- ən(də)	- ən(də)

شناسه‌های مضارع برای ساخت‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع مستمر و وجه امری به کار می‌روند.

۵-۱-۳ شناسه‌های تمنایی^۱

شناسه‌های تمنایی^۲ به شرح زیر در سه گونه تاتی به کار می‌رود:

شخص و شمار	کجلی	لردی	دروی
اول شخص مفرد	-âm / âum	-âm	-âm
دوم شخص مفرد	âur/ -âr	-âš	âš
سوم شخص مذکر	-â / âu	-â	-â
مفرد مؤنث	-â[y]a / âuya	-â[y]a	-----
اول شخص جمع	-âmân / âuman	-emân	-âmân
دوم شخص جمع	-ârân / âurân	-erân	-ârân
سوم شخص جمع	-ânda / âunda	-enda	-ând(ə)

شناسه‌های تمنایی برای ساخت فعل‌های ماضی تمنایی، ماضی بعید تمنایی، مضارع تمنایی (شرطی) به کار می‌روند. همان‌طور که معلوم است در کجلی یک مصوت -u- بعد از -â- می‌آید، اما این گونه شناسه‌ها امروزه کمتر استفاده می‌شوند، یعنی شناسه بدون -u- بیشتر رواج دارد. به طور کلی نشانه ویژه شناسه تمنایی تاتی -â- است که در آغاز شناسه‌ها می‌آید. فعل mard-en/an «مردن» در گونه‌های سه‌گانه در ساخت مضارع تمنایی صرف شده است:

فعل	کجلی	لردی	دروی
بمیرم	bə-mar-âm	bə-mar-âm	bə-mar-âm
بمیری	bə-mar-âr	bə-mar-âš	bə-mar-âš
مذکر	bə-mar-â	bə-mar-â	bə-mar-â
بمیرد مؤنث	bə-mar-âya	bə-mar-âya	-----
بمیریم	bə-mar-âman	bə-mar-emân	bə-mar-âmân
اگر بمیرید	bə-mar-âran	bə-mar-erân	bə-mar-ârân
اگر بمیرند	bə-mar-ânda	bə-mar-enda	bə-mar-ândə

فعل «تشستن» در ساخت‌های مختلف در دوم شخص مفرد^۱ لردی، کجلی و دروی با شناسه‌های مضارع در جدول زیر صرف شده است:

1 - Optative

۲- در دوره میانه، شناسه فعل تمنایی در پهلوی اشکانی (h)indē- و در فارسی میانه (h)ē- است (← ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

ساخت	کجلی	لردی	دروی
مضارع اخباری	ma-naš-i	naš-i	naš-i
مضارع تمنایی	bə-naš-i	bə-naš-i	bə-naš-i
مضارع مستمر	kâri-naš-i	našt-ar-i	kârâ naš-i

در فعل امر (دوم شخص) نیز از شناسه‌های مضارع استفاده می‌شود:

فعل و شمار	کجلی	لردی	دروی
امر دوم شخص جمع	bə-naš-â	bə-naš-â	bə-naš-a
نهی دوم شخص جمع	ma-naš-â	ma-naš-â	ma-naš-a

۵-۱-۱-۴ ضمایر متصل غیرفاعلی^۲

در هر سه گونه، این ضمایر یکسان‌اند و تفاوتی با هم ندارند:

صیغه‌ها:	مفرد	جمع
اول شخص	-(ə)m	-(ə)mân
دوم شخص	-(ə)r	-(ə)rân
سوم شخص	-(ə)š	-(ə)šân

نکته قابل ذکر در مورد ضمایر فوق این است که چون شناسه‌ها با همخوان آغاز شده‌اند، وقتی که ماده فعل به همخوان ختم شود، واجی میانجی (معمولاً -ə-) بین آنها ظاهر می‌شود:

فعل	دروی	لردی	کجلی
گرفتم	bə-gat-ə-m	bə-gat-ə-m	bə-kat-ə-m
باز کردیم	â-kard-ə-mân	â-kard-ə-mân	â-kard-ə-mân

۵-۱-۲ پسوند ماده ماضی ساز

پسوندهای -d, -t, -i, -s(t) (ə) و -Ø در تاتی ماده ماضی می‌سازند:

- در این مورد خاص، دوم شخص مفرد به این علت انتخاب شده است که در آن تفاوت شناسه‌های ماضی و مضارع به راحتی قابل تمیز است. شناسه مضارع این صیغه در سه گونه -i, -s(t) (ə) و -Ø در تاتی ماده ماضی آن -iš, -əš, -ər, -ar است.
- با اینکه ضمایر متصل غیرفاعلی شناسه نیستند، اما چون همانند شناسه‌ها به فعل می‌پیوندند و عامل شناسایی فعل‌اند، جهت طبقه‌بندی بهتر در این اثر کنار سایر شناسه‌ها ذکر شده‌اند.

معنی	مصدر	پسوند ماضی ساز	ماده ماضی
بردن	bard-en/an	-d	bar-d
نشستن	nəšt-en/an	-t	nəš-t
منجمد شدن	bey-s-en/an	-s	bey-s
خواستن	xâss-en/an	-ss	xa-ss
رفتن	ši-en/an	-i	š-i
خواستن	xâss-en/an	-ss	xa-ss
چیدن	či-en/an	-Ø	či

پسوند -is- در تاتی بیشتر برای ساختن مصادر جعی به ویژه در معنای مجهولی به کار می‌رود:

گرفته شدن (ل)	gir-is-an	گرفته شدن (د)	gir-is-en
پخته شدن (ل)	paj-əs-an	چریده شدن (د)	čar-is-en
دوخته شدن (ک)	duj-ist-an	پاره شدن (د)	vəs-is-en
کنده شدن (ک)	kan-ist-an	پاره شدن (ک)	vəs-ist-an

(نیز ← به بخش «مصدر» و «پسوند مصدر ساز».)

۵-۱-۳ وند سببی

وند سببی در تاتی عبارت است از (â)n - و -âvən- که به ترتیب پس از ریشه قوی و ریشه ضعیف

بعضی از فعل‌ها می‌آید:

خاراندن (د، ل)	xâr-ân-əs-en/an
پاره کردن، جر دادن (د، ل)	zâr-n-əs-en/an
گرداندن (د، ل)	gârd-ân-əs-en/an
لرزاندن (د، ل)	lârz-ân-əs-en/an
رسانیدن (د، ل)	râs-ân-əs-en/an
لرزانیدن (ک)	lârz-ân-əst-an
چشانیدن (ل)	čâš-ân-əs-an

تعداد فعل‌هایی که با -âvən- سببی می‌شوند، بسیار کم‌اند، این وند فقط در گونه دروی به کار می‌رود:

خنداندن (د)	xur-âvən-əs-en/an
دل‌سرد کردن (د)	âsrang-âvən-əs-en

۵-۲ پسوندهای اشتقاقی

پسوندهای اشتقاقی فعل تاتی عبارت‌اند از: وند مصدر و وند صفت مفعولی.

۵-۲-۱ پسوند مصدر ساز

وند مصدر ساز تاتی عبارت است از -en/-an (و نیز -n و -[y]an /-[y]en) که به ماده ماضی فعل افزوده می‌شوند، نشانه -[y]en و -[y]an وقتی به فعل افزوده می‌شوند که ماده فعلی مختوم به مصوت باشد:

نشانه -[y]en/-an	نشانه -en/-an
nâ-[y]en/an نهادن (ل، د) ^۱	hard-en/an خوردن (ک، د)
de-[y] an دادن (ک) ^۲	vat-en/an بافتن (ل، ک، د)
ši-[y]en/an رفتن (ک، ل، د)	dut-en/an دوختن (ل، ک، د)
xæri-[y]en/an خریدن (ل، د)	vind-en/an دیدن (ل، ک، د)

(نیز ← بخش مصدر در گویش تاتی).

۵-۲-۲ پسوند صفت مفعولی

صفت مفعولی تاتی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- صفت مفعولی لازم، ۲- صفت مفعولی متعدی، ۳- صفت مفعولی مجهول.

صفت مفعولی لازم از ترکیب ماده ماضی لازم به همراه پسوند -a ساخته می‌شود:

صفت مفعولی لازم	کجلی	لردی	دروی
زاده شده	zand-a	zand-a	zand-a
جسته	vašt-a	vašt-a	vašt-a
جویده شده	ju-a	ju-a	ju-a

صفت مفعولی متعدی از ترکیب ماده ماضی متعدی به همراه پسوند -a ساخته می‌شود:

صفت مفعولی متعدی	کجلی	لردی	دروی
خورده شده	hard-a	xard-a	hard-a
برده شده	bard-a	bard-a	bard-a
گفته شده	vât-a	vât-a	vât-a

۱ - مصدر «نهادن» در تاتی دروی به صورت nân نیز رواج دارد.

۲ - مصدر «دادن» در تاتی دروی به صورت dân یا به صورت پیشوندی â-dân, e-dân, ji-dân, pe-dân رواج دارد.

صفت مفعولی مجهول از ماده مجهول (یا ماده مضارع متعدی به همراه پسوند *-ista* / *-is(s)a*)، ساخته می‌شود:

صفت مفعولی مجهول	کجلی	لردی	دروی
برده شده	bar-ist-a	bar-əs(s)-a	bar-is(s)-a
کنده شده	a-kan-ist	a-kan-əs(s)	a-kan-is(s)
گفته شده	vâj-ist-a	vâj-əs(s)-a	vâj-is(s)-a

قواعد فوق درباره صفت مفعولی ماده‌هایی که پیشوند دارند، نیز صدق می‌کند:

درمانده، گیر کرده (د)	e-mand-a	بالا آورده شده (د)	pe-vârd-a
افتاده (ل)	bar-gənəs-a	داده شده (د)	â-days-a

در مثال اخیر (*â-days-a*) -i- بعد از -a- تبدیل به -y- شده است.

صفت مفعولی ترکیبی نیز از ترکیب یک صفت، اسم یا قید با یک صفت مفعولی به دست می‌آید:

از دست رفته (د، ل، ک)	das bar ši[y]a
سیر شده (د، ل، ک)	sir â-bi[y]a

در دروی گاهی ماده ماضی مختوم به *-â* و *-a* بدون استفاده از پسوند، و گاهی هم از ماده مضارع آن به اضافه *[y]isa* - صفت مفعولی می‌سازد، در این مواقع -i- کمتر به تلفظ درمی‌آید:

دروی:

صفت مفعولی	-a بدون پسوند	با پسوند -a
داده شده	â-dâ	a-da-[y]s-a
نهاده شده	nâ	na-[y]s-a
زده شده	za	zan-isa

برای منفی کردن صفات مفعولی، وند نفی (*v*) n به آنها اضافه می‌گردد، فعل در گونه دروی و لردی اگر پیشوندی باشد، بعد از پیشوند علامت نفی اضافه می‌شود، اما در کجلی وند نفی فعل پیشوندی هم، قبل از پیشوند می‌آید:

nə-pandaməsa	ورم نکرده (د)	nə-gələs-a	نجوشیده (د)
pe-nə-vârd-a	بالا آورده نشده (د)	e-nə-mand-a	گیر نکرده (د)
n-anja	خرد نشده (ک)	n-âmut-a	نیاموخته (ک)
a-nə-ra-kata	نگرفته (ل)	nə-kašt-a	نکاشته (ل)
n-ara-ktta	ریخته نشده (ک)	xörd-â-nəbiya	خرد نشده (ک)

صفاتى که از ماده مضارع درست شده‌اند، هنگام منفى کردن، به اول آنها ana- افزوده می‌شود:

ana ras	نارس (د، ل، ک)	ana pej/paj	نپخته (د، ل)
ana duj	نادوخته (د، ل، ک)	ana šur	نشسته (د، ل)

در دو گونه کجلى و لردى صفت مفعولى مؤنث و مذکر از هم تمایز دارند، يعنى به آخر صفت مفعولى مذکر -is(s)a/-iste- و به آخر صفت مفعولى مؤنث -isâ/-istâ- اضافه می‌شود:

لردى	کجلى	صفت مفعولى با موصوف آن
âvxur-a əškis-â.	livâna əšk-ist-â.	لیوان (مؤنث) شکسته است.
divâr əškisâ	divâr iškiste.	دیوار (مذکر) شکسته است.
mânga girisâ.	âuşma gir-ist-â.	ماه (مؤنث) گرفته است.

در تاتى صفت مفعولى و سوم شخص مفرد ماضى نقلی در شکل و ساخت یکسان‌اند و فقط در تکیه است که آن دو از هم تمایز دارند. به این صورت که جای تکیه صفت مفعولى روی هجای آخر واژه و جای تکیه فعل سوم شخص ماضى نقلی روی هجای اول است:

صفت مفعولى	سوم شخص ماضى نقلی
harda'	har'da
marda'	mar'da
â-muta'	â-mut'a

۶- وجه فعل

در تاتى وجه اخبارى، امرى، التزامى و تمنایى وجود دارد. در زیر هریک از ساخت‌های مختلف با وجه مورد نظر ذکر شده است. مثال‌هایی از هر کدام با وند مورد نظر در بخش «وند وجه» آمده است.

۶-۱ وجه اخبارى

در تاتى ماضى مطلق، ماضى نقلی، ماضى بعید، ماضى استمرارى، ماضى مستمر، مضارع اخبارى و مضارع مستمر و نیز فعل‌های پی‌بستى دارای وجه اخبارى‌اند.

۲-۶ وجه تمنایی

ماضی استمراری تمنایی، ماضی تمنایی، ماضی نقلی غیرمحقق، ماضی بعید نقلی تمنایی و مضارع تمنایی دارای وجه تمنایی‌اند.

۳-۶ وجه التزامی

ماضی تمنایی، ماضی التزامی، مضارع التزامی و ماضی بعید تمنایی در تانی دارای وجه التزامی‌اند.

۴-۶ وجه امری

فعل امر و نهی در تانی دارای وجه امری است.

۷- نمود فعل^۱

در تانی فعل دارای دو نمود اصلی (ساده و استمراری)، و دو نمود فرعی (آغازی و تأکیدی) است.

۱-۷ نمود ساده

در تانی فعل‌های ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی تمنایی، ماضی بعید تمنایی، ماضی نقلی غیرمحقق، بعید نقلی، بعید نقلی تمنایی، ماضی التزامی، مضارع اخباری، مضارع تمنایی، مضارع التزامی، فعل امر و فعل پی‌بستی نمود ساده دارند.

۲-۷ نمود مستمر

ساخت‌های مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنایی دارای نمود مستمرند. شرح نمود مستمر در بخش وند نمود مستمر (← ۴-۱-۲-۱) آمده است.

۳-۷ نمود تأکیدی

در تانی در بعضی از افعال نمود تأکیدی وجود دارد. وند نمود تأکیدی با مثال‌هایی در بخش وند نمود تأکیدی (← ۴-۲-۱-۲) ذکر شده است.

۴-۷ نمود آغازی

در تانی نمود آغازی وند خاصی ندارد، اما افعال شبه‌معین خاصی رایج‌اند که معنای آغازی را به فعل می‌افزایند (← فعل‌های شبه‌معین). در دروی از ترکیب ماضی مطلق فعل ^۱pe-gat-en «برداشتن» با مصدر فعل اصلی، ساخت آغازی به دست می‌آید:

۱- در بخش «وند نمود» شرح نمودهایی از فعل که وندی دارند، ذکر شده است، و از آن‌جایی که نمود ساده و آغازی در تانی وندی ندارد، شرحشان در این بخش آمده است.

pe-gat-əš dəru-en.

شروع کرد به درو کردن. (د)

pe-gat-ə-mân səg e-dāšt-en.

شروع کردیم به سنگ پرانی. (د)

در لودی از ترکیب فعل a-kat-an (برداشتن) با پیشوند a- به علاوه مصدر اصلی ساخت آغازی به دست می‌آید:

همین که رسید به من، شروع کرد به فحش دادن. (ل)

həmi kə ārasəs man, a-kat-əša ha dəšmān bəda.

در کجلی و لودی از فعل vəndard-an (ایستادن) برای رساندن معنای آغازی استفاده می‌شود:

یکی از زنان وقتی که جلاد را دید، شروع کرد به گریه کردن. (ک)

žani-un i-a vaxt-i kə jallād-əš be-hind-e, bəndar[d]ˤ vərəm-əst-an.

همین که رسید به من، شروع کرد به فحش دادن. (ل)

həmi kə ārasəs man, bəndard-əs ha dəšmān bəda.

(برای توضیح بیشتر این نوع افعال ← فعل شبه‌معین).

۸- جهت فعل

۸-۱ فعل متعدی

در تاتی فعل متعدی مضارع، همانند فعل‌های لازم صرف می‌شود، اما متعدی ماضی صرف جداگانه‌ای دارد که همراه با ساخت آن در ذیل می‌آید:

فعل متعدی ← (وند وجه و نمود) صفت مفعولی/ ماده ماضی یا مضارع + ضمایر متصل غیرفاعلی (+ افزونه -ə)

bind- em(<bə-vind-əm)	دیدم (د)	ماضی مطلق
b-āmuta-m-bâ	آموخته باشم (ل)	ماضی التزامی
kari a-rakat-əm	داشتم می‌گرفتم (ک)	ماضی مستمر
vinda-re	دیده‌ای (ک)	ماضی نقلی

۱ - گرچه در تاتی ماده آغازی وجود ندارد، اما فعل‌های فوق نشان دهنده شروع جریان فعلی‌اند و بدین خاطر در این جا با عنوان فعل آغازی ذکر شده‌اند (نیز ← خانلری، تاریخ زبان فارسی ج. ۳ ص ۴۶۹. به نقل از محسن ابوالقاسمی، فعل آغازی، ۱۳۵۱).

۱ - یارشاطر این جمله را در متن خویش آورده و به صورت آغازی معنی کرده است (Yarshater, 1960: 285). تأکید و اصلاح از این جانب است.

ara-kata-m-bə	گرفته بودم (ل)	ماضی بعید
har-iš	می‌خوردی (د)	ماضی استمراری

ضمایر متصل غیرفاعلی^۱ در تاتی عبارت‌اند از:

شخص و شمار	کجلی	لردی	دروی
اول شخص مفرد	-(ə)m	-(ə)m	-(ə)m
دوم شخص مفرد	-(ə)r	-(ə)r	-(ə)r
سوم شخص مفرد	š-(ə)	š-(ə)	š-(ə)
اول شخص جمع	-(ə)mun	-(ə)mân	-(ə)mân
دوم شخص جمع	-(ə)run	-(ə)rân	-(ə)rân
سوم شخص جمع	-(ə)šun	-(ə)šân	-(ə)šân

۸-۲ فعل لازم

فعل لازم در تاتی به دو روش زیر ساخته می‌شود:

(وند وجه و نمود) + ماده ماضی یا مضارع + شناسه فعل (+ افزونه -ə) ← فعل لازم ۱

(وند وجه و نمود) + صفت مفعولی + فعل کمکی + (افزونه -ə) ← فعل لازم ۲

روش دوم مخصوص افعالی است که از فعل معین استفاده می‌کنند، مانند فعل ماضی بعید.

bə-nəšt-īm	نشستم (د)	ماضی مطلق
nəštey-mân	نشسته‌ایم (ک)	ماضی نقلی
nəšta be-mân	نشسته بودم (ل)	ماضی بعید
kəra nəš-iš	داشتی می‌نشستی (د)	ماضی مستمر
nəš-iš	می‌نشستی (د)	ماضی استمراری
nəšta bey-me	شاید نشسته باشم (ک)	ماضی التزامی
kāri-mə-nəš-ənd	دارند می‌نشینند (ک)	ماضی مستمر

تفاوت بارز دو فعل لازم و متعدی تاتی استفاده فعل‌های ماضی متعدی از ضمایر متصل غیرفاعلی است. این امر در بخش «چند نکته مهم در فعل تاتی» ذیل ساخت ارگتیو آمده است.

۲ - چون در ساخت افعال ماضی متعدی از ضمایر متصل غیرفاعلی استفاده می‌شود، در این جا معرفی شده‌اند. برای دیگر ضمایر نک. «ساخت ارگتیو در بخش تاتی».

۸-۳ فعل مجهول

فعل مجهول تاتی به دو روش زیر ساخته می‌شود:

الف) با استفاده از ماده مجهول، (ب) با استفاده از سوم شخص جمع فعل‌های متعدی.

همان‌طور که در بحث ماده مجهول گذشت، ماده مجهول از ترکیب ماده مضارع به اضافه وند خاص مجهول: -isi- (کجلی)، -i- (دروی) و -ə/i- (لردی)، ساخته می‌شود. برای درست کردن مضارع مجهول، از ماده مجهول مضارع و شناسه‌های مضارع استفاده می‌شود:

paj-əsar	دارد پخته می‌شود (ل)
pe-zar-i	پاره می‌شود (د)
gir-isi-ya	گرفته می‌شود (مؤنث) (ک)

برای درست کردن مجهول ماضی از وند تصریفی -b(ɪ) به اضافه ماده مجهول مضارع و شناسه‌های ماضی استفاده می‌شود:

bə-paj-əs	پخته شد (ل)
pe-zar-isa	پاره شده است (د)
gir-ist-â	گرفته شده است (مؤنث) (ک)

فعل مجهول مختص ماضی ساده یا مضارع نیست، بلکه در بیشتر ساخت‌ها به کار می‌رود، در جدول زیر نمونه‌هایی از فعل مجهول گونه دروی در ساخت‌های مختلف آمده است:

فعل	معنی	ساخت
-i'pej	پخته می‌شود (د)	مضارع اخباری
bə-pej-is	پخته شد (د)	ماضی مطلق
pej-is-a bə	پخته شده بود (د)	ماضی بعید
pej-is-a	پخته شده است (د)	ماضی نقلی
'pej-i	می‌پخت (د)	ماضی استمراری
bə-pej-i	اگر پخته می‌شد (د)	ماضی استمراری تمنایی
pej-is-a bə-bâ	پخته می‌شده بود (د)	ماضی بعید تمنایی

ماضی استمراری مجهول و مضارع اخباری مجهول در سوم شخص مفرد تفاوتی در ظاهر با هم ندارند و جایگاه تکیه آنها را از هم مشخص می‌کند. بدین صورت که در ماضی استمراری سوم شخص مفرد تکیه روی هجا آخر یا همان وند استمراری است، در مضارع تکیه روی ماده فعلی است.

səj-i'	ماضی استمراری مجهول: سوخته می‌شد (د)
səj'-i	مضارع اخباری مجهول: سوخته می‌شود (د)

(ب) استفاده از سوم شخص جمع فعل‌های متعدی:

vinda-šânə.	دیده‌اند (دیده شده است). (د، ل)
ama-šân-vinda-bə.	ما را دیده بودند (ما دیده شده بودیم). (د)
mâjəndə čüâr-əš žan est.	می‌گویند (گفته می‌شود) چهار زن دارد. (ک)
vâtta-šân hasanə avəš kušta.	گفته‌اند (گفته می‌شود) حسن او را کشته است. (ک)

همه فعل‌ها در تاتی با روش دوم مجهول می‌شوند، حتی آن دسته از فعل‌هایی که با روش اول مجهول می‌شوند، اما از روش اول بیشتر استفاده می‌شود. در زبان پهلوی نیز نوعی فعل مجهول با افزودن صیغه‌های مضارع «بودن» به ماده ماضی (= اسم مفعول)، به دست می‌آید، مانند: «*guft bawəd* گفته می‌شود». (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۸۲). از فعل مجهول در تاتی برای بیان فعل لازم نیز استفاده می‌شود:

čəman xalāv pe-zar-is.	لباسم پاره شد. (د)
------------------------	--------------------

فعل فوق گرچه ساخت مجهول دارد، اما با فعل لازم تفاوتی ندارد. یعنی در این جمله اصلاً بحث از مجهول بودن فاعل جمله نیست، بلکه فقط اظهار خبر است. در تاتی بیشتر افعالی که در صیغه سوم شخص مفرد ماضی نقلی بیان می‌شوند، معنای مجهول بودن فاعل را نیز می‌رسانند:

čəman xalāv pe-zar-is-a.	لباسم پاره شده است، یا کسی لباسم را پاره کرده است. (د)
divâr kan-is-a.	دیوار کنده شده است، یا دیوار کسی دیوار را کنده است. (د)

اگر به جای جمله دوم بگوییم:

divâr bə-kan-is.	دیوار کنده شد. (د)
------------------	--------------------

جمله بیشتر افاده معنای خبری می‌کند، یعنی دیوار کنده شد، مهم نیست چه کسی کنده است. اما در جمله نقلی سوم شخص مفرد تاتی، صرفاً خبر مطرح نیست، مجهول بودن فاعل بیشتر مطرح است. از آنجا که منظور ما در این اثر فقط ساخت فعل مجهول و لازم... مورد نظر است نه معنای ثانویه و کارکردهای جایگزینی آن، این بحث را به مقالی دیگر واگذار می‌کنیم (نیز ← فعل‌های ذکر شده در بخش ماده مجهول و فعل مجهول).

۹- زمان فعل

از نظر زمان، فعل‌های تاتی به دو دسته ماضی و مضارع تقسیم می‌شوند. آینده در تاتی ساخت ویژه‌ای ندارد و برای بیان آینده از مضارع اخباری استفاده می‌شود. روش ساخت فعل‌های تاتی در جدول زیر آمده است:

روش ساخت	نوع فعل
وند تصریفی + ماده ماضی + شناسه‌های ماضی ^۱ (+ افزونه -ə)	← لازم ماضی
وند تصریفی + ماده ماضی + ضمائر متصل غیرفاعلی (+ افزونه -ə)	← متعدی ماضی
وند تصریفی + ماده مضارع + شناسه‌های مضارع یا شناسه‌های تمنایی	← لازم و متعدی مضارع
وند تصریفی + ماده مضارع + شناسه‌های اولیه	← فعل امر

به طور خلاصه ساخت‌های مختلف فعل در گونه‌های سه‌گانه تاتی به تفکیک ذکر می‌گردد:

کجلی:

- ۱- ماضی مطلق ۲- ماضی نقلی ۳- ماضی بعید ۴- ماضی استمراری ۵- ماضی مستمر ۶- ماضی نقلی غیرمحقق ۷- ماضی تمنایی ۸- ماضی التزامی ۹- مضارع اخباری ۱۰- مضارع التزامی ۱۱- مضارع تمنایی ۱۲- مضارع مستمر ۱۳- فعل امر.

لردی:

- ۱- ماضی مطلق ۲- ماضی التزامی ۳- ماضی بعید ۴- ماضی استمراری ۵- ماضی مستمر ۶- ماضی نقلی نزدیک ۷- ماضی نقلی بعید ۸- ماضی نقلی ابعد ۹- ماضی بعید تمنایی ۱۰- ماضی بعید تمنایی ۱۱- ماضی تمنایی ۱۲- مضارع اخباری ۱۳- مضارع التزامی ۱۴- مضارع تمنایی ۱۵- مضارع مستمر ۱۶- فعل امر.

دروی:

- ۱- ماضی مطلق ۲- ماضی نقلی ۳- ماضی التزامی ۴- ماضی تمنایی ۵- ماضی استمراری ۶- ماضی بعید تمنایی ۷- ماضی مستمر ۸- ماضی بعید ۹- ماضی نقلی غیرمحقق ۱۰- ماضی نقلی بعید ۱۱- ماضی بعید تمنایی ۱۲- بعید نقلی غیرمحقق ۱۳- مضارع اخباری ۴- مضارع التزامی ۱۵- مضارع تمنایی ۱۶- مضارع مستمر ۱۷- فعل امر.

۹-۱ ماضی مطلق

ماضی مطلق فعل‌های لازم در تاتی به روش زیر ساخته می‌شود:

پیشوند فعلی یا پیشوند وجه + ماده ماضی + شناسه‌های ماضی ← ماضی مطلق لازم

۱ - برای شناسه‌های ماضی، مضارع و تمنایی نک. بخش شناسه‌های ماضی و مضارع ذیل شناسه‌های فعلی.

از آنجا که تغییرات صرفی در همهٔ صیغه‌ها مشاهده نمی‌شود، در این بخش صیغه‌هایی که دارای تغییرات صرفی هستند، در آغاز جداگانه ذکر شده و در آخر یک فعل لازم و یک فعل متعدی در همهٔ صیغه‌ها و ساخت‌ها به طور کامل صرف شده است.

فعل	کجلی	لردی	دروی
نشستم	bə-nəšt-em	bə-nəšt-em	bə-nəšt-im
آمد	b-âma	b-âme	b-âma
آموخت	b-âmit	b-âmut	b-âmut

در فعل‌های پیشوندی به جای وند وجه، از پیشوند فعلی استفاده می‌شود:

â-kard-əm	باز کردم (د، ل)
e-gardəs-imân	برگشتیم پایین (د)
pe-xət-ər	فراری دادی (د)
â-gardəst-imân	برگشتیم (ک)

وقتی که مادهٔ مختوم به همخوان باشد و شناسه هم با همخوان آغاز شود، یک واج میانجی بین ماده و شناسه قرار می‌گیرد:

â-gardəs-[i]-mân	برگشتیم پایین (ک)
bə-nəšt-[i]-rân	نشستید (د)
bə-xət-[i]-ndə	خوابیدند (د)
bə-nəšt-[e]-rân	نشستید (ل)

ماضی مطلق فعل‌های متعدی

طرز ساخت ماضی مطلق متعدی به شرح زیر است:

پیشوند فعلی / وند تصریفی + مادهٔ ماضی + ضمایر متصل غیرفاعلی ← ماضی مطلق متعدی

فعل	کجلی	لردی	دروی
خورد	ba-hard-əš	bə-xard-əš	b-ard-əš
بردیم	bə-bard-əmân	bə-bard-əmânə	bə-bard-əmân
دادی	bu-dâr	â-dâ-rə	â-dâ-r

هم‌چنان که از مثال سوم پیداست، وقتی مادهٔ مختوم به مصوت باشد، دیگر قبل از ضمیرمتصل غیرفاعلی -ə- ظاهر نمی‌شود. در جملات گسترده که از اجزای مختلف تشکیل شده‌اند، وندهای

کتابخانه شخصی

ضمیری معمولاً به اولین کلمه متصل می‌شوند، با حذف یا جابه‌جایی هر کلمه در صدر چنین جملاتی، به ترتیب به کلمه بعد یا به کلمه جایگزین می‌پیوندند و هیچ گاه حذف نمی‌شوند، مگر آنکه ضمیر منفصل غیرفاعلی یا اسم در آغاز جمله وجود داشته باشد:

ama hasan bind.	ما حسن را دیدیم. (د)
amadə hasan bind.	احمد حسن را دید. (د)
hasan-əm bind.	حسن را دیدم. (د)

در جملاتی که ضمیر منفصل در اول می‌آید، فعل اصلی جمله صرف نمی‌شود، بلکه برای همه یکسان به کار می‌رود، مثال اول و آخر جدول فوق نمایانگر این نکته است.

روش منفی کردن ماضی مطلق

روش منفی کردن ماضی مطلق به این شرح است که به جای **وند** (**v**) از **وند نفی** (**v̄**) استفاده می‌شود:

منفی	مثبت	فعل ماضی
nə-š-i-ndə	bə-š-ində	رفتند / نرفتند (د)
nə-ža-mân	bə-ža-mân	زدیم / نزدیم (ک)
nə-vind-əšə	b-ind-əšə	دید / ندید (ل)
nə-vârd-ər	bârd-ər	آوردی / نیاوردی (د)

وند نفی در فعل‌های پیشوندی دروی و لردی، بعد از پیشوند فعلی، اما در کجلی قبل از پیشوند فعلی، قرار می‌گیرد:

e-nə-dâ-rân	e-dâ-rân	دادید پایین / ندادید پایین (د)
pe-nə-diyašt-imân	pe-diyašt-i-mân	بالا نگاه کردیم / بالا نگاه نکردیم (د)
a-n-rakat-əm	a-rakat-əmə	گرفتم / نگرفتم (ل)
n-â-kard-əm	â-kard-əm	باز کردم / باز نکردم (ک)
n-â-gardəst-im	â-gardəst-im	برگشتم / برگشتم (ک)

در فعل‌های ترکیبی وند نفی قبل از ماده فعل اصلی قرار می‌گیرد (برای توضیح بیشتر فعل مرکب ← نکته‌ای درباره فعل مرکب تاتی).

â-tâš-ər nə za	آتش نزدی (ک)
par-əš-nə-gat	پر نگرفت (ک)
sar-əm ba-nə-r ' vârd	سر در نیاوردم (د)

۱ - همان‌طور که گذشت، وند نفی در وسط دو پیشوند **ara** و **bar** می‌آید (← وند نفی).

نمونه کاملی از صرف فعل لازم ماضی مطلق در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
نشستم	bə-nəšt-i-m	bə-nəšt-e-m	bə-nəšt-i-m
نشستی	bə-nəšt-i-r	bə-nəšt-e-š	bə-nəšt-i-š
مذکر	bə-nəšt-e	bə-nəšt	bə-nəšt
مؤنث	bə-nəšt-â	bə-nəšt-â	_____
نشستیم	bə-nəšt-i-mân	bə-nəšt-e-mân	bə-nəšt-i-mân
نشستید	bə-nəšt-i-rân	bə-nəšt-e-rân	bə-nəšt-i-rân
نشستند	bə-nəšt-i-nd(ə)	bə-nəšt-e-nd(ə)	bə-nəšt-i-nd(ə)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مطلق متعددی در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
گرفتم	ara-gat-əm	ara-kat-əmə	e-gat-ə-m
گرفتی	ara-gat-ər	ara-kat-ərə	e-gat-ə-r
مذکر	ara-gat-əš	ara-kat-əšə	e-gat-ə-š
مؤنث	ara-gat-əš-â	ara-kat-əš-â	_____
گرفتیم	ara-gat-əmân	ara-kat-əmânə	e-gat-ə-mân
گرفتید	ara-gat-ərân	ara-kat-ərânə	e-gat-ə-rân
گرفتند	ara-gat-əšân	ara-kat-əšânə	e-gat-ə-šân

۹-۲ ماضی نقلی

در تاتی ساخت‌های مختلفی از ماضی نقلی رایج است: ۱- ماضی نقلی ۲- ماضی نقلی ابعاد ۳- ماضی نقلی نزدیک ۴- ماضی نقلی غیرمحقق ۵- ماضی نقلی بعید غیرمحقق.

۹-۲-۱ ماضی نقلی

ماضی نقلی فعل‌های لازم:

۱ - علامت — (چند خطر تیره) در سوم شخص مفرد بعضی از جدول‌ها نشان‌دهنده آن است که در گویش مورد نظر نظر آن شکل فعل وجود ندارد.

۱ - منظور از این ساخت همان ماضی نقلی ساده و معمولی است که در دیگر زبان‌ها رایج است و در این جا برای تقابل با ساخت‌های دیگر نقلی تاتی به بقیه نام خاصی داده شده و این ساخت بدون هیچ گونه نام و پسوندی ذکر شده است.

ماضی نقلی فعل‌های لازم در تاتی به روش زیر ساخته می‌شود:
صفت مفعولی + y + شناسه‌های ماضی ← ماضی نقلی لازم

فعل	کجلی	لردی	دروی
رفته‌ام	šiye-y-me	šiya-y-em	šiya-y-m
نشسته‌ایم	nəšte-y-mân	nəšta-y-emân	nəšta-y-mân
دیده‌اید	virite-y-rân	virita-y-ərân	vərita-y-rân

ماضی نقلی فعل‌های متعدی:

در فعل‌های متعدی این ساخت به جای شناسه‌های لازم از ضمایر متصل فاعلی استفاده می‌شود و از وند -y- دیگر استفاده نمی‌شود:

فعل	کجلی	لردی	دروی
برده‌ام	barda-m	barda-mə	barda-m
دیده‌اید	vinda-rân	vinda-rânə	vinda-rân
خوانده‌اید	hânda-rân	xânda-rânə	xanda-rân
خورده‌ایم	harda-mânə	xarda-mânə	harda-mân

فعل‌های پیشوندی ماضی نقلی در ساخت تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند و پیشوند فعلی قبل از صفت مفعولی ظاهر می‌شود:

e-šiya-y-mân	پایین رفته‌ایم (د)
ara-kata-mânə	گرفته‌ایم (ل)
av-diya-šânə	بالا داده‌اند (ک)

برای منفی کردن این ساخت در گونه دروی وند نفی -ni- و در لردی و کجلی -ni(ye)- در فعل‌های لازم قبل از شناسه و در فعل‌های متعدی بعد از ضمایر متصل غیرفاعلی می‌آید:

فعل	لردی	کجلی	دروی
نرفته‌ام	šiya-ni-yem	šiya-ni-me	šiya-ni-m
نشسته‌ایم	nəšta-ni-yemân	nəšta-ni-mân	nəšta-ni-mân
ندیده‌اید	virta-ni-yerân	virita-ni-rân	vərita-ni-rân
نبرده‌ام	barda-m- ni	barda-m- ni	barda-m- ni
ندیده‌اید	vinda-rân-niye	vinda-rân-niye	vinda-rân-ni

xanda-rân-ni	handa-rân-niye	xanda-rân-niye	نخوانده‌اید
--------------	----------------	----------------	-------------

نکته: در فعل‌های ترکیبی لازم و متعدی شناسه و ضمایر متصل غیرفاعلی به جزء غیرفعلی می‌پیوندند، وند نفی در فعل‌های ترکیبی لازم قبل از شناسه فعلی و در متعدی بعد از صفت مفعولی می‌آید:

مثبت	منفی	فعل
vaš-əm za	vaš-əm za ni	آتش زده‌ام / آتش نزده‌ام (د)
sar-ə-rân bâr vârd-a?	sar-ə-rân bar vard-a ni?	سر درآورده‌اید / سر در نیاورده‌اید (د، ل)
tar-əš karda	tar-əš karda ni	خیس کرده است / خیس نکرده است (د)
âtâš-əšân-ziya ye	âtâš-əšân-ziya-niye	آتش زده‌اند / آتش نزده‌اند (ک)

(برای توضیح بیشتر فعل مرکب ← نکته‌ای درباره فعل مرکب تاتی).

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی لازم در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
نشسته‌ام	nəšte-y-eme	nəšta-y-em	nəšta-y-m
نشسته‌ای	nəšte-y-re	nəšta-y-eš	šnəšt-a-y-š
نشسته است	nəšt(y)e	nəšta-ye	nəšt-a
نشسته است	nəšt(ey)â	nəšta-yâ	-----
نشسته‌ایم	nəšta-y-emân	nəšta-y-emân	nəšt-a-y-mân
نشسته‌اید	nəšta-y-erân	nəšta-y-erân	nəšt-a-y-rân
نشسته‌اند	nəšta-y-endə	nəšta-ndə	nəšt-a-y-ndə

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی متعدی در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
گرفته‌ام	âra-gata-me	âra-kata-mə	e-gat-a-m
گرفته‌ای	âra-gata-re	âra-kata-rə	e-gat-a-r
گرفته است	âra-gata-še	âra-kata-šə	e-gat-a-š
گرفته است	âra-gata-šâ	âra-kata-šâ	-----
گرفته‌ایم	âra-gata-mâne	âra-kata-mânə	âe-gata-mân
گرفته‌اید	âra-gata-râne	âra-kata-rân	gat-a-rân
گرفته‌اند	âra-gata-šâne	âra-kata-šânə	gat-a-šân

۹-۲-۲ ماضی نقلی نزدیک

این ساخت فقط در لردی به کار می‌رود و طرز ساخت آن در لازم و متعدی به شرح زیر است:

ماده ماضی + شناسه ← ماضی نقلی نزدیک لازم

ماده ماضی + ضمایر متصل غیرفاعلی ← ماضی نقلی نزدیک متعدی

az nəšt-em bu.

من نشسته‌ام بیا. (ل)

tə xeyli vaqta šeš?

تو خیلی وقت است رفته‌ای؟ (ل)

ماضی نقلی نزدیک برخلاف ماضی نقلی، وند ey- ندارد و برای نقل اعمال نزدیک به کار می‌رود. وجه تسمیه این ساخت آن است که از عملی نقل می‌کند که در زمانی نزدیک به زمان حال انجام گرفته و خاتمه یافته یا هنوز خاتمه نیافته است.

طرز منفی کردن این ساخت به این شرح است که وند نفی را قبل از ماده فعل (بعد از پیشوند) می‌آورند.

nə nəšte-m

ننشسته‌ام (ل)

a-nə-ra-kata-mə

نگرفته‌ام (ل)

نمونه کاملی از صرف فعل لازم ماضی نقلی نزدیک لردی:

لردی	فعل
nəšt-em	نشسته‌ام
nəšt-eš	نشسته‌ای
nəšt-a	نشسته است مذکر
nəšt-â	نشسته است مؤنث
nəšt-emân	نشسته‌ایم
nəšt-erân	نشسته‌اید
nəšt-enda	نشسته‌اند

نمونه کاملی از صرف فعل متعدی ماضی نقلی نزدیک لردی:

لردی	فعل
ara-kata-me	گرفته‌ام
ara-kata-re	گرفته‌ای
ara-kata-še	گرفته است مذکر
ara-kata-aš-â	گرفته است مؤنث
ara-kata-mânə	گرفته‌ایم

ara-kata-rânə	گرفته‌اید
ara-kata-šânə	گرفته‌اند

۹-۲-۳ ماضی نقلی ابعاد

این ساخت در لردی و دروی رایج است و از گذشته‌ای بسیار دور حکایت می‌کند و علاوه بر معنا، نشان مخصوصی (biya) نیز دارد که قابل شناسایی است. طرز ساخت آن به شرح زیر است:

صفت مفعولی + biya (صفت مفعولی بودن) + y(e) + شناسه ماضی ← ماضی نقلی ابعاد لازم

nəšta biya ye-m	ننشسته بوده‌ام (ل)
gənəsa biya ye-mân	زمین خورده بوده‌ایم (ل)
šiya biya-y-m	رفته بوده‌ام (د)
â-manda biya y mân	خسته بوده‌ایم (د)

صفت مفعولی + ضمیر متصل غیرفاعلی + biya (صفت مفعولی بودن) ← ماضی نقلی ابعاد متعدی

ara-kata-m biya	گرفته بوده‌ام (ل)
xarda rân biya	خورده بوده‌اید (ل)
pe-barda-mân biya	بالا برده بوده‌ام (د)
vinda rân biya	دیده بوده‌اید (د)

همان‌طور که معلوم است در فعل متعدی دیگر وند -y- ظاهر نمی‌شود.

طرز منفی کردن این ساخت به دو روش زیر است:

الف) وند نفی -ni- را بعد از biya می‌آورند:

nəšta biya ni-ye-m	ننشسته بوده‌ام (ل)
gənəsa biya ni ye-mân	زمین نخورده بوده‌ایم (ل)
ara-kata-m biya ni ye	نگرفته بوده‌ام (ل)
hašta-r biya ni	نگذاشته بوده‌ای (د)
â-dâ-šân biya ni	نداده بوده‌اند (د)

ب) وند نفی -nə- را به قبل از فعل ساده و بعد از پیشوند می‌افزایند، این روش فقط در لردی رایج است:

nə nəšta biya ye-m	ننشسته بوده‌ام (ل)
nə-gənəsa biya ye-mân	زمین نخورده بوده‌ایم (ل)
a-nə-ra-kata-m-biya ye	نگرفته بوده‌ام (ل)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی ابد لازم:

دروی	لردی	فعل
nəšta biya ym	nəšta biya ye-m	نشسته بوده‌ام
nəšta biya yš	nəšta biya ye-š	نشسته بوده‌ای
nəšta biya	nəšta biya ye	مذکر نشسته بوده است
-----	nəšta biya yâ	مؤنث
nəšta biya ymân	nəšta biya ye-mân	نشسته بوده‌ایم
nəšta biya yrân	nəšta biya ye-rân	نشسته بوده‌اید
nəšta biya yində	nəšta biya (ye) ndə	نشسته بوده‌اند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی ابد متعدی:

دروی	لردی	فعل
gata-m biya	ara-kat-m biya ye	گرفته بوده‌ام
gata-r biya	ara-kat-r biya ye	گرفته بوده‌ای
gata-š biya	ara-kat-š biya ye	مذکر گرفته بوده است
-----	ara-kat-š biya yâ	مؤنث
gata-mân biya	ara-kat-mân biya ye	گرفته بوده‌ایم
gata-rân biya	ara-kat-rân biya ye	گرفته بوده‌اید
gata-šân biya	ara-kat-šân biya ye	گرفته بوده‌اند

۹-۲-۴ ماضی نقلی غیرمحقق

این ساخت در دو گونه دروی و کجلی رواج دارد^۱، نمونه‌هایی اندک از آن در کجلی باقی مانده و در حال از بین رفتن است، اما در دروی رواج بسیاری دارد. طرز ساخت آن چنین است:

صفت مفعولی + نمودنمای bay/ bey/ bây + شناسه ماضی ← ماضی نقلی غیرمحقق لازم
صفت مفعولی + ضمائر شخصی + نمودنمای bay/ bey/ bây ← ماضی نقلی غیرمحقق متعدی

۱- در مقاله یارشاطر نمونه‌ای از این ساخت ذکر شده، اما به وجود این ساخت اشاره‌ای نشده است (yarshaetr, ← 1960: 282).

از دو قسمت این ساخت (شرط و جواب شرط)، قسمت شرط همیشه ماضی نقلی غیرمحقق است و قسمت جواب شرط همیشه یا ماضی استمراری یا ماضی بعید است، از دو قسمت یکی همیشه منفی است:

<i>xəta bay-mân, xasta nə-b-i-mân.</i>	اگر خوابیده بودهایم، خسته نمی‌شدیم (پس حتما نخوابیده‌ایم). (د)
<i>hab-əm harda na-bay, alân marda bi-m.</i>	اگر قرص نخورده بودهایم، الان می‌مردم (پس قرص خورده‌ام). (د)
<i>dars-ər xânda na bay, rad â-biya-biš.</i>	اگر درس نخوانده بودهای، مردود شده بودی (پس حتما درس خوانده‌ای). (د)
<i>virita bâ-y-re hatman mi-hind-r.</i>	اگر دویده بودهای، حتما می‌دید (پس ندیده‌ای). (ک)

نمودنمای تمنای این ساخت در دروی *bay-* و در کجلی *bey-* و *bây-* است. در کجلی وند تمنای *-â-* وقتی بر سر *bə* ظاهر می‌شود، تغییراتی در آن ایجاد می‌شود به این صورت که بعد از *-â-* به اول شناسه، *-y-* یا *-u-* اضافه می‌شود^۱:

<i>nəšta-bâ-u-mân</i>	اگر نشسته بودهایم (ک)
<i>vrita bâ-y-m</i>	اگر دویده بودهایم (ک)

این ساخت در کجلی کمتر استفاده می‌شود و به جای آن از ماضی التزامی استفاده می‌شود. این فعل بر مفاهیمی چون شرط، آرزو، تاکید، حسرت و ... در ماضی دلالت می‌کند.

در ماضی نقلی غیرمحقق بیشتر نتیجه ناگفته مهم است که در اینجا در داخل دو کمان () نوشته می‌شود و برای بیان نتیجه است که از این ساخت استفاده می‌کنند و معنایش این است که حتما «الف» را انجام داده‌ام که «ب» پیش آمده است یا حتما «الف» را انجام نداده‌ام که «ب» پیش آمده است. در معنای این فعل‌ها یک اطمینان برای اثبات عمل وجود دارد.

تفاوت این ساخت با دو ساخت ماضی استمراری تمنایی و ماضی بعید تمنایی یکی در همین اطمینان برای عمل است و دوم در اینکه عملی در ماضی انجام شده و اثرش الان معلوم است و در ترجمه‌اش برای فارسی می‌توانیم قید «حتماً» را بیفزاییم و به ماضی بعید فارسی هم می‌توان ترجمه‌اش نمود. در اینجا برای جلوگیری از خلط با ماضی بعید به صورت ترکیبی از نقلی و بعید ترجمه شده است (مثلاً: خورده بودهایم، خورده بودهای...).

۱- یارشاطر چون برای کجلی شناسه تمنایی در نظر نگرفته، هنگام توصیف این نکته، وند تمنای *-â-* را به شناسه ماضی ملحق کرده است، که در صیغه‌هایی *-i-* آغازی دارد، و چنین نوشته «*-i-* آغازی بعد از *-â-* به *-y-* تبدیل می‌شود»، این در حالیست که کجلی همانند لردی و دروی شناسه تمنایی دارد، یارشاطر در بررسی تاتی شاهرود (گونه شالی) متعرض این نکته شده، و شناسه تمنایی را ذکر کرده است (yarshaetr, 1960: 282).

فعل‌های پیشوندی هم، مانند ساده صرف می‌شوند:

pe-gata-r na bay, əški.	اگر بر نداشته بوده‌ای که می‌شکست (پس حتما برداشته‌ای). (د)
bar-ər da-vassa na-bay, âyænd.	اگر در را نبسته بوده‌ای، می‌آمدند (پس حتما در را بسته‌ای). (د)

فعل‌های ترکیبی هم مانند ساده صرف می‌شوند:

qam-ə-rân harda bay, nə-š-ind.	اگر نگه داشته بوده‌اید، نمی‌رفتند (پس حتما نگه نداشته‌اید). (د)
âtâš-əšân žiya nə bâuy.	اگر آتش نزده بوده‌اند (ک)

(برای توضیح بیشتر فعل مرکب ← نکته‌ای درباره فعل مرکب تاتی).

طرز منفی کردن این ساخت به این شرح است که وند نفی (a)-n قبل از نمودنمای bay قرار می‌گیرد و قسمت بعدی (جواب شرط) هم، مطابق ساخت آن جمله (ماضی استمراری یا بعید)، منفی می‌شود:

vərta na bay-rân, araq nə-kar-i-rân.	اگر ندویده بوده‌اید که عرق نمی‌کردید (پس حتما دویده‌اید که عرق می‌کنید). (د)
vinda šân nâ-bay , â-nə gard-i-n	اگر ندیده بوده‌اند که بر نمی‌گشتند (پس دیده‌اند که برگشته‌اند) (د)
agar beyna-m bar karda nəbây.	اگر بیرون نکرده بوده‌ام. (ک)

نوع دیگری از این ساخت همراه با وند -say در دروی وجود دارد، که شرح کامل آن ذیل قسمت «وند-say» آمده است.

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی غیرمحقق لازم:

فعل	کجلی	دروی
اگر نشسته بوده‌ام	nəštâ bây-me	nəšta bay-m
اگر نشسته بوده‌ای	nəštâ bây-re	nəšta bay-š
اگر نشسته بوده است	nəštâ be	nəšta bay
مؤنث	nəštâ biyâ	-----
اگر نشسته بودهایم	nəštâ bây-mân	nəšta bay-mân
اگر نشسته بودهاید	nəštâ bây-rân	nəšta bay-rân
اگر نشسته بوده‌اند	nəštâ bendə	nəšta bay-ində

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی غیرمحقق متعدی :

فعل	کجلی	دروی
اگر گرفته بوده‌ام	ara-gata-m bây	gata-m bay

gata-r bay	ara-gata-r bây	اگر گرفته بوده‌ای
gata-š bay	ara-gata-š bâ(y)	مذکر اگر گرفته بوده است
-----	ara-gata-š biyâ	مؤنث
gata-mân bay	ara-gata-mân bây	اگر گرفته بوده‌ایم
gata-rân bay	ara-gata-rân bây	اگر گرفته بوده‌اید
gata-šân bay	ara-gata-šân bây	اگر گرفته بوده‌اند

۹-۲-۵ ماضی نقلی بعید غیرمحقق

این ساخت فقط در دروی وجود دارد و برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته دور حتماً انجام نشده است و گوینده با آن نقل می‌کند از زمانی که آن کار انجام نگرفته است و این ساخت مانند ماضی نقلی غیرمحقق است. هدف از به کار بردن این ساخت اطمینان از عدم انجام عمل است. طرز ساخت آن چنین است:

صفت مفعولی + سوم شخص مفرد ماضی نقلی غیرمحقق فعل بودن ← ماضی نقلی بعید غیرمحقق

nəšta biya bay-m... .	(اگر) می‌نشسته بوده‌ام ... (د)
sam-əm harda biya bay... .	(اگر) سم می‌خورده بوده‌ام ... (د)

طرز منفی کردنش همانند ماضی نقلی غیرمحقق است، یعنی وند نفی قبل از نمودنمای bay- می‌آید و از این نظر فرقی بین ساده و پیشوندی نیست:

âma biya na bay mân, meri-say.	(اگر) نیامده می‌بوده‌ایم، می‌مرد. (د)
davâ-š harda biya na bay, tâ həsâ marda b.	(اگر) دارو نخورده می‌بوده، تا حال مرده بود. (د)

ساخت دیگری از این زمان با وند say- وجود دارد، که ذیل قسمت «وند say-» آمده است.

صرف کامل فعل نشستن در ساخت ماضی نقلی بعید غیرمحقق لازم:

دروی	فعل
nəšta biya bay-m	اگر می‌نشسته بوده‌ام
nəšta biya bay-š	اگر می‌نشسته بوده‌ای
nəšta biya bay	اگر می‌نشسته بوده است
nəšta biya bay-mân	اگر می‌نشسته بوده‌ایم
nəšta biya bay-rân	اگر می‌نشسته بوده‌اید
nəšta biya bay-ndə	اگر می‌نشسته بوده‌اند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی غیرمحقق متعدی:

دروی	فعل
e-gata m biya bay	اگر می گرفته بوده‌ام
e-gata r biya bay	اگر می گرفته بوده‌ای
e-gata š biya bay	اگر می گرفته بوده است
e-gata mân biya bay	اگر می گرفته بوده‌ایم
e-gata rân biya bay	اگر می گرفته بوده‌اید
e-gata šân biya bay	اگر می گرفته بوده‌اند

ماضی تمنایی و التزامی

در تاتی دو ساخت فعل وجود دارد که در معنا کمی شبیه هم‌اند: ۱- ماضی تمنایی ۲- ماضی التزامی.

ماضی تمنایی به خاطر استفاده از شناسه‌های تمنایی (← بخش «شناسه‌های تمنایی»)، چنین نامیده شده است و آن را ماضی شرطی نیز می‌توان نامید، چون همه معناه‌های شرط و تمنا را در خود دارد. فرق عمده این دو ساخت علاوه بر نوع شناسه‌هایی که استفاده می‌کنند، شکل وند نفی آنهاست، یعنی در ماضی تمنایی (یا شرطی) از وند نفی *ma-*، ولی در ماضی التزامی از وند نفی *nə-* استفاده می‌شود. در اینجا سعی شده است برای جلوگیری از ختلاط دو ساخت ماضی تمنایی و ماضی التزامی، در معنای ماضی التزامی قید «شاید» افزوده شود، چون قید «شاید» در فارسی معمولاً برای شک و تردید به کار می‌رود، برای تمنا کمتر به کار می‌رود (نیز ← مضارع تمنایی و التزامی).

۹-۳ ماضی تمنایی

این ساخت فقط در دروی و لردی رایج است و بیشتر برای بیان آرزو، خواست، دعا، شک، تردید، تمنا، نفرین و شرط به کار می‌رود. گاهی بین دو ساخت ماضی تمنایی و ماضی التزامی در معنا فرقی وجود ندارد و به جای هم به کار می‌روند.

طرز ساخت ماضی تمنایی (شرطی):

دروی: صفت مفعولی + مضارع تمنایی فعل بودن ← ماضی تمنایی لازم

لردی: صفت مفعولی + مضارع تمنایی ← ماضی تمنایی لازم

nəšta (bə-) b-âm	نشسته باشم (د)
šiya-b-âš	رفته باشی (ل)
nəšta b-âman	نشسته باشیم (ل)

در گونه دروی همانند ساخت ماضی التزامی، در این ساخت نیز وجود *bə-* اختیاری است و در معنا تفاوتی ایجاد نمی‌کند:

<i>nəšta-b-âm</i>	نشسته باشم (د)	<i>bə</i> بدون پیشوند
<i>nəšta-bə-b-âm</i>	نشسته باشم (د)	<i>bə</i> با پیشوند

طرز ساخت فعل متعدی از ماضی تمنایی:

صفت مفعولی + ضمایر متصل غیرشخصی + سوم شخص مفرد مضارع تمنایی فعل «بودن» ←
متعدی ماضی شرطی

<i>vâta-m bə-bâ</i>	گفته باشم (د)
<i>vinda-r-bâ</i>	دیده باشی (ل)
<i>barda-rân bâ</i>	برده باشید (د)

فعل پیشوندی و فعل ترکیبی هم مانند فعل ساده در این ساخت صرف می‌شود:

<i>pe-gata-m bə-bâ</i>	برداشته باشم (د)
<i>vir-ər bâr šiya bâ</i>	یادت رفته باشد (ل)
<i>rač-əš âkarda bâ</i>	درست کرده باشد (ل)

در دروی طرز منفی کردن فعل لازم و متعدی ماضی تمنایی شبیه هم است، اما با ماضی التزامی تفاوت دارد، همان‌طور که گذشت، وند نفی ماضی التزامی-*nə* است، اما وند نفی ماضی تمنایی *ma-* است. برای نمونه مثال‌هایی از هر دو ساخت در جدول زیر آمده است:

منفی ماضی تمنایی	منفی ماضی التزامی	فعل
<i>nəšta ma-b-â-m</i>	<i>nəšta nə-b-um</i>	ننشسته باشم (د)
<i>xəta ma-b-â-š</i>	<i>xəta nə-bi</i>	نخواهیده باشی (د)
<i>pe-gata-m ma-bâ</i>	<i>pe-gata-m nə-bu</i>	برنداشته باشم (د)
<i>vir-ər bâr šiya ma-bâ</i>	<i>vir-ər bâr šiya nə-bu</i>	یادت نرفته باشد (د)

در لردی طرز منفی کردن این ساخت به دو صورت است:

الف- وند نفی *ma-* را بعد از صفت مفعولی می‌آورند، ساده و پیشوند «بودن» فعل تأثیری در این امر ندارد:

<i>nəšta ma-b-âm</i>	ننشسته باشم (ل)
<i>xutta ma-bâš</i>	نخواهیده باشی (ل)

a-kata-m ma-bâ	برداشته باشم (ل)
vir-ər bār šiya ma-bâ	یادت رفته باشد (ل)

ب) وند نفی -n(ɪ) قبل از ماده فعل و اگر پیشوندی باشد، بعد از پیشوند ذکر می شود و در این صورت وند نفی -n(ɪ) به جای m(a) می آید:

nə-nəšta b-âm	ننشسته باشم (ل)
nə-xutta bâš	نخواهیده باشی (ل)
a-nə-ra-kata-m bâ	برنداشته باشم (ل)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی تمنایی لازم در تاتی:

دروی	لردی	فعل
nəšta(bə)bâm	nəšta bā-m	نشسته باشم
nəšta(bə)bâš	nəšta bā-š	نشسته باشی
nəšta(bə)bâ	nəšta bā	نشسته باشد مذکر
-----	nəšta bāya	نشسته باشد مؤنث
nəšta(bə)bāmân	nəšta bā-mân	نشسته باشیم
nəšta(bə)barân	nəšta bā-rân	نشسته باشید
nəšta(bə)bând	nəšta bā-nd	نشسته باشند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی تمنایی متعدی در تاتی:

دروی	لردی	فعل
gata-m(bə)-bâ	kata-m bā-ara	گرفته باشم
gata-r(bə)bâ	kata-r bā-ara	گرفته باشی
gata-š(bə)bâ	kata-š bā-ara	گرفته باشد مذکر
-----	kata-š bāya-ara	گرفته باشد مؤنث
gata-mân(bə)bâ	kata-mân bā-ara	گرفته باشیم
gata-rân(bə)bâ	kata-rân bā-ara	گرفته باشید
gata-šân(bə)bâ	kata-šân bā-ara	گرفته باشند

۹-۴ ماضی التزامی

طرز ساخت ماضی التزامی در گونه های سه گانه تاتی به شرح زیر است:

دروی: صفت مفعولی + وند -n(ɪ) b(+) مضارع التزامی از فعل «بودن» ← ماضی التزامی لازم

کجلی / لردی: صفت مفعولی + bey + شناسه‌های ماضی ← ماضی التزامی لازم

xəta bə-bi	شاید ^۱ خوابیده باشی (د)
nəšta biyem	شاید نشسته باشم (ل)
nəšta bey-me	شاید نشسته باشم (ک)

در ساخت ماضی التزامی دروی از شناسه‌های اولیه و در لردی و کجلی از شناسه‌های ماضی استفاده می‌شود. در ماضی التزامی دروی گاهی وند تصریفی bə- حذف می‌شود، یعنی وجود این وند در مواقعی اختیاری است و هیچ تفاوتی در معنا ایجاد نمی‌کند:

šâyad xəta bə bu	شاید خوابیده باشد (د)	با وند-bə
šâyad xəta bu	شاید خوابیده باشد (د)	بدون وند bə-

طرز ساخت فعل متعدی از ماضی التزامی:

دروی / لردی:

صفت مفعولی + ضمایر متصل غیرفاعلی + سوم شخص مفرد مضارع التزامی از فعل «بودن» ← ماضی التزامی لازم

xarda-m be'	شاید خورده باشم (ل)
vinda-r bə-bu	شاید دیده باشی (د)
vinda-rân bəy	شاید دیده باشید (ک)

در لردی و کجلی شکل ظاهری فعل متعدی ماضی التزامی با ماضی بعید یکسان است، تنها در جایگاه تکیه تفاوت دارند، یعنی در فعل متعدی ماضی بعید، تکیه روی صفت مفعولی و در التزامی تکیه روی فعل معین be است:

xarda'-m be	خورده بودم (ل)	ماضی بعید
xarda-m be'	شاید خورده بودم (ل)	ماضی التزامی
ara-kata'-m be	گرفته بودم (ک)	ماضی بعید
ara-kata-m be'	شاید گرفته باشم (ک)	ماضی التزامی

برای منفی کردن این ساخت، وند نفی در فعل لازم قبل از فعل معین و در متعدی بعد از ضمایر متصل غیرفاعلی می‌آید:

۱ - برای علت ذکر قید «شاید» در معنی فارسی این ساخت ← مقدمه ماضی تمنایی و التزامی در تاتی.

šāyad vāta-š nə-bey	شاید نگفته باشد (ک)
šāyad tarsəsta nə bey	شاید نترسیده باشد (ک)
šāyad šiya nə-bu	شاید نرفته باشد (د)
šāyad harda-rân nə-bu	شاید نخورده باشید (د)
šāyad vāta-m nə-biyâ	شاید نگفته باشم (ل) (با مفعول مؤنث)
šāyad tarsəsa nə bey	شاید نترسیده بود (ل)

در افعال پیشوندی و ترکیبی، وند نفی در هر سه گونه، قبل از فعل معین می‌آید:

šāyad ara-gata-mân nə bey	شاید نگرفته باشیم (ک)
šayad ama e-karda- nə-bu	شاید ما نریخته باشیم (د)
šāyad ara-karda-r nə be	شاید نریخته باشی (ل)
šāyad vâng-əš karda- nə bu	شاید صدا نزده باشد (د)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی التزامی لازم در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
شاید نشسته باشم.	nəšta bey-me	nəšta be-m	nəšta bə-bum
شاید نشسته باشی	nəšta bey-re	nəšta be-š	nəšta bə-b-i
شاید نشسته باشد مذکر	nəšta be	nəšta be	nəšta bə-bu
مؤنث	nəšta biyâ	nəšta biyâ	-----
شاید نشسته باشیم	nəšta bey-mân	nəšta be-mân	nəšta bə-bam
شاید نشسته باشید	nəšta bey-rân	nəšta be-rân	nəšta bə-ba
شاید نشسته باشند	nəšta bendə	nəšta be-ndə	nəšta bə-bund

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی التزامی متعدی در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
شاید گرفته باشم	ara-gata-m-be'	ara-kata-m-be'	bu gata-m-bə
شاید گرفته باشی	ara-gata-r-be'	ara-kata-r-be'	gata-r-bə bu
مذکر	ara-gata-š-be'	ara-kata-š-be'	gata-š-bə bu
شاید گرفته باشد مؤنث	ara-gata-š biyâ'	ara-kata-š-biyâ'	-----
شاید گرفته باشیم	ara-gata-mân-be'	ara-kata-mân-be'	gata-mân-bə bu

gata-rân-bə bu	ara-kata-rân-be'	ara-gata-rân-be'	شاید گرفته باشید
gata-šan-bə bu	ara-kata-šan-be'	ara-gata-šan-be'	شاید گرفته باشند

۵-۹ ماضی بعید

ماضی بعید فعل‌های لازم در تاتی به روش زیر ساخته می‌شود:

صفت مفعولی + ماضی مطلق «بودن» ← ماضی بعید لازم

nəšta be-mân	نشسته بودم (ل)
vərita – b-i-rân	دویده بودم (د)
nəšta-be-me	نشسته بودم (ک)
šiya b-im	رفته بودم (د)

فعل‌های متعدی ماضی بعید

تفاوت بارز ساخت ماضی بعید لازم با متعدی در این است که در فعل‌های متعدی این ساخت برخلاف

فعل‌های لازم، سوم شخص مفرد فعل معین «بودن» برای همهٔ شخص‌ها یکسان به کار می‌رود و در

فعل‌های متعدی ماضی بعید، به جای شناسه از ضمائر متصل غیرفاعلی استفاده می‌شود:

صفت مفعولی + ضمائر متصل غیرفاعلی + سوم شخص مفرد ماضی مطلق «بودن» ← فعل بعید متعدی

فعل	کجلی	لردی	دروی
برده بودم	barda-m be	barda-m bə	bard-a- m bə
دیده بودید	vinda-rân be	vinda-rân bə	vind-a-r bə
خورده بودیم	harda-mân be	xarda-mân bə	hard-a-mân bə
خوانده بودید	hânda-rân be	xânda-rân bə	xand-a-rân bə

فعل‌های پیشوندی لازم و متعدی ماضی بعید در ساخت هیچ تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند و

پیشوند قبل از صفت مفعولی ظاهر می‌شود:

e-ši-[y]-a bi-mân	پایین رفته بودیم (د)
a-ši-[y]-a berân	بالا رفته بودید (ل)
ara-gata-mân be	گرفته بودیم (ک)

روش ساخت مصدرهای ترکیبی ماضی بعید

فعل‌های مرکب در ساخت، فرقی با فعل‌های ساده ندارند، فقط جزء غیرفعلی به اول فعل مرکب اضافه می‌شود:

das-əmân za b(ə)	دست زده بودیم (د)
sar-ər bar-â-varða bə	سر درآورده بودی (ل)
par-əšân gata be	پر درآورده بودند (ک)
qam harda-šan bə	نگه داشته بودند (د)
âtâš-ə ân žiya bə	آتش زده بودند (ک)
das-əšân ziya bə	دست زده بودند (ل)

طرز منفی کردن فعل ماضی بعید

در فعل‌های ساده دروی و کجلی:

در فعل‌های لازم و متعدی ماضی بعید دو گونه فوق، وند نفی- n(ə) قبل از فعل معین قرار می‌گیرد:

vinda-r nə-b(ə)	ندیده بودی (د)
e-ši-[y]-a nə-bi-mân	نرفته بودیم پایین (د)
virita nə-be	ندویده بود (ک)
ara-gata-mân nə-be	نگرفته بودیم (ک)
a-šiya nə-berân	بالا نرفته بودید (ل)
barda-m nə-be	نبرده بودم (ل)

در فعل‌های ساده لردی:

در لردی گاهی وند نفی قبل از صفت مفعولی ذکر می‌گردد:

nə-vinda-r bə	ندیده بودی (ل)
ni-vrita bə	ندویده بود (ل)
nə-karda-r bə	نکرده بودی (ل)

در فعل‌های پیشوندی:

در فعل‌های پیشوندی هر سه گونه، چون وند نفی بعد از صفت مفعولی قرار می‌گیرد، هیچ تفاوتی با فعل‌های ساده در طرز منفی کردن ندارد:

â-karda-mân nə-b'	باز نکرده بودیم (د)
â-karda-mân nə-be	باز نکرده بودیم (ک)
a-kata-šân nə-be	بر نداشته بودند (ل)

طورز منفی کردن فعل ترکیبی همانند فعل‌های ساده است، وند نفی قبل از فعل معین می‌آید:

are-šân da-gənəsa nə-bə	دیرشان نشده بود (د)
rač-əmân â-karda nə-bə	درست نکرده بودیم (ل)
âtâš-əšân žiya nə-bə	آتش نزده بودند (ک)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید لازم در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
نشسته بودم	nəšta-bem	nəšta-bem	nəšta-bim
نشسته بودی	nəšta-beyre	nəšta-bəš	nəšta-biš
نشسته بود مذکر	nəšta-bə	nəšta-bə	ənəšta-b
نشسته بود مؤنث	nəšta biyâ	nəšta biyâ	-----
نشسته بودیم	nəšta-bemân	nəšta-bemân	nəšta-bimân
نشسته بودید	nəšta-berân	nəšta-berân	nəšta-birân
نشسته بودند	nəšta-bendə	nəšta-bendə	nəšta-bində

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید متعدی در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
گرفته بودم	ara-gata-m-be	ara-kata-m-bə	gata-m-bə
گرفته بودی	ara-gata-r-be	ara-kata-r-bə	gata-r-bə
گرفته بود مذکر	ara-gata-š-be	ara-kata-š-bə	gata-š-bə
گرفته بود مؤنث	ara-gata-š biyâ	ara-kata-š-bə/biyâ	-----
گرفته بودیم	ara-gata-mân-be	ara-kata-mân-bə	gata-mân-bə
گرفته بودید	ara-gata-rân-be	ara-kata-rân-bə	gata-rân-bə
گرفته بودند	ara-gata-šân-be	ara-kata-šân-bə	gata-šân-bə

۱- گاهی در شکل منفی ماضی بعید دروی از فعل معین bi-en فقط b باقی می‌ماند و بقیه حذف می‌شوند.

۹-۶ ماضی بعید تمنایی

این ساخت فقط در دروی و لردی رایج است و همانند دو ساخت قبلی آرزو، حسرت، تمنا و شرط را در ماضی می‌رساند و تفاوتش با بقیه هم در ساخت و هم در معنی است. معنی‌اش این است که یک فعلی قبل از فعلی دیگر در گذشته دور انجام شده است اما با تمنای چیزی، مثلاً، انجام یا عدم انجام کاری. صحبت درباره گذشته است و ربطی به حال ندارد و اثرش هم تا حال باقی نمانده است. طرز ساخت ماضی بعید تمنایی:

صفت مفعولی + biya + ماضی ساده سوم شخص مفرد «بودن» + شناسه تمنایی ← فعل لازم
صفت مفعولی + ضمیر شخصی + biya + bâ ← فعل متعدی

nəšta biya bāmān	اگر می‌نشسته بودیم (د)	لازم
nəšta biya bemān	اگر می‌نشسته بودیم (ل)	" "
šiya biya bāš	اگر می‌رفته بودی (د)	" "
ara-gata-rān biya bā	اگر می‌گرفته بودید (ل)	متعدی
vāta-rān biya bā	اگر می‌گفته بودید (د)	" "

طرز منفی کردن این ساخت همانند منفی کردن ساخت ماضی بعید است، در دروی و لردی، این ساخت را مانند ماضی بعید منفی می‌کنند (← طرز منفی کردن ماضی بعید):

xəta biya nə bām	اگر نمی‌خواهییده بودم (د)	لازم
gata-rān biya nə bā	اگر نمی‌گرفته بودید (د)	متعدی
nə nəšta biya bāš	اگر نمی‌نشسته بودی (ل)	لازم
nə xarda-rān biya bā	اگر نمی‌خورده بودید (ل)	متعدی

در فعل‌های ترکیبی جزء غیرفعلی به اول جمله اضافه می‌شود و اگر متعدی باشد ضمیر شخصی به آن متصل می‌شود:

xəšk-ərān â-karda biya nə bā	اگر خشک نمی‌کرده بودید (د)	لازم
xəšk â-biya nə bā	اگر خشک نمی‌شده بود (د)	متعدی

نکته: سه فعل ماضی استمراری تمنایی، ماضی نقلی غیرمحقق و ماضی بعید تمنایی، شاید زمانی هر کدام کاربرد ویژه‌ای داشته‌اند، اما امروز دیگر آن گونه که باید، از همدیگر قابل تفکیک نیستند و گاهی به جای هم به کار می‌روند. به عنوان مثال می‌توان یک جمله را این طور بیان کرد:

zu bayz-i-m, â-ras-im.	اگر زود بیدار می‌شدم، می‌رسیدم. (د)
zu hašta bay-m, â-ras-im.	اگر زود بیدار شده بودم، می‌رسیدم (پس حتما زود بیدار نشده‌ام). (د)
zu hašta biya bay-m, â-rasəsa b-im.	اگر زود بیدار شده بودم، رسیده بودم. (د)

جملات فوق به ترتیب دارای معانی ثانوی زیر هستند:

جمله ۱- حسرت بر ماضی نزدیک،

جمله ۲- اطمینان از عملی که اثرش معلوم است،

جمله ۳- حسرت بر عملی که مدت‌ها از انجامش گذشته است.

با این حال معنای بسیار نزدیکی به هم دارند و خلط آن امروزه در بین گویشوران مشاهده می‌شود و می‌توان گفت در حال فروپاشی است.

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید تمنایی لازم :

دروی	لردی	فعل
nəšta biya b-âm	nəšta biya b-âm	اگر می‌نشسته بودم
nəšta biya b-âš	nəšta biya b-âš	اگر می‌نشسته بودی
nəšta biya b-â	nəšta biya b-â	مذکر اگر می‌نشسته بود
-----	nəšta biya b-âya	مؤنث
nəšta biya b-âmân	nəšta biya b-emân	اگر می‌نشسته بودیم
nəšta biya b-ârân	nəšta biya b-erân	اگر می‌نشسته بودید
nəšta biya b-ândə	nəšta biya b-ândə	اگر می‌نشسته بودند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید تمنایی متعدی:

دروی	لردی	فعل
vâta-m biya bâ	vâta-m biya bâ	اگر می‌گفته بودم
vâta-r biya bâ	vâta-r biya bâ	اگر می‌گفته بودی
vâta-š biya bâ	vâta-š biya bâ	مذکر اگر می‌گفته بود
-----	vâta-š biya bâya	مؤنث

vâta-mân biya bâ	vâta-mân biya bâ	اگر می گفته بودیم
vâta-rân biya bâ	vâta-rân biya bâ	اگر می گفته بودید
vâta-šân biya bâ	vâta-šân biya bâ	اگر می گفته بودند

۹-۷ ماضی استمراری

ماضی استمراری فعل‌های لازم در تاتی به روش زیر ساخته می‌شود:

- دروی: ماده مضارع + وند استمرار -i- + شناسه‌های ماضی ← ماضی استمراری لازم
 کجلی: ماده ماضی + وند استمرار -i- + شناسه‌های ماضی ← ماضی استمراری لازم
 لردی: ماده ماضی + وند استمرار -e- + شناسه‌های ماضی ← ماضی استمراری لازم
 در گونه دروی ماضی استمراری از ماده مضارع و در لردی و کجلی از ماده ماضی به دست می‌آید.

فعل‌های لازم ماضی استمراری

چون ماضی استمراری دروی از ماده مضارع ساخته می‌شود، دیگر ساخت ارگتیو ندارد، به این دلیل که فعل‌های مضارع تاتی از ساخت ارگتیو برخوردار نیستند. در نتیجه فرقی بین فعل‌های لازم و متعدی آن گونه وجود ندارد:

فعل متعدی	فعل لازم
bar-i-m (می‌بردم د)	nəš-i-m (می‌نشستم د)
vin-i-rân (می‌دیدید د)	š-i-rân (می‌رفتید د)
e-dâr-i-š (می‌انداختی د)	e-gən-i-š (می‌افتادی د)

در دو گونه کجلی و لردی فعل ماضی استمراری از ماده ماضی ساخته می‌شود، نه از ماده مضارع، و به تبع آن ساخت لازم آن با ساخت متعدی استمراری در دو گونه فوق تفاوت دارد.

لازم

فعل	کجلی	لردی
می‌نشستیم	mə-nəšt-i-mân	nəšt-e-mân
می‌دویدید	mi-vrit-irân	virit-e-rân

متعدی

روش ساخت فعل متعدی در دو گونه کجلی و لردی به روش زیر است:

ماده ماضی + ضمائر متصل غیر فاعلی + وند استمرار -e- ← ماضی استمراری متعدی لردی

وند تصریفی + ماده ماضی + ضمائر متصل غیرفاعلی ← ماضی استمراری متعدی کجلی

لردي	کجلی	فعل
xard-əm-e	mə-hard-əm	می‌خوردم
vind-ə-rân-e	mi-hind-ərânə	می‌دیدیم

فعل‌های پیشوندی هیچ تفاوتی در ساخت با فعل‌های ساده استمراری ندارند، فقط پیشوند در اول ماده مضارع ظاهر می‌شود:

pe-š-i-m	می‌رفتم بالا	š-i-m	می‌رفتم (د)
ara-kard-ərân-e	می‌ریختید	Kard-ərân-e	می‌کردید (ل)
ara-šey-me	می‌رفتم پایین	mi-šey-re	می‌رفتی (ک)
e-kar-i	می‌ریخت پایین	kar-i	می‌کرد (د)

همان‌طور که معلوم است، وند استمرار -i- در تاتی دروی و کجلی به دنبال ماده فعل ظاهر می‌شود و در سوم شخص مفرد خود را نمایان می‌سازد، اما در کجلی چنین وندی وجود ندارد.

طرز م فی کردن ماضی استمراری:

الف- در فعل‌های ساده:

برای منفی کردن فعل‌های ساده این ساخت، وند نفی -(ə) به اول فعل افزوده می‌شود، اگر مانند کجلی وند تصریفی هم داشته باشد، باز در اول فعل قرار می‌گیرد:

فعل	کجلی	لردي	دروی
نمی‌نشستم	nə-m(ə) ^۱ -nəšt-əm	nə-nəšt-em	nə-nəšt-im
نمی‌کردید	nə-m(ə)-kard-irân	nə-kard-ərân-e	nə-kar-irân
نمی‌خوردیم	nə-m(a)-hard-əmân	nə-xard-əmân-e	n-ar-imân(°>nə-har-iman)

ب- در فعل‌های پیشوندی:

در فعل‌های ماضی استمراری پیشوندی دروی و لردي، وند نفی بعد از پیشوند و در کجلی قبل از پیشوند قرار می‌گیرد، در لردي اگر پیشوندی بیش از دو واج داشته باشد، مانند bar و ara وند نفی وسط آن قرار می‌گیرد:

۱- در تلفظ تندتر این گونه افعال، وند نفی و وند تصریفی در هم ادغام می‌شوند.

فعل	کجلی	لردی	دروی
نمی‌گرفتم	n-ara-n-gat-əm	a-nə-ra-kat-əm-e	e-gir-im
باز نمی‌کردیم	n-â-n-kard-əmân	â-nə-kard-əmân-e	â-nə-kar-imân
نمی‌ریختی	n-ara-n-kard-ər	a-nə-ra-kard-ər-e	e-nə-kar-iš

همچنان که معلوم است در کجلی وند نفی در آغاز فعل آمده است، -n- وسط فعل کجلی، تکواژگونه‌ای از وند تصریفی ویژه فعل مضارع اخباری و ماضی استمراری (وجه اخباری) است (برای توضیحات بیشتر ← بخش "وندهای تصریفی"). پیشوند-ara در تاتی لردی در جدول فوق یک پیشوند سه حرفی است و وند نفی در وسط آن قرار گرفته است.

ج- در فعل‌های ترکیبی:

ماضی استمراری فعل‌های ترکیبی نیز مانند فعل‌های ساده منفی می‌شوند:

گونه	آتش نمی‌زدی	صدا نمی‌زدیم
کجلی	âtaš-ər nə-m(ə)ža	ažvâng-əmân nə-m(ə)
لردی	âtaš -ər-nə-zess-e	sas nə kardəmân-e
دروی	vaš-ər nə-za	vâng â-nə-da-y-man

امروزه در لردی برای بیان فعل ماضی استمراری، بیشتر از فعل ماضی مستمر استفاده می‌شود و کم‌کم ماضی استمراری جای خود را در لردی به ماضی مستمر می‌دهد، همچنان که مضارع اخباری جای خود را به مضارع مستمر داده است (نیز ← فعل مضارع اخباری):

məši-[y]-ard-	داشتم می‌رفتم (ل)
a-ši-[y]-ard-ərân-e	می‌رفتید بالا (ل)

در دروی نوع دیگری از این ساخت همراه با وند say- وجود دارد که شرح آن ذیل وند say- آمده است.

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی استمراری لازم در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
می‌نشستم	mə-nəšt-i-m	nəšt-e-m	nəš-i-m
می‌نشستی	mə-nəšt-ir	šnəšt-e-	nəš-i-š

nəš-i	nəšt-e	mə-nəšt	مذکر	می‌نشست
-----	nəšt-ayâ	mə-nəšt-â	مؤنث	
nânəš-i-mân	nânəšt-e-m	nâmə-nəšt-i-m		می‌نشستیم
nəš-i-rân	nəšt-e-rân	mə-nəšt-i-rân		می‌نشستید
nəš-i-ndə	nəšt-a-ndə	mə-nəšt-i-ndə		می‌نشستند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی استمراری متعدی در تاتی:

دروی	لردی	کجلی	فعل
gir-i-m	ara-kat-əm-e	ara-n-gat-əm	می‌گرفتم
gir-i-š	ara-kat-ər-e	ara-n-gat-ər	می‌گرفتید
gir-i	-ešara-kat-ə	ara-n-gat-əš	مذکر می‌گرفت
-----	ara-kat-əšâ	ara-n-gat-əš-â	مؤنث
gir-i-mân	ara-kat-əmân-e	ara-n-gat-əmân	می‌گرفتیم
gir-i-rân	ara-kat-ərân-e	ara-n-gat-ərân	می‌گرفتید
gir-i-ndə	ara-kat-əšân-e	ara-n-gat-əšân	می‌گرفتند

۹-۸ ماضی استمراری تمنایی

این ساخت فقط در گونه دروی وجود دارد و برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته (به استمرار) می‌توانسته انجام شود، انجام نشده، یا نمی‌بایست انجام شود، انجام شده است. یک طرف آن (شرط یا جواب شرط)، همیشه ماضی استمراری است. در این ساخت ارگتیو وجود ندارد و فعل لازم و متعدی به یک شکل ساخته می‌شوند.

طرز ساخت ماضی استمراری تمنایی به شرح زیر است:

وند تصریفی $b(\bar{v})$ + ماضی استمراری $\leftarrow$ ماضی استمراری تمنایی

در این ساخت، هم مانند ماضی استمراری، از ماده مضارع استفاده می‌شود. این فعل بر مفاهیمی چون شرط، آرزو، تاکید، حسرت و ... در ماضی دلالت می‌کند.

طرز منفی کردن این ساخت به این شرح است که وند نفی $m(a)$ به جای $b(\bar{v})$ می‌نشیند، طرز منفی کردن ماضی استمراری تمنایی، یکی از راه‌های شناخت آن است، به این صورت که وند نفی آن $m(\bar{v})$ است و وند نفی ماضی استمراری $n(\bar{v})$ است $\leftarrow$ طرز منفی کردن ماضی

استمراری). در افعال پیشوندی هم (مثل همهٔ افعال پیشوندی دیگر)، به جای وند تصریفی $b(v)$ از پیشوند فعلی استفاده می‌شود:

ma-naš-im	اگر نمی‌نشستیم (د)
m-â-[y]ind	اگر نمی‌آمدند (د)
m-ar-irân (<ma-har-irân)	اگر نمی‌خوردید (د)
ma-pej-iš	اگر نمی‌بردی (د)
pe-ma diyas-imân	اگر بالا نگاه نمی‌کردیم (د)

فعل‌های ترکیبی هم، مانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند و وند نفی بعد از پیشوند فعلی می‌آید:

vâš-ma-zan-i-š	اگر آتش نمی‌زدی (د)
qam-b-(h)ar-i-mân	اگر نگه می‌داشتیم (د)
pâ-b-(v)ander-i	اگر سر پا می‌ایستاد (د)
pâ-ma-(v)ander-i	اگر سر پا نمی‌ایستاد (د)

نکته:

در فعل پیشوندی ماضی استمراری تمنایی چون وند تصریفی $b(v)$ وجود ندارد و به جایش از پیشوند فعلی استفاده می‌شود، شکل ظاهری‌اش با ماضی استمراری پیشوندی یکسان می‌شود و تنها جایگاه تکیه آنها متفاوت خواهد بود. جای تکیه ماضی استمراری روی پیشوند، اما جای تکیه ماضی استمراری تمنایی بر روی ماده است. در شکل منفی، این دو ساخت از هم تمایز دارند: ماضی استمراری تمنایی با وند نفی $m(v)$ و ماضی استمراری با $n(v)$ منفی می‌شود:

pe'-gir-i-m	اگر بر می‌داشتم	pe-gir'-i-m	بر می‌داشتم
pe'-da[y]-i-š	اگر بالا می‌دادی	pe-da'[y]-i-š	بالا می‌دادم
â-na-kar-i-m	اگر باز نمی‌کردم	â-ma-kar-i-m	باز نمی‌کردم
ba-na-kar-i-š	اگر بیرون نمی‌کردی	ba-ma-kar-i-š	بیرون نمی‌کردی

همان‌طور که از دو سطر آخر جدول پیداست شکل منفی این دو فعل به راحتی قابل شناسایی است، چون وند نفی آن دو از هم تمایز دارد. در دروی نوع دیگری از این ساخت همراه با وند say وجود دارد که شرح آن ذیل «وند say» آمده است.

نمونهٔ کاملی از صرف فعل ماضی استمراری تمنایی لازم دروی در جدول زیر آمده است:

دروی	فعل
bə-naš-im	اگر نمی‌نشستم

bə-nəš-i-š	اگر می‌نشستی
bə-nəš-i	اگر می‌نشست
bə-nəš-i-mân	اگر می‌نشستیم
bə-nəš-i-rân	اگر می‌نشستید
bə-nəš-i-ndə	اگر می‌نشستند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی استمراری تمنایی متعددی دروی در جدول زیر آمده است:

دروی	فعل
pe-gir'-i-m	اگر برمی‌داشتم
pe-gir'-i-š	اگر برمی‌داشتی
pe-gir'-i	اگر برمی‌داشت
nâpe-gir'-i-m	اگر بر می‌داشتیم
pe-gir'-i-rân	اگر برمی‌داشتید
pe-gir'-i-ndə	اگر برمی‌داشتند

۹-۹ ماضی مستمر

طرز ساخت ماضی مستمر در تاتی به شرح زیر است:

دروی: نمودنمای + kərâ- ماضی استمراری فعل اصلی ← ماضی مستمر

لردی: ماده مضارع + ard- + شناسه‌های ماضی ← ماضی مستمر

کجلی: نمودنمای + kâri- ماضی استمراری فعل اصلی ← ماضی مستمر

دروی	لردی	کجلی	فعل
kərâ-nəš-i-m	nəšt-ard-əme ^۱	kâri-mə-nəšt-im	داشتم می‌نشستم
kərâ-har-i-š	xard-ard-ərân-e	kari-mə-hard-rânə	داشتید می‌خوردید
kərâ-š-i-š	ši-[y]-ard-əš	re-kari-mi-šey	داشتی می‌رفتی

۱- طرز ساخت ماضی مستمر لردی را می‌توان چنین نیز نوشت: صفت مفعولی + rd. در هر صورت اصل مسأله یکی است، فقط نحوه توصیف تفاوت دارد.

در این ساخت فعل لازم و متعدی تفاوتی با هم ندارند. طرزمنفی کردن آن به این شرح است که وند منفی را قبل از ماده مضارع فعل می‌افزایند، به عبارتی دیگر، همانند ماضی استمراری منفی می‌شود:

nə-bard-ard-əmāne	داشتیم نمی‌بردیم (ل)	متعدی
kāri-nə-m(ə)-hard-ərān	داشتید نمی‌خوردید (ک)	متعدی
kərā-nə-bar-i-mān	داشتیم نمی‌بردیم (د)	متعدی
nə-nəšt-ard-əm	داشتیم نمی‌نشستم (ل)	لازم
kāri nə-m(ə)-š-i-mān	داشتیم نمی‌رفتیم (ک)	لازم
kərā nə-zan-i-mān	داشتیم نمی‌زدیم (د)	لازم

در فعل‌های پیشوندی دروی، وند منفی قبل از ماده فعلی، در کجلی، بعد از وند وجه اخباری -mə و در لردی بعد از پیشوند فعلی می‌آید:

kərā-e-nə-gir-i-mān	داشتیم نمی‌گرفتیم (د)
kāri āttāš-ər nə-mə-ža	داشتی آتش نمی‌زدی (ک)
par-əšān ba-nə-r āvarda-rə	داشتند بر در نمی‌آوردند (ل)
a-nə-ra-katard-əmānə	داشتیم نمی‌گرفتیم (ل)

فعل‌های ترکیبی در ساخت ماضی مستمر، همانند ماضی استمراری صرف می‌شود و طرز منفی کردن آنها مانند فعل‌های ساده است، یعنی، وند منفی در آغاز ماده فعلی می‌آید.
در دروی نوع دیگری از ماضی مستمر وجود دارد که با وند -say- همراه است (← "وند -say-").
نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مستمر لازم تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
داشتیم نمی‌نشستم	kāri-mə-nəšt-im	nəšt-ard-em	kərā-nəš-i-m
داشتی نمی‌نشستی	kāri-mə-nəšt-ir	nəšt-ard-eš	kərā-nəš-i-š
داشت می‌نشست	kāri-mə-nəšt-e	nəšt-ard-e	kərā-nəš-i
مؤنث	kāri-mə-nəšt-ā	nəšt-ard-eya	-----
داشتیم می‌نشستیم	kāri-mə-nəšt-imān	nəšt-ard-emān	kərā-nəš-i-mān
داشتید می‌نشستید	kāri-mə-nəšt-irān	nəšt-ard-erān	kərā-nəš-i-rān
داشتند می‌نشستند	kāri-mə-nəšt-əndə	nəšt-ard-əndə	kərā-nəš-i-ndə

۲- در زبان فارسی منفی ماضی مستمر به این صورت رواج ندارد. به عنوان مثال: «داشتیم نمی‌خوردم» رایج نیست و به جایش «همی‌خوردم» به کار می‌رود، یعنی بدون فعل معین «داشتن» منفی می‌شود.

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مستمر متعدی در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
داشتم می گرفتم	kâri-ara-kat-əm	ara-kat-ard-əm-e	kərâ gir-im
داشتی می گرفتی	kâri-ara-kat-ər	ara-kat-ard-ər-e	kərâ gir-iš
داشت می گرفت	kâri-ara-kat-əš	ara-kat-ard-əš-e	kərâ gir-i
مؤنث	kâri-ara-kat-əšâ	ara-kat-ard-əšâ	-----
داشتیم می گرفتیم	kâri-ara-kat-əmân	ara-kat-ard-əmân-e	kərâ gir-imân
داشتید می گرفتید	nâkâri-ara-kat-ər	ara-kat-ard-ərân-e	kərâ gir-irân
داشتند می گرفتند	kâri-ara-kat-əšân	ara-kat-ard-əšân-ə	kərâ gir-ində

۹-۱۰ مضارع اخباری

طرز ساخت مضارع اخباری تاتی به شرح زیر است:

وند تصریفی + ماده مضارع + شناسه‌های مضارع ← مضارع اخباری

فعل	کجلی	لردی	دروی
می‌روم	mi-š-im	ši-m	šu-m
می‌زند (مؤنث)	mə-zan-iyā	zan-iyā	zan-ə
می‌خوری	mə-ari	xar-i	har-i
می‌گیریم	ara-n-gir-âm	ara-gir-âm	gir-am
بیرون می‌کنم	a-n-bar-kar-əm	bar-kar-əm	bar-kar-əm
باز می‌کنید	â-n-kar-â	â-kar-â	â-kar-a
بیدار می‌شود (مؤنث)	m-eiz-iyā	heyz-iyā	hayzə

چنان که در جدول فوق نمایان است، در کجلی وند تصریفی مضارع اخباری-(v)m و -n- است و به ترتیب برای فعل‌های ساده و پیشوندی می‌آیند. وقتی پیشوند فعل بیش از یک واج داشته باشد، مانند: -bar-, -jir-, وند تصریفی بین آن قرار می‌گیرد. پیشوند فعلی-ara از این نظر یک استثناء است، یعنی وند تصریفی مضارع اخباری وسط آن قرار نمی‌گیرد. ساخت فعل لازم و متعدی در مضارع تفاوتی با هم ندارند، در فعل‌های پیشوندی، فقط پیشوند به اول فعل اضافه می‌شود:

e-š-um	می‌روم پایین (د)
ji-kar-əm	پهن می‌کنم (د، ل)
a-gir-i	بر می‌داری (ل)
ara-n-gir-iya	بر می‌دارد (ک) (مؤنث)

فعل‌های ترکیبی نیز همانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند:

xəšk â-karəm	خشک می‌کنم (د، ل)
gaf zan-am	حرف می‌زنیم (د)
duš kar-i	رقص می‌کنی (ل)
sar-əm a-m-bar šî	سر در می‌آورم (ک)

طرز منفی کردن فعل‌های مضارع اخباری:

برای منفی کردن این ساخت، وند نفی-(ə)n قبل از ماده مضارع می‌آید و بین فعل ساده، پیشوندی و ترکیبی فرقی از این نظر وجود ندارد، در کجلی وند نفی قبل از فعل می‌آید:

da-nə kar-i	نمی‌پوشی (د، ل)
e-nə-š-um	نمی‌روم پایین (د)
â-nə-kar-a	باز نمی‌کنید (د، ل)
n-â-n-kar-əm	باز نمی‌کنم (ک)
na-m-bar-kar-ə	بیرون نمی‌کند (ک)

در دو سطر آخر جدول فوق (گونه کجلی) -n- و -m- در وسط فعل، وند نفی نیستند بلکه وند تصریفی مضارع اخباری‌اند.

امروزه در لردی برای بیان مضارع اخباری بیشتر از مضارع مستمر استفاده می‌شود، به عبارتی دیگر، مضارع اخباری لردی جای خودش را دارد به مضارع مستمر می‌دهد و به نفع آن کنار می‌رود:

târs-ân-əs-ar-ə	می‌ترساند (ل)
xard-ar-ə	می‌خورد (ل)

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع اخباری لازم:

فعل	کجلی	لردی	دروی
می‌نشینم	mə-nəš-m	nəš-ə-m	nəš-ə-m
می‌نشین	mə-nəš-i	nəš-i	nəš-i

nəṣ-ə	nəṣ-ə	mə-nəṣ-ə	مذکر	
-----	nəṣ-iya	mə-nəṣ-iya	مؤنث	می‌نشیند
nəṣ-am	nəṣ-âm	mə-nəṣ-âm		می‌نشینیم
nəṣ-a	nəṣ-â	mə-nəṣ-â		می‌نشینید
nəṣ-ə- n(də)	nəṣ-ə- n(də)	mə-nəṣ-ənd(ə)		می‌نشینند

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع اخباری متعدی:

دروی	لردی	کجلی	فعل
bar-ə-m	bar-ə-m	mə-bar-m	می‌برم
bar-i	bar-i	mə-bar-i	می‌بری
bar-ə	bar-ə	mə-bar-ə	مذکر
-----	bar-iya	mə-bar-iya	مؤنث
bar-am	bar-âm	mə-bar-âm	می‌بریم
bar-a	bar-â	mə-bar-â	می‌برید
bar-ə- n(də)	bar-ə- n(də)	mə-bar-ənd(ə)	می‌برند

تفاوت مضارع التزامی و تمنایی

در تاتی دو ساخت مضارع وجود دارد که کمی شبیه هم‌اند: ۱- مضارع تمنایی، ۲- مضارع التزامی. فرق این دو همانند ماضی تمنایی و ماضی التزامی است. مضارع تمنایی به خاطر استفاده از شناسه‌های تمنایی، تمنایی نامیده شده است و می‌توان مضارع شرطی نیز نامید، چون همه معنای شرط، تمنا و التزام را در خود دارد.

فرق عمده این دو ساخت علاوه بر نوع شناسه‌هایی که استفاده می‌کنند، شکل وند نفی است، یعنی در مضارع تمنایی (یا شرطی)، از وند نفی -ma ولى در مضارع التزامی از وند نفی -nə استفاده می‌شود. همان‌طور که در ماضی تمنایی و التزامی گذشت، در اینجا سعی شده است برای جلوگیری از اختلاط دو ساخت مضارع تمنایی و مضارع التزامی، در معنای مضارع التزامی قید «شاید» افزوده شود، چون قید «شاید» در فارسی معمولاً برای شک و تردید به کار می‌رود (نیز ← ماضی تمنایی و التزامی).

۹-۱۱ مضارع تمنایی (شرطی)

این ساخت بیشتر برای بیان آرزو، خواست، دعا، تردید، تمنا، نفرین و شرط به کار می‌رود، برای بیان آینده هم، گاه از این ساخت استفاده می‌شود. مواقعی بین دو ساخت مضارع تمنایی و مضارع التزامی در معنا فرقی وجود ندارد و به جای هم به کار می‌روند.

طرز ساخت مضارع تمنایی در تاتی به شرح زیر است:

وند وجه -b(ν) + ماده مضارع + -â- + شناسه‌های ماضی ← مضارع شرطی

فعل	کجلی	لردی	دروی
بروم	bi-š-â-m	ba-š-â-m	ba-š-â-m
بزند	ba-žan-â	be-zan-â	be-zan-â
بخوریم	ba-har-â-mân	ba-xar-e-mân	b-ar-â-mân
بشناسید	av-zân-â-rân	â-zân-e-rân	â-zân-â-rân

فعل‌های پیشوندی و ترکیبی مضارع تمنایی همانند مضارع التزامی است، در آنها پیشوند قبل از ماده فعل ظاهر می‌شود:

e-gir-â-š	نگیری (د)
ara-gir-â-š	بگیری (ل)
abar-kar-â-mân	بیرون کنیم (ک)

برای منفی کردن، وند نفی -m(a) به جای وند وجه ظاهر می‌شود. بین شکل منفی ساخت مضارع التزامی و اخباری تمایزی نیست و بدان خاطر استفاده از تکیه در آنجا ضروری به نظر می‌رسد، اما چون وند نفی مضارع تمنایی و مضارع التزامی از هم تمایز دارند، چنین مشکلی وجود ندارد و رعایت تکیه ضروری به نظر نمی‌رسد:

ma-gir-â-š	نگیری (د)
ma-zan-â	نزند (ل)
ma-(h)ar-â-mân	نخوریم (ک)

نکته: در تاتی شکل منفی مضارع تمنایی برای نوعی امر منفی (نهی) تأکیدی به کار می‌رود، به عبارتی دیگر، علاوه بر ایراد معنای شرط و تمنا، معنای نهی تأکیدی را نیز می‌رساند^۱ (نیز → وند نمود تأکیدی):

ma-gir-â-š	نگیری ها (د)
ma-zan-â	نزند ها (ل)
ma-(h)ar-â-mân	نخوریم ها (ک)

این ساخت گاهی برای بیان آینده استفاده می‌شود، بدین صورت که عمل نه در زمان حال بلکه در آینده انجام خواهد گرفت، این بدان معنا نیست که صرفاً مفهوم آینده بدهد، بلکه همانند مضارع اخباری، افاده معنی آینده می‌کند:

saba bəš-âš ča var, hiči ma-vâj.	فردا رفتی پیش او، چیزی نگو. (د)
badan binâ-mân (<bə-vin-â- mân), vâj-am.	اگر بعداً دیدیم، می‌گوییم. (د)

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع تمنایی لازم:

فعل	کجلی	لردی	دروی
بنشینم	bə-nəš-â-m	bə-nəš-â-m	bə-nəš-â-m
بنشینی	bə-nəš-â-r	bə-nəš-â-š	bə-nəš-â-š
مذکر	bə-nəš-â	bə-nəš-â	bə-nəš-â
بنشیند	bə-nəš-âya	bə-nəš-âya	-----
بنشینیم	bə-nəš-â-mân	bə-nəš-â-mân	bə-nəš-â-mân
بنشینید	bə-nəš-â-rân	bə-nəš-â-rân	bə-nəš-â-rân
بنشینند	bə-nəš-ân(də)	bə-nəš-ân(də)	bə-nəš-ân(də)

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع تمنایی متعدی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
بگیرم	bə-gir-âm	bə-gir-âm	bə-gir-â-m
بگیری	bə-gir-âš	bə-gir-âš	bə-gir-â-š

۱- زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایرانی نیز در این نکته سهیم‌اند، مثلاً در زبان فارسی «نگیری» شکل منفی مضارع التزامی و نیز نهی تأکیدی است و در تالشی مرکزی (رضایتی، ۱۳۸۶: ۸۶) «ma-xəš-â-š» (نخواهی) که شکل منفی مضارع تمنایی است، برای نهی تأکیدی نیز به کار می‌رود.

bə-gir-â	bə-gir-â	bə-gir-â	مذکر
-----	bə-gir-âya	bə-gir-âya	بگیرد مؤنث
bə-gir-â-mân	bə-gir-âmân	bə-gir-âmân	بگیریم
bə-gir-â-rân	bə-gir-ârân	bə-gir-ârân	بگیرید
bə-gir-â-n(də)	bə-gir-â-n(də)	bə-gir-â-n(də)	بگیرند

۹-۱۲ مضارع التزامی

طرز ساخت مضارع التزامی در تاتی به شرح زیر است:

وند تصریفی -b(۲) + ماده مضارع + شناسه‌های اولیه ← مضارع التزامی

bə-š-um	شاید بروم (د)
be-zan-ə	شاید بزند (د، ل)
b-âmuḡ-i	شاید بیاموزی (د، ل)
bə-nəš-i	شاید بنشین (ک)

نکته: در فعل‌های پیشوندی مضارع التزامی به جای پیشوند وجه از پیشوند فعلی استفاده می‌شود و تفاوت فعل پیشوندی مضارع اخباری با فعل پیشوندی مضارع التزامی در جای تکیه این دو است، به این ترتیب که در مضارع التزامی پیشوندی، تکیه بر پیشوند فعلی و در مضارع اخباری پیشوندی، تکیه روی ماده مضارع است:

فعل مضارع اخباری		فعل مضارع التزامی	
e-š-um	می‌روم پایین (د)	e'-š-um	شاید بروم پایین (د)
ji-kar'-am	پهن می‌کنم (د، ل)	ji'-kar-am	شاید پهن کنم (د، ل)
a-gir'-i	برمی‌داری (ل)	pe'-gir-i	شاید برداری (ل)
ara-gir'-âm	می‌گیریم (ک)	ara'-gir-âm	شاید بگیریم (ک)

نکته:

وند نفی مضارع التزامی در گونه دروی -ma است، اما در دو گونه دیگر در منفی افعال ساده این ساخت چون وند نفی جانشین وند (التزامی و اخباری) می‌شود و از ظهور آن جلوگیری می‌کند، و در نتیجه در ظاهر فرقی بین مضارع اخباری و التزامی نمی‌ماند؛ در این مواقع نیز یگانه راه حل (بعد از قرینه نحوی و متنی)، تشخیص محل تکیه است، در التزامی تکیه بر وند نفی و در اخباری تکیه بر ماده فعل است:

فعل مضارع اخباری	مضارع التزامی
nə-š'-um نمی‌روم	ma-š'-um شاید نروم (د)
nə-zan'-ə نمی‌زند	nə'-zan-ə شاید نزند (ل)
nə-xəs'-am نمی‌خوابیم	ma-xəs-am شاید نخوابیم (د)
nə-nəš'-i نمی‌نشینم	nə'-nəš-i شاید ننشینم (ل، ک)
nə-vin'-a نمی‌بینم	ma-vin-a شاید نبینم (د)

فعل‌های ترکیبی نیز همانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند:

xəšk â-kar-əm شاید خشک کنم (د، ل)	
gaf bə-zan-am شاید حرف بزنم (د)	
tuv da-gən-i شاید عجله کنی (د، ل)	
âtâš bə-žan-ə شاید آتش بزند (ک)	

طرز منفی کردن فعل‌های مضارع التزامی:

برای منفی کردن این ساخت در دروی و لردی وند نفی -(a)n قبل از ماده مضارع می‌آید و فرقی بین فعل ساده و پیشوندی و ترکیبی نیست، ولی در کجلی مثل سایر ساخت‌ها وند نفی قبل از فعل می‌آید و فرقی از این نظر بین ساده و پیشوندی وجود ندارد:

n'-(h)ar-i شاید نخوری (د)	
nə'-nəš-i شاید ننشینم (ل)	
gaf nə'-zan-am شاید حرف نزنم (د)	
nə'-nəš-ə-m شاید حرف نزنم (ک)	
n'-ara-šim شاید نروم پایین (ک)	
lâ-va nə'-kar-âm شاید حرف نزنم (ل)	
e-nə'-š-am شاید پایین نرویم (د)	
da-nə'-kar-əm نپوشم (ل)	

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع التزامی لازم در تاتی:

فعل	کجلی	لردی	دروی
شاید بنشینم	bə-nəš-ə-m	bə-nəš-ə-m	bə-nəš-ə-m
شاید بنشینم	bə-nəš-i	bə-nəš-i	bə-nəš-i

bə-nəš-ə	bə-nəš-ə	bə-nəš-ə	مذکر	شاید بنشیند
-----	bə-nəš-iyā	bə-nəš-iyā	مؤنث	
bə-nəš-am	bə-nəš-ām	bə-nəš-ām		شاید بنشینیم
bə-nəš-a	bə-nəš-â	bə-nəš-â		شاید بنشینید
bə-nəš-ən(də)	bə-nəš-ən(də)	bə-nəš-ən(də)		شاید بنشینند

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع التزامی متعدی در تاتی:

دروی	لردی	کجلی	فعل
bə-var-ə-m	bə-bar-ə-m	bə-bar-ə-m	شاید ببرم
bə-var-i	bə-bar-i	bə-bar-i	شاید ببری
bə-var-ə	bə-bar-ə	bə-bar-ə	مذکر
-----	bə-bar-iyā	bə-bar-iyā	مؤنث
bə-var-am	bə-bar-ām	bə-bar-ām	شاید ببریم
bə-var-a	bə-bar-â	bə-bar-â	شاید ببرید
bə-var-ən(də)	bə-bar-ən(də)	bə-bar-ən(də)	شاید ببرند

۹-۱۳ مضارع مستمر

طرز ساخت مضارع مستمر به شرح زیر است:

دروی: kərâ- + مضارع اخباری ← مضارع مستمر

لردی: -ar- + ماده ماضی + شناسه های ماضی ← مضارع مستمر

کجلی: kâri- + مضارع اخباری ← مضارع مستمر

همان گونه که معلوم است، طرز ساخت مضارع مستمر لردی به کلی با ساخت دروی و کجلی متفاوت است.

دروی	لردی	کجلی	فعل
kərâ har-əm	xard-ar-əm	kâri-m-ar-əm	دارم می خورم
kərâ nəš-ənd	nəšt-ar-əndə	kâri-mə-nəš-ənd	دارند می نشینند

در فعل های ترکیبی و پیشوندی، جزء غیر فعلی و پیشوند بعد از نمودنما قرار می گیرند:

kərâ da-kar-əm	دارم می‌پوشم (د)
kərâ berun bar kar-ənd	دارند بیرون می‌ریزند (د)
kâri-ara-n-kar-əya	دارد می‌ریزد (مؤنث) (ک)
diyašt-ar-i	داری نگاه می‌کنی (ل)

در مثال کجلی ارائه شده در جدول بالا (سطر ۳) -n- وند نفی نیست، نشانه مضارع اخباری است.

طرز منفی کردن این ساخت در دروی و لردی به این شرح است که وند نفی -n(ə) قبل از ماده مضارع قرار می‌گیرد و در کجلی وند نفی در پیشوندی و ساده قبل از فعل اصلی می‌آید:

kərâ nə-bar-əm	دارم نمی‌بزم (د)
nə-xutt-ar-əndə	دارند نمی‌خوابند (ل)
kərâ bərun ba-nə-r kar-ənd	دارند بیرون نمی‌ریزند (د)
kâri-âtâš nə-m(ə)žan-əm	دارد آتش نمی‌زند (ک)
kâri sard n-â-m-baše	دارد سرد نمی‌شود (ک)
kərâ da-nə-kar-əm	دارم نمی‌پوشم (د)
nə-diy-ar-âm	داریم نمی‌دهیم (ل)

فعل لازم و متعدی در این ساخت تفاوتی با هم ندارند.

نمونه کاملی از صرف فعل لازم مضارع مستمر در زیر می‌آید:

فعل	کجلی	لردی	دروی
دارم می‌نشینم	kâri nəš-əm	nəšt-ar-əm	kərâ nəš-əm
داری می‌نشینی	kâri nəš-i	nəšt-ar-i	kərâ nəš-əi
دارد می‌نشیند	kâri nəš-ə	nəšt-ar-ə	kərâ nəš-ə
مؤنث	kâri nəš-iyə	nəšt-ar-iyə	-----
داریم می‌نشینیم	kâri nəš-âm	nəšt-ar-âm	kərâ nəš-am
دارید می‌نشینید	kâri nəš-â	nəšt-ar-â	kərâ nəš-a
دارند می‌نشینند	kâri nəš-əndə	nəšt-ar-əndə	kərâ nəš-əndə

نمونه کاملی از صرف فعل متعدی مضارع مستمر در زیر می‌آید:

فعل	کجلی	لردی	دروی
دارم می‌برم	kâri bar-əm	bard-ar-əm	kərâ bar-əm
داری می‌بری	kâri bar-i	bard-ar-i	kərâ bar-əi
مذکر	kâri bar-ə	bard-ar-ə	kərâ bar-ə
مؤنث	kâri bar-iya	bard-ar-iya	-----
دارد می‌برد	kâri bar-âm	bard-ar-âm	kərâ bar-am
داریم می‌بریم	kâri bar-â	bard-ar-â	kərâ bar-a
دارید می‌برید	kâri bar-əndə	bard-ar-əndə	kərâ bar-əndə
دارند می‌برند			

۱۰- فعل امر و فعل نهی

از آنجاکه فعل امر و نهی در زیر مجموعه «بخش زمان فعل» نمی‌گنجند، در این بخش ذکر شده است.

۱-۱۰ فعل امر

طرز ساخت فعل امر در تاتی به شرح زیر است:

پیشوند تصریفی -(v) b یا پیشوند اشتقاقی + ماده مضارع + شناسه مضارع ← فعل امر

فعل امر دو صیغه دارد: مفرد، که بدون شناسه است و جمع، که شناسه اش a- در دروی و â- در

لردی و کجلی است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	مفرد	جمع
افکندن (د)	avand-en	avan	b-avan	b-avan-a
گرفتن (د)	e-gat-en	e-gir	e-gir	e-gir-a
ساییدن (ل)	su-an	sun	bə-sun	bə-sun-â
خواندن (ک)	hând-an	hân	bâ-hân	bâ-hân-â
نشستن (ک، ل)	nəšt-en/an	nəš	bə-nəš	bə-nəš-â

گونه‌های bu-، ba- و bō- فقط در گونه کجلی به کار می‌روند. در زیر ابتدا وندهای تصریفی هر سه

گونه به طور یکجا می‌آیند، آنگاه گونه‌های مختص کجلی جداگانه بررسی می‌شود:

الف) گونه b- با ماده‌هایی می‌آید که با واکه آغاز می‌شوند:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
آموختن (د، ل)	âmut-en/an	âmuĵ	b-âmuĵ
افکندن (ک)	avand-an	avan	b-avan
شمردن (ک)	âšmârd-an	âšmâr	b-âšmâr
آمدن (د، ل)	âmen ^۱ /âmiyan	u/â	b-u (r)(<âm-en)
شنیدن (د، ل)	ašnavəs-en/an	ašnav	b-ašnav

چند نکته دربارهٔ ماده‌های مُصدر با v- و h-:

ماده‌هایی که با v- و h- آغاز می‌شوند، گاهی همخوان نخست خود را از دست می‌دهند و بعد از آن واکه پیشوند امر با واکه ماده ادغام می‌شود، در فعل نهی این همخوان برمی‌گردد:^۲

نمونه‌هایی از مادهٔ آغاز شده با همخوان v-:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر	فعل نهی
گفتن (ل، د)	vât-en	vâĵ	b-âĵ(<*bâ-vâĵ) ^۳	ma-vâĵ
آوردن (د)	vârd-en	vâr	b-â(<*bâ-vâr)	ma-vâ
دیدن (ل، د)	vind-en	vin	b-in(<*bâ-vin)	ma-vin
ایستادن (ل)	vëndard-en/an	vänder	b-änder(<*bâ-vänder)	ma-vända
عبور کردن (ک)	viyyard-an	viyyar	b-iyyar(<*bâ-viyyar)	ma-viyyar

نمونه‌هایی از مادهٔ آغاز شده با همخوان h-:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
برخاستن (د)	hašt-en	hayz	b-ayz (*bâ<hayz)
گذاشتن (ل، د)	hašt-en/an	harz	b-arz (*bâ<harz)

۱- گرچه مصدر âm-en رایج‌تر از um-en است، اما با توجه به اینکه شکل ساده و پیشوندی امر آن با u- شروع می‌شود، محتمل است واکه آغازی آن u- باشد، همچنان که در تالشی نیز ume(n) است.

۲- در دیگر گویش‌های ایرانی نیز چنین است، به عنوان مثال در گویش ویدری وند نمود استمرار e- پس از پیش- فعل‌ها یا پیشوندهای vâ- و u(h) حذف می‌شود (← رضایی باغبیدی، ۱۳۸۳: ۲۹).

۳- دو واج نخستین مادهٔ فعل‌های این جدول (vâ-, vi-, v-) که داخل کمان آمده است و نیز فعل‌هایی که در بخش بخش فعل امر بررسی شده‌اند، یک واحد اختیاری نیستند و به تلفظ در نمی‌آیند. در اینجا به قصد ارائهٔ اصل و ریشهٔ آن در بین دو کمان قرار گرفته‌اند.

b-enj (*bə<henj)	henj	hent-en	نوشیدن (د)
b-a (*bə<-har)	har	hard-en	خوردن (د)

در گونه کجلی برخلاف دو گونه دیگر، گاهی به جای v- آغازی، واج h- جایگزین می‌شود و h- آغازی ماده، گاه حذف نمی‌شود:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
خواندن (ک)	hând-an	hân	bâ-hân
گفتن (ک)	vât-an	vâj	bâ-hâj

ب) گونه-ba: این پیشوند پرکاربردترین وند تصریفی امر است. در گونه لردی و دروی واکه ماده تأثیری در این پیشوند ندارد و با هر واکه همراه می‌شود. در گونه کجلی غیر از موارد یاد شده، بقیه افعال امر با این وند همراه‌اند.

نمونه‌هایی از وند تصریفی امر -ba:

۱- با ماده‌یی می‌آید که واکه آغازینش a- است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
زدن (د، ل، ک)	za-en/ziyan	zan	bə-zan
چشیدن (د، ل، ک)	čaš-as-en/an	čaš	bə-čaš

۲- با ماده‌یی که واکه آغازینش â- است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
تابیدن (د، ل، ک)	tâvəs-en/an	tâv	bə-tâv
راندن (د، ل، ک)	rand-en/ rand-an	rân	be-(r)rân

۳- با ماده‌یی که واکه آغازینش u- است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
کوبیدن (د، ل، ک)	kus-en/ kussan	ku	bə-ku /bu-kku
ساییدن (د، ل، ک)	su-en/an	sun	bə-sun/bu-sun

۴- با ماده‌یی که واکه آغازینش ɔ- است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
خریدن (د، ل، ک)	xəri-y-en/an	xər	bə-xər
خریدن (ل)	xəri-yan	xər	bə-xər
کشتن (د، ک)	kəšt-en/an	kəš	be-kəš

ج) گونه *bi-* با ماده‌ای به کار می‌رود که واژه هجای اول آن *-i-* باشد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
دویدن (ل)	virt-an	vrij	bi-vrij (<*bi-vərij)
گرفتن (ل)	gat-an	gi(r)	bi-gi(r)

این امر در مورد گونه لردی صدق می‌کند، در گونه دروی چنین نیست و مثل بقیه با ماده‌یی که واژه آغازینش *i-* است، *bə-* به کار می‌رود:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
گرفتن (د)	gat-en	gir	bə-gir
چیدن (د)	či-en	čin	bə-čin

نکات زیر درباره فعل امر کجلی قابل ملاحظه است:

د) وند امر- *bö-* با ماده‌ای می‌آید که هجای نخستش واژه *-ö-* دارد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
جوشیدن (ک)	gölöst-an	göl	bö-göl
خوابیدن (ک)	hött-an	hös	bö-hös

ه) وند *bu-* با ماده‌ای می‌آید که هجای نخستش با واژه *-u-* شروع شده باشد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
دوختن (ک)	dut-an	duj	bu-duj
ساییدن (ک)	sun-əst-an	sun	bu-ssun

و) وند *ba-* با ماده‌ای می‌آید که هجای نخستش واژه *-a-* دارد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
خوردن (ک)	hard-an	(h)ar	ba-ha
افکندن (ک)	vand-an	han	ba-han

ز) وند *bâ-* با ماده‌ای می‌آید که هجای نخستش واژه *-â-* دارد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
خواندن (ک)	hând-an	hân	bâ-hân
گفتن (ک)	vât-an	vâj	bâ-hâj

چند نکته کلی :

نکته ۱- به امر جمع فعل‌هایی که ماده مضارع‌شان مختوم به مصوت باشد، هنگام پیوستن به شناسه جمع، واج میانجی -[y]- اضافه می‌شود و فرقی نمی‌کند فعل ساده یا پیشوندی باشد:

معنی مصدری	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
نهادن (د)	nâ-n	na	bə-na-[y]a
دادن (د)	â-dâ-n	da	â-da-[y]a
دادن (ل)	â-di-[y]-an	da	â-da-[y]a
دادن (ک)	dâ-[y]-an	da	bə-de-[y]a

نکته ۲- در شکل امر مفرد بعضی از فعل‌هایی که ماده مضارع آنها مختوم به -r است، همخوان -r ظاهر نمی‌شود:

معنی مصدری	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
کردن (د، ل)	kard-en/an	kar	bə-ka(r)
خوردن (د)	hard-en	har	b-a(r) (<har)
شمردن (ک)	ašmârd-en	ašmâr	b-ašmâ(r)
گرفتن (ک)	a-gat-an	a-gir	a-gi(r)
ریختن (ل)	də-kard-an	də-kar	də-ka(r)

در صیغه جمع فعل‌های فوق، همخوان -r ظاهر نمی‌شود:

معنی مصدری	امر جمع	امر مفرد
ریختن (ل)	də-kar-a	də-ka
قی کردن (د)	pe-vâr-a	pe-vâ(r)
باز کردن (ک)	â-kar-a	â-ka
بیرون آوردن (د)	bar-vâr-a	bar-vâ(r)
گرفتن (د)	â-gir-a	â-gi(r)

نکته ۳- فعل‌های پیشوندی به جای پیشوند امر -b(ɪ) از پیشوند فعلی استفاده می‌کنند:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
ریختن (د)	e-kard-en	e-kar	e-ka
برگشتن (ک)	â-gardəst-an	â-gard	â-gard

ji-xəs	ji-xəs	ji-xət-en	مخفی شدن (د)
bar-vâ	bar-vâr	bar-vârd-en	بیرون آوردن (د)
a-gi(r)	a-gir	a-gat-an	گرفتن (ل)
abar-ka	abar-kard	abar-kard-an	بیرون کردن (ک)

نکته ۴- در آخر بعضی از فعل‌های امر، یک همخوان -n اضافه می‌گردد، بدون اینکه در ماده مضارع آنها چنین همخوانی وجود داشته باشد. محتمل است این نشانه به قیاس با -n ماده مضارع ایجاد شده باشد. (هنینگ (۱۳۸۵: ۳۳۲) هنگام بررسی ماده‌های التزامی، مضارع و ماضی گویش هرزنی و اطراف آن، به موردی اشاره کرده است که حرف -n در پایان برخی ماده‌های مضارع اضافه می‌شود، مانند: šənd, könd به ترتیب «شدن» و «کردن» و اصلشان را نامعلوم دانسته است.

یارشاطر در تاتی شاهرود (۱۹۵۹: ۵۹) به این مورد اشاره‌ای کرده و نوشته است ظاهراً وقتی وند تصریفی و ماده فعل با هم یک هجا تشکیل دهند، -en به آخر فعل امر مفرد اضافه می‌شود: «bāj-en» (بگو)، «beš-en» (برو). این دقیق نمی‌نماید- هم‌چنان که خودش (یارشاطر) نیز با مثالی اشاره کرده است- فعل‌های پیشوندی امر مثل: «pe-rânj-en» (بکش بالا)، «pe-gir-en» (بردار) و «bar-kar-en» (بیرون کن) (از گونه دروی) این امر را رد می‌کند.

ماده مختوم به واجی غیر از -n			ماده مختوم به -n		
معنی	ماده	امر	معنی	ماده	امر
چشیدن	čaš	bə-čašən	ساییدن (د، ل، ک)	sun	bə-sun
آمدن	â/u	b-urən	افتادن (د، ل)	gən	bə-gən
راه رفتن	məj	bə- məjən	دانستن (د، ک)	nâz	bə-zân
گفتن	vâj	b-âjən bāj(<*bə-vâj)	ماندن (د، ل، ک)	mân	bə-mân
رفتن	š	bə-šən	راندن (د، ل، ک)	rân	bə-rrân
گذاشتن	harz	b-arzən	فرستادن (د، ل)	viyan	bə-vyan

نکته ۵- به شکل امر و نهی افعال «bi-en» (بودن) و «â-bi-en» (شدن) ضمائر متصل غیرفاعلی اضافه می‌شود و مفهوم تأکید به فعل می‌افزاید:

âdam bəb(ən) / âdam bəbaš	آدم شو (د)
bikâr mabaš / mabâš ^۱	بیکار نباش (د)

۱- تفاوت این دو شکل این است که ma-baš فقط برای نهی ولی ma-bâš برای التزامی به کار می‌رود، این حالت برای شکل مثبت این دو فعل bə-baš/bə-bâš نیز صدق می‌کند.

(نیز ← نمود تأکیدی و فعل معین در تاتی).

۱۰-۲ فعل نهی

برای ساختن فعل نهی در فعل‌های ساده، فقط جای پیشوند امر با پیشوند نفی -(a)m عوض می‌شود، به عبارتی دیگر، به جای ba-, bi-, bu- و bə- از ma- و به جای b- از m- استفاده می‌شود:

معنی	مصدر	فعل امر	فعل نهی
کردن (د، ل)	kard-en/an	bə-ka(r)	ma-ka(r)
خوردن (د)	hard-en/an	b-(h)a(r)	m-(h)a(r)
خوردن (ک)	hard-en/an	ba-ha	ma-ha
شمردن (د)	ašmard-en	b-ašma(r)	m-ašma(r)
خریدن (د، ل)	xəri-en/an	bə-xər	ma-xər
کشتن (ل)	kušt-an	bə-kuš	ma-kuš
گرفتن (ل)	gat-an	bi-gi(r)	ma-gi(r)
بودن (ک)	bi-[y]-an	bə-baš	ma-ba-š

در فعل‌های پیشوندی، پیشوند نهی-ma- بعد از پیشوند فعلی قرار می‌گیرد. وند m- در فعل‌های پیشوندی دروی و لردی استفاده نمی‌شود اما در کجلی استفاده می‌شود:

معنی	مصدر	فعل امر	فعل نهی
ریختن (د)	e-kard-en	e-ka	e-ma-ka
قی کردن (د)	pe-vârd-en	pe-vâ(r)	pe-ma-vâ(r)
مخفی شدن (د)	ji-xət-en	ji-xəs	ji-ma-xəs
بیرون کردن (ل)	bar-kard-an	bar-ka	ba-ma-r-ka
بیرون کردن (د، ل)	bar-kard-en/an	bar-ka	ba-ma-r-ka
گرفتن (ل)	ara-gat-an	ara-gi(r)	a-ma-ra-gi(r)

هم‌چنان‌که از فعل‌های فوق پیداست، در فعل‌های نهی که پیشوند bar- و ara- دارند، تغییری صورت می‌گیرد بدین صورت که وند نفی -ma- وسط آن قرار می‌گیرد. در فعل‌های منفی کجلی چون وند نفی همیشه قبل از پیشوند و ستاک می‌آید، این امر صدق نمی‌کند:

ma-bar ka	بیرون نکن (ک)
m-ara-gi(r)	نگیر (ک)

در فعل‌های مرکب نیز، فعل امر مانند فعل‌های ساده ساخته می‌شود:

فعل	کجلی	لردی	دروی
سرد کن	sard-â-ka	sard-â-ka	sard-â-ka
دست بزن	das bə-žan	das bə-zan	das bə-zan

در فعل امر **کجلی** نکته‌ای قابل تأمل است و آن اینکه فعل امر مرکب در صیغه مفرد، اغلب واکه پایانی خود را از دست می‌دهد:

فعل مرکب	پرت کن (ک)	fər bə-d(<bə-da)
فعل مرکب	خردکن (ک)	hörd â-k(<â-ka)
فعل مرکب	خشک کن (ک)	höšk -â-k(<â-ka)

هریک از سه فعل فوق واکه a- پایانی خود را از دست داده‌اند.

۱۱- فعل‌های معین و شبه‌معین

۱-۱ فعل معین

تنها فعل معین تاتی bi-en/an «بودن» است که در هر سه گونه به کار می‌رود.

bi-en/an «بودن» (معین)

این مصدر در دروی bi-en در کجلی و در لردی biyan است و علاوه بر شکل پی‌بستی و ربطی، به عنوان فعل معین در صرف فعل‌های ماضی تمنایی، ماضی التزامی، ماضی بعید، ماضی بعید تمنایی و فعل‌های غیرشخصی استفاده می‌شود. **دروی:**

ماضی التزامی	نشسته باشم	nəšta-bə-bum
ماضی تمنایی	نشسته باشم	nəšta-(bə-) bām
ماضی بعید	نشسته بودم	nəšta-b-im
ماضی بعید تمنایی	می‌نشسته بودم	nəšta-biya-baym
فعل‌های غیرشخصی	می‌شود نشست	bu nəšt-en

لردی:

ماضی التزامی	شاید نشسته باشم	nəšta-bē-m
ماضی بعید	نشسته بودم	nəšta-bem
ماضی تمنایی	نشسته باشم	nəšta bām
ماضی بعید تمنایی	اگر می‌نشسته بودم	nəšta biya b-ām
فعل‌های غیرشخصی	می‌شود نشست	bi nəšt-an

کجلی:

nəšta-bey-me	نشسته باشم	ماضی التزامی
nəšta-be	نشسته باشد	ماضی تمنایی
nəšta-bey-m	نشسته بودم	ماضی بعید
mə-bašə nəšt-an	می‌شود نشست	فعل‌های غیرشخصی

همان‌طور که از آخرین سطر جدول اخیر (کجلی - فعل غیرشخصی) پیداست، در کجلی شکل *bašə* صورت دیگری از فعل *bi-an* است. ماضی آن *â-best* (شد) است. فعل امر آن در دوم شخص مفرد *â-baš* باش^۱ و مضارع التزامی همان صیغه *â-bâš* است که در دو گونه دیگر نیز رواج دارد:

bikâr ma-baš	بیکار نشو (ک)
čâk â-baš	خوب شو (ک)
bikâr ma-bâš	بیکار نشوی (ک)
tânyâ bə-baš	تنها شو (ک)
čâk â-bestâ	خوب شد (مؤنث) (ک)
tambal ma-baš	تنبل نباش (د)
jədâ â-baš	جدا شو (ل)
rač â-baš	خوب شو (ل)
tambal ma-bâš	تنبل نباشی (د)
xub bə-bâš bu(rən)	خوب باشی، بیا (د)

طرز منفی کردن این فعل، مثل منفی کردن دیگر فعل‌هاست. در بخش «فعل از جهت زمان» در زیر هر ساختی، طریقه منفی کردنش آنها آمده است.

در تاتی صرف ماضی مطلق فعل معین *bi-yen* به شرح زیر است:

فعل	کجلی	لردی	دروی
بودم	b-em(e)	b-em	b-im
بودی	b-er(e)	b-eš	b-iš
مذکر	b-e	b-e	b-ə
بود مؤنث	b-iyâ	b-iyâ	-----
بودیم	b-emân	b-emân	b-imân
بودید	b-erân	b-erân	b-irân
بودند	b-endə	b-endə	b-ində

۱- این فعل گرچه یادآور فعل «باش» فارسی است، اما ربطی به آن ندارد. در تاتی *-š* در آخر فعل شناسه دوم شخص مفرد است و جزء فعل نیست، در دیگر صیغه‌ها شکلی دیگر دارد ← «شناسه‌های ماضی».

۱۱-۲ فعل‌های شبه‌معین

«فعل‌های شبه‌معین فعلهایی‌اند که از «بایستن» و «توانستن» و «شایستن» می‌آیند و معمولاً قبل از افعال دیگر به کار می‌روند و نظر گوینده را نسبت به وقوع فعلی که بعد از آنها می‌آید، نشان می‌دهند، به همین سبب وجه فعل بعد از خود را تغییر می‌دهند. این افعال معنی اصلی خود را از دست نمی‌دهند و هیچ‌گاه به تنهایی به کار نمی‌روند» (نک. صادقی و ارزنگ، ۱۳۵۴: ۸۴).

فعل‌های شبه‌معین تاتی عبارتند از:

توانستن	šās(s)-en (دروی)، tănəst-an (لردی)، zānəst-an (کجلی)
بایستن	bi, basi, /biri (دروی)، miya/ (mi)ga(ha(st)) (کجلی)، ga (dase) (لردی)
آرزو داشتن	xāssen و pirāsen (دروی)، gavəstan (کجلی)، gavəsan (لردی)
نکند/بکند (مبادا، بادا)	nə-karə /ma-karə /bə-karə (دروی)
شروع کردن	pe-gat-en (برداشتن، دروی)؛ a-kat-an (برداشتن، لردی) و vəndard-an (ایستادن، کجلی)، vəndarəsan (شروع کردن، لردی)
امکان داشتن	bu (دروی)، bi (لردی)، mə-bašə (کجلی)

۱۱-۲-۱ توانستن^۱ šās(s)-en (دروی) tănəst-an (لردی) zānəst-an (کجلی)

تابع این فعل در تاتی همیشه شکل مصدری دارد و در بیشتر ساخت‌ها صرف می‌شود، این فعل از نظر معنی و کارکرد در گونه‌های سه‌گانه یکسان است، ولی در شکل، با هم تفاوت دارند:

دروی: šās(s)-en

bə-šās-əm hard-en	توانستم خورد.	ماضی ساده
šasa-m hard-en	توانسته‌ام خورد.	ماضی نقلی
šâ-ym hard-en	می‌توانستم خورد.	ماضی استمراری
bə-šâ-y-m hard-en	بتوانستم خورد.	ماضی استمراری تمنایی
hard-en-əm šāsa biya bay	خوردن می‌توانسته بودم.	ماضی بعید مستمر
bə-šām hard-en.	بتوانم خورد.	مضارع التزامی
šām hârd-en.	می‌توانم خورد.	مضارع اخباری
nə-šām-hârd-en.	نمی‌توانم خورد.	منفی (مضارع اخباری)

۱- هر یک از افعال این قسمت (šās(s) en, tănəsan و zānəstan) از ماده‌ای جداگانه‌اند. به دلیل معنا و کارکرد مشترک و برای طبقه‌بندی بهتر، در یک جا ذکر شده‌اند.

لردي: *tânəs-an*

<i>bə-tânəsəme xard-an.</i>	توانستم خورد.	ماضی ساده
<i>tânəsəme xard-an.</i>	توانسته‌ام خورد.	ماضی نقلی
<i>tânəsəme xard-an.</i>	می‌توانستم خورد.	ماضی استمراری
<i>tânəsam be xard-an.</i>	بتوانستم خورد.	ماضی استمراری تمنایی
<i>betânəm xard-an.</i>	بتوانم خورد.	مضارع التزامی
<i>tânəm xard-an.</i>	می‌توانم خورد.	مضارع اخباری
<i>nə-tânəm xard-an.</i>	نمی‌توانم خورد.	منفی (مضارع اخباری)

کجلی: *zânəst-an*

<i>bə-zânəst-əme hard-an.</i>	توانستم خورد.	ماضی ساده
<i>zânəsta-ma- hard-an.</i>	توانسته‌ام خورد.	ماضی نقلی
<i>mə-zânəst-əm hard-an.</i>	می‌توانستم خورد.	ماضی استمراری
<i>zânəsta-m bey hard-an.</i>	می‌توانسته بودم خوردن.	ماضی بعید مستمر
<i>be-zân-əm hard-an.</i>	بتوانم خورد.	مضارع التزامی
<i>mə-zân-əm hard-an.</i>	می‌توانم خورد.	مضارع اخباری
<i>nə-m-zân-əm hard-an.</i>	نمی‌توانم خورد.	منفی (مضارع اخباری)
<i>nə-zânəst-əm hardan.</i>	نتوانستم خورد.	منفی (ماضی مطلق)

۱۱-۲-۲ بایستن: *bi, basi, /biri* (دروی)، *bəga/ miya/(mi)ga(ha(st))* (کجلی)، *(dase) ga*

ga (لردي)

تابع این فعل‌ها، یا مصدر است و لزوم اجرای کار را می‌رساند، یا فعلی در ساخت‌های متفاوت است.

دروی:

این فعل در دروی به شکل *bi / biri / basi* (باید) رواج دارد، منفی دو فعل اول *na-bi* یا *na-bâ* و منفی *basi* به صورت *na-bâs* است:

<i>biri-nəšta-bə-bâmân.</i>	باید نشسته باشیم.
<i>biri nəšta biya bay mân.</i>	باید می‌نشسته بوده‌ایم.
<i>na-bi bə-nəš-imân.</i>	نباید می‌نشستیم.

۱- در این جا نیز هریک از سه فعل یک فعل جداگانه محسوب می‌شوند، نیز ← پاورقی پیشین.

biri bə-nəš-əm.	باید بنشینم.
na-bi bə-nəš-əm.	نباید بنشینم.
biri-nəšta-bə-bu.	باید نشسته باشد.
biri nəšt-en.	باید نشست.
basi-bə-nəš-iš.	باید می‌نشستی.
na-bâs bə-širân.	نباید می‌رفتید.
bâsi-nəšta-bə-bu.	باید نشسته باشد.
na-bâs bə-nəš-əm.	نباید بنشینم.
na-bi hard-en.	نباید خوردن (خورد).

در دروی فعل **na bâ** (مبادا) نیز رواج دارد و یک فعل شبه‌معین است: **na-bâ bæši berun** (مبادا بروی بیرون). این فعل معمولاً برای برحذر داشتن است، اما جنبهٔ آمرانه نیز دارد (نیز ← فعل شبه‌معین «نکند، مبادا» در دروی).

کجلی:

این فعل در کجلی به شکل های **ga /bə-ga/ iya** و **migaha /migahast** به معنی «باید» رواج دارد:

miya biâyi.	باید بیایی.
miya nâyi.	نباید بیایی.
ensân râ migaha aql bəbašə.	انسان باید عقل داشته باشد.
migahast bə-nəš-âm.	باید بنشینم.
miga(hast) nə-nəš-âm.	نباید بنشینم.
alân miya terân da bə-bašə.	الان باید در تهران باشد.
alân miya terân da nə-bašə.	الان نباید در تهران باشد.
hani ga bæši?	باز هم باید بروی؟
migaha šiyan.	باید رفتن
bə-ga b-âmij-ində^۱.	باید بیاموزند.

۱- در حال حاضر از فعل **bə-ga** استفاده نمی‌شود. نگارنده این جمله را از متن یارشاطر استخراج کرده است. شاید یارشاطر این جمله را درست ثبت نکرده باشد، و شاید در قدیم از آن استفاده می‌شده است (نیز ← **yarshaetr**, 1960: 284).

لردی:

این فعل در لردی به صورت ^۱ga یا dase ga (باید) به کار می‌رود و همانند biri «باید» و basi «باید» در گونه دروی است، ga معمولاً در آخر عبارت ظاهر می‌شود:

nəšta-biya-bemân ga.	باید نشسته باشیم.
bəši ga, vaillâ zan-əm.	باید بروی و گرنه می‌زنم.
bə-nəšâ ga.	باید بنشینند.
ma-nəšâm ga.	نباید بنشینیم.
bə-nəši ga.	باید بنشینی.
nəšta biya bemân ga.	باید نشسته باشیم.

گاهی در اول این فعل، dase اضافه و به همان معنی و کاربرد استفاده می‌شود. dase ga اغلب در اول یا وسط کلام می‌آید:

dase ga-nəšta-biya-bemân.	باید نشسته باشیم.
dase ga nəšta beyâ.	باید نشسته باشد. (مؤنث)
dase ga parsâl-əmân vâta be.	باید پارسال می‌گفتیم.
šâmâ-na dase ga šiya bə-mân.	باید با شما می‌رفتیم.

۱۱-۲-۳- خواستن قلبی، آرزو داشتن: ^۲pirāsen و xāssen (دروی) gavəstan (کجلی) gavəsan (لردی)

تابع این فعل‌ها، فعلی است که در ساخت‌های مختلف و برای اشخاص مختلف صرف می‌شود و به معنی تصمیم و خواست قلبی است.

کجلی:

migaha-m bə-šim.	می‌خواهم بروم.
xeyli-m gavəste bə-šim.	خیلی خواسته‌ام بروم.
agar man nə-gaha bə-žanəm.	اگر من نخواهم بروم.
nə-m-gaha-m biâyi.	نمی‌خواهم بیایی.
agar miga biši.	اگر می‌خواهی بروی.

۱- این فعل از مصدر gavəsan (لازم داشتن، خواستن) است.

۲- هرکدام از این فعل‌ها، فعل جداگانه‌ای در گونه مورد نظراند، بدلیل معنا و کاربرد مشترک، آنها در یک طبقه قرار گرفته‌اند. نیز ← پاورقی‌های پیشین.

لردی:

این فعل در گونه لردی کاربرد دارد و معنای خواستن یا لازم داشتن را به فعل تابعش می‌دهد:

dələm gayə bišim.	دلم می‌خواهد بروم.
gavəsa- me bišim.	خواسته‌ام بروم.
ga me bišim.	می‌خواستم بروم.
gavəsa-m be bišim.	خواسته باشم بروم.
alān game bəšim.	الان می‌خواهم بروم.
nə-game bišim.	نمی‌خواهم بروم.
ma-gav-ām bišim.	نخواهم بروم.

دروی:

این فعل در دروی شکل امر ندارد و تنها فعلی است که در همه زمان‌ها شکل ارگتیو دارد.

pir-əm bə-š-um.	دلم می‌خواهد بروم.
pirəsa-m bə-š-um.	خواسته‌ام بروم.
pir-i-m bəš-im.	می‌خواستم بروم.
bə-pir-im bə-š-im.	اگر می‌خواستم بروم.
pirəsa-m biya-bay bə-š-im.	می‌خواسته بودم بروم.
nə-pir-əm bə-š-um.	نمی‌خواهم بروم.
ma-pir-əm bə-š-um.	نخواهم بروم.

دروی:

خواستن xâss-en در دروی به صورت فعل شبه‌معین رایج است. این فعل هم، مانند دیگر فعل‌های فوق، یک فعل شبه‌معین است که تابعش فعلی در ساخت‌های مختلف است:

xâssa-m bə-š-um.	خواسته‌ام بروم.
xâssa-m bə-bu bə-š-um.	خواسته باشم بروم.
xâ-y-m, bəš-im.	می‌خواستم بروم.
bə-xâ-y-m š-im.	اگر می‌خواستم، می‌رفتم.
xâssa-m biya-bay bə-š-im.	اگر می‌خواسته بودم بروم.
xâm bə-š-um.	می‌خواهم بروم.
ma-xâm bə-š-um.	نخواهم بروم.

۱۱-۲-۴ نکند / بکند: *na-karə / ma-karə / bə-karə*

این فعل شبه‌معین در بافتهای خاصی در دروی به عنوان شبه‌معین به کار می‌رود و معنی جلوگیری از وقوع کاری یا تمنای وقوع کاری را به فعل اصلی القاء می‌کند و قابل قیاس است با *مبادا* / *کاش* در فارسی:

<i>makarə bəši.</i>	نکند بروی
<i>makarə m-āndə.</i>	نکند نیابند
<i>nəkarə avə bāji.</i>	نکند به او بگویی
<i>bəkarə a paydā bə bu.</i>	بکند (کاش) او پیدا شود

شکل منفی این فعل به شکل *ma-bā* و *na-bā* «مبادا» نیز رواج دارد:

<i>ma-bā bəšu berun.</i>	نکند برود بیرون.
<i>na-bā avə das bəzani.</i>	نکند به آن دست بزنی.

۱۱-۲-۵ شروع کردن: *(pe)-gat-en* «برداشتن» (دروی): *a-kat-an* «برداشتن»، (لردی) و *vəndard-an* «ایستادن» (کجلی)

در دروی از ترکیب ماضی مطلق مصدر *pe-gat-en*^۱ با مصدر فعل اصلی، ساخت آغازی به دست می‌آید:

<i>pe-gat-əš dru-en.</i>	شروع کرد به درو کردن. (د)
<i>pe-gat-ə-mān səg e-dāšt-en.</i>	شروع کردیم به سنگ پرانی. (د)

گاه جای این دو عوض می‌شود و شناسه به مصدر ملحق می‌شود:

<i>dru-en-əš pe-gat.</i>	شروع به درو کردن کرد. (د)
<i>pe-gat. səg e-dāšt-en-ə-mān</i>	شروع به سنگ پرانی کردیم. (د)

گاهی از شکل ساده این فعل در دروی برای بیان آغازی استفاده می‌شود:

<i>tā bāt-əš, xurusen-əm bə-gat.</i>	تا گفت، شروع به خندیدن کردم.
<i>-gat.ətā man-əš bind, bəraməs-en-əš b</i>	تا مرا دید شروع به گریستن کرد.

در لردی از فعل *a-kat-əš* (برداشت، شروع کرد)، به علاوه مصدر اصلی، ساخت آغازی به دست می‌آید:

۱ - گرچه در تاتی ماده آغازی وجود ندارد، اما فعل‌های فوق نشان دهنده شروع جریان فعلی‌اند و بدین خاطر در این جا با عنوان فعل آغازی ذکر شده‌اند (نیز ← خانلری، تاریخ زبان فارسی ج. ۳: ۴۶۹ به نقل از محسن ابوالقاسمی، فعل آغازی، ۱۳۵۱).

həmin kə ârasəs man, a-kat-əša ha (ل) همین که رسید به من، شروع کرد به فحش دادن.
 dəšmân bəda.
 zami â-nə-rasəsa, a-kat-əša durriyan. (ل) به مزرعه نرسیده، شروع کرد به درو کردن.

در لودی گاهی با استفاده از فعل *ji-šiyan* (به زیر چیزی رفتن) معنای آغازی را می‌رسانند:

həmi kə ârasəs zami, jiše durriyan. (ل) تا رسید مزرعه شروع به درو کرد.

در کجلی از فعل *vəndard-an* (ایستادن) برای رساندن معنای آغازی استفاده می‌شود:

یکی از زنان وقتی که جلاد را دید، شروع کرد به گریه کردن (ک)
žani-un i-a vaxt-i kə jallâd-əš be-hind-e, bəndard varam-əst-an

این نوع فعل‌ها کاربرد کمی در تاتی دارند و امروزه در حال فراموش شدن هستند.

۱۱-۲-۶ امکان داشتن، توانستن: *bu* (دروی)، *bi* (لودی)

این فعل به عنوان فعلی شبه‌معین به کار می‌رود و تابعش مصدر یا جمله است و شکل منفی این فعل نیز کاربرد دارد:

bi xard-an. می‌شود خورد. (ل)
ni-bi šiyan. نمی‌شود بیرون رفت. (ل)
nə-bu qazâ hard-en, garm-ə. نمی‌توان غذا خورد، گرم است. (د)
nə-bu vât-en dərū vâj-ə. نمی‌توان گفت دروغ می‌گوید. (د)

(نیز ← فعل‌های غیرشخصی تاتی).

۱۲- فعل‌های ربطی

فعل‌های زیر به عنوان فعل ربطی در تاتی به کار می‌روند:

۱۲-۱ *bi-en* «بودن»

این فعل دو ساخت دارد: الف) ساخت مستقل؛ ب) ساخت پی‌بستی. شکل مستقل آن، مثل سایر فعل‌ها در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود، اما شکل پی‌بستی آن، فقط در مضارع صرف می‌شود.

ساخت مستقل *bi-en* «بودن»

روش ساخت فعل *bi-en* همانند دیگر فعل‌ها است و در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود. فقط در ماضی مطلق، وند وجه *b(ɪ)* در اولش نمی‌آید. در زیر فعل ربطی *bi-en* «بودن» در گونه‌های سه‌گانه در کنار یک فعل تام صرف شده است، تا تغییرات صرفی آن به خوبی نمایانده شود:

کجلی:

b-em	بودم	bə-nəšt-em	نشستم	ماضی ساده
bey-me	بوده‌ام	nəštəy-me	نشسته‌ام	ماضی نقلی
biya bem	بوده بودم	nəšta-bem	نشسته بودم	ماضی بعید
mə-best-im	می‌بودم	mə-nəšt-im	می‌نشستم	ماضی استمراری
biya bey me	بوده باشم	nəšta bey me	نشسته باشم	ماضی التزامی
mi-baš-əm	می‌شوم / می‌باشم	mə-nəš-əm	می‌نشینم	مضارع اخباری
bə-baš-əm	باشم / بشوم	bə-nəš-əm	بنشینم	مضارع التزامی

دروی:

b'-im	بودم	bə-nəšt-im	نشستم	ماضی ساده
biya-y-m	بوده‌ام	nəšta-y-m	نشسته‌ام	ماضی نقلی
biya-bim	بوده بودم	nəšta-bim	نشسته بودم	ماضی بعید
b-i'-m ^۱	می‌بودم	nəš-im	می‌نشستم	ماضی استمراری
biya-bə-bum	بوده باشم	nəšta-bə-bum	نشسته باشم	ماضی التزامی
b-um	می‌شوم	nəš-əm	می‌نشینم	مضارع اخباری
bə-b-um	باشم	bə-nəš-âm	اگر بنشینم	مضارع التزامی

لردی:

b'-em	بودم	bə-nəšt-em	نشستم	ماضی ساده
beym	بوده‌ام	nəšta-ye-m	نشسته‌ام	ماضی نقلی
biya- bem	بوده بودم	nəšta-bem	نشسته بودم	ماضی بعید
b-e'-m	می‌بودم ^۲	nəšt-em	می‌نشستم	ماضی استمراری
biya-bâm	بوده باشم	nəšta-bâm	نشسته باشم	ماضی التزامی
bim	می‌شوم	nəš-əm	می‌نشینم	مضارع اخباری
bə-b-âm	باشم	bə-nəš-âm	اگر بنشینم	مضارع تمنایی

۱ - تفاوت ماضی استمراری این فعل با ماضی ساده آن، در جایگاه تکیه آنها است: در ماضی استمراری تکیه بر وند نمود مستمر (-i-) است، و در ماضی ساده تکیه بر-(v) است.

۲ - همانند گونه دروی تفاوت ساخت ماضی استمراری این فعل با ماضی ساده آن، جایگاه تکیه آنها است. در ماضی استمراری تکیه بر وند نمود مستمر یا استمراری (-e-)، ولی در ماضی ساده تکیه بر وند تصریفی -(v) است.

در ساخت ماضی مطلق اگر در اول این فعل وند تصریفی-(v) b اضافه شود، معنای آن از «بودن» به «شدن» تغییر می‌کند:

bə-b-im	شدم (د)	b-im	بودم (د)
---------	---------	------	----------

ساخت پی‌بستی b-[i]-en «بودن»

نمونه‌هایی از فعل bi-en به عنوان فعل پی‌بستی همراه با صفت و اسم در جدول زیر آمده است:

takk-em	تنه‌ایم (ل)
tak-im	تنه‌ایم (د)
čâk-im	خوبم (ک)
xub-iš	خوبی (د)
mudir-ind/əndə	معلم‌اند (د، ل)

از آنجا که در تاتی گونه کجلی و لردی تمایز جنس دستوری در بسیاری از مقوله‌ها نظیر اسم، صفت، ضمیر اشاره، ضمیر شخصی و ضمیر مبهم حفظ شده است، در سوم شخص مفرد فعل پی-بستی مؤنث و مذکر از هم تمایز دارد. یعنی در مذکر -e- در مؤنث -â- است:

معنی	کجلی	لردی
لیوان (مؤنث) شکسته است.	livâna əšk-ist-â.	âvxura əšk-əss-â.
دیوار (مذکر) شکسته است.	divâr išk-ist-e.	divâr əšk-əss-e.
ماه (مؤنث) گرفته است.	âuşma gir-ist-â.	mânga gir-əss-â.

شکل شش‌گانه فعل پی‌بستی فوق در دروی، لردی و کجلی به شرح زیر است:

شخص و شمار	دروی	لردی	کجلی
اول شخص مفرد	-im	-em	-im
دوم شخص مفرد	-iš	-eš	-iš
مذکر	-ə	-ə	-ə
سوم شخص مفرد	---	-â	-â
مؤنث	---	-â	-â
اول شخص جمع	-imân	-emân	-imân
دوم شخص جمع	-irân	-erân	-irân
سوم شخص جمع	-ind(ə)	-eind(ə)	-ind(ə)

همان‌طور که از جدول فوق پیداست؛ شکل پی‌بستی فعل *bi-e/an* «بودن» همانند شناسه‌های ماضی است، وقتی مصوتی قبل از آنها بیاید، همخوان غلتان ^۱ *-r-* (در دروی و لردی) یا *-y-* (در کجلی و لردی) بین آنها قرار می‌گیرد:

فعل	کجلی	لردی	دروی
این جايم	<i>ənjâ-y-im</i>	<i>yâ-r-em</i>	<i>yâ-r-im</i>
مال او است	<i>čâ-y-e</i>	<i>ča-y-e</i>	<i>ča-r-ə</i>
کجايند؟	<i>aku-y-ində?</i>	<i>kâ-r-endə</i>	<i>ka-r-ində</i>

برای منفی کردن فعل پی‌بستی *bi-en* وند منفی‌ساز *-n-* قبل از شناسه فعل پی‌بستی قرار می‌گیرد. شکل مثبت و منفی فعل پی‌بستی فوق همراه با صفت «خوب» در تاتی به شرح زیر است:

شکل مثبت:

معنی	لردی	دروی	کجلی
خوبم	<i>xub-em</i>	<i>xub-im</i>	<i>xub-ime</i>
خوبی	<i>xub-eš</i>	<i>xub-iš</i>	<i>xub-ire</i>
خوبه	<i>xub-ə</i>	<i>xub-ə</i>	<i>xub-e</i>
مؤنث	<i>xub-â</i>	-----	<i>xub-â</i>
خوبم	<i>xub-emân</i>	<i>xub-imân</i>	<i>xub-imân</i>
خوبید	<i>xub-erân</i>	<i>xub-irân</i>	<i>xub-irân</i>
خویند	<i>xub-end(ə)</i>	<i>xub-ind</i>	<i>xub-ind(ə)</i>

شکل منفی فعل فوق در زیر آمده است:

شخص و شمار	لردی	دروی	کجلی
خوب نیستم	<i>xub-ni-yəm</i>	<i>xub-n-im</i>	<i>xub-ni-me</i>
خوب نیستی	<i>xub-ni-yəš</i>	<i>xub-n-iš</i>	<i>xub-ni-re</i>
خوب مذکر	<i>xub-ni-yə</i>	<i>xub-n-i</i>	<i>xub-ni-ye</i>
نیست مؤنث	<i>xub ni-yâ</i>	-----	<i>xub ni-yâ</i>
خوب نیستیم	<i>xub-ni-yəmân</i>	<i>xub-n-imân</i>	<i>xub-ni-yəmân</i>

xub-ni-yərân	xub-n-irân	xub-ni-yərân	خوب نیستید
xub-ni-yənd(ə)	xub-n-ind	xub-ni-yənd(ə)	خوب نیستند

صفت‌ها و اسم‌هایی که به عنوان مسند قبل از این فعل می‌آیند، اگر مختوم به واکه باشند، -[y]- به عنوان میانجی قبل از واکه می‌آید:

čəman bəra[y]ə.	zâ-[y]-iš ?	برادر من است. (د)	پسری؟ (د)
čəman bəra[y]ə.	zâ-[y]-eš ?	برادر من است. (ل)	پسری؟ (ل)

در موقعیت فوق‌الذکر واج میانجی در شکل منفی دیگر ظهور نمی‌کند:

čəman bəra-n-i.	zâ-n-iš ?	برادر من نیست. (د)	پسر نیستی؟ (د)
-----------------	-----------	--------------------	----------------

چنان‌که از این مثال‌ها برمی‌آید، در سوم شخص مفرد شکل مثبت این فعل -ə- و شکل منفی آن -ni- است. ماده مضارع این فعل es (هست)، می‌باشد که همراه شناسه‌های صرفی به کار می‌رود و به معنای وجود داشتن و بودن است. صرف کامل فعل es (هست) تاتی ذیل بند ۱۴- فعل ناقص آمده است. این صورت از فعل «بودن» به مسند یا جزء دیگری که تکیه‌گاه آن باشد، نیاز ندارد:

âv es.	آب هست. (د)
kâr es.	کار هست. (د)

طرز منفی کردن این فعل همانند منفی کردن دیگر فعل‌هاست که در بخش «فعل از جهت زمان» در زیر هر ساختی، طریقه منفی کردنش آمده است. فعل فوق شکل‌های پیشوندی نیز دارد که عبارت‌اند از: ۱- â-bien (شدن) ۲- da-bien (بودن در داخل یا میان جایی) ۳- pe-bien (بودن در بالا) ۴- e-bien (بودن در پایین) ۵- ara-bian (بودن در پایین/ریختن). در زیر، هر کدام از شکل‌های پیشوندی فعل مورد نظر همراه مثال‌های ذکر می‌گردد:

۱۲- â-bi-en «شدن»

فعل ربطی â-bien شکل پیشوندی bien است و در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود. در زیر، ساخت‌های مختلف این فعل در گونه دروی ذکر شده است.

â-b-im	شدم	ماضی ساده
â-biya-y-m	شده‌ام	ماضی نقلی
â-biya- bim	شده بودم	ماضی بعید
â-b-im	می‌شدم	ماضی استمراری
â-biya-bə-bum	شده باشم	ماضی التزامی

â-b'-um	می شوم	مضارع اخباری
-b-um'â	بشوم	مضارع التزامی
â-nə-b-um	نمی شوم	مضارع اخباری منفی
â-baš / â-ma-baš	باش / نباش	امر / نهی

۱۲-۳ **da-bi-en** «بودن در داخل یا میان جایی»

این فعل هم مانند â-b-i-en «شدن» صورت پیشوندی دیگری از فعل bien است که مثل آن صرف می شود. تفاوت آنها در معناست:

rama-ku varg da-b.	در رمه گرگ بود. (د)
ame raz da-r-imân.	ما در باغ هستیم. (ک)
ka-ku-âdam da-nə-b.	در خانه آدم نبود. (د)
ka-ku-âdam da-b.	در خانه آدم بود. (د)
rama dəla varg də-bə.	در رمه گرگ بود. (ل)
šəma ča-na da-r-irân.	شما با او هستید. (د)
pasa raz da-r-â.	گوسفند (مؤنث) در باغ است. (ک)
ka-ku âdam da-ni.	در خانه آدم نیست. (د)
šəma ča-na da-b-irân.	شما با او بودید. (د)
dâr-ək miva də-nə-be.	درخت میوه ای نداشت. (ل)

۱۲-۴ **pe-bi-en** (بودن در بالا)

این فعل همانند فعل **da-b-i-en** «بودن در مکان» است، اما پیشوند جهت فعل را تغییر داده است و معنایش بودن در مکانی بالاست، این فعل در دروی رواج دارد:

a dârə-ku pe-r.	او بالای درخت است. (د)
bânə-ku pe-r-imân.	بالای یام ایم. (د)
a dârə-ku pe-b.	او بالای درخت بود. (د)
bânə-ku pe-b-imân.	بالای یام بودیم. (د)

این فعل ربطی، به عنوان فعل پیشوندی معانی دیگری نیز دارد:

čaqu-r pe-b?	چاقو همراه تو بود؟ (د)
čaqu-r pe-r?	چاقو همراه تو است؟ (د)

۱۲-۵ e-bi-en «بودن در پایین»

معنای این فعل بودن در مکانی پایین است، این فعل نیز فقط در دروی رواج دارد:

dārə bənə-ku miva e-b.	زیر درخت میوه بود. (د)
dārə bənə-ku miva e-č.	زیر درخت میوه است. (د)

۱۲-۶ ara-bi-an «بودن در پایین، ریختن»

معنای این فعل نیز بودن در پایین است و در دو گونهٔ لردی و کجلی رواج دارد:

miva darə-k ara-be.	میوه از درخت ریخت. (ل)
miva darə ku ara-best.	میوه از درخت ریخت. (ک)
ku da ara-be, bâme dara.	از کوه ریخت، آمد دره. (ل)

۱۳- فعل‌های غیرشخصی

فعل‌ها یا جمله‌های غیرشخصی (صادقی و ارزنگ، ۱۳۵۴: ۱۹) یا جمله‌های بی‌نهاد (وحیدیان کامیار و عمرانی ۱۳۸۴: ۲۵) به جمله‌هایی گفته می‌شود که فعل آنها دارای شناسهٔ سوم شخص مفرد یا جمع است ولی شناسهٔ معینی (اول شخص، دوم شخص...) را نمی‌رسانند. این جمله‌ها در حقیقت هیچ‌گاه نهاد ندارند (صادقی و ارزنگ، همان). مانند: «می‌شود ایستاد» و «باید رفت».

بعضی از فعل‌های شبه‌معین تاتی (← قسمت ۱۱-۲) غیرشخصی نیز هستند، مانند: biri/basi «باید» و bu «می‌شود، امکان دارد» در گونهٔ دروی، و bu «می‌شود» و (dase)ga «باید» در لردی، و miya/miga «باید» و məbašə «می‌شود» در کجلی. فعل تابع این افعال همانند فارسی به شکل مصدر مرخم ظاهر نمی‌شود، بلکه مصدری کامل است. این فعل‌ها منفی نیز می‌شوند و وند نفی به اول آنها اضافه می‌گردد (نیز ← فعل‌های شبه‌معین تاتی ۱۱-۲).

bu šiyen.	می‌شود رفت (رفتن). (د)
nə-bu vāt-en.	نمی‌شود گفت (گفتن). (د)
bi hašt-en.	باید برخاست (برخاستن). (د)
bi xard-an.	می‌شود خورد (خوردن). (ل)
ni-bi šiyen.	نمی‌شود رفت (رفتن). (ل)
mə-bašə ši[y]-an.	می‌شود رفت (رفتن). (ک)
ni-m-bi vāt-an hasan dərū mājə(>mə-vāj-ə).	نمی‌شود گفت (گفتن)، حسن دروغ می‌گوید. (ک)
pira mardakə rā miya/biya salām kard-an.	باید برای پیرمرد سلام کرد (کردن). (ک)

۱۴- فعل ناقص

فعل «هست es»

فعل es "هست" تنها فعلی است که در تاتی فقط در ساخت مضارع اخباری صرف می‌شود^۱، ماده مضارع آن را می‌توان «es» در نظر گرفت. این فعل ماده ماضی ندارد.

شخص و شمار	لردي	دروي	كجلی
اول شخص مفرد	e(s)s-em	es-im	est-im
دوم شخص مفرد	e(s)s-eš	es-iš	est-iš
مذكر سوم شخص مفرد	e(s)s-e	es-(ə)	est-e
مؤنث سوم شخص مفرد	e(s)s-â	----	est-â
اول شخص جمع	nâe(s)s-em	nâes-im	nâest-im
دوم شخص جمع	e(s)s-erân	es-irân	est-irân
سوم شخص جمع	e(s)s-əndə	es-ində	est-əndə

فعل ناقص es «هست» شکل منفي ندارند، براي منفي کردن، از شکل پی‌بستی آن فعل استفاده می‌کنند:

فعل	كجلی	لردي	دروي
نیستم	ni-[y]ime	ni [y]em	ni-m
نیستی	ni-[y]ire	ni[y]eš	ni-š
مذكر نیست	ni-[y]a	ni[y]e	ni
مؤنث نیست	ni-[y]â	ni[y]â	----
نیستیم	ni-[y]əmân	mânəni [y]	ni-mân
نیستید	ni-[y]ərân	rânəni [y]	ni-rân
نیستند	ni-[y]ənd(ə)	nd(ə)əni [y]	ni-nd(ə)

۱- گرچه در تاتی ساخت‌هایی از این فعل در ماضی مطلق به کار می‌رود مانند: es bim (بودم، دروی)، es biš (بودی، دروی) و ... اما به دلیل اینکه فعل bien در اینجا صرف می‌شود، باید es را در این جملات نه یک فعل مستقل، بلکه یک صفت اسنادی محسوب کرد.

۱۵- چند نکته مهم در فعل تاتی

آنچه درباره فعل تاتی لازم بود، ذکر شد، در ذیل چند نکته که در ظاهر ارتباطی با ساخت فعل ندارند، اما در اصل با ساخت فعل ارتباط دارند، ذکر شده است.

۱-۱۵ فعل مرکب ضمیری

فعل مرکب ضمیری^۱ از ترکیب یک اسم، صفت یا قید به همراه ضمائر متصل غیرفاعلی و سوم شخص مفرد یک فعل معین ساخته می‌شود. از نمونه‌های فعل مرکب ضمیری در تاتی، شواهد زیر قابل ذکرند:

گونه / فعل	خوشمان آمد.	یادت آمد؟	زورش می‌آید.
کجلی	xašə-mân miyâ.	vir-ə-r bâma?	zur-ə-š miyâ.
لردی	xašə-mân bâme.	vir-ə-r bâme?	zur-ə-š âmiyar.
دروی	xušə-mân-bâma.	vir-ə-r- bâma?	zur-ə-š â.

فعل‌های مرکب ضمیری در اصل لازم‌اند و ساخت امر ندارند، اما در ساخت‌های دیگر به کار می‌روند، از نظر ساخت هیچ تفاوتی بین ماضی و مضارع فعل‌های مرکب ضمیری وجود ندارد:

دروی:

bâma. xušə-m	خوشم آمد.	ماضی ساده
xušə-m âma-bə-bu.	خوشم آمده باشد.	ماضی تمنایی
xušə-m âma.	خوشم آمده است.	ماضی نقلی
xušə-m âma-b.	خوشم آمده بود.	ماضی بعید
xušə-m ây.	خوشم می‌آمد.	ماضی استمراری
kəra- xušə-m ây.	داشت خوشم می‌آمد.	ماضی مستمر
xušə-m â.	خوشم می‌آید.	مضارع اخباری
xušə-m bâ.	(شاید) خوشم بیاید.	مضارع التزامی
vir-ə-m bar-še.	یادم رفت.	ماضی ساده
qam-əš gata bə.	ناراحت شده بود.	ماضی بعید
sard-ərân bu.	سردتان می‌شود.	مضارع اخباری

در همه موارد فوق، ضمیر بین فعل معین و جزء غیرفعلی آمده است و فعل معین اغلب این جملات از مصدرهایی چون: *âm-en* (آمدن)، *ši-en* (رفتن)، *gat-en* (گرفتن) و *bi-en* (بودن) و... به دست می‌آید.

تنها فعلی که در تاتی در ساخت مضارع اخباری چنین ساختاری دارد، از مصدر با معنی «خواستن قلبی یا لازم داشتن» است که در دروی *pirəs-en*، در کجلی *gavəstan* و در لردی *ga* است و همانند فعل‌های ماضی متعدی، به جای شناسه‌ها از ضمایر متصل فاعلی استفاده می‌شوند:

دروی:

<i>pir-ə-mân</i>	لازم داریم	<i>pir-ə-m</i>	لازم دارم
<i>pir-ə-rân</i>	لازم دارید	<i>pir-ə-r</i>	لازم داری
<i>pir-ə-šân</i>	لازم دارند	<i>pir-ə-š</i>	لازم دارد

کجلی:

<i>migaha-mân</i>	لازم داریم	<i>migaha-me</i>	لازم دارم
<i>migaha-rân</i>	لازم دارید	<i>migaha-re</i>	لازم داری
<i>migaha-šân</i>	لازم دارند	<i>migaha-še</i>	لازم داری

لردی:

<i>ga-mâne</i>	لازم داریم	<i>ga-me</i>	لازم دارم
<i>ga-râne</i>	لازم دارید	<i>ga-re</i>	لازم داری
<i>ga-šâne</i>	لازم دارند	<i>ga-še</i>	لازم دارد

فعل‌های ترکیبی ماضی متعدی تاتی که دارای ساخت ارگتیواند - به غیر از ماضی استمراری در گونه دروی که از ماده مضارع ساخته می‌شود- از این نظر فعل مرکب ضمیری محسوب می‌شوند، چون ضمیر به ماده فعلی می‌پیوندند نه به شناسه. درحالی‌که قاعده کلی فعل آن است که ماده فعلی با شناسه باشد، هرگاه ضمیر منفصل فاعلی یا فاعل این فعل‌های ذکر شود، دیگر از ضمیر استفاده نمی‌شود. در زیر چند نمونه از این فعل‌ها ذکر می‌گردد:

فعل	کجلی	لردی	دروی
ناز کردم.	<i>nâz-əm bə-kard.</i>	<i>nâz-əm bə-kard.</i>	<i>nâz-əm bə-kard.</i>

gat bæ. yâd-əmân	gata bæ. yâd-əmân	yâd-əmân-gata-bæ.	یاد گرفته بودیم.
das-ər bæ-za.	das-ər bizzi	das-ər bæ-ža.	دست زدی.
man nâz bæ-kard.	man nâz bæ-kard.	man nâz bæ-kard.	من ناز کردم.

اگر سطر اول با سطر چهارم مقایسه شود، معلوم خواهد شد که در سطر چهارم دیگر از ضمایر استفاده نشده، چون فاعل، خودش در اول جمله ذکر شده است. این ویژگی مختص همه انواع فعل‌های مرکب ضمیری است.

نکته: تفاوت فعل‌های مرکب ضمیری با فعل‌های ترکیبی تاتی در این است که ضمایر متصل غیرفاعلی در فعل‌های مرکب، هیچ‌گاه به دنبال ماده فعل نمی‌آیند، اما در فعل‌های ترکیبی این ضمایر می‌توانند به ماده فعل نیز ملحق شوند. مثلاً در جمله sard-ər bæ (سردت بود)، (دروی)، ضمیر -ər نمی‌تواند به فعل بپیوندد، ولی در جمله nâz-ər bæ-kard (ناز کردی)، (دروی) می‌توان ضمیر را به فعل اضافه کرد: nâz bæ-kard-ər (ناز کردی)، (دروی).

روش منفی کردن این نوع فعل‌ها چنین است که وند نفی قبل از ماده فعلی می‌آید:

فعل	کجلی	لردی	دروی
یادش نمی‌آید.	vir-əš nə-miyâ.	vir-əš n-âyə.	vir-əš n-â.
سردت نیست.	sard-ər niye.	sard-ər ni(ye).	sard-ər ni.
خوشتان نیامد.	xašə-rân nə-miyâ.	xaš-ərân n-âmâ.	xâš-ərân n-âma.

۱۵-۲ افزونه فعل‌های ماضی

در گویش تاتی بعد از شناسه و ضمایر متصل غیرفاعلی بعضی از فعل‌های ماضی، افزونه -ə یا -e ظاهر می‌شود. این افزونه امروزه در حال حذف شدن است، اما در بعضی از ساخت‌ها باقی مانده و در ساخت‌هایی اختیاری است، یعنی هر دو شکل با افزونه و بدون افزونه به کار می‌رود، اما شکل دوم کمتر استفاده می‌شود و در تمام صیغه‌ها هم، به کار نمی‌رود. برای ماهیت این افزونه در گویش‌های ایرانی نو هنوز تحقیق کاملی انجام نشده است.^۱ در جدول زیر ساخت‌ها و گونه‌هایی که در آن افزونه باقی مانده، نشان داده شده است:

۱- کلباسی به طور گذرا این افزونه را گونه‌ای از فعل "است" گرفته است. ← "گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی"، مجله گویش‌شناسی، ش. ۲، ص ۷۱. او معتقد است در ساخت‌هایی نظیر: xwârd-em-a (خوردام، کردی کلباسی) و vârd-em-a (خوردام، لکی خواجه‌وندی کلاردشت)، šima (رفته‌ام، ماسالی) -a گونه‌ای است از «است».

کجلی		لردی		فعل
متعدی	لازم	متعدی	لازم	
-----	-----	ara-kat-əm-ə	-----	ماضی مطلق
ara-gata-m-e	nəšt-ey-m-e	ara-kata-m-e	-----	ماضی نقلی
ara-gat-əme	-----	ara-kat-əm-e	-----	ماضی استمراری
-----	-----	ara-kat-ard-əm-ə	-----	ماضی مستمر

چنان که از جدول فوق پیداست، فقط در ساخت های ماضی متعدی لردی افزونه ظاهر می شود. در کجلی فقط در ماضی نقلی لازم افزونه وجود دارد. در زیر یک فعل لردی و کجلی دارای افزونه در شش صیغه صرف می شود:

فعل	کجلی	فعل	لردی
گرفته ام	ara-gata-m-e	گرفتم	ara-kat-əm-ə
گرفته ای	ara-gata-r-e	گرفتی	ara-kat-ər-ə
گرفته است	ara-gata-š-e	مذکر	ara-kat-əš-ə
مؤنث	ara-gata-š-â	مؤنث	ara-kat-əš-â
گرفته ایم	ara-gata-mân-e	گرفتیم	ara-kat-əmân-ə
گرفته اید	ara-gata-rân-e	گرفتید	ara-kat-ərân-ə
گرفته اند	ara-gata-šân-e	گرفتند	ara-kat-əšân-ə

در دروی فقط در دو صیغه اول شخص مفرد و سوم شخص جمع فعل های لازم (مثبت و منفی)، افزونه ٓ به صورت اختیاری باقی مانده است.

دوختم (د)	b-dut-əm(ə)	ندیدند (د)	nə-vind-əšân(ə)
-----------	-------------	------------	-----------------

۱۵-۳ ساخت ارگتیو

در هر سه گونه تاتی، فعل های لازم ماضی و مضارع دارای ساخت واحدی اند. ولی فعل های ماضی متعدی از ساخت ارگتیو برخوردارند (← رضایتی و سبزه علیپور، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۸۹). ارگتیو حالتی است نحوی مربوط به فاعل فعل های ماضی متعدی، در این ساخت، عامل (فاعل منطقی) به شکل غیر فاعلی و مفعول به شکل فاعلی ظاهر می شود و در نوع کامل آن فعل از نظر شخص (اول، دوم و سوم شخص)، شمار (مفرد و جمع) و جنس (مذکر و مؤنث) با مفعول که در واقع فاعل دستوری است مطابقت می کند:

amadə nân-əš bard.	احمد نان را خورد. (د)
kəṭâb-əm bəxândâ.	کتاب را خواندم. (ل)
guw-m-a bəkuštâ.	گاو را کشتم. (ک)

در ساخت ارگتیو سه عنصر یعنی فاعل، مفعول و فعل نقش مهمی دارند. برای نمونه از گونه لردی چند جمله ذکر می‌کنیم:

amadə nân bə-xard.	احمد نان خورد. (ل)
man čua agat-â.	من چوب را برداشتم. (ل)
tə-šân bə-bard-eš.	تو را بردند. (ل)

در جمله‌های اول و دوم، عامل‌های منطقی (man و amadə) شکل غیرفاعلی دارند و مفعول‌های منطقی (čua, nân) شکل فاعلی. فعل جمله دوم (a-gat-â) به خاطر مفعول منطقی مؤنث (čua)، با نشانه تأنیث (â) همراه است. در جمله سوم نیز فعل (bə-ward-iš) با ضمیر فاعلی (tə) که مفعول منطقی است، مطابقت دارد.

از آنجا که در این ساخت از ضمایر استفاده می‌شود، ضمایر منفصل فاعلی و غیرفاعلی در تاتی به شرح زیر می‌آیند (برای ضمایر متصل غیرفاعلی نک. ذیل شناسه‌های فعلی).

ضمایر منفصل فاعلی:

کجلی	دروی	لردی	شخص
az(i)	az	az	من
(a)tð	tə	tə	تو
a/av	a/av	a/av	مذکر او
ava	-----	ava	مؤنث او
ame	ama	âmâ	ما
šəme	šəma	šâmâ	شما
avə	avə	avə	ایشان

ضمایر منفصل غیرفاعلی:

کجلی	دروی	لردی	شخص
aman	man	man	من
tð	tə	tə	تو
avə	avə	avə	او
ame	ama	âmâ	ما

šəme	šəma	šāmā	شما
avân	avân	avân	ایشان

اسم‌های جمع تاتی در حالت‌های فاعلی و غیرفاعلی دو شکل متفاوت دارند:

gâvə bâmaynd.	گاوها آمدند.	فاعلی:
gâvân-əm bind.	گاوها را دیدم.	غیرفاعلی:

در مثال فوق gâvə جمع فاعلی و gâvân جمع غیرفاعلی است که در ساخت ارگتیو جای فاعل قرار گرفته است. ضمایر متصل نیز در گونه‌های مختلف تاتی مثل ضمایر منفصل و اسم‌ها، حالت فاعلی و غیرفاعلی دارند.

در تاتی فعل‌هایی که از ماده ماضی استفاده می‌کنند، دارای ساخت ارگتیو و فعل‌هایی که از ماده مضارع استفاده می‌کنند، ساخت ارگتیو ندارند. به عنوان مثال ماضی استمراری و ماضی مستمر تاتی گونه دروی با اینکه ماضی‌اند، اما چون از ماده مضارع درست شده‌اند از ساخت ارگتیو برخوردار نیستند. در بخش «زمان فعل» ذیل هر فعلی، طریقه ساخت آن آمده است.

نکته‌ای درباره فعل مرکب تاتی

فعل ترکیبی یا فعل مرکب^۱ در تاتی همانند فعل ساده صرف می‌شود، فقط نکته قابل ذکر این است که نحوه ساخت فعل را نه معنی، بلکه فعل پایه آن مشخص می‌کند، یعنی اگر جزء فعلی آن متعدی باشد، همانند فعل متعدی صرف می‌شود، حتی اگر فعل مرکب در معنا لازم باشد و اگر جزء فعلی لازم باشد، قواعد فعل لازم در آن اجرا می‌شود.

به عنوان نمونه فعل kard-en «کردن» متعدی است، اگر در فعل مرکب بیاید، تمام قواعد فعل متعدی درباره‌اش صدق می‌کند، یعنی در ماضی متعدی ساخت ارگتیو خواهد داشت، حتی اگر فعل مرکب، لازم باشد. مثلاً فعل مرکب tar kard-en (قهر کردن) در تاتی لازم است، اما چون فعل پایه‌اش متعدی است، با قواعد فعل متعدی صرف می‌شود، یعنی در ماضی متعدی دارای ساخت ارگتیو است. چند نمونه از این افعال مرکب در زیر می‌آید:

۱ - منظور از فعل مرکب در این جا فعلی است که از یک جزء غیرفعلی به اضافه یک جزء فعلی ساخته می‌شود، مانند: tar kard-en «قهر کردن»، گرچه فعل‌هایی نظیر «رفته بود» و «کرده بود» به نام مرکب نیز نامیده شده‌اند.

dəq (â)kard-en/an	دق کردن (د، ک، ل)
dâd ziyan	داد زدن (ل)
dâd za-en	داد زدن (د)
gir kard-en	گیر کردن (د)
zur za-en	زور زدن (د)
qamə gat-en/an	ناراحت شدن (د، ل)

ضمیر متصل غیر فاعلی در ارگتیو به اولین جزء می‌پیوندد، در فعل مرکب هم، ضمیر متصل به جزء غیر فعلی آغاز فعل مرکب منتقل شده است. ماضی مطلق فعل‌های مرکب لازم فوق به شرح زیر است:

dəq-əš bə-kard	دق کرد (د، ک)
dâd-əš bə-za/bizzi	داد زد (د، ل)
gir-əš bə-kard	گیر کرد (د)
qam-əš bə-gat	ناراحت شد (د، ل)

در همه موارد بالا ضمیر به جزء غیر فعلی متصل شده است.

۱۵-۴ تمایز جنس دستوری در تاتی

چون در تاتی تمایز جنس دستوری حفظ شده است و این تمایز در فعل نیز خود را نشان می‌دهد، لازم است چند نکته به طور مجمل در این زمینه ذکر شود. در تاتی جنس خنثی وجود ندارد، اما در چند مورد نشانه‌هایی برای نمایاندن جنس مؤنث وجود دارد، تمایز جنس دستوری تاتی در مقوله‌های اسم، صفت، ضمیر شخصی، ضمیر مبهم و فعل به چشم می‌خورد.

۱- اسم: اسم‌های مؤنث تاتی در حالت فاعلی مفرد، با پی‌بست بدون تکیه a- همراه‌اند. اسم مذکر تاتی در حالت فاعلی و غیر فاعلی، بدون پی‌بست a- است و در اسم جمع، تمایز جنس وجود ندارد.

گونه	مذکر	مؤنث
کجلی	čuruk (گنجشک)	kutara (کبوتر)
لردی	vâš (علف)	munga (ماه)

۲- صفت: صفت ملکی سوم شخص مفرد، در حالت فاعلی از دیگر مواردی است که تمایز جنس خود را حفظ کرده است. صفات ملکی دو شکل اشاره به نزدیک و اشاره به دور دارد:

گونه	مذکر	مؤنث
کجلی، لردی	ča (مال او، مذکر)	čavə (مال او، مؤنث)

۳- ضمیر: جنس مؤنث در بعضی از ضمایر، تمایز خود را حفظ کرده است، مانند ضمیر شخصی، ضمیر اشاره، ضمیر مبهم و ضمیر ملکی. ساختار جنس در ضمیر همانند اسم است، یعنی یک پی‌بست بی‌تکیه *a*- در حالت فاعلی مفرد، به مؤنث افزوده می‌شود و در ضمیر ملکی و صفت ملکی، پی‌بست *-ə* به جنس مؤنث اضافه می‌شود و جنس مذکر در همه موارد، تهی از پی‌بست فوق است.

انواع ضمیر	مذکر	مؤنث
ضمیر اشاره دور (ک)	<i>a</i> (او، مذکر)	<i>ava</i> (او، مؤنث)
ضمیر اشاره نزدیک (ل)	<i>əm</i> (این، مذکر)	<i>əma</i> (این، مؤنث)
ضمیر اشاره نزدیک (ک)	<i>im</i> (این، مذکر)	<i>ima</i> (این، مؤنث)
ضمیر مبهم (ک، ل)	<i>i</i> (یکی، مذکر)	<i>iya</i> (یکی، مؤنث)

۴- فعل: فعل تاتی فقط در سوم شخص مفرد تمایز خود را حفظ کرده است:

فعل لازم	کلاغ (مؤنث) رفت. (ک)	<i>qajala bi-šiyâ</i>
فعل لازم	مار (مذکر) آمد. (ک)	<i>mârr bâma.</i>
فعل متعدی	زینب به حسن نگاه می‌کند. (ل)	<i>zeynaba hasan diyašt-ar.</i>
فعل متعدی	حسن به زینب نگاه کرد. (ل)	<i>hasan zeynaba diyašt-â.</i>

بخش دوم

گویش تالشی

۱- ریشه فعل

در تالشی ریشه^۱ فعل در موارد بسیاری قابل شناسایی است و می‌توان از طریق ماده مضارع به ریشه ریشه رسید. ریشه در این گویش دو شکل دارد: ریشه ضعیف و ریشه قوی. ریشه ضعیف در تالشی جنوبی و پره‌سری صورتی از ریشه است که مصوتی غیر از -â- داشته باشد و ریشه قوی، صورتی از ریشه است که -â- داشته باشد. در تالشی شمالی صورت ضعیف در اغلب ریشه‌های موجود دارای مصوت -â- است و ریشه قوی مصوت -o- را در خود جای داده است. هریک از صورت‌های ریشه در بافت خاصی به کار می‌روند. مثلاً از صورت ضعیف ریشه که کاربرد فراوانی هم دارد، معمولاً در ساخت ماده مجهول و فعل‌های لازم و از شکل قوی آن، در ساخت ماده‌های سببی (واداری) استفاده می‌کنند.^۲ هرچند فعل‌های سببی اشکال دیگری نیز دارند.

در جدول زیر، نمونه‌هایی از ریشه‌ها که با پیوستن افزونه ماده‌ساز /-n/ به آخر آنها، ماده مضارع ساخته شده، آمده است:^۳

معنی	ماده مضارع	ریشه
جویدن (م) ^۴	jun	ju
زدن (م، ج)	žan	ža
چیدن (م، ج)	čin	či
ستاندن (ش)	stan	əst
زدن (ش)	žan	ža

۱- هرگونه ارائه نظر درباره ریشه فعل تالشی بر اساس تعداد ریشه‌هایی است که در تالشی شناخته شده و موجودند.

۲- این خصوصیت، در زبان‌های ایرانی باستان نیز دیده می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

۳- در ایرانی باستان، یکی از راه‌های ساخت ماده مضارع، افزودن /-n/ یا /-na/ به ریشه بوده است (همان: ۱۴۹).

۴- در این کتاب حروف ج نشان اختصاری تالشی جنوبی (گونه سیاهمزگی)، م تالشی پره‌سری (گونه پره‌سری)، و ش تالشی شمالی (گونه عنبرانی) است.

نمونه‌هایی از گردش مصوت در ریشهٔ افعال تالشی:

ریشهٔ قوی	ریشهٔ ضعیف
â-gârd-ən-ə	برمی‌گردد (ج) â-gard-ə
â-râs-ən-ə	می‌رسد (ج) â-ras-ə
ji-vâz-ən-d-en	فرار کردن (ج) ji-vašt-en
ba-vâz-n-əst-i	می‌جهد (پ) ba-vašt-i
ba-l'ârz-ən-əst-i	می‌لرزد (پ) ba-l'arz-əst-i
ba-zâr-n-əst-i	پاره می‌شود (پ) ba-zer-ist-i
tors-on-iyē	ترسیدن (ش) târs-e
lorz-on-iyē	لرزیدن (ش) lârze
u-gord-on-iyē	برگشتن (ش) u-gârd-e

نمونه‌هایی از ریشه‌های ضعیف و قوی در ساختمان فعل‌های سببی، لازم و مجهول:

فعل لازم یا مجهول:

ba-rax-əst-i	می‌رهد (پ)
ba-zer-ist-i	پاره می‌شود (پ)
larz-ə	می‌لرزد (ج)
â-gard-ə	برمی‌گردد (ج)
u-gârd-a	برگشت (ش)
târs-a	ترسید (ش)

فعل سببی (فعل‌های لازم فوق به ترتیب در زیر با گردش مصوت‌های مشخص شده، واداری شده‌اند):

ba-râxn-əst-i	می‌رهاند (پ)
ba-zârn-əst-i	پاره می‌کند (پ)
lârz-âmənə	می‌لرزاند (ج)
â-gârd-ən-ə	برمی‌گرداند (ج)
u-gord-on-iša	برگرداند (ش)
tors-on-iša	ترساند (ش)

۲- ماده فعل

ماده جزئی از فعل است که در اصل با پیوستن افزونه به ریشه ساخته می‌شود، با این حال، در مواردی ریشه عین ماده است و با آن تفاوت ساختی ندارد. این امر فقط در ماده‌های مضارع و ماضی امکان‌پذیر است. البته، در ایرانی باستان هم، نمونه‌هایی از ریشه-ستاکي وجود دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۱-۱۲). ماده افعال تالشی انواع مختلفی دارد و هر ماده‌ای هم، به منظور خاصی استفاده می‌شود. در تالشی ماده‌های زیر به کار می‌رود: ماده مضارع، ماده ماضی، ماده سببی (واداری)، ماده جعلی و ماده مجهول.

۲-۱ ماده مضارع

ماده مضارع جزء ثابت فعل در ساخت‌های مضارع است. ماده مضارع در تالشی اغلب با ریشه اختلاف ساختی ندارد، با این حال، در مواردی نشانه و علامت خاصی دارد که همخوان *-n* جزء جدایی‌ناپذیر آن نشانه است. در چنین مواقعی ماده ماضی خود ریشه است. در تالشی ماده‌های مضارعی که به همخوان *-n* ختم می‌شوند، واداری نمی‌شوند. از ماده مضارع که بازمانده ماده مضارع ایرانی باستان است، فعل‌های زیر به دست می‌آیند:

تالشی شمالی: از ماده مضارع در تالشی شمالی، مضارع اخباری (در بعضی از ماده‌ها) مضارع التزامی، وجه امری، صفت فاعلی، مضارع مستمر و برخی از صفات فاعلی ساخته می‌شود. ماده مضارع در تالشی شمالی در بیشتر موارد جای خود را به ماده ماضی داده و در تعداد اندکی از افعال تمایزی بین ماده مضارع و ماده ماضی باقی مانده است، در ساخت مضارع اخباری از ماده ماضی استفاده می‌شود و بدان خاطر اغلب از فعل امر و مضارع التزامی می‌توان به ماده مضارع رسید، به عنوان نمونه مواردی از ماده مضارع که از طریق امر و مضارع التزامی قابل شناسایی است، ذکر می‌شود:

معنی	مصدر	ماضی مطلق	مضارع اخباری	مضارع التزامی	فعل امر
بردن (ش)	bârd-e	bârd-əme	ba-bârd-im	bə-ba-m	bə-ba
خوردن (ش)	hârd-e	hârd-əme	ba-hârd-əm	bə-ha-m	bə-ha
آوردن (ش)	vârd-e	vârd-əm	ba-vârd-əm	biya-m	biya
زدن (ش)	že	žâ-me	ba-ža-m	bə-žan-um	bə-žan

چنان که معلوم است در ساخت مضارع التزامی و فعل امر از ماده مضارع و در ساخت مضارع اخباری و ماضی مطلق، از ماده ماضی استفاده شده است.

تالشی پره‌سری: از ماده مضارع در تالشی پره‌سری، مضارع اخباری، مضارع التزامی نشانه‌دار، مضارع بی-نشانه، ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، آینده در گذشته، وجه امری، صفات فاعلی و برخی از صفات مفعولی ساخته می‌شود (← رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۵۲-۵۶).

تالشی جنوبی: از ماده مضارع در تالشی جنوبی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، مضارع مستمر وجه امری، صفت فاعلی و برخی از صفات فاعلی ساخته می‌شود.

۲-۲ ماده ماضی

شکل اصلی ماده‌های ماضی در تالشی از پیوستن *-t* و *-d* به آخر ریشه یا ماده‌های مضارع ساخته می‌شود. این پیوستن اغلب موجب تغییرات آوایی ریشه یا ماده مضارع نیز می‌گردد.^۱ علاوه بر ساخت فوق، شکل‌های دیگری نیز از ماده‌های ماضی وجود دارند که امروزه کاربرد بیشتری پیدا کرده‌اند. این ماده‌ها، در حقیقت شکل ثانوی یا ماده جعلی محسوب می‌شوند. از ماده ماضی که باقی‌مانده پسوند صفت مفعولی **ta* ایرانی باستان *-d* و *-t* پارتی (رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴) است، فعل‌های زیر به تفکیک گونه‌ها به دست می‌آیند:

تالشی شمالی: از ماده ماضی در تالشی شمالی ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی بعید تمنایی، ماضی التزامی، ماضی مستمر، مضارع مستمر، مضارع اخباری (در اغلب ماده‌ها)، آینده نزدیک، مصدر و صفات مفعولی ساخته می‌شود.

تالشی پره‌سری: از ماده ماضی در تالشی پره‌سری، ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی بعید تمنایی، ماضی التزامی، ماضی التزامی نشانه‌دار، ماضی مستمر، مضارع مستمر، مضارع اخباری، آینده نزدیک، مصدر و صفات مفعولی ساخته می‌شود.

تالشی جنوبی: از ماده ماضی در تالشی جنوبی، ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی بعید تمنایی، ماضی التزامی، مصدر و صفات مفعولی ساخته می‌شود.

۱- صفات فاعلی و مفعولی ایرانی باستان معمولاً از صورت ضعیف ریشه و پسوند *-ta* ساخته می‌شده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۷). ماده‌های ماضی در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، همچون ماده‌های ماضی فارسی میانه و پارتی، بازمانده‌های صفات فاعلی و مفعولی گذشته ایرانی باستان هستند. صفات فاعلی و مفعولی ایرانی باستان معمولاً از صورت ضعیف ریشه و پسوند *-ta* ساخته می‌شده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۷).

در اینجا نمونه‌هایی از ماده‌های ماضی اصلی (مختوم به -t و -d)، در تالشی که رابطه دستوری آنها هم‌چنان با ماده مضارع آنها بدون تغییر حفظ شده است^۱، ذکر می‌شود، البته، شمار این ماده‌ها در هر سه گونه محدود است.

الف) ماده‌های ماضی مختوم به -t:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
چشیدن (پ)	čašt-e	čaš	čaš-t
کاشتن (پ)	kāšt-e	kāš	kāš-t
بافتن (ش)	buft-e	buf	buf-t
نشستن (ش)	nəšte	nəš	nəš-t
نشستن (ج)	niš-t-en	niš	niš-t
کوفتن (ج)	kuft-en	kuf	kuf-t

ب) ماده‌های ماضی مختوم به -d:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
بردن (ج)	vard-ən	var	var-d
خوردن (پ)	hard-e	har	har-d
بردن (پ)	bard-e	bar	bar-d
ماندن (ش)	mānd-e	mān	mān-d
گردیدن (ش)	gārd-e	gār	gār-d

هرچند رابطه دستوری اغلب ماده‌های ماضی اصلی با ماده‌های مضارع هم‌ریشه آنها ظاهراً گسسته است، با این حال، بین این ماده‌ها نوعی رابطه برقرار است و از این نظر به صورت‌های زیر قابل طبقه‌بندی هستند:

الف) با افزودن نشانه ماضی‌ساز (-t/-d) به ماده مضارع، همخوان آخر این ماده حذف می‌شود در این صورت، ماده مضارع اغلب مختوم به -j است:

معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
نوشیدن (ج)	xənt	xənj

۱- این ماده‌ها را می‌توان به باقاعده و بی‌قاعده هم تقسیم کرد (نیز ← ذیل ماده ماضی در بخش تاتی).

henj	hent	نوشیدن (پ)
â-muj	â-mut	آموختن (م، ج)
darəj	darət	جارو کردن (م)
suɟ	sut	سوختن (م، ج)
əškâj	əškât	شکافتن (پ)
vâj	vât	گفتن (پ)
vaj	vat	باقتن (پ)

در تالشی شمالی این نوع ماده وجود ندارد.

ب) با افزودن نشانه ماضی ساز (-t و -d) به ماده مضارع، همخوان آخر و در مواردی دو همخوان آخر ماده مضارع دچار تغییرات آوایی می‌شود، در تالشی شمالی هیچ کدام از موارد این طبقه وجود ندارد.

۱- تبدیل Z- به Š-:

معنی مصدر	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
برافراشتن (ج)	da-prâšt-e	da-prâšt	da-prâz
طمع ورزیدن (پ)	xâšt-e	xâšt	xâz
پريدن (م، ج)	vašt-e	vašt	vaz

۲- تبدیل s- به Š-:

معنی مصدر	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
نگاه کردن (م، ج)	da-yešt-e	da-yešt	da-yes
پاک کردن غلات (پ)	â-višt-e	â-višt	â-vis

۳- تبدیل r- به Š-:

معنی مصدر	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
داشتن (پ)	dâšt-e	dâšt	dâr
گذشتن (پ)	gəzašt-e	gəzašt	gəzar
کاشتن (م، ج)	kâšt-e	kâšt	kâr
وزن کردن (م، ج)	pe-dâšt-e	pe-dâšt	pe-dâr
شستن (پ)	šušt-e	šušt	šur

۴- تبدیل -rz به -št:

معنی مصدر	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
گذاشتن (ج، م)	hašt-e	hašt	harz
دوختن (ج)	dešt-e	dešt	derz

۵- ماده مضارع مختوم به -z و ماده ماضی مختوم به -št است:

معنی	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
پریدن (پ)	vašt-e	vašt	vaz
تقاضا کردن (پ)	xâšt-e	xâšt	xâz
هشتن، به جا گذاشتن (پ)	hašt-e	hašt	harz
گزیدن (ج)	gašt-en	gašt	gaz
گذاشتن، اجازه دادن، (ج)	hašt-e(n)	hašt	harz

۶- ماده مضارع مختوم به -s و ماده ماضی مختوم به -št است:

معنی	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
نگاه کردن (پ)	dayešte	dayešt	dayes
نوشتن (پ)	nivište	nivišt	nivis
پاک کردن (پ)	â-vište	â-višt	â-vis
نگریستن (ج)	da-yešten	da-yešt	da-yes
نوشتن (ج)	nivišt-en	nivišt	nivis

۷- ماده مضارع مختوم به -t و ماده ماضی مختوم به -št است:

معنی	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
وزن کردن (پ)	pe-dâšte	pe-dâšt	pe-dâr
شستن (پ)	šušte	šušt	šur
کاشتن (ج)	kâšt-en	kâšt	kâr

(ج) با افزودن نشانه ماضی ساز -d و -t به ماده مضارع، تغییرات آوایی بسیاری رخ می‌دهد، چنان که نمی‌توان آنها را تحت قاعده خاصی درآورد:

معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
زاییدن (ج)	zand	zâ
گرفتن (ج، م)	gat	ge(r)
دوختن (پ)	dašt	derz
میزیدن (پ)	(da)məšt	(da)miz
بستن (پ)	bast	bend
زاییدن (پ)	zand	zi

د) ماده ماضی برخی از فعل‌ها با تغییر مصوت آخر ماده مضارع آنها به دست می‌آید: شمار این ماده‌ها بسیار محدود است:
 ۱- تبدیل a به -â/u :

معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
دادن (م، ج)	dâ/u	da
نهادن (م، ج)	nâ(u)	na
نهادن (ش)	nu	na
دادن (ش)	du	da

۲- تبدیل â به u-

معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
ساییدن (ج)	su	sâ
جویدن (ج)	ju	jâ

این نوع تبدیل ماده در تالشی پره‌سری و شمالی یافت نشد.
 ه) ماده ماضی و مضارع برخی از فعل‌ها با هم، تفاوتی ندارند، این ماده‌ها در تالشی شمالی به وفور یافت می‌شوند و در دو گونه دیگر به نسبت کمتر است:

معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
باریدن (ج)	vâr	vâr
بخشیدن (ج)	baxš	baxš
بستن (م، ج)	da-bast	da-bast

toš	toš	تراشیدن (ش)
â-səst	â-səst	ربودن (پ)
čak	čak	شکستن (ج)
mas	mas	شنیدن (ج)
vot	vot	گفتن (ش)

علاوه بر ماده‌های ماضی اصلی، ماده‌های جعلی نیز در تالشی وجود دارد که با افزودن نشانه‌هایی به آخر ماده مضارع و برخی اسم‌ها و صفت‌ها ساخته می‌شوند. اینک شواهدی از ماده‌های جعلی در گونه‌های مختلف تالشی ذکر می‌کنیم.

۱- s-: این نشانه^۱ که معمولاً با مصوت میانجی /ə/ همراه است، از وندهای پربسامد ماضی‌ساز در تالشی پره‌سری است و در دو گونه دیگر یافت نمی‌شود:

معنی مصدر	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
شکستن (پ)	čak-əst-e	čak-əst	čak
جنگیدن (پ)	jang-əst-e	jang-əst	jang
توانستن (پ)	šâ-st-e	šâ-st	šâ
ترسیدن (پ)	tars-əst-e	tars-əst	tars
خندیدن (پ)	xur-ust-e	xur-ust	xur
دانستن (پ)	zun-ust-e	zun-ust	zun

۲- i-: از این نشانه، شواهد محدودی در تالشی پره‌سری وجود دارد و در تالشی جنوبی به کار نمی‌رود، اما یکی از وندهای پرکاربرد در تالشی شمالی است:

معنی مصدر	مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع
دزدیدن (پ)	dəzi-e	dəzi	dəz
خریدن (پ)	xəri-e	xəri	xər
چیدن (ش)	čən-i-e	čən-i-e	čən
جوشاندن (ش)	gəl-ovon-iy-e	gəl-ovon-iy-e	gəl-ovon

۸- تفاوت ماده ماضی و ماده مضارع فقط در آوای پایانی نیست:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
آمدن (پ)	âme	âr	âm
زاییدن (پ)	zande	zi	zand
گرفتن (م، ج)	gate(n)	ger	gat
مردن (م، ج)	marde(n)	mer	mard
بستن (پ)	baste	bend	bast
بریدن (پ)	birde	bər	bird

۲-۳ ماده مجهول

ماده مجهول ماده‌ای است که از آن فعل مجهول درست می‌شود. فعل مجهول در تالشی پره‌سری و جنوبی ماده‌ای خاص دارد، اما در شمالی این ماده باقی نمانده است. ماده مجهول تالشی از ترکیب ماده مضارع و پسوند -i ساخته می‌شود و برای ساخت مضارع مجهول به کار می‌رود. فعل ماضی مجهول از ترکیب ماده مجهول به همراه افزونه‌های ماضی‌ساز ساخته می‌شود و برای ساخت فعل‌های مجهول ماضی به کار می‌رود.

در تالشی شمالی ماده مجهول وجود ندارد و برای ساخت فعل مجهول از فعل معین ba «شدن» استفاده می‌کنند (برای توضیح بیشتر ← فعل مجهول). از ماده مجهول در ساخت صفت مفعولی نیز استفاده می‌شود که در زیر چند نمونه ذکر می‌شود:

معنی	جنوبی	پره‌سری
گرفته شده	gir-i-yya	ger-ista
کنده شده	kan-i-yya	kan-ista

در تالشی علاوه بر ساخت مجهول از ماده مجهول، از سوم شخص جمع فعل مضارع معلوم نیز برای ساخت مجهول استفاده می‌شود که شرح آن در ذیل «فعل مجهول» آمده است.

ماده مجهول همه فعل‌ها در تالشی به کار نمی‌رود. تعداد قابل ملاحظه‌ای از ماده مجهول تالشی وجود دارد که از دیرباز وجود داشته‌اند و امروزه نیز به کار می‌روند، اما ماده مجهول زایایی خود را از دست داده است، یعنی همان تعداد ثابت ماده‌های مجهول به حیات خود ادامه می‌دهند و ماده مجهول تازه‌ای ساخته نمی‌شود. در کنار این روش مجهول کردن، روش‌های دیگری نیز به کار می‌رود، که ذیل فعل مجهول آمده است. اینک چند نمونه از فعل‌های با ماده مجهول:

فعل مضارع مجهول:

gir-iiy-ə	گرفته می‌شود (ج)
pat-iiy-ə	پخته می‌شود (ج)
ba-pej-ist-i	پخته می‌شود (پ)
pera-zar-i	پاره شود (پ)
pera-zar-ist	پاره می‌شود (پ)

فعل ماضی مجهول:

kan-ist-a	کنده شد (پ)
pej-ist-a	پخته شد (پ)
pat-iiy-a	پخته شد (ج)
kan-iiy-a	کنده شد (ج)

از ماده مجهول در ساخت صفت مفعولی مجهول نیز استفاده می‌شود که در زیر چند نمونه ذکر می‌شود:

صفت مفعولی مجهول:

kan-ista	کنده شده (پ)	ger-ista	گرفته شده (پ)
kan-iiya	کنده شده (ج)	gir-iiya	گرفته شده (ج)

۲-۴ ماده جعلی

منظور از جعلی در اینجا همه ماده‌هایی است که ماده ماضی‌شان در کنار ماده‌های مختوم به -d و -t به دیگر وندهای ماده‌ساز ختم شده‌اند. ماده ماضی جعلی، دو نشانه عمده دارد: -i و -st، نشانه دوم در تالشی، ضمن آن که کاربرد گسترده‌تری دارد، بیشتر با مصوت‌های میانجی: -a, -ə, -i, -u همراه است که بین ریشه یا ماده مضارع و افزونه ماده‌ساز قرار می‌گیرند. در هر سه گونه تالشی ماده جعلی وجود دارد و بسیار پرکاربرد است، این ماده از اسم یا صفت ساخته می‌شود:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی
دزدیدن (پ)	dəzdie	dəzd	dəzd-i
ترسیدن (پ)	tars-əst-ə	tars	tars-est
جنگیدن (ج)	jang-en	jang	jang

۲-۵ ماده سببی (واداری)

فعل سببی در تالشی به روش‌های زیر به دست می‌آید: الف- گردش مصوت، ب- افزودن وند سببی.
(۱) - روش اول، گردش مصوت:

در تالشی در مواردی، از طریق گردش مصوت، فعل واداری می‌شود. در پره‌سری و جنوبی در ریشه ضعیف مصوت -a- به کار می‌رود و در ریشه قوی مصوت -â-، در شمالی ریشه ضعیف مصوت -â- و ریشه قوی مصوت -o- دارد.

(۲) - روش دوم، افزودن وندهای -n-، -ən-، -âmən-، -ovon- و -âv(ə)n- به ماده فعل:
از وندهای ذکر شده -ən- و -n- با ریشه قوی و -âmən- و -âvən- و -ovon- با ریشه ضعیف به کار می‌روند.
مثال‌های روش اول (گردش مصوت برای ساخت فعل سببی):

فعل سببی	فعل لازم
â-râs-ən-ə می‌رساند	â-ras-ə می‌رسد (ج)
ba-l'ârz-ən-əst-i می‌لرزاند	ba-l'arz-əst-i می‌لرزد (پ)
tors-on-iye ترسانیدن	târs-e ترسیدن (ش)

مثال‌های روش دوم (افزودن وند سببی):

الف) ریشه قوی + -n- (پره‌سری)، -ən- (جنوبی) و -n(o)- (شمالی):

معنی لازم	مصدر لازم	معنی سببی	مصدر سببی
چشیدن (پ)	čaš-t-e	چشانیدن	čâš-n-əst-e
خاریدن (پ)	xər-ist-e	خارانیدن	xâr-n-əst-e
رسیدن (ج)	ras-e	رسانیدن	e-â-râs-ən-d
برگشتن (ج)	â-gard-e	برگرداندن	â-gârd-ən-d-ə
چشیدن (ش)	čašte	چشانیدن	čošt-on-iye
رهیدن (ش)	raxe	رهاندن	rox-n- iye
ترسیدن (ش)	tarse	ترساندن	tors-on-iye

ب) ریشه ضعیف + -âvn- (پره‌سری)، -âmənd- (جنوبی) و -ovon- (شمالی):

معنی لازم	مصدر لازم	معنی سببی	مصدر سببی
جوشیدن (پ)	gəl-əst-e	جوشانیدن	gəl-âvn-əst-e

xur-âvn-est-e	خندانیدن	xur-ust-e	خندیدن (پ)
gəl-âman-d-e	جوشانیدن	gəl-en	جوشیدن (ج)
â-râs-âman-d-en	رسانیدن	â-ras-en	رسیدن (ج)
hət-ovon-ye	خوابانیدن	hət-e	خوابیدن (ش)
diž-ovon- iye	به درد آوردن	diž-e	درد کردن (ش)
gəl-ovon-ye	جوشاندن	gəl-e	جوشیدن (ش)

همان‌طور که از جدول برمی‌آید، هر سه وند سببی در اصل یکی بوده‌اند و کارکردشان نیز یکی است. با گردش مصوت در فعل سببی، گاهی تغییرات آوایی نیز صورت می‌گیرد:

فعل لازم	فعل سببی
ji-vašt-en	ji-vâz-en-den
فرار کردن، جهیدن (ج)	فراری داددن، جهاندن (ج)
ba-vašt-i	ba-vâz-n-əst-i
می‌جهد (پ)	می‌جهاند (پ)

درباره ماده سببی این نکته قابل ذکر است که کاربرد هریک از دو روش فوق سماعتی است و دارای قاعده خاصی نیست، تعداد فعل‌هایی که با گردش مصوت سببی می‌شوند در جنوبی بسیار کم، در پره‌سری بیشتر از جنوبی و در شمالی فراوان است. از وند سببی (-âvən-, -âman-) در تالشی جنوبی و پره‌سری کمتر استفاده می‌شود.

۳- مصدر

مصدر در گویش تالشی با افزودن نشانه مصدری e(n) به آخر ماده ماضی و در برخی موارد به ریشه افعال به دست می‌آید (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۵۶). علامت مصدری در پره‌سری: e- در جنوبی e(n)- و در شمالی e- است:

معنی	مصدر	علامت مصدری	ماده ماضی
خوردن (پ)	harde	-e	hard
خندیدن (پ)	xuruste	-e	xur-ust
رفتن (پ)	še	-e	š
لرزیدن (ج)	larzen	-en	larz
دیدن (ج)	vinden	-en	vind
برگردانیدن (ج)	â-gard-âmende	-e	â-gard-âmend
ترسیدن (ش)	târse	-e	târs
باز کردن (ش)	u-kârde	-e	u-kârd

ساختمان مصدر

مصدر از نظر ساختمان در تالشی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱-۳ مصدر ساده

مصدرهایی ساده‌اند که از ماده ماضی و علامت مصدری ساخته شده‌اند و عنصر دیگری در ترکیب آنها یافت نمی‌شود. در تالشی تعداد این مصادر اندک است و تقریباً به ۲۰۰ (دویست) مصدر ساده می‌رسد (نک. رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۵: بخش مصدرهای ساده):

معنی	مصدر
خوردن (پ)	hard-e
جویدن (پ)	ju-e
رشتن (پ)	rəšt-e
بریدن (ج)	bərd-en
یارستن (ج)	yār-e
دادن (ش)	du-e
بردن (ش)	bārd-e

۲-۳ مصدر پیشوندی

مصدرهای پیشوندی از ماده ماضی و یک پیشوند فعلی همراه با علامت مصدری ساخته می‌شوند. انواع پیشوندهای مصدری یا فعلی در جدول زیر آمده است (نیز نک. بخش «پیشوندهای فعلی» که در آنجا معنا، حوزه جغرافیایی، طریقه و کمیت کاربرد هر یک از پیشوندها آمده است). در زیر چند فعل پیشوندی آمده است:

معنی	مصدر پیشوندی
از ته بریدن (ج)	ji-get-e
باز کردن (ش)	u-kārd-e
برداشتن (ش)	pe-gāt-e
برداشتن (پ)	pe-gat-e
برگرفتن (ج)	ba-get-e
بیرون بردن (ش)	ba-bārd-e
جداکردن، نگه داشتن (پ)	â-gat-e
روی چیزی کشیدن (مثلاً چادر را) (ج)	da-get-e
گرفتن، خریدن (پ)	vi-gat-e

۳-۳ مصدر ترکیبی

مصدرهای ترکیبی تالشی از ترکیب اسم، صفت یا قید، با شکل ساده و یا پیشوندی بعضی از مصدرها، نظیر kard-e(n) (کردن)، b-e(n) (شدن)، du-e(n) (دادن)، ž-e(n) (زدن)، gat-e(n) (گرفتن)، š-e(n) (رفتن)، و ... ساخته می‌شوند^۱:

مصدر	پره‌سری	جنوبی	شمالی
دور انداختن	fer a-du-e	fər a-du-en	šə du-e
رها کردن	var â-du-e	sar â-du-en	vâ du-e
سر در آوردن	sar bar kard-e	sar ba kard-en	sa ba kârd-e
قه‌ر کردن	tar kard-e	qar kard-e	tâ kârd-e
آتش زدن	ârâ ž-e	vaš žand-en	utaš ža-e
یاد گرفتن	yâd gat-ə	yâd get-en	yod gat-e
بزرگ شدن	yâl â-b-e	pilla â-b-en	yul b-e
گرم شدن	tat â-b-e	garm â-b-en	tât b-e

وندهای تصریفی و اشتقاقی فعل

وندهای فعل در دو دسته پیشوند و پسوند قابل تقسیم‌اند. هر کدام از اینها خود به دو دسته تصریفی و اشتقاقی تقسیم می‌شوند. در زیر نخست پیشوندهای فعل آنگاه پسوندها ذکر خواهند شد.

۴ - پیشوندهای فعل:

پیشوندهای فعلی را می‌توان به دو دسته پیشوندهای تصریفی و پیشوندهای اشتقاقی تقسیم کرد:

۴-۱ پیشوندهای تصریفی:

پیشوندهای تصریفی فعل تالشی عبارت‌اند از: وند وجه، وند نمود، وند نفی. در زیر هر یک از وندها به صورت جداگانه همراه با مثال‌هایی ذکر می‌گردند. در اینجا سعی شده، همانند تاتی، حتی‌المقدور وندها از نظر پیشوند یا پسوند بودن دسته‌بندی شوند، اما همیشه این میسر نشده است. چون وندی مثل وند نفی در تالشی هم پیشوند محسوب می‌شود و هم پسوند، یعنی هم در آغاز فعل و هم در آخر فعل ظهور می‌کند. بنابراین دسته‌بندی وندها فقط برای حفظ شکل کلی و غالب دست‌نویسی است، تا بتوان آن را در جای خود یافت.

۱ - برای یک‌دستی در نمونه‌ها، این چند مصدر مرکب از پایان‌نامه پورشقی نقل شده است (← پورشقی، ۱۳۸۵: ۵۰-۵۲).

ba-xəs-əm	بخوابم (ج)	مضارع التزامی	
ba-nəš um	بنشینم (ش)	ماضی التزامی	
ba-hət-un	بخوابند (ش)	مضارع التزامی	
ba-xəs	بخواب (م، ج)	فعل امر	فعل امر
ma-xəs	مخواب (م، ج)	فعل نهی	
ba-hət	بخواب (ش)	فعل امر	
bi-čin	بچین (امر)	فعل امر	

در تالشی وقتی وند وجه امری بر سر فعلی می‌آید، وند وجه اخباری ba- دیگر ظهور نمی‌کند:

ma-xur	نخند (پ)
ma-xəs	نخواب (پ)
bu-xur	بخند (پ)

وند وجه اخباری، امری، تمنایی و التزامی وقتی استفاده می‌شود که فعل پیشوندی نباشد، در صورت پیشوندی بودن، خود پیشوند فعل، جانشین وند وجه می‌شود:

vi-ma-gat	می‌گیرم (پ)
vi-ni-ma-gat	نمی‌گیرم (پ)
vi-ger-un	بگیرند (پ)
vi-ger-â-š	اگر بگیری (پ)
pe-šun-a	پاشید (پ)
pi-ger-an	بردارید (ج)
ba-ka(>bar-kar)	بیرون کن (ج)
pe-gat-an	بردارید (ش)
a-gən-amun	بیافتیم (ش)

۴-۱-۲ وند نمود

در بخش نمود فعل، درباره نمود بحث شده است در این قسمت فقط به وند نمود اشاره می‌شود. فعل‌های تالشی دارای دو نمود اصلی (ساده و مستمر) و دو نمود فرعی (تأکیدی و آغازی) هستند. نمود ساده و آغازی در تالشی وند یا نشانه خاصی ندارند (برای نمود ساده و آغازی نک. بخش‌های ۷-۱ و ۷-۴).

۴-۱-۲-۱ وند نمود مستمر

در تالشی پره‌سری نمود مستمر دارای وندهای $kâ-$ و $a-$ است. وند $kâ-$ همراه ماضی مستمر و مضارع مستمر، آینده نزدیک و آینده در گذشته، می‌آید. وندهای $a-$ و $i-$ با افعال ماضی استمراری و $e-$ و $i-$ با ماضی استمراری تمنایی به کار می‌رود. در جنوبی وند مستمر $kəra-$ همراه ماضی استمراری می‌آید و ماضی مستمر می‌سازد و همراه مضارع اخباری به کار می‌رود و مضارع مستمر می‌سازد.

در شمالی وند مستمر $-ina/-n-$ وقتی همراه ماضی بعید به کار می‌رود، ماضی مستمر می‌سازد و وقتی با ماده مضارع به کار می‌رود، مضارع مستمر می‌سازد. و نشانه $a-$ و $i-$ در ماضی استمراری وند استمرار است. به طور خلاصه در جدول زیر وندهای مستمر سه گونه تالشی ذکر شده‌اند:

پره‌سری	جنوبی	شمالی
$kâ-$	$kəra-$	$-ina-$
$a- + i- / -e$	$i-$	$a- + i-$

در جدول زیر علامت --- نشان دهنده آن است که در آن ساخت، وند نمود مورد نظر وجود ندارد:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
می‌خوابیدیم	$a-xəs-i-mun$	$xəs-i-mun$	$a-xəs-i-mun$
اگر برمی‌داشتند	$per-a-ger-e-n$	$pi-ger-i-mun$	$pe-a-gat-i-n$
دارم می‌نشینم	$kâr-ima nəšte$	$kəra niš-əm$	$nəšt-ina-m$
داشتم می‌نشستم	$kâ(r) b-im nəšte$	$kəra niš-im$	$nəšt-ina b-im$
می‌خواستم خفت ^۱	$kâ â-xəs-im$	-----	-----

۴-۱-۲-۲ وند نمود تأکیدی

افزونه‌های $-â$ ، $-ey$ ، $-(y)e$ ، $-ay$ و $-n$ در تالشی نمودنمای تأکیدی است.

پره‌سری:

نمودنمای $-en$ و $-ey$ در آخر فعل‌های وجه اخباری و بعضی از فعل‌های وجه امری ظاهر می‌شوند و مفهوم تأکید را به فعل می‌افزایند:

وجه اخباری	رسیده بودما (رسیده بودم ها) (پ)	$â-rasta b-im-ey$
وجه اخباری	می‌دانی یا (می‌دانی ها) (پ)	$ba-zunust-iš-ey$
وجه اخباری	زدما (زدم ها) (پ)	$ba-ža-m-ay$
وجه اخباری	نمی‌شود از این کارها دست برداری. (پ)	$niyab(en) əm kârân kâ das kašde.$

۱ - برای توضیح بیشتر درباره این زمان و نحوه ترجمه آن به فارسی ← رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۸۴.

bə-š-ən	بروآ (بروی ها) (پ)	وجه امری
ma-vâj-ən	نگوا (نگویی ها) (پ)	وجه امری

جنوبی:

در جنوبی نشانه (y)e- در آخر بعضی از فعل های مضارع اخباری، مضارع التزامی و امری می آید و تأکید را القاء می کند:

niš-əm-e	می نشینما (می نشینم ها) (پ)	وجه اخباری
žan-a-ye	می زندآ (می زند ها) (ج)	وجه اخباری
bə-ši-ye	بروآ (بروی ها) (ج)	وجه امری
ma-tarsi-ye	نترسی یا (نترسی ها) (ج)	وجه امری
pi-ma-geri-ye	برنداری یا (برنداری ها) (ج)	وجه امری

شمالی:

نشانه â- در آخر فعل های وجه اخباری و امری در گونه شمالی، تأکید را می رساند:

شکل تأکیدی	شکل بدون تأکید	فعل
bə-stan-iš-â	bə-stan	بگیری یا (بگیری ها)
bə-š-iš-â	bə-šə	بروی یا (بروی ها)
ma-tars-iš-â	ma-tars	نترسی یا (نترسی ها)

در گونه پره سری نشانه -ən فقط در برخی از فعل های وجه امری ظاهر می شود و محتمل است تحت تأثیر فعل هایی باشد که ماده مضارع آنها مختوم به n- است (دو گونه دیگر چنین ساختی ندارند. در این باره ← ذیل «نمود تأکیدی» در تاتی و نیز فعل امر تاتی، چند نکته کلی، نکته ۴):

bə-š-ən	برو (پ)
pe-gir-ən	بردار (پ)
ma-š-ən	نرو (پ)
vi-ma-š-ən	نرو پایین (پ)

شکل تأکیدی با ay- و نیز شکل بدون تأکید فعل za-en (زدن) در جدول زیر می آید:

پره سری:

معنی	بدون تأکید	تأکید با ay-
می زنم / می زنم ها	ba-ža-m	ba-ža-m-ay
می زنی / می زنی ها	ba-ža-š	ba-ža-š-ay

ba-ža-y-ay	ba-ža-y	می‌زند/ می‌زند ها
ba-ža-mun-ay	ba-ža-mun	می‌زنیم/ می‌زنیم ها
ba-ža-run-ay	ba-ža-run	می‌زنید/ می‌زنید ها
ba-žan-ay	ba-žan	می‌زنند/ می‌زنند ها

جنوبی:

معنی	بدون تأکید	تأکید با (y)e -
می‌زنم/ می‌زنم ها	žan-əm	žan-əm-e
می‌زنی/ می‌زنی ها	žan-i	žan-i-ye
می‌زند/ می‌زند ها	žan-ə	žan-ə-ye
می‌زنیم/ می‌زنیم ها	žan-am	žan-am-e
می‌زنید/ می‌زنید ها	žan-an	žan-an-e
می‌زنند/ می‌زنند ها	žan-ən	žan-ən-e

شمالی:

معنی	بدون تأکید	تأکید با â -
می‌زنم/ می‌زنم ها	žan-am	žan-am-â
می‌زنی/ می‌زنی ها	žan-aš	žan-aš-â
می‌زند/ می‌زند ها	žan-y	žan-y-â
می‌زنیم/ می‌زنیم ها	žan-amun	žan-amun-â
می‌زنید/ می‌زنید ها	žan-an	žan-an-â
می‌زنند/ می‌زنند ها	žan-an	žan-an-â

در فعل امر نیز شکل تأکیدی وجود دارد، بدین صورت که بعد از فعل امر اگر شناسه افعال التزامی بیاید، متضمن تأکید بیشتری است، این شکل شناسه‌دار در اصل همان مضارع التزامی (بی‌نشانه) است که در این بافت معنی تأکید به امر می‌افزاید. شکل تأکیدی امر و نهی فعل nəšt-en «نشستن» در جدول زیر آمده است:

معنی فعل	فعل امر		فعل نهی	
	با شناسه التزامی	بدون شناسه	با شناسه التزامی	بدون شناسه
بنشین/ منشین (پ)	bə-nəš -â-š	bə-nəš	ma-nəš-â-š	ma-nəš

ma-nəš-a	ma-nəš-â--run	bə-nəš-a	bə-nəš-â-run	بنشینید/منشینید (پ)
ma-nəšt	ma-nəšt-uš	bə-nəšt	bə-nəšt-uš	بنشین / منشین (ش)
ma-nəšt-an	ma-nəšt-un	bə-nəšt-an	bə-nəšt-un	بنشینید/منشینید (ش)
ma-niš	ma-niš-š	bə-niš	bə-niš-iš	بنشین / منشین (ج)

۴-۳-۱ وند نفی

وند نفی در هر یک از گونه‌های سه‌گانه به طور جداگانه در زیر آمده است.

تالشی پره‌سری: وندهای نفی در تالشی پره‌سری عبارت‌اند از: n (و نیز m, n, ni) و m- (و ma-). وند نفی n- برای منفی کردن افعالی به کار می‌رود که با مصوت شروع شده باشند، چون فعل‌های ماضی استمراری، آینده در گذشته و ماضی استمراری تمنایی با مصوت a- شروع می‌شوند، بنابراین با وند نفی n- منفی می‌شوند. وند m(a)- نیز برای فعل نهی و التزامی به کار می‌رود. وندهای نفی تالشی پره‌سری به شرح زیر همراه مثال‌هایی می‌آیند:

گونه na- فقط برای منفی کردن ماضی بعید تمنایی به کار می‌رود:

na-b-e-m xəta	ماضی بعید تمنایی	نمی‌خواهییده بودم
vinda-m na-be	ماضی بعید تمنایی	نمی‌دیدم بودم

وند نفی n- برای منفی کردن فعل‌های ماضی استمراری، آینده در گذشته و ماضی استمراری تمنایی به کار می‌رود:

n-a-mer-e-š	ماضی استمراری تمنایی	اگر نمی‌مردی (پ)
n-a-vin-i-š	ماضی استمراری	نمی‌دیددی (پ)
n-a-xəs-im	ماضی استمراری	نمی‌خواهییدم (پ)
kâ-n-a-xəs-im	آینده در گذشته	نمی‌خواستم خفت (پ)

وند ni- برای منفی کردن فعل‌های مضارع اخباری، آینده نزدیک، ماضی نقلی و مضارع مستمر به کار می‌رود:

ni-ma-zun-ust	مضارع اخباری	نمی‌دانم
kâ ni-ma-š	آینده نزدیک	نمی‌خواهم بروم
xəta ni-ma	ماضی نقلی	نخواهییده‌ام
kâ ni-ma-še	مضارع مستمر	دارم نمی‌روم

وند نفی na- برای دیگر افعال یعنی: مضارع التزامی نشانه‌دار، مضارع التزامی بی‌نشانه، ماضی ساده، ماضی بعید، ماضی تمنایی، ماضی التزامی بی‌نشانه، ماضی مستمر و مصادر به کار می‌رود:

âma nə-b-â-m	نیامده باشم	ماضی التزامی نشانه‌دار
âma nə b-um	نیامده باشم	ماضی التزامی بی‌نشانه
nə-vât-əm	نگفتم	ماضی ساده
âma nə-b-im-	نیامده بودم	ماضی بعید
kâ nə-b-im-âme	داشتم نمی‌آمدم	ماضی مستمر
nə-vât-e	نگفتم	مصدر

وند نفی m(a)- فقط برای فعل امر و مضارع التزامی نشانه‌دار به کار می‌رود:

ma-vâj	نگو	فعل امر
ma-vâj-â-š	نگویی، نگو	مضارع التزامی نشانه‌دار

در فعل‌هایی که دارای وند^۱-(v) b هستند، وند نفی جایگزین وند تصریفی می‌شود:

ni-ma-zunust	نمی‌دانم (پ)
ni-ma-pist	نمی‌خواهم (پ)

در افعال پیشوندی وند نفی بعد از پیشوند قرار می‌گیرد:

vi-ni-ma-gat	نمی‌گیرم (پ)
pe-ni-ma-gat	برنمی‌دارم (پ)

تالشی جنوبی: وندهای نفی در تالشی جنوبی عبارت‌اند از: n- (و نیز ni- nə) و m- (و نیز ma-). وند نفی-nə برای منفی کردن افعال ماضی ساده، ماضی نقلی، مضارع اخباری و مصدر به کار می‌رود. وند m(a)- نیز برای فعل نهی و التزامی و فعل‌های ماضی استمراری تمنایی و ماضی بعید تمنایی به کار می‌رود. وند نفی ni- برای منفی کردن افعال ماضی بعید به کار می‌رود. وند نفی nə- برای منفی کردن ماضی استمراری، مضارع مستمر، ماضی مستمر و گاهی هم، مضارع اخباری به کار می‌رود. وندهای نفی تالشی جنوبی در زیر همراه مثال‌هایی آمده‌اند:

ساخت	معنی	وند نفی
ماضی ساده	ننشستم	ne-ništ-im-a
ماضی نقلی	ننشسته‌ام	ne-nəštay-ma
مضارع اخباری	نمی‌نشینم	ne-niš-əm

۱ - همان‌طور که گذشت، منظور از v-(v) b این است که بعد از وند تصریفی b- هر واژه‌ای می‌تواند بیاید، و علت /یتالیک نوشتن v یا (vowel) این است که با همخوان /v/ مشتبه نشود.

ne-niš-en	ننشستن	مصدر
ništa ni-mâ	ننشسته بودم	ماضی بعید
ne-niš-im	نمی‌نشستم	ماضی استمراری
kəra ne-nəš-im	داشتم نمی‌نشستم	ماضی مستمر
ne niš-əm	نمی‌نشینم	مضارع اخباری
kəra ne-niš-əm	دارم نمی‌نشینم	مضارع مستمر
ma-niš-im	اگر نمی‌نشستم	ماضی استمراری تمنایی
ništa ma-b-i-m	اگر نمی‌نشسته بودم	ماضی بعید تمنایی
ništa ma-bu-m	ننشسته باشم	ماضی التزامی
ma-niš-əm	ننشینم	مضارع التزامی
ma-niš	ننشین	نهی

در فعل‌هایی که دارای وند $b(ɪ)$ هستند، وند نفی جایگزین وند تصریفی می‌شود:

ništa-ma b-um	ننشسته باشم (ج)	ništa bə-bu-m	ننشسته باشم (ج)
ma-vâ	بگو (ج)	bə-vâ	نگو (ج)

در افعال پیشوندی وند نفی بعد از پیشوند قرار می‌گیرد:

pi-ne-ger-əm	بر نمی‌دارم (ج)
pi-ma-ger-im	اگر بر نمی‌داشتم (ج)

تالشی شمالی: وندهای نفی در تالشی شمالی عبارت‌اند از: $n-$ (نیز $na-$ ، $nə-$ و $ni-$) و $m-$ (و نیز $ma-$).

وند نفی- n برای منفی کردن افعالی به کار می‌رود که با مصوت شروع شده باشند، چون فعل‌های ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنایی با مصوت شروع می‌شوند، بنابراین با وند نفی $n-$ منفی می‌شوند. وندهای نفی تالشی شمالی در زیر همراه مثال‌هایی آمده است: گونه $ma-$ فقط برای منفی کردن فعل امر به کار می‌رود، گونه $m-$ با افعالی به کار می‌رود که با مصوت شروع شده‌اند:

ma-vot	نگو	فعل امر منفی (نهی)
ma-bər	نبر	فعل امر منفی (نهی)
m-âšmâr	نشمار	فعل امر منفی (نهی)

وند نفی-*n* برای منفی کردن فعل‌های ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنایی به کار می‌رود، چون این فعل‌ها با وند-*a* آغاز می‌شوند:

<i>n-a-pât-im</i>	ماضی استمراری تمنایی	اگر نمی‌بختم
<i>n-a-hând-in</i>	ماضی استمراری تمنایی	اگر نمی‌خواندید
<i>pe-n-a-gat-im</i>	ماضی استمراری	بر نمی‌داشتم
<i>n-a-vot-im</i>	ماضی استمراری	نمی‌گفتم

وند *ni-* برای منفی کردن فعل‌های مضارع اخباری، ماضی نقلی، ماضی مستمر و مضارع مستمر به کار می‌رود.

<i>ši-na-ni-m</i>	مضارع مستمر	نمی‌روم
<i>du-na-ni</i>	مضارع مستمر	نمی‌دهد
<i>varra ni ba-žay</i>	مضارع اخباری	داد نمی‌زند
<i>ša ni-m</i>	ماضی نقلی	نرفته‌ام

وند نفی *nə-* برای منفی کردن دیگر افعال به کار می‌رود:

<i>nəšta nə-bu-m</i>	ماضی التزامی	نشسته نباشم
<i>nə-nəšt-im</i>	ماضی ساده	ننشستم
<i>bârda-š nə bə</i>	ماضی بعید	نبرده بود
<i>nə-bim pe-gât-ina</i>	ماضی مستمر	داشتم بر نمی‌داشتم
<i>vota nə-bu m</i>	ماضی بعید تمنایی	اگر نگفته بودم
<i>nə-vât-e</i>	مصدر	نگفتن

در فعل‌هایی که دارای وند *b (v)* هستند، وند نفی جایگزین وند تصریفی می‌شود:

<i>nə-nəšt-im</i>	ننشستم
<i>ne-nəšt-imun</i>	ننشستیم
<i>nəšta nə-bumun</i>	اگر نمی‌نشسته بودیم

در افعال پیشوندی وند نفی بعد از پیشوند قرار می‌گیرد:

<i>u-ma-gârd-on</i>	برنگردان
<i>a-ma-gân</i>	نیفت

۲-۴ پیشوندهای اشتقاقی

از پیشوندهای اشتقاقی فعل، فقط پیشوندهای فعلی یا مصدری در تالشی قابل ذکرند.

۴-۲-۱ پیشوندهای فعلی

پیشوندهای فعلی تالشی عبارت‌اند از:

â-, ji-, ba(r)-, da-, vi-, pe/pi-

پره‌سری و جنوبی:

pe-, da-, a-, u-, bə-

شمالی:

هم‌چنان که در جدول آمده‌است، در شمالی تعداد پنج پیشوند وجود دارد و در دو گونه دیگر شش پیشوند و پیشوندهای شمالی با دو گونه دیگر تفاوت اندکی دارد. برای تمایز پیشوند از غیر پیشوند در تالشی سه روش وجود دارد:

الف) منفی کردن، ب) ساختن فعل امر از آن فعل، ج) ساختن فعل مضارع التزامی از آن.

الف) آوردن وند نفی بر سرمصدر یا بر سر فعل‌های ماضی ساده یا مضارع اخباری. اگر فعل پیشوندی باشد وند نفی بعد از پیشوند، در غیر این صورت قبل از آن قرار می‌گیرد.

ب) ساختن فعل امر از آن فعل، یعنی اگر پیشوندی باشد وند تصریفی امر-(v) b جای خود را به پیشوند فعلی می‌دهند و اگر ساده باشد، وند تصریفی امر-(v) b بر سر آن ظاهر می‌شود.

ج) ساختن فعل مضارع التزامی از آن. اگر فعل پیشوندی باشد، دیگر لازم نیست در مضارع التزامی وند التزامی -(v) b به آن اضافه شود. آمدن وند التزامی به این معنی است که فعل ساده است. در زیر چند فعل ساده و پیشوندی در سه گونه تالشی کنار همدیگر صرف شده‌اند، تا تفاوت‌شان معلوم گردد:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
a-na-gat-əme	pe-ne-get-ma	pe-na-gat-əm	پیشوندی برندا شتم
pe-na-šə	pe-ne-š-im-a	pe-na-š-im	پیشوندی بالا نرفتم
a-na-gat-e	vi-ne-get-en	vi-ma-gat-e	پیشوندی نگرفتن
u-ma-ka	â-ma-ka	â-ma-ka	پیشوندی باز نکن
pe-ma-gat	vi-ma-ge	vi-ma-ge	پیشوندی برندار
na-hət-immune	ne-xət-imun	na-xət-imun	ساده نخواهیدیم
na-našt-en	ne-ništen	na-našt-e	ساده ننشستن
ma-žan	ma-žan	ma-žan	ساده مزین
pe-gat-um	pi-ger-əm	pe-ger-â-m	پیشوندی بردارم

همان‌طور که پیداست، همیشه وند نفی فعل ساده در آغاز آن می‌آید ولی وند نفی فعل پیشوندی بعد از پیشوند می‌آید، پیشوند امر فعل ساده -(v) b، ولی پیشوند امر فعل پیشوندی، خود پیشوند است. در فعل مضارع التزامی، خود پیشوند فعلی به جای وند التزامی -(v) b می‌نشیند.

پیشوندهای فعلی در اصل پیش‌فعل‌هایی بوده‌اند که بر جهت انجام کار دلالت می‌کرده‌اند، اما امروزه در مواردی معنای اصطلاحی به فعل بعد از خود می‌افزایند و معنای خود را تقریباً از دست داده‌اند. بیشتر فعل‌های ساده این توانایی را دارند که با پیشوندهای مختلف به کار روند. به عنوان مثال در تالشی پره‌سری kard-e (کردن) با پیشوندهای شش‌گانه به کار می‌رود:

فعل کردن kard-e(n) در گونه‌های سه‌گانه تالشی با پیشوندهای مختلف آمده است:

پیشوند	معنی فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
â-	باز کردن	kard-eâ-	kard-eâ-	u-kard-e
pe-	بلند و بیدار کردن	pe-kard-e	pe-kard-e	pe-kârd-e
bar-	بیرون کردن	bar-kard-e	ba-kard-e	be-kârd-e
vi-	ریختن	vi-kard-e	vi-kard-e	a-kârd-e
da-	پوشیدن	da-kard-e	da-kard-e	da-kârd-e
ji-	پهن کردن	ji-kard-e	ji-kard-e	-----

فعل گرفتن gat-e(n) در گونه‌های سه‌گانه تالشی با پیشوندهای مختلف آمده است:

پیشوند	معنی فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
â-	گرفتن، جدا کردن	-gat-eâ	â-gat-e	u-gat-e
pe-	گرفتن، برداشتن	pe-gat-e	pe-get-e	pe-gat-e
ba(r)-/be-	بیرون کشیدن	bar-gat-e	bar-get-e	be-gat-e
vi-	خریدن، گرفتن	vi-ga-e	vi-get-e	a-gat-e
ji-	زیر گرفتن، از زیر گرفتن	ji-gat-e	ji-get-e	-----
da-	انداختن، به سر کشیدن	da-gat-e	da-get-e	da-at-e

معنای پیشوندهای تالشی:

پیشوندهای â- و u- معنی «حرکت به سوی مخاطب» به فعل می‌افزایند^۱:

â-gard-e	برگشتن (پ)
â-gard-en	برگشتن (ج)
u-gard-e	برگشتن (ش)

۱ - قس. «آوردن»، «آمدن»، و «آراستن» در زبان فارسی (نیز ← ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۲۴).

پیشوند **pe-** معنای «بالا» به فعل می‌افزاید:

pe-gat-e	بلند و بیدار کردن (پ)
pe-gat-en	برداشتن (ج)
pe-gat-e	برداشتن (ش)

در گونه جنوبی این پیشوند گاهی تحت تأثیر واژه ماده فعل بعد از خود به **-pi-** تبدیل می‌شود:

pi-get-əm(a)	برداشتن (ج)
pi-čind-əša	جمع کرد (ج)

پیشوند **ba(r)-/be-** معنی «بیرون» به فعل بعد از خود می‌افزاید:

bar-kard-e	بیرون کردن (پ)
ba-kard-en	بیرون کردن (ج)
be-kârd-e	بیرون کردن (ش)

پیشوندهای **vi-** و **a-** معنی «پایین» به فعل می‌افزایند:

vi-kard-e	ریختن (پ)
vi-kard-en	ریختن (ج)
a-kârd-e	ریختن (ش)

پیشوند **ji-** معنی «زیر» به فعل می‌افزاید:

ji-kard-e	پهن کردن به زیر انداختن (پ)
ji-kard-en	پهن کردن به زیر انداختن (ج)

پیشوند **da-** معنی «درون و داخل» به فعل اضافه می‌کند:

da-kard-e	به تن کردن (پ)
da-kard-en	به تن کردن (ج)
da-kârd-e	به تن کردن (ش)

بیشتر فعل‌ها با پیشوندهای متعددی به کار می‌روند. پیشوندهای فعلی تالشی پره‌سری، شمالی و جنوبی کمی با هم، تفاوت دارند، محدوده جغرافیایی کاربرد پیشوندهای سه گونه تالشی در جدول زیر مشخص شده است:

پره‌سری	جنوبی	شمالی
â-	â-	u-
pe-	pe-/ pi-	pe-
vi-	vi-	a-
da-	da-	da-
bar-	ba-	be-
ji-	ji-	-----

همان‌طور که در جدول آمده‌است، دو پیشوند u- و a- مختص شمالی‌اند، به عبارتی دیگر u- در شمالی همان â- در پره‌سری و جنوبی است، و a- در شمالی همان vi- در پره‌سری و جنوبی است. به جای پیشوند bar- پره‌سری و ba- جنوبی، در شمالی از be- استفاده می‌شود. با توجه به توضیحات فوق، در سه گونه مورد نظر، افعالی یافت می‌شوند که در جنوبی و پره‌سری، پیشوندی یکسان دارند، اما در تالشی شمالی پیشوندشان متفاوت ولی معنی آنها یکی است، مانند:

مصدر	پره‌سری	جنوبی	شمالی
ریختن	vi-kard-e	vi-kard-en	a-kard-e
آویختن	vi-hašt-e	vi-hašt-en	a-hašt-e

پیشوندهای تالشی با داشتن فهرست محدود (۶ پیشوند) حوزه عمل بسیار گسترده‌ای دارند، به طوری که کمبود فعل ساده را در تالشی از بین برده‌اند. اغلب فعل‌های ساده شکل پیشوندی نیز دارند و برخی از آنها با تمام پیشوندها به کار می‌روند. به عنوان نمونه در گونه پره‌سری فعل‌های زیر با همه پیشوندها صرف می‌شوند:

kard-e	انجام دادن
vard-e	آوردن
fand-e	انداختن
vašt-e	جهیدن
gənašt-e	اقتادن

در تالشی پره‌سری بیش از ۴۰۰ (چهار صد) فعل پیشوندی وجود دارد، در حالی که فعل ساده آن تقریباً به ۲۰۰ (دویست) مورد می‌رسد (شکل‌های سببی، مجهول ساده و پیشوندی نیز در این آمار محاسبه شده‌اند). هر یک از چهار پیشوند a-، da-، vi-، pe- در ساختمان حدود ۹۰ (نود) مصدر دیده شده است و با پیشوند bar- ۲۰ (بیست) و با پیشوند ji- حدود ۴۰ (چهل) مصدر پیشوندی ساخته شده است (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۵: ۱۵).

نکته ۱: گاهی پیشوندها کلماتی جدید می‌سازند که آن کلمه جدید چندان ارتباطی از نظر معنایی با ریشه فعل ندارد: در اصل همه این فعل‌های پیشوندی ارتباط معنایی نزدیکی با ریشه فعل داشته‌اند، اما امروزه آن ارتباط قطع شده و تبدیل به یک اصطلاح شده یا معنای کنایی پیدا کرده‌اند. به عنوان نمونه یکی از معانی مصدر gat-e(n) با پیشوند vi- در هر سه گونه «خریدن» است.

نکته ۲: گاهی فعلی صورت ساده دارد، اما صورت پیشوندی ندارد، مثل:

hard-e(n)	خوردن (م، ج)
ju-e(n)	جویدن (م، ج)
diž-e	درد کردن (ش)

نکته ۳: بعضی از فعل‌ها برخلاف مورد بالا شکل پیشوندی دارند، اما شکل ساده ندارند، یا شکل ساده آنها از بین رفته است:

pe-rešt-e	بلند شدن (پ)
da-rat-e	جارو کردن (پ)
da-bast-en	بستن (ج)
da-pârse	پرسیدن (ش)

تعداد فعل‌های ساده‌ای که در تالشی شکل پیشوندی ندارند، بسیار کمتر از فعل‌های ساده‌ای است که شکل پیشوندی دارند، به عبارتی، بیشتر فعل‌های تالشی صورت پیشوندی هم دارند و تعداد فعل‌هایی که شکل ساده ندارند، کم است.

نکته ۴: درباره وجود واج ʔ- در پیشوندهای تالشی دو فرض قابل طرح است:

الف) همه یا اغلب پیشوندهای تالشی مختوم به ʔ- بوده‌اند، بعدها ʔ- از آنها حذف شده است (← رضایتی، ۱۳۸۶: ۵۹) و در مواقعی به آن برمی‌گردد، مانند:

jir-me	درآمدن (پ)
vir-afand-e	پایین انداختن (پ)
per-afand-e	بالا انداختن (پ)
vir-var-d-e	پایین آوردن (پ)
âr-var-d-e	قی کردن (پ)
bar-gənəst-e	بیرون افتادن (پ)

ب) مصوت ۲- در این موارد یک همخوان میانجی است و شکل پیشوندها همان است که غالباً با آن ظاهر می‌شوند.

نکته ۵: همانند فارسی باستان مواقعی یک فعل ممکن است دو پیشوند داشته باشد:

per-â-du-en	دامن لباس را برچیدن هنگام کار (ج) ^۱
vir-â-du-en	دامن لباس را انداختن بعد از کار (ج)

منفی افعال فوق بدین صورت است:

per-â-nə-du-en	دامن لباس را برنجیدن هنگام کار (ج)
vir-â-nə-du-en	دامن لباس را نیانداختن بعد از کار (ج)

۵- پسوندهای فعل

پسوندهای تصریفی تالشی بر دو نوع‌اند: تصریفی و اشتقاقی. از دسته تصریفی، شناسه، پسوند ماده ماضی‌ساز و وند سببی، و از دسته اشتقاقی، پسوند مصدرساز و پسوند صفت مفعولی قابل ذکرند.

۵-۱- پسوندهای تصریفی

پسوندهای تصریفی در تالشی شامل شناسه‌های فعلی، وند ماضی‌ساز و وند سببی است.

۵-۱-۱- شناسه‌های فعلی

شناسه‌های فعلی در تالشی در چند دسته قابل تقسیم‌اند:

- شناسه‌های اولیه^۲ و شناسه‌های ثانویه پره‌سری و جنوبی؛

- شناسه‌های مختص ماضی متعدی جنوبی؛

- شناسه‌های مختص ماضی بعید جنوبی؛

- شناسه‌های مختص مضارع اخباری شمالی؛

- شناسه‌های مختص افعال التزامی شمالی؛

- شناسه‌های سایر افعال شمالی.

۱ - نک. «پیشوندهای فعلی در تالشی»، علی رفیعی جیردهی، مجله گویش‌شناسی، شماره ۴ اسفند ۸۴، ص ۶۵-۷۶.

۷۶.

۲ - برای نام‌گذاری و دسته‌بندی این شناسه‌ها ← زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)، ص ۶۲.

علاوه بر موارد فوق، دسته‌ای نیز همراه فعل می‌آیند که شناسه نیستند، بلکه ضمایر متصل غیر-فاعلی‌اند که در ساخت ارگتیو به کار می‌روند و به فعل‌های ماضی متعدی می‌پیوندند (ضمایر متصل غیرفاعلی در بخش «چند نکته مهم در فعل تالشی» ذیل ساخت ارگتیو (۱۵-۳) آمده است). در تالشی جنوبی چون ساخت ارگتیو وجود ندارد، ضمایر متصل غیرفاعلی از حالت ضمیری درآمده و به شناسه تبدیل شده‌اند (← ۵-۱-۱-۲).

۵-۱-۱-۱ شناسه‌های اولیه و ثانویه

در تالشی پره‌سری دو دسته شناسه وجود دارد: شناسه‌های اولیه و شناسه‌های ثانویه. این شناسه‌ها نه تنها در محیط‌های مختلف تغییرات آوایی دارند، بلکه تغییرات واجی نیز دارند و بدین علت در دو دسته جداگانه معرفی شده‌اند. تغییرات واجی عمده این دو دسته (همان‌طور که در جدول زیر آمده است)، در دوم شخص مفرد^۱ است.

شناسه‌های دوگانه تالشی پره‌سری عبارت‌اند از:

شمار	پره‌سری	
	شناسه اولیه	شناسه ثانویه
اول شخص مفرد	-um	-m
دوم شخص مفرد	-i	-š
سوم شخص مفرد	-u	-a/i/o
اول شخص جمع	-am	-mun
دوم شخص جمع	-a	-run
سوم شخص جمع	-un	-n

شناسه‌های چهارگانه تالشی جنوبی

در تالشی جنوبی چهار دسته شناسه وجود دارد: شناسه‌های دسته یک برای فعل‌های ماضی ساده و ماضی نقلی؛ شناسه‌های دسته دو برای فعل‌های ماضی بعید؛ شناسه‌های دسته سه برای ماضی التزامی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، و فعل‌های وجه امری؛ و شناسه‌های دسته چهار برای فعل‌های ماضی استمراری و ماضی مستمر به کار می‌روند:

شناسه یک	شناسه دو	شناسه سه	شناسه چهار
-m(a)	-mâ	-ə̃m	-im
-y(a)	-yâ	-i	-iš

۱- در این جا دوم شخص مفرد به این علت انتخاب شده است که تفاوت شناسه‌های ماضی و مضارع تالشی در آن به راحتی قابل تشخیص است.

-i	-ə	-â	-a/i/ø
-mun(a)	-amun	-munâ	-mun(a)
-in	-an	-nâ	-n(a)
-in	-ən	-nâ	-n(a)

۵-۱-۱-۲ شناسه‌های افعال ماضی متعدی

در تالشی جنوبی با افعال متعدی دسته‌ای از شناسه‌ها به کار می‌روند که همان ضمایر متصل غیرفاعلی‌اند، اما چون در گونه جنوبی ساخت ارگتیو در افعال ماضی متعدی تقریباً از بین رفته و فقط در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع تمایز خود را حفظ کرده است، در این مورد شناسه نامیدن آنها بهتر از ضمیر متصل دانستن آنهاست و با این ملاحظه در اینجا با نام شناسه‌های افعال ماضی متعدی جنوبی ذکر می‌گردد:

اول شخص مفرد	-(ə)m
دوم شخص مفرد	-(ə)y
سوم شخص مفرد	-(ə)š
اول شخص جمع	-(ə)mun
دوم شخص جمع	-(ə)n
سوم شخص جمع	-(ə)šun

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع -š- و -šun- ظاهر می‌شوند، در حالی‌که در فعل‌های لازم به جای آنها -a/-i- و -n- می‌آید. شاید در اصل نیز تعدادی از شناسه‌ها و ضمایر متصل جنوبی یکی بوده‌اند، مثل تالشی مرکزی که در اول شخص مفرد (-m)، اول شخص جمع (-mun)، و دوم شخص جمع (-run) شناسه‌ها و ضمایر متصل یکی بوده‌اند.

۵-۱-۱-۳ شناسه‌های مختص ماضی بعید تالشی جنوبی

در تالشی جنوبی همراه فعل‌های ماضی بعید (لازم و متعدی) شناسه‌هایی ظاهر می‌شود که مختص همان ساخت است و در ساخت دیگری ظهور نمی‌کند.

شخص و شمار	متعدی	لازم
اول شخص مفرد	-mâ	-mâ
دوم شخص مفرد	-yâ	-yâ
سوم شخص مفرد	-â	-â

-munâ	-munâ	اول شخص جمع
-ynâ	-ynâ	دوم شخص جمع
-ynâ	-šuna	سوم شخص جمع

تفاوت دو دسته در سوم شخص جمع است که در لازم شناسه و در متعدی ضمیر متصل غیرفاعلی ظاهر می‌شود (برای توضیح بیشتر ← ۱۵-۱ و ۱۵-۲).

در تالشی شمالی سه دسته شناسه وجود دارد:

- شناسه‌های مختص مضارع اخباری. این شناسه‌ها فقط با افعال مضارع اخباری می‌آیند و نشانه آنها هم، وند -e- است که در همه آنها تکرار می‌شود؛

- شناسه‌های مختص افعال التزامی. این شناسه‌ها مختص افعال التزامی‌اند و وند مخصوص آنها -u- است که در همه تکرار می‌شود.

- شناسه‌های سایر افعال. سایر افعال با شناسه‌هایی به کار می‌روند که تقریباً یک شکل دارند با کمی تغییرات آوایی، اما این تغییرات آوایی به تغییر واج منتهی نمی‌شوند و پیرو محیط آوایی‌اند.

۵-۱-۴ شناسه‌های تالشی شمالی

شخص و شمار	شناسه‌های مضارع اخباری	شناسه‌های التزامی	شناسه‌های معمولی
اول شخص مفرد	-em	-um	-m
دوم شخص مفرد	-eš	-uš	-š
سوم شخص مفرد	-e	-u	-e/y/ø
اول شخص جمع	-emun	-amun	-mun
دوم شخص جمع	-en	-un	-n
سوم شخص جمع	-en	-un	-n

می‌توان هر سه دسته از شناسه‌های تالشی شمالی را در یک دسته نیز طبقه‌بندی کرد اما وجود وند -e- در مضارع اخباری در همه شخص‌ها یا صیغه‌ها می‌تواند نشانه‌ای از وجود یک وند باشد^۱. محدوده کاربرد شناسه‌های تالشی همراه ساخت‌های مختلف تالشی سه‌گانه آمده است.

پره‌سری	شناسه‌های اولیه	ماضی التزامی و مضارع التزامی بی‌نشانه لازم و امر
پره‌سری	شناسه‌های ثانویه	سایر ساخت‌های باقی مانده لازم

۱- به نظر می‌رسد شناسه‌های تالشی شمالی بر دو نوع‌اند: اخباری و التزامی. شناسه‌های معمولی همان شناسه‌های اخباری‌اند که گاه بی‌مصوت و گاه با مصوت (i) می‌آیند.

جنوبی	شناسه‌های اولیه	مضارع اخباری، مضارع مستمر، مضارع و ماضی التزامی لازم و امر
جنوبی	شناسه‌های ثانویه	ماضی مطلق، نقلی، استمراری، استمراری تمنایی، بعید، بعید تمنایی و ماضی مستمر لازم
جنوبی	شناسه ماضی متعدی	افعال ماضی متعدی جنوبی
جنوبی	شناسه ماضی بعید	مختص افعال ماضی بعید جنوبی
شمالی	شناسه‌های اخباری	مضارع اخباری لازم
شمالی	شناسه‌ها التزامی	افعال التزامی لازم
شمالی	شناسه‌های معمولی	سایر افعال باقی‌مانده

نکته: در افعال لازم وقتی ماده یا ستاک فعل به صامت ختم شود و شناسه هم، با صامت شروع شده باشد، واجی به عنوان میانجی (معمولاً -i-) بین شناسه و ماده فعل ظاهر می‌شود:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
نشستم	našt-i-m(a)	ništ-i-m(a)	našt-i-m
خواهیدیم	xat-i-mun	xat-i-mun-a	hat-i-mun-a

وقتی شناسه با مصوت آغاز شود دیگر نیازی به این واج میانجی نیست. به عنوان نمونه در زیر دوم شخص جمع امر از شناسه‌های ثانویه ذکر شده است:

فعل و شمار	پره‌سری	جنوبی	شمالی
امر: دوم شخص جمع / بنشینید	bə-naš-a	bə-niš-an	bə-našt-an
نهی: دوم شخص جمع / ننشینید	ma-naš-a	ma-niš-an	ma-našt-an

نکته قابل ذکر در مورد ضمایر متصل غیرفاعلی (همانند شناسه‌ها) این است که چون شناسه‌ها با صامت آغاز شده‌اند، وقتی هم، که ماده فعل به صامت ختم شود، واجی به عنوان میانجی (معمولاً -ə-) بین آنها ظاهر می‌شود:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
برداشتیم	pi-gat-ə-m-a	a-pi-get-ə-m	pe-gat-ə-m-e
باز کردیم	â-kard-ə-mân	â-kard-ə-mun-a	u-kârd-ə-mun-e

۵-۱-۲ پسوند ماده ماضی ساز

پسوندهای ماضی ساز در تالشی عبارت‌اند از: -d، -t، -i، -ə و -(i/ə/u)st-.

شمالی	جنوبی	پره‌سری	معنی	وند ماضی ساز
čən-i-[y]-e (چیدن)	xər-i-en	xər-i-e	خریدن	-i
bâst-ǧ-e	vast-ǧ-en	bast-ǧ-e	بستن	-θ
nəš-t-e	niš-t-en	nəš-t-e	نشستن	t-
hâr-d-e	har-d-en	har-d-e	خوردن	-d
tokon-if[y]-e (گزیدن)	dəzd-i-e	dəzd-i-e	دزدیدن	-i
u-kəš-t-e	da-kəš-t-en	da-kəš-t-e	خاموش کردن	-t
bâr-d-e	bar-d-en	bar-d-e	بردن	-d
-----	-----	rax-əst-e	رهیدن	-(ə)st
-----	-----	xur-ust-e	خندیدن	-(u)st
-----	-----	tišk-ist-e	شکفتن	-(i)st

پسوند (i/ə/u)-st در تالشی پره‌سری بسیار شایع است و وجه ممیز آن از سایر گویش‌های تالشی است (← رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۵۴). این پسوند بیشتر برای ساختن مصادر جعلی به ویژه در معنای مجهولی به کار می‌رود:

zâr-n-əst-e	پاره کردن (پ)	zer-ist-e	پاره شدن (پ)
l'âkn-əst-e	تکان دادن (پ)	lek-ist-e	تکان خوردن (پ)

(نیز ← به بخش «مصدر» و «پسوند مصدرساز»)

۵-۱-۳ وند سببی

ذیل ماده سببی تالشی درباره ماده سببی بحث شده است، در اینجا فقط وند واداری یا سببی ذکر می‌شود. وند سببی تالشی را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود: وند سببی دسته یک، وند سببی دسته دو. وندهای سببی دسته یک بعد از ریشه قوی و وند سببی دسته دو بعد از ریشه ضعیف بعضی از افعال ظاهر می‌شود و فعل را واداری می‌کنند. انواع وند سببی تالشی در جدول زیر آمده است:

گونه	وند سببی دسته یک	وند سببی دسته دو
پره‌سری	-n	-âvən
جنوبی	-ən	-âmən
شمالی	-on	-ovon

مثال دسته یک:

râs-n-əst-e	رسانیدن (پ)
râx-n-əst-e	رهانیدن (پ)
â-râs-ən-d-e	رسانیدن (ج)
ji-vâz-ən-den	گریزاندن (ج)
čâš-on-iyē	چشانندن (ش)
rox-on-iyē	رهانندن (ش)

مثال دسته دو:

xəs-âvn-əst-e	خوابانندن (پ)
fam-avn-əst-e	فهمانندن (پ)
gəl-âmən-d-e	جوشانندن (ج)
larz-âmən-d-e	لرزاندن (ج)
pər-ovon-iyē	پراندن (ش)
gəl-ovon-iyē	جوشانندن (ش)

فعل‌هایی که با دسته دو سببی می‌شوند، بسیار اندک‌اند.

۵-۲ پسوندهای اشتقاقی

پسوندهای اشتقاقی فعل در تالشی عبارت‌اند از: وند مصدر و وند صفت مفعولی.

۵-۲-۱ پسوند مصدر ساز

وند مصدر ساز تالشی عبارت است از e(n)- که به ماده ماضی (و گاه به ماده مضارع در گونه پره‌سری) فعل افزوده می‌شوند، این وند در گونه جنوبی en- و در دو گونه دیگر e- است: *

hard-e(n)	خوردن (م، ش، ج)
dut-e(n)	دوختن (م، ش)
nəšt-e	نشستن (م، ش)
kuft-en	کوبیدن (ج)
kust-e	کوبیدن (پ)
hând-e	خواندن (ش)

نیز ← بخش «مصدر» و «ماده ماضی ساز» در تالشی.

۵-۲-۲ پسوند صفت مفعولی

صفت مفعولی تالشی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: ۱- صفت مفعولی لازم، ۲- صفت مفعولی متعدی، ۳- صفت مفعولی مجهول. صفت مفعولی لازم از ترکیب ماده ماضی لازم به همراه پسوند /-ə/

ساخته می‌شود. این نوع صفات مفعولی لازم گاه معنی فاعلی می‌دهند و بیشتر در ساخت افعال لازم، ماضی بعید، ماضی نقلی و ماضی التزامی به کار می‌روند:

صفت مفعولی لازم	پره‌سری	جنوبی	شمالی
رفته	š-a	š-a	hət-a
دویده	vərit-a	tell-a	tel-a
نشسته	nəšt-a	ništ-a	nəšt-a

صفت مفعولی متعدی از ترکیب ماده ماضی متعدی به همراه پسوند /-a ساخته می‌شود:

صفت مفعولی متعدی	پره‌سری	جنوبی	شمالی
خورده شده	hard-a	hard-a	hård-a
کنده شده	kand-a	kand-a	kând-a
پوشیده شده	da-kard-a	da-kard-a	da-kârd-a

صفت مفعولی مجهول از ماده مجهول یا ماده مضارع متعدی به همراه پسوند -is(s)-a /-ist-a (پره‌سری) و -iyy-a (جنوبی)، ساخته می‌شود. در شمالی ماده مجهول و به تبع آن صفت مفعولی مجهول وجود ندارد:

صفت مفعولی مجهول	پره‌سری	جنوبی
خورده شده	har-ist-a	har-iyya
کنده شده	a-kan-ist	kan-iyya

قواعد فوق درباره صفت مفعولی ماده‌هایی که پیشوند دارند، نیز صدق می‌کند:

پاره شده (پ)	pe-zer-ist-a
بریده شده (ج)	da-bər-iyya
باز کرده شده (ش)	u-kârd-a

صفت مفعولی ترکیبی از ترکیب یک صفت، اسم یا قید با یک صفت مفعولی به دست می‌آید:

از دست رفته (پ)	das bar ša
آتش گرفته (ج)	vəl gir-iyā

utaš gat-a

آتش گرفته (ش)

برای منفی کردن صفات مفعولی، وند نفی-(ə)n به آنها اضافه می‌گردد و اگر پیشوندی باشد، بعد از پیشوند علامت نفی اضافه می‌شود:

nə-gələs-a

نجوشیده (پ)

nə-ju-a

جویده شده (پ)

vi-nə-mand-a

گیر نکرده (پ)

ni-hard-a

خورده نشده (ج)

nə-ju-a

جویده نشده (ج)

da-nə-bər-iyya

بریده نشده (ج)

juya nə-ba

جویده نشده (ش)

u-nə-kârd-a

شکفته نشده (ش)

صفاتی که از ماده مضارع درست شده‌اند، هنگام منفی کردن، به اول آنها -ana افزوده می‌شود:

ana ras

ana pej نارس (ش)

نپخته (پ)

ana dut

ana šur ندوخته (ش)

نشسته (پ)

ana šəšt

ana âmuj ناشسته (ش)

تریت نشده (پ)

ana paj

ana mas پخته نشده (ج)

حرف نشنو (ج)

در تالشی جنوبی این وند بسیار نادر است و در شمالی یافت نمی‌شود، اما در پره‌سری تعداد زیادی از این صفات مفعولی منفی وجود دارند (← رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۴).

۶- وجه فعل

در تالشی چهار وجه اخباری، امری، التزامی و تمنایی وجود دارد. در زیر، هر یک از ساخت‌های فعل تالشی با وجه مورد نظر ذکر شده است، مثال‌هایی از هر کدام در بخش وند وجه (۴-۱-۱) آمده است:

۱-۶ وجه اخباری

در تالشی ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی مستمر، مضارع اخباری، مضارع مستمر، آینده نزدیک، آینده در گذشته و فعل‌های پی‌بستی دارای وجه اخباری‌اند (در این قسمت فقط وجه افعال ذکر می‌شود (برای وند وجه نک. بخش "وند وجه").

۶-۲ وجه تمنایی

فعل‌های ماضی استمراری تمنایی، ماضی بعید تمنایی، ماضی التزامی نشانه‌دار و مضارع التزامی نشانه‌دار، دارای وجه تمنایی‌اند.

۶-۳ وجه التزامی

فعل‌های ماضی التزامی (بی‌نشانه) و مضارع التزامی (بی‌نشانه) دارای وجه التزامی‌اند.

۶-۴ وجه امری

فعل امر و نهی در تالشی دارای وجه امری‌اند.

۷- نمود فعل^۱

در تالشی فعل دارای دو نمود اصلی (ساده و مستمر)، و دو نمود فرعی (آغازی و تأکیدی) است. وند نمود تالشی در بخشی به همین نام (۴-۱-۲) بررسی شده است. در زیر فقط انواع نمود ذکر می‌شود.

۷-۱ نمود ساده

در تالشی فعل‌های ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی التزامی نشانه‌دار، ماضی التزامی بی‌نشانه، مضارع اخباری، مضارع التزامی نشانه‌دار، مضارع التزامی بی‌نشانه، فعل امر و فعل پی‌بستی نمود ساده دارند.

۷-۲ نمود مستمر

ساخت‌های آینده نزدیک، آینده در گذشته، ماضی استمراری، مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری، ماضی بعید تمنایی و ماضی استمراری تمنایی دارای نمود مستمر یا استمراری‌اند.

۷-۳ نمود تأکیدی

علاوه‌بر دو نمود اصلی فوق، هر یک از فعل‌های می‌توانند دارای نمود تأکیدی نیز باشند (شرح کامل نمودنماهای تالشی در بخش «وند نمود» آمده است).

۱- شرح نمودهایی از فعل، که وند یا نشانه خاصی دارند در بخش «وند نمود» آمده است و از آن‌جایی که نمود ساده و آغازی در تالشی نشانه‌ای ندارد، شرحشان در این بخش آمده است.

۷-۴ نمود آغازی

تالشی‌وندی برای نمود آغازی ندارد، ولی با استفاده از فعل‌هایی نمود آغازی را می‌رساند که شرح آن در ذیل آمده است.

پره‌سری:

در پره‌سری نمود آغازی وند خاصی ندارد، و به جایش افعال شبه‌معین خاصی به کار می‌روند که معنای آغازی را به فعل می‌افزایند (← فعل‌های شبه‌معین). در پره‌سری از ترکیب ماضی مطلق *da-mand-e* «شروع کردن» (← پاورقی ذیل وند آغازی در تاتی) و *pe-gat-e* «برداشتن» با مصدر فعل اصلی، ساخت آغازی به دست می‌آید:

<i>da-mand-im virite.</i>	شروع کردم به دویدن.
<i>da-manda ba vâte.</i>	شروع کرده بود به گفتن.
<i>bəraməste-š pe-gat.</i>	شروع به گریستن کرد.
<i>xuruste-š pe-gat.</i>	شروع به خندیدن کرد.

همان‌طور که معلوم است گاهی فعل اصلی قبل از فعل معین و گاهی بعد از آن می‌آید.

جنوبی:

در جنوبی از ترکیب ماضی مطلق *da-mand-e* «شروع کردن» با مصدر فعل اصلی، ساخت آغازی به دست می‌آید:

<i>tâ ayi vindəša, da-manda bəram-(e)n.</i>	تا او را دید، شروع کرد به گریه کردن.
<i>da-manda lua karde.</i>	شروع کرده بود به حرف زدن.
<i>da-manda-šayvan karde(n).</i>	شروع کرد به گریستن.

شمالی:

در شمالی نیز از فعل معین *da-mand-e* «شروع کردن» برای ساخت آغازی استفاده می‌شود:

<i>tâ rasa ba ka, da-manda bə bame.</i>	تا رسید خانه، شروع کرد به گریه کردن.
<i>tâ rasa ba hi, da-manda bə deve.</i>	تا رسید مزرعه، شروع به درو کرد.
<i>tâ sofa u-ba, da-mand-in bə hârde.</i>	تا سفره باز شد، شروع کردند به غذا خوردن.

۸- جهت فعل

۸-۱ فعل متعدی

در تالشی پره‌سری و شمالی فعل‌های لازم و متعدی ماضی دو ساخت ویژه دارند، اما در مضارع ساخت لازم و متعدی آنها تفاوتی ندارد. در جنوبی فعل لازم و متعدی در ساخت تفاوت چندانی با هم ندارند. طرز ساخت افعال متعدی ماضی در تالشی به دو روش زیر قابل دسته‌بندی و توصیف است:

(وند وجه و نمود +) ماده فعل / صفت مفعولی / شناسه + ضمایم. غ. ف + a + صرف فعل be ← متعدی ۱

vinda-uma	دیده‌ایم (پ)
vinda-ne	دیده‌اید (ش)
barda-ma	برده‌ام (ج)

ضمایم منفصل فاعلی + ماده ماضی / صفت مفعولی (+ افزونه a +) ← متعدی ۲

mən vinda	من دیده‌ام (پ)
mən vinda bæ	دیده بودم (ش)
mə vinda bæ-bum	من دیده باشم (ج)

به عنوان مثال نمونه‌ای از هر کدام از افعال در گونه پره‌سری انتخاب و در جدول زیر گنجانده شده است:

vind-em-a	دیدم	ماضی مطلق	ماضی
vinda-ma	دیده‌ام	ماضی نقلی	
vinda-m bu-bu	دیده باشم	ماضی التزامی بی‌نشانه	
vinda-m ba	دیده بودم	ماضی بعید	
vinda-m bæ-bâ	(اگر) دیده باشم	ماضی التزامی نشانه‌دار	
vinda-m ba-be	(اگر) می‌دیده بودم	بعید تمنایی	
mən vind-a	من دیدم	ماضی مطلق	من
mən vinda-ya	من دیده‌ام	ماضی نقلی	
mən vinda bu-bu	دیده باشم	ماضی التزامی بی‌نشانه	
mən vinda bæ-bâ	من (اگر) دیده باشم	ماضی التزامی نشانه‌دار	
mən vinda ba	من دیده بودم	ماضی بعید	
mən vinda ba-be	من (اگر) می‌دیده بودم	بعید تمنایی	

برای گونه‌های جنوبی و شمالی به ذیل هر کدام از ساخت‌های افعال رجوع کنید، ضمائر متصل غیرفاعلی تالشی ذیل بخش «۲-۱۵» آمده است.

۸-۲ فعل لازم

طرز ساخت فعل لازم تالشی را می‌توان به دو طریق زیر معرفی کرد:

(وند وجه و نمود +) ماده فعل / صفت مفعولی (+ ina) وند وجه + افرونه -a- + شناسه + فعل be

← لازم ۱

معنی	پره‌سری	جنوبی	شمالی
خوابیدیم	xət-imuna	xət-imuna	hət-imun

(وند وجه و نمود+) شناسه فعلی/ صرف فعل معین be (+افزونه -a-) مصدر فعل مورد نظر ← فعل لازم ۲
روش دوم بیشتر در پره‌سری به کار می‌رود:

kâr-ima-še	دارم می‌روم (پ)
------------	-----------------

در ساخت شماره یک از صفت مفعولی، ولی در ساخت شماره دو از مصدر استفاده می‌شود. به عنوان مثال نمونه‌ای از هر کدام از افعال در گونه پره‌سری انتخاب و در جدول زیر گنجانده شده است:

xət-im(-a)	خوابیدم (پ)	ماضی مطلق	فعل لازم ۱
xəta-m(-a)	خوابیده‌ام (پ)	ماضی نقلی	
xəta-bu-b-um	خوابیده باشم (پ)	ماضی التزامی بی‌نشانه	
a-xəs-im(-a)	می‌خوابیدم (پ)	ماضی استمراری	
xəta b-im(-a)	خوابیده بودم (پ)	ماضی بعید	
xəta-bə-b-â-m	(اگر) خوابیده باشم (پ)	ماضی التزامی نشانه‌دار	
ba-zunust-im(a)	می‌دانم (پ)	مضارع اخباری	
bə-xəs-um	بخوابم (پ)	مضارع التزامی بی‌نشانه	
bə-xəs-âm	(اگر) بخوابم (پ)	مضارع التزامی نشانه‌دار	
kâ-a-xəs-im	می‌خواستم خفت (پ)	آینده در گذشته	
kâ-ba-xət-im	می‌خواهم بخوابم (پ)	آینده نزدیک	
kâ(r) b-im še	داشتم می‌رفتم (پ)	ماضی مستمر	فعل لازم ۲
kâr-im-a-še	دارم می‌روم (پ)	مضارع مستمر	

برای گونه‌های جنوبی و شمالی نک. به ذیل هر کدام از ساخت‌های افعال. شناسه‌های فعلی تالشی در بخش شناسه‌ها (۵-۱-۱) آمده است.

۸-۳ فعل مجهول

فعل مجهول در تالشی به سه روش زیر ساخته می‌شود:

الف) استفاده از ماده مجهول

برای ساخت مجهول ماضی از وند تصریفی به اضافه ماده مجهول ماضی (← فعل مجهول ماضی در تالشی) و شناسه‌ها استفاده می‌شود. باید به خاطر داشت که فعل مجهول ماضی تالشی پره‌سری از ماده مضارع به اضافه وند *-ist* و در جنوبی از ماده مضارع به اضافه وند *-iyy* به دست می‌آید. در تالشی شمالی ماده مجهول وجود ندارد:

kus-ist-e	کوبیده شدن	kust-e	کوبیدن (پ)
gir-ist-e	گرفته شدن	gat-e	گرفتن (پ)
har-ist-e	خورده شدن	hard-e	خوردن (پ)
čar-ist-e	چریده شدن	ard-eč	چریدن (پ)
kan-i-yyen	کنده شدن	kand-en	کندن (ج)
gir-i-yyen	گرفته شدن	get-en	گرفتن (ج)

در تالشی پره‌سری برای درست کردن مضارع مجهول، از ماده ماضی مجهول و شناسه‌های مضارع استفاده می‌شود. در جنوبی تفاوت فعل ماضی و مضارع مجهول فقط در شناسه‌ها است:

ba-pej-ist-i	پخته می‌شود (پ)
pera-zar-ist-i	پاره می‌شود (پ)
ba-ger-ist-i	گرفته می‌شود (پ)
pat-iyy-ə	پخته می‌شود (ج)
gir-iyy-ə	گرفته می‌شود (ج)

ب) استفاده از فعل کمکی *be* «بودن» به همراه صفت مفعولی فعل اصلی. این روش در شمالی بیشتر کاربرد دارد:

pâte ba be	پخته می‌شود (ش)
suta bə	سوخته شد (ش)
gata ba be	گرفته می‌شود (ش)

ج) استفاده از سوم شخص جمع فعل‌های متعدی معلوم، این روش در زبان فارسی و دیگر گویش‌های ایرانی نو نیز یافت می‌شود، قس. زبان فارسی: «آورده‌اند» یعنی نقل شده‌است (نیز ← فعل مجهول در تاتی).

hasan-ə šun vinda.	حسن را دیده‌اند (حسن دیده شده). (پ)
man ba-vin-din.	ما خواهند دید (من دیده خواهم شد). (پ)
a-šun pegata.	آن را برداشتند (آن برداشته شد). (پ)
me-šun vind-a	ما دیده‌اند (من دیده شده‌ام). (ج)
bâq-i šun cârënd-a.	باغ را چراندند (باغ چرانده شد). (ج)
qaysi-šun činiya.	زردآلو را چیده‌اند (زردآلو چیده شده). (ش)
tə-šun ayu vinda.	ترا آنجا دیده‌اند (تو آنجا دیده شده‌ای). (ش)

در تالشی از فعل مجهول برای بیان فعل لازم نیز استفاده می‌شود. همه فعل‌ها با روش دوم مجهول می‌شوند، حتی آن دسته از فعل‌های که با روش اول مجهول می‌شوند، اما در تالشی از روش اول بیشتر استفاده می‌شود. در زبان پهلوی نیز یک نوع مجهول با افزودن صیغه‌های مضارع فعل بودن به ماده ماضی (= اسم مفعول) به دست می‌آمد، مانند: guft bawēd «گفته می‌شود» (← آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۸۲).

۹- زمان فعل

از نظر زمان فعل‌های تالشی به سه دسته ماضی و مضارع و آینده تقسیم می‌شوند. زمان‌های مختلف فعل در گونه‌های سه‌گانه تالشی به تفکیک زیر ذکر می‌گردد:

تالشی پره‌سری:

- ۱- ماضی مطلق ۲- ماضی نقلی ۳- ماضی التزامی بی‌نشانه ۴- ماضی التزامی نشانه‌دار ۵- ماضی استمراری ۶- ماضی استمراری تمنایی ۷- ماضی مستمر ۸- ماضی بعید ۹- ماضی بعید تمنایی ۱۰- مضارع اخباری ۱۱- مضارع التزامی بی‌نشانه ۱۲- مضارع التزامی نشانه‌دار ۱۳- مضارع مستمر ۱۴- آینده در گذشته ۱۵- آینده نزدیک.

جنوبی:

- ۱- ماضی مطلق ۲- ماضی نقلی ۳- ماضی بعید ۴- ماضی استمراری ۵- ماضی مستمر ۶- ماضی استمراری تمنایی ۷- ماضی شرطی (تمنایی) ۸- ماضی التزامی بی‌نشانه ۹- ماضی بعید تمنایی ۱۰- مضارع اخباری ۱۱- مضارع التزامی بی‌نشانه ۱۲- مضارع التزامی نشانه‌دار ۱۳- مضارع مستمر.

شمالی:

- ۱- ماضی مطلق ۲- ماضی نقلی ۳- ماضی نقلی غیرمحقق ۴- ماضی التزامی ۵- ماضی استمراری ۶- ماضی استمراری تمنایی ۷- ماضی مستمر ۸- ماضی بعید ۹- ماضی بعید تمنایی ۱۰- مضارع اخباری ۱۱- مضارع التزامی ۱۲- مضارع مستمر.

۹-۱ ماضی مطلق

ماضی مطلق فعل‌های لازم در تالشی به روش زیر ساخته می‌شود:

ماده ماضی + شناسه‌ها (+ افزونه -a) ← ماضی مطلق لازم

از آنجا که تغییرات صرفی در همه صیغه‌ها مشاهده نمی‌شود، در آغاز، صیغه‌هایی که دارای تغییرات صرفی هستند، جداگانه ذکر شده و در آخر یک فعل لازم و یک فعل متعدی در همه صیغه‌ها و ساخت‌ها به طور کامل صرف شده است:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
خوابیدیم	xət-imun-a	xət-imun-a	hət-imun
دویدم	virit-im-a	tell-im-a	tel-im
دیدند	vind-əšun-a	vind-šun-a	vind-šun-e
بالا رفت	pe-ša	pe-ša	pe-ša

وقتی که ماده مختوم به همخوان باشد و شناسه هم با همخوان آغاز شود، یک واج میانجی بین ماده و شناسه قرار می‌گیرد:

xət-[i]-m	خوابیدم (پ)
nəšt-[i]-n(a)	نشستید (ج)
nəšt-[i]mun	نشستند (ش)
pe-š-[i]-run	بالا رفتید (پ)

ماضی مطلق فعل‌های متعدی

طرز ساخت ماضی مطلق متعدی تالشی به شرح زیر است:

ماده ماضی + ضمائر متصل غیرفاعلی^۱ (+ افزونه -a) ← ماضی مطلق متعدی

۱- ضمائر متصل غیرفاعلی این ساخت همان شناسه گونه جنوبی‌اند، چرا که در این گونه، ساخت ارگیتو تقریباً از بین رفته است. بدین لحاظ در این جا و هر جای دیگر کتاب اگر صحبت از ضمائر متصل غیرفاعلی در افعال ماضی متعدی جنوبی است، منظور همان شناسه است. نیز ← بخش شناسه‌های فعلی در تالشی.

وقتی ماده مختوم به مصوت باشد، دیگر قبل از ضمیر متصل غیرفاعلی -ə- ظاهر نمی‌شود.

dâ-ma	دادم (پ)
nâ-ra	گذاشتی (پ)
â-du-ma	دادم (ج)
nu-ya	نهادی (ج)
nu-ma	نهادم (ش)
du-ša	داد (ش)

در تالشی پره‌سری و شمالی وقتی ضمائر منفصل غیرفاعلی در جمله ظاهر می‌شوند، می‌توان از ضمائر متصل غیرفاعلی استفاده نکرد. وندهای ضمیری معمولاً به اولین کلمه متصل می‌شوند و با حذف یا جابه جایی هر کلمه در صدر چنین جملاتی، به ترتیب به کلمه بعد یا به کلمه جایگزین می‌پیوندند.

معنی	پره‌سری	شمالی
من حسن را دیدم.	<u>mən</u> hasan vinda.	<u>mən</u> hasan vinde.
حسن را دیدم.	hasan- <u>əm</u> vinda.	hasan- <u>əm</u> vinda.
دیروز حسن را دیدم.	izer- <u>əm</u> hasan vinda	zin- <u>am</u> hasan vinde.

فعل پیشوندی نیز همانند فعل ساده صرف می‌شود، یعنی فقط پیشوند در آغاز ماده قرار می‌گیرد. در تالشی جنوبی در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع ماضی مطلق، ساخت ارگتیو حفظ شده است، یعنی به جای i/a- شناسه سوم شخص مفرد، ضمیر متصل -š- می‌آید و به جای شناسه n- در سوم شخص از ضمائر متصل -šun- استفاده می‌شود:

pi-get-šun(a)	برداشتند (ج)
pi-get-əš	برداشت (ج)

از آنجا که ارگتیو در تالشی جنوبی از بین رفته، گاهی از این ساخت به درستی استفاده نمی‌شود، مثلاً ضمائر متصل را به جای اینکه برای فعل‌های متعدی استفاده کنند، برای فعل‌های لازمی همچون «na-xət-šuna» نخواستند استفاده می‌کنند.

روش منفی کردن ماضی مطلق

روش منفی کردن ماضی مطلق به این شرح است که وند-(ə)n قبل از ماده قرار می‌گیرد و اگر پیشوندی باشد بعد از پیشوند ظاهر می‌شود:

فعل ماضی	پره‌سری	جنوبی	شمالی
ننشست	nə-nəšta	ne-niš-t-a	nə-nəšt

nə-gat-əme	vi-ne-get-am(a)	vi-nə-gat-əm	نگرفتم
nə-hət-in	nə-xət-ə-šun(a)	nə-xət-ina	نخواستند

در فعل‌های ترکیبی وند نفی همیشه قبل از ماده فعل اصلی قرار می‌گیرد:

ažā-tāš-ər nə	آتش نزدی (پ)
nə-get-ša par	پر نگرفت (ج)
ātaš ne žand-əma	آتش نزدم (ج)
rəkk-əš nə-kā	قهر نکرد (ش)
gərda-n nə-kā	جمع نکردید (ش)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مطلق لازم در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
nəšt-im	ništ-i-m(a)	nəšt-i-m(a)	نشستم
nəšt-iš	ništ-i-ya	(a)šnəšt-i-	نشستی
nəšt-e	ništ-(a)	nəšt-(a)	نشست
nəšt-imun	ništ-i-mun(a)	nəšt-i-mun(a)	نشستیم
nəšt-in	ništ-i-n(a)	nəšt-i-run(a)	نشستید
nəšt-in	ništ-i-n(a)	nəšt-i-n(a)	نشستند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مطلق متعددی در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-gât-əme	pi-get-əm(a)	pe-gat-əm(a)	برداشتتم
pe-gât-e	pi-get-iy(a)	r(a)əpe-gat-	برداشتی
pe-gât-əše	(a)əšpi-get-	(a)əšpe-gat-	برداشت
pe-gât-əmunə	pi-get-əmun(a)	pe-gat-əmun(a)	برداشتیم
pe-gât-əne	pi-get-ən(a)	pe-gat-ərun(a)	برداشتید
pe-gât-əšune	un(a)špi-get-ə	un(a)špe-gat-ə	برداشتند

۹-۲ ماضی نقلی

ماضی نقلی فعل‌های لازم:

ماضی نقلی فعل‌های لازم در تالشی به روش زیر ساخته می‌شود:

صفت مفعولی (+ y) + شناسه‌ها ← ماضی نقلی لازم

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
šam	ša-y-ma	ša-m	رفته‌ام
nəšta mune	ništa-y-muna	nəšta-mun	نشسته‌ایم
telan	tella-y-na	virita-run	دویده‌اید
hətan	xəta-y-na	xəta-n	خوابیده‌اند

ماضی نقلی فعل‌های متعدی در تالشی به روش زیر ساخته می‌شود:

صفت مفعولی + ضمایر متصل غیرفاعلی (+ افزونه -a) ← ماضی نقلی متعدی

در فعل‌های متعدی این ساخت به جای شناسه‌های لازم از ضمایر متصل فاعلی استفاده می‌شود و از وند -y- دیگر استفاده نمی‌شود:

شمالی	پره‌سری	فعل
bārda-me	barda-m(a)	برده‌ام
vinda-ne	vinda-run(a)	دیده‌اید
hānda-šune	xanda-šun	خوانده‌اند

فعل‌ها پیشوندی لازم و متعدی ماضی نقلی در ساخت تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند فقط پیشوند فعلی قبل از صفت مفعولی ظاهر می‌شود:

pe-ša-mun	بالا رفته‌ایم (پ)
pi-geta-na	برداشته‌اید (ج)
pe-gata-n	برداشته‌اید (ش)

در تالشی جنوبی در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع ماضی نقلی نیز (همانند ماضی مطلق)، ساخت ارگتیو حفظ شده است، یعنی به جای /i/a- شناسه سوم شخص مفرد -š- می‌آید و به جای شناسه n- در سوم شخص از ضمایر متصل -šun استفاده می‌شود:

pi-geta-šun	برداشته‌اند (ج)
pi-geta-ša	برداشته است (ج)

برای منفی کردن این ساخت در هر سه گونه وند نفی-*ni* در فعل‌های لازم قبل از شناسه می‌آید ولی در فعل‌های متعدی دو گونه پره‌سری و شمالی وند نفی بعد از ضمائر متصل غیرفاعلی و در جنوبی قبل از ضمائر می‌آید:

فعل	شمالی	جنوبی	پره‌سری
نرفته‌ام	<i>ni-m ša</i>	<i>ša ni-ma</i>	<i>ša ni-m</i>
نشسته‌ایم	<i>ni-mun-e nəšta</i>	<i>ništa ni-muna</i>	<i>nəšta ni-mun</i>
ندویده‌اید	<i>tela ni-n</i>	<i>tela ni-na</i>	<i>vərīta ni-run</i>
نبرده‌ام	<i>bārda-m ni</i>	<i>barda ni-ma</i>	<i>barda m-ni</i>
ندیده‌اید	<i>vinda-an ni</i>	<i>vinda ni-na</i>	<i>vinda run-ni</i>

نکته: در فعل‌های ترکیبی لازم و متعدی شناسه و ضمائر متصل غیرفاعلی به جزء غیرفعلی می‌پیوندند، وند نفی در فعل‌های ترکیبی لازم قبل از شناسه فعلی و در متعدی بعد از صفت مفعولی می‌آید، در جنوبی شناسه به جزء فعلی می‌پیوندد و وند نفی قبل از شناسه می‌آید:

فعل	منفی	مثبت
آتش زده‌ام / آتش نزده‌ام (پ)	<i>vaš-əm za ni</i>	<i>vaš-əm ža</i>
سر درآورده‌اید / سر درنیاورده‌اید (پ)	<i>sar-ə-rân bâr vārda ni?</i>	<i>sar-ə-run bâr varda?</i>
خیس کرده‌است / خیس نکرده‌است (ج)	<i>ni-ša hist â-karda</i>	<i>hist â-karda-ša</i>
آتش زده‌اند / آتش نزده‌اند (ج)	<i>ni-šuna žanda âtaš</i>	<i>âtaš žanda-šuna</i>
گرم کرده‌اند / گرم نکرده‌اند (ش)	<i>gâm-əšun kârda ni</i>	<i>gâm-əšun kârd-e</i>
جمع کرده‌ام / جمع نکرده‌ام (ش)	<i>gərda-m kârda ni</i>	<i>gərda-m kârda</i>

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی لازم در تالشی:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
نشسته‌ام	<i>nəšta-m</i>	<i>ništa(y)-ma</i>	<i>nəšta-m</i>
نشسته‌ای	<i>šnəšta-</i>	<i>ništa-ya</i>	<i>šnəšta-</i>
نشسته‌است	<i>nəšta-ø</i>	<i>ništa(y)-a</i>	<i>nəšta-y</i>
نشسته‌ایم	<i>nəšta-mun</i>	<i>ništay-muna</i>	<i>nəšta-mun</i>
نشسته‌اید	<i>nəšta-run</i>	<i>ništay-na</i>	<i>nəšta-n</i>
نشسته‌اند	<i>nəšta-n</i>	<i>ništay-na</i>	<i>nəšta-n</i>

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی متعددی در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-gata-me	pi-geta-ma	pe-gata-m(a)	برداشته‌ام
pe-gata-ye	pi-geta-ya	pe-gata-r(a)	برداشته‌ای
pe-gata-še	pi-geta-ša	(a)špe-gata-	برداشته‌است
pe-gata-mune	pi-geta-muna	pe-gata-mun(a)	برداشته‌ایم
pe-gata-ne	pi-geta-na	pe-gata-run(a)	برداشته‌اید
pe-gata-šune	unašpi-geta-	un(a)špe-gata-	برداشته‌اند

۹-۳ ماضی نقلی غیرمحقق

این ساخت فقط در تالشی شمالی رایج است و طرز ساخت آن چنین است:

صفت مفعولی فعل اصلی + صفت مفعولی فعل معین یا *ba* + نمودنمای *bay* + شناسه ← نقلی غیرمحقق لازم

صفت مفعولی + ضمائر شخصی + *ba bay* ← نقلی غیرمحقق متعددی

از دو قسمت این ساخت (شرط و جواب شرط)، یک قسمت همیشه ماضی نقلی غیرمحقق است و قسمت دیگر همیشه یا ماضی استمراری یا ماضی بعید است. نمودنمای تمنایی این ساخت *bay* است:

- ۱- اگر نشسته می‌بوده‌ام^۱، نمی‌افتادم (پس حتماً ننشسته‌ام). (ش)
nəšta ba bay-m, a-n-a-gən-i-m^۲.
- ۲- اگر بچه دارو می‌خورده‌ام، مریض نمی‌شد (پس دارو نخورده‌است). (ش)
hərdân davu-š hārda babay, nuxuš n-a-bi
- ۳- اگر احمد از خانه خود بیرون نمی‌رفته‌است، آتش می‌گرفت (پس بیرون رفته‌است). (ش)
amad əştan ka ku be ša na bay, utaš a-gat-i.
- ۴- اگر من [حرف] گوش می‌کرده‌ام، تصادف نمی‌کردم (پس حرف گوش نکرده‌ام). (ش)
âz guš-əm dua ba bay, tasâdof n-a-kim.

۱ - جمله «اگر نشسته می‌بوده‌ام» و «اگر می‌نشسته بوده‌ام» شاید در زبان فارسی تفاوتی با هم نداشته باشند، اما در تالشی برحسب ساخت چنین ترجمه شده است، و از طرفی در تالشی جمله «می‌نشسته بودم» در این کتاب برای ماضی بعید تمنایی به کار رفته است.

۲ - ساخت فعل جمله چنین است: پیشوند اشتقاقی -a به اضافه وند نفی -n- به اضافه وند استمرار -a به اضافه ماده و ماده و شناسه فعل.

علت ترجمه جملات به شکل فوق، این است که شکل و ساخت فعل در ترجمه حفظ شود و به جای آن جملات می‌توان هریک از جملات ۱ تا ۴ را بدین صورت نیز ترجمه کرد:

- ۱- اگر نشسته می‌بودم، نمی‌افتادم (پس حتماً ننشسته‌ام).
- ۲- اگر بچه دارو می‌خورد، مریض نمی‌شد (پس دارو نخورده‌است).
- ۳- اگر احمد از خانه خود بیرون نمی‌رفت، آتش می‌گرفت (پس بیرون رفته‌است).
- ۴- اگر من [حرف] گوش می‌کردم، تصادف نمی‌کردم (پس حرف گوش نکرده‌ام).

این ساخت در تالشی شمالی در حال از بین رفتن است و به جای آن از ساخت ماضی استمراری تمنایی استفاده می‌شود. این فعل بر مفاهیمی چون شرط، آرزو، تأکید، حسرت و ... در گذشته دلالت می‌کند و تفاوتش با ماضی استمراری تمنایی علاوه بر ساخت، در معنی است. علت نامیده شدن ساخت مورد نظر به این نام، آن است که همانند ماضی نقلی از صفت مفعولی و وند تمنایی به اضافه شناسه ساخته می‌شود (برای مقایسه و توضیحات بیشتر این ساخت ← ماضی نقلی غیرمحقق در تاتی).

طرز منفی کردن ماضی نقلی غیرمحقق:

در افعال ساده و پیشوندی و ترکیبی، وند نفی *na* همیشه قبل از نمودنمای *bay* قرار می‌گیرد:

<i>nəšta ba na bay-m, a-gən-im.</i>	اگر نشسته نمی‌بودم، می‌افتادم.
<i>be-ša na bay, utaš a-gat-i.</i>	اگر بیرون نمی‌رفته بوده است، حتماً آتش می‌گرفت.
<i>guš-m dua ba na-bay tasâdof a-kim.</i>	اگر گوش (به حرفت) نمی‌کرده بوده‌ام، تصادف می‌کردم.

فعل‌های فوق به ترتیب ساده، پیشوندی و ترکیبی‌اند و جایگاه وند نفی آنها تفاوتی با هم ندارد.

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی غیرمحقق لازم:

شمالی	فعل
<i>nəšta na bay-m</i>	اگر نشسته نمی‌بوده‌ام
<i>nəšta na bay-š</i>	اگر نشسته نمی‌بوده‌ای
<i>nəšta na bay</i>	اگر نشسته نمی‌بود
<i>nəšta na bay-mun</i>	اگر نشسته نمی‌بوده‌ایم
<i>nəšta na bay-n</i>	اگر نشسته نمی‌بوده‌اید
<i>nəšta na bay-n</i>	اگر نشسته نمی‌بوده‌اند

نمونه کاملی از صرف فعل متعدی ماضی نقلی غیرمحقق:

شمالی	فعل
hârda-m na bay	اگر خورده نمی‌بوده‌ام
hârda-y na bay	اگر خورده نمی‌بوده‌ای
hârda-š na bay	اگر خورده نمی‌بود
hârda-mun na bay	اگر خورده نمی‌بوده‌ایم
hârda-n na bay	اگر خورده نمی‌بوده‌اید
hârda-šun na bay	اگر خورده نمی‌بوده‌اند

۹-۴ ماضی التزامی نشانه‌دار^۱

این ساخت فقط در تالشی پره‌سری به کار می‌رود. ماضی التزامی در تالشی پره‌سری دو ساخت جداگانه دارد: الف) ساخت نشانه /-â-/ دار، ب) ساخت بدون نشانه.

در این جا نخست التزامی نشانه‌دار بررسی می‌گردد، سپس التزامی (بی‌نشانه) در بخش دیگر ذکر می‌گردد. گویا ساخت التزامی نشانه‌دار که در برخی از نواحی تالشی پره‌سری در حال فروپاشی است، کهن‌تر از دیگری است. طرز ساخت ماضی التزامی نشانه‌دار تالشی پره‌سری:

صفت مفعولی + مضارع التزامی نشانه‌دار فعل «بودن» ← التزامی نشانه‌دار لازم

nəšta bə-b-â-m	نشسته باشم
ša bə b-â-š	رفته باشی
pe-ša-bə-b-â-run	بالا رفته باشید

طرز ساخت فعل متعدی از ماضی التزامی نشانه‌دار

صفت مفعولی + ضمایر متصل غیرشخصی + فعل bə-bâ (باشد) ← التزامی نشانه‌دار متعدی

vâta-m bə-bâ	گفته باشم
vinda-r bə-bâ	دیده باشی

در این ساخت فعل پیشوندی و ترکیبی هم، مانند فعل ساده صرف می‌شود:

pe-gata-m bə-bâ	برداشته باشم
vir-ər bâr ša bə-b-â	یادت رفته باشد

۱ - بار اول این ساخت را رضایتی کیشه‌خاله به این نام خوانده‌اند (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۷۴). در این کتاب نیز این دو ساخت متفاوت التزامی همه جا به همین نام آمده‌اند.

در تالشی پره‌سری برای منفی کردن فعل لازم و متعدی ماضی التزامی نشانه‌دار به جای وند تصریفی -
(v) از وند نفی -n(ə) استفاده می‌شود:

nəšta nə-b-â-m	نشسته باشم
xəta nə-b-â-š	نخوابیده باشی
pe-gata-m nə-bâ	برنداشته باشم
vir-ər bar ša nə-bâ	یادت نرفته باشد

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی التزامی نشانه‌دار لازم در تالشی:

پره‌سری	فعل
nəšta bə-b-â-m	نشسته باشم
nəšta bə-b-â-š	نشسته باشی
nəšta bə-b-â	نشسته باشد
nəšta bə-b-â-mun	نشسته باشیم
nəšta bə-b-â-run	نشسته باشید
nəšta bə-b-â-n	نشسته باشند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی التزامی نشانه‌دار متعدی در تالشی:

پره‌سری	فعل
pe-gata-m bə-b-â	برداشته باشم
pe-gata-r bə-b-â	برداشته باشی
pe-gata-š bə-b-â	برداشته باشد
pe-gata-mun bə-b-â	برداشته باشیم
pe-gata-run bə-b-â	برداشته باشید
pe-gata-n bə-b-â	برداشته باشند

۹-۵ ماضی التزامی (بی‌نشانه)

طرز ساخت ماضی التزامی (بی‌نشانه)^۱ در گونه‌های سه‌گانه تالشی به شرح زیر است:

۱- در دو گونه جنوبی و شمالی یک ماضی التزامی وجود دارد و این ماضی التزامی همان ماضی التزامی بی‌نشانه پره‌سری است.

هر سه گونه تالشی: صفت مفعولی + مضارع التزامی از فعل «بودن» ← ماضی التزامی (بی‌نشانه) لازم تنها تفاوتی که گونه شمالی در این ساخت با دو گونه دیگر دارد، این است که در ماضی التزامی -b (v) ذکر نمی‌شود و از این لحاظ می‌توان گفت برخلاف دو گونه دیگر دقیقاً ساخت آن از مضارع التزامی فعل «بودن» اخذ نشده است.

xəta bə-b-am	خوابیده باشیم (پ)
nəšta bə-bu-m	نشسته باشم (پ)
ništa bə-bum	نشسته باشم (ج)
xəta bə-b-am	خوابیده باشیم (ج)
nəšta bu	نشسته باشد (ش)
tela bu-mun	خوابیده باشیم (ش)

طرز ساخت افعال ساده متعدی از ماضی التزامی (بی‌نشانه):

روش اول:

تالشی جنوبی: صفت مفعولی + فعل bə-b + ضمائر متصل غیرفاعلی ← ماضی التزامی متعدی
تالشی شمالی و پره‌سری: صفت مفعولی + ضمائر متصل غیرفاعلی + فعل bu-bu ← ماضی التزامی متعدی

harda-m bu-bu	خورده باشم (پ)
vinda-r bu-bu	دیده باشی (پ)
pi-geta bə-bum	برداشته باشم (ج)
vāta bə-b-um	گفته باشم (ج)
vinda-š bu-bu	دیده باشد (ش)
pe-gata-mun bu-bu	برداشته باشیم (ش)

روش دوم:

برای ماضی التزامی ساخت دیگری نیز وجود دارد، بدین صورت که از ضمائر منفصل فاعلی در اول جمله استفاده می‌کنند:

تالشی جنوبی: ضمائر منفصل غیرفاعلی + صفت مفعولی + صرف مضارع التزامی فعل «بودن» ← ماضی التزامی متعدی

تالشی شمالی و پره‌سری: ضمائر منفصل غیرفاعلی + صفت مفعولی + فعل bu-bu ← ماضی التزامی متعدی

mən harda bu-bu	من خورده باشم (پ)
tə vinda bu-bu	تو دیده باشی (پ)
mən vinda bu-bum	من دیده باشم (ج)
tə badra bə-bi	تو برده باشی (ج)
mən ža bu	من زده باشم (ش)
ama hārda bu	ما خورده باشیم (ش)

برای منفی کردن این ساخت وند نفی-na در تالشی پره‌سری و شمالی به جای وند bə-bu می‌نشینند و در تالشی جنوبی-ma، جانشین وند تصریفی bə/bu می‌شود:

vāta-š nə-bu	نگفته باشد (پ)
tarsəsta nə bum	نترسیده باشم (پ)
ša nə-bu	نرفته باشد (پ)
ništa-ma bum	ننشسته باشم (ج)
pi-geta ma-bin	برنداشته باشید (ج)
vinda-m nə-bu	ندیده باشم (ش)
dua-y nə-bu	نداده باشی (ش)

در افعال پیشوندی و ترکیبی (لازم و متعدی) وند نفی در هر سه گونه قبل از فعل معین می‌آید:

piš-ər ā-karda-ma-bu	آویزان نکرده باشی (پ)
tar-əš karda- ma-bu	قهر نکرده باشد (پ)
pi-geta ma-bun	برنداشته باشند (ج)
da-vārda nə-buš	عبور نکرده باشی (ش)
pe-gāta šun nə-bu	برنداشته باشند (ش)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی التزامی بی‌نشانه لازم در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
nəšta bum	ništa bə-bum	nəšta bə-bum	نشسته باشم

šnəšta bu	ništa bə-bi	nəšta bə-bi	نشسته باشی
nəšta bu	ništa bə-bu	nəšta bə-bu	نشسته باشد
nəšta bumun	ništa bə-bam	nəšta bə-bam	نشسته باشیم
nəšta bun	ništa bə-ban	nəšta bə-ba	نشسته باشید
nəšta bun	ništa bə-bun	nəšta bə-bun	نشسته باشند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی التزامی بی‌نشانه متعدی در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-gata-m bu	bə-b-um pi-geta	pe-gata-m bu-bu	برداشته باشم
pe-gata-y bu	bə-b-i pi-geta	pe-gata-r bu-bu	برداشته باشی
pe-gata-š bu	bə-b-u pi-geta	pe-gata-š bu-bu	برداشته باشد
pe-gata-mun bu	bə-b-am pi-geta	pe-gata-mun bu-bu	برداشته باشیم
pe-gata-n bu	bə-b-an pi-geta	pe-gata-run bu-bu	برداشته باشید
pe-gata-šun bu	bə-b-un pi-geta	pe-gata-šun bu-bu	برداشته باشند

۹-۶ ماضی بعید

ماضی بعید فعل‌های لازم و متعدی تالشی به روش زیر ساخته می‌شود:

تالشی پره‌سری و شمالی:	صفت مفعولی + صرف ماضی مطلق فعل «بودن» ← ماضی بعید لازم
تالشی جنوبی:	ماده ماضی + شناسه‌های دسته دو + وند ā- ← ماضی بعید لازم و متعدی

فعل‌های لازم ماضی بعید:

šā	رفته بود (ج)
tele biš	دویده بودی (ش)
rasa-bin	رسیده بودند (ش)
nəšta bim	نشسته بودم (پ)
ništa-m-ā	نشسته بودم (ج)
virita birun	دویده بودید (پ)

فعل‌های متعدی ماضی بعید

تفاوت بارز ماضی بعید لازم با متعدی در این است که در فعل‌های متعدی سوم شخص مفرد فعل معین *ba* «بود» در همهٔ شخص‌ها یکسان به کار می‌رود. در فعل‌های متعدی ماضی بعید شمالی و پره‌سری به جای شناسه‌های لازم از ضمایر متصل غیرفاعلی استفاده می‌شود:

صفت مفعولی + ضمایر متصل غیرفاعلی + فعل *ba* ← تالشی پره‌سری و شمالی (متعدی بعید ۱)
 ضمایر منفصل غیرفاعلی + صفت مفعولی + فعل *ba* ← تالشی پره‌سری و شمالی (متعدی بعید ۲)

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
برده بودم	m ba bard-a	barda-m-â	bârda-m bæ
دیده بودید	vinda-run ba	vinda-n-â	vinda-n-bæ
خورده بودیم	hard-a-mun ba	harda-mun-â	hârda-mun bæ
من خورده بودم	mæn harda ba	mæ harda-m-â	mân hârda bæ

فعل‌های پیشوندی لازم و متعدی ماضی بعید در ساخت هیچ تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند و پیشوند قبل از صفت مفعولی ظاهر می‌شود:

بالا رفته بودیم (پ)	pe-ša b-imun
گرفته بودی (پ)	vi-gata-r ba
گرفته بودیم (ج)	vi-geta-mun-â
بیرون کرده بودیم (ج)	ba-karda-munâ
باز کرده بود (ش)	u-kârda-š bæ
سپرده بود (ش)	da-sbârd-aš bæ

در تالشی پره‌سری و شمالی دو روش برای ساخت ماضی بعید وجود دارد، در یکی از ضمایر منفصل در آغاز جمله و در دیگری از ضمایر متصل بعد از صفت مفعولی استفاده می‌شود.

معنی	پره‌سری	شمالی
روش ۱ دیده بودم	vinda-m ba	vinda-m bæ
روش ۱ برده بودید	barda-run ba	bârda-n bæ
روش ۲ من دیده بودم	mæn vinda ba	mæn vind bæ
روش ۲ شما برده بودید	šəma barda ba	šəma bârda bæ

همان‌طور که از دو سطر آخر مشخص است، ضمایر متصل در جمله نیامده‌اند و به جای آنها ضمایر منفصل در آغاز آمده‌اند. در تالشی جنوبی در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع ماضی بعید نیز (همانند ماضی مطلق و نقلی)، ساخت ارگتیو حفظ شده است، یعنی به جای /i/a- شناسه سوم شخص مفرد، -š- می‌آید و به جای شناسه n- در سوم شخص از ضمایر متصل šun- استفاده می‌شود:

pi-geta-šunâ	برداشته بودند (ج)
pi-geta-šâ	برداشته بود (ج)

روش ساخت مصدرهای ترکیبی در ساخت ماضی بعید:

در فعل‌های مرکب فقط جزء غیرفعلی به اول فعل مرکب اضافه می‌شود و ضمایر به آنها متصل می‌شود، اما در جنوبی فعل‌های مرکب تفاوتی از نظر ساخت با فعل‌های ساده ندارند. در شمالی و پره‌سری فعل‌های مرکب همیشه ساخت متعدی دارند گرچه لازم باشند، یعنی به جای شناسه‌ها، ضمایر متصل غیرفعلی به آنها ملحق می‌شود:

das-əmun ža ba	دست زده بودیم (پ)
par-əšun gata be	پر گرفته بودند (پ)
âtaš žanda šunâ	آتش زده بودند (ج)
par â-geta-šâ	پر گرفته بود (ج)
sar-š bə-kârda-bə	سر درآورده بود (ش)
utaš-əmun ža bə	آتش زده بودیم (ش)

طرز منفی کردن فعل ماضی بعید:

ساده و پیشوندی

در ماضی بعید گونه پره‌سری وند نفی /-nə-/ بلافاصله قبل از فعل معین و وند نفی -ni- بلافاصله بعد از آن قرار می‌گیرد. در جنوبی وند نفی -ni- بعد از ماده فعلی و در شمالی وند نفی -nə- قبل از فعل معین قرار می‌گیرد:

vinda-r nə-ba	ندیده بودی (پ)
vi-ša nə-bi-mun	نرفته بودیم پایین (پ)
mən vinda ba ni	من ندیده بودم (پ)
vi-gata-m ba ni	نگرفته بودم (پ)
vi-geta ni-munâ	نگرفته بودم (ج)
â-dua ni-š(u)nâ	نداده بودند (ج)

varda ni-šâ	نیاورده بودی (ج)
âtaš žanda ni-nâ	آتش نزده بودید (ج)
šəšta-ay nə-bə	نشسته بودی (ش)
âšmârda-mun nə bə	نشمرده بودیم (ش)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید لازم در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
nəšta bim	ništa-mâ	nəšta bim	نشسته بودم
šnəšta bi	ništa-yâ	šnəšta bi	نشسته بودی
nəšta bə	âništ-	nəšta ba	نشسته بود
nəšta bimun	ništa-munâ/mənu	nəšta bimun	نشسته بودیم
nəšta bin	ništa-ynâ	nəšta birun	نشسته بودید
nəšta bin	ništa-ynâ	nəšta bin	نشسته بودند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید متعدی در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-gat-m bə	pi-geta-mâ	pe-gata-m ba	برداشته بودم
pe-gat-y bə	pi-geta-yâ	pe-gata-r ba	برداشته بودی
pe-gat-š bə	šâpi-geta-	pe-gata-š ba	برداشته بود
pe-gat-mun bə	pi-geta-munâ/mənu	pe-gata-mun ba	برداشته بودیم
pe-gat-n bə	pi-geta-ynâ	pe-gata-run ba	برداشته بودید
pe-gat-šun bə	unâšpi-geta-	pe-gata šun ba	برداشته بودند

۷-۹ ماضی بعید تمنایی

برای معنا و کاربرد این ساخت ← «ماضی بعید تمنایی» در تاتی.

طرز ساخت ماضی بعید تمنایی لازم در هر سه گونه تالشی:

صفت مفعولی + وند - b(ɪ) + صرف ماضی استمراری تمنایی «بودن» ← ماضی بعید تمنایی لازم

نمونه فعل‌های لازم:

nəšta b-a b-e-m	اگر می‌نشسته بودم (پ)
ša ba b-e-run	اگر می‌رفته بودید (پ)
ništa bə-b-i-m	اگر می‌نشسته بودیم (ج)
xəta bə-b-i-mnu	اگر می‌خوابیده بودیم (ج)
həta ba-bim	اگر می‌خوابیده بودم (ش)
tela ba biš	اگر می‌دویده بودی (ش)

ماضی بعید تمنایی متعدی:

شمالی:	صفت مفعولی + ضمایر م.غ. ف. + سوم شخص مفرد ماضی استمراری تمنایی فعل «بودن» ← متعدی
جنوبی:	صفت مفعولی + ضمایر م.غ. ف. + سوم شخص مفرد ماضی استمراری تمنایی فعل «بودن» ← متعدی
پره‌سری:	صفت مفعولی + ضمایر م.غ. ف. + سوم شخص مفرد ماضی استمراری تمنایی فعل «بودن» ← متعدی

با اینکه طرز ساخت هر سه گونه یکسان است، اما چون ماضی استمراری هر گونه، که مبنای ساخت ماضی استمراری تمنایی آن گونه است، با دیگری فرق دارد، به این شکل نوشته شده است.

نمونه فعل‌های متعدی:

vi-gata-run ba b-e	اگر می‌گرفته بودید (پ)
vâta-r-ba-b-e	اگر می‌گفته بودی (پ)
vi-geta bə-b-i-mnu	اگر گرفته بودیم (ج)
vâta bə-b-i-š	اگر می‌گفته بودی (ج)
šešta-mun ba b-i	اگر شسته می‌بودیم (ش)
bârda-n ba bi	اگر می‌برده بودید (ش)

هم‌چنان که در جدول فوق معلوم است، در متعدی گونه جنوبی ضمایر متصل غیرفاعلی به آخر فعل ba-bi می‌پیوندند، اما در دو گونه دیگر بعد از صفت مفعولی ظاهر می‌شوند. در تالشی پره‌سری و شمالی طرز منفی کردن این ساخت به این شرح است که به جای ba- از وند نفی na- استفاده می‌کنند. در جنوبی از وند نفی ma- استفاده می‌شود.

منفی فعل‌های لازم:

xəta na b-e-m	اگر نمی‌خوابیده بودم (پ)
nəšta na b-e-š	اگر نمی‌نشسته بودی (پ)

ništa-ma-b-i	اگر نمی‌نشسته بود (ج)
xəta ma-b-i-mun	اگر نمی‌خواهییده بودیم (ج)
həta na b-im	اگر نمی‌خواهییده بودم (ش)
rasa na b-iš	اگر نمی‌رسیده بودی (ش)

منفی فعل‌های متعدی:

vi-gata-run na b-e	اگر نمی‌گرفته بودید (پ)
pe-ša-na-b-e-m	اگر بالا نمی‌رفته بودم (پ)
vi-geta ma-b-i-mun	اگر نمی‌گرفته بودیم (ج)
ma-vâyš	اگر نمی‌گفته بودی (ج)
pi-geta ma-b-i-m	اگر بر نمی‌داشته بودم (ج)
masa-m na-bi	اگر نمی‌شنیده بودم (ش)
dua-mun na bi	اگر نمی‌داده بودیم (ش)

در فعل‌های ترکیبی جزء غیر فعلی به اول فعل اضافه می‌شود و در تالشی پره‌سری و شمالی اگر متعدی باشد ضمیر شخصی به آن متصل می‌شود:

hist â-karda ne-bi-mun	اگر خیس نمی‌کرده بودیم (ج)	لازم
da-nəšta ba-b-e-š	اگر سوار می‌شده بودی (پ)	
azub-əy bârda ba bi	اگر رنج می‌کشیده بودی (ش)	
reč â-karda ma-bim	اگر درست نمی‌کرده بودم (ج)	متعدی
ləs-ərun da-karda na-be	اگر کتک نمی‌زده بودید (پ)	
gâm-an kârda na-bi	اگر گم نمی‌کرده بودید (ش)	

نکته: دو فعل ماضی استمراری تمنایی و ماضی بعید تمنایی شاید زمانی هر کدام کاربرد ویژه‌ای داشته‌اند، اما امروز از همدیگر قابل تفکیک نیستند،^۱ و گاهی به جای همدیگر به کار می‌روند. به عنوان مثال می‌توان یک جمله را این طور بیان کرد:

šanâ zu bâ-xəs-em, ari da-na-gən-i.	اگر زود می‌خواهیدم، دیرم نمی‌شد. (پ)
šanâ zu xəta ba-bem, ari da-na-gən-i.	اگر زود خواهییده می‌بودم، دیرم نمی‌شد. (پ)

۱ - این دو مثال از پایان‌نامه یورشفق نقل شده است (۱۳۸۵: ۱۵۲).

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید تمنایی لازم:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
nəšta ba b-im	ništa bə-bim	nəšta ba be-m	اگر می‌نشسته بودم
nəšta ba b-iš	ništa bə-biš	šnəšta ba be-	اگر می‌نشسته بودی
nəšta ba b-i	ništa bə-bi	nəšta ba be	اگر می‌نشسته بود
nəšta ba b-imun	ništa bə-bimun	nəšta ba be-mun	اگر می‌نشسته بودیم
nəšta ba b-in	ništa bə-bin	nəšta ba be-run	اگر می‌نشسته بودید
nəšta ba b-in	ništa bə-bin	nəšta ba be-n	اگر می‌نشسته بودند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید تمنایی متعدی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-gata-m ba-bi	pi-geta bə-bim	pe-gata-m ba be	اگر برداشته می‌بودم
pe-gata-y ba-bi	pi-geta bə-biš	pe-gata-r ba be	اگر برداشته می‌بودی
pe-gata-š ba-bi	pi-geta bə-bi	pe-gata-š ba be	اگر برداشته می‌بود
pe-gata-mun ba-bi	pi-geta bə-bimun	pe-gata-mun ba be	اگر برداشته می‌بودیم
pe-gata-n ba-bi	pi-geta bə-bin	pe-gata-run ba be	اگر برداشته می‌بودید
pe-gata-šun ba-bi	pi-geta bə-bin	pe-gata šun ba be	اگر برداشته می‌بودند

۸-۹ ماضی استمراری

ماضی استمراری فعل‌های لازم و متعدی در تالشی به روش زیر ساخته می‌شود:

وند + ماده مضارع + -i- + شناسه‌های ثانویه ← ماضی استمراری پره‌سری

ماده مضارع + -i- + شناسه‌های دسته چهار ← ماضی استمراری جنوبی

وند + ماده ماضی + -i- + شناسه ← ماضی استمراری شمالی

در تالشی پره‌سری و جنوبی ماضی غیرتام (imperfect)^۱ باستانی که بر ستاک حال بنا شده بود، حفظ شده است:

۱- حفظ چنین خصیصه‌ای در گویش تالشی که از زبان‌های ایرانی شمالی غربی است، قابل ملاحظه است، چون در این دسته از زبان‌ها چنین حالتی کمتر حفظ شده است. اما در گروه زبان‌های شرقی می‌توان زبان سغدی را مثال زد که این خصیصه را حفظ کرده است ← قریب، «نظام فعل در زبان سغدی»، مجله زبان‌شناسی شماره ۱۹.

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
می‌بردی	a-bar-i-š	bar-i-š	a-bârd-i-š
می‌خوابیدیم	a-xəs-i-mun	xəs-i-mnu	a-hət-i-mun
می‌نشستم	a-nəš-i-m	niš-i-m	a-nəšt-i-m

در تالشی جنوبی افزونه ماضی‌ساز -a- باقی نمانده است، ولی فعل ماضی استمراری از ماده مضارع ساخته می‌شود. فعل ماضی استمراری پیشوندی با ماضی استمراری ساده تفاوتی ندارد:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
برمی‌داشتیم	per-a-ger-i-mun(a)	pi-ger-i-mun	pe-a-gat-i-mun
باز می‌کردید	âr-a-kar-i-run	â-kar-i-n	u-a-kârd-i-n

همان‌طور که گذشت در گونه پره‌سری و جنوبی ماضی استمراری از ماده مضارع به دست می‌آید در گونه شمالی از ماده ماضی در ساخت ماضی استمراری استفاده می‌شود. طرز ساخت افعال متعدی و لازم در این ساخت هیچ تفاوتی با هم ندارد.

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
می‌خوردی	a-har-iš	har-iš	a-hârd-iš
می‌نشستی	a-nəš-iš	niš-iš	a-nəšt-iš

در تالشی پره‌سری از آنجا که ماضی استمراری از ماده مضارع ساخته می‌شود و فعل‌های مضارع در تالشی ساخت ارگتیو ندارند، ماضی استمراری نیز از چنین ساختی برخوردار نیست و در نتیجه فرقی بین فعل‌های لازم و متعدی وجود ندارد. در تالشی جنوبی و شمالی این ساخت ارگتیو ندارد. فعل‌های پیشوندی استمراری هیچ تفاوتی در ساخت با فعل‌های ساده استمراری ندارند، فقط پیشوند در اول ماده فعل اضافه می‌شود. نکته قابل ملاحظه در این جا این است که در آغاز این ساخت (و ساخت‌های ماضی استمراری تمنایی و آینده در گذشته) در تالشی پره‌سری، چون‌وند استمرار -a- وجود دارد و پیشوندها هم، به مصوت ختم شده‌اند، -r- به پیشوند برمی‌گردد تا همانند همخوان میانجی عمل کند:

pe-r-a-ger'-i-run	برمی‌داشتید (پ)
pe'-r-a-ger-e	اگر برمی‌داشت (پ)
vi-r-a-ger'-i-m	می‌گرفتم (پ)
kâ pe-r-a-ger'-i-mun	می‌خواستیم گرفت (پ)

همخوان -r- هنگام منفی شدن دیگر ظاهر نمی‌شود و جای خود را به -n- نفی می‌دهد:

pe-n-a-ger'-irun	بر نمی‌داشتید (پ)
pe'-n- a-ger-em	اگر بر نمی‌داشتیم (پ)
vi-n-a-ger'-im	نمی‌گرفتم (پ)

چنین حالتی (التقاط a- پیشوندی و a- استمراری)، در تالشی شمالی نیز وجود دارد، ولی از واج میانجی استفاده نمی‌شود:

pe a-gat'-i-m	بر می‌داشتیم (ش)
pe' a-gat -i-m	اگر بر می‌داشتیم (ش)
u-a-kârd'-im	باز می‌کردم (ش)
pe-n-a-gat'-im	بر نمی‌داشتیم (ش)

افعال ترکیبی همانند افعال ساده صرف می‌شوند، فقط جزء غیر فعلی در فعل‌های ترکیبی قبل از ماده و افزونه a- ظاهر می‌شوند:

jera-a kar-i-š	داد می‌زدی (پ)
lavu a-žan-i-n	کتک می‌زدند (ش)
âtaš žan-i-š	آتش می‌زدی (ج)

طرز منفی کردن ماضی استمراری

الف- در فعل‌های ساده:

برای منفی کردن فعل‌های ساده این ساخت وند نفی -n- به اول فعل افزوده می‌شود، یعنی چون فعل خودش مُصَدَّر به مصوت است، از وند -n- استفاده می‌شود:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
n-a-nəšt-i-m	ni-nəšt-i-m	n-a-nəšt-im	نمی‌نشستم
n-a-kârd-i-n	ni-kar-i-n	n-a-kar-irun	نمی‌کردید
n-a-bârd-i-mun	ni-bar-i-mun	n-a-bar-imun	نمی‌بردیم

ب- در فعل‌های پیشوندی

در فعل‌های پیشوندی ماضی استمراری تالشی پره‌سری و شمالی، وند نفی -n- قبل از افزونه a- و بعد از پیشوند قرار می‌گیرد و در جنوبی نیز بعد از پیشوند می‌آید:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-n-a-gat-im	vi-ne-ger-im	pe-n-a-ger-im	نمی‌گرفتم

u-n-a-kârd-imun	â-ne-kar-imun	â-n-a-kar-imân	باز نمی‌کردیم
a-n-a-kârd-iš	da-ne-kar-iš	vi-n-a-kar-iš	نمی‌ریختی

فعل‌های پیشوندی ماضی استمراری شمالی و جنوبی با فعل‌های پیشوندی ماضی استمراری تمنایی در ظاهر تفاوتی ندارند، تنها تکیه آنها را از هم متمایز می‌کند (توضیح این امر ذیل ماضی استمراری تمنایی آمده است).

ج- در فعل‌های ترکیبی:

فعل‌های ترکیبی ماضی استمراری مانند فعل‌های ساده منفی می‌شوند:

صدا نمی‌زدیم	آتش نمی‌زدی	گونه
n-a-kar-imun xøle	âtaš-n-a-žan-iš	پره‌سری
da ne xun-imun	âtaš ne-žan-iš	جنوبی
sadu n-a-žan-imun	utaš n-a-žan-iš	شمالی

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی استمراری لازم در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
a-nəšt-im	niš-im	im-a-nəš	می‌نشستم
ša-nəšt-i	niš-iš	iš-a-nəš	می‌نشستی
a-nəšt-i	niš-i	i-a-nəš	می‌نشست
a-nəšt-imun	niš-imun	imun-a-nəš	می‌نشستیم
a-nəšt-in	niš-in	irun-a-nəš	می‌نشستید
a-nəšt-in	niš-in	in-a-nəš	می‌نشستند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی استمراری متعدی در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe'-gat-im	pi'-ger-im	per-a-ger-im	برمی‌داشتم
špe'-gat-i	pi'-ger-iš	šper-a-ger-i	برمی‌داشتی
pe'-gat-i	pi'-ger-i	per-a-ger-i	برمی‌داشت
pe'-gat-imun	pi'-ger-imun	per-a-ger-imun	برمی‌داشتیم
pe'-gat-in	pi'-ger-in	per-a-ger-irun	برمی‌داشتید
pe'-gat-in	pi'-ger-in	per-a-ger-in	برمی‌داشتند

۹-۹ ماضی استمراری تمنایی

این ساخت برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته به استمرار می‌توانسته انجام شود، ولی انجام نشده، یا نمی‌بایست انجام شود، انجام شده‌است. یک طرف آن (شرط یا جواب شرط)، همیشه ماضی استمراری است. به دلیل استفاده از ماده مضارع، در این ساخت، ارگتیو وجود ندارد و فعل لازم و متعددی به یک شکل ساخته می‌شوند.

طرز ساخت ماضی استمراری تمنایی تالشی به شرح زیر است:

جنوبی: $\text{وند تصریفی } b(v) + \text{ماضی استمراری} \leftarrow \text{ماضی استمراری تمنایی}$
 تالشی شمالی و پره‌سری: $\text{وند تصریفی } b(v) + \text{ماضی استمراری} \leftarrow \text{ماضی استمراری تمنایی}$
 در فعل‌های پیشوندی به جای $b(v)$ از خود پیشوند استفاده می‌شود.
 نکته: در تالشی پره‌سری علامت یا i وند استمرار $-i$ در ماضی استمراری تمنایی به $-e$ تبدیل می‌شود:

معنی	پره‌سری	جنوبی	شمالی
اگر می‌نشستند	b-a-nəš-e-n	bə-niš-i-n	b-a-nəšt-i-n
اگر می‌خوابیدید	b-a-xəs-e-run	bə-xəs-i-n	b-a-hət-i-n

طرز منفی کردن این ساخت در تالشی پره‌سری و شمالی به این صورت است که $-n$ جایگزین i وند تصریفی می‌شود. در تالشی جنوبی ma در افعال منفی به جای $b(v)$ می‌نشیند.

n-a-nəš-e-š	اگر نمی‌نشستی (پ)
pe-n-a-gat-in	اگر بر نمی‌داشتند (ش)
pi-ma-ger-in	اگر بر نمی‌داشتند (ج)
ma-niš-əm	اگر نمی‌نشتم (ج)
n-a-nəšt-iš	اگر نمی‌نشستی (ش)
pe-n-a-ger-e-m	اگر بر نمی‌داشتم (پ)
n-a-bar-e-n	اگر نمی‌بردند (پ)

فعل‌های ترکیبی هم، مانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند و $-n$ نفی قبل از پیشوند فعلی می‌آید:

vāš n-a-žan-i-š	اگر آتش نمی‌زدی (پ)
sar pā ma-mun-in	سر پا نمی‌ایستادیم (ج)
tār n-a-kārd-in	اگر خیس نمی‌کردند (ش)

نکته: تفاوت ماضی استمراری پیشوندی با ماضی استمراری تمنایی پیشوندی در تالشی:

تالشی پره‌سری: از آنجاکه هریک از این ساخت‌ها در تالشی پره‌سری وند خاصی دارند، نیازی به رعایت تکیه یا قرینه متنی برای تمایز این دو ساخت نیست. در ماضی استمراری وند -i- و در ماضی استمراری تمنایی وند -e- به کار می‌رود.

گونه شمالی و جنوبی:

در فعل پیشوندی ماضی استمراری تمنایی شمالی و جنوبی چون وند تصریفی-(v) b وجود ندارد و به جایش از پیشوند فعلی استفاده می‌شود، شکل ظاهری‌اش با ماضی استمراری پیشوندی یکی می‌شود، تنها جایگاه تکیه آنها تفاوت دارد، تکیه ماضی استمراری بر ماده فعل است، اما تکیه ماضی استمراری تمنایی روی پیشوند فعلی است. در تالشی پره‌سری چون وند مخصوص تمنایی وجود دارد، به تمایز تکیه نیازی نیست:

معنی	ماضی استمراری	معنی	ماضی استمراری تمنایی
برمی‌داشتید (پ)	per-a-gir-irun	اگر برمی‌داشتید	per-a-gir-e-run
برمی‌داشتی (پ)	per-a-gir-iš	اگر برمی‌داشتی	per-a-gir-e-š
برمی‌داشتم (ج)	pi-ger'im	اگر برمی‌داشتم	pi'-ger-im
بالا می‌رفتم (ج)	pe-š'im	اگر بالا می‌رفتم	pe'-š-im
برمی‌داشتم (ش)	pe-a-gat'im	اگر برمی‌داشتم	pe'-a-gat-im
باز می‌کردید (ش)	u-a-kârd'in	اگر باز می‌کردید	u'-a-kârd-in

جنوبی: در گونه جنوبی شکل منفی این دو ساخت برخلاف شکل مثبت‌شان از هم تمایز دارد: ماضی استمراری تمنایی با وند نفی -(a)m و ماضی استمراری با -(ə)n منفی می‌شود:

معنی	ماضی استمراری	معنی	استمراری تمنایی
بر نمی‌داشتی (ش)	pe-n-a-gat-iš	اگر بر نمی‌داشتی	pe-n-a-gat-eš
بر نمی‌داشتم (پ)	pe-n-a-ger-im	اگر بر نمی‌داشتم	pe-n-a-ger-em
بالا نمی‌پردیدی (پ)	pe-n-a-vaz-iš	اگر بالا نمی‌پردیدی	pe-n-a-vaz-eš
باز نمی‌کردم (ج)	â-ne-kar-im	اگر باز نمی‌کردم	â-ma-kar-im
بالا نمی‌رفتی (ج)	pe-ne-š-iš	اگر بالا نمی‌رفتی	pe-ma-š-iš

همان‌طور که در دو سطر آخر جدول فوق (گونه جنوبی) آمده، فعل‌های منفی دو ساخت فوق به راحتی قابل شناسایی هستند، چون وند نفی آن دو از هم تمایز دارد، در تالشی پره‌سری هم، وند استمرار -e- عامل شناسایی آن است، ولی در دو سطر اول (گونه شمالی) فقط جایگاه تکیه، ساخت فعل را مشخص می‌کند.

صرف کامل فعل نشستن در ساخت ماضی استمراری تمنایی لازم در جدول زیر آمده است:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
اگر می‌نشستم	ba-nəš-e-m	bə-niš-im	b-a-nəšt-im
اگر می‌نشستی	-š ba-nəš-e	bə-niš-iš	b-a-nəšt-iš
اگر می‌نشست	ba-nəš-e	bə-niš-i	b-a-nəšt-i
اگر می‌نشستیم	ba-nəš-e-mun	bə-niš-imun	b-a-nəšt-imun
اگر می‌نشستید	ba-nəš-e-run	bə-niš-in	b-a-nəšt-in
اگر می‌نشستند	ba-nəš-e-n	bə-niš-in	b-a-nəšt-in

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی استمراری تمنایی متعددی در تالشی:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
اگر برمی‌داشتم	per-a-ger-e-m	pi'-ger-im	pe'-a-gat-im
اگر برمی‌داشتی	šper-a-ger-e-	pi'-ger-iš	špe'-a-gat-i
اگر برمی‌داشت	per-a-ger-i	pi'-ger-i	pe'-a-gat-i
اگر برمی‌داشتیم	per-a-ger-e-mun	pi'-ger-imun	pe'-a-gat-imun
اگر برمی‌داشتید	per-a-ger-e-run	pi'-ger-in	pe'-a-gat-in
اگر برمی‌داشتند	per-a-ger-e-n	pi'-ger-in	pe'-a-gat-in

۹-۱۰ ماضی مستمر

طرز ساخت ماضی مستمر در تالشی به شرح زیر است:

تالشی پره‌سری نمودنمای -kâ(r) + صرف ماضی ساده از فعل «بودن» + مصدر فعل اصلی ← ماضی مستمر
 تالشی جنوبی نمودنمای -kəra + صرف ماضی استمراری فعل اصلی ← ماضی مستمر
 تالشی شمالی ماده ماضی + وند ina + صرف ماضی بعید «بودن» ← ماضی مستمر

مثال‌هایی از سه گونه تالشی:

فعل	پره‌سری	جنوبی	شمالی
داشتیم می‌نشستیم	kâ(r) bimun nəšte	kəra niš-im	nəšt-ina bim
داشتید می‌خوردید	kâ(r) bi-run harde	kəra har-in	hârd-ina bin
داشتی می‌رفتی	kâ(r) b-isše	kəra š-iš	š-ina biš

در این ساخت چون از ماده مضارع استفاده می‌شود، ساخت ارگتیو وجود ندارد و فعل لازم و متعدی هیچ تفاوتی با هم ندارند:

bi-mun barde kâ(r)	داشتیم می‌بردیم (پ)	متعدی
kâ(r) bi-run harde	داشتید می‌خوردید (پ)	متعدی
kæra bar-iš	داشتی می‌بردی (ج)	متعدی
bârd-ina bi-n	داشتید می‌بردید (ش)	متعدی
kâ(r) bi-mun še	داشتیم می‌رفتیم (پ)	لازم
kæra bar-imun	داشتیم می‌بردیم (ج)	لازم
hæt-ina bin	داشتید می‌خواهیدید (ش)	لازم

نکته: مانند ساخت ماضی مستمر بعضی از گویش‌ها که ترکیبی از ماضی استمراری است (نظیر تالشی جنوبی، تاتی دروی، تاتی کجلی، زبان فارسی و ...) ماضی مستمر تالشی شمالی نیز در ظاهر به نظر می‌رسد از ترکیب فعل «بودن» در زمان ماضی استمراری ساخته شده باشد، اما هنگام منفی کردن معلوم می‌شود که این گونه نیست، چون در ماضی استمراری وند نفی قبل از وند استمراری a- می‌آید، ولی در ماضی مستمر بعد از a- ظاهر می‌شود:

ماضی مستمر	ماضی استمراری
hârd-in-a bim (داشتم می‌خوردم (ش)	a-hârd-im (می‌خوردم (ش)
hârd-in-a næ-bim (داشتم نمی‌خوردم (ش)	n-a-hârd-im (نمی‌خوردم (ش)

اگر جمله آخر ماضی مستمر منفی‌اش این گونه بود: *hârd-in næ-a-bim* می‌توان گفت که فعل کمکی آن در زمان ماضی استمراری است ولی با این حال معلوم می‌شود که فعل کمکی آن ماضی بعید است نه ماضی استمراری. علاوه بر آن، از طریق شناسه سوم شخص مفرد نیز می‌توان این دو را با هم مقایسه کرد (→ طرز ساخت هر یک از ساخت‌های فوق‌الذکر شمالی).

طرز منفی کردن^۱ آن به این شرح است که در فعل‌های ساده جنوبی، وند نفی را بعد از نمودنمای *kâr- / kæra-* و در شمالی قبل از فعل معین می‌افزایند. در فعل‌های پیشوندی پره‌سری وند نفی-

۱- در زبان فارسی منفی ماضی مستمر به این صورت رواج ندارد. به عنوان مثال «داشتم نمی‌خوردم» رایج نیست و به جایش «نمی‌خوردم» به کار می‌رود، یعنی بدون فعل معین «داشتن» منفی می‌شود، در تالشی منفی ماضی مستمر رایج است. «[این امر] به ندرت در بعضی از گونه‌های فارسی دیده می‌شود، قس. یزدی: نداری پری؟ (آیا در حال رفتن نیستی؟)» (رضایی باغ بیدی، از یادداشت‌های استاد که در نزد نگارنده است).

nə بعد از نمودنمای **kâr-** و در جنوبی وند نفی بعد از پیشوند می‌آید، در شمالی وند نفی **ne-** قبل از فعل معین می‌آید:

nə-bi-mun barde kâ(r)	اشتیم نمی‌بردیم (پ)
hârd-ina nə-biš	داشتی می‌خوردی (ش)
kâ(r) nə-bim pe-še	داشتیم بالا نمی‌رفتم (پ)
kâ(r) nə-bi-run harde	داشتید نمی‌خوردید (پ)
kəra da-ne-xun-im	داشتیم صدا نمی‌زدیم (ج)
kəra nə-xəs-im	داشتیم نمی‌خوابیدیم (ج)
kəra pi-ne-ger-im	داشتیم بر نمی‌داشتیم (ج)
pe-gat-ina nə-b-in	داشتی بر نمی‌داشتید (ش)
š-ina-nə bimun	داشتیم نمی‌رفتیم (ش)

فعل‌های ترکیبی در ساخت ماضی مستمر همانند فعل‌های ساده یا پیشوندی صرف می‌شوند، در تالشی پره‌سری برای منفی کردن، وند نفی **nə-** بعد از نمودنما، در تالشی جنوبی قبل از ماده فعل و در شمالی قبل از فعل معین ظاهر می‌شود:

kâ(r) nə b-im xəle karde	داشتیم صدا نمی‌کردم (پ)
kəra kəmak nə-kar-in	داشتند کمک نمی‌کردند (ج)
kəra âtaš nə-žan-iš	داشتی آتش نمی‌زدی (ج)
gərda kâna nə-bin	داشتید جمع نمی‌کردید (ش)
utaš žana nə-bim	داشتیم آتش نمی‌زدیم (ش)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مستمر لازم در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
nəšt-ina bim	kəra niš-im	kâ(r) b-im nəšte	داشتیم می‌نشستم
šnəšt-ina bi	kəra niš-iš	kâ(r) b-iš nəšte	داشتی می‌نشستی
nəšt-ina bæ	kəra niš-i	kâ(r) b-a nəšte	داشت می‌نشست
nəšt-ina bimun	kəra niš-imun	kâ(r) b-imun nəšte	داشتیم می‌نشستیم
nəšt-ina bin	kəra niš-in	kâ(r) b-irun nəšte	داشتید می‌نشستید
nəšt-ina bin	kəra niš-in	kâ(r) b-in nəšte	داشتند می‌نشستند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مستمر متعدی در تالشی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-gat-ina bim	kəra pi-ger-im	kâ(r) b-im pe-gate	داشتم برمی‌داشتم
špe-gat-ina bi	kəra pi-ger-iš	kâ(r) b-iš pe-gate	داشتی برمی‌داشتی
pe-gat-ina bæ	kəra pi-ger-i	kâ(r) b-a pe-gate	داشت برمی‌داشت
pe-gat-ina bimun	kəra pi-ger-imun	kâ(r) b-imun pe-gate	داشتیم برمی‌داشتیم
pe-gat-ina bin	kəra pi-ger-in	kâ(r) b-irun pe-gate	داشتید برمی‌داشتید
pe-gat-ina bin	kəra pi-ger-in	kâ(r) b-in pe-gate	داشتند برمی‌داشتند

۹-۱۱ مضارع اخباری

طرز ساخت مضارع اخباری در تالشی به شرح زیر است:

تالشی پره‌سری، فعل ساده: وند تصریفی -ba + ماده ماضی + شناسه‌های ثانوی ← مضارع اخباری ساده

تالشی پره‌سری، پیشوندی: پیشوندهای فعلی + شناسه‌های ثانویه + ماده ماضی ← مضارع اخباری پیشوندی

تالشی جنوبی: ماده مضارع + شناسه‌های دسته سه ← مضارع اخباری

تالشی شمالی: وند تصریفی -ba + ماده ماضی + شناسه اخباری ← مضارع اخباری

ساده:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
ba-nəšt-em	niš-əm	ba-nəšt-im(a)	می‌نشینم
ba-bârd-e	bar-ə	ba-bard-iy(a)	می‌برد
ba-hârd-eš	har-i	b-ard-iš(a)	می‌خوری

پیشوندی:

vi-ma-gat	می‌گیرم (پ)
pe-ma-še	بالا می‌روم (پ)
pi-ger-ə	برمی‌دارد (ج)
â-kar-am	باز می‌کنیم (ج)
pe-ba-gat-em	برمی‌دارم (ش)
u-bârd-eš	می‌بلعی (ش)

فعل‌های ترکیبی نیز همانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند:

zəxâr karə	داد می‌زند (ج)
pir â-ne-bu	پیر نمی‌شود (ج)
tar ba-kard-im	قهر می‌کنم (پ)
nin u-ba-b-en	مخفی می‌شوید (ش)
utaš ba-ža-n	آتش می‌زنید (ش)

نکته: مضارع اخباری تالشی پره‌سری و شمالی بیشتر بر مفهوم آینده دلالت می‌کند، به عبارتی، گویندگان تالشی از این ساخت برای بیان آینده استفاده می‌کنند. به عنوان مثال: *ba-š-im* یعنی (بعداً) می‌روم. درست است که در زبان‌ها و گویش‌های دیگر (مثلاً زبان فارسی) مضارع اخباری برای بیان آینده نیز به کار می‌رود، اما در تالشی پره‌سری و شمالی این ساخت در اغلب موارد برای بیان آینده به کار می‌رود، فقط در مواردی اندک مفهوم حال را می‌رساند.

طرز منفی کردن فعل‌های مضارع اخباری:

در تالشی پره‌سری برای منفی کردن فعل ساده ضمن تقدیم شناسه بر ماده فعل، نشانه نفی *ni-* به جای افزونه *ba-* قرار می‌گیرد و در افعال پیشوندی و ترکیبی نشانه نفی *ni-/nə-* بین پیشوند فعلی و شناسه قرار می‌گیرد (← رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۸۸):

ni-ma-zunust	نمی‌دانم
vi-ni-ma-gat	نمی‌گیرم
tar ni-ma-kard	قهر نمی‌کنم

در تالشی جنوبی وند نفی *nə-* در افعال ساده، پیشوندی و ترکیبی قبل از ماده فعلی می‌آید:

ne-zun-u	نمی‌داند
â-nə-kar-am	باز نمی‌کنیم
zəxâr ne-kar-ə	داد نمی‌زند

در تالشی شمالی طرز منفی کردن مضارع اخباری بدین شکل است که وند نفی *ni-* همیشه قبل از وند تصریفی *ba-* ظاهر می‌شود:

ni-ba-hət-eš	نمی‌خوابیدی
ni-ba-nəšt-em	نمی‌نشینم
pe-ni-ba-gat-emun	بر نمی‌داریم
utaš ni-ba-ža-n	آتش نمی‌زنید

نکته: همان‌طور که معلوم است، فرق عمده در طرز منفی کردن مضارع اخباری تالشی پره‌سری و شمالی این است که در پره‌سری وند نفی جایگزین وند تصریفی ba- می‌شود، ولی در شمالی وند نفی ni- وند تصریفی را حذف نمی‌کند و قبل از آن ظاهر می‌شود.

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع اخباری لازم:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
ba-nəšt-em	niš-əm	ba-nəšt-im(a)	می‌نشینم
šba-nəšt-e	niš-i	ba-nəšt-iš(a)	می‌نشینی
ba-nəšt-e	niš-ə	ba-nəšt-iy(a)	می‌نشیند
ba-nəšt-emun	niš-am(nu)	ba-nəšt-imun(a)	می‌نشینیم
ba-nəšt-en	niš-an	ba-nəšt-irun(a)	می‌نشینید
ba-nəšt-en	niš-ən	ba-nəšt-in(a)	می‌نشینند

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع اخباری متعدی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-ba-gat-em	pi-ger-əm	pe-ma-gat	برمی‌دارم
pe-ba-gat-eš	pi-ger-i	pe-ša-gat	برمی‌داری
pe-ba-gat-e	pi-ger-ə	pe-ra-gat	برمی‌دارد
pe-ba-gat-emun	pi-ger-am(nu)	pe-muna-gat	برمی‌داریم
pe-ba-gat-en	pi-ger-an	pe-run-a-gat	برمی‌دارید
pe-ba-gat-en	pi-ger-ən	pe-na-gat	برمی‌دارند

۹-۱۲ مضارع التزامی نشانه‌دار

این ساخت فقط در پره‌سری رواج دارد. طرز ساخت مضارع التزامی نشانه‌دار در تالشی به شرح زیر است:
وند وجه (۱) b + ماده مضارع + وجه‌نمای -â + شناسه‌های ثانویه ← مضارع التزامی نشانه‌دار

پره‌سری	فعل
bə-š-â-m	بروم
bə-žan-â	بزند
bə-har-â-mun	بخوریم
bu-xur-â-š	بخندی
bi-vin-â-mun	ببینیم
b-ašmar-â-š	بشمی

چنان که در جدول فوق پیداست، مصوت وند تصریفی ثابت نیست، بلکه هماهنگ با واکنه هجای اول ماده مضارع تغییر می‌کند. مضارع التزامی نیز مانند ماضی التزامی دو ساخت دارد: بانشانه و بی‌نشانه. مضارع التزامی نشانه‌دار، -â- دارد و همراه شناسه‌های ثانوی به کار می‌رود و مضارع التزامی بی‌نشانه، نشانه خاصی ندارد و همراه شناسه‌های اولیه به کار می‌رود.

فعل‌های پیشوندی و ترکیبی مضارع التزامی نشانه‌دار همانند افعال ساده‌اند و در پیشوندی به جای وند تصریفی b(ʋ) از پیشوند فعلی استفاده می‌شود و برای منفی کردن، وند نفی nə- به جای bə- می‌آید:

vi-nə-ger-â-š	نگیری (پ)
nə-nəš-â-š	ننشینی (پ)

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع التزامی نشانه‌دار لازم:

معنی	پره‌سری
اگر بنشینم	-mâbə-nəš-
اگر بنشینی	bə-nəš-â-š
اگر بنشیند	bə-nəš-â
اگر بنشینیم	bə-nəš-â-mun
اگر بنشینید	bə-nəš-â-run
اگر بنشینند	bə-nəš-â-n

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع التزامی نشانه‌دار متعدی:

فعل	پره‌سری
اگر بردارم	pe-ger-â-m
اگر برداری	pe-ger-â-š
اگر بردارد	pe-ger-â
اگر برداریم	pe-ger-â-mun
اگر بردارید	pe-ger-â-run
اگر بردارند	pe-ger-â-n

۹-۱۳ مضارع التزامی (بی نشانه)^۱

طرز ساخت مضارع التزامی (بی نشانه) در تالشی به شرح زیر است:

پره‌سری و جنوبی: $\text{وند وجه} - b(\text{v}) + \text{ماده مضارع} + \text{شناسه‌های (اولیه)} \leftarrow \text{مضارع التزامی (بی نشانه)}$

تالشی شمالی: $\text{وند وجه} - b(\text{v}) + \text{ماده مضارع} + \text{شناسه‌های التزامی} \leftarrow \text{مضارع التزامی}$

bə-š-um	بروم (پ)
be-žan-u	بزند (پ)
bə-xəs-i	بخوابی (پ)
bə-niš-i	بنشین (ج)
bə-vin-i	ببین (ج)
bə-našt-um	بنشینم (ش)
bə-hət-an	بخوابید (ش)

در گونه پره‌سری این ساخت، مصوت وند تصریفی ناپایدار است و هماهنگ با واژه نخستین هجای ماده فعل تغییر پیدا می‌کند:

bu-xur-um	بخندم (پ)
bi-vin-um	ببینم (پ)
b-ašmar-um.	بشمرم (پ)

ساخت فعل لازم و متعدی در مضارع التزامی (بی نشانه) تفاوتی با هم ندارند و در فعل‌های پیشوندی به جای پیشوند وجه از پیشوند فعلی استفاده می‌شود.

vi-ger-um	بگیرم (پ)
pe-ger-am	برداریم (پ)
â-kar-ə	باز کند (ج)
pi-ger-am(nu)	برداریم (ج)
pe-gat-um	بردارم (ش)
u-bârd-uš	ببلی (ش)

نکته: در منفی افعال ساده جنوبی، چون وند نفی جانشین وند التزامی و اخباری می‌شود و از ظهور آن جلوگیری می‌کند، در ظاهر فرقی بین مضارع اخباری و التزامی باقی نمی‌ماند و در این مواقع راه حل (بعد از قرینه نحوی و متنی) تشخیص محل تکیه است. در التزامی تکیه بر وند نفی و در اخباری تکیه بر شناسه فعل است:

۱- در دو گونه جنوبی و شمالی یک مضارع التزامی وجود دارد و این مضارع التزامی همان مضارع التزامی بی نشانه پره‌سری است.

معنی	مضارع التزامی	معنی	مضارع اخباری
نبینی (ج)	ne'-vin-i	نمی‌بینی (ج)	ne-vin-i'
ننشینی (ج)	ne'-niš-i	نمی‌نشینی (ج)	ne-niš-i'

نکته: در گونهٔ جنوبی چون در مضارع التزامی پیشوندی دیگر از وند تصریفی -(v) b استفاده نمی‌شود و پیشوند به جای آن می‌نشیند، در شکل، همانند مضارع اخباری پیشوندی می‌شود، در این مواقع یگانه راه شناخت این دو فعل جایگاه تکیهٔ آنهاست، به این ترتیب که در مضارع التزامی (بی‌نشانه) پیشوندی تکیه بر پیشوند فعلی و در مضارع اخباری پیشوندی تکیه بر مادهٔ مضارع است، در منفی این فعل‌ها جای تکیه مهم نیست، چون وند نفی مضارع اخباری nə- و وند نفی مضارع التزامی ma- است^۱:

معنی	مضارع التزامی	معنی	مضارع اخباری
بردارم (ج)	pi'-ger-əm	برمی‌دارم (ج)	pi-ger'-əm
بازکنیم (ج)	â'-kar-am	باز می‌کنیم (ج)	â-kar'-am

فعل‌های ترکیبی نیز همانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند:

جمع کنم (پ)	gərd â-kar-əm
حرف بزنیم (پ)	gaf bə-žan-am
جمع کنی (ج)	gərd â-kar-i
آتش بزنیم (ج)	âtaš bə-žan-am
صدا بزنی (ش)	sadu bə-žan-uš
(اگر) جمع بکنید (ش)	gərda bə-kun

طرز منفی کردن فعل‌های مضارع التزامی (بی‌نشانه):

برای منفی کردن این ساخت در پره‌سری و شمالی وند نفی nə- به جای وند تصریفی می‌آید و در افعال پیشوندی بین پیشوند و مادهٔ فعل قرار می‌گیرد، در جنوبی وند نفی ma- همیشه قبل از مادهٔ فعلی و می‌آید، از این لحاظ فرقی بین فعل ساده و پیشوندی و ترکیبی ندارد:

نخوری (پ)	nə-(h)ar-i
ننشینید (پ)	nə-nəš-a
نگیرم (پ)	vi-nə-ger-um
باز نکند (ج)	â-ma-kar-ə
برنداریم (ج)	pi-ma-ger-am

۱ - چنین حالتی در دو فعل ماضی استمراری پیشوندی و ماضی استمراری تمنایی پیشوندی نیز وجود دارد. ← ماضی استمراری تمنایی.

nə-bârd-un	نبرند (ش)
ne-vqând-um	نفرستم (ش)

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع التزامی (بی نشانه) لازم:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
bə-nəš-um	bə-niš-əm	bə-nəš-um	بنشینم
bə-nəš-uš	bə-niš-i	bə-nəš-i	بنشینی
bə-nəš-u	bə-niš-ə	bə-nəš-u	بنشیند
bə-nəš-amun	bə-niš-am(nu)	bə-nəš-am	بنشینیم
bə-nəš-un	bə-niš-an	bə-nəš-a	بنشینید
bə-nəš-un	bə-niš-ən	bə-nəš-un	بنشینند

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع التزامی بی نشانه متعدی:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-gat-um	pi'-ger-əm	pe-ger-um	بردارم
pe-gat-uš	pi'-ger-i	pe-ger-i	بردارای
pe-gat-u	pi'-ger-ə	pe-ger-u	بردارد
pe-gat-amun	pi'-ger-am(nu)	pe-ger-am	برداریم
pe-gat-an	pi'-ger-an	pe-ger-a	بردارید
pe-gat-un	pi'-ger-ən	pe-ger-um	بردارند

۹-۱۴ مضارع مستمر

طرز ساخت مضارع مستمر به شرح زیر است:

تالشی پره‌سری:	-kâ(r) + افزونه استمرار + شناسه‌های ثانویه + مصدر ساده ← مضارع مستمر
تالشی جنوبی:	-kəra + ماده مضارع + شناسه‌های ثانویه ← مضارع مستمر
تالشی شمالی:	-ina + وند + شناسه ← مضارع مستمر

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
hârd-ina-m	kəra har-əm	kâr-ima-harde	دارم می‌خورم
nəšt-ina-n	kəra niš-ən	kâr-ina-nəšte	دارند می‌نشینند
bârd-ina-š	kəra bar-i	kâr-iša-barde	داری می‌بری

در فعل‌های پیشوندی به جای مصدر ساده از مصدر پیشوندی استفاده می‌شود:

kâri-ima vi-gate	دارم می‌گیرم (پ)
kəra â-day	داری می‌دهی (ج)
kəra â-kar-əm	دارم باز می‌کنم (ج)
u-kârd-ina-y	دارد باز می‌کند (ش)
a-bârd-ina-š	داری می‌بلعی (ش)

در گونه شمالی در اغلب موارد مضارع مستمر به جای مضارع اخباری استفاده می‌شود و مضارع اخباری به جای آینده به کار می‌رود. وند مخصوص مضارع مستمر شمالی -na- و -ina- است. وند -ina- با اغلب فعل‌ها به کار می‌رود، ولی وند -na- با تعداد خاصی از افعال به کار می‌رود و همین تعداد خاص افعال، از افعالی‌اند که با وند -ina- نیز به کار می‌روند:

شمالی:

معنی	با وند -ina-	با وند -na-
برمی‌دارم	pe-gat-ina-m	pe-ga-na-m
می‌برم	bârd-ina-m	bâ-na-m
می‌خورم	hârd-inâ-m	hâ-na-m
می‌اندازم	a-qând-ina-m	a-qâ-na-m

طرز منفی کردن این ساخت^۱ در پره‌سری به این شرح است که وند نفی -ni- بین افزونه استمرار و شناسه قرار می‌گیرد، در تالشی جنوبی وند نفی -nə- بعد از پیشوند و قبل از ماده فعل قرار می‌گیرد و در شمالی وند -ni- قبل از شناسه قرار می‌گیرد:

kâr-ni-ma pate	دارم نمی‌پزم (پ)
kâr-ni-muna vi-gate	داریم نمی‌گیریم (پ)
kəra pe-ne-piç-ə	دارد نمی‌پیچد (ج)
kəra â-ne-day	داری نمی‌دهی (ج)
hət-ina-ni-m	دارم نمی‌خواهم (ش)
u-kârd-ina-ni-š	داری باز نمی‌کنی (ش)

فعل لازم و متعدی در این ساخت هیچ تفاوتی با هم ندارند. نمونه کاملی از صرف فعل مضارع مستمر در زیر می‌آید:

۱- نک. پاورقی شماره ۲۴ در همین بخش.

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
nəšt-ina-m	kəra niš-əm	kâr-ima nəšte	دارم می‌نشینم
nəšt-ina-š	kəra niš-i	kâr-iša nəšte	داری می‌نشینی
nəšt-ina-y	kəra niš-ə	kâr-a nəšte	دارد می‌نشیند
nəšt-ina-mun	kəra niš-am(nu)	kâr-imuna nəšte	داریم می‌نشینیم
nəšt-ina-n	kəra niš-an	kâr-iruna nəšte	دارید می‌نشینید
nəšt-ina-n	kəra niš-ən	kâr-ina nəšte	دارند می‌نشینند

نمونه کاملی از صرف فعل متعدی مضارع مستمر در زیر می‌آید:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	فعل
pe-gat-ina-m	kəra-pi-ger-əm	kâr-ima pe-gate	دارم برمی‌دارم
pe-gat-ina-š	kəra-pi-ger-i	kâr-iša pe-gate	داری برمی‌داری
pe-gat-ina-y	kəra-pi-ger-ə	kâr-a pe-gate	دارد برمی‌دارد
pe-gat-ina-mun	kəra-pi-ger-am(nu)	kâr-imuna pe-gate	داریم برمی‌داریم
pe-gat-ina-n	kəra-pi-ger-an	kâr-iruna pe-gate	دارید برمی‌دارید
pe-gat-ina-n	kəra-pi-ger-ən	kâr-ina pe-gate	دارند برمی‌دارند

۹-۱۵ آینده در گذشته

این ساخت فقط در تالشی پره‌سری رواج دارد. طرز ساخت آن در تالشی پره‌سری به شرح زیر است:
افزونه $kâ-$ + ماضی استمراری از فعل ساده ← آینده در گذشته فعل‌های ساده (رضایتی، کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۸۴).

در این ساخت چون از افزونه یا وند $-a-$ استفاده می‌شود، مثل ساخت‌های دیگر (ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی)، به پیشوندهای $vi-$ و $pe-$ واج $-r-$ اضافه می‌گردد:

kâ per-a-ger-imun	می‌خواستیم برداشت ^۱
kâ vir-a-ger-iš	می‌خواستی گرفت

نیز ← ساخت ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنایی. ساخت آینده در گذشته از افعال پیشوندی چنین است:

افزونه $kâ-$ + ماضی استمراری از فعل پیشوندی ← آینده در گذشته فعل‌های پیشوندی

۱ - برای ترجمه این ساخت به فارسی ← رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۸۴.

در افعال پیشوندی آینده در گذشته، وند -a- بعد از پیشوند ظاهر می‌شود:

kâ per-a-ger-im	می‌خواستم برداشت
kâ vir-a-ger-iš	می‌خواستی گرفت
kâ per-a-ger-imun	می‌خواستیم گرفت

طرز منفی کردن آینده در گذشته به این شرح است که وند نفی -n- بعد از افزونه -a- قرار می‌گیرد، به عبارتی دیگر، به جای وند -a- از وند نفی -na- استفاده می‌شود:

kâ na-nəš-im	نمی‌خواستم نشست
kâ pe-na-ger-iš	نمی‌خواستی برداشت

نمونه کاملی از صرف فعل لازم آینده در گذشته در زیر می‌آید:

پره‌سری	فعل
kâ a-nəš-im	می‌خواستم نشست
kâ a-nəš-iš	می‌خواستی نشست
kâ a-nəš-i	می‌خواست نشست
kâ a-nəš-imun	می‌خواستیم نشست
kâ a-nəš-irun	می‌خواستید نشست
kâ a-nəš-in	می‌خواستند نشست

نمونه کاملی از صرف فعل متعدی آینده در گذشته در زیر می‌آید:

پره‌سری	فعل
kâ a-nəš-im	می‌خواستم گرفت
kâ a-nəš-iš	می‌خواستی گرفت
kâ a-nəš-i	می‌خواست گرفت
kâ a-nəš-imun	می‌خواستیم گرفت
kâ a-nəš-irun	می‌خواستید گرفت
kâ a-nəš-in	می‌خواستند گرفت

۹-۱۶ آینده نزدیک

این ساخت فقط در تالشی پره‌سری رواج دارد. طرز ساخت آینده نزدیک از فعل ساده در تالشی به این شرح است: افزونه kâ + صرف مضارع اخباری از فعل ساده ← آینده نزدیک فعل ساده

kâ ba-vât-im(a)	می‌خواهم بگویم
kâ ba-vind-iš	می‌خواهی ببینی
kâ vi-muna-gat	می‌خواهیم بگیریم

روش ساخت فعل پیشوندی آینده نزدیک به شرح زیر است:

افزونه -kâ + مضارع اخباری پیشوندی ← آینده نزدیک پیشوندی

kâ pe-ma-gat	می‌خواهم بردارم
kâ pe-ša-gat	می‌خواهی برداری
kâ vi-run-a gat	می‌خواهید بردارید

طرز منفی کردن این ساخت همانند منفی کردن مضارع اخباری است، با این تفاوت که در این ساخت افزونه -kâ در اول فعل اضافه می‌شود:

kâ ni-ma-še	نمی‌خواهم بروم
kâ vi-ni-ma-gat	نمی‌خواهیم بگیریم

نمونه کاملی از صرف فعل لازم آینده نزدیک در زیر می‌آید:

پره‌سری	فعل
kâ ba-nəšt-im(a)	می‌خواهم بنشینم
kâ ba-nəšt-iš(a)	می‌خواهی بنشینی
kâ ba-nəšt-iy(a)	می‌خواهد بنشیند
kâ ba-nəšt-imun(a)	می‌خواهیم بنشینیم
kâ ba-nəšt-irun(a)	می‌خواهید بنشینید
kâ ba-nəšt-in(a)	می‌خواهند بنشینند

نمونه کاملی از صرف فعل متعدی آینده نزدیک در زیر می‌آید:

پره‌سری	فعل
kâ pe-ma-gat	می‌خواهم بردارم
kâ pe-ša-gat	می‌خواهی برداری
kâ pe-ra-gat	می‌خواهد بردارد
kâ pe-muna-gat	می‌خواهیم برداریم
kâ pe-run-a-gat	می‌خواهید بردارید
kâ pe-na-gat	می‌خواهند بردارند

۱۰ - فعل امر و نهی

از آنجا که فعل امر و نهی در زیرمجموعه «بخش زمان فعل» نمی‌گنجند، جداگانه در این بخش ذکر شده‌اند.

۱۰-۱ فعل امر

طرز ساخت فعل امر در تالشی به شرح زیر است:

ماده مضارع + پیشوند تصریفی b- (و گونه‌های bu-, bi-, bə- و ba-) ← فعل امر

فعل امر دو صیغه دارد: مفرد، که بدون شناسه است و جمع، که شناسه اش a- (در پره‌سری) و -an- (در شمالی و جنوبی) است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	مفرد	جمع
دانستن (ج)	zunust-e(n)	zun	bu-zun	bu-zun-an
زدن (پ)	žae	žan	bə-žan	bə-žan-a
شنیدن (ش)	mase	mas	bə-mas	bə-mas-an

در زیر مثال‌هایی از وندهای تصریفی فعل در سه گونه ذکر می‌شود:

الف) گونه bə- شایع‌ترین وند تصریفی فعل امر تالشی است که با افعال ساده آغاز شده با همخوان می‌آید، این وند در فعل امر تالشی شمالی بسیار کاربرد دارد و از پایداری زیادی برخوردار است در حالی که در دو گونه دیگر این وند ناپایدارتر است و تحت تأثیر واکه ماده فعل قرار می‌گیرد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
کردن (پ)	kard-e	kar	bə-ka
پاره شدن (پ)	zerist-e	zer	bə-zer
گریستن (ج)	bə-ramen	bəram	bə-bram
دویدن (ج)	tell-e	tell	bə-tell
خندیدن (ش)	ser-e	ser	bə-ser
لنگیدن (ش)	lâng-e	lâng	bə-lâng
خوردن (ش)	hârd-e	har	ba-han

چند نکته دربارهٔ ماده‌های مُصدر با همخوان v- یا h-:

ماده‌هایی که با همخوان v- و h- آغاز می‌شوند^۱، گاهی همخوان نخست خود را از دست می‌دهند و بعد از آن، واژهٔ پیشوند امر با واژهٔ ماده ادغام می‌شود، در فعل نهی همخوان v- برمی‌گردد:

نمونه‌هایی از مادهٔ آغاز شده با همخوان v-:

معنی	مصدر	مادهٔ مضارع	فعل امر	فعل نهی
گفتن (ش)	vute	vâ	b-ut (<*bə-vut)	ma-vâ
گفتن (پ)	vât-e	vâj	b-âj (<*bə-vâj)	ma-vâj
آوردن (ش)	vârd-e	va	b-iya (<*bə-vâr)	ma-va
دیدن (ش)	vind-en	vin	beynd (<*bə-vind)	ma-vin
آوردن (ج)	vard-en	var	bua (<*bə-var)	ma-va

نمونه‌هایی از مادهٔ آغاز شده با همخوان h-:

معنی	مصدر	مادهٔ مضارع	فعل امر
گذاشتن (پ)	hašt-e	harz	b-arz (ˈ bə<harz)
نوشتن (پ)	hent-e	henj	b-enj (ˈ bə<henj)
خوردن (پ)	hard-e	har	b-a (ˈ bə<har)

ب) گونهٔ b- با ماده‌هایی می‌آید که با واژهٔ آغاز می‌شوند:

معنی	مصدر	مادهٔ مضارع	فعل امر
ریز ریز کردن (ج)	injand-e	injan	b-injan
شمردن (ش)	âšmârde	âšmâr	b-âšmâr
شمردن (پ)	ašmard-e	ašmar	b-ašmar
ارزیدن (پ)	erj-ist-e	erj	b-erj
شمردن (ج)	išmârd-en	išmâr	b-išmâr
ریز ریز کردن (ج)	injand-e	injan	b-injan

۱- این امر در گویش‌های دیگر ایرانی نیز قابل ملاحظه است، برای نمونه ← رضایی باغ ببیدی، گویش ویدری، ص ۲۹، نیز ← پاورقی فعل امر در بخش تاتی.

(ج) گونه **bi-** گاهی با ماده‌ای به کار می‌رود که واژه هجای اول آن **-e-** یا **-i-** باشد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
دیدن (ج)	vind-en	vin	b i-vin
دویدن (پ)	virit-e	virij	bi-virij
پختن (پ)	pate	pej	bi-pej
گرفتن (پ)	gate	ger	bi-ge(r)
گرفتن (ج)	get-e	ger	bi-ger
پختن (پ)	pat-e	pej	bi-pej

(د) وند **bu-** با ماده‌ای می‌آید که هجای نخستش واژه **-u** دارد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
خندیدن (پ)	xur-ust-e	xur	bu-xur
دوشیدن (ج)	duš-en	duš	bu-duš
دانستن (ج، م)	zun-uste(n)	zun	bu- zun

چند نکته کلی درباره فعل امر

نکته ۱ - هنگام پیوستن شناسه جمع به امر جمع فعل‌هایی که ماده مضارعشان مختوم به مصوت باشد، واج میانجی **-r/-y-** بین آنها ظاهر می‌شود و فرقی نمی‌کند فعل ساده یا پیشوندی باشد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
نهادن (پ)	nu-e	na	bə-na-[r]a
دادن (پ)	â-du-e(n)	da	â-da-[r]a
امدن (پ)	ume(n)	â	b-e-[r]a
نهادن (ج)	nuen	na	bə-ni-[y]-an
دادن (ج)	â-du-en	â-da	â-di-[y]-an

در تالشی شمالی این امر کمتر اتفاق می‌افتد، مثلاً فعل امر جمع، مصدر **due** (دادن) **bə-d-an** می‌شود.

در امر مفرد بعضی از فعل‌ها که ماده مضارع آنها مختوم به **-r** است، همخوان **-r** حذف می‌گردد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
کردن (پ)	kard-e	kar	bə-ka(r)

b-ge(r)	ger	gte-e	گرفتن (پ)
da-ka	da-kar	da-kard-en	ریختن (ج)
b-a(r)(* <har)	har	hard-e	خوردن (پ)
u-ka	kâr	kârd-e	باز کردن (ش)

در صیغه جمع این فعل‌ها، همخوان (-r) برمی‌گردد:

معنی	امر مفرد	امر جمع
کردن (پ)	bə-ka	bə-kar-a
گرفتن (پ)	b-ge	b-ger-a
ریختن (ج)	da-ka	da-kar-an
خوردن (پ)	b-a	b-ar-a

در تالشی شمالی همخوان مورد نظر بر نمی‌گردد. مثلاً فعل امر جمع u-kârd-e و hârd-e چنین است:

معنی	مصدر	فعل امر
باز کردن (ش)	u-kârd-e	u-ka-n
خوردن (ش)	hârd-e	ba-ha-n

نکته ۲- در فعل‌های پیشوندی به جای پیشوند امر- (v) b (و نیز گونه‌های آن) از پیشوند فعلی استفاده نمی‌شود:

معنی	مصدر	فعل امر
ریختن (پ)	vi-kard-e	vi-ka
ساییدن (ج)	â-suen	â-sâ
بستن (ش)	da-bâst-e	da-bâst
آویختن (ش)	â-hâšt-e	â-hâšt
پاشیدن (پ)	pe-šand-e	pe-šun
بیرون آوردن (پ)	bar-varde	bar-va
برداشتن (ش)	pe-gat-en	pe-gat

نکته ۳ - در آخر بعضی از فعل‌های امر گونه پره‌سری همخوان -n اضافه می‌گردد، بدون اینکه در ماده مضارع آنها چنین همخوانی وجود داشته باشد^۱:

مصدر	امر مفرد
بگو	bə-vâj-en(>vâj)
بگذار	b-arz-en(>harz)
برو	bə-š-en

امر فعل‌های مرکب نیز مانند فعل‌های ساده و پیشوندی ساخته می‌شود و بسته به پیشوندی یا ساده بودن فعل پایه، از آن فعل امر درست می‌شود، یعنی، فعل مرکبی که جزء فعلی‌اش ساده است، امرش وند-b(v) می‌گیرد، و فعل مرکبی که جزء فعلی‌اش پیشوندی است، به جای -b(v) از خود پیشوند اشتقاقی فعل استفاده می‌کند:

معنی	مصدر	فعل امر
سرد کردن (م، ج)	sard â-kard-e(n)	sard â-ka
فراموش کردن (ش)	yudu kârd-e	yudo be-ka
سفر کردن (ش)	safe še	safe be-ši
ادا درآوردن (ج)	čuna â-gaten	čuna â-ge
حرف زدن (پ)	gaf že	gaf bə-žan

۱۰-۲ فعل نهی

برای ساختن فعل نهی از فعل‌های ساده، فقط جای پیشوند امر با پیشوند نفی -m(a) عوض می‌شود، به عبارتی دیگر، به جای-bə از -ma و به جای -b از -m استفاده می‌شود:

معنی	مصدر	فعل امر	فعل نهی
خوردن (م، ج)	hard-e(n)	b-a	m-a
شمردن (پ)	ašmard-e	b-ašmar	m-ašmar
خریدن (م، ج)	xəri-e(n)	bə-xər	ma-xər
خواستن (ش)	piye	ba-pi	ma-pi
توانستن (ش)	zəne(y)	bə-zən	ma-zən
کردن (م، ج)	kard-e(n)	bə-ka	ma-ka

۱- توضیحات بیشتر درباره این همخوان -n، ذیل فعل امر تاتی آمده است.

در فعل‌های پیشوندی پره‌سری، جنوبی و شمالی، پیشوند نهی-(a)m بعد از پیشوند فعلی قرار می‌گیرد:

معنی	مصدر	فعل امر	فعل نهی
ریختن (پ)	vi-kard-en	vi-ka	vi-ma-ka
خاموش کردن (ش)	u-kəšt-e	u-kəšt	u-ma-kəšt
پهن کردن (ج)	ji-kard-en	ji-ka	ji-ma-ka
بستن (پ)	â-bast-e	â-bend	â-ma-bend
پاشیدن (پ)	pe-šand-e	pe-šun	pe-ma-šun
برگشتن (ج)	â-gard-en	â-gard	â-ma-gard
برداشتن (ش)	pe-gat-e	pe-gat	pe-ma-gat
بستن (ج)	da-bast-en	da-bast	da-ma-bast

در فعل‌های نهی پیشوندی با -bar تغییری صورت می‌گیرد، بدین صورت که وند نفی -ma- وسط پیشوند قرار می‌گیرد:

بیرون کن (پ)	ba-ma-r-ka
بیرون نروید (پ)	ba-ma-r-ša

پیشوند -bar فقط در گونه پره‌سری واج -r- دارد.

در فعل‌های مرکب نیز فعل نهی مانند فعل‌های ساده ساخته می‌شود، در فعل‌های پیشوندی مرکب، بعد از پیشوند، وند نفی ظهور می‌کند:

معنی	مصدر	فعل امر
ادا درآوردن (ج)	čuna â-gaten	čuna â-ma-ge
حرف زدن (پ)	gaf že	gaf ma-žan
سفر کردن (ش)	safe še	safe ma-ši
سرد کردن (م، ج)	sard â-kard-e(n)	sard-â-ma-ka
فراموش کردن (ش)	yud-u-kârd-e	yud-u-ma-ka

۱۱- فعل‌های معین و شبه‌معین

۱-۱۱ فعل معین

تنها فعل معین تالشی از مصدر be(n) «بودن» است که در هر سه گونه به کار می‌رود.

be(n) «بودن»

فعل‌هایی از مصدر be(n) علاوه بر شکل پی‌بستی و ربطی، به عنوان فعل معین در صرف فعل‌های ماضی بعید، ماضی مستمر (گونه‌های پره‌سری و شمالی)، ماضی بعید تمنایی، ماضی التزامی نشانه‌دار (پره‌سری)، و ماضی التزامی (بی‌نشانه) به کار می‌رود:

تالشی پره‌سری:

xəta b-iš(a)	خوابیده بودی	ماضی بعید
kâr b-ina âme	داشتند می‌آمدند	ماضی مستمر
xəta ba-b-em	می‌خوابیده بودم	ماضی بعید تمنایی
xəta bu-bu	خوابیده باشد	ماضی التزامی (بی‌نشانه)
xəta bā-bâ	اگر خوابیده باشد	ماضی التزامی نشانه‌دار
kâr-im(a) ' năšt-e	دارم می‌نشینم	مضارع مستمر
ba-bi xət-e	می‌شود خوابید	فعل‌های غیرشخصی

تالشی جنوبی:

در جنوبی فقط در سه ساخت زیر فعل‌هایی از مصدر b-en به عنوان فعل معین به کار می‌رود:

xəta ba-b-em	می‌خوابیده بودم	ماضی بعید تمنایی
ništa bu-bum	نشسته باشم	ماضی التزامی بی‌نشانه
bu ništ-en	می‌شود نشست	فعل‌های غیرشخصی

نکته: در ساخت فعل بعید تالشی جنوبی از فعل معین بودن be استفاده نمی‌شود (← ساخت ماضی بعید در گونه جنوبی).

تالشی شمالی: در تالشی شمالی نیز فقط در سه ساخت زیر فعل be به عنوان فعل معین به کار می‌رود:

۱- آنچه در این جا آمده، شناسه نیست، بلکه شکل پی‌بستی فعل معین بودن be آمده است، چون شناسه به فعل یا یا جزء فعلی می‌پیوندد و kâr- در این جا فعل نیست.

nəšta b-um	نشسته باشم	ماضی التزامی
b-im nəšta	نشسته بودم	ماضی بعید
vinda-m bə	دیده بودم	ماضی بعید
nəšta bə-bim	می‌نشسته بودم	ماضی بعید تمنایی
ba-be nəšte	می‌شود نشست	فعل‌های غیرشخصی

در تالشی پره‌سری نوعی از شکل نهی و التزامی **be** «بودن» در دوم شخص مفرد رایج است که شبیه فعل فارسی **bâš** «باش»^۱ است و در حقیقت از شناسه التزامی نشانه‌دار برای القای تأکید به به فعل امر استفاده شده‌است:

bikâr ma-bâš	بیکار نشو / بیکارنشوی (پ)
tân xâ ma bâš	تنها نشو / تنها نشوی (پ)
čâk â-bâš	خوب شو / خوب شوی (پ)

طرز منفی کردن این فعل، مثل منفی کردن دیگر فعل‌هاست، که در بخش «فعل از جهت زمان» در زیر هر ساختی، طریقه منفی کردن آنها آمده است. در تالشی صرف فعل معین **be(n)** «بودن» در ماضی مطلق به شرح زیر است:

شمالی	پره‌سری	فعل
b-im	b-im	بودم
b-iš	b-iš	بودی
bə	b-a	بود
b-imun	b-imun	بودیم
b-in	b-irun	بودید
b-in	b-in	بودند

در جنوبی این فعل بدین صورت صرف نمی‌شود. برای فعل **be** «بودن» در جنوبی تک. «ساخت پی‌بستی فعل **be(n)** بودن» بند ۱۲-۱.

۱- این فعل گرچه یاد آور فعل «باش» فارسی است، اما ربطی به آن ندارد، در تالشی **š-** در آخر فعل، شناسه دوم شخص مفرد است و جزء فعل نیست و در دیگر صیغه‌ها شکلی دیگر دارد. ← شناسه‌های ثانویه تالشی.
 ۲- در اصل این فعل التزامی است که برای فعل نهی به کار می‌رود، قس. فارسی: بروی، نرو. که فعل التزامی است، اما اما برای امر و نهی نیز به کار می‌رود. نیز ← همین بحث در مورد تاتی ذیل فعل معین **bi-en** و باورقی آن.

۱۱-۲ فعل‌های شبه‌معین

فعل‌های شبه‌معین تالشی عبارت‌اند از:

توانستن	šâst-e (پره‌سری)، šâse(n) (جنوبی)، zənə/bane (شمالی)
باید	basi (پره‌سری)، bāse/be (جنوبی)، bapiyay (شمالی)
خواستن (قلبی)، تصمیم داشتن	piste (پره‌سری) piya (جنوبی) piye (شمالی)
نکند	nə-karə (پره‌سری و جنوبی)
شروع کردن	شروع کردن da-mand-e (پره‌سری، جنوبی و شمالی)
خواستن	xâst-en (جنوبی)
امکان داشتن	babe (شمالی)، babi (پره‌سری)، bu (جنوبی)

۱۱-۲-۱ توانستن šâst-e^۱ (پره‌سری)، šâse(n) (جنوبی)، zənə /bane (شمالی).

تابع این فعل در تالشی همیشه شکل مصدری دارد و در بیشتر ساخت‌ها صرف می‌شود و می‌توان جای تابع را عوض کرد، یعنی آن را قبل یا بعد از فعل ذکر کرد. این فعل از نظر معنی و کارکرد در گونه‌های سه‌گانه، یکسان است، ولی فعل تالشی شمالی با جنوبی و پره‌سری تفاوت دارد:

پره‌سری šâst-e: (توانستن)

ba-šâm-a še.	اگر بتوانم رفت.	مضارع التزامی نشانه‌دار
šâst-im(a) še.	توانستم رفت.	ماضی ساده
a-šâm(a) še.	می‌توانستم رفت.	ماضی استمراری
ba-šâm'(a) še.	می‌توانم رفت.	مضارع اخباری
ba'-šâm(a) še.	اگر می‌توانستم رفت.	ماضی استمراری تمنایی
šasta-m nə-ba pate.	نتوانسته بودم پخت.	ماضی بعید

همان‌طور که در جدول مشخص شده است (سطر ۳ و ۴)، تفاوت مضارع اخباری و ماضی استمراری تمنایی این فعل همانند دیگر فعل‌ها فقط در جایگاه تکیه است، در مضارع اخباری تکیه بر هجای دوم فعل و در ماضی استمراری تمنایی تکیه بر وند تصریفی است.

جنوبی: šâsen (توانستن)

در جنوبی تابع این فعل به شکل مصدری یا غیرمصدری می‌آید. در زیر شکل مثبت و منفی آن همراه چند مثال از زمان‌های متفاوت ذکر شده است:

۱- هر یک از افعال این قسمت (šâste، bane و zəney) از ماده‌ای جداگانه‌اند. به دلیل معنا و کارکرد مشترک و برای طبقه‌بندی بهتر، در یک جا ذکر شده‌اند.

bə-šâ â-kard-en.	بتواند باز کردن (باز کند).	مضارع التزامی بی‌نشانه
šâsa nišâ bə-xərə.	نتوانسته بود بخرد.	ماضی بعید
bə-šây-m pi-gatən.	اگر می‌توانستم برداشتن (بردارم).	ماضی استمراری تمنایی
šâm umen/umen šâm.	می‌توانم بیایم.	مضارع اخباری
šâsa-ma ka bə-xər-əm.	توانسته‌ام خانه بخرم.	ماضی نقلی
ne-šây gərd â-kard-ən.	نمی‌توانست جمع کردن (جمع کند).	ماضی استمراری منفی
ne-šâ pat-en.	نمی‌تواند پختن (پیزد).	مضارع اخباری منفی

شمالی: **zəne** (توانستن) تابع این فعل در تالشی هم مصدر و هم فعل است:

zəna nə-b-îm pāte.	نمی‌توانستم بپزم.	ماضی ساده
zəna nəbe gərda kārde.	نمی‌توانست جمع کردن (جمع کند).	ماضی ساده
zəna me də gəla ka hərə.	توانسته‌ام دو خانه بخرم.	ماضی نقلی
zəna-š nə-bə bə-harə.	نتوانسته بود بخرد.	ماضی بعید
zəna-m ba-bay a-voiy-m.	اگر توانسته بودم می‌آمدم.	ماضی نقلی غیرمحقق
bə-zunum bumam.	بتوانم می‌آیم.	مضارع التزامی

شمالی: **bane** (توانستن)

این فعل شبه‌معین فقط در تالشی شمالی رواج دارد که در مضارع التزامی و مصدر به کار می‌رود و برای بیان گذشته و وجه اخباری آن از فعل شبه‌معین **zəne** (توانستن) استفاده می‌شود. نیز ←
فعل **zəne** «توانستن» در گونه شمالی:

ba-nam ume.	می‌توانم آمدن (بیایم).	مضارع اخباری
ni bana še.	نمی‌تواند رفتن (برود).	مضارع اخباری منفی
âz banam hârde.	من می‌توانم خوردن (بخورم).	مضارع اخباری

۱۱-۲-۲- باید^۱ **basi** (پره‌سری)، **bəse/be** (جنوبی)، **ba-piyay** (شمالی)

این فعل همیشه تابعی به دنبال دارد. تابع این فعل‌ها، یا مصدر است و لزوم اجرای کار را می‌رساند و ساخت غیرشخصی می‌سازد یا با فعلی در ساخت‌های متفاوت به کار می‌رود. در زیر ساخت‌های مختلفی که فعل‌های شبه‌معین با آنها به کار می‌روند، همراه مثالی ذکر شده‌اند.

۱- در این جا نیز هر یک از سه فعل یک فعل جداگانه‌ای محسوب می‌شوند. ← باورقی پیشین.

پره‌سری: **basi** (باید)

این فعل در تالشی پره‌سری نشانه نفی نمی‌پذیرد و به نظر می‌رسد امروزه جز در ساخت افعال غیرشخصی، ویژگی قیدی پیدا کرده‌است (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۶۷):

basi ba-xəs-eš.	باید می‌خوابیدی.	ماضی استمراری خواستاری
basi ša na-b-em.	باید نمی‌رفته بودم.	ماضی بعید خواستاری
basi bə-vâji.	باید بگویی.	مضارع التزامی بی‌نشانه
basi âma bə-b-u.	باید آمده باشد.	ماضی التزامی بی‌نشانه
basi âma bə-b-â.	باید آمده باشد.	ماضی التزامی نشانه‌دار
basi vât-e.	باید گفتن (گفت).	فعل غیرشخصی
basi nə-vât-e.	باید نگفتن (نگفت).	فعل غیرشخصی

جنوبی: **bəse** (باید)

این فعل در جنوبی نیز شکل منفی ندارد و منفی نمی‌شود:

bəse bə-ši.	باید می‌رفت.	ماضی استمراری تمنایی
bəse bə-šun.	باید بروند.	مضارع التزامی بی‌نشانه
bəse ša bə-bu.	باید رفته باشد.	ماضی التزامی بی‌نشانه
bəse šen.	باید رفتن (رفت).	فعل غیرشخصی
bəse <u>ma</u>-ši.	نباید می‌رفت.	ماضی مطلق منفی
bəse <u>ma</u>-xon-iš.	باید نمی‌خواندی.	ماضی استمراری تمنایی منفی
bəse <u>nə</u>-šen.	باید نرفتن (نرفت).	فعل غیرشخصی منفی

و برای منفی کردن **bəse**، وند نفی-**nə** یا **ma-** به فعل، اضافه می‌شود. وند نفی (**ma-**) برای مصدر به کار نمی‌رود.

جنوبی: **be** (باید)

be bə-ši.	باید می‌رفت.	ماضی استمراری تمنایی
be bə-šun.	باید بروند.	مضارع التزامی بی‌نشانه
be ša bə-bu.	باید رفته باشد.	ماضی التزامی بی‌نشانه
be šen.	باید رفتن (رفت).	فعل غیرشخصی
ne-be bə-šiš.	نباید می‌رفت.	ماضی مطلق منفی
ne-be bo-xon-iš.	نباید می‌خواندی.	ماضی استمراری تمنایی منفی
ne-be-šen.	باید نرفتن (نرفت).	فعل غیرشخصی منفی

چنان که در دو سطر جدول اخیر در تالشی جنوبی پیداست، منفی *ben* به صورت *nə-ben* است. شمالی: *ba-pe* «باید، لازم است»

این فعل در تالشی شمالی معنای «باید» دارد که یک فعل شبه‌معین است و در ادامه همراه مثال‌هایی آمده است:

<i>ba-pe ša ba-n-abi.</i>	نباید می‌رفت.	ماضی استمراری تمنایی
<i>ba-pe-hānda b-abi.</i>	باید می‌خواندی.	ماضی استمراری تمنایی
<i>ba-pe uma ba-n-abi.</i>	نباید می‌آمد.	ماضی استمراری تمنایی
<i>ba-pe ša bə-bu.</i>	باید رفته باشد..	ماضی التزامی
<i>ba-pe bə-gāt-uš.</i>	باید بگیری.	مضارع التزامی
<i>ba-pe nə-ši.</i>	نباید بروی.	مضارع التزامی
<i>ba-pe še.</i>	باید رفتن (رفت).	فعل غیرشخصی
<i>ba-pe nə-še.</i>	نباید رفتن (باید نرفت).	فعل غیرشخصی

هم‌چنان که از جدول نیز بر می‌آید، فعل *ba-pe* «باید، لازم است». شکل منفی ندارد و همیشه به شکل مثبت به کار می‌رود. برای منفی کردن فعل تابع‌اش منفی می‌شود.

۱۱-۲-۳ خواستن قلبی، تصمیم داشتن *piste* (پره‌سری)، *piya* (جنوبی) و *piye* (شمالی).

پره‌سری: *piste* (خواستن)

<i>pistəma bəvâjum.</i>	خواستم بگویم.	ماضی مطلق
<i>čan dafa-m pista ayi bə-žan-əm.</i>	چند بار خواسته‌ام او را بزنم..	ماضی نقلی
<i>bə-piyâm bəšum, bašim.</i>	بخواهم بروم، می‌روم.	مضارع اخباری
<i>čan dafa-š pista bušu.</i>	چند بار خواست بروم.	ماضی مطلق
<i>ni-ma-pist bâma bâq.</i>	نمی‌خواهم بیایم باغ.	مضارع اخباری منفی
<i>dələm ba-pisti bušum.</i>	دلم می‌خواهد بروم.	مضارع اخباری
<i>nira-pist yarar čâk â-bu?</i>	نمی‌خواهی زخم‌ت بهتر شود؟	مضارع اخباری

جنوبی: *piya* (می‌خواهد، تصمیم دارد)

در جنوبی این فعل بیشتر به معنی خواستن و تصمیم است و در صیغه‌های خاصی صرف می‌شود و برخلاف تالشی پره‌سری که چندین شکل دارد، یک شکل ثابت دارد:

<i>dələm piya bə-šum.</i>	دلم می‌خواهد بروم.	ماضی مطلق
<i>zəmestân âdam-ə bâkla nə-piya.</i>	در زمستان آدم هوس باقلا نمی‌کند.	ماضی نقلی

در جنوبی و پره‌سری piye علاوه بر فعل شبه‌معین، یک فعل تام است.

جنوبی: xâst-e(n) (خواستن)

این فعل در جنوبی در حکم فعلی شبه‌معین است:

xâyim bə-šim.	خواستم بروم.	ماضی مطلق
čan dafa xâssama bə-žan-əm.	چند بار خواسته‌ام بزنم.	ماضی نقلی
bə-xâm barəm, vâm.	بخوام بخورم، می‌گویم.	مضارع اخباری
nə-xâst-əma bə-šum.	نخواستم بروم.	ماضی مطلق منفی
nə-xâm bə-mas-əm, čə vây?	نمی‌خواهم بشنوم، چه می‌گویی؟	مضارع اخباری منفی

شمالی: piye (خواستن)

در تالشی شمالی دو شکل این فعل بیشتر کاربرد دارد: ^۱piya و piyana. برای منفی کردن آنهاوند nə- قبل از piya و بعد از piyana به کار می‌رود. این فعل علاوه بر کارکردش به عنوان یک فعل اصلی (به معنی خواستن، نیاز داشتن) به عنوان فعل شبه‌معین همراه با مضارع التزامی افعال دیگر نیز به کار می‌رود و ساخت‌های مختلفی در زمان مضارع و ماضی می‌سازد:

piya-na-m ni bə-šum.	نمی‌خواهم بروم.	مضارع اخباری منفی
piyam be bə-šum, nə-hâšt-əš.	خواستم بروم، نگذاشت.	ماضی ساده
be-piyu-me be-šum.	بخوام بروم.	مضارع التزامی
piya-na-m nə-bə bə-žan-əm.	نخواسته بودم، بزنم.	ماضی بعید منفی
piyam ni bə-vot-om.	نخواسته‌ام بگویم.	ماضی نقلی
nə-piyə-mə bə-vot-om, ni bə-vot-em.	نخواهم بگویم، نمی‌گویم.	مضارع التزامی
piya na-m nə-bə u-mut-um.	نمی‌خواستم پیاموزم.	ماضی ساده منفی

۱۱-۲-۴ مبادا نکند nə-karə

در گونه جنوبی و پره‌سری این فعل در بافت‌های خاصی به عنوان فعل شبه‌معین به کار می‌رود و معنی مبادا و گاش را به فعل اصلی اضافه می‌کنند:

ma-karə buâ.	نکند بیاید. (ج)
ma-karə gâyan bari â-karən.	نکند گاوها در را باز کنند. (ج)
ma-karə bə-ši ča var.	نکند بروی پیش او. (پ)

۱۱-۲-۵ شروع کردن da-mand-e (پره‌سری، جنوبی و شمالی)

۱- برای دو شکل این فعل و معنا و ساخت آنها ← مضارع مستمر در تالشی شمالی.

پره‌سری:

dar-a-muni râ š-e.	شروع می‌کرد به راه رفتن.	ماضی استمراری
da-mand-im virit-e.	شروع کردم به دویدن.	ماضی ساده
da-ša-mand hard-e.	شروع می‌کنی به خوردن.	مضارع اخباری
da-mand-a ba ž-e.	شروع کرده بود به زدن.	ماضی بعید
da-muni kust-e.	شروع بکنی به کوبیدن.	مضارع التزامی (بی‌نشانه)

جنوبی:

da-mand-a bərd-en.	شروع کرد به درو کردن.	ماضی ساده
da-mand-â lua kard-en.	شروع کرده بود به گفتن.	ماضی بعید
tâ qazâ var-in, av da-mand-i hard-en.	تا غذا می‌آوردند، او شروع می‌کرد به خوردن.	ماضی استمراری

شمالی:

tâ rasa ba ka, da-manda bə bame.	تا رسید خانه، شروع کرد به گریه کردن.	ماضی ساده
tâ rasa ba hi, da-manda bə deve.	تا رسید مزرعه، شروع به درو کرد.	ماضی بعید
agar da-manda babi ba hârde, u-ruxuniyaš bə.	اگر شروع به خوردن می‌کرد، تمام کرده بود.	استمراری

۱۱-۲-۶ خواستن xâst-en (جنوبی)

این فعل در جنوبی در حکم فعل شبه‌معین است:

xâyim bə-šim.	خواستم بروم.	ماضی مطلق
čan dafa xâssama bə-žan-əm.	چند بار خواسته‌ام بزنم.	ماضی نقلی
bə-xâm barəm vâm.	بخواهم بخورم، می‌گویم.	مضارع اخباری
nə-xâst-əma bə-šum.	نخواستم بروم.	ماضی مطلق منفی
nə-xâm bə-mas-əm, čə vây.	نمی‌خواهم بشنوم، چه می‌گویی؟	مضارع اخباری منفی

۱۱-۲-۷ امکان داشتن babe (شمالی)، babi (پره‌سری)، bu (جنوبی).

این فعل در تالشی در حکم فعل شبه‌معین است و به تنهایی کاربرد ندارد و همیشه تابعی به دنبالش می‌آید، تا مکمل آن باشد و تابع آن مصدر یا جمله است. شکل منفی این فعل هم، کاربرد دارد این فعل‌ها در تالشی به عنوان فعل غیرشخصی نیز به کار می‌روند (← ۱۳- فعل‌های غیرشخصی).

babe še.	می‌شود رفت. (ش)
zamin târê ni-bâbe nêšte.	زمین خیس است، نمی‌شود نشست. (ش)
ni-babe ba ba ba-še. ^۱	نمی‌شود بیرون رفت. (ش)
babi xête.	می‌شود خوابید. (پ)
niyab(ən)^۲ əm kârân kâ das kašde.	نمی‌شود از این کارها دست برداری. (پ)
bu vât-en.	می‌شود گفت. (ج)
nə-bu ništ-e(n).	نمی‌شود نشست. (ج)

۱۲- فعل‌های ربطی

فعل‌های زیر به عنوان فعل ربطی در تالشی به کار می‌روند:

۱-۱۲ be(n) «بودن»

این فعل دو ساخت دارد: ساخت مستقل و ساخت پی‌بستی. شکل مستقل آن، مثل سایر فعل‌ها در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود. اما شکل پی‌بستی آن، فقط در مضارع صرف می‌شود.

ساخت مستقل be «بودن»

روش ساخت فعل be(n) همانند دیگر فعل‌ها است و در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود. در زیر فعل ربطی be(n) «بودن» در گونه‌های سه‌گانه در کنار یک فعل تام صرف شده است، تا تغییرات صرفی آن به خوبی نمایان شود (نیز ← رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۴).

پره‌سری:

ba	بود	nəšta	نشست	ماضی مطلق
ba-y-a	بوده است	nəšta-ya	نشسته است	ماضی نقلی
ba-ba	بوده بود	nəšta-ba	نشسته بود	ماضی بعید
a-bi	می‌بود	a-nəš-i	می‌نشست	ماضی استمراری
ba bu-bu	بوده باشد	nəšta-bu-bu	نشسته باشد	ماضی التزامی بی‌نشانه
ba-ba-be	اگر می‌بوده بود	nəšta-ba-be	اگر می‌نشسته بود	ماضی بعید تمنایی
ba-be	اگر می‌بود	ba-nəš-e	اگر می‌نشست	ماضی استمراری تمنایی
kâ-ba-be	داشت می‌بود	kâ-ba-nəšt-e	داشت می‌نشست	ماضی مستمر

۱- در این جمله عنبرانی ba به معنی «بیرون» است و فعلش پیشوندی و پیشوندش نیز ba- است.

۲- وند (ən) در این فعل همانند وندی است که به آخر فعل امر تالشی پره‌سری اضافه می‌شود (← فعل امر تالشی تالشی پره‌سری و وند نمود تأکید).

kâ(ra) be	دارد می شود	kâ(ra)-nəšte	دارد می نشیند	مضارع مستمر
ba-bi	می شود	ba-nəšt-i	می نشیند	مضارع اخباری
bu-bu	بشود	bə-nəš-u	بنشیند	مضارع التزامی بی نشانه
bə-b(ən)	باش	bə-nəš	بنشین	امر

جنوبی:

ba	بود	ništa	نشست	ماضی ساده
bâ	بوده بود	ništ-â	نشسته بود	ماضی بعید
bi	می بود	niš-i	می نشست	ماضی استمراری
bə bi	اگر می بود	ba-niš-i	اگر می نشست	م استمراری تمنایی
kəra bi	داشت می بود	kəra niš-i	داشت می نشست	ماضی مستمر
kəra bu	دارد می شود	kâ(ra)-nəšte	دارد می نشیند	مضارع مستمر
bu	می شود	niš-ə	می نشیند	مضارع اخباری
bə bu	بشود	bə-niš-ə	بنشیند	مضارع التزامی
bə bə	باش	bə-niš	بنشین	امر

شمالی:

b-im	بودم	nəšt-em	نشستم	ماضی ساده
ba-m	بوده ام	nəšta-m	نشسته ام	ماضی نقلی
ba-bim	بوده بودم	nəšta b-im	نشسته بودم	ماضی بعید
ba-bum	بوده باشم	nəšta bum	نشسته باشم	ماضی التزامی
a-b-im	می بودم	a-nəšt-im	می نشستم	ماضی استمراری
b-a-b-im	اگر می بودم	b-a-nəšt-im	اگر می نشستم	ماضی استمراری تمنایی
čuk-ina-b-im	داشتم خوب می شدم	t-ina-b-imšnə	داشتم می نشستم	ماضی مستمر
b-ina-m	می شود	nəšt-ina-m	دارم می نشینم	مضارع مستمر
b-ina	می شوم	nəšt-ina-m	می نشینم	مضارع اخباری
bə-bum	بشوم	bə-nəš-um	بنشینم	مضارع التزامی
bə-bi	باش	bə-nəš	بنشین	امر
nə-bi	نباش	ma-nəš	ننشین	نهی
ba-be	خواهد شد	ba-nəšt-em	خواهم نشست	آینده

مصدر	نشستن	nəšt-e بودن	be
در ساخت ماضی مطلق، اگر در اول این فعل وند تصریفی /b(ʋ) اضافه شود، معنای آن از «بودن» به «شدن» تغییر می‌کند:			
بودم (پ)	b-im	شدم (پ)	bə-b-im

ساخت پی‌بستی be(n) «بودن»

نمونه‌هایی از فعل be به عنوان فعل پی‌بستی، همراه با صفت و اسم:

تنه‌ایم (ج)	tanhâ-ma
خوبه (پ)	čâk-a
خوبیم (پ)	čâk-imun-a
خوبه (ج)	čâk-a
تنه‌ایه (ج)	tanhâ-[y]-a
خوبم (ش)	čuk-im
خوبند (ش)	čuk-in
پیدایی (ش)	paydu-š
تنه‌اییم (ش)	yâvl-im

شکل ششگانه فعل پی‌بستی فوق در پره‌سری، جنوبی و شمالی به شرح زیر است:

شخص و شمار	پره‌سری	جنوبی	شمالی
اول شخص مفرد	-im(a)	-im(a)	-im
دوم شخص مفرد	-iš(a)	-iš(a)	-iš
سوم شخص مفرد	-a	-a	i-
اول شخص جمع	-imun(a)	-imun(a)	-imun
دوم شخص جمع	-irun(a)	-in(a)	-in
سوم شخص جمع	-in(a)	-in(a)	-in

همان طور که از جدول فوق پیداست، شکل پی‌بستی فعل be(n) (بودن) همانند شناسه‌های ثانویه است، وقتی مصوتی قبل از آنها بیاید، همخوان میانجی -[y]- بین آنها قرار می‌گیرد:

(من) این جایم (پ)	yâ-[y]-m
-------------------	----------

čayi-[y]-a	مال او است (پ)
tanhâ-[y]-ma	تنه‌ایم (ج)
čəmə(n) pā-[y]-ə	پای من است (ج)

در تالشی شمالی، در این مورد از واج میانجی کمتر استفاده می‌شود:

paydul-š	پیدایی (ش)
----------	------------

نکته: در تالشی جنوبی وجه اخباری مصدر ساده be (بودن) وجود ندارد. فقط شکل پی‌بستی و پیشوندی فعل be «بودن» رواج دارد و مانند آنچه در تالشی پره‌سری و شمالی در ماضی ساده صرف می‌شود، در تالشی جنوبی رایج نیست و برای بیان چنین جملاتی از دو روش استفاده می‌کنند:

الف) اگر منظور از بودن، اقامت یا ماندن در جایی باشد به جای شکل پی‌بستی از فعل manden (ماندن) استفاده می‌شود:

l	اینجا بودم (ج)
hâ mandišâ	آنجا بودی (ج)
mariz-imâ	مریض بودم (ج)

ب) در جنوبی از فعل کمکی برای ماضی بعید استفاده نمی‌شود، بلکه از شناسه‌های خاص ماضی بعید استفاده می‌شود:

ništa-mâ	نشسته بودم (ج)
ništa-yâ	نشسته بودی (ج)
âništ-	نشسته بود (ج)

به طور خلاصه می‌توان گفت که در تالشی جنوبی شکل پی‌بستی فعل فوق سه شکل متفاوت دارد که در جدول زیر آمده است:

شکل پی‌بستی	لازم ماضی بعید	متعدی ماضی بعید
-im(a)	ništa-mâ	pi-geta-mâ
-iš(a)	ništa-yâ	pi-geta-yâ
-a	âništ-	šâpi-geta-
-imun(a)	ništa-munâ	pi-geta-munâ
-in(a)	ništa-ynâ	pi-geta-yna
-in(a)	ništa-ynâ	unašpi-geta-

برای منفی کردن فعل پی‌بستی **be**، وند منفی‌ساز **-ni** قبل از شناسه فعل پی‌بستی قرار می‌گیرد. شکل منفی فعل پی‌بستی فوق‌هرا با صفت "خوب" در تالشی به شرح زیر است:

معنی	پره‌سری	جنوبی	شمالی
خوب نیستم	čâk-ni-m(a)	xub-ni-m-a	čuk-ni-m
خوب نیستی	čâk-ni-š(a)	xub-ni-š-a	čuk-ni-š
خوب نیست	čâk-ni-ya	xub-ni-ya	čuk-ni
خوب نیستیم	čâk-ni-mun(a)	xub-ni-mun-a	čuk-ni-mun
خوب نیستید	čâk-ni-run(a)	xub-ni-n-a	čuk-ni-n
خوب نیستند	čâk-ni-n(a)	xub-ni-n-a	čuk-ni-n

چنان‌که از این مثال‌ها برمی‌آید، سوم شخص مفرد مثبت این فعل **-a** و شکل منفی آن **ni/niya** است. ماده مضارع این فعل **(h)est** «هست» همراه شناسه‌های صرفی به کار می‌رود و به معنای «وجود داشتن» و «بودن» است، این فعل شکل غیرپی‌بستی (غیرربطی) **be(n)** است، صرف کامل این فعل در سه گونه تالشی در قسمت «فعل ناقص» آمده است. این صورت از فعل «بودن» به مسند یا جزء دیگری که تکیه گاه آن باشد، نیاز ندارد:

فعل	شکل مثبت	شکل منفی
آب هست / آب نیست. (پ)	âv hest(a).	âv ni-[y]-a.
کار هست / کار نیست. (پ)	kâr hest(a).	kâr ni-[y]-a.
پیدا هست / پیدا نیست. (ج)	paydâ hesta.	paydâ ni-[y]-a.
خوب هست / خوب نیست. (ج)	xub hesta.	xub ni-[y]-a.
خوب هست / خوب نیست. (ش)	čuk esta.	čuk ni.
پیدا هستم / پیدا نیستم (ش)	paydu-m.	paydu-n-im.

طرز منفی کردن این فعل همانند منفی کردن دیگر افعالی است که در بخش «زمان فعل» زیر هر ساختی، طریقه منفی کردنش ذکر شده است. غالب صورت‌های پیشوندی فعل فوق نیز به عنوان فعل ربطی به کار می‌روند.^۱ در زیر چند نمونه از آنها ذکر می‌شود:

۱- پیشوندهای پنج‌گانه تالشی -â(r)، -da(r)، -pe(r)، -vi(r) و -ji(r) با وند اشتقاقی -e شکل وصفی پیدا می‌کنند: âr-e (باز، آویزان)، dar-e (همراه، موجود)، per-e (بالا)، vir-e (ریخته، بسته و پایین) و jir-e (پهن) در

۱۲-â-be(n) «شدن، باز شدن»

فعل ربطی â-be(n) شکل پیشوندی be(n) است و در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود. در زیر ساخت‌های مختلف این فعل در گونه‌های سه‌گانه تالشی صرف شده‌است. پره‌سری:

â-ba	شد	ماضی ساده
â-ba-y-a	شده‌ام	ماضی نقلی
â-ba-ba	شده بود	ماضی بعید
âr-a-bi	می‌شد	ماضی استمراری
â-ba bu-bu	شده باشد	ماضی التزامی بی‌نشانه
â-ba-ba-be	اگر می‌شده بود	ماضی بعید تمنایی
âr-a-be	اگر می‌شد	ماضی استمراری تمنایی
kâ-ba-â-be	داشت می‌شد	ماضی مستمر
â-ba bə-bâ	اگر شده‌باشد	ماضی التزامی نشانه‌دار
kâ(ra) be	دارد می‌شود	مضارع مستمر
â-ra-b	می‌شود	مضارع اخباری
â-bu	بشود	مضارع التزامی بی‌نشانه
kâ-a-bi	خواست شد	آینده در گذشته
kâ-âr-a-b	می‌خواهد بشود	آینده نزدیک
â-b/â-bən	بشو	امر

جنوبی:

xub â-b-im-a.	خوب شدم.	ماضی ساده
zard-â-baynâ.	زرد شده بودند.	ماضی بعید
pir â-ne-bu.	پیر نمی‌شود.	مضارع اخباری
pir â-bum.	پیر خواهم شد.	مضارع اخباری/آینده
m-ayz-əm čə bə-karəm.	بیدار نشوم، چه کار کنم؟	مضارع التزامی بی‌نشانه
kəra xub â-bu.	دارد خوب می‌شود.	مضارع مستمر
xub â-ba-ni-na.	خوب نشده‌اند.	ماضی نقلی
bikâr â-bâ.	بیکار شده بود.	ماضی بعید

زیر، فعل پی‌بستی می‌تواند به شکل وصفی اینها افزوده شود، مانند: bar âre-ya (در باز است)، dâri kâ per-e-ša (بالای درختی) و ...

xub â-bə.	خوب شو.	امر
tanbal â-ma-bə.	تنبل نشو.	نهی

در تالشی شمالی تفاوتی بین شکل مصدری دو فعل «شدن» و «بودن» وجود ندارد، شکل مصدری هر دو be است، در زیر چند نمونه از فعل be «شدن» ذکر شده است:

شمالی:

čuk bə-bum.	خوب شوم.
čuk b-ina nim.	خوب نمی‌شوم.
čuk nə-bum.	خوب نشوم.
čuk bə-bi.	خوب شو.
čuk ma-bi.	خوب نشو.
čuk b-em.	خوب شدم.
čuk nə-b-em.	خوب نشدم.
čuk b-ina-m.	خوب می‌شوم.
čuk b-ina-š.	خوب می‌شوی.
čuk b-ina-y.	خوب می‌شود.
čuk b-ina-mun.	خوب می‌شویم.
čuk b-ina-n.	خوب می‌شوید.
čuk b-ina-n.	خوب می‌شوند.

۱۲-۳ anda be /da-b-e(n) «وجود داشتن، بودن در داخل یا میان جایی»

این فعل در پره‌سری da-be، در جنوبی da-be(n) و در شمالی anda-be است و مانند â-b-e(n) «شدن» صورت پیشوندی دیگری از فعل b-en است و معمولاً همراه یک اسم مکان می‌آید:

âvxuri dala čâyi deriya.	در لیوان چایی است. (ج)
zindân da-r-i- muna.	در زندانیم. (ج)
gusand bâqi dila deriya.	گوسفند در باغ است. (ج)
čây livâni kâ darab.	چایی در لیوان می‌ریزد. (پ)
čây livâni kâ da ba.	چایی در لیوان ریخت. (پ)
livâni kâ âv darabi	داخل لیوان آب می‌ریخت. (پ)

bâq-anda-m.	در باغم. (ش)
ni-m. bâq-anda	در باغ نیستم. (ش)
be-bum bâq-anda	در باغ باشم. (ش)

۱۲-۴ pe-be(n) «بودن در مکانی بالا» (در پره‌سری pe-pe «بیدار شدن»)

این فعل در جنوبی pe-bi-en و در پره‌سری به شکل pe-pe (بیدار شدن) رواج دارد و همانند فعل «بودن در داخل مکان» است، پیشوند جهت فعل را تغییر داده و معنایش بودن در مکانی بالاست. در پره‌سری معنای اصطلاحی پیدا کرده است. این فعل در جنوبی به معنی «بالا» استعمال ندارد، فقط در معنی «ریختن و پاشیدن» است.

dârə-kâ-periya. a	او بالای درخت است. (پ)
pe-r-imun. bânə-kâ	بالای سقفایم. (پ)
pere-be. dârə-kâ a	او بالای درخت بود. (پ)
pe-b-imân. bânə-ku	بالای بام بودیم. (پ)
pe-pe	بیدار شد. (پ)
pe-p.	بیدار شو. (پ)
pe-pa bu-bu.	بیدار شده باشد. (پ)
a dâri kâ pere nə be.	او بالای درخت نبود. (پ)
âv mə pe-ba.	آب روی من ریخت. (ج)

۱۲-۵ vi-be(n) (جنوبی)، am-e (شمالی) و vi-be (پره‌سری) «بودن در پایین، ریختن»

معنای این فعل بودن در مکانی پایین است و پیشوند a- در شمالی همان vi- در جنوبی و پره‌سری است (← پیشوندهای فعلی در تالشی)، گویا در اینجا چون هر دو دلبی واکدارند، b- به m- تبدیل شده است.

yâ vi-ba.	اینجا ریخت. (ج)
šâyad vi-bu.	شاید بریزد. (ج)
vi-ba bu-bu.	شاید ریخته باشد. (ج)
iyâ vi-ba.	اینجا ریخت. (پ)
šâyad vi-ba bu-bu.	شاید ریخته باشد. (پ)
iyu ame.	اینجا ریخت. (ش)

amanay

دارد می‌ریزد. (ش)

این فعل در جنوبی کمتر از پره‌سری و شمالی کاربرد دارد.

۱۳- فعل‌های غیرشخصی

در تالشی فعل‌های «باید» (basi در پره‌سری، be در جنوبی و babe در شمالی)؛ و نیز «می‌شود، امکان دارد» (babi در پره‌سری، bu در جنوبی و babe در شمالی) فعل غیرشخصی می‌سازند و تابع آنها به صورت مصدر ظاهر می‌شود. این فعل‌ها منفی می‌شوند و علامت نفی در اول آنها می‌آید (نیز ← فعل‌های غیرشخصی در تاتی و نیز قسمت ۱۱-۲ فعل‌های شبه‌معین در تالشی):

babi xəte.	می‌شود خوابیدن (خوابید). (پ)
basi virite.	باید دویدن (دوید). (پ)
basi nə-vât-e.	باید نگفتن (نگفت). (پ)
ni-babe ba ba ba-še. ^۱	نمی‌شود بیرون رفتن (رفت). (ش)
zamin târə, ni-bâbe nəšte.	زمین خیس است، نمی‌شود نشستن (نشست). (ش)
babe še.	می‌شود رفتن (رفت). (ش)
ne-be-šen.	باید نرفتن (نرفت). (ش)
bəse nə-šen.	باید نرفتن (نرفت). (ج)
bu vât-en.	می‌شود گفتن (گفت). (ج)
nə-bu ništ-e(n).	نمی‌شود نشستن (نشست). (ج)

۱۴- فعل ناقص

فعل (h)esta (هست)

فعل (h)esta «هست» تنها فعلی است که در تالشی فقط ساخت و مفهوم مضارع اخباری دارد، ماده مضارع آن را می‌توان "(h)est" در نظر گرفت:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	شخص و شمار
hest-im	est-im-a	hest-im(a)	هستم
hest-iš	est-iš-a	hest-iš(a)	هستی
hest-e	est-a	hest-a	هست
hest-imun	est-imua	hest-imun(a)	هستیم
hest-in	est-in-a	hest-irun(a)	هستید
hest-in	est-in-a	hest-in-(a)	هستند

چون فعل ناقص *hest-a* «هست» شکل منفی ندارند، برای منفی کردن از شکل پی‌بستی آن استفاده می‌کنند:

معنی	پره‌سری	جنوبی	شمالی
خوب نیستم	ni-m(a)	ni-m-a	ni-m
خوب نیستی	ni-š(a)	ni-š-a	ni-š
خوب نیست	ni-ya	ni-y-a	ni-i
خوب نیستیم	ni-mun(a)	ni-mun-a	ni-mun
خوب نیستید	ni-run(a)	ni-n-a	ni-n
خوب نیستند	ni-n(a)	ni-n-a	ni-n

۱۵- چند نکته کلی در فعل تالشی

آنچه درباره فعل تالشی لازم بود، ذکر شد. در ذیل چند نکته که در ظاهر ارتباطی با ساخت ندارند، اما به نوعی به فعل ارتباط دارند، ذکر شده است.

۱۵-۱ فعل مرکب ضمیری

فعل مرکب ضمیری،^۱ فعلی است که از ترکیب یک اسم، صفت یا قید به همراه ضمائر متصل غیرفاعلی و سوم شخص مفرد یک فعل معین ساخته می‌شوند. از نمونه‌های آن، شواهد زیر در تالشی قابل ذکرند:

پره‌سری:^۲

xaš-əm â-m-a.	خوشم آمد.
sard-əm-a.	سردم است.
yâd-aš da-gənəst-a.	یادش افتاد.

جنوبی:

فعل مرکب ضمیری به گونه‌ای که در گونه پره‌سری وجود دارد، در جنوبی رایج نیست. یعنی ضمیر متصل غیرفاعلی به اسم، صفت، قید و ... نمی‌پیوندد و فقط در ساختی شبیه ساخت‌های زیر نشانه‌هایی از آن باقی مانده است:

۱- نیز نک. فعل مرکب ضمیری در بخش تاتی.

۲- درباره فعل مرکب ضمیری در تالشی نک. پور شفق، ۱۳۸۵: ۶۸.

mə xanda get-əṣ-a.	من خنده‌اش [ام] گرفت.
tə xanda get-əṣ-a.	تو خنده‌اش [ات] گرفت.
ayi xanda get-əṣ-a.	او خنده‌اش گرفت.
ama xanda get-əṣ-a.	ما خنده‌اش [مان] گرفت.
šəma xanda get-əṣ-a.	شما خنده‌اش [تان] گرفت.
avun xanda get-əṣ-a.	انها خنده‌اش [شان] گرفت.

در ساخت فوق ضمیر متصل غیرفاعلی سوم شخص مفرد تکرار شده است و با ضمایر منفصل آغاز جمله همخوانی ندارد و تقریباً قابل مقایسه است با ساخت‌های زیر در زبان فارسی: خنده‌ام گرفت/ خنده‌ات گرفت/ خنده‌اش گرفت/ خنده‌مان گرفت / خنده‌تان گرفت/ خنده‌شان گرفت.

در جملات فوق «گرفت»، سوم شخص مفرد و برای همه اشخاص تکرار شده است و شناسه آن نیز تهی است و همین صیغه در تالشی جنوبی شناسه‌اش -əṣ- است. ساخت فوق در اصل بقایایی از ساخت ارگتیو را در خود همراه دارد، یعنی -əṣ- یک ضمیر متصل غیرفاعلی است، اما چون امروزه در جنوبی ارگتیو باقی نمانده، ساخت فوق کمی غیرعادی به نظر می‌آید.

mə xanda gerə.	من خنده‌ام می‌گیرد. (ج)	مضارع اخباری
kəra mə xanda geri.	داشت خنده‌ام می‌گرفت. (ج)	ماضی مستمر
agar mə xanda bə-geri.	اگر خنده‌ام می‌گرفت. (ج)	ماضی استمراری تمنایی

تفاوت در ماضی و مضارع این ساخت نیز، دلیل دیگری است بر اینکه ساخت ارگتیو در جنوبی وجود داشته‌است. (نیز نک. به ۲-۱۵ ساخت ارگتیو، و نیز ۱-۱-۱۵-۲ شناسه‌های افعال ماضی متعدی).

در جملات زیر می‌توان نبود فعل مرکب ضمیری را ملاحظه کرد:

mə xuš â.	من خوشم می‌آید. (ج)
tə âtaš žandiya.	آتش زدی. (ج)
mə vir buâ.	اگر من یادم بیاید. (ج)
agar mə vir buây.	اگر من یادم می‌آمد. (ج)

جمله اول مطابق قاعده مرکب ضمیری باید این طور بیان می‌شد: *mə xuš-əm â* یا *xuš-əm â*.

شمالی:

xuš-əm âma.	من خوشم می‌آید. (ش)
sard-əm ba.	سردم شد. (ش)
yuda-mun umana.	یادمان می‌آید. (ش)

فعل‌های مرکب ضمیری در اصل لازم‌اند و ساخت امر ندارند، اما در ساخت‌های دیگر به کار می‌روند. از نظر ساخت تفاوتی بین ماضی و مضارع فعل‌های مرکب ضمیری وجود ندارد:

پره‌سری:

yâd-əm bar š-a	یادم رفت.	ماضی ساده
yâd-əm-a bar š-a	یادم رفته است.	ماضی نقلی
yâd-əm bar ša ba	یادم رفته بود.	ماضی بعید
yâd-əm bar a-ši	یادم می‌رفت.	ماضی استمراری
yâd-əm bar a-š-e	اگر یادم می‌رفت.	ماضی استمراری تمنایی
yâd-əm bar ša ba be	اگر یادم می‌رفته بود.	ماضی بعید تمنایی
yâd-əm bar ša bu bu	یادم رفته باشد.	ماضی التزامی بی‌نشانه
yâd-əm bar a-š	یادم خواهد رفت.	آینده
yâd-əm bar šu	یادم برود.	مضارع التزامی بی‌شانه
vir-əš âma	یادش آمد.	ماضی ساده
sard-əmun ba-ba	سردمان شده بود.	ماضی بعید
vir-əm ba	یادم بود.	ماضی ساده

در همه موارد فوق، ضمیر بین فعل معین و جزء غیرفعلی آمده است و فعل معین اغلب این جملات از مصدرهایی چون: um-en (آمدن)، še- (رفتن)، gat-e (گرفتن) و be (بودن) و ... به دست می‌آید.

تنها فعلی که در تالشی در مضارع اخباری چنین ساختاری دارد، از مصدر «خواستن، هوس کردن و میل داشتن» است این مصدر در پره‌سری pist-e، در جنوبی pie/piyen و در شمالی pie است که همانند فعل‌های ماضی متعدی از ضمایر متصل فاعلی به جای شناسه‌های فعلی استفاده می‌کند (← رضایتی کیشه‌خاله، الف: ۱۳۸۴: ۱۲۵). پره‌سری:

amadi nun pist-a.	احمد نان خواست.
amadi nun ba-pistiya.	احمد نان می‌خواهد.

جنوبی:

موارد کاربرد این فعل در تالشی جنوبی اکنون محدود شده و به جای آن، اغلب از ماده *xâst-c* (خواستن) که ساخت ارگتیو ندارد، استفاده می‌شود (رضایتی کیشه‌خاله، همان: ۱۲۵).

avun âv peyâ.	آنها آب خواستند.
avun âv peya.	آنها آب می‌خواهند.

شمالی:

mamad-i âv-əš pia b-e.	محمد آب خواسته بود.
mamad-i âv-əš pida.	محمد آب می‌خواهد.

نکته:

فعل‌های ترکیبی ماضی تالشی -همانند تاتی- مثل افعال ماضی متعدی صرف می‌شوند. حتی اگر فعل ترکیبی یا مرکب در معنی لازم باشد، باز در ساخت، یک فعل متعدی است و از یک نظر فعلی مرکب ضمیری محسوب می‌شود، چون ضمیر به ماده فعلی می‌پیوندد نه به شناسه، درحالی‌که قاعده کلی آن است که ماده فعلی با شناسه باشد، هرگاه ضمیر منفصل فاعلی یا فاعل این فعل‌ها ذکر شود، دیگر از ضمیر استفاده نمی‌شود. در زیر چند نمونه از این فعل‌های ترکیبی لازم که مانند افعال متعدی یا مرکب ضمیری صرف می‌شوند، ذکر می‌گردد:

فعل	پره‌سری	شمالی
تاله کرد.	nâl-aš kard-a	nula-š kâ.
جنگ کرد.	jang-əš-karda	jâng-əš-kâ.
حرف زد	gaf-əš ža.	gap-əš ža

همان‌طور که معلوم است، جمله لازم اول مانند جمله متعدی صرف شده یعنی به جای شناسه از ضمائر متصل غیرفاعلی استفاده کرده است. اگر فاعل جمله ضمیر منفصل باشد و در آغاز بیاید دیگر از ضمیر متصل استفاده نمی‌شود. این ویژگی در اغلب فعل‌های مرکب ضمیری به چشم می‌خورد:

mən yâd bar ša	من یادم رفت. (پ)
mən sard ba.	من سردم شد. (پ)

نیز ← "نکته درباره فعل مرکب تاتی" در بخش تاتی.

۱۵-۲ افزونه فعل‌های ماضی

در آخر بعضی از فعل‌های تالشی افزونه *-a / -e* اضافه می‌شود. ماهیت این افزونه دقیقاً بر نگارنده معلوم نشد، آیا با *-a* ماضی‌ساز ایرانی باستان ارتباطی دارد؟ آیا برای تاکید آمده است؟ آیا در اصل با شناسه‌های فعل همراه بوده، بعدها به اختیار حذف شده است؟ به هر رو قابل تأمل است^۱. این افزونه در گونه شمالی فقط در دو ساخت ماضی مطلق متعدی و ماضی نقلی متعدی کاربرد دارد. در گونه جنوبی فقط در دو ساخت ماضی مطلق و ماضی نقلی (لازم و متعدی، طبق جدول زیر) و در اول شخص جمع همه فعل‌های ماضی به کار می‌رود، ولی در بیشتر ساخت‌های گونه پره‌سری (→ جدول زیر) به کار می‌رود. لازم به ذکر است که این وند همیشه در آخر فعل می‌آید.

در زیر فعل *nəšt-e(n)* «نشتن» در اول شخص مفرد در ساخت‌هایی که افزونه دارند، ذکر می‌گردد:

فعل‌های لازم

شمالی	جنوبی	پره‌سری	ساخت و زمان
---	<i>ništ-im-(a)</i>	<i>nəšt-im-(a)</i>	ماضی مطلق
---	<i>ništ-ay-m-(a)</i>	<i>nəšt-a-m-(a)</i>	ماضی نقلی
---	---	<i>nəšta-bim-(a)</i>	ماضی بعید
---	---	<i>a-nəš-i-m-(a)</i>	ماضی استمراری
---	---	<i>nəšta-ba-bem-(a)</i>	ماضی بعید تمنایی
---	---	<i>bə-nəš-em-(a)</i>	ماضی استمراری تمنایی
---	---	<i>ba-nəšt-im-a</i>	مضارع اخباری
---	---	<i>bə-nəš-um-(a)</i>	مضارع التزامی بی‌نشانه
---	---	<i>kâr-im-a-nəšte</i>	مضارع مستمر
---	---	<i>kâ-a-nəš-im-a</i>	آینده در گذشته
---	---	<i>kâ-ba-nəšt-im(a)</i>	آینده نزدیک ←
---	---	<i>čâk-im(a)</i>	فعل پی‌بستی «خوبم»

فعل‌های متعدی

فعل *bard-e* «بردن» در اول شخص مفرد ساخت‌هایی که افزونه دارند، ذکر می‌گردد:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	ساخت و زمان
<i>bârd-əm-e</i>	<i>bard-əm-a</i>	<i>bard-əm-a</i>	ماضی مطلق

۱- نک. پاورقی افزونه فعل‌های ماضی در بخش تاتی.

bârda-m-e	barda-m-a	bard-am-a	ماضی نقلی
---	---	a-bar-im-(a)	ماضی استمراری
---	---	ba-bar-em-(a)	ماضی استمراری تمنایی
---	---	ba-bard-im-(a)	مضارع اخباری
---	---	bə-bar-um-(a)	مضارع التزامی (بی‌نشانه)
---	---	kâr-im-(a)-barde	مضارع مستمر

همان‌طور که معلوم است در تالشی پره‌سری افزونه فعل‌های متعدی برخلاف فعل‌های لازم کمتر اختیاری است. برای روش ساخت فعل‌های لازم و متعدی تالشی ← بخش «زمان فعل».

۱۵-۳ ساخت ارگتیو

در تالشی پره‌سری و شمالی فعل‌های ماضی و مضارع لازم دارای ساخت واحدی‌اند، ولی فعل‌های ماضی متعدی از ساخت ارگتیو برخوردارند (برای ساخت ارگتیو تالشی ← رضایتی کیشه‌خاله، الف: ۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۱۳). در تالشی جنوبی ساخت ارگتیو تقریباً از بین رفته و فقط رسوباتی از آن ساخت باقی مانده است که از جمله آنها سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع فعل‌های ماضی متعدی است که اغلب همراه ضمایر متصل غیرفاعلی می‌آیند، در حالی که به قیاس می‌بایست به جای ضمایر در این ساخت‌ها، شناسه‌های -a / -i و -n ظاهر می‌شدند. در زیر چند مثال از تالشی جنوبی که در آنها ساخت ارگتیو حفظ شده، ذکر می‌گردد:

ništ-ina	نشستند	ništ-a	نشست	ماضی مطلق لازم
vind-ašuna	دیدند	vind-aša	دید	ماضی مطلق متعدی
ništa-yna	نشست‌اند	ništa-ya	نشسته است	ماضی نقلی لازم
pi-geta-šuna	برداشته‌اند	pi-geta-ša	برداشته است	ماضی نقلی متعدی
ništa-ynâ	نشسته بودند	ništ-â	نشسته بود	ماضی بعید لازم
vinda-šunâ	دیده بودند	vinda-ša	دیده بود	ماضی بعید متعدی

ضمایر متصل غیرفاعلی

ضمایر متصل غیرفاعلی (وندهای ضمیری) در گونه‌های تالشی به شرح زیر است:

شمالی	جنوبی	پره‌سری	شخص و شمار
-(ə)m	-(ə)m	-(ə)m	اول شخص مفرد
-(ə)y	-(ə)y	-(ə)r	دوم شخص مفرد

سوم شخص مفرد	-(ə)š	-(ə)š	-(ə)š
اول شخص جمع	-(ə)mun	-(ə)mun	-(ə)mun
دوم شخص جمع	-(ə)n	-(ə)run	-(ə)run
سوم شخص جمع	-(ə)šun	-(ə)šun	-(ə)šun

ضمایر منفصل فاعلی:

شخص	پره‌سری	جنوبی	شمالی
من	az	az	âz
تو	tə	tə	tə
او	a/av	a/av	av
ما	ama	ama	ama
شما	šəma	šəma	šəme
ایشان	avə/ayə	aven	avon

ضمایر منفصل غیر فاعلی:

صیغه‌ها:	پره‌سری	جنوبی	شمالی
من	mən	mə	mə/mən(ni)
تو	tə	tə	tə(ni)
او	ayi	ay	ai/avi
ما	amâ	ama	ama(ni)
شما	šəma	šəma	šəma(ni)
ایشان	amun/avun	avun	avon(i)

گویش گیلکی

۱- ریشه فعل

در گویش گیلکی ریشه فعل در بسیاری از موارد قابل شناسایی نیست. فقط در تعدادی از افعال می‌توان به ریشه دست پیدا کرد، در آن موارد اندک، ریشه افعال دو صورت دارد: ضعیف و قوی. ریشه ضعیف صورتی از ریشه است که -â- ندارد و ریشه قوی صورتی از ریشه است که -â- دارد. از ریشه قوی غالباً برای ساختن فعل‌های سببی (واداری) و از ریشه ضعیف برای ساختن فعل‌های لازم استفاده می‌شود. در چند نمونه زیر ریشه ضعیف و قوی در گیلکی قابل شناسایی است:

ریشه ضعیف			ریشه قوی		
معنی	مصدر	ریشه	معنی	مصدر	ریشه
افتادن (ر ^۱)	də-gad-ən	də-gad- ^۲	انداختن	e-gâd-ən	e-gâd-
انداختن، برخوردن (ر، ق)	gən-əst-ən	gən-	انداختن، آویزان کردن	n-enâdə-g	də-gân-

۱- در این اثر حروف ر نشان اختصاری گیلکی مرکزی (گونه رشتی)، ق نشان اختصاری گیلکی شرقی (گونه رودسری)، و غ نشان اختصاری گیلکی غربی (گونه فومنی) است.

۲- gad- صورت دیگری از «ماده فعل افتادن» است. یعنی به جای شکل بیواک /t/ و /k/ از شکل واکندار آن دو، یعنی /g/ و /d/ استفاده شده است.

۲- ماده فعل

ماده از افزودن جزیی به ریشه-که در اساس برای افزودن معنی جدید به آن بوده- ساخته می‌شود. ماده یا ستاک در گویش مورد نظر انواع مختلفی دارد و هر ماده‌ای به منظور خاصی استفاده می‌شود. در گیلکی ماده‌های زیر به کار می‌روند: ماده مضارع، ماده ماضی، ماده سببی، و ماده جعلی.

۲-۱ ماده مضارع

ماده مضارع در گیلکی در مواردی همان ریشه است و علامت ویژه‌ای دارد که همخوان -n- جزء جدایی‌ناپذیر آن است، در آن مواقع، ماده ماضی ریشه است. ماده‌های مضارعی که به همخوان -n- ختم می‌شوند، واداری نمی‌شوند. مانند ã ماده ماضی و ċin ماده مضارع «چیدن». از ماده مضارع گیلکی در ساخت مضارع اخباری، مضارع التزامی و وجه امری استفاده می‌شود. تنها نشانه ویژه‌ای که ماده مضارع در گیلکی دارد، همخوان -n- است.

۲-۲ ماده ماضی

ساخت اصلی ماده ماضی با پسوند -t- و -d- است. ساخت‌های دیگر (به ویژه -ast- و گونه‌های آن)، که امروزه بیشتر استفاده می‌شود، ثانوی به نظر می‌رسند. در گیلکی از ماده ماضی در ساخت فعل‌های ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی استمراری، ماضی مستمر، ماضی التزامی و صفت مفعولی استفاده می‌شود. در هر سه گونه گیلکی مورد نظر این مقاله، ماده ماضی از ریشه فعل به اضافه پسوندهای ماضی‌ساز به دست می‌آید. نمونه‌هایی از هر کدام از انواع ماده ماضی در ادامه بحث آمده است.

اختلاف ماده مضارع و ماضی^۱

اختلاف ماده ماضی و مضارع گیلکی را می‌توان به شکل‌های زیر به چند دسته طبقه‌بندی کرد:

- ۱- دسته‌ای در ماضی مختوم به -t- است؛
- ۲- دسته‌ای در ماضی مختوم به -d- است؛
- ۳- دسته‌ای در ماضی مختوم به -i- یا -e- است؛
- ۴- دسته‌ای در ماضی مختوم به -ast-, -xast-, -âxast- است؛
- ۵- دسته‌ای در مضارع مختوم به -n- است؛
- ۶- دسته‌ای در ماضی و مضارع مختوم به مصوت است؛
- ۷- دسته‌ای که از دو ریشه متفاوت اخذ شده‌اند.

۱- این ماده‌ها را می‌توان به باقاعده و بی‌قاعده هم تقسیم کرد (نیز ← ذیل ماده ماضی در بخش تاتی).

دسته یک: این دسته شامل فعل‌هایی است که ماده ماضی‌شان با افزودن پسوند ta^* - ایرانی باستان به ماده مضارع بعضی از فعل‌ها ساخته شده است. این پسوند که در گیلکی بیشتر به شکل d - یا t - ظاهر می‌شود، وقتی به ماده اضافه می‌شود، تغییرات آوایی زیادی به دنبال خواهد داشت. در زیر هر کدام از ماده‌ها به چند دسته تقسیم شده و تغییرات آوایی هر کدام از دو دسته فوق (مختوم به t و d -) به دنبال هم آمده است:

ماده ماضی مختوم به t - است و ماده مضارع t - ندارد:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	افتادن	kəft	kəf	$t \rightarrow -\emptyset$
ر، غ	بافتن	bəft	bəf	
غ	افتادن	da-kəft	da-kəf	
ق، غ	خاموش کردن	du-kušt	du-kuš	

ماده ماضی مختوم به $t(x)$ - و ماده مضارع مختوم به j - است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	برشتن	bišt	bij	$t \rightarrow -j$
غ	قدم زدن	du-məxt	du-muj	
غ	آموختن	vâ-muxt	vâ-muj	
ق	آموختن	â-mut	â-muj	
ق	قدم زدن	mot	moj	
ق	یافتن	di-yat	di-yaj	

ماده ماضی مختوم به $t(x)$ - و ماده مضارع مختوم به $\check{c}$ - است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، غ	پیچیدن	vâ-pext	vâ-pič	$t \rightarrow -\check{c}$
ق	پیچیدن	pit	pič	

ماده ماضی مختوم به $t\check{s}$ - و ماده مضارع مختوم به z - است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	گزیدن	gəšt	gəz	$t\check{s} \rightarrow -z$

ر	برافراشتن	də-frašt	də-frâz
ر	فرار کردن	ji-višt	ji-viz
غ	غمزدن	də-gašt	də-gaz
غ	برخواستن	vi-rišt	vi-riz

ماده ماضی مختوم به -št و ماده مضارع مختوم به -s است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	برخواستن	vi-rišt	vi-ris	-s → -št
ر، غ	نوشتن	nivišt	nivis	
ق، غ	لیسیدن	lišt	lis	

ماده ماضی مختوم به -št و ماده مضارع مختوم به -r است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ق	کاشتن	kašt	kar	-r → -št
ر، غ	کاشتن	kâšt	kâr	
ر، ق	داشتن	dâšt	dâr	
غ	پرتاب تیر	fu-dâšt	fu-dâr	

ماده ماضی مختوم به -št و ماده مضارع مختوم به -l است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	اجازه دادن، گذاشتن	hašt	hal	-l → -št
غ	اجازه دادن، گذاشتن	xašt	xal	

ماده ماضی مختوم به -t است و ماده مضارع مختوم به -s است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	خوابیدن	xoft	xos	-s → -t
ق	خوابیدن	xot	xos	
غ	خوابیدن	xoft	xos	

ماده ماضی مختوم به -(x)t و ماده مضارع مختوم به -š است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
------	-----------	-----------	------------	-----------

ر، غ	فروختن	foroxšt	forošt	-št → -t
ق	فروختن	xorot	forošt	

ماده ماضی مختوم به -t و ماده مضارع مختوم به -r است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، غ	گرفتن	gi(f)t	gir	-r → -t
ق	گرفتن	git	gir	

ماده ماضی مختوم به -st و ماده مضارع مختوم به -r است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، غ	شستن	šust	šur	-r → -st

ماده ماضی مختوم به -ft و ماده مضارع مختوم به -h است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
غ	کوبیدن	fu-koft	fu-kuh	-h → -ft

ماده ماضی مختوم به -ft و ماده مضارع مختوم به -r است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	برداشتن	vâ-gift	vâ-gir	-r → -ft
غ	زایاندن بچه حیوانات	ji-gift	ji-gir	

ماده ماضی مختوم به -st و ماده مضارع با تغییرات آوایی مختوم به -d است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	بستن	da-vəst	vəd	-d → -st

ماده ماضی مختوم به -xt و ماده مضارع مختوم به -z است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، ق، غ	باختن	bāxt	bāz	-z → -xt
ر، ق، غ	ساختن	sāxt	sāz	

ماده ماضی مختوم به -xt و ماده مضارع مختوم به -s است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، ق، غ	شناختن	šənâxt	šənâs	-s → -xt

ماده ماضی مختوم به -t و ماده مضارع مختوم به -f است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	افتادن	kət	kəf	-f → -t

ماده ماضی فعل زیر مختوم به -št و ماده مضارع اش مختوم به -j است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، ق، غ	برشتن	bišt/višt	bij/vij	-j → -a/i/št

ماده فعل زیر در ماضی به -t و در مضارع به -n ختم شده است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ق	افتادن	kat	kan	-n → -t

دسته دوم شامل فعل‌هایی است که ماده ماضی‌شان مختوم به -d است و در مضارع علامتی ندارند، این

دسته از افعال تعداد قابل ملاحظه‌ای دارند و گاهی ماده مضارع آنها تغییر آوایی نیز در پی دارد:

ماده ماضی مختوم به -d است و ماده مضارع در آخر علامتی ندارد:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	پاره کردن	vâ-čərd	vâ-čər	-ə → -d
ر	خوردن	xord	xor	
ق	پاشیدن	šond	šon	
غ	آوردن	âvərd	âvər	
غ	شماردن	išmārd	išmār	

ماده ماضی مختوم به -d و ماده مضارع مختوم به -n است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر	صدا زدن	dū-xād	du-xân	-n → -d

kun	kud	کردن	ق، غ، ر
egân	egâd	انداختن	غ

دسته سوم شامل فعل‌هایی است که ماده ماضی‌شان مختوم به *-d* یا *-t* نیست، بلکه علامت *-i* یا *-e* دارند:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ق	ریسیدن، بلوغ	rasî	ras	<i>-e/-i</i> → <i>-ø</i>
ق	ترشیدن	torši	torš	
غ	جوشیدن	juši	juš	
غ	کشیدن	fâ-kæši	fâ-kæš	
ر	فهماندن	famâne	famân	
ر	دواندن	dovâne	dovân	

دسته چهارم شامل دسته‌ای است که ماده ماضی‌شان مختوم به *-st* یا گونه‌های */ust/ə/* است و ماده مضارع آنها فاقد این علامت است، در گیلکی غربی ماده ماضی تعدادی از مصادر به *-âx-æst/* *æx-æst* ختم می‌شود و این علامت ماضی‌ساز گیلکی غربی منحصر به همان گونه است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، غ	باریدن	vâr-æst	vâr	<i>-æst/ə/</i> → <i>-ø</i>
ر	ریخته شدن	fu-vo-st	fu-vo	
غ	مکیدن	čâv-æst	čâv	
غ	باریدن	vâr-æxæst-ən	vâr	
غ	لرزیدن	larz-âxæst-ən	larz	
غ	نازیدن	nâz-âxæst-ən	nâz	
ق	یارستن	yâr-æst	yâr	

دسته پنجم این دسته شامل افعالی است که ماده ماضی آنها هیچ علامتی ندارد یا به عبارتی، ماده ماضی همان ریشه است ولی ماده مضارع مختوم به *-n* است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، غ	جویدن	ju	jun	<i>-ø</i> → <i>-n</i>
ر	بریدن	be	bin	

din	de	دیدن	ر
dərjin	dərji	خرد کردن گوشت	غ
vâ-čin	vâ-či	خراب کردن	غ
do-jin	do-ji	انتخاب کردن	ق
hin	hi	خریدن	ق

دسته ششم شامل افعالی است که هر دو ماده ماضی و مضارع آنها به مصوت ختم می‌شود:

ماده فعل زیر در ماضی به -a و در مضارع به -ə ختم می‌شود:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ق، ر، غ	نهادن	na	nə	-e → -a
ق	دادن	da	də	

ماده اخیر در گیلکی غربی هر دو به مصوت -a ختم می‌شود.

دسته هفتم شامل دسته‌ای است که ماده ماضی‌شان از یک ریشه و ماده مضارع آنها از ریشه‌ای

دیگر است:

گونه	معنی مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	نوع تغییر
ر، ق، غ	آمدن	'âm/um	'â	اختلاف ماده ماضی و مضارع

۲-۳ ماده جعلی

در این ماده به جای ریشه، اسم یا صفت می‌نشینند و همراه با وند ماده‌ساز، تشکیل ماده می‌دهد. بیشترین ماده در این سه گونه از نوع ماده جعلی است و وندهای ماده‌ساز اصلی (-d و -t) کم‌کم فراموش شده، به جای آن از وند ماده ماضی‌ساز -əst (و گونه‌های آن)، استفاده می‌شود. در گیلکی از این ماده ماضی‌ساز بیشترین استفاده می‌شود.

naz-əst	نازیدن	ق
ʔjang-əst	جنگیدن	ر
fam-əst	فهمیدن	غ

۱- این ماده مشتق از ā-gmata * فارسی باستان است (← حسن‌دوست، ۱۳۸۳: ۵۲).

۲- این ماده مشتق از ā-i-a- * فارسی باستان است (همان: ۶۷).

۳- ← سرتیپ‌پور، ۱۳۶۹: ۲۴۰.

۲-۴ ماده سببی (واداری)

ماده سببی در هر سه گونه گیلکی، به دو طریق زیر به دست می‌آید:

الف) ریشه ضعیف + -ân- (در ماضی -e / -i به وند سببی اضافه می‌شود)؛ ب) ریشه قوی بدون وند سببی. اینک مثال‌هایی برای هر کدام:

الف) ریشه ضعیف + -ân :

گونه	معنی	ماده واداری ماضی	ماده واداری مضارع
ر	چرباندن	čərb-âne	čərb-ân
ر	پژمراندن	čulk-âne	čulk-ân
ر	بی میل کردن	u-mir-âne	u-mir-ân
ق	مالیدن	vas-âni	vas-ân
ق	واژگون کردن	va-gard-âni	va-gard-ân
ق	برخیزاندن	vi-ris-âni	viris-ân
ر	ریختن و انداختن	fə-kəl-âne	fə-kəl-ân
غ	چاپیدن، غارت کردن	čav-âni	čav-ân
غ	محاصره کردن	da-pâš-ân-i	da-pâš-ân

ب) ریشه قوی بدون وند سببی، در این موارد از ریشه قوی استفاده می‌شود:

معنی	مصدر سببی	ماده ضعیف ماضی - مضارع	ماده قوی ماضی - مضارع
افتادن، انداختن (ق، ر، غ)	dər-gân-en	gən	gân
افتادن، انداختن (ق، ر، غ)	e-gâd-en	gad	gâd

این مورد در گیلکی نادر است و فقط همین دو ماده یافت شد.

علاوه بر موارد فوق در یک مورد ریشه دچار تغییرات آوایی خاصی می‌شود که به دلیل کمبود نمونه، ارائه نظر قطعی در مورد آن، کمی مشکل است:

معنی	مصدر سببی	ماده ضعیف ماضی - مضارع	ماده قوی ماضی - مضارع
نشان دادن (ر، غ)	nišâst-en	ništ	nišâst

ریشه این فعل در گیلکی واداری شده است، این فعل واداری در پهلوی نیز nišāstan (نشانندن) است (مکنزی، ۱۳۸۳: ۳۱۴).

۳- مصدر

مصدر در گیلکی از مادهٔ ماضی به علاوه علامت مصدری ساخته می‌شود. علامت مصدری^۱ در سه گونهٔ گیلکی رشتی، رودسری و فومنی (a/ə/e)n - است.

- مصدری که سببی‌اند، به -en ختم می‌شوند؛

- تعدادی از مصادر گیلکی که سببی نیز نیستند، به -en ختم می‌شوند. این دسته از مصادر، مادهٔ ماضی‌شان به -i یا -e ختم می‌شود (← جدول زیر)؛

- در سایر موارد، مصادر به -ən ختم می‌شوند که امروزه در حال تغییر به -an است:

معنی	مصدر	علامت مصدری	مادهٔ ماضی
سوختن (ق)	sut-an	-an	sut
چشیدن (غ)	čaš-en	-en	čaš-i
دیدن (ر، ق)	dēn	-en	bə-di
ریز ریز کردن (ق)	də-rjen	-en	darji
گلچین کردن (ر)	do-jen	-en	do-ji
دزدیدن (ق)	dozd-en	-en	bə-doz-i
خوردن، سر کشیدن (ق)	fo-doš-en	-en	fo-foši
خریدن (ر، ق)	hēn	-en	bəhi
جوشیدن (غ)	juš-en	-en	juš-i
ریختن، تراشیدن (ق)	kəl-ân-en	-en	kəl-ân-i
سوزاندن (ر)	suj-ân-en	-en	suj-ân-e
تازاندن (ر)	tâz-ân-en	-en	tâz-ân

۱- امروزه علامت مصدری در گیلکی چنان ثابت نیست، گاهی گویشوران یک مصدر را دو موقعیت زمانی به دو صورت تلفظ می‌کنند. به نظر می‌رسد، علامت مصدری نشانهٔ اصلی خود را از دست داده است. در گیلکی نشانهٔ مصدرساز تشخیص خاصی ندارد و به شکل‌های مختلف تلفظ می‌شود. امروزه تحت تأثیر زبان فارسی کم‌کم به -an نزدیک می‌شود، به عنوان مثال مصدر «نشستن»، ništ-ən و ništ-an تلفظ می‌شود، واکهٔ وند مصدرساز گیلکی از نظر آوایی بین ə و e- است، اما امروزه بیشتر a- ادا می‌شود.

bə-torši	-en	torš-en	ترشیدن (ق)
bə-bi	-en	va-bēn/ va-vēn	بریدن، درو کردن (ر، ق)
va-či	-en	va-č-en	خراب و جدا کردن (ر)
viris-ân-i	-en	viris-ân-en	بلند کردن (ق)
bišt	-ən	bišt-ən	برشتن (ر)
jang-əst	-ən	jang-əst-ən	جنگیدن (ق)
jav-əst	-ən	jav-əst-ən	جویدن (ق)
xurd	-ən	xurd-ən	خوردن (ر)
fâ-dâ	-n	fâ-dâ-n	دادن (ر)
hâ-da	-n	hâ-da-n	دادن (ق)
nâ	-n	na(h)a-n	نهادن (ق)
nəha	-n	nəha-n	نهادن (ر)

در گیلکی رودسری و در مواردی در گیلکی رشتی و به ندرت در گیلکی غربی مصادری رایج‌اند که در آغاز وند تصریفی -(v) 'b ظاهر می‌شود:

bə-bord-ən	بردن (ق، ر، غ)
bə-gut-ən	گفتن (ق)
bə-goft-ən	گفتن (ر)
bə-xord-ən	خوردن (ق، ر)

ساختمان مصدر

در گیلکی مصدر از نظر ساختمان به سه دسته تقسیم می‌شود: ساده، پیشوندی و مرکب.

۱-۳ مصدر ساده

مصدرهای ساده، مصدرهایی‌اند که از ماده ماضی و علامت مصدری ساخته شده‌اند و عنصر دیگری در ترکیب آنها یافت نمی‌شود. در گیلکی تعداد این مصادر اندک است و تقریباً به بیش از ۲۲۰ (دویست و بیست)^۲ مصدر ساده می‌رسد:

larz-en	لرزیدن (ق)
---------	------------

۱- نک. پاورقی شماره ۱۲ بخش تاتی.

۲- در گویش گیلکی رشتی، نگارنده بیش از ۲۲۱ مصدر ساده (با محاسبه فعل‌های واداری) به روش میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری نموده است.

amut-an	آموختن (ق)
kaft-ən	افتادن (غ، ر)
baxš-ən	بخشیدن (ق)
pâst-an	پاییدن (غ)
tâb-ân-en	تابانیدن (ر)
tân-əst-ən	توانستن (ر، غ)
suj-ân-en	سوزاندن (ر)
šəmərd-ən	شمردن (ر)
naz-əst-ən	نازیدن (ق)

۳-۲ مصدر پیشوندی

مصدرهای پیشوندی از مادهٔ ماضی و یک پیشوند فعلی همراه با علامت مصدری ساخته می‌شوند. انواع پیشوندهای مصدری یا فعلی در جدول زیر آمده است (نیز نک. بخش «پیشوندهای فعلی» که در آنجا معنا، حوزهٔ جغرافیایی، طریقه و کمیت کاربرد هریک از پیشوندها آمده است):

ji-višt-ən	فرار کردن (ر)
u-kəš-ən	پک زدن، هورت کشیدن (ر)
fa-dân	دادن (ر)
fi-čâl-ân-en	گرفتن آب چیزی با فشردن (ر)
də-bišt-an	برشتن (ق)
di-bišt-ən	سرخ کردن ماهی (ق)
ji-vištən/ji-pit-an	زدن تخم به دندان برای امتحان (ق)
jə-klâšt-ən	تراشیدن (غ)
da-kaft-ən	افتادن داخل چیزی (غ)
va-kuft-ən	خسته شدن (غ)
fi-šân-en	پرت کردن دورانداختن (غ)
u-sâd-ən	برداشتن (غ)

۳-۳ مصدر ترکیبی

مصدرهای ترکیبی در گیلکی از ترکیب اسم، صفت یا قید، با شکل ساده و یا پیشوندی مصدرهایی نظیر kud-ən «کردن»، bu-n «بودن»، dân «دادن»، bust-ən «شدن»، gift-ən «گرفتن» و ... ساخته می‌شوند:

مصدر مرکب	مصدر
garm â-kud-ən	گرم کردن (ر، غ، ق)
sorx â-kud-ən	سرخ کردن (ق)
dâd za-n	داد زدن (ق)
râst â-git-ân	بلند کردن (ق)
vâz kud-ən	پریدن (غ)
šeyvan kud-ən	گریستن (غ)
avir a bust-ən	گم شدن (ر)
use kud-ən	فرستادن (ر)

پیشوندهای تصریفی و اشتقاقی فعل

وندهای تصریفی فعل در دو دسته پیشوند و پسوند قابل تقسیم‌اند. هر کدام از اینها خود به دو دسته تصریفی و اشتقاقی تقسیم می‌شوند. در زیر نخست پیشوندها آنگاه پسوندها ذکر خواهند شد.

۴- پیشوندهای فعل

پیشوندهای فعلی شامل پیشوندهای تصریفی و پیشوندهای اشتقاقی‌اند. در زیر نخست پیشوندهای تصریفی و سپس پیشوندهای اشتقاقی ذکر شده است:

۴-۱ پیشوندهای تصریفی

پیشوندهای تصریفی فعل گیلکی عبارت‌اند از: وند وجه، وند نمود، وند نفی و وند سببی. در زیر هریک از وندها به صورت جداگانه همراه با مثال‌هایی ذکر می‌گردند.

nə-xus	ب خواب (ق)	فعل نهی
no-xori-in	نخور (ق)	فعل نهی

وندهای وجه امری و التزامی وقتی استفاده می‌شود که فعل پیشوندی نباشد، در صورت پیشوندی بودن، خود پیشوند فعل، جانشین وند وجه می‌شود:

və-sâda-bum	برداشته باشم (غ)	التزامی
də-mir-ən	غرق شوند (ق)	التزامی
vi-gir-əm	بردارم (ق)	التزامی
du-xuta bun	مخفی شده باشند (ق)	التزامی
bə-murdə-bi	مرده باشد (ر)	التزامی
bu-xur-i	بخوری (ر)	التزامی
jo-xos	مخفی شو (غ)	امری
ha-di	بده (ق)	امری
bu-gu	بگو (ر)	امری

۴-۱-۲ وند نمود

در بخش نمود فعل، دربارهٔ نمود بحث شده است، در این قسمت فقط به وند نمود اشاره می‌شود. فعل‌های گیلکی دارای دو نمود اصلی (ساده و مستمر) و فرعی (تأکیدی و آغازی) هستند. نمود ساده و آغازی در این گویش وندی ندارند.

۴-۱-۲-۱ وند نمود مستمر

وند نمود مستمر در رودسری، رشتی و غربی də- و di- در ماضی و dər- در مضارع است. وند نمود مستمر di- بیشتر در رشتی به کار می‌رود، وند i- در رشتی و غربی همراه افعال ماضی استمراری به کار می‌رود و علامت اختیاری استمرار فعل است یعنی گاهی بدون آن نیز، فعل استمراری ظاهر می‌شود.^۱ در فومن^۱ یا گیلکی غربی وند نمود kərâ- همراه با ماضی استمراری و نیز همراه با مصدر فعل اصلی می‌آید، و وند استمرار i- نشانهٔ ویژهٔ نمود مستمر غربی است.

xurd-im(i)	می‌خوردم (ر)	ماضی استمراری
dovəst(i)	می‌دوید (غ)	ماضی استمراری
xând(i)	می‌خواند (غ)	ماضی استمراری

۱- این امر نشان می‌دهد که وند نمود استمرار i- در گیلکی رشتی در حال فروپاشی است.

ništ-im(i)	می‌نشستیم (ر)	ماضی استمراری
hâma də bin	داشتید می‌آمدید (ق)	ماضی مستمر
kərâ xoft-an da bum	داشتیم می‌خوابیدم (غ)	ماضی مستمر
kərâ ništ-i	داشت می‌نشست (غ)	ماضی مستمر
gerya də bi	داشتی گریه می‌کردی (ق)	ماضی مستمر
fâ-dân də bid	داشتید می‌دادید (ر)	ماضی مستمر
kat-ən du bum	داشتیم می‌افتادم (ر)	ماضی مستمر
âmon di-bid	داشتید می‌آمدید (ر)	ماضی مستمر
xurdən di-bim	داشتیم می‌خوردیم (ر)	ماضی مستمر
xote dər-əm	دارم می‌خوابم (ق)	مضارع مستمر
hâma dər-i	داری می‌آیی (ق)	مضارع مستمر
ništ-ən dər-id(i)	دارید می‌نشینید (ر)	مضارع مستمر
də-mərd-ən dər-əd(ə)	دارند غرق می‌شوند (ر)	مضارع مستمر

وند -i- در رشتی قابل مقایسه است با وند «ی» در فارسی در افعال «رفتمی» و «دیدندی»، یعنی «می‌رفتم» و «می‌دیدند». به عبارتی دیگر، به جای «می» در اول، «ی» در آخر ظاهر می‌شود.

۴-۱-۲-۳ وند نمود تأکیدی

افزونه‌های -ya گیلکی شرقی و غربی و افزونه -â و -ya در گیلکی رشتی نمودنمای تأکیدی است. نمودنمای -ya و -â در آخر فعل‌های وجه اخباری و بعضی از فعل‌های وجه امری ظاهر می‌شوند و مفهوم تأکید را به فعل می‌افزایند:

javə-ya	می‌جود ها (ق)	وجه اخباری
kəfə-ya	می‌افتد ها (غ)	وجه اخباری
hinə-ya	می‌خرد ها (ق)	وجه اخباری
tə rā qurbân šəmâ	به قربانت می‌روم ها (ر)	وجه اخباری
nə-zaniya	نزنی ها (غ)	وجه امری

na-ši-ya	نروی ها (ق)	وجه امری
'bə-xāni-[y]-â	بخوانی ها (ر)	وجه امری
na-kəfi-[y]-â	نیفتی ها (ر)	وجه امری
bi-šiya	بروی ها (غ)	وجه امری

۴-۱-۳ وند نفی

وندهای نفی در گیلکی عبارت‌اند از: n- (و نیز گونه‌های ni-, nu-, nə-, no-)، و -nn-، -nne- هر یک از گونه‌های وند نفی در محیط آوایی خاصی ظاهر می‌شود، به عبارتی، واکه ماده فعل تعیین کننده واکه وند نفی است.

- وند نفی **ni-** اغلب با ماده‌هایی می‌آید که واکه **-i-** و **-ə-** دارند.
- وند نفی **nə-** بیشتر با ماده‌هایی می‌آید که واکه **-â-** و **-ə-** و گاهی **-o-** دارند.
- وند نفی **nu-** بیشتر با ماده‌هایی می‌آید که واکه **-u-** و **-o-** دارند.
- وند نفی **n-** اغلب با فعل‌های پیشوندی و نیز با ماده‌هایی می‌آید که با مصوت آغاز شده‌اند.
- وند نفی **(n)ne-** رشتی مختص فعل ماضی و مضارع مستمر است و اغلب به وند نمود مستمر **di-** و **də-** می‌پیوندد و ترکیب **dine-** و **dəne-** را می‌سازد.
- وند نفی **no-** و **nu-** برای منفی کردن افعالی به کار می‌رود که ماده آنها واکه **-o-** و **-u-** دارد.
- در شرقی وند نفی **-nne-** مختص ماضی مستمر و وند نفی **-nn-** مختص مضارع مستمر است.

نمونه‌هایی از فعل منفی در گیلکی شرقی:

nu-xot-im	نخوابیدم	ماضی مطلق
nu-xor	نخور	امر منفی
du-n-xus-ə	مخفی نمی‌شود	مضارع اخباری
du-n-xot	مخفی نشد	ماضی مطلق
nə-kat-im	نمی‌افتادیم	ماضی استمراری
n-uma b-un	نیامده باشند	ماضی التزامی
n-uma-b-in	نیامده بودید	ماضی بعید
xote də-nne-b-um	داشتیم نمی‌خوابیدم	ماضی مستمر

۱- دوست گرامی‌ام جناب دکتر رضا چراغی متذکر شدند که این شکل از فعل امر تأکیدی در گیلکی رشتی اغلب برای بیان نقل نقل قول استفاده می‌شود. بنده نتوانستم برای آن توجیهی زبان‌شناختی و دستوری پیدا کنم و خودم در بین مردم چنین نکته‌ای را حس نکردم. به هر رو قابل تأمل است و از ایشان تشکر می‌نمایم.

do-n-xot-ə	نخوابیده است	ماضی نقلی
nu-xor-im	نمی‌خوریم	مضارع اخباری
ni-[y]āmuj-ə	نمی‌آموزد	مضارع اخباری
ništə də-nn-e	دارد نمی‌نشیند	مضارع مستمر

نمونه‌هایی از فعل منفی در گیلکی رشتی:

nə-xutə-mə	نخوابیدم	ماضی مطلق
ni-niš	ننشین	امر منفی
nə-mərdə bi	شاید نمرده باشد	ماضی استمراری
vā-n-kudə-bud	باز نکرده بودند	ماضی بعید
ni-nište bi	ننشسته بودی	ماضی بعید
xurd-ən di-ne-bi-m	داشتیم نمی‌خوردیم	ماضی مستمر
vi-n-git-əm-ə	برنداشتم	ماضی مطلق
no-mo	نیامد	ماضی مطلق
nə-kāšt-ən	نکاشتن	مصدر منفی
nə-kəf-imi	نمی‌افتم	مضارع اخباری
ni-nišini	ننشین	مضارع التزامی
xuftən di-(n)ne-mə	دارم نمی‌خوابم	مضارع مستمر

نمونه‌هایی از فعل منفی در گیلکی غربی:

nu-xur	نخور	امر منفی
nə-kəft-im	نمی‌افتادیم	ماضی استمراری
nu-burda bud	برده بودند	ماضی بعید
ni-ništa bi	نمی‌نشسته بود	ماضی بعید تمنایی
kərá jam ā-nə-kudan du-bu	داشت جمع نمی‌کرد	ماضی مستمر
ni-ništ-i	ننشستی	ماضی مطلق
gerra nə-kudi	گریه می‌کرد	ماضی مطلق
nə-poxdən	نپختن	مصدر منفی
n-āyi	نمی‌آیی	مضارع اخباری
nə-xos-əm	نخوابم	مضارع التزامی
kərá nə-poxdən dar-ə	دارد نمی‌پزد	مضارع مستمر

در گیلکی رشتی و غربی گاهی با استفاده از فعل شبه‌معین *nə-vâ / na-vâ* از مصدر *vâst-en* «بایستن» با مصدر فعل اصلی، فعل منفی درست می‌شود:

nə-vâ xurd-en	نباید بخوری، نخور (ر)
nə-vâ šün	نباید رفت، نرو (ر)
na-vâ vâ-muxtən	نباید یاد بگیری (غ)
na-vâ guftən	نباید بگویی (غ)

در فعل‌هایی که دارای وند *b(v)* هستند، وند نفی جایگزین وند تصریفی می‌شود، در این مواقع اغلب واژه دو وند تصریفی نفی و وند *b(v)* مطابق هم خواهند بود:

nə-kat-im	bə-kat-im	افتادیم / نیفتادیم (ق)
no-burde bun	bo-borde bun	برده بودند / نبرده بودند (ق)
ni-ništ-i	bi-ništ-i	نشستی / ننشستی (ر)
nu-gu	bu-gu	بگو / نگو (ر)
nu-xur	bu-xur	بخور / نخور (غ)

در افعال پیشوندی وند نفی *n-* بعد از پیشوند قرار می‌گیرد:

do-n-madra-bun	غرق نشده بودند (ق)
vâ-n-kuda-bum	باز نکرده باشم (ق)
fo-n-vord-id(i)	نبلعیدید (ر)
vâ-n-kudə-m(ə)	باز نکرده‌ام (ر)
ju-n-xot	مخفی نشد (غ)
fâ-n- dâ bu-m	نداده باشم (غ)

۴-۲ پیشوندهای اشتقاقی

از پیشوندهای اشتقاقی فعل در گیلکی فقط پیشوندهای مصدری یا فعلی قابل ذکر است.

۴-۲-۱ پیشوندهای فعلی

پیشوندهای فعلی^۱ گیلکی و محدوده جغرافیای گویشی آنها:

۱- در مصدر *igân-en/ egân-en* (انداختن)، وجود *-e* یا *-î* قابل بررسی است، چرا که نه جزء ماده فعل و نه جزء پیشوند است به این دلیل که ماده‌اش *gân* با مصادر دیگری (*vâr-gân-en* انداختن، سقط کردن و ...) نیز به کار رفته ←

انواع پیشوندهای گونه‌های سه‌گانه گیلکی در زیر آمده است:

شرقی:	hâ/a	-	f(i-ə-u-a)-	v(i-ə-u-â-a)-	j(i-ə-u)-	d(i-ə-u-a)-
رشتی:	-	â-	u-	f(i-ə-u-a)-	v(i-ə-u-â)-	j(i-ə-u)-
غربی:	-	â-	u-	f(i-ə-u-a)-	v(i-ə-u-â)-	j(i-ə-u)-

غیر از سه پیشوند -â، -u و -hâ هریک از پیشوندهای فعلی گیلکی تکواژگونه‌هایی دارند که در محیط‌های آوایی خاصی ظهور می‌کنند، به عبارت دیگر، می‌توان تکواژگونه پیشوندهای گیلکی را چنین نوشت:

da-(du-/di-/də-/d-), fa-(fu-/fi-/fə-), ja-(ju-/ji-/jə-), vâ-(vu-/vi-/və-).

کریستن‌سن (۱۳۷۴: ۴۴) -tâ را در فعل tâvədân (پرتاب کردن، انداختن) یک پیشوند در گیلکی رشتی فرض کرده است و آن را صورت تازه‌ای از پیشوند də- دانسته است و فقط همان مورد را مثال زده است. در حالی که این درست نمی‌نماید^۱. فعل مورد نظر پیشوندی نیست، بلکه مرکب است و -tâ در آن اسم است به معنی تاب، که در گیلکی tâv شده و همراه فعل «دادن» به صورت tâv ə dân یا به صورت دقیق‌تر tâv â dân «تاب دادن و به طرفی پرتاب کردن» درآمده است. و همین فعل در تاتی (دروی) و تالشی (جنوبی) نیز به همین صورت tâv â-dân رایج است. علاوه بر این کریستن‌سن پیشوند u- گیلکی را مخفف va- دانسته است (۱۳۷۴: ۴۴). این نیز درست نمی‌نماید آنها دو پیشوند جداگانه‌اند.

برای ارائه یک آمار تقریبی از تعداد پیشوندهای فعلی و محاسبه جداگانه بسامد هر پیشوند، در ذیل، فقط تعداد پیشوندهای فعلی گویش گیلکی رشتی محاسبه شده است، به دلیل وقت‌گیر بودن این کار از آمارگیری دو گونه دیگر خودداری شده است، اما به طور تقریبی می‌توان گفت دو گونه دیگر نیز به اندازه گیلکی رشتی فعل‌های پیشوندی دارند:

da-	vi-	fu-	ji-	u-
۹۸ فعل	۸۶ فعل	۴۹ فعل	۳۶ فعل	۳۳ فعل

→ است، اما از -e در آنها خبری نیست. محتمل است دخیل از زبان‌های اطراف، یا برای سهولت تلفظ باشد، مثلاً در تاتی خلخال پیشوند -e(y) وجود دارد. همین فعل «سقط کردن و انداختن»، e-jand-en تلفظ می‌شود. بدون شک ماده jan تاتی با gân گیلکی ارتباط دارد، اما اینکه این مصدر از تاتی به گیلکی وارد شده باشد، محل تأمل است.

۱- این نکته را استاد سمیعی نیز متذکر شده‌اند (← سمیعی (گیلاتی)، ۱۳۸۱: ۲۹۰).

در این جا همهٔ تکواژگونه‌های پیشوندهای فعلی گیلکی (مثلاً -da، -du، -di، -də و -do) محاسبه شده است. فعل‌های واداری نیز جزئی از این آمارند. پیشوند -â در گیلکی فقط در افعال مرکب باقی مانده است، به عبارتی دیگر، در تعدادی از افعال مرکب گیلکی که جزء فعلی‌شان پیشوندی است، پیشوند -â باقی مانده است، مانند: -bust-an (شدن)، -kud-an (کردن)، -gift-an (گرفتن)، -dân (دادن).

طرز تشخیص پیشوندهای فعلی

در هر زبانی برای تشخیص پیشوند فعلی روش‌های خاصی وجود دارد. در هر سه گونهٔ گیلکی طرز تشخیص فعل پیشوندی از فعل غیرپیشوندی، مشترک است. سه راه برای تشخیص پیشوند در گیلکی وجود دارد:

الف) ساخت امر از فعل مورد نظر. همیشه پیشوند در فعل پیشوندی به عنوان وند تصریفی به کار می‌رود و اگر پیشوندی نباشد وند تصریفی -b(ɪ) بر سر فعل امر می‌آید.

نوع فعل	فعل امر	رشتی	شرقی	غربی
پیشوندی	بیوش	du-kun	do-kun	du-kun
ساده	بزن	bə-zan	bə-zan	bə-zan

ب) منفی کردن فعل. اگر فعل پیشوندی باشد، همیشه وند نفی -n(ɪ) بعد از پیشوند قرار می‌گیرد.

نوع فعل	فعل امر	رشتی	شرقی	غربی
پیشوندی	باز کن	vâ-nə-kun	vâ-n-kun	vâz â-nə-kun
ساده	نزن	nə-zən	nə-zan	nə-zan

ج) ساخت مضارع التزامی از آن. فعل مضارع التزامی گیلکی، از وند تصریفی -b(ɪ) استفاده می‌کنند و وقتی که پیشوندی باشد به جای آن خود پیشوند فعلی می‌آید. با این نکتهٔ دستوری در تمام گونه‌های گیلکی (همانند تاتی و تالشی)، می‌توان فهمید وقتی فعلی مضارع التزامی است و از وند -b(ɪ) استفاده نکرده، باید یک فعل پیشوندی باشد. به عنوان نمونه در فعل jam â'-kun-əm (جمع کنم، گیلکی غربی و رشتی) وند -b(ɪ) ظهور نکرده، پس یک فعل التزامی است. یا فعل hâ-gir-əm (بگیرم، در گونهٔ شرقی)، به همان دلیل یک فعل التزامی است.

معنای پیشوندهای فعلی گیلکی:

از آنجاکه این پیشوندها بیشتر جهت انجام کار را نشان می‌دهند (امروزه در بیشتر موارد معنای اصلی آنها از بین رفته است و در معنای کنایی یا اصطلاحی به کار می‌روند) در این جا نیز پیشوندها مطابق معنای جهتی که نشان می‌دهند، طبقه‌بندی شده‌اند. سعی بر آن بوده است که نه معنای موردی و استقرایی پیشوندها، بلکه ویژگی معنایی کلی و غالب آنها ذکر شود:

الف) حرکت به سوی متکلم

پیشوند $\hat{a}$ - در گیلکی رشتی و $ha- / (h)\hat{a}$ در گیلکی شرقی به معنی «حرکت به سوی متکلم»^۱ است. پیشوند $\hat{a}$ - گیلکی (که به صورت $\hat{a}$ - بیشتر تلفظ می‌شود) امروزه معنای اصلی خود را تقریباً از دست داده. اما همچنان نقش و عملکرد پیشوندی خود را از دست نداده و بسیط نشده و پیشوند باقی مانده است. دلیل آن، هم شکل نفی و هم شکل امری پیشوندهای فعلی است، که همانند فعل‌های پیشوندی، وند نفی بعد از آنها ظاهر می‌شود و فعل امر نیازی به وند تصریفی امر $b(i)$ ندارد.

bâr â-kud-ən	(متلک) بار کردن (ر، غ)
râst â-kud-ən	بلند کردن، برافراشتن (ر، غ)
vel â-kud-ən	رها کردن (ق، ر، غ)
ha-kəlâšt-an	از بیخ و بن تراشیدن (ق)
ha-dan	دادن (ق)
râst â-kud-an	بلند کردن، برافراشتن (ق)
pill â kud-ən	بزرگ کردن (ر)
âb â kud-ən	ذوب کردن، به مصرف رسانیدن (ر)
jəm â-kud-ən	جمع کردن (غ)

در گیلکی پیشوند $\hat{a}$ - با فعل‌های ساده به کار نمی‌رود، و فقط با افعال مرکب به کار می‌رود، چون فعل‌های مرکب، ترکیبات و اصطلاحات بسیار محافظه‌کارند و دیرتر از بقیه شکل خود را از دست می‌دهند. از این جا می‌توان پی برد که زمانی پیشوند $\hat{a}$ - در گیلکی بسیار فعال بوده و با افعال ساده نیز به کار می‌رفته است، اما امروزه فقط در افعال مرکب خاصی نقش پیشوندی خود را حفظ کرده است. دلیل دیگر برای پیشوند بودن $\hat{a}$ - در گیلکی، این است که افعالی که در این گویش با پیشوندهای مورد نظر به کار می‌روند، در گویش تاتی و تالشی نیز با همان پیشوند $\hat{a}$ - به کار می‌روند. مانند:

۱- نک. پاورقی شماره ۱۷ بخش تاتی.

معنی	تالشی (مرکزی)	تاتی (دروی)	گیلکی (رشتی)
بزرگ کردن	yâl â-kard-e	pilla â-kard-en	pill-â-kud-ən
گرم کردن	garm â-kard-e	garm â-kard-en	gərm â-kud-ən
آب شدن	âv â-be	âv â-bi-[y]-en	âb â-bost-ən
آتش درست کردن	â-gat-e	gat-enâ-	âtəš-â-gitən
پرت کردن	tâv â-due	tâv â-dâ-en	tâv â-dân

همان‌طور که معلوم است، فعلی که در گیلکی با پیشوند â- به کار می‌رود، در دو گویش دیگر نیز با همان افعال و با همان معنی و پیشوند رایج است.

ب) حرکت به طرف بالا

پیشوند-ا در گیلکی رشتی و غربی معنی «بالا» به فعل می‌افزاید (گیلکی شرقی فاقد این پیشوند است):

u-dušt-ən	مکیدن (ر)
u-gift-ən	گرفتن و مانع افتادن شدن (ر)
u-kəš-ēn	پک زدن، هورت کشیدن (ر)
u-[r]-gad-ən	آویزان کردن (ر، غ)
u-čəkəst-ən	با چسبیدن بالا رفتن (ر)
u-sad-ən	برداشتن (ر، غ)
u-rsəst-ən	پاره و قطع کردن (غ)

ج) حرکت به طرف پایین

پیشوند fâ- (و نیز گونه‌های fî-، fu- و fə-) در گیلکی رشتی، فومنی و رودسری، معنی «پایین» به فعل می‌افزاید:

fî-čâləst-ən	گرفتن آب چیزی با فشردن (ر)
fə-čəməst-ən	خم شدن (ر)
fu-von	ریختن (ر)
fa-dân	دادن (ر)
fî-čâl-ân-en	گرفتن آب چیزی با فشردن (ر)
fə-gardəs-ən	ریختن، واژگون شدن (ق)
fə-kaš-ən	کشیدن (ق)

fu-burəs-ən	بلعیدن (ق)
fu-turk-əst-ən	حمله کردن، برخورد کردن (غ)
fə-šân-en	تکاندن سفره (غ)
fi-pič-ân-en	پیچ دادن (غ)

د) حرکت به درون و داخل

پیشوند **du-** (و نیز گونه‌های **di-** و **də-**) معنی «درون و داخل» به فعل اضافه می‌کند، همه این پیشوندها در اصل یک پیشوند با تظاهرات آوایی مختلف هستند:

də-sk-ân-en	شکستن تخم مرغ داخل ظرف (ر)
di-mir-ân-en	کشتن، غرق کردن در آب (ر)
du-kuš-ân-en	خاموش کردن (ر)
də-vâr-ân-en	گذرانیدن عبور دادن (ر)
də-bišt-an	برشتن (ق)
də-bišt-ən	سرخ کردن ماهی (ق)
də-xând-ən	صدا زدن (ق)
də-rsəst-ən	پاره شدن از درون (ر)
du-kuš-ân-en	خاموش کردن چراغ (غ)
də-moxtən	قدم زدن، راه رفتن (غ)
di-čen	روی هم گذاشتن (غ)
də-paxt-ən	پیچیدن (غ)

ه) حرکت به طرف زیر

پیشوندهای **ji-** (و نیز گونه‌های **ju-** و **ji-**) معنی «زیر» به فعل بعد از خود می‌افزایند:

jə-ndərest-ən	زیر چشمی نگاه کردن (ر)
ju-kud-ən	زیر چیزی مخفی کردن، نخ در سوزن کردن (ر)
ji-višt-ən	فرار کردن، خلاص یافتن (ر)
ji-višt-ən	زدن تخم مرغ به دندان برای امتحان (ق)
jə-məxt-ən	به ستوه آوردن (غ)
jə-nâ-n	زیر چیزی گذاشتن (غ)

(و) دوباره انجام دادن

پیشوند **vi-** (و نیز **vo-** و **va-** در گیلکی بیشتر معنی «باز» و «دوباره» به فعل بعد از خود می‌افزاید، در مواردی نیز همان معنای پیشوند **â-** در تاتی و تالشی را می‌رساند:

vâ-čînâ-st-ən	باز شدن درز (ر)
vâ-juš-ân-en	دوباره جوشاندن (ر)
vâ-lišt-ən	لیسیدن (ر)
vâ-pit-ən	پیچیدن (ق)
vu-rut-ən	آب کشیدن از جایی (ق)
vâ-čâxəst-ən	چاییدن، سرد شدن (غ)
vi-rišt-ən	برخاستن (غ، ر)
və-sâd-ən	برداشتن (غ)

در بیشتر موارد می‌توان این پیشوند را تکواژگونه‌ای از پیشوند **â-** به حساب آورد، چرا که افعالی که در گیلکی با پیشوند **vâ-** می‌آیند، در تاتی و تالشی با **â-** می‌آیند. مانند:

معنی	گیلکی (رشتی)	تالشی مرکزی	تاتی (دروی)
لیسیدن	vâ-lišt-ən	â-lišt-e	â-lišt-en
خراب کردن	vâ-čən	â-čind-e	â-či[y]en
باز کردن	vâ-kud-ən	â-kard-e	â-kard-en
باز گرداندن	vâ-gard-ân-en	â-gârd-ənst-e	â-gârd-əns-en
گرفتن شیرخوار از شیر	vâ-git-ən	â-gat-e	â-gat-en
تکان دادن	vâ-šâd-ən	â-šând-e	â-šând-en
خسته شدن	vâ-manəst-ən	â-mand-e	â-mand-en
دریدن، پاره کردن	vâ-čard-ən	â-čard-e	â-čard-en
برگرفتن (مثلاً از سراجاق)	vâ-gift-ən	â-gat-e	â-gat-en

چند نکته:

نکته ۱- در گیلکی جزء فعلی بسیاری از فعل‌های مرکب، پیشوندی است، یعنی فعل، مرکب پیشوندی است. در این جا نیز قاعده یک یا قاعده دو شناخت فعل پیشوندی، به تشخیص پیشوندی یا ساده بودن فعل کمک می‌کند. به عنوان نمونه در گیلکی (رشتی) **vel-â-kud-ən** نیز مرکب

پیشوندی و امرش vel-â-kun است. در رشتی همچنین فعل tâv-â-dân مرکب پیشوندی است و امرش tâv-əd و نهی‌اش tâv n-əd است که قلب شده و به tâ-n-vəd تبدیل گشته است.

نکته ۲- در گیلکی ناپایداری پیشوند و تغییر شکل آن برای هم‌آوایی با واکه ماده فعلی بعد از خود، زیاد است. یا به عبارت دقیق‌تر، همانندی واکه‌ای (vowel harmony) در افعال پیشوندی گیلکی بسیار به چشم می‌خورد، هر پیشوند گیلکی ممکن است چند تکواژگونه داشته باشد و هر گونه‌ای مطابق واکه ماده، خود را هماهنگ می‌کند:

di-mir-ân-en	غرق کردن، خاموش کردن (ر، غ)
da-palk-əst-ən	خیسیدن در آب (ر)
də-pəxt-ən	پیچیدن به دور چیزی (ر)
du-bon	ریختن داخل چیزی (ر)
fu-kud-ən	ریختن از بالا (ر)
fə-čəm-əst-ən	خم شدن (ر)
fa-dân	دادن (ر)
fi-vitan	پیچاندن (ق)
fu-vurd-an	بلعیدن (ق)
vu-rutân-ən	آب از چاه کشیدن (ق)
do-moxtən	قدم زدن، راه رفتن (غ)
fi-pišk-ân-en	چلاندن (غ)

نکته ۳- از آنجاکه اغلب پیشوندهای فعلی، یا یک واکه‌اند یا به واکه ختم شده‌اند وقتی به ماده می‌پیوندند، همراه واکه ماده تشکیل چند هجا می‌دهند، همین موجب می‌شود برای سهولت تلفظ، تغییراتی آوایی به میان آید و این تغییرات آوایی گاه مبهم و مرموز می‌نمایند و در تشخیص مرز بین پیشوند و ماده، خواننده را دچار اشتباه می‌کنند. به عنوان مثال واج -r- در گیلکی چنین است و در موارد بسیاری به عنوان واج میانجی برای سهولت تلفظ می‌آید و جزیی از هجای بعد از خود یا جزیی از پیشوند به نظر می‌رسد:

də-[r]-j-en	۱ ریز ریز کردن، بریدن (ر)
jə-[r]-gadən	۲ آویختن بجه برای شیر خوردن (ر)
u-[r]-gadən	۳ گستراندن آوازاها، آویزان کردن (ر)

۴ افکندن، به سقط واداشتن (ر)	va-[r]-gâd-ən
۵ برخاستن (ر)	vi-[r]-išt-ən

ماده فعل شماره ۱ anjan انجیدن (ریزه ریزه کردن) است که از hanjīdan پارتی مشتق است که آنهم ظاهراً از *ham-čīta ایرانی باستان مشتق است (حسن دوست ۱۳۸۳: ۱۲۹). چون ماده anjan با واکه آغاز شده و پیشوند هم مختوم به واکه است در تاتی^۱ و گیلکی به آن [r]- اضافه شده است.

ماده فعل شماره ۲، ۳ و ۴ gən در مضارع و gad در ماضی است^۲ (← سرتیپ پور، ۱۳۶۹: ۱۹۸) و معنی افتادن می‌دهد، gān شکل قوی آن است. افعالی که با ماده ماضی ساخته می‌شوند، مانند افعال لازم از gad استفاده می‌کنند، ولی افعالی که واداری (سببی) هستند از ماده مضارع استفاده می‌کنند، در فعل شماره ۵ ماده فعلی ماضی (h)išt و در مضارع (h)is/z است همین فعل در فارسی خاست/خیز در تالشی (h)ayz/(h)ešt و در تاتی hašt/hayz است.

نکته ۴- تفاوت افعال مضارع التزامی پیشوندی و مضارع اخباری پیشوندی فقط جایگاه تکیه است. یعنی افعالی که به جای وند التزامی آنها، پیشوند فعلی ظاهر می‌شود، با افعال پیشوندی این زمان‌ها دیگر تفاوت ظاهری نخواهند داشت و در این مواقع یگانه راه تشخیص فعل پیشوندی از غیرپیشوندی، تکیه است، یعنی در مضارع التزامی تکیه روی پیشوند است و در اخباری روی ماده فعل. نکته فوق در زیر با یک فعل ساده قابل تشخیص است:

نوع فعل	معنی	مضارع اخباری	معنی	مضارع التزامی
ساده	می‌گیرم (ر، ق)	gir-əm	اگر بگیرم	bə-gir-əm
پیشوندی	می‌گیرم ^۲ (ر، ق)	vi-gir'-əm	اگر بگیرم	vi'-gir-əm

نکته ۵: گاهی پیشوندها کلماتی جدیدی می‌سازند که امروزه ظاهراً چندان ارتباطی از نظر معنایی با ریشه فعل ندارد: در اصل همه این فعل‌های پیشوندی ارتباط معنایی نزدیکی با ریشه فعل

۱- در تاتی مصدر این فعل da-r-anja[y]en است.

۲- سرتیپ پور در «ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی» در چند جا (برای نمونه ← صص ۱۹۸، ۱۲۲) فعل dərgad-ən را با پیشوندهایش ذکر کرده و از پایه [ماده] مضارع آن (dərgān) نیز یاد کرده است.

۳- دو شکل ساده و پیشوندی فعل «گرفتن» در مواردی با هم تفاوت معنایی دارند. اما هدف از ذکر آنها در این بخش، بخش، نه معنی موردی آنها، بلکه ساخت آنهاست.

داشته‌اند، اما امروزه آن ارتباط تقریباً قطع شده و فعل و پیشوند با هم معنای کنایی پیدا کرده‌اند. به عنوان نمونه در گیلکی رشتی مصدر *vâr-gâd-en* «آویزان کردن، سقط کردن» یا مصدر پیشوندی *ǰə-maxt-en* معنی «به ستوه آوردن» می‌دهد. یا در گیلکی شرقی مصدر *ǰi-vitan* به معنی «امتحان کردن تخم مرغ» است، که فعل با پیشوند خود تبدیل به یک اصطلاح شده است. نکته ۶: گاهی فعلی صورت ساده دارد اما صورت پیشوندی ندارد، مثل:

<i>javəst-en</i>	جویدن (ق، غ)
<i>fam-əs-en</i>	فهمیدن (ر، ق)
<i>pot-en</i>	پختن (ق)

علاوه بر موارد فوق که احتمالاً در اصل ساده بوده‌اند، مواردی نیز یافت می‌شوند که محتمل است روزی پیشوندی بوده‌اند اما شکل پیشوندی خود را از دست داده‌اند. نمونه‌اش فعل‌هایی است که یک یا دو پیشوند دارند، در کنار فعل‌هایی که پیشوندهای بیشتری دارند. مثلاً در گیلکی رشتی مصدر *būn* «بودن» با چهار پیشوند *-vâ*، *-du*، *-fu* و *-u* به کار می‌رود.

<i>būn</i>	بودن (ر)
<i>du-būn</i>	ریختن داخل چیزی (ر)
<i>fu-vōn</i>	ریختن مثلاً مایعات (ر)
<i>u-būn</i>	بریده شدن شیر و لبنیات (ر)
<i>vâ-vōn</i>	باز شدن (ر)

مصدر *gift-en* «گرفتن» با چندین پیشوند به کار می‌رود:

<i>gift-en</i>	گرفتن (ر)
<i>vâ-gift-en</i>	برداشتن از روی چیزی (ر)
<i>-gift-enâf</i>	گرفتن از دست کسی (ر)
<i>ǰi-giftən</i>	گرفتن (از شیر) (ر)
<i>u-giftən</i>	از ریختن جلوگیری کردن (ر)

در گیلکی شرقی مصدر *kaš-en* «کشیدن» با چند پیشوند به کار می‌رود:

<i>da-kaš-en</i>	محکم کردن، بستن (ق)
<i>fə-kaš-en</i>	کشیدن (ق)
<i>ha-kaš-en</i>	به زمین کشیدن (ق)

نکته ۷: بعضی از فعل‌های گیلکی برخلاف مورد بالا شکل پیشوندی دارند، اما شکل ساده ندارند. گویا شکل ساده آنها از بین رفته است. مانند:

vi-rišt-an	بلند شدن (ر، ق)
də-rjen	ریز ریز کردن (ر، ق)
vâ-prâz-an-en	برافراشتن (غ)

تعداد فعل‌های ساده‌ای که در گیلکی شکل پیشوندی ندارند، بسیار کمتر از فعل‌هایی است که شکل پیشوندی دارند. به عبارتی، بیشتر فعل‌های گیلکی صورت پیشوندی هم دارند و تعداد فعل‌هایی که شکل ساده ندارند، کم است.

۵- پسوندهای فعل

پسوندهای فعلی گیلکی دو دسته‌اند: تصریفی و اشتقاقی. از دسته تصریفی شناسه، پسوند ماده ماضی ساز و وند سببی، و از دسته اشتقاقی پسوند مصدر ساز و پسوند صفت مفعولی قابل ذکرند.

۵-۱ پسوندهای تصریفی

پسوندهای تصریفی در گیلکی شامل شناسه‌های فعلی، وند ماضی ساز و وند سببی است.

۵-۱-۱ شناسه‌های فعلی

شناسه‌های فعلی گیلکی به شرح جدول زیر می‌آیند (شناسه در اصل همان است که پررنگ شده است و مابقی تحت تأثیر محیط آوایی مابین ماده فعل و شناسه قرار می‌گیرند).

گیلکی شرقی: شناسه‌های گیلکی شرقی در همه زمان‌ها یکسان به کار می‌روند:

شخص و شمار	شرقی
اول شخص مفرد	-(u/ə/a)m
دوم شخص مفرد	-i
سوم شخص مفرد	Ø-u
اول شخص جمع	-im
دوم شخص جمع	-i/ə/d/-i/ə/n
سوم شخص جمع	-(u/ə/a/e)n

گیلکی رشتی و غربی:

در گیلکی رشتی و غربی دو دسته شناسه به کار می‌رود: الف) شناسه اولیه^۱، ب) شناسه ثانویه

شخص و شمار	شناسه اولیه	شناسه ثانویه
اول شخص مفرد	-um	-ə/i-m
دوم شخص مفرد	-i	-i
سوم شخص مفرد	-u	ø-ə/e/
اول شخص جمع	-im	-im(i)
دوم شخص جمع	-id	nə-id(i)
سوم شخص جمع	-ud	-əd(ə) / -id(i) / -(ə)n

شناسه‌های اولیه فقط با افعال ماضی بعید به کار می‌روند. شناسه‌های ثانویه با بقیه افعال به کار می‌روند (نیز ← بخش صرف افعال. در آنجا شناسه‌های مختلف با مثال‌های متفاوت آمده‌اند). شناسه سوم شخص مفرد مضارع اخباری گیلکی رشتی همیشه -ə است (← ساخت مضارع اخباری رشتی و غربی).

وقتی ماده فعل مختوم به همخوان باشد و شناسه هم با همخوان آغاز شود، برای سهولت تلفظ یک واج میانجی بین ماده و شناسه قرار می‌گیرد. شناسه گیلکی در اول شخص مفرد و سوم شخص جمع، اغلب با همخوان و بقیه با واکه شروع می‌شوند و بدین خاطر مصوت‌هایی که همانند یا به عنوان واج میانجی بین ماده و شناسه می‌آیند، در صیغه‌های شروع شده با همخوان، بیشتر ظهور می‌کنند:

اول شخص مفرد	خوابیدم (ق)	bu-xut-[ə]-m
دوم شخص جمع	آتش می‌زنید (ق)	âtaš zan-[i]-n
اول شخص مفرد	مخفی شدم (ر)	ju-xut-[ə]m(ə)
سوم شخص جمع	شاید بردارند (ر)	vi-gir-[ə]-d
سوم شخص جمع	می‌نشینند (غ)	nə-nišin-[ə]d(ə)
اول شخص مفرد	بردارم (غ)	və-sân-[ə]m

۱- این نام‌گذاری دلیل دستوری و زبانشاخی خاصی ندارد. به دلیل همسانی با سایر گویش‌های چند شناسه‌ای این کتاب، این نام انتخاب شده است. نیز ← به نام‌گذاری شناسه‌های اولیه و ثانویه تالشی.

نکته: در گیلکی رشتی و غربی، فعل کمکی سوم شخص جمع ماضی بعید bud است که در ظاهر همانند شناسه سوم شخص مفرد زبان فارسی است، اما ربطی بین آنها نیست. چرا که در گیلکی جمع، ولی در فارسی مفرد است.

bud vi-git-e	برداشته بودند (ر)	سوم شخص جمع
bu-bord-ə bud	برده بودند (ر)	سوم شخص جمع
bušu bud	رفته بودند (ر)	سوم شخص جمع
dovəs(t)a bud	دویده بودند (غ)	سوم شخص جمع
və-sâda bud	برداشته بودند (غ)	سوم شخص جمع

شناسه‌های گیلکی رشتی و غربی هنگام صرف فعل در محیط‌های آوایی خاص، دچار تغییراتی می‌شوند. مثلاً در ماضی استمراری وقتی نشانه استمرار -i- به شناسه‌ها افزوده می‌شود، شناسه‌های دوم شخص مفرد با سوم شخص مفرد و اول شخص مفرد با اول شخص جمع، یکسان می‌گردند:

ništ-i	می‌نشستی / می‌نشست (ر، غ)
ništ-im-i	می‌نشستم / می‌نشستیم (ر)
ništ-im	می‌نشستم / می‌نشستیم (غ)
xurd-i	می‌خوردی / می‌خورد (غ)

تغییرات دیگر در محیط آوایی شناسه‌ها در بخش صرف افعال قابل رویت است و توضیحات آن ذیل هر ساختی آمده است.

۵-۱-۲ پسوند ماده ماضی ساز

پسوندهای ماضی ساز در گیلکی عبارت‌اند از: -d, -t, -i, -e, -Ø, -əst, -(əx/âx)əst, -(ə, a/ə/u)st.

وند ماضی ساز	معنی	شرقی	رشتی	غربی
-t	نشستن	nəš-t	niš-t	niš-t
-t	خاموش کردن	du-xoš-t	du-kuš-t	do-košt
-t	بافتن	bə-bâf-t	bə-bâf-t	bə-bâf-t
-d	خوردن	xur-d	xur-d	xor-d
-d	بردن	har-d	bor-d	bor-d
-st	خواستن	xâ-st	xâ-st	xâ-st
-əs	فهمیدن	fa:m-əs(t)	fam-əs(t)	fam-əs(t)
-əst	نالیدن	nâl-əst	nâl-əst	nâl-əst

vâr-əxəst	-	-	باریدن	-əxəst
nâz-âxəst	-	-	نازیدن	-âxəst
di	di	d-i	دیدن	-i
či	či	č-i	چیدن	-i
čâr-x-ân-e	čâr-x-ân-e	čâr-x-ân-ə	چرخاندن	-i /-e
da-park-ân-i	da-park-ân-e	park-ân-i	از خواب پراندن	-i /-e

پسوند St(ə)- در گیلکی بسیار شایع است، این پسوند بیشتر برای ساختن مصادر جعلی به کار می‌رود (نیز ← به بخش «مصدر» و «پسوند مصدرساز» در گیلکی).

۵-۱-۳ وند سببی

وند سببی در گیلکی-ân- است، که به ماده مضارع افزوده می‌شود و در ماضی، ماده ماضی-ساز /-i- e بدان افزوده می‌شود. (همان‌طور که در بخش مصدر گذشت)، مصدرهای واداری گیلکی به -en ختم می‌شوند:

vâ-xs-ân-en	در آب خواباندن (ق)
vi-ris-ân-en	بلند کردن (ق)
kaš-ân-en	کشانیدن (ق)
da-bij-ân-en	برشتن (ق)
suj-ân-en	سوزاندن (ق)
də-pəlk-ân-en	خیساندن (ر)
da-vâr-ân-en	گذرانیدن (ر)
ji-viz-ân-en	فراری دادن (ر)
da-pâš-ân-en	پراکنده کردن (غ)
pâš-ân-en	پاشیدن (غ)
di-mir-ân-en	کشتن، غرق کردن (غ)

در واداری کردن، تفاوتی بین فعل ساده و پیشوندی نیست (نیز نک. «ماده سببی» در گیلکی).

۵-۲ پسوندهای اشتقاقی

پسوندهای اشتقاقی فعل گیلکی عبارت‌اند از: وند مصدری و وند صفت مفعولی.

۱- گرچه «خواباندن در آب»، مساوی «خیس کردن» است، اما ماده این فعل xis (خیس، تر)، نیست، بلکه xəs (ماده مضارع مضارع خوابیدن) است و ماده ماضی‌اش xət است.

۵-۲-۱ پسوند مصدر ساز

پسوند مصدر ساز گیلکی عبارت است از: $n(a/e/a)$ که به ماده ماضی فعل افزوده می‌شوند:

معنی	مصدر	علامت مصدری	ماده ماضی
جوشیدن (غ)	juš-en	-en	juš-i
چشیدن (غ)	čašt-en	-en	čaš-i
ترشیدن (ق)	torš-en	-en	bə-torši
خراب و جدا کردن (ر)	va-č-ēn	-en	va-če
برشتن (ر)	bišt-ən	-ən	bišt
جویدن (ق)	jav-əst-ən	-ən	jav-əst
دادن (ر)	fā-dā-n	-n	fā-dā
نوشتن (ق، ر، غ)	nivišt-an	-an	nivišt
لیسیدن (ق، غ)	vā-lišt-an	-an	vā-lišt
دادن (غ)	fā-dā-n	-n	fā-dā
دادن (ق)	hā-dā-n	-n	hā-dā

(نیز ← بخش مصدر و ماده ماضی ساز در گیلکی).

۵-۲-۲ پسوند صفت مفعولی

صفت مفعولی گیلکی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- صفت مفعولی لازم، ۲- صفت مفعولی متعدی.

صفت مفعولی لازم از ترکیب ماده ماضی لازم به همراه پسوند a - و a^1 و گاهی e - ساخته می‌شود. این نوع صفات مفعولی لازم گاهی معنی فاعلی می‌دهند و بیشتر برای ساخت صفاتی به کار می‌روند که در صرف افعال لازم ماضی بعید، ماضی نقلی و ماضی التزامی به کار می‌روند. صفت مفعولی ساده گیلکی در بیشتر موارد وند تصریفی $b(v)$ در آغاز دارد و در افعال پیشوندی نیز به جای وند تصریفی، خود پیشوند ظاهر می‌شود:

صفت مفعولی لازم	شرقی	رشتی	غربی
خوابیده	xutə / buxutə	xuftə / bu-xuftə	xotə / boxotə
مخفی شده	do-xotə/ do-xote	du-xutə	jo-xotə
آمده	b-uma	bumo	buma

۱- این وند (a -) امروزه تحت تأثیر زبان فارسی در حال افزایش است.

ništ-e	ništ-e	bi-ništa	نشسته
bə-dovəst-ə	bu-dovəst-ə	bu-duvəstə	دویده

صفت مفعولی متعدی از ترکیب ماده ماضی متعدی به همراه پسوند صفت مفعولی ساخته می‌شود:

صفت مفعولی متعدی	شرقی	رشتی	غربی
خورده (شده)	bo-xurd-ə	bu-xurd-ə	bo-xurda
برداشته (شده)	vi-git-ə	vi-gift-ə	və-sāda
پخته	bə-put-ə	bə-pəxt-ə	bə-puxta
دیده	bə-de	bi-de	bi-de
داده	hā-da	/ fā-dā fa-da	fa-da / fā-dā

صفت مفعولی ترکیبی نیز از ترکیب یک صفت، اسم یا قید با یک صفت مفعولی به دست می‌آید:

گریه کرده (ق)	gerya bo-hota
آموخته شده (ق)	yād bə-(g)ita
جمع کرده شده (ر)	jəm â-kudə
باز شده (ر)	vâ-kud-ə
جمع شده (غ)	jəm â-kudə

برای منفی کردن صفات مفعولی وند نفی -(v)n به اول آنها اضافه می‌گردد، یا جانشین وند -(v)b می‌شود و اگر پیشوندی باشد، بعد از پیشوند علامت نفی اضافه می‌شود:

نشینده (نشیده نشده) (ق)	ni-štu(v)sə
نگرفته (گرفته نشده) (ق)	ha-n-gita
نمرده (ر، غ)	nə-murda
زمین نخورده (ر، غ)	nə-kəftə
نشکافته (غ)	nə-škāfta

۶- وجه فعل

در گیلکی وجه اخباری، امری و التزامی وجود دارد. در زیر، هر یک از ساخت‌های فعل با وجه مورد نظر ذکر شده است.

۶-۱ وجه اخباری

در گیلکی ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی مستمر، مضارع اخباری، مضارع مستمر و فعل‌های پی‌بستی دارای وجه اخباری‌اند (در این قسمت فقط وجه افعال ذکر می‌شود، برای وند وجه ← بخش «وند وجه»).

۶-۲ وجه التزامی

در گیلکی ماضی التزامی و مضارع التزامی دارای وجه التزامی‌اند.

۶-۳ وجه امری

فعل امر و نهی در گیلکی دارای وجه امری‌اند.

۷- نمود فعل^۱

فعل در گیلکی دارای دو نمود اصلی (ساده و استمراری) و دو نمود فرعی (آغازی و تأکیدی) است. وند نمود گیلکی در بخشی به نام «وند نمود» بررسی شده است. در زیر فقط انواع نمود ذکر می‌شود.

۷-۱ نمود ساده

در گیلکی فعل‌های ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی التزامی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، فعل امر و فعل پی‌بستی نمود ساده دارند.

۷-۲ نمود مستمر

ساخت‌های، ماضی استمراری، مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری، دارای نمود مستمراند.

۷-۳ نمود تأکیدی

علاوه‌بر دو نمود اصلی فوق‌الذکر، هر یک از فعل‌های گیلکی می‌توانند دارای نمود تأکیدی و آغازی هم باشند (شرح کاملی از نمودنماهای گیلکی در بخش «وند نمود» آمده است).

۷-۴ نمود آغازی

در گیلکی نمود آغازی وند خاصی ندارد و همچنین استفاده از فعل شبه‌معین در ساخت فعلی که نمود آغازی را برساند، کم‌کم در حال فراموشی است. و به جایش - به تبعیت از زبان فارسی - از فعل

۱- شرح نموده‌هایی از فعل که وندی دارند، با مثال‌هایی در بخش «وند نمود» آمده است، و از آن‌جایی که نمود ساده و آغازی در گیلکی وندی ندارد، شرح آن در این بخش آمده است.

زمان‌های مختلف، طرز ساخت متفاوتی با هم دارند. برای طرز ساخت هر زمان نک. به ساخت آن زمان.

bu-xurd-əm	خوردم (ق)	ماضی مطلق
bu-xurda-m	خورده‌ام (ق)	ماضی نقلی
bu-xurdə bum	خورده باشم (ق)	ماضی التزامی
bu-xurdə bum	خورده بودم (ق)	ماضی بعید
xurda do bum	داشتم می‌خوردم (ق)	ماضی مستمر
xurd-im	می‌خوردم (ق)	ماضی استمراری
xor-əm	می‌خورم (ق)	مضارع اخباری
bo-xor-əm	بخورم (ق)	مضارع التزامی
xurde-dar-im	دارم می‌خورم (ق)	مضارع مستمر
bu-xor	بخور (ق)	امر
nu-xor	نخور (ق)	نهی

۸-۲ فعل لازم

طرز ساخت فعل لازم گیلکی به شرح زیر است:

(وند تصریفی +) ماده فعل + شناسه ← فعل لازم گیلکی

طرز ساخت فعل لازم و متعدی گیلکی یکسان است. زمان‌های مختلف، طرز ساخت متفاوتی با هم دارند. برای طرز ساخت هر زمان ← به ساخت آن زمان.

در جدول زیر نمونه‌ای از افعال لازم زمان‌های مختلف در یکی از گونه‌های گیلکی (شرقی) انتخاب و گنجانده شده است. برای گونه‌های دیگر رجوع کنید به ذیل هر کدام از ساخت‌های افعال. شناسه‌های فعلی گیلکی در بخش شناسه‌های صرفی آمده است:

bə-ništ-əm	نشستم (ق)	ماضی مطلق
bə-ništa-m	نشسته‌ام (ق)	ماضی نقلی
bə-ništa bum	نشسته بودم (ق)	ماضی بعید
nište da bim	داشتم می‌رفتم (ق)	ماضی مستمر
ništ-im	می‌نشستم (ق)	ماضی استمراری
niš-əm	می‌نشینم (ق)	مضارع اخباری
bə-niš-əm	بنشینم (ق)	مضارع التزامی

nište-dar-im	دارم می‌نشینم (ق)	مضارع مستمر
bə-niš	بنشین (ق)	امر
nə-niš	ننشین (ق)	نهی

۳-۸ فعل مجهول

فعل مجهول در گیلکی به دو روش زیر ساخته می‌شود:^۱

الف) استفاده از فعل کمکی:

در ساخت فعل مجهول از فعل کمکی شدن bu-bust-ən و بودن bu-bən استفاده می‌شود:

bo-xurdə bu-bu	خورده شد (ق)
bə-dē bu bu	دیده شد (ق)
bo-bordə bu-bu	برده شد (ر، غ)
bə-sâxtə bu-bu	ساخته شد (ر، غ)

ب) استفاده از سوم شخص جمع فعل‌های متعدی: این روش در زبان فارسی و دیگر گویش‌های ایرانی نو نیز یافت می‌شود، قس. «آورده‌اند» یعنی نقل شده است در زبان فارسی (نیز ← فعل مجهول در تاتی و تالشی):

tərâ-kušədə/kušidi.	تو را می‌کشند (کشته می‌شوی). (ر)
mərâ-dinədə/dinidi.	مرا می‌بینند (دیده می‌شوم). (ر، غ)
onə bo-kušt-an.	او را کشته‌اند (کشته شده است). (ق)
onə-xonə xarâb â-kut-an.	خانه‌اش را خراب کرده‌اند (خراب شده است). (ق)
on-ə forošədə.	آن را می‌فروشند (فروخته می‌شود). (غ)
tə-râ girədə.	ترا دستگیر می‌کند (دستگیر می‌شوی). (غ)

همه فعل‌های با روش دوم مجهول می‌شوند، حتی آن‌دسته از فعل‌های که با روش اول مجهول می‌شوند البته در گیلکی از روش اول بیشتر استفاده می‌شود.

ج- استفاده از مصدر فعل اصلی و فعل کمکی *šun* (رفتن): در این حالت در اغلب موارد حرف اضافه *bə* «به» در آغاز مصدر قرار می‌گیرد (← پورهادی، ۱۳۸۷: ۸۲).

bə-kuštən bu-šo.	به کشتن رفت. (ر)
xurâ bə-kuštən dəhe.	خود را به کشتن می‌دهد. (ر)

۱- در گیلکی ماده مجهول وجود ندارد.

۹- زمان فعل

از نظر زمان، فعل‌های گیلکی به دو دسته ماضی و مضارع تقسیم می‌شوند، آینده در گیلکی ساخت ویژه‌ای ندارد و برای بیان آینده از مضارع اخباری استفاده می‌شود.

ساخت‌های مختلف فعل

ساخت‌های مختلف فعل در گونه‌های سه‌گانه گیلکی یکسان است، به طور کلی در گیلکی شش ساخت ماضی، سه ساخت مضارع رواج دارد که در زیر ذکر می‌گردند:

- ۱- ماضی مطلق ۲- ماضی نقلی ۳- ماضی التزامی ۴- ماضی استمراری ۵- ماضی مستمر ۶-
- ماضی بعید ۷- مضارع اخباری ۸- مضارع التزامی ۹- مضارع مستمر.

۹-۱ ماضی مطلق

ماضی مطلق فعل‌های لازم و متعدی در گیلکی به روش زیر ساخته می‌شود:

ماده ماضی + شناسه (+ افزونه -ə) ← ماضی مطلق لازم و متعدی

از آنجا که تغییرات صرفی در همه صیغه‌ها مشاهده نمی‌شود، در آغاز صیغه‌هایی که دارای تغییرات صرفی هستند، جداگانه ذکر شده است و در آخر یک فعل لازم و یک فعل متعدی در همه صیغه‌ها و ساخت‌ها به طور کامل صرف شده است.

فعل	رشتی	شرقی	غربی
خوابیدم	bu-xuft-əm-ə	bu-xot-əm	bə-xot-əm
برداشتی	u-sād-i	vi-git-i	u-sād-i
خوردید	bu-xurd-id(i)	bu-xurd-in	bə-xurd-id
آمدید	bum-di/ bumuyidi	b-um-en	b-āmu[y]-id

چنان‌که در بخش شناسه‌ها گذشت، بین ماده مختوم به همخوان و بعضی از شناسه‌ها، اغلب مصوت ə-

قرار می‌گیرد، وقتی ماده مختوم به مصوت باشد، دیگر قبل از شناسه‌ها ə- ظاهر نمی‌شود:

bu-šo-m	رفتم (ق، غ، ر)
bu-šu-m	رفتم (ر)
fa-dâ-m	دادم (ر، غ)

قبل از شناسه‌هایی که با مصوت شروع می‌شوند (دوم شخص مفرد، اول، دوم و سوم شخص جمع) واج میانجی ظهور می‌کند:

bu-šu-[y]-im	رفتیم (ر)
bu-šu-[y]-id	رفتند (ر)
b-âmo-[y]-id	آمدید (غ)

در اول شخص و دوم شخص جمع گیلکی رشتی، وند یا نشانه -î- به آخر شناسه به طور اختیاری اضافه می‌شود. این شناسه مشابه یا احتمالاً همان شناسه ماضی استمراری است که به این ساخت تسری پیدا کرده است یا تکواژگونه‌ای از افزونه -ə- است (← افزونه فعل‌های ماضی):

ništ-im-i	نشستیم (ر)
fu-vord-id-i	بلعیدید (ر)
u-sâd-im-i	برداشتیم (ر)

روش منفی کردن ماضی مطلق

روش منفی کردن ماضی مطلق به این شرح است که وند -n(ν) قبل از ماده قرار می‌گیرد، فعل پیشوندی نیز همانند فعل ساده صرف می‌شود، یعنی فقط پیشوند در آغاز ماده قرار می‌گیرد. در پیشوندی اغلب وند نفی -n- ظهور می‌کند:

فعل ماضی	شرقی	رشتی	غربی
مخفی نشد	du-n-xot	ju-n-xut(ə)	ju-n-xut
ننشستی	na-našti	ni-ništ-i	ni-ništ-i
نخواهیدند	nu-xut-en	nu-xuft-ədə	na-xuft-əd-ə
نگرفتم	vi-n-git-əm	u-n-sâd-əm-ə	na-gift-əm

در فعل‌های ترکیبی وند نفی قبل از ماده فعل اصلی قرار می‌گیرد، اگر فعل مرکب پیشوندی باشد، بعد از پیشوند می‌آید:

â-tâš-na-za bun	آتش نزده بودم (ق)
gəryə na-kudi	گریه نکردی (ق)
bâz â-na-kud-əm	باز نکردم (ق)
u-n-sâd-im(ə)	بر نداشتم (ر)
jəm-â-nu-kud-id(i)	جمع نکردید (ر)
qâyim â-nu-bu	مخفی نشد (ر)
âtaš na-za-də	آتش نزدند (غ)
vâz â-na-kud-im	باز نکردیم (غ)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مطلق لازم در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
نشستم	m(ə)əbi-ništ-	məbə-ništ-	m-(ə)əbi-ništ-
نشستی	bi-ništ-i	bə-ništ-i	bi-ništ-i
نشست	bi-ništ-(ə)	bə-ništ	bi-ništ-(ə)
نشستیم	bi-ništ-im(i)	bə-ništ-im	bi-ništ-im
نشستید	bi-ništ-id(i)	bə-ništ-in	bi-ništ-id
نشستند	bi-ništ-əd(ə)	bə-ništ-ən	bi-ništ-əd-(ə)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مطلق متعددی در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
برداشتم	m-(ə)əu-sâd-	məvi-git-	və-sâd-əm-(ə)
برداشتی	u-sâd -i	vi-git-i	və-sâd-i
برداشت	u-sâd-(ə)	vi-git	və-sâd-(ə)
برداشتیم	u-sâd-im(i)	vi-git-im	və-sâd-im
برداشتید	u-sâd-id(i)	vi-git-in	və-sâd-id
برداشتند	u-sâd-əd-(ə)	vi-git-ən	və-sâd-əd(ə)

۹-۲ ماضی نقلی

ماضی نقلی فعل‌های لازم و متعددی به روش زیر ساخته می‌شود:

صفت مفعولی + شناسه ← ماضی نقلی لازم و متعددی

در ساخت ماضی نقلی از صفت مفعولی استفاده می‌شود و صفت مفعولی در گیلکی در تعدادی از فعل‌ها صورت احتمالاً اصیل خود را که بدون وند تصریفی b(ɪ) می‌آید، حفظ کرده است و در مواردی با وند تصریفی به کار می‌رود.

یکی از راه‌های شناخت ماضی نقلی گیلکی این است که در این ساخت صفت مفعولی بدون وند b(ɪ) به کار می‌رود، در این مواقع راه تمایز ماضی بعید و ماضی التزامی از ماضی نقلی این است

که ماضی نقلی بدون فعل کمکی می‌آید. با این حال مانند بسیاری از گویش‌های ایرانی^۱ ماضی نقلی و ماضی مطلق تداخل فراوانی با هم دارند. در گیلکی رشتی و شرقی افعال ništən (نشستن)، xuft-ən (خوابیدن)، kaft-ən (افتادن)، nəhan (نهادن) و isēn (ایستادن)^۲ ساخت ماضی نقلی را حفظ کرده‌اند.^۳ در این اثر سعی شده است چند فعل فوق الذکر، که شکل اصیل ماضی نقلی را حفظ کرده‌اند، نقل شود.

فعل	رشتی	شرقی	غربی
خوابیده‌ام	xufte-m-ə	xota-m	xufta-mə
نشسته‌ام	nište-m-ə	ništa-m	ništa-mə
افتاده‌ای	kəte-[y]i	kəta-im	kafta-[y]im
ایستاده‌ام	isā-mə	hisā-m	isā-mə
نهاده است، ^۴ هست	nāhā	nahə	nā(ha)

غیر از موارد فوق که شکل اصلی خود را حفظ کرده‌اند، ماضی مطلق و نقلی افعال دیگری نیز ظاهراً با شگردهایی قابل تشخیص‌اند و در بیشتر موارد به جای همدیگر به کار می‌روند. در این موارد علاوه بر قرینه‌های نحوی، راه اثبات این زمان، جایگاه تکیه در صیغه سوم شخص مفرد فعل‌های با مادهٔ مختوم به همخوان است، بدین صورت که در ماضی مطلق شناسه ظاهر نمی‌شود، ولی در سوم شخص مفرد ماضی نقلی، صفت مفعولی چون مختوم به مصوت است، ظاهر می‌شود و تمایز خود را نشان می‌دهد در ماضی مطلق تکیه روی شناسه و در ماضی نقلی تکیه روی صفت مفعولی است. در فعل‌های با مادهٔ مختوم به مصوت، هر دو شکل ماضی نقلی و مطلق یکسان است (لازم به ذکر است که صفت مفعولی در گیلکی با وند تصریفی -b(ɪ) نیز می‌آید).

فعل‌هایی با مادهٔ مختوم به همخوان:

۱- کلباسی (← ۱۳۸۲: ۶۶-۸۹) با بررسی ۶۰ گویش ایرانی، از نظر قبلی خود- بعضی از گویش‌ها مانند گیلکی به جای جای ستاک گذشته از صفت مفعولی استفاده می‌کنند- عدول کرده و به این نتیجه رسیده است که گویش‌های مورد نظر برای بیان گذشته ساده از گذشته نقلی استفاده می‌کنند.

۲- در گیلکی دو فعل وجود دارد که در هم ادغام شده‌اند و تفکیک آنها کمی مشکل به نظر می‌رسد و آن دو فعل عبارت‌اند از: «ایستادن و هست» یعنی کاربرد آن دو باعث اختلاط آنها شده است: xub isəm (خوبیم)، xub θ isām خوب ایستاده‌ام (مثلاً برای عکس گرفتن آماده‌ام).

۳- پوره‌ادی این افعال را با عنوان «مصدرهای متفاوت» دسته‌بندی کرده، اما به نقلی بودن این افعال متعرض نشده‌اند (← پوره‌ادی و شهرستنی، ۱۳۸۴: ۱۵۰-۱۶۴).

۴- این فعل تنها برای سوم شخص مفرد و جمع غیرانسان به کار می‌رود.

ماضی نقلی	ماضی مطلق	فعل
bə-ništa	bə-ništ	نشستن، سوم شخص مفرد (ق)
du-xuta	du-xut	خواهیدن، سوم شخص مفرد (ق)
bə-kəta	bə-kat	افتادن، سوم شخص مفرد (ق)
bi-ništə	bi-ništ(ə)	نشستن، سوم شخص مفرد (ر)
vi-gitə	vi-git(ə)	برداشتن، سوم شخص مفرد (ر)
və-sāde	və-sād-ə	برداشتن، سوم شخص مفرد (غ)
gerya bu-kude	gerya bu-kud-ə	گریه کردن، سوم شخص مفرد (غ)

در ماده‌های مختوم به مصوت، به دلیل ظهور مصوت در آخر، دوباره تمایز خود را از دست می‌دهد. نمونه چند فعل با ماده مختوم به مصوت در زیر آمده است:

ماضی نقلی	ماضی مطلق	فعل
hāda/hada	hāda/hada	دادن، سوم شخص مفرد (ق)
bə-za	bə-za	زدن، سوم شخص مفرد (ق)
bə-na	bə-na	گذاشتن، سوم شخص مفرد (ق)
fā-da	fā-da	دادن، سوم شخص مفرد (ر)
bə-ze	bə-ze	زدن، سوم شخص مفرد (ر)
fā-dā	fā-dā	دادن سوم شخص مفرد (غ)

با این حال گاهی در افعال با ماده مختوم به مصوت، تمایز آشکار است:

ماضی نقلی	ماضی مطلق	فعل
bə-de/bi-de	bə-di/ bi-di	دیدن، سوم شخص مفرد (ق)

در گیلکی فعل‌های پیشوندی لازم و متعدی ماضی نقلی، در ساخت هیچ تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند، فقط پیشوند فعلی قبل از صفت مفعولی ظاهر می‌شود:

du-xot-a	مخفی شده است (ق)
fə-vorost-i	بلعیده‌ای (ق)
u-sāda-m(ə)	برداشته‌ام (ر)

hâ-da/ hada	داده‌است (ق)
də-mərdə-d(ə)	غرق شده‌اند (ر)
ju-xuta-də	مخفی شده‌اند (غ)

در اغلب فعل‌های گیلکی راه شناخت ماضی مطلق از ماضی نقلی، وند تصریفی -b(۱) است، چون فعل پیشوندی ماضی نقلی، از وند -b(۱) استفاده نمی‌کند و پیشوند فعلی به جای آن می‌نشیند و با فعل پیشوندی ماضی مطلق یکی می‌شود. حتی با یقین نمی‌توان گفت همان پنج فعل اصیلی که شکل نقلی خود را حفظ کرده‌اند، صورت پیشوندی دارند. شاید فعل مورد نظر صورت پیشوندی ماضی مطلق آنها باشد. به عنوان نمونه چند فعل زیر را هم، می‌توان فعل ماضی نقلی و هم، ماضی مطلق فرض کرد:

ju-xutə-m(ə)	مخفی شدم/ مخفی شده‌ام (ر)
də-kət-im(i)	افتادیم/ افتاده‌ایم داخل چیزی (ر)
fa-da-[y]-i	دادی/ داده‌ای (غ)

برای منفی کردن این ساخت در هر سه گونه، وند نفی -n(۱) در فعل‌های ساده قبل از ماده فعل و در فعل‌های پیشوندی بعد از پیشوند ظاهر می‌شود:

فعل	شرقی	رشتی	غربی
نخورده‌ام	nu-xordə-m	nu-xurdə-m(ə)	nə-xurde-mə
برنداشته‌ایم	vi-n-git-im	vi-n-gitə-m	u-n-sâde[y]-im
نخوابیده‌ام	nu-xuta-m	nu-xufte-m-ə	nə-xofta-m-ə
ننشسته‌ای	nə-ništ-i	nə-nište-[y]-i	nə-nište[y]-i

چنان که در نمونه‌های فوق و نمونه‌های دیگر پیداست، در بیشتر موارد از ماضی ساده برای بیان ماضی نقلی استفاده می‌شود.

نکته: در فعل‌های ترکیبی لازم و متعدی وند نفی قبل از ماده فعلی می‌آید:

فعل	منفی	مثبت
آتش زده‌ام/ آتش زده‌ام (ق)	âtaš nə-za-m	âtaš bə-za-m
باز نکردم/ باز کرده‌ام (ر)	vâz-â-nu-kudə-mə	vâz-â-kudə-mə
جمع نکردم/ جمع کرده‌اند (غ)	jam-â-nə-kudə-də	jam-â-kudə-də
جمع نکردم/ جمع کرده‌اید (ق)	jəm â-n(a)-kut-in	jəm â-kut-in

روش دیگری برای ساخت ماضی نقلی گیلکی (خمام، انزلی و نواحی دیگر) وجود دارد که در آن از فعل کمکی dâšt-en (داشتن) استفاده می‌کنند. مانند:

فعل	گیلی خمام و انزلی
خورده است	bu-xurdə-dāre
رفته‌ام	bušu dar-əm

از آن جا که در گویش رشتی، ساخت فوق رواج ندارد، ساخت نقلی فوق‌الذکر در این جا نیامده است. (برای اطلاعات بیشتر ← پورهادی، ۱۳۸۷: ۵۵ و سرتیپ پور، ۱۳۶۹: ۵۳. برای شباهت این ساخت با زبان سغدی ← قریب، ۱۳۸۳: ۵۴-۶۵).

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی لازم در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
نشسته‌ام	nište-m-(ə)	ništa-m	ništa-m-(ə)
نشسته‌ای	nište-[y]i	ništ-i	nište-[y]i
نشسته‌است	nište	ništa	nište
نشسته‌ایم	nište-[y]im	ništ-im	nište[y]im
نشسته‌اید	nište-[y]id	ništ-in	nište[y]id
نشسته‌اند	nište-d-(ə)	ništa-n	ništa-d-(ə)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی نقلی متعدی در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
برداشته‌ام	vi-gitə-m-(ə)	vi-gita-m	və-sāde-m-(ə)
برداشته‌ای	vi-git-i	vi-git-i	və-sāde-[y]i
برداشته‌است	vi-gitə	vi-gitə	və-sāde
برداشته‌ایم	vi-giti-mi	vi-git-im	və-sāde-[y]im
برداشته‌اید	vi-giti-d(i)	vi-git-in	və-sāde-[y]id
برداشته‌اند	vi-gitə-d-(ə)	vi-gita-n	və-sāde-d-(ə)

۹-۳ ماضی استمراری

ماضی استمراری فعل‌های لازم و متعدی در گیلکی به روش زیر ساخته می‌شود:

ماده ماضی + شناسه (+ وند استمرار) ← ماضی استمراری لازم و متعدی

فعل	رشتی	شرقی	غربی
می‌نشستی	ništ-i	ništ-i	ništ-i

ništ-i	ništ	ništ-i	می‌نشست
xoft-im	xot-im	xot-im(i)	می‌خوابیدیم
še[y]im	šō-m	šu[y]-im(i)	می‌رفتم
ništ-id	ništ-in	ništ-id(i)	می‌نشستید
ništ-əd	ništ-an	ništ-id(i)	می‌نشستند

همان‌طور که از نمونه‌ها برمی‌آید، در گیلکی رشتی و غربی، وند استمرار -i- بعد از شناسه‌ها به کار می‌رود و گاهی هم با شناسه ادغام می‌شود. در دوم شخص مفرد شناسه -i- است و وند استمرار -i- هم، به آن الحاق می‌گردد و کمی کشیده‌تر تلفظ می‌شود و بدین خاطر اول شخص مفرد با اول شخص جمع، دوم شخص مفرد با سوم شخص مفرد و دوم شخص جمع با سوم شخص جمع گیلکی رشتی در شناسه یکسان‌اند، اما در شرقی چنین نیست و شناسه‌ها تفاوت دارند. افعال پیشوندی ماضی استمراری تفاوتی با افعال ساده در ساخت ندارند، فقط پیشوند در اول افعال ساده اضافه می‌شود:

du-xâ(n)d-i	صدا می‌زدی (ر)
vi-git-id(i)	برمی‌داشتید (ر)
və-sâd-im	برمی‌داشتیم (غ)
fu-vurəs-i	می‌بلعیدی (غ)
du-xut-i	مخفی می‌شد (ق)

افعال ترکیبی نیز همانند ساده صرف می‌شوند، فقط جزء غیرفعلی در فعل‌های ترکیبی قبل از ماده ظاهر می‌شوند:

jəm â-kud-id	جمع می‌کردی (ق)
geryə nə-guti ^۱	گریه نمی‌کردی (ق)
âtaš za:n	آتش می‌زدند (ق)
jəm-â-kud-i	جمع می‌کردی (ر)
qâyim â-kud-im(i)	مخفی می‌کردم (ر)
gera kud-i	گریه می‌کرد (غ)
jiga xurd-i	مخفی می‌شد (غ)

۱- نک. پاورقی شماره ۳۱، بخش گیلکی.

طرز منفی کردن ماضی استمراری:

برای منفی کردن فعل‌های ساده این ساخت وند نفی -n(ɪ) به اول ماده افزوده می‌شود:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
نمی‌نشستم	ni-ništ-im(i)	nə-nəšt-im	ni-ništ-i
نمی‌بردند	nu-bord-id(i)	nə-bord-ən	nə-bord-ədə
نمی‌خواهیدیم	nu-xoft-im(i)	nu-xut-im	nə-xuft-im

در فعل‌های پیشوندی ماضی استمراری گیلکی وند نفی -n(ɪ) قبل از افزونه ماده و بعد از پیشوند ظاهر می‌شود، همان‌طور که گذشت، وند نفی فعل‌های پیشوندی در گیلکی اغلب -n- است:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
بر نمی‌داشتم	vi-n-git-im(i)	vi-n-git-əm	və-n-sād-im
مخفی نمی‌شد	ju-n-xut-i	du-n-xot	ju-n-xut-i
نمی‌دادید	fā-n-dā-[y]id(i)	ha-n-den	fā-n-dā[y]-id

فعل‌های ترکیبی ماضی استمراری مانند فعل‌های ساده منفی می‌شوند، یعنی وند نفی قبل از

ماده فعل ظاهر می‌شود:

آتش نمی‌زدند (ر)	âtəš ne-za-[y]id(i)
آتش نمی‌زدند (ق)	âtaš nə-zan
صدا نمی‌زدی (ق)	sədā nə-ze
گریه نمی‌کردی (غ)	gerra nə-kud-i

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی استمراری لازم در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
می‌نشستم	ništ-im(i)	ništ-əm	ništ-im
می‌نشستی	ništ-i	ništ-i	ništ-i
می‌نشست	ništ-i	ništ	ništ-i
می‌نشستیم	ništ-im(i)	ništ-im	ništ-im
می‌نشستید	ništ-id(i)	ništ-in	ništ-id
می‌نشستند	ništ-id(i)	ništ-an	dəništ-

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی استمراری متعدی در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
برمی‌داشتم	vi-git-im(i)	vi-git-əm	və-sād-im

və-sâd-i	vi-git-i	vi-git-i	برمی‌داشتی
və-sâd-i	vi-git	vi-git-i	برمی‌داشت
və-sâd-im	vi-git-im	vi-git-im(i)	برمی‌داشتیم
və-sâd-id	vi-git-in	vi-git-id(i)	برمی‌داشتید
və-sâd-əd	vi-git-an	vi-git-id(i)	برمی‌داشتند

۹-۴ ماضی بعید

ماضی بعید فعل‌های لازم و متعدی در گیلکی به روش زیر ساخته می‌شود:

ماضی بعید لازم و متعدی ← صفت مفعولی + صرف ماضی مطلق فعل «بودن»

در گیلکی رشتی شناسه ماضی بعید با شناسه بقیه فعل‌های رشتی تفاوت دارد، برای ساخت ماضی بعید از شناسه‌های اولیه استفاده می‌شود.

فعل‌های لازم ماضی بعید:

bə-ništə bi	نشسته بودی (ق)
du-xutə bu	مخفی شده بود (ق)
nište bi	نشسته بودی (ر)
bumo bid	آمده بودید (ر)
fa-rasa-bud	رسیده بودند (غ)
vārəsta bu	باریده بود (غ)

در ماضی بعید گیلکی صفت مفعولی به کار می‌رود و این صفت مفعولی معمولاً وند تصریفی -(i) b در آغاز دارد. در چند فعل گیلکی وند تصریفی در ساخت صفت مفعولی ماضی بعید، اختیاری است، مانند:

فعل	شرقی	رشتی	غربی
نشسته	(bə-)ništə	(bi-)ništə	(bə-)ništə
خوابیده	(bu-)xutə	(bu-)xuftə	(bə-)xutə

(نیز ← ماضی بعید تمنایی در گیلکی شرقی).

ماضی بعید فعل‌های متعدی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
برده بودند	bu-borde-bun	bu-burdə bu-n	bu-burda-bud
دیده بودم	bi-dē bum	bə-de bu-m	bi-da bum
خورده بودی	bu-xurdi bi	bu-xordə bi	bo-xurda bi

فعل‌های پیشوندی لازم و متعدی ماضی بعید در ساخت هیچ تفاوتی با فعل‌های ساده ندارند و پیشوند قبل از صفت مفعولی ظاهر می‌شود:

bu vi-gitə	برداشته بودم (ق)
ha-da bin	داده بودید (ق)
bun du-murdə	غرق شده بودند (ق)
bin də-mərdə	غرق شده بودید (ر)
ju-xut-ə bu	مخفی شده بود (ر)
vi-gite bud	برداشته بودند (ر)
fa-da bi	فرستاده بود (غ)
və-sâdə bum	برداشته بودم (غ)

روش ساخت مصدرهای ترکیبی در ساخت ماضی بعید:

در فعل‌های مرکب فقط جزء غیرفعلی به اول فعل مرکب اضافه می‌شود:

âtaš bə-za bim	آتش زده بودیم (ق)
jəm â-gutə bin	جمع کرده بودید (ق)
âtaš bə-ze bum	آتش زده بودم (ر)
jəm â-kudə bid	جمع کرده بودید (ر)
xafa â-busta b-id	خفه شده بودید (ع)
j(ig)â bu-xurdə bu	مخفی شده بود (غ)

طرز منفی کردن فعل ماضی بعید:

در ماضی بعید ساده و ترکیبی وند نفی-(n) بلافاصله قبل از ماده فعل قرار می‌گیرد، در فعل‌های پیشوندی وند نفی بعد از پیشوند ظاهر می‌شود:

nu-xotə bum	نخوابیده بودم (ق)
vi-n-gitə bim	برنداشته بودیم (ق)
nə-de bum	ندیده بودم (ق)
nə-rase bun	نرسیده بودند (ق)
gerya nə-gutə bum	گریه نکرده بودم (ق)

ni-nište bim	ننشسته بودیم (ر)
vi-n-gitə bi	برنداشته بودی (ر)
nu-bordə bud	نبرده بودند (ر)
use nu-kudə bum	نفرستاده بودم (ر)
n-âmâ bud	نیامده بودند (غ)
fa-n-dâ bim	نداده بودم (غ)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید لازم در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
نشسته بودم	bi-nište bum	bə-nište bum	bə-nište bum
نشسته بودی	bi-nište bi	bə-nište bi	bə-nište bi
نشسته بود	bi-nište bu	bə-nište bu	bə-nište bu
نشسته بودیم	bi-nište bim	bə-nište bim	bə-nište bim
نشسته بودید	bi-nište bid	bə-nište bin	bə-nište bid
نشسته بودند	bi-nište bud	bə-nište bun	bə-nište bud

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید متعدی در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
برداشته بودم	vi-gitə bum	vi-gite bum	və-sâda bum
برداشته بودی	vi-gitə bi	vi-gite bi	və-sâda bi
برداشته بود	vi-gitə bu	vi-gite bu	və-sâda bu
برداشته بودیم	vi-gitə bim	vi-gite bim	və-sâda bim
برداشته بودید	vi-gitə bid	vi-gite bin	və-sâda bid
برداشته بودند	vi-gitə bud	vi-gite bun	və-sâda bu

۵-۹ ماضی بعید تمنایی

برای معنا و کاربرد این ساخت ← «ماضی بعید تمنایی» در بخش تاتی.

طرز ساخت ماضی بعید تمنایی:

گیلکی رشتی و غربی: صفت مفعولی + فعل معین bi + شناسه‌ها

گیلکی شرقی: ← (ضمایر منفصل فاعلی) + صفت مفعولی + فعل معین bi: (جواب ← : مصدر + صرف ماضی مطلق بودم)

در گیلکی شرقی از ضمایر منفصل فاعلی در آغاز جمله استفاده می‌شود و فعل اصلی بدون شناسه ظاهر می‌شود. سوم شخص مفرد فعل معین بودن (bi) برای تمام صیغه‌ها، یکسان به کار می‌رود و معمولاً جمله‌ای که چنین ساختی دارد، جملهٔ پیرو است و جواب آن ماضی استمراری است.

agar xub bə-bustə bi, malum bu.	اگر [حالش] بهتر می‌شد، معلوم بود. (غ)
agar bihâl bə-bustə bi-m, kəft-im.	اگر بی‌حال می‌شدم، می‌افتادم. (غ)
agar biništə bi, ono de[y]i.	اگر می‌نشسته بودی، آنرا می‌دید. (غ)
agar bə-kafta bi-m, xis â-bust-im.	اگر می‌افتادیم، خیس می‌شدیم. (غ)
agər bə-xândə bi-d, qubul â-bost-id.	اگر می‌خوانده بودید، قبول می‌شدید. (ر)
agər bə-pəta bi-m.	اگر می‌پخته بودم. (ر)
âmo bə-katə bi.	اگر ما افتاده می‌بودیم. (ق)
un du-xutə bi.	اگر او مخفی می‌شده بود. (ق)
šumu hada bi.	اگر شما می‌داده بودید. (ق)
tu biništə bi.	اگر تو نشسته می‌بودی. (ق)
agar bihâl âbu bim, kət-im.	اگر بی‌حال می‌شدم، می‌افتادم. (ر)
agar xub âbu bi, malum bu.	اگر [حالش] بهتر می‌شد، معلوم بود. (ر)

نکته: در گیلکی شرقی جواب چنین جملاتی به صورت مصدر می‌آید و بعد از مصدر، فعل «بودن» در ماضی مطلق ظاهر می‌شود:

agar bəkata bi, xis â-bun âbum.	اگر می‌افتاده بودم، خیس می‌شدم. (ق)
agar hâ-dâ bi, hâ-git-an â-bum.	اگر می‌داده بودی، می‌گرفتم. (ق)
agar buxândə bi, qabul â-bun â-bi.	اگر می‌خوانده بودی، قبول می‌شدی. (ق)

فعل‌های پیشوندی ماضی بعید تمنایی از نظر ساخت هیچ تفاوتی با فعل‌های ساده و ترکیبی ندارد:

bi. agar du-xuta	اگر مخفی می‌شده بود. (ق)
agar šumu hada bi.	اگر داده می‌بودید. (ق)
mo vi-gitə bi.	اگر برداشته می‌بودم. (ق)
va-hâštə bid.	اگر می‌گذاشته بودید. (ر)

â-kuda bid. hist	اگر خیس می‌کرده بودید. (ر، غ)
və-sâda bim.	اگر برمی‌داشتم. (غ)

برای منفی کردن این ساخت که وند نفی -(v) n در فعل‌های ساده به جای -(v) b در صفت مفعولی می‌نشینند و در فعل‌های پیشوندی وند نفی -n- بعد از پیشوند، ظاهر می‌شود:

منفی فعل‌های و متعدی:

bi. mu nə-xuta	اگر نمی‌خوابیده بودم. (ق)
nə-kəfta bim.	اگر نمی‌افتاده بودم. (غ)
nə-xānda bid.	اگر نمی‌خوانده بودید. (غ، ر)
fā-n-dā bim.	اگر نمی‌داده بودم. (غ، ر)
mo vi-n-gita bi.	اگر بر نمی‌داشته بودم. (ق)
šumu jam ā-n-huta ¹ bi.	اگر جمع نمی‌کرده بودید. (ق)
āmu nu-xurda bi.	اگر ما نمی‌خوردیم. (ق)
tu nə-gutə bi.	اگر تو نمی‌گفته بودی. (ق)
tu nə-ništa bi.	اگر تو نمی‌نشسته بودی. (ق)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید تمنایی لازم:

غربی	رشتی	شرقی	فعل
bi-ništa bim.	bi-ništa bim.	mu bə-ništa bi.	اگر می‌نشسته بودم.
bi-ništa biv	bi-ništa bi.	tu bə-ništa bi.	اگر می‌نشسته بودی.
bi-ništa bi.	bi-ništa bi.	un bə-ništa bi.	اگر می‌نشسته بود.
bi-ništa bim	bi-ništa bim	āmu bə-ništa bi	اگر می‌نشسته بودیم
bi-ništa bid	bi-ništa bid	šumu bə-ništa bi	اگر می‌نشسته بودید
bi-ništa bid	bi-ništa bid	ušun bə-ništa bi	اگر می‌نشسته بودند

۱- در گیلکی شرقی (رودسری) مصدر kud-ən به صورت gut-ən و hut-ən نیز تلفظ می‌شود. به ویژه در صحبت صحبت کردن سریع /k/ به /h/ تبدیل می‌شود.

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی بعید تمنایی متعدی:

فعل	شرقی	رشتی	غربی
اگر برداشته می‌بودم	mu vi-gita bi	vi-gitə bim	və-sāda bim
اگر برداشته می‌بودی	tu vi-gita bi	vi-gitə bi	və-sāda bi
اگر برداشته می‌بود	un vi-gita bi	vi-gitə bi	və-sāda bi
اگر برداشته می‌بودیم	āmu vi-gita bi	vi-gitə bim	və-sāda bim
اگر برداشته می‌بودید	šumu vi-gita bi	vi-gitə bid	və-sāda bid
اگر برداشته می‌بودند	ušun vi-gita bi	vi-gitə bid	və-sāda bid

۹-۶ ماضی التزامی

طرز ساخت ماضی التزامی در گونه‌های سه‌گانه گیلکی به شرح زیر است:

صفت مفعولی + صرف ماضی مطلق فعل «بودن» ← ماضی التزامی لازم و متعدی (گیلکی شرقی و غربی)

صفت مفعولی + ماضی مطلق فعل کمکی «بودن» با شناسهٔ ثانویه ← ماضی التزامی لازم و متعدی (گیلکی رشتی)

در گیلکی رشتی نحوه صرف فعل کمکی بودن در دو ساخت ماضی بعید و ماضی التزامی متفاوت است. به عبارتی، واژه شناسه در ماضی بعید در اول شخص مفرد و سوم شخص جمع -u- ولی در ماضی التزامی -i-^۱ است (نیز ← شناسه‌های گیلکی).

فعل لازم:

bu-xotə bum	خوابیده باشیم (ق)
bə-ništə bi	نشسته باشی (ق)
dovəsa bun	دویده باشند (ق)
bu-xuftə bim	خوابیده می‌بودم (ر)

۱- احتمالاً حفظ واکه یا وند -i- در ساخت ماضی التزامی به حدی که عامل تمایز آن از ماضی بعید باشد، نشانگر بقایایی از فعل تمنایی در گیلکی رشتی است. یعنی وند -i- ممکن است روزی در معنای تمنا، حسرت و آرزو نیز به کار می‌رفته است و ساخت متمایزی با التزامی داشته، اما امروزه آن ساخت از بین رفته است و ساخت التزامی برای هر دو به کار می‌رود.

gəryə bə-kudə bi	گریه کرده باشد (ر)
fo-vordə bim	بلعیده باشم (ر)
bi-ništa bu	نشسته باشد (غ)
dovəsta bud	دویده باشند (غ)

فعل متعدی:

bu-xurde bun	خورده باشند (ق)
vi-gite bum	براشته باشم (ق)
bo-borda bid	برده باشید (غ)
bu-xurdi bid	خورده باشند (ر)
bu-xurdi bid	خورده باشید (ر)
fa-da bu	داده باشد (غ)
fā-da bid	داده باشید (ر)
bə-dē bun	دیده باشند (ق)

طرز منفی کردن این ساخت به این شرح است که وند نفی-(n) ، به جای وند -(b) می‌نشینند:

nə-nište bi	ننشسته باشی (ق)
bim nu-xufte	نخوابیده باشم (ر)
bi nu-bordə	نبرده باشد (ر)
bu nu-xutə	نخوابیده باشد (ق)
ni-da bu	ندیده باشد (غ)
bid ni-nište	ننشسته باشید (ر)
nə-kaftə bim	نیفتاده باشیم (غ)

در افعال پیشوندی و ترکیبی (لازم و متعدی) وند نفی در هر سه گونه قبل از فعل معین می‌آید:

âtaš nə-za bu	آتش نزده باشی (ق)
vi-n-gitə bim	برنداشته باشم (ق)
vâ-n-kudə bi	باز نکرده باشی (ر)
ju-xutə bi	مخفی شده باشد (ر)
jəm â-nu-kudə bim	جمع نکرده باشیم (ر)

نداده باشید (غ)	fa-n-dâ bid
باز نکرده باشم (غ)	vâz â-n-kuda bi

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی التزامی لازم در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
نشسته باشم	bi-ništə bim	bə-nište bum	bi-ništa bum
نشسته باشی	bi-ništə bi	bə-niše bi	bi-ništa bi
نشسته باشد	bi-ništə bi	bə-nište bu	bi-ništa bu
نشسته باشیم	bi-ništə bim	bə-nište bim	bi-ništa bim
نشسته باشید	bi-ništə bid	bə-nište bin	bi-ništa bid
نشسته باشند	bi-ništə bid	bə-nište bun	bi-ništa bud

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی التزامی متعدی در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
برداشته باشم	vi-gitə bim	vi-gite bum	və-sâda bum
برداشته باشی	vi-gitə bi	vi-gite bi	və-sâda bi
برداشته باشد	vi-gitə bi	vi-gite bu	və-sâda bu
برداشته باشیم	vi-gitə bim	vi-gite bim	və-sâda bim
برداشته باشید	vi-gitə bid	vi-gite bin	və-sâda bid
برداشته باشند	vi-gitə bid	vi-gite bun	və-sâda bud

۹-۷ ماضی مستمر

طرز ساخت ماضی مستمر در گیلکی به شرح زیر است:

گیلکی غربی ۱: ← وند استمرار -kərâ + مصدر فعل اصلی + وند da + صرف ماضی مطلق «بودن»

گیلکی غربی ۲: ← وند استمرار -kərâ + مضارع اخباری فعل اصلی

شرقی و رشتی: ← مصدر (مرخم) فعل اصلی + وند də-/da- + صرف ماضی مطلق «بودن»
فعل لازم:

۱- وند استمرار -kərâ در گیلکی فومنی به احتمال قریب به یقین متأثر از گویش تالشی اطراف آن منطقه بوده است. گاهی در رشتی نیز این وند به گوش می‌رسد، اما به اندازه گیلکی غربی شایع نیست.

فعل	رشتی	شرقی	غربی
داشتم می‌خوابیدم	bim xoftən di	xote də bum	kərâ xoftan da bum
داشتید می‌نشید	bid ništən di	nište də bin	kərâ niştan da bid
داشتی می‌رفتی	bi šōn di	šō də bi	kərâ šūn da bi

همان‌طور که در طرز ساخت این فعل گذشت، گیلکی غربی دو روش ساخت ماضی مستمر دارد؛ روش اول مثال‌هایش ذکر شد، حال مثال‌هایی از روش دوم:

kərâ ništ-i	داشتی می‌نشستی (غ)
kərâ xurd-i	داشتی می‌خوردی (غ)
kərâ xoft-əd	داشتند می‌خوابیدند (غ)

وند استمرار-da گاهی تحت تأثیر واکه شناسه قرار می‌گیرید و همانندی واکه‌ای رخ می‌دهد. و به شکل‌های-di، -də و -du در می‌آید. مثال‌های آن در صرف افعال، در ادامه، آمده است.

xandəse də bu	داشت خنده می‌کرد (ق)
gəryə kudən di-bim	داشتم گریه می‌کردم (ر)
xandə dibi ^۱	داشتی می‌خندیدی (ر)
gerye də bin	داشتید گریه می‌کردید (ق)

نکته: همان‌طور که از مثال آخر پیداست، در گیلکی شرقی و رشتی، در ساخت ماضی مستمر افعال مرکبی چون «خنده کردن» و «گریه کردن»، فعل معین (kud-ən) استفاده نمی‌شود.

نکته: در ساخت ماضی مستمر گیلکی شرقی از مصدر مرخم استفاده می‌شود و گاهی از آخر آن واکه e- یا a/ə- حذف می‌شود:

ništ də bu	داشت می‌نشست (ق)
nište də bu	داشت می‌نشست (ق)
jəm â-kâ di-bid	داشتید جمع می‌کردید (ر)
use kâ di-bi	داشتی می‌فرستادی (ر)
kəte da bim	داشتیم می‌افتادیم (ق)

۱- از دو مصدر «خنده کردن» و «گریه کردن» در هر سه گونه گیلکی، بدون مصدر کمکی «کردن» ساخت مضارع مستمر و ماضی مستمر به دست می‌آید.

نکته: همچنان که از دو سطر اول جدول فوق پیداست، مصدر مرخم گیلکی شرقی به دو صورت *ništ/ nište* ظاهر می‌شود.

متعدی:

borde da bim	داشتیم می‌بردیم (ق)
xurde da bin	داشتید می‌خوردید (ق)
bordæn du-bud	داشتند می‌بردند (ر)
fo-vordæn du-bum	داشتیم می‌بلعیدیم (ر)
kærâ u-sâdan du-bu	داشت برمی‌داشت (غ)
kærâ xurdan da-bum	داشتیم می‌خوردم (غ)

طرز منفی کردن^۱ رشتی و شرقی:

نکته: به طور کلی ماضی مستمر گیلکی به ویژه گونه‌های رشتی و غربی (همانند مضارع مستمر) کمتر منفی می‌شوند و سعی بر آنست که از شکل منفی ماضی استمراری استفاده شود، در مضارع مستمر نیز سعی بر آنست که به جای منفی آن از منفی مضارع اخباری استفاده شود (← مضارع مستمر در گیلکی). در گیلکی شرقی وند نفی -nne و در رشتی -nə- را بعد از نمودنمای da- می‌آورند، از این لحاظ تفاوتی در ساده یا پیشوندی بودن فعل وجود ندارد، چون وند استمراری da-

همیشه بعد از ماده می‌آید:

فعل ساده منفی:

borde dā-nne bun	داشتند نمی‌بردند (ق)
xurdā dā-nne bin	داشتید نمی‌خوردید (ق)
xotā dā-nne bum	داشتیم می‌خواهیدم (ق)
xuftæn di-ne-bum	داشتیم نمی‌خواهیدم (ر)
ništæn di-ne bi	داشتی نمی‌نشستی (ر)

فعل پیشوندی منفی:

do-murdā dā-nne bi	داشتی غرق نمی‌شدی (ق)
vi-gite dā-nne bim	داشتیم بر نمی‌داشتیم (ق)

۱- برای منفی کردن ماضی مستمر ← پاورقی ذیل ماضی مستمر تاتی و تالشی.

du-xute da-nne bu	داشت مخفی نمی‌شد (ق)
fâ-dân di-ne bid	داشتید نمی‌دادید (ر)
vi-git-ən di-ne-bid	داشتید بر نمی‌داشتید (ر)

فعل‌های ترکیبی در ساخت ماضی مستمر همانند فعل‌های ساده یا پیشوندی صرف می‌شوند، در شرقی برای منفی کردن وند نفی -nə بعد از نمودنما ظاهر می‌شود:

âtaš za də-nne-bun	داشتند آتش نمی‌زدند (ق)
jəm â-gutə da-nne bim	داشتیم جمع نمی‌کردیم (ق)
jəm â-kud-ən di-ne bud	داشتند جمع نمی‌کردند (ر)
vel â-kud-ən di ne-bu	داشت رها نمی‌کرد (ر)

گاهی فعل‌های ماضی مستمر گیلکی رشتی تحت تأثیر گیلکی شرقی قرار گرفته، همانند آن منفی می‌شوند، یعنی وند نفی -nne- را بعد از ماده می‌آورند:^۱

xurdən di-nne bum	داشتم نمی‌خوردم (ر)
ništən di-nne-bu	داشت نمی‌نشست (ر)

طرز منفی کردن ماضی مستمر گیلکی غربی: برای منفی کردن ماضی مستمر دسته یک غربی وند نفی -n(ə) قبل از مصدر اصلی ذکر می‌شود:

kərâ jam â-nə-kudan du-bu	داشت جمع نمی‌کرد (یعنی مثلاً مشغول کار دیگری بود). (غ)
ti mâšin-â nə xurdan du-bum	ماشینت را داشتم نمی‌خوردم. (غ)

این روش منفی کردن کمتر استفاده می‌شود و به جایش تمایل بیشتری به استفاده از شکل منفی روش دوم است، یعنی ماضی استمراری همان فعل، با وند -kərâ- می‌آید:

kərâ vâ-n-sâd-i	داشت بر نمی‌داشت (غ)
kərâ par nə-gift-i	داشت پر نمی‌گرفت (غ)

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مستمر لازم در گیلکی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
داشتم می‌نشستم	ništ-ən du-bum	nište də bum	kərâ ništən du-bum
داشتی می‌نشستی	ništ-ən di-bi	nište də bi	kərâ ništən di-bi
داشت می‌نشست	ništ-ən du-bu	nište də bu	kərâ ništən du-bu

۱- همچنین ← پورهادی، ۱۳۸۷: ۷۹

kərâ ništan di-bim	nište də bim	ništ-ən di-bim	داشتیم می نشستیم
kərâ ništan di-bid	nište də bid	ništ-ən di-bid	داشتید می نشستید
kərâ ništan du-bud	nište də bun	ništ-ən du-bud	داشتند می نشستند

نمونه کاملی از صرف فعل ماضی مستمر متعدی در گیلکی:

غربی	شرقی	رشتی	فعل
kərâ vâ-sâdan du-bum	vi-gite də-bum	vi-git-ən du-bum	داشتم برمی داشتیم
kərâ vâ-sâdan di-bi	vâ-gite də-bi	vi-git-ən di-bi	داشتی برمی داشتی
kərâ vâ-sâdan du-bu	vi-gite də-bu	vi-git-ən du-bu	داشت برمی داشت
kərâ vâ-sâdan di-bim	vâ-gite də-bim	vi-git-ən di-bim	داشتیم برمی داشتیم
kərâ vâ-sâdan di-bid	vi-gite də-bid	vi-git-ən di-bid	داشتید برمی داشتید
kərâ vâ-sâdan du-bud	vâ-gite də-bun	vi-git-ən du-bud	داشتند برمی داشتند

۸-۹ مضارع اخباری

طرز ساخت مضارع اخباری در گیلکی به شرح زیر است:

ماده مضارع + شناسه ← مضارع اخباری

غربی	شرقی	رشتی	فعل
nəšin-əm	niš-əm	nəšin-əm(ə)	می نشینم
xor-ə	xor-i	xor-ə	می خورد
xos-ə	xos-ə	xus-ə	می خوابد
kaf-im	kan-im	kəf-im-i	می اقتیم

پیشوندی:

vi-gir-əm	برمی دارم (ق)
vâ-kon-in	باز می کنید (ق)
fo-vər-i	می بلعی (ر)
vâz â-kun-im(i)	باز می کنیم (ر)
fa-da[y]i	می دهی (غ)
ju-xos-ə	مخفی می شود (غ)

فعل های ترکیبی نیز همانند فعل های ساده صرف می شوند:

jəm-â-kun-ə	جمع می‌کند (ق)
gerye kun-im	گریه می‌کنیم (ق)
ârâm â-kun-im(i)	آرام می‌کنیم (ر)
âb â-be	آب می‌شود (ر)
vâz-â-kon-im	باز می‌کنیم (غ)
j(i)â xor-i	مخفی می‌شوی (غ)

نکته مهم: در هر سه گونه گیلکی مضارع اخباری اغلب بر مفهوم آینده دلالت می‌کند، به عبارتی دیگر، گویندگان از این ساخت برای بیان آینده استفاده می‌کنند. گاهی به قدری این مساله شیوع پیدا کرده‌است که آن را آینده فرض کرده‌اند (← پورهادی، ۱۳۸۷: ۶۶) و از ساخت مضارع مستمر برای بیان حال استفاده می‌کنند.

طرز منفی کردن فعل‌های مضارع اخباری:

در گیلکی برای منفی کردن، وند نفی -n(ɪ) قبل از ماده فعل می‌آید:

nə-bur-əm	نمی‌برم (ق)
nu-xus-in	نمی‌خواهید (ق)
nu-xus-əm-ə	نمی‌خواهیم (ر)
ni-nišin-e	نمی‌نشیند (ر)
nə-kaf-im	نمی‌افتم (غ)
n-anə	نمی‌داند (غ)

در فعل‌های پیشوندی وند نفی (در بیشتر موارد -n-) بعد از پیشوند فعلی ظاهر می‌شود:

vi-n-gir-əm	برنمی‌دارم (ق)
du-n-xus-in	مخفی نمی‌شوید (ق)
vâ-nə-kun-e	باز نمی‌کند (ر)
ju-n-xus-imi	مخفی نمی‌شویم (ر)
pir â-nə-buhu	پیر نمی‌شود (غ)
dâd nə-zan-i	فریاد نمی‌زنی (غ)

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع اخباری لازم:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
می‌نشینم	niš-in-əm(ə)	niš-əm	niš-in-əm(ə)
می‌نشینی	niš-in-i	niš-i	niš-in-i
می‌نشیند	niš-in-e	niš-ə	niš-in-ə
می‌نشینیم	niš-in-im(i)	niš-im	niš-in-im
می‌نشینید	niš-in-id(i)	niš-in	niš-in-id
می‌نشینند	niš-in-əd(ə)	niš-ən	niš-in-əd(ə)

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع اخباری متعدی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
برمی‌دارم	vi-gir-əm(ə)	vi-gir-əm	vâ-sân-əm(ə)
برمی‌داری	vi-gir-i	vi-gir-i	vâ-sân-i
برمی‌دارد	vi-gir-e	vi-gir-ə	vâ-sân-ə
برمی‌داریم	vi-gir-im(i)	vi-gir-im	vâ-sân-im
برمی‌دارید	vi-gir-id(i)	vi-gir-in	vâ-sân-id
برمی‌دارند	vi-gir-əd(ə)	vi-gir-ən	vâ-sân-əd(ə)

۹-۹ مضارع التزامی

طرز ساخت مضارع التزامی در گیلکی به شرح زیر است:

وند وجه -b(۱) + ماده مضارع + شناسه ← مضارع التزامی لازم و متعدی

bə-niš-əm	بنشینم (ق)
bu-xur-ə	بخورد (ق)
bu-xus-im	بخوابیم (ق)
bu-xus-əm	بخوابم (ر)
bi-niš-in-im	بنشینیم (ر)
bu-xor-ə	بخورد (ر)
bo-xos-əm	بخوابم (غ)
bi-din-i	ببینی (غ)

در گونه شرقی و رشتی این ساخت (همانند دیگر ساخت‌هایی که از وند -b(ʔ) استفاده می‌کنند)، مصوت وند تصریفی -b(ʔ) ناپایدار است و هماهنگ با واکه نخستین هجای ماده فعل تغییر پیدا می‌کند و وند نفی آن نیز به تبع آن همانندی واکه‌ای پیدا می‌کند:

du-xus-ə	مخفی شود (ق)
nu-xus-ə	نخواهد (ق)
bo-bur-im	ببریم (ق)
ju-xus-im	مخفی شویم (ر)
nu-xur-ə	نخورد (ر)
jo-xos-ə	مخفی شود (غ)

ساخت فعل لازم و متعدی در مضارع التزامی تفاوتی با هم ندارند و در فعل‌های پیشوندی به جای پیشوند وجه، از پیشوند فعلی استفاده می‌شود:

vi-gir-əm	بردارم (ق، ر)
də-mir-an	غرق شوند (ق)
fu-vur-i	ببلعی (ر)
vâ-kun-id	باز کنید (ر)
qar bo-kon-im	قهر کنیم (غ)
vâ-sân-id	بردارید (غ)

نکته ۱: چون در مضارع التزامی پیشوندی گیلکی، از وند تصریفی -b(ʔ) استفاده نمی‌شود و پیشوند به جای آن می‌نشیند، در شکل همانند مضارع اخباری پیشوندی می‌شود، در این مواقع راه شناخت این دو فعل (علاوه بر قرائن متنی)، جایگاه تکیه آنهاست. به این ترتیب در مضارع التزامی پیشوندی، تکیه روی پیشوند فعلی و در مضارع اخباری پیشوندی، تکیه روی ماده مضارع است^۱:

فعل	مضارع التزامی	معنی	مضارع اخباری
ببلعی (ق)	fa'-vər-i	می‌بلعی (ق)	fa-vər'-i
ببلعی (ر)	fu'-vur-i	می‌بلعی (ر)	fa-vur'-i
باز کنم (ق، ر)	bâz â'-kun-əm	باز می‌کنم (ق، ر)	bâz â-kun'-əm
مخفی شود (غ)	-xos-ə'jo	مخفی می‌شود (غ)	-ə'jo-xos
جمع کنی (غ)	jam â'-kon-i	جمع می‌کنی (غ)	jam â-kon'-i

۱- چنین حالتی در دو گویش تاتی و تالشی نیز اتفاق می‌افتد ← بخش مضارع التزامی دو گویش مذکور.

نکته ۲: در منفی افعال ساده این ساخت چون *وند نفی*، *جانشین وند* (التزامی و اخباری) می‌شود و از ظهور آن جلوگیری می‌کند، در ظاهر فرقی بین مضارع اخباری منفی و مضارع التزامی منفی نمی‌ماند. در این مواقع راه شناخت (بعد از قرائن متنی) تشخیص محل تکیه است، در التزامی تکیه بر شناسه و در مضارع اخباری، تکیه بر *وند نفی* فعل است:

معنی	مضارع التزامی	معنی	مضارع اخباری
ننشینم (ق)	<i>nə-niš-əm'</i>	نمی‌نشینم (ق)	<i>nə-niš-əm</i>
نخورم (ق، ر)	<i>nu-xur-ə'</i>	نمی‌خورم (ق، ر)	<i>nu'-xur-ə</i>
نخوابیم (ق، ر)	<i>nu-xus-im'</i>	نمی‌خوابیم (ق، ر)	<i>nu'-xus-im</i>
نروید (ر)	<i>ni-š-id'</i>	نمی‌روید (ر)	<i>ni'-š-id</i>
ننشینم (غ)	<i>-əm'nə-nišin</i>	نمی‌نشینم (غ)	<i>-nišin-əm'nə</i>
نخوری (غ)	<i>-i'nə-xor</i>	نمی‌خوری (غ)	<i>-xor-i'nə</i>

فعل‌های ترکیبی نیز همانند فعل‌های ساده صرف می‌شوند:

<i>jəm â'-kun-im</i>	جمع کنیم (ق)
<i>âtaš bə-zan-əm</i>	آتش بزنم (ق)
<i>vel â'-kun-im</i>	رها کنیم (ر)
<i>âtaš bə-zan-əd</i>	آتش بزنند (غ)
<i>jigâ bə-xor-ə</i>	مخفی شود (غ)

طرز منفی کردن فعل‌های مضارع التزامی :

برای منفی کردن این ساخت در گیلکی شرقی، رشتی و غربی *وند نفی* -*n(v)* به جای *وند* تصریفی می‌آید. در افعال پیشوندی *وند نفی* بین پیشوند و ماده فعل قرار می‌گیرد. در افعال ترکیبی نیز *وند نفی* قبل از ماده فعل قرار می‌گیرد:

<i>nu'-xor-i</i>	نخوری (ق)
<i>nə'-niš-in</i>	ننشینید (ق)
<i>geryə nə'-kun-in</i>	گریه نکنید (ق)
<i>ha-n-din</i>	ندهید (ق)
<i>nu-xur-im</i>	نخوریم (ر)
<i>fâ-n-did</i>	ندهید (ر)

âtaš nə-zan-i	آتش نزن (ر)
fâ-n-da[y]i	ندهی (غ)
vâz â-nə-kon-i	باز نکنی (غ)

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع التزامی لازم:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
بنشینم	bi-nišin-əm	bə-niš-əm	məbə-nišin-
بنشینی	bi-nišin-i	bə-niš-i	bə-nišin-i
بنشیند	bi-nišin-ə	bə-niš-ə	əbə-nišin-
بنشینیم	bi-nišin-im	bə-niš-im	bə-nišin-im
بنشینید	bi-nišin-id	bə-niš-in	bə-nišin-id
بنشینند	dəbi-nišin-	bə-niš-ən	dəbə-nišin-

نمونه کاملی از صرف فعل مضارع التزامی متعدی:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
بردارم	məu-sân-	vi-gir-əm	və'-sân-əm
برداری	u-sân-i	vi-gir-i	və-sân-i
بردارد	əu-sân-	vi-gir-ə	və-sân-ə
برداریم	u-sân-im	vi-gir-im	və-sân-im
بردارید	u-sân-id	vi-gir-in	və-sân-id
بردارند	dəu-sân-	vi-gir-ən	və-sân-əd

۹-۱۰ مضارع مستمر

طرز ساخت مضارع مستمر به شرح زیر است:

← گیلکی رشتی و شرقی	مصدر (مرخم) از فعل اصلی + نمودنمای [r]-də-/da + شناسه
← گیلکی غربی (روش اول)	وند مستمر kərâ + مصدر (مرخم) از فعل اصلی + نمودنمای da- [r]-də/ + شناسه
← گیلکی غربی (روش دوم)	وند مستمر kərâ + مضارع اخباری فعل اصلی

۱- این پیشوند در فومنی به صورت vâ نیز شنیده و ضبط شده است (← صرف کامل فعل‌های گیلکی فومنی در ساخت‌های مختلف).

نمودنمای مستمر در این ساخت (همانند ماضی مستمر)، *da-* است و *-[r]*- واج میانجی است و دلیلش این است که هنگام نفی، چون بین دو واکه قرار نمی‌گیرد، ظاهر نمی‌شود (← طریقه منفی کردن مضارع مستمر در گیلکی شرقی). منظور از مصدر مرخم، مصدری است که از آخر آن *n(ə)* - حذف شده باشد. مانند *nište-* از مصدر *ništ-en* یا *šō* از مصدر *šōn* (رفتن). مصدر مرخم در گیلکی شرقی، بیشتر به کار می‌رود:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
دارم می‌خورم	<i>xurdən dər-əm(ə)</i>	<i>xurde dar-əm</i>	<i>kərâ xurdən dar-əm</i>
دارند می‌نشینند	<i>ništən dər-əd(ə)</i>	<i>nište dar-ən</i>	<i>kərâ ništən dar-ədə</i>
داری می‌بری	<i>bordən dər-i</i>	<i>borde dar-i</i>	<i>kərâ bord-ən dar-i</i>
دارد می‌خواند	<i>xand-ən dər-rə</i>	<i>xân da-rə</i>	<i>kərâ xând-ən dar-ə</i>

فعل‌های پیشوندی گیلکی با فعل‌های ساده فرقی ندارند:

دارم می‌گیرم (ق)	<i>dar-əm vi-gite</i>
دارند غرق می‌شوند (ق)	<i>dar-ən də-murdə</i>
دارند برمی‌دارند (ر)	<i>u-sâdən dər-id(i)</i>
دارید می‌دهید (ر)	<i>fâ-dân dər-id(i)</i>
داری می‌دهی (غ)	<i>kərâ fa-dan dar-i</i>
دارد می‌پیچد (غ)	<i>kərâ vâ-pixtən dar-ə</i>

همان‌طور که در طرز ساخت و نیز در ماضی مستمر گیلکی فومنی گذشت، گیلکی غربی دو روش ساخت مستمر دارد، برای روش اول مثال‌هایی ذکر شد، حال مثال‌هایی برای روش دوم ساخت مضارع مستمر گیلکی غربی:

دارند می‌روند	<i>kərâ šud</i>
دارد می‌خورد	<i>kərâ xorə</i>
دارد می‌آید	<i>kərâ âyə</i>
دارد درست می‌کند	<i>kərâ çākunə</i>

نکته: همان‌طور که در ساخت ماضی مستمر گذشت، در گیلکی رشتی همانند گیلکی شرقی، وقتی افعال مرکبی چون «خنده کردن» و «گریه کردن» در ساخت مضارع مستمر به کار می‌روند، از فعل معین استفاده نمی‌شود:

gəryə <u>də</u> rə	دارد گریه می‌کند (ق)
xandəse <u>də-rə</u> / xandə da-rə	دارد می‌خندد (ق)
gəryə <u>ka-rə</u>	دارد گریه می‌کند (ر)
xandə <u>ka da-rə</u>	دارد خنده می‌کند (ر)
kəṛā xanda <u>da-rə</u>	دارد می‌خندد (غ)

نکته مهم: همچنان‌که در سطر سوم پیداست، گاهی در رشتی حتی وند *da-* نیز استفاده نمی‌شود و شکل مرخم فعل معین استفاده می‌شود.

طرز منفی کردن این ساخت:^۱ در این ساخت وند نفی (در گیلکی شرقی *-nn-* در رشتی *-ne-* در غربی *-n-*) بعد از نمودنمای *da-* می‌آید. فعل‌های پیشوندی و ترکیبی از این نظر فرقی با هم ندارند، در همه آنها وند نفی بعد از نمودنمای *da-* می‌آید، در رشتی اغلب بعد از اضافه شدن وند نفی، وند استمرار به *-di-* تبدیل می‌شود:

xote <i>də-nn-əm</i>	دارم نمی‌خواهم (ق)
vi-gite <i>da-nn-id</i>	دارید بر نمی‌دارید (ق)
pute <i>da-nn-im</i>	داریم نمی‌پزیم (ق)
jam â-hute <i>da-nn-əm</i>	دارم جمع نمی‌کنم (ق)
xuftən <i>di-ne-m(ə)</i>	دارم نمی‌خواهم (ر)
fo-vordən <i>di-ne-də</i>	دارد نمی‌بلعد (ر)
use kudən <i>di-ne-m(ə)</i>	دارم نمی‌فرستم (ر)
kəṛā <i>nə-xoftən dar-əm</i>	دارم نمی‌خواهم (غ)
kəṛā <i>nə-poxdən dar-ə</i>	دارد نمی‌پزد (غ)

به طور کلی مضارع مستمر در گیلکی (همانند ماضی مستمر) کمتر منفی می‌شود و سعی بر این است که از شکل منفی مضارع اخباری استفاده شود، در ماضی مستمر نیز سعی بر آن است که به جای منفی آن، از منفی ماضی استمراری استفاده شود:

kəṛā <i>nə-šuin</i>	دارم نمی‌روم (غ)
kəṛā <i>nə-xor-im</i>	داریم نمی‌خوریم (غ)
kəṛā <i>fi-n-gir-id</i>	دارید نمی‌گیرید (غ)

نمونه کاملی از صرف فعل لازم مضارع مستمر در زیر می‌آید:

۱- نیز نک. پاورقی شماره ۲۴ بخش تالشی.

فعل	رشتی	شرقی	غربی
دارم می‌نشینم	ništən dər-əm(ə)	nište dar-əm	ništən dar-əm(ə)
داری می‌نشینی	ništən dər-i	nište dar-i	ništən dar-i
دارد می‌نشیند	ništən dər-ə	nište dar-ə	ništən dar-ə
داریم می‌نشینیم	ništən dər-im(i)	nište dar-imə	ništən dar-im
دارید می‌نشینید	ništən dər-id(i)	nište dar-in	ništən dar-id
دارند می‌نشینند	ništən dər-əd(ə)	nište dar-ən	ništən dar-əd(ə)

نمونه کاملی از صرف فعل متعدی مضارع مستمر در زیر می‌آید:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
دارم برمی‌دارم	vi-git-ən dər-əm(ə)	vi-gite dar-əm	m(ə)əkərâ vâ-sâdan dar-
داری برمی‌داری	i-vi-git-ən dər	vi-gite dar-i	kərâ vâ-sâdan dar-i
دارد برمی‌دارد	vi-git-ən dər-ə	vi-gite dar-ə	əkərâ vâ-sâdan dar-
داریم برمی‌داریم	vi-git-ən dər-im(i)	vi-gite dar-im	kərâ vâ-sâdan dar-im
دارید برمی‌دارید	vi-git-ən dər-id(i)	vi-gite dar-in	kərâ vâ-sâdan dar-id
دارند برمی‌دارند	vi-git-ən dər-əd(ə)	vi-gite dar-ən	d(ə)əkərâ vâ-sâdan dar-

۱۰- فعل امر و فعل نهی

به دلیل اینکه فعل امر و نهی در زیر مجموعه «بخش زمان فعل» نمی‌گنجند، در این بخش ذکر شده‌اند.

۱۰-۱ فعل امر

طرز ساخت فعل امر در گیلکی به شرح زیر است:

ماده مضارع + پیشوند تصریفی b- (و گونه‌های bə-, bi-, ba-, bu-) ← فعل امر

فعل امر دو صیغه دارد: مفرد، که بدون شناسه است و جمع، که شناسه‌اش -in (در شرقی) و -id

(در رشتی و غربی) است:

معنی	مصدر	مضارع سوم ش. مفرد	امر مفرد	امر جمع
آوردن (ق)	hard-an	har-e	bi-yar	bi-yar-in
لرزیدن (ق)	larz-en	larz-ə	bə-larz	bə-larz-in
گشتن (ق)	gašt-an	gardə	bə-gard	bə-gard-in

bə-čəsb-id	bə-čəsb	čəsbə	čəsbəst-ən	چسبیدن (ر)
bə-xân-id	bə-xân	xânə	xând-ən	خواندن (ر، غ)
bu-xur-id	bu-xur	xure	xurd-ən	خوردن (ر، غ)
b-âšân-id	b-âšân	âšâne	âšând-ən	تکاندن گهواره (ر)
bə-kəf-id	bə-kəf	kəfə	kaft-ən	افتادن (غ)
bə-pâ[y]id	bə-pâst	pâyə	pâst-an	پاییدن (غ)

نکته: در گیلکی شرقی، دوم شخص جمع، دو شناسه -in و -id دارد، از آنجا که در گیلکی، در امر جمع، همیشه شناسه -in ظاهر می‌شود، می‌توان گونه اصلی شناسه را -in فرض کرد و -id را صورتی دخیل از زبان فارسی محسوب کرد (نیز ← بخش شناسه‌ها در گیلکی). در فعل‌های پیشوندی به جای وند تصریفی از خود پیشوند برای منفی کردن استفاده می‌شود و دیگر از وند تصریفی -b(۷) استفاده نمی‌شود:

معنی	مصدر	مضارع سوم ش. مفرد	امر
برشتن (ق)	da-bišt-ən	da-bij-ə	da-bij
سرخ کردن (ق)	və-bišt-an	və-bij-ə	və-bij
گذاشتن، پهن کردن (ق)	fi-čēn	fə-čin-ə	fi-čin
دادن (ق)	ha-dan	ha-da	ha-di
برخاستن، بیدار شدن (ق)	vi-rišt-an	vi-ris-ə	vi-ris
برخاستن (ر، غ)	vi-rišt-ən	vi-riz-e	vi-ris
برداشتن (ر، غ)	u-sâd-ən	u-sân-ə	u-sân
انتخاب کردن (ر)	do-jēn	do-jin-ə	do-jen
رسیدن (ر، غ)	fâ-rəs-en	fâ-rəs-ə	fâ-rəs
مالیدن (غ)	fu-sēn	fu-sin-ə	fu-sin
لاف زدن (غ)	u-rəšt-ən	u-riz-ə	u-riz

در زیر مثال‌هایی از وندهای تصریفی فعل در سه گونه ذکر می‌شود:

الف) bə- شایع‌ترین وند تصریفی فعل امر گیلکی است که با افعال ساده آغاز شده با همخوان می‌آید، این وند در فعل امر گیلکی شرقی بسیار کاربرد دارد و از پایداری زیادی نیز برخوردار است در حالی که در دو گونه دیگر این وند کمی ناپایدار است و تحت تأثیر واکه ماده فعل است:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
چشیدن (ق)	čaš-en	čaš-ə	bə-čəš

bə-gard	gardə	gašt-an	گشتن (ق)
bə-jov	jov-ə	jovəst-an	جویدن (ق)
bə-kan	kane	kand-ən	کندن (ر)
bə-pos-âx	pos-âxə	pos-âxəst-ən	پوساندن (غ)
bu-kku	kuhə	kuf-t-ən	کوبیدن (غ)

ب) گونه **b-** با ماده‌هایی می‌آید که با واکه آغاز می‌شوند، در شرقی بین وند تصریفی **b-** و واکه ماده، واجی میانجی می‌آید (← جدول بعدی) و بدین خاطر از گونه **b-** کمتر استفاده می‌شود.

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
شنیدن (ر)	ištav-əst-ən	ištavə	b-ištav
تکاندن گهواره (ر)	âšând-en	âšâne	b-âšân
شنیدن (غ)	ištāvəst-ən	ištāvə	b-ištāv
آموختن (ق)	âmut-an	âmuḵ	bi-âmuḵ

ج) گونه **bi-** در گیلکی شرقی با ماده‌ای به کار می‌رود که با واکه شروع شود و علاوه بر این در رشتی با ماده‌هایی به کار می‌رود که واکه **-î-** دارند.

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
آموختن (ق)	amut-an	amuḵə	bi-amuḵ
ارزیدن (ق)	arz-əst-ən	arzə	bi-arz
نشستن (ر)	ništ-ən	niš	bi-niš
مردن (ر)	mard-ən	mirə	bi-mir
گرفتن (ر)	git-ən	girə	bi-gir
آمدن (غ)	âmun	âyə	bi-ye

د: وند **bu-** با ماده‌ای می‌آید که هجای نخستش واکه **-u** دارد^۱:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
خوردن (ق)	xurd-an	xur-ə	bu-xur

۱- در گیلکی جوان‌ترها بیشتر تمایل دارند افعالی چون **bu-gu** را به شکل **bogo** تلفظ کنند و دلیل آن نیز باید تحت تأثیر فارسی بودن آنها باشد.

bu-gu	ge	guft-ən	گفتن (ر)
bu-čəlâx	bu-čəlâx-ə	bu-čəlâx-əst-ən	پژمردن (غ)

در آخر بعضی از فعل‌های امر گونه شرقی همخوان n- حذف می‌گردد، یعنی در فعل مضارع آنها چنین همخوانی وجود داشته است، اما در امر ظاهر نمی‌شود، از این می‌توان نتیجه گرفت که n- در فعل مضارع اصلی نیست، بلکه واجی میانجی است:

مصدر	مصدر	ماده مضارع	امر
افتادن (ق)	katan	kan-ə	bə-kki
آمدن (ق)	haman	hanə	biye

در فعل‌های مرکب نیز فعل امر مانند فعل‌های ساده ساخته می‌شود:

معنی	مصدر	فعل امر
افراشتن تکیه دادن (ق)	râst â-kudan	râst â-kun
بر هم زدن (ق)	vi-rašin zan	virašin bə-zan
جمع کن (ر)	â-kud-ən jəm	â-kun jəm
آتش زدن (ر، غ)	âtəš zən	âtəš bə-zən
رها کن (غ)	vel â-kudən	vel â-kun

۱۰-۲ امر منفی (فعل نهی)

برای ساختن امر منفی در فعل‌های ساده، فقط جای پیشوند امر با پیشوند نفی n(ν)- عوض می‌شود، به عبارتی دیگر، به جای b(ν)- از n(ν)- استفاده می‌شود:

معنی	مصدر	فعل امر	فعل نهی
بریدن، درو کردن (ق)	bən	bə-bin	nə-bin
برشتن (ق)	bišt-ən	bə-bij	nə-bij
کوبیدن (ر)	kub-əst-ən	bu-kub	nu-kub
باختن (ر)	bâxt-ən	bə-bâz	nə-bâz
گفتن (غ)	guft-ən	bu-gu	nu-gu
گریختن (غ)	gorox-t-an	bo-griz	no-griz

در فعل‌های پیشوندی شرقی غالباً پیشوند نهی n- بعد از پیشوند فعلی قرار می‌گیرد:

معنی	مصدر	فعل امر	فعل نهی
برگشتن (ق)	va-gard-əs-ən	va-gard	va-n-gard
خراب کردن (ق)	va-čēn	va-čīn	va-n-čīn
پیچاندن (ق)	fi-vit-ən	fi-vij	fi-n-vij
آب کشیدن از جایی (ر)	vo-rut-ən	vo-ru(j)	vo-n-ru(j)
برخاستن (ر)	vi-rišt-ən	vi-riz	vi-n-riz
به زمین زدن (غ)	də-gad-en	də-gan	də-n-gan
برداشتن (غ)	vâ-sâd-ən	vâ-sân	vâ-n-sân

فعل‌های نهی مرکب نیز مانند فعل‌های نهی ساده منفی می‌شود، در فعل‌های پیشوندی مرکب، بعد از پیشوند وند نفی ظهور می‌کند:

معنی	مصدر	فعل امر
به بازی گرفتن (ق)	mozâq â-gitan	mozâq â-n-gir
افراشتن تکیه دادن (ق)	râst â-kudan	râst â-n-kun
بر هم زدن (ق)	virašin zan	virašin nə-zan
آتش زدن (ر)	âtəš zēn	âtəš nə-zən
رها کن (غ)	vel â-kudən	vel â-nə-kun
گریه کردن (غ)	gerra kudən	gerra nu-kun

در گیلکی رشتی و غربی علاوه بر نوع فوق، نوع دیگری از فعل نهی وجود دارد، بدین صورت که از فعل شبه‌معین *na-vâ* «نباید» استفاده می‌شود که تابعش به شکل مصدر می‌آید:

nə-vâ xurd-ən	نخور (ر، غ)
nə-vâ kud-ən	نکن (ر، غ)

وند نفی در نوع فوق‌الذکر، گاهی به فعل شبه‌معین *vâ* و گاهی به مصدر فعل اصلی می‌پیوندد:

nə-vâ guft-ən	نگو (غ، ر)
vâ-nə-guft-ən	یاد نگیر (ر، غ)

جایگاه فعل شبه‌معین در مصدرهای (مرکب) این ساخت، متغیر است، گاه قبل از مصدر و گاهی بعد از مصدر فعل اصلی می‌آید:

nə-vâ garm â-kud-ən	گرم نکن (غ، ر)
garm â-kudən nə-vâ	گرم نکن (ر، غ)

۱۱- فعل‌های معین و شبه‌معین

۱-۱۱ فعل معین

تنها فعل معین گیلکی **būn** «بودن» است، که در هر سه گونه به کار می‌رود.

būn «بودن» (فعل معین)

فعل **būn** علاوه بر شکل پی‌بستی و ربطی، به عنوان فعل معین در صرف فعل‌های ماضی بعید، ماضی مستمر^۱ ماضی التزامی و مضارع مستمر استفاده می‌شود:

شرقی:

vârəsa bu	باریده بود	ماضی بعید
âmu bə-katə bi	اگر افتاده می‌بودیم	ماضی بعید تمنایی
nište da-bum	داشتم می‌نشستم	ماضی مستمر
bə-ništa bum	نشسته باشم	ماضی التزامی
dar-əm niš	دارم می‌نشینم	مضارع مستمر

رشتی:

vi-gite bim	برداشته بودم	ماضی بعید
bə-pətə bim	(اگر) می‌پخته بودم	ماضی بعید تمنایی
fâdân du-bu	داشت می‌داد	ماضی مستمر
âtaš bəze bi	آتش زده باشد	ماضی التزامی
fe-vitən də-rə	دارد می‌پیچد	مضارع مستمر

غربی:

və-sâdə bum	برداشته بودم	ماضی بعید
bə-kafta bim, xis â-bustim	می‌افتادیم، خیس می‌شدیم	ماضی بعید تمنایی
fâdân du-bu	داشت می‌داد	ماضی مستمر
âtaš bəze bu	آتش زده باشد	ماضی التزامی

۱- در گونه‌های شرقی، رشتی و غربی از شکل پیشوندی آن **da-bun** در ماضی و مضارع مستمر استفاده می‌شود.

مضارع مستمر	دارد می‌پیچد	vâ-vipixtən da-rə
-------------	--------------	-------------------

طرز منفی کردن این فعل، مثل منفی کردن دیگر فعل‌هاست که در بخش «ساخت‌های مختلف فعل» در زیر هر ساختی، طریقه منفی کردن آنها آمده است.
در گیلکی صرف فعل معین būn در ماضی مطلق به شرح زیر است:

فعل	رشتی	شرقی	غربی
بودم	bum	bum	bum
بودی	bi	bi	bi
بود	bu	bu	bu
بودیم	bim	bim	bim
بودید	bid	bid/bin	bid
بودند	bud	bun	bud

۱۱-۲ فعل‌های شبه‌معین

فعل‌های شبه‌معین گیلکی عبارت‌اند از:

توانستن	ton-əst-an (شرقی)، tân-əst-en (رشتی و غربی)
توانستن	šāstən (رشتی، شرقی و غربی)
نتوانست	manne (شرقی)
جرات داشتن	yārəštən (رشتی، شرقی، غربی)
باید، لازم است	bayad (شرقی) vâ / vâ (رشتی و غربی)
شروع کردن	bənâ kudən (رشتی، غربی) bənâ bəgud (شرقی)
خواستن، آرزو شتن	xāstan (شرقی، رشتی و غربی)
امکان دارد	bu(hu) / buxu (غربی)، bē (رشتی)

۱۱-۲-۱ ton-əst-an «توانستن»^۱ (شرقی) tân-əst-en (رشتی و غربی)

تابع این فعل در گیلکی معمولاً فعلی است که صرف می‌شود و در بیشتر ساخت‌ها به کار می‌رود. زمانی که تابعش مصدر است، می‌توان جای تابعش را عوض کرد، یعنی قبل یا بعد از آن ذکر کرد. این فعل از نظر معنی و کارکرد در گونه‌های سه‌گانه یکسان است، ولی شکل فعل شرقی با رشتی و غربی تفاوت دارد:

tân-əst-en «توانستن» (رشتی)

۱- هریک از این سه فعل، یک فعل جداگانه‌ای در گونه مورد نظرند، در این اثر به دلیل معنا و کارکرد مشترک، و نیز نیز طبقه‌بندی بهتر، در یک جا ذکر شده‌اند.

bə-tân-əst-əm bi-hin-əm.	توانستم بخرم.	ماضی مطلق
nə-tân-əst-əm bə-pəč-əm.	نتوانستم بپزم.	ماضی مطلق
tân-əm bāy-əm	می‌توانم بیایم.	مضارع اخباری
šâyad bə-tânə vâ-kon-ə.	شاید بتواند باز کند.	مضارع التزامی
bə-tânisti bi bi-hin-ə, heyi	توانسته بود بخرد، می‌خرید.	ماضی بعید
nə-tânəstə bu bi-hin-ə.	نتوانسته بود بخرد.	ماضی بعید
nə-tânə bədovə, pā nâre ^۱ .	نمی‌تواند بدود، پا ندارد.	مضارع اخباری

tân-əst-en «توانستن» (غربی)

nə-tân-əst-əm bə-hin-əm.	نتوانستم بخرم.	ماضی مطلق
nə-tân-əst-im bə-pəj-əm.	نتوانستم بپزم.	ماضی مطلق
tân-əm bāy-əm.	می‌توانم بیایم.	مضارع اخباری
šâyad bə-tânə vâz â-kon-ə.	شاید بتواند باز کند.	مضارع التزامی
bə-tânisti bi bə-hin-ə, heyi	توانسته بود بخرد، می‌خرید.	ماضی بعید
nə-tânəstə bu bə-hin-ə.	نتوانسته بود بخرد.	ماضی بعید

ton-əst-an «توانستن» (شرقی)

در شرقی این فعل همیشه یک تابع به شکل فعل صرف شده دارد. این فعل بیشتر برای بیان امکان داشتن به کار می‌رود، یعنی همین فعل کمتر منفی می‌شود و به جایش از یک فعل دیگر (manne) استفاده می‌کند، این فعل در ماضی mannes (نتوانست) و در مضارع manne (نمی‌تواند) است. در زیر شکل مثبت و منفی آن همراه چند مثال از زمان‌های متفاوت ذکر شده است:

tonəst vigirə.	می‌توانست بگیرد.	ماضی مطلق
bə-tonəm dariq nə-konəm.	بتوانم دریغ نمی‌کنم.	مضارع التزامی
tonəm biyam.	می‌توانم بیایم.	مضارع اخباری
bə-tonəsam qabul â-b-um.	توانسته‌ام قبول شوم.	ماضی نقلی
tonəm nə-zan-əm.	می‌توانم نزنم.	مضارع اخباری منفی
tunə bə-nišə.	می‌توان نشست.	فعل غیرشخصی

manne ۲-۲-۱۱ «نتوانست» (شرقی)

در گیلکی شرقی فقط شکل منفی این فعل رایج است و شکل مثبتی از این فعل وجود ندارد (نیز ← فعل ناقص):

۱- مثال ذکر شده از پورهادی است (← ۱۳۸۷: ۹۰).

manne bə-zan-ə.	نمی‌تواند بزند.	ماضی مطلق
mannes-am bə-puč-əm.	نمی‌توانستم بپزم.	ماضی مطلق
mannes bə-hin-ə.	نتوانسته بود بخرد.	ماضی بعید
manne biya.	نمی‌تواند بیاید.	مضارع اخباری
manne-m bo-šum.	نمی‌توانم بروم.	مضارع اخباری

۱۱-۲-۳ šāstən «توانستن» (رشتی)

فعل ^۱šāstən دو صورت دارد: ماضی (šāsti) و مضارع šā، شکل منفی آن nā-šā(sti) است:

nāšā dovəstən, rā: čəl-ə ^۲ .	نمی‌توان دوید، راه گل‌آلود است.
šā xurd-ən.	می‌توان خورد.
nā-šā xurdən.	نمی‌توان خورد.
šāsti ništən.	می‌شد نشست.
šāstišūn.	می‌شد رفت.
šā ništən.	می‌توان نشست.
nāšā ništən	نمی‌توان نشست.

šāstən «توانستن» (غربی)

این فعل همانند گیلکی رشتی دو صورت دارد: ماضی šāsti و مضارع šā، شکل منفی آن nā-šā(sti) است:

niāšā nā-guftən.	نمی‌تواند نگفتن (نگوید).
šāyə bāyə?	می‌تواند بیاید؟
šā nu-xurdən.	می‌شود نخورد.
ni-šā bə-xur-ə.	نمی‌تواند بخورد.
nā-šāstim bə-šum.	نمی‌توانستم بروم.
nāšā ništən.	نشستن نمی‌توان.

šāstən «توانستن» (شرقی)

۱- این فعل در گیلکی رشتی اغلب غیرشخصی است (نیز نگاه کنید ادامه همین بخش: ۱۱-۲-۸ فعل شبه‌معین bē در گیلکی رشتی).

۲- نک. پورهادی، ۱۳۸۷: ۹۰

در گونه شرقی وقتی فعل منفی می‌شود، هر دو قسمت فعل شبه‌معین و فعل اصلی که به شکل مصدر می‌آیند، منفی می‌شوند:

ni-šâ nâ-šôn.	نمی‌شود نرفت.
ni-šâ nâ-xurd-ən.	نمی‌شود نخورد.

۱۱-۲-۴ yârəštən «جرات داشتن»

این فعل نیز یک فعل شبه‌معین در هر سه گونه است و بر توانایی یا عدم توانایی انجام کاری در گذشته و حال دلالت می‌کند و دو شکل مضارع و ماضی دارد:

yârəsti bigi nâyəm?	جرات داشتی بگویی نمی‌آیم؟ (ر)
ni-yârəstâ bāyê ti xana.	جرات نداشت خانه‌ات بیاید. (ر)
ni-yârê mi var ja gəb bəzənə.	جرات ندارد پیش من حرف بزند. (ر)
ni-yârê bə-niš-ə.	جرات ندارد بنشینند. (ق)
ni-yârê bə-xur-ə.	جرات ندارد بخورد. (ق)
tə yâri bi-ši ?	تو جرات داری بروی؟ (غ)
ni-yâristim on-â bə-guyəm.	جرات نکردم به او بگویم. (غ)

۱۱-۲-۵ bayad «باید» vâsti / vâ (شرقی) vâsti (غربی)

این فعل^۱ همیشه تابعی به دنبال دارد، تابع این فعل‌ها، یا مصدر است و لزوم اجرای کار را می‌رساند و ساخت غیرشخصی می‌سازد، یا با فعلی در ساخت‌های متفاوت به کار می‌رود. در زیر، ساخت‌های مختلفی که فعل‌های شبه‌معین با آنها به کار می‌روند، همراه مثالی آمده است:

bi «باید» (شرقی)

این فعل در گیلکی شرقی به صورت bāyad ظاهر می‌شود. منفی آن nâ-bāyad است.

bāyad bi-šiya bi.	باید می‌رفت.	ماضی استمراری
bāyad hagiri.	باید بگیری.	مضارع التزامی
bāyad bušu bun.	باید رفته باشد.	ماضی التزامی
nâ-bāyad bušu bi.	نباید رفته باشد.	ماضی التزامی
bāyâd bušun.	باید بروند.	مضارع التزامی
bāyad šūn.	باید رفتن (رفت).	فعل غیرشخصی
nâ-bāyad šūn.	باید نرفتن (نرفت).	فعل غیرشخصی

۱- در این جا نیز هریک از سه فعل، فعلی جداگانه‌ای محسوب می‌شوند. نیز ← پاورقی پیشین.

vâ /vâsti «باید» (رشتی و غربی)

در گیلکی رشتی و غربی این دو فعل در بیشتر زمان‌ها استفاده می‌شوند ولی ساختاری مشابه هم دارند و نمی‌توان برای آنها در فارسی متناظری آورد، یا برعکس متناظر آن در فارسی چند فعل و چند ساخت است ولی در گیلکی رشتی یک ساخت دارد. به عنوان مثال جمله *vâ bæšu bi* را می‌توان برای سه جمله زیر به کار برد:

<i>vâ bu-šo bi</i>	باید می‌رفت.
<i>vâ bu-šo bi.</i>	باید رفته باشد.
<i>vâ bu-šo bi.</i>	باید تا حال می‌رفته بود.

از آنجا که نمی‌توان زمان خاصی برای آن در نظر گرفت، در اینجا از ذکر زمان آنها در جدول زیر صرف‌نظر شده و مثال‌ها بدون ارائه زمان آنها ذکر شده‌اند:

<i>vâ bæšu bi.</i>	باید می‌رفت.
<i>vâ bæ-šu bi.</i>	باید رفته باشد.
<i>vâ bæ-xândi bi.</i>	باید می‌خواندی.
<i>vâ šün.</i>	باید رفت.
<i>alân vâ terân bēsə.</i>	باید الان در تهران باشد.
<i>vâ xurd-ən.</i>	باید خورد.

منفی فعل فوق به این شکل است که *vâ na* - وند نفی - را به اول آن اضافه می‌کنند:

<i>na-vâ bušu bi.</i>	نباید رفته باشد.
<i>na-vâ šün.</i>	نباید رفت.
<i>alân na-vâ terân bēsə.</i>	نباید الان در تهران باشد.
<i>na-vâ xurd-ən.</i>	نباید خورد.
<i>na-vâ vi-giti-bi.</i>	نباید برمی‌داشتی.

گاه *vâ na* وند نفی به جای اتصال به فعل شبه‌معین، به مصدر اصلی افزوده می‌شود:

<i>vâ u harfân-ə nu-guft-ən.</i>	نبایست آن حرف‌ها را زد (ر)
<i>vâ yatim-ə nân-â na-xurd-ən.</i>	نباید نان یتیم را خورد. (ر، غ)

در گیلکی رشتی این فعل به شکل *vâsti* نیز کاربرد دارد (← پورهادی، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۹):

<i>vâsti bumo bi</i>	بایستی آمده باشد.
<i>vâsti bušu bi.</i>	بایستی رفته باشی.

vâsti xurd-ən.

باید خوردن.

طرز منفی کردن این شکل از فعل شبه‌معین (vâsti) به این صورت است که وند نفی هم، به آن و هم، به تابع آن می‌پیوندد:

nə-vâsti bušu bi.

نبایستی رفته باشد.

vâsti nu-šu bi.

بایستی نمی‌رفت.

۱۱-۲-۶ **bənâ kudən** (رشتی) **bənâ bəğudən** «شروع کردن» (شرقی)

این فعل بر شروع و آغاز کار دلالت می‌کند و با تابع مصدر می‌آید و در زمان‌های مختلف صرف می‌شود (← پورهادی، ۱۳۸۷: ۹۱):

bənâ bukudə xorâ pərkānen.

ماضی ساده شروع کرد به لرزاندن خود. (ر)

bənâ kunə ižgərə kəšen.

مضارع اخباری شروع می‌کند به فریاد کشیدن. (ر)

tâ bərəsi kuča, bənâ bəğud

ماضی ساده تارسید کوچه، شروع کرد به فحش دادن (ش)

foš dân.

۱۱-۲-۷ **xâstan** (خواستن، آرزو داشتن)

این فعل علاوه بر فعل تام، یک فعل شبه‌معین است و زمانی که شبه‌معین است، در معنی قصد و انگیزه قلبی به کار می‌رود و تابعی دارد که همیشه یک فعل التزامی است و کمتر به شکل مصدری می‌آید:

گیلکی شرقی:

xâstəm bu-šum.

ماضی مطلق خواستم بروم.

nə-xâ[n]əm bištovəm.

مضارع اخباری منفی نمی‌خواهم بشنوم.

nə-xâstə bu bə-parrə.

ماضی بعید نخواسته بود بپر.

nə-xâst-əm bu-šum.

ماضی مطلق منفی نخواستم بروم.

xâste bu hâgirə.

ماضی التزامی شاید خواسته باشد بگیرد.

čan dafa xâsta-m bogom.

ماضی نقلی چند بار خواسته‌ام بگویم.

گیلکی رشتی:

xâstim bə-šəm.

ماضی مطلق خواستم بروم.

čan dafa xâstim bə-zən-əm.

ماضی نقلی چند بار خواسته‌ام بزنم.

xâsti bi bu-xorə, zutər guti.

ماضی بعید خواسته بود بخورد، زودتر می‌گفت.

šâyad nə-xâstə bi bi-hinə.

ماضی التزامی شاید نخواسته باشد بخرد.

xâyə bâyə mi palu.

ماضی مطلق منفی می‌خواهد بیاید پیش من.

nə-xâyəm bə-šnavə-m.

مضارع اخباری منفی نمی‌خواهم بشنوم.

گیلکی غربی:

xâstim bu-šum.	خواستم بروم.	ماضی مطلق
čan bâr xâstim bâyəm.	چند بار خواسته‌ام بیایم.	ماضی نقلی
šayad nə-xâstə bi bə-hinə.	شاید نخواسته باشد بخرد.	ماضی التزامی
xâsti bi bə-xorə, zutar guti.	خواسته بود بخورد، زودتر می‌گفت.	ماضی بعید
nə-xâyəm bə-šnavə-m.	نمی‌خواهم بشنوم.	مضارع اخباری منفی
xâyəm bəšnav-əm, či gi?	می‌خواهم بشنوم، چه می‌گویی؟	ماضی مطلق منفی

۸-۲-۱۱ buxu/bu(hu) (امکان دارد، ای کاش) (شرقی، رشتی و غربی)

این فعل یک فعل شبه‌معین است که معنای امکان، احتمال و تمنا را به فعل بعد از خود می‌افزاید و تابعش یا مصدر است و یا به شکل التزامی به کار می‌رود، شکل منفی این فعل نیز کاربرد دارد:

buxu ništ-ən.	می‌شود نشست. (غ)
iyâ âbə nə-bu(hu) ništən.	اینجا آب است، نمی‌شود نشست. (غ)
bē hasan a kêr-â bə-kun-ə.	می‌شود حسن آن کار را انجام دهد (ر)
bē un bāyə.	می‌شود (کاش) او بیاید. (ر)
nə-buyi/ nəbē gəb nə-zan-î.	نمی‌شود حرف نزدی؟ (ر)
bu[n]ə gutən.	می‌شود گفت. (ق)
bu[n]ə hasan biyən.	می‌شود حسن بیاید. (ق)
nə-bu[n]ə gutən un dəruq gu-[n]-ə.	نمی‌شود گفت او دروغ می‌گوید. (ق)

۱۲- فعل‌های ربطی

فعل‌های زیر به عنوان فعل ربطی در گیلکی به کار می‌روند:

būn ۱-۱۲ بودن

این فعل دو ساخت دارد: ساخت مستقل و ساخت پی‌بستی. شکل مستقل آن، مثل سایر فعل‌ها در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود. اما شکل پی‌بستی آن، فقط در مضارع صرف می‌شود.

ساخت مستقل būn «بودن»

روش ساخت فعل **būn** همانند دیگر فعل‌ها است و در ساخت‌های مختلفی صرف می‌شود. در زیر فعل ربطی **būn** «بودن» در گونه‌های سه‌گانه در کنار یک فعل تام صرف می‌شود، تا تغییرات صرفی آن به خوبی نمایان شود:

شرقی:

bom	بودم	bə-ništ-əm	نشستم	ماضی مطلق
bo bum	بوده باشم	bə-ništə bim	نشسته باشم	ماضی التزامی
bom	می‌بودم	ništ-im(i)	می‌نشستم	ماضی استمراری
bo-bum	باشم / بشوم	bə-nišin-əm	بنشینم	مضارع التزامی
bo-bu	باش	bə-niš	بنشین	امر
no-bu	نباش	nə-niš	ننشین	نهی

رشتی:

bom	بودم	bə-ništ-əm	نشستم	ماضی مطلق
bə bum	بوده باشم	bə-ništə bum	نشسته باشم	ماضی التزامی
bom	می‌بودم	ništ-im	می‌نشستم	ماضی استمراری
bə-bum	باشم / بشوم	bə-niš-əm	بنشینم	مضارع التزامی
bo-bu	باش	bi-niš	بنشین	امر
no-bu	نباش	ni-niš	ننشین	نهی

در گیلکی اگر در اول این فعل **b** (v) یا پیشوند فعلی اضافه شود، معنای آن از «بودن» به «شدن» تغییر می‌کند:

bu-bust-əm	شدم (م)	b-im	بودم (ر)
â-bum	شدم (ق)	b-um	بودم (ق)

غربی:

bom	بودم	bə-ništ-əm	نشستم	ماضی مطلق
bu bum	بوده باشم	bə-ništə bum	نشسته باشم	ماضی التزامی
bom	می‌بودم	ništ-im	می‌نشستم	ماضی استمراری
bə-bum	باشم / بشوم	bə-niš-əm	بنشینم	مضارع التزامی
â-u	باش	bi-niš	بنشین	امر
nu-bu	نباش	ni-niš	ننشین	نهی

چنان که معلوم است، در فعل امر هر سه گونه گیلکی، از شکل پیشوندی فعل «بودن» استفاده شده است.

ساخت پی بستی būn «بودن»

نمونه‌هایی از فعل būn به عنوان فعل پی‌بستی همراه با صفت و اسم:

tanhâ[y]əm	تنه‌ایم (ق)
xub-ə	خوبه (ق)
xob-im(i)	خوبیم (ر)
tanhâ-[y]əd(ə)	تنه‌ایند (ر)
xub-i	خوبی (غ)
tanhâ[y]əm	تنه‌ایم (غ)

شکل شش‌گانه فعل پی‌بستی فوق در گیلکی به شرح زیر است:

شخص و شمار	رشتی	شرقی	غربی
اول شخص مفرد	-əm	-əm	-əm
دوم شخص مفرد	-i	-i	-i
سوم شخص مفرد	-ə	-ə	-ə
اول شخص جمع	-imi	-im	-im
دوم شخص جمع	-idi	-in	-id
سوم شخص جمع	-ədə	-an	-əd

وقتی مصوتی قبل از آنها بیاید، یک همخوان میانجی -[y]- بین آنها قرار می‌گیرد:

peydâ[y]i	پیدایی (ق)
tanhâ[y]əmə	تنه‌ایم (ر)
tanhâ[y]ədə	تنه‌ایند (غ)

شکل مثبت فعل پی بستی فوق در زیر در سه گونه گیلکی ذکر می‌شود:

معنی	رشتی	شرقی	غربی
خوبم	xob-əm	xub-əm	xub-əm
خوبی	xob-i	xub-i	xub-i
خوبه	xob-ə	xub-ə	xub-ə
خوبیم	xob-imi	xub-im	xub-im
خوبید	xob-idi	xub-in	xub-id
خوبند	xob-ədə	xub-an	xub-əd(ə)

برای منفی کردن فعل پی‌بستی būn وند منفی‌ساز -ni- قبل از شناسه فعل پی‌بستی قرار می‌گیرد. در این مواقع واج میانجی -[y]- بین شناسه و اسم یا صفت قرار می‌گیرد. شکل منفی فعل پی‌بستی فوق همرا با صفت «خوب» در گیلکی به شرح زیر است:

معنی	رشتی	شرقی	غربی
خوب نیستم	xob ni-[y]əm(ə)	xub ni-[y]-əm	xub ni-[y]əm
خوب نیستی	xob ni-[y]i	xub ni-[y]-i	xub ni-[y]i
خوب نیست	xob ni-[y]ə	xub ni-[y]-ə	xub ni-[y]ə
خوب نیستیم	xob ni-[y]im(i)	xub ni-[y]-im	xub ni-[y]im
خوب نیستید	xob ni-[y]id(i)	xub ni-[y]-in	xub ni-[y]id
خوب نیستند	xob ni-[y]əd(ə)	xubni-[y]-an	xub ni-[y]ədə

ماده مضارع این فعل (h)isə «هست» می‌باشد که همراه شناسه‌های صرفی به کار می‌رود و به معنای «وجود داشتن» و «بودن» است. این فعل شکل غیر پی‌بستی bien است و با «هست» فارسی نیز ربط دارد. در گیلکی این فعل فقط برای جاندار به کار می‌رود، به عبارتی، مسندالیه آن همیشه جاندار یا اغلب انسان است. در مورد اشیاء، فعل nâ(ha): «تهاده شده، هست، وجود دارد»، استفاده می‌شود (برای مثال ← ادامه مطلب):

شکل مثبت:

شخص و شمار	رشتی	شرقی	غربی
اول شخص مفرد	is-əm(ə)	(h)is-əm	is-əmə
دوم شخص مفرد	is-i	(h)is -i	is-i
سوم شخص مفرد	is-ə	(h)is-ə	is-ə
اول شخص جمع	is-im(i)	(h)is-im	is-im
دوم شخص جمع	is-id(i)	(h)is-in	is-id
سوم شخص جمع	is-əd(ə)	(h)is-an	is-əd(ə)

شکل منفی:

شخص و شمار	رشتی	شرقی	غربی
اول شخص مفرد	ni-[y]-əm(ə)	ni-[y]əm	ni-[y]-əm
دوم شخص مفرد	ni-[y]-i	ni-[y]i	ni-[y]-i

ni-[y]-ə	ni-[y]ə	ni-[y]-ə	سوم شخص مفرد
ni-[y]-im	ni-[y]im	ni-[y]-im(i)	اول شخص جمع
ni-[y]-id	ni-[y]in	ni-[y]-id(i)	دوم شخص جمع
ni-[y]-ədə	ni-[y]an	ni-[y]-əd(ə)	سوم شخص جمع

در گیلکی رشتی و غربی ساخت ماضی بعید این فعل نیز رایج است:

غربی	رشتی	فعل
isa bum	isa bum	بودم ^۱
isa bi	isa bi	بودی
isa bu	isa bu	بود
isa bim	isa bim	بودیم
isa bid	isa bid	بودید
isa bud	isa bud	بودند

این شکل از فعل «بودن» بیشتر به عنوان صفت اسنادی به کار می‌رود. شکل **na(ha)/nâ(hâ)** (هست) صورتی از فعل «بودن است» که به مسند یا تکیه‌گاهی نیاز ندارد و علاوه بر آن همیشه برای غیر جاندار به کار می‌رود:

ow nâ/ nəhə ?	آب هست؟ (ق)
kâr nâ/ nəhə?	کار هست؟ (ق)
kitâb naha?	کتاب هست؟ (ر)
tum nâhâ?	بوته‌نشای برنج هست؟ (ر)
uyâ qazâ naha?	آنجا غذا هست؟ (غ)
mi kətab šəmi xāna naha?	کتاب من خانه شماست؟ (ع)

غالب صورت‌های پیشوندی فعل فوق به عنوان فعل ربطی نیز به کار می‌روند. در زیر چند نمونه از آنها ذکر می‌شود:

۱- قس. hu xānə isam «در همان خانه ساکن‌ام، در همان خانه‌ام» (← پورهادی، ۱۳۸۷: ۸۵).

۲-۱۲ «شدن» â-būn / â-bustən

دو فعل ربطی â-bust-ən و â-būn شکل‌های پیشوندی būn و هرکدام مصدری جداگانه‌اند که در ساخت‌های مختلف صرف می‌شوند. همچنان‌که معلوم است وند ماضی‌ساز -ust در آخر فعل -â bust نشان‌دهنده ماضی بودن این فعل است و شکل مضارع آن همیشه بدون -ust است و با مضارع مصدر دیگر (â-bu) یکی است. در زیر ساخت‌های مختلف این فعل در گونه رشتی آمده است.

رشتی:

â-bo/â-bostə.	شد	ماضی ساده
â-bo-bu/ â-bostə- bu.	شده بود	ماضی بعید
â-bosti	می‌شد	ماضی استمراری
â-bu bi /âbustə-bi	شده باشد	ماضی التزامی
â-bostə bi	اگر می‌شده بود	ماضی بعید تمنایی
â-bostən du-bu	داشت می‌شد	ماضی مستمر
â-būn dar-ə/âbostən dəre	دارد می‌شود	مضارع مستمر
â-be	می‌شود	مضارع اخباری
â-bə	بشود	مضارع التزامی
â-bu	بشوا	امر

غربی:

â-bu/â-bustə	شد	ماضی ساده
â-bu-bu/â-bustə- bu	شده بود	ماضی بعید
â-busti	می‌شد	ماضی استمراری
â-bustə bu	شده باشد	ماضی التزامی
â-bustə bi	اگر می‌شده بود	ماضی بعید تمنایی
â-bustən dubu	داشت می‌شد	ماضی مستمر
â-būn dar-ə/ âbustən dəre	دارد می‌شود	مضارع مستمر
'â-buhu	می‌شود	مضارع اخباری
-buhu'â	بشود	مضارع التزامی
â-bu	بشوا	امر

شرقی:

xub â-bōm.	خوب شوم.	ماضی ساده
zərd â-be bŭn.	زرد شده بودند.	ماضی بعید
pir â-nə-bu-[n]ə.	پیر نمی‌شود.	مضارع اخباری
pir â-bu-[n]əm.	پیر خواهم شد.	مضارع اخباری / آینده
.bidâr â-nəbum	بیدار نشوم.	مضارع التزامی
xub bō darə	دارد خوب می‌شود.	مضارع مستمر
xub â-nə-bŭn	خوب نشده‌اند.	ماضی نقلی
.bikâr âbe bu	بیکار شده بود.	ماضی بعید

۱۲-۳ dā-bŭn «بودن در داخل یا میان جایی»

این فعل مانند â-bŭn «شدن» صورت پیشوندی دیگری از فعل bŭn است و معمولاً همراه یک اسم مکان است:

gusfənd bâqə miyân dər-ə.	گوسفند در باغ است. (ر)
livân-ə miyân čâyî dər-ə.	در لیوان چایی است. (ر)
zəndân dər-əm(ə).	در زندانم. (ر)
ziplon-ə miân havâ dər-ə.	داخل بادکنک هواست. (غ)
livân-ə miân âv di-ni-[y]ə.	داخل لیوان آب نیست. (غ)
simâvarə miân âv dərə?	داخل سماور آب هست؟ (غ)
zindân dər-im.	در زندانم. (ق)
gusfand bâqə mēn dər-ə.	گوسفند در باغ است. (ق)
livânə mēn čâyî dər-ə.	در لیوان چایی است. (ق)

۱۲-۴ fu-bŭn/fu-von «بودن در پایین / ریختن»

این فعل در گیلکی رشتی شکل پیشوندی bŭn است که با پیشوند fə- به کار می‌رود (پیشوندهای فعلی در گیلکی). معنای این فعل «بودن در مکانی پایین» است:

fu-bu.	ریخت. (ر)
fə-və.	شاید بریزد. (ر)
fə-jə bi.	شاید ریخته باشد. (ر)
čāyi fu-bust.	چایی ریخت. (غ)
šāyad fu-buhu.	شاید بریزد. (غ)
fu-bustə bu.	شاید ریخته باشد. (غ)

۱۳- فعل‌های غیرشخصی

در گیلکی فعل‌های «باید» *vasti/vâ* در رشتی و غربی و *bāyad* در شرقی و «می‌شود» *šâ* در رشتی *buxu* در غربی *bunə* در شرقی، فعل‌های غیرشخصی می‌سازند و فعل تابع آنها به شکل مصدر مرخم (همانند فارسی)، ظاهر نمی‌شود، این فعل‌ها منفی نیز می‌شوند و وند نفی به اول آنها اضافه می‌گردد:

<i>buxu ništ-ən.</i>	می‌شود نشستن. (نشست) ۰ (غ)
<i>vâsti xurd-ən.</i>	باید خوردن (خورد). (غ)
<i>nə-bu(hu) vi-rišt-ən.</i>	نمی‌شود برخاستن (برخاست). (غ)
<i>vasti šün.</i>	باید رفتن (رفت). (ر)
<i>šâšün.</i>	می‌شود رفتن (رفت). (ر)
<i>vâ xurd-ən.</i>	باید خوردن (خورد). (ر)
<i>bu[n]ə gut-ən.</i>	می‌شود گفتن (گفت). (ق)
<i>nə-bu[n]ə gut-ən un dəruq gu-[n]-ə.</i>	نمی‌شود گفتن (گفت) او دروغ می‌گوید. (ق)
<i>nə-bāyad šün.</i>	باید نرفتن (نرفت). (ق)

۱۴- فعل ناقص

در گیلکی دو فعل ناقص وجود دارد: ۱- *manne* (نمی‌تواند، شرقی)؛ ۲- *(h)isə* (هست، در شرقی، رشتی و غربی).

۱-۱۴ *manne* (نمی‌تواند)

فعل *manne* (نمی‌تواند)، و ماضی‌اش *mannes* (نتوانست) فعل‌های ناقصی هستند که فقط در ماضی ساده و مضارع اخباری منفی به کار می‌روند.

<i>mannes bə-hin-ə.</i>	نتوانست بخرد. (ق)
<i>manne bə-hin-ə.</i>	نمی‌تواند بخرد. (ق)

این فعل شکل مثبت ندارد و برای بیان شکل مثبت آن از tonəstan (توانستن) استفاده می‌شود:

ton-ə bə-hin-ə.

می‌تواند بخرد. (ق)

۱۴-۲ فعل (h)isə (هست)

فعل (h)isə «هست» فعلی است که در گیلکی فقط ساخت مضارع اخباری و مفهوم حال دارد، ماده مضارع آن را می‌توان (h)isə در نظر گرفت. صرف کامل مثبت و منفی این فعل ذیل ساخت پی‌بستی bēn «بودن» آمده است.

۱۵- چند نکته مهم در فعل گیلکی

آنچه درباره فعل گیلکی لازم بود، ذکر شد. در ذیل چند نکته که در ظاهر ارتباطی با ساخت ندارند، اما به نوعی به فعل ارتباط دارند، ذکر شده است.

۱۵-۱ فعل مرکب ضمیری

فعل مرکب ضمیری از ترکیب یک اسم، صفت یا قید به همراه ضمائر متصل غیرفاعلی یا با حالت مفعولی ضمائر منفصل و سوم شخص مفرد یک فعل معین ساخته می‌شوند.^۱ قبل از ذکر مثال جدول ضمائر مفعولی گیلکی بیان می‌گردد:

ضمائر مفعولی	شرقی	رشتی	غربی
مرا	məra	mərâ/mərə	mərâ
ترا	təra	tərâ/tərə	tərâ
او را	onə	onə	onə
ما را	aməra	amerâ/amərə	amerâ
شما را	səmərə	səmerâ/šəmərə	səmerâ
آنها را	ušanə	ušanâ/ušanə	ušanə

از نمونه‌های آن شواهد زیر قابل ذکر است:

شرقی:

در شرقی از حالت مفعولی ضمائر و اسامی در ساخت فعل مرکب ضمیری استفاده می‌شود:

mərâ xanda bə-git.

من خنده‌ام گرفت.

tərâ xanda bə-git.

تو خنده‌ات گرفت.

۱- فعل مرکب ضمیری در بخش‌های تاتی و تالشی.

mərâ yâd nanə.	یادم نمی‌آید.
šəme ra xoš numa.	خوشتان نیامد.
onə garm âbu.	گرمش شد.

همچنان که معلوم است، *mərâ* و دیگر ضمایر جدول فوق همگی حالت مفعولی دارند، در حالی که فاعل جمله هستند.

رشتی و غربی:

در رشتی و غربی، مانند شرقی از حالت مفعولی ضمایر و اسامی در ساخت فعل مرکب ضمیری استفاده می‌شود:

معنی	رشتی	غربی
خوشم آمد.	mərâ xuš bâmo.	mərâ xuš bâmu.
زورت می‌آید؟	tərâ zur âyə?	tərâ zur âyə?
یادمان می‌آید.	amərâ yâd âyə.	amərâ yâd âyə.
یادتان نمی‌آید.	šəmə rā yâd nâyə.	šəmə rā yâd nâyə.
یادش نیامده بود.	unə-yâd nâmo bi.	onə-yâd nâmu bi.
یادم نیامده باشد.	mərâ yâd nâmo bi.	mərâ yâd nâmu bi.

همچنان که معلوم است، این ساخت در زمان ماضی و مضارع و در ساخت‌های مختلف کاربرد دارد. در ساخت فوق هر کدام از ضمایر متصل غیرفاعلی در جمله‌ای که به کار رفته‌اند، شخص و شمار را مشخص می‌کنند و نقش نهادی دارند و تاحدی به ساخت ارگتیو نزدیک و مشابه‌اند، چرا که در اصل می‌باید از ضمایر منفصل فاعلی استفاده می‌کردند و با عبارات «خوشم آمد» و «پیداتان نیست» در فارسی قابل مقایسه‌اند (نیز ← رضایتی، ۱۳۸۳: ۱۹۱-۲۰۵).

۱۵-۲ افزونه فعل‌های ماضی^۱

در آخر بعضی از فعل‌های گیلکی افزونه *-ə* اضافه می‌شود. این افزونه در گونه رشتی و غربی در ساخت‌های ماضی مطلق، ماضی نقلی، مضارع اخباری و مضارع مستمر (متعدی و لازم) کاربرد دارد. در این ساخت‌ها افزونه *-ə* به استثنای دوم شخص در دیگر صیغه‌ها به کار می‌رود. در گونه شرقی این افزونه کاربرد ندارد.

نکته: به دنبال شناسه‌هایی که به *-i* ختم می‌شوند، افزونه *-ə* با واژه شناسه همانند شده، به *-i-ə* تبدیل می‌گردد.

۱- برای ماهیت این افزونه ← افزونه فعل‌های ماضی در بخش‌های تاتی و تالشی.

فعل‌های لازم رشتی:

فعل	معنی	شخص و شمار	ساخت و زمان
bi-ništ-əm-ə	نشستم	اول شخص مفرد	ماضی مطلق
bi-ništ-id-i	نشستید	دوم شخص جمع	ماضی مطلق
bi-ništ-əd-ə	نشستند	سوم شخص جمع	ماضی مطلق
bi-ništ-ə	نشست	سوم شخص مفرد	ماضی مطلق
bi-ništ-im-i	نشستیم	دوم شخص جمع	ماضی مطلق
nište-m-ə	نشسته‌ام	اول شخص مفرد	ماضی نقلی
nə-šin-əm-ə	می‌نشینم	اول شخص مفرد	مضارع اخباری
ništən də-[r]-əm-ə	دارم می‌نشینم	اول شخص مفرد	مضارع مستمر

فعل‌های متعدی رشتی:

فعل	معنی	شخص و شمار	ساخت و زمان
vi-git-əm-ə	برداشتم	اول شخص مفرد	ماضی مطلق
vi-git-ə	برداشت	سوم شخص مفرد	ماضی مطلق
vi-git-im-i	برداشتیم	اول شخص جمع	ماضی مطلق
vi-git-id-i	برداشتید	دوم شخص جمع	ماضی مطلق
vi-git-əd-ə	برداشتند	سوم شخص جمع	ماضی مطلق
vi-gite-m-ə	برداشت‌ه‌ام	اول شخص مفرد	ماضی نقلی
vi-gir-əm-ə	برمی‌دارم	اول شخص مفرد	مضارع اخباری
vigitən də-[r]əm-ə	دارم بر می‌دارم	اول شخص مفرد	مضارع مستمر

فعل‌های لازم غربی:

فعل	معنی	شخص و شمار	ساخت و زمان
bi-ništ-əm-ə	نشستم	اول شخص مفرد	ماضی مطلق
bi-ništ-əd-ə	نشستند	سوم شخص جمع	ماضی مطلق
bi-ništ-ə	نشست	سوم شخص مفرد	ماضی مطلق
nište-m-ə	نشسته‌ام	اول شخص مفرد	ماضی نقلی
nište-d-ə	نشسته‌اند	سوم شخص جمع	ماضی نقلی
nə-šin-əm-ə	می‌نشینم	اول شخص مفرد	مضارع اخباری

nə-šin-əd-ə	می‌نشینند	سوم شخص جمع	مضارع اخباری
ništən də-[r]-əm-ə	دارم می‌نشینم	اول شخص مفرد	مضارع مستمر
ništən də-[r]-əd-ə	دارند می‌نشینند	سوم شخص جمع	مضارع مستمر

فعل‌های متعدی غربی:

فعل	معنی	شخص و شمار	ساخت و زمان
vi-git-əm-ə	برداشتم	اول شخص مفرد	ماضی مطلق
vi-git-ə	برداشت	سوم شخص مفرد	ماضی مطلق
vi-git-əd-ə	برداشتند	سوم شخص جمع	ماضی مطلق
vi-gite-m-ə	برداشته‌ام	اول شخص مفرد	ماضی نقلی
vi-gite-d-ə	برداشته‌اند	سوم شخص جمع	ماضی نقلی
vi-gir-əm-ə	برمی‌دارم	اول شخص مفرد	مضارع اخباری
vi-gir-əd-ə	برمی‌دارند	سوم شخص جمع	مضارع اخباری
vigitən də-[r]əm-ə	دارم بر می‌دارم	اول شخص مفرد	مضارع مستمر
vigitən də-[r]əd-ə	دارند بر می‌دارند	سوم شخص جمع	مضارع مستمر

برای روش ساخت فعل‌های لازم و متعدی گیلکی ← بخش فعل‌های لازم و متعدی در گیلکی.

بخش چهارم

نتیجه تطبیق گویش‌های سه‌گانه با هم و با زبان‌های ایرانی باستان و میانه غربی

آنچه در ذیل می‌آید، نتیجه و خلاصه تطبیق ساخت فعل در سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی با هم و با زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی است. سعی شده است نتیجه همه موارد مربوط به «ساخت فعل» در سه گویش مورد نظر این کتاب، به طور خلاصه ذکر شود. نتایج تطبیق بسیار کلی و به استثنای چند مورد، بدون ذکر مثال خواهد بود.

آنچه در این قسمت مهم بوده است تحولات ساخت فعل از زبان‌های ایرانی دوره باستان به میانه و نو است و از بین آنها نیز، تحولاتی مورد نظر است که بقایا و رسوباتی از آن زبان‌ها در گویش‌های سه‌گانه موجود است. در بخش‌هایی از ساخت فعل که نشانه‌هایی از دوره‌های باستان و میانه وجود ندارد و تغییرات بسیاری در آن حاصل شده، به ذکر طرز ساخت فعل در گونه‌های سه‌گانه اکتفا شده است. تفاوت‌ها و شباهت‌های سه گویش با هم و با زبان‌های ایرانی باستان و میانه غربی هدف دیگر این بخش است.

ترتیب بخش‌ها و سرفصل‌ها به گونه‌ای است که اگر خواننده دنبال مثالی باشد، به راحتی به متن کتاب و مثال آن مراجعه نماید. از آنجاکه این بخش خلاصه و نتیجه بخش‌های دیگر است، از ذکر منبع مطالب خودداری شده است، علاقه‌مندان می‌توانند به هر بخش خاص مراجعه نمایند

۱- ریشه فعل

در ایرانی باستان، ریشه به سه صورت ظاهر می‌شود: صورت ضعیف، افزوده و بالانده. هریک از صورت‌های سه‌گانه ریشه به منظوری خاص به کار برده می‌شود. فعل مجهول از صورت ضعیف، و فعل سببی از صورت بالانده ریشه به دست می‌آید. ایرانی میانه غربی ماده، جانشین ریشه و ماده

ایرانی باستان شده است. در تاتی و تالشی دو صورت ضعیف و قوی ریشه بسیاری از افعال قابل شناسایی است اما در گیلکی، در بسیاری از موارد، فرقی بین ریشه و ماده فعل نمانده است و ریشه قابل شناسایی نیست، فقط در مواردی نادر می‌توان به ریشه دست پیدا کرد.

۲- ماده فعل

در ایرانی باستان، ماده مضارع، ماده نقلی، ماده ماضی، ماده آینده، ماده مجهول، ماده سببی، ماده جعلی، ماده آغازی، ماده آرزویی و ماده تشدید یا تکریری وجود دارد. در ایرانی میانه غربی فقط ماده مضارع، ماده ماضی، ماده مجهول، ماده سببی و ماده جعلی وجود دارد. ماده‌های فعلی ایرانی میانه غربی در گویش‌های تاتی و تالشی نیز به کار می‌روند، در گیلکی ماده مضارع، ماضی، سببی و جعلی کاربرد دارند و ماده مجهول از بین رفته است. ماده یا ستاک در هر سه گویش مورد نظر، انواع مختلفی دارد و هر ماده‌ای به منظور خاصی استفاده می‌شود. در گویش‌های سه‌گانه ماده‌های زیر یافت می‌شوند:

۲-۱ ماده مضارع

در ایرانی باستان، نوعی ماده مضارع از افزودن صورت قوی $na-$ و یا صورت ضعیف $n-$ پیش از آخرین همخوان ریشه ساخته می‌شود. در هر سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی، ماده مضارع در بیشتر موارد همان ریشه است، علامت ویژه‌ای ماده مضارع در این گویش‌ها همخوان $n-$ است. در این مواقع، ماده ماضی خود، ریشه است. ماده مضارع‌های ختم شونده به همخوان $n-$ واداری نمی‌شوند، از ماده مضارع هر سه گویش در ساخت مضارع اخباری، مضارع التزامی و وجه امری استفاده می‌شود. در سه گویش مورد نظر، تنوع ساخت ماده مضارع و ماده ماضی از گویشی به گویشی دیگر و از گونه‌ای به گونه دیگر کم است. یعنی اگر در گویشی ماده ماضی یک فعل به $t-$ ختم شده است، چنان نیست که در گویش دیگری که آن فعل وجود دارد، به واج دیگری ختم شود، به عنوان مثال ماده ماضی فعل «آموختن» در هر گونه‌ای که رایج است، به $t-$ و ماده مضارعش به $z-$ ختم می‌شود.

۲-۲ ماده ماضی

ماده ماضی ایرانی میانه غربی، بازمانده صفات‌های مفعولی گذشته و صفت‌های فاعلی گذشته ایرانی باستان‌اند. در گویش‌های سه‌گانه نیز ساخت اصلی ماده ماضی با پسوند $d-$ و $t-$ باقی‌مانده از پسوند صفت مفعولی $ta-$ ایرانی باستان و $d-$ و $t-$ پارتی است و ساخت‌های دیگر (به ویژه $st-$ و گونه‌های آن)، که امروزه بیشتر استفاده می‌شوند، ثانوی به نظر می‌رسند. در هر سه گویش از ماده ماضی در

ساخت فعل‌های ماضی استفاده می‌شود، فقط در تاتی و تالشی در ساخت‌های ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی و ماضی مستمر (فقط تاتی)، از ماده مضارع استفاده می‌شود. در هر سه گویش و هر نه گونه مورد نظر، ماده ماضی از ریشه فعل به اضافه پسوندهای ماضی‌ساز نظیر -t, -d, -i, -st و -Ø به دست می‌آید.

۲-۳ ماده مجهول

در ایرانی باستان ماده مجهول از پیوستن -ya به ریشه ساخته می‌شود. در فارسی میانه فعل مجهول با نشانه -īn- (>ya- ایرانی باستان)، که میان ماده مضارع و شناسه آورده می‌شود، شناخته می‌گردد. در گیلکی و تالشی شمالی ماده مجهول رایج نیست، اما در تاتی، تالشی پره‌سری و جنوبی باقی مانده است. ماده مجهول در تاتی از ماده مضارع به همراه وند -isi- (کجلی)، -i- (دروی) و -a/i- (لردی) ساخته می‌شود، ماده مجهول تالشی از ماده مضارع به اضافه وند -i- (پره‌سری و جنوبی) به دست می‌آید.

۲-۴ ماده جعلی

در ایرانی باستان ماده جعلی از پیوستن -yā- یا a به اسم و صفت ساخته می‌شود. در هر سه گویش از ماده جعلی استفاده می‌شود. بیشترین ماده در این سه گویش از نوع ماده جعلی است. ماده‌های جعلی در هر سه گویش رو به افزایش است و وندهای ماده‌ساز اصلی (-d و -t) در هر سه گویش رو به فراموشی است، به جای آن، از وند ماده ماضی‌ساز -st- (و گونه‌های آن) استفاده می‌شود.

۲-۵ ماده سببی (واداری)

در ایرانی باستان ماده سببی از پیوستن -aya- به صورت‌های مختلف ریشه ساخته می‌شود. در پهلوی با افزودن میانوند -ēn- به ماده مضارع، ماده مضارع سببی ساخته می‌شود و شناسه‌های مضارع به آن افزوده می‌گردد. ماده سببی در گویش‌های سه گانه به دو طریق به دست می‌آید:

الف) به کمک وند سببی -ân/-on- که در هر سه گویش وجود دارد (در تالشی پره‌سری این وند، -âven در تالشی جنوبی، -âman- و در تالشی شمالی، -ovon- است)؛

ب) ریشه قوی بدون وند سببی. در هر سه گویش، مواردی از گردش مصوت وجود دارد که فعل را واداری می‌کند. این روش واداری کردن در تاتی و تالشی بسیار و در گیلکی نادر است.

۳-۲ مصدر

برخی از شناسه‌های سازنده مصدر در زبان اوستایی عبارت‌اند از: *vōi*، *vanōi*، *dyāi* و *tē/-tōi*. در فارسی باستان برای ساختن مصدر به ریشه، پسوند *-tanaiy* افزوده می‌شود. مصدر در ایرانی میانه غربی به دو طریق ساخته می‌شود: ۱- ماده ماضی، بدون آنکه چیزی بدان افزوده شود، به عنوان مصدر به کار می‌رود، این نوع مصدر در زبان فارسی مرخم نامیده می‌شود، ۲- به ماده ماضی پسوند *-an* (> ایرانی باستان *-anai*) افزوده می‌شود.

در تالشی مصدر به *-e* (در تالشی جنوبی *-e(n)*) و در تاتی و گیلکی به *(i)n* ختم می‌شود. در هر سه گویش مصدر، از ماده ماضی به علاوه علامت مصدری ساخته می‌شود. در تالشی شمالی و پره‌سری موارد بسیاری از ساخت مصدر از ماده مضارع، به چشم می‌خورد. موارد ساخت مصدر از ماده ماضی در تالشی شمالی اندک است. در تاتی و تالشی در آغاز مصدر وند تصریفی *(i)-b* وجود ندارد ولی در گیلکی رودسری و در مواردی در گیلکی رشتی و به ندرت در گیلکی غربی مصدری رایج‌اند که در آغاز آنها وند تصریفی *(i)-b* ظاهر می‌شود.

۳-۱ مصدر ساده

در هر سه گویش، مصادر ساده محدود است. یعنی، تقریباً بین ۱۵۰ (صد و پنجاه) تا ۲۰۰ (دویست) مصدر ساده وجود دارد. گیلکی مرکزی بیشترین مصادر ساده را داراست^۱. و در هر سه گویش تعداد این مصادر برعکس مصادر ترکیبی، رو به کاهش است.

۳-۲ مصدر پیشوندی

در هر سه گویش، پنج تا هفت پیشوند فعلی به کار می‌رود و مصدرهای پیشوندی از ماده و پیشوندهای فعلی همراه با علامت مصدری ساخته می‌شوند. در هر سه گویش مصادر پیشوندی بسامد بالایی دارند.

۳-۳ مصدرهای ترکیبی

مصدرهای ترکیبی در گویش‌های سه‌گانه، از ترکیب اسم، صفت یا قید، با شکل ساده و یا پیشوندی مصدرهایی نظیر: کردن^۲، بودن، دادن، شدن، گرفتن، زدن، رفتن و ... ساخته می‌شوند.

۱- می‌توان علت این امر را قرار گرفتن در چهارسوق زبان‌ها و گویش‌های تالشی، تاتی، گالشی، کردی (کرمانجی) و ترکی فرض کرد، به عبارتی، بسیاری از این مصادر ساده گیلکی اصیل نیستند و در گویش‌های دیگر نیز یافت می‌شوند.
۲- به دلیل اینکه شکل تلفظ در اینجا مهم نبوده و قبلاً نیز آمده، در این قسمت فقط معنی فعل ذکر شده است.

۴-۱ پیشوندهای تصریفی

۴-۱-۱- وند وجه

هر سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی چهار وجه اخباری، تمنایی، التزامی و امری دارند. در هر سه گونهٔ گیلکی وجه تمنایی رو به فراموشی است و فقط در ساخت ماضی بعید تمنایی، آثاری از آن باقی مانده است. در گویش‌های سه‌گانه وند وجه اخباری، امری، تمنایی و التزامی وقتی استفاده می‌شود که فعل، پیشوندی نباشد، در صورت پیشوندی بودن، خود پیشوند فعل، جانشین وند وجه می‌شود.

۴-۱-۱-۱ وند وجه اخباری

در تالشی شمالی و پره‌سری وند *ba-* در آغاز افعال ساده مضارع اخباری و آینده نزدیک، و نیز *ba-* بعد از پیشوند در افعال پیشوندی، وند وجه اخباری است. در هر سه گونه تاتی وند *b(ɪ)* در ماضی مطلق، و وند *m-* و *n-* (فقط در تاتی کجلی) در مضارع اخباری، وند وجه اخباری است. وند وجه اخباری در گیلکی-*b(ɪ)* است که با افعال ماضی مطلق ظاهر می‌شود. وند *m-* در آغاز مضارع اخباری کجلی در هیچ‌یک از گونه‌های نه‌گانه دیگر و حتی در هیچ یک از گویش‌های منطقه خلخال و تالشی و گیلکی یافت نمی‌شود. مانند: می‌زند (مؤنث) *mə-zan-iyə*.

۴-۱-۱-۲-۲ وند وجه تمنایی

نشانه‌های فعل تمنایی برای ماده‌های a دار -ī- است که از ترکیب a و -ī-، ai به وجود می‌آید. برای ماده‌های بی a نشانه تمنایی برای فعل‌های گذرا -yā- و برای فعل‌های ناگذر -ī- است. همه نمونه‌های موجود وجه تمنایی در فارسی باستان دارای شناسه ثانویه هستند. نشانه تمنایی در ماده‌های بی -a- پسوند -yā- است.

در ایرانی میانه غربی فعل تمنایی برای بیان دعا، امر و در جمله شرطی و جزای شرط به کار می‌رود. وند hēb در پهلوی اشکانی ترفانی و فارسی میانه ترفانی و ē در فارسی میانه زردشتی پیش از فعل اخباری و تمنایی آورده می‌شود.

وندهای وجه تمنایی تاتی bay، -bey، -â، -bây، -bâu است. وند bay، -e، -i و -â در تالشی وند وجه تمنایی است. در هیچ یک از گونه‌های گیلکی وجه تمنایی وندی ندارد.

۴-۱-۳ وند وجه التزامی

وجه التزامی در فارسی باستان همه جا در نمونه‌های موجود دارای شناسه اولیه است. نشانه وجه التزامی مصوت /-a/ است که به ماده مضارع افزوده می‌شود.

در ایرانی میانه غربی فعل التزامی در جمله‌های پیرو، جزای شرط، برای دلالت بر آینده، برای بیان دعا و برای دلالت بر امر به کار می‌رود. در هر سه گویش، وند وجه التزامی -(v) b است که در ساخت افعال دارای وجه التزامی به کار می‌رود. در تاتی و تالشی وجه التزامی برای بیان دعا و امر نیز استفاده می‌شود.

۴-۱-۴ وند وجه امری

در ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی فعل امر وند خاصی ندارد (← فعل امر). در هر سه گویش وند -(v) b در ساخت امر وند وجه امری است. همچنین در تاتی و تالشی m- و در گیلکی n- در ساخت فعل نهی، وند وجه امری است.

۴-۱-۵ وند نمود

در هر سه گویش و هر نه گونه، فعل‌ها، دارای دو نمود اصلی (ساده و مستمر) و دو نمود فرعی (تأکیدی و آغازی) هستند.

۴-۱-۶ وند نمود ساده

نمود ساده در هیچ یک از گویش‌های سه‌گانه مورد بررسی وندی ندارد.

۴-۲-۱ وند نمود مستمر

در فارسی باستان پیش از ماضی استمراری a آورده می‌شود، اما در اوستایی غالباً این طور نیست. hamēw در پهلوی اشکانی ترفانی و فارسی میانه ترفانی، hamē در فارسی میانه زردشتی برای دلالت بر استمرار به کار می‌روند. در ایرانی میانه غربی برای بیان امتداد در افعال متعدی گاهی از فعل «داشتن» استفاده می‌شود، به این صورت که پس از ماده ماضی فعل مورد نظر، صیغه‌های مضارع اخباری به کار می‌رود.

وند نمود مستمر در گویش‌های مورد نظر، در چهار ساخت ماضی مستمر، مضارع مستمر، ماضی استمرار و آینده ظاهر می‌شود، به طور کلی می‌توان وند نمود مستمر (به ویژه در ماضی و مضارع

مستمر) را که یکی از نشانه‌های تشخیص و تمیز گونه‌ها از همدیگر - حتی در بین گویشوران - است، به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- دسته‌ای که از وند *kāri- ,kārā-* و *kā-* استفاده می‌کنند. تاتی دروی و کجلی، تالشی پره‌سری و جنوبی، گیلکی غربی و در مواردی رشتی، از این دسته‌اند.

۲- دسته‌ای که وندی مخصوص و ظاهراً اصیل دارند، مانند تاتی لردی که برای ماضی مستمر *-ard-* و برای مضارع مستمر از وند استمرار *-ar-*، استفاده می‌کند. در تالشی شمالی *-n/-* *ina-* همراه ماضی بعید به کار می‌رود و ماضی مستمر می‌سازد، همراه شناسه‌ها و ماده مضارع به کار می‌رود و مضارع مستمر می‌سازد.

۳- وند نمود استمرار در فعل‌های ماضی استمراری هر سه گویش (به استثنای تاتی لردی که وند *-e* دارد) *-i-* است. و در هر گونه‌ای که ساخت استمراری تمنایی دارد، وند مستمر *-i-* و در تالشی پره‌سری *-e* است. تالشی پره‌سری علاوه بر وندهای فوق (همانند فارسی باستان)، در ماضی استمراری وند آغازین *-a* نیز دارد.

۴- دسته‌ای که در ماضی و مضارع مستمر از وند *-da-* و مصدر فعل اصلی به اضافه ماضی مطلق فعل کمکی «بودن» استفاده می‌کنند. گیلکی سه‌گانه این چنین است.

نکته: گیلکی غربی از وند *kārā-* به اضافه روش چهارم نیز استفاده می‌کند.

۴-۱-۲-۳ وند نمود تأکیدی

در فارسی میانه ترفانی *-ba-* و *bē-* در فارسی میانه زردشتی بدون اینکه تغییری در معنی فعل پدید آورند، پیش از فعل آورده می‌شوند. مانند: *bē raft hēm* «برفتم». همه گونه‌های نه‌گانه مورد نظر از وندی در آخر فعل‌های وجه اخباری و امری استفاده می‌کنند و تأکیدی را به فعل می‌افزایند. به طور کلی سه روش افزودن تأکید در این حوزه زبانی به چشم می‌خورد:

۱- افزودن وند *-ey, -ya, -e* و *-a* در آخر فعل‌های وجه اخباری و امری؛

۲- استفاده از شناسه‌های التزامی؛

۳- استفاده از وند *-n* در آخر فعل امر.

- وند تأکیدی در تاتی دروی *-â-*، در لردی *-a-*، در کجلی *-iya-*، در تالشی پره‌سری، *-ey-* در تالشی جنوبی *e(y)-*، در تالشی شمالی نشانه *-â-*، در گیلکی شرقی و غربی *-ya-* و در رشتی *-â-* و *-ya-* است.

- در هر سه گونه تالشی و تاتی دروی و لردی، اگر بعد از فعل امر، شناسه التزامی بیاید، متضمن تأکید بیشتری است.

- در تاتی دروی و لردی و نیز در تالشی پره‌سری به آخر فعل امر وند *-ən* اضافه می‌شود و تأکیدی را به فعل می‌افزاید.

۴-۱-۲-۴ وند نمود آغازی

مادهٔ آغازی در اوستایی از افزودن *-s* به ریشه و افزودن *-a* پس از *-s* ساخته می‌شود. هیچ‌یک از سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی، وند خاصی برای نمود آغازی ندارند، اما با استفاده از فعل‌هایی که به معنی «شروع کردن» هستند، جملاتی می‌سازند که متضمن شروع و آغاز کار است (برای شرح این افعال به بخش «وند نمود آغازی» هر گویش و هر گونه مراجعه نمایید).

۴-۱-۳ وند نفی

در ایرانی باستان *mā* نشانه نهی است و با فعل‌های التزامی، تمنایی، انشایی و امری به کار می‌رود. *nōit* در اوستایی و *naiy* در فارسی باستان نشانهٔ نفی است و با فعل‌های اخباری، التزامی و تمنایی به کار برده می‌شود. در ایرانی باستان نشانه‌های نفی و نهی بافاصله یا بی‌فاصله پیش از فعل می‌آیند. در ایرانی میانهٔ غربی *nē* (>فارسی باستان *naiy*) برای نفی و *mā* (>فارسی باستان *mā*) برای نهی به کار می‌رود.

در گویش‌های سه‌گانه وند نفی *-n(ə)* شایع‌ترین وند نفی در هر سه گویش و نه گونه است. وند نفی-*ni* گرچه در گیلکی تکواژگونه‌ای از *-nə* است، اما در تالشی و تاتی در ساخت‌های خاصی به کار می‌رود. در هر سه گونهٔ تاتی از وند *-ni* برای فعل‌های ماضی نقلی منفی استفاده می‌شود. این وند در تالشی پره‌سری و شمالی برای منفی کردن مضارع اخباری، مضارع مستمر، ماضی نقلی و آیندهٔ نزیک (فقط در تالشی پره‌سری) به کار می‌رود. در جنوبی *-ni* فقط برای منفی کردن ماضی نقلی و ماضی بعید به کار می‌رود.

وند *-m(a)* در تالشی و تاتی برای وجه تمنایی و امری به کار می‌رود. علاوه بر آن در جنوبی از *-ma* برای منفی کردن ماضی استمراری تمنایی و ماضی بعید تمنایی استفاده می‌شود. در تالشی پره‌سری از *-ma* برای منفی کردن ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی و آینده در گذشته استفاده می‌شود. از این وند در هیچ‌یک از گونه‌های گیلکی استفاده نمی‌شود.

وند *-na* در تالشی پره‌سری برای منفی کردن ماضی بعید تمنایی به کار می‌رود. و در شمالی *-na* برای منفی کردن ماضی تمنایی استفاده می‌شود. در دروی و لردی گونهٔ *-na* با فعل‌های ماضی نقلی غیرمحقق منفی به کار می‌روند.

چند نکته:

در فعل‌هایی که دارای وند *-b(ɪ)* هستند، وند نفی جایگزین وند تصریفی می‌شود. در همهٔ گونه‌ها وند نفی در فعل پیشوندی بعد از پیشوند ظاهر می‌شود ولی وند نفی در همهٔ فعل‌های ساده و پیشوندی گونهٔ کجلی قبل از فعل ظاهر می‌شود. در فعل‌های منفی پیشوندی (دروی و لردی) که

پیشوند آنها بیش از دو واج دارد (مانند: -ara و -bar) وند نفی وسط آن پیشوند ظاهر می‌شود. در گیلکی همانندی آوایی در وند نفی بسیار به چشم می‌خورد.

۴-۲ پیشوندهای اشتقاقی

۴-۲-۱ پیشوندهای فعلی یا مصدری

در جدول زیر می‌توان به طور فرضی متناظر و مشابه پیشوندهای فعلی گویش‌های سه‌گانه را در ایرانی باستان و میانه پیدا کرد:

معنی پیشوند	اوستایی	فارسی باستان	دوره میانه	گویش‌های سه‌گانه
به، به سوی (متکلم)	â-	â-	=	â-, (hâ-, vâ-)
درون، داخل	aṇtarə-	=	aṇdar-	da- (dā-, du-, di-)
بر، بالا	us-/uz-	ud-	ul-	u-
بر، بالا	upa-apairi-	upa-apairi-	=	pe-
دور، بر	ava-	ava-	=	av-
پایین، دور، جدا	vī-	vi-	=	vi-
بر، بیرون	=	=	abar-	abar-, ba(r)-, be-
فرو، پایین	=	=	frōd-	fu-(fi-, fā-, fa-)
زیر	=	=	ēr-	ey-, ara-, e-

با توجه به جدول فوق نکات زیر قابل ذکر است:

- (۱) بعضی از پیشوندهای موجود دقیقاً همان پیشوندهای فعلی ایرانی دوره باستان یا میانه‌اند.
 - (۲) بعضی از پیشوندهای موجود تغییر شکل داده آن پیشوندها هستند.
 - (۳) بعضی از پیشوندها از نظر ظاهری هیچ ارتباطی با آنها ندارند، فقط در معنی و نقش، با آنها مشترک‌اند.
- برای نکته اول می‌توان پیشوند -â (حرکت به سوی متکلم) را مثال زد که یک پیشوند در فارسی باستان و اوستایی بوده و در هر دو یک شکل و معنی داشته است. در گویش‌های مورد نظر با همان شکل و معنی دیده می‌شود.
- برای نکته دوم می‌توان پیشوند -da را مثال زد که تغییر شکل یافته پیشوند aṇtarə اوستایی و andar دوره میانه است.

برای نکته سوم می‌توان پیشوند (-jā, -ji و -ju) را مثال زد. که در شکل هیچ ارتباط ظاهری با پیشوندهای دوره‌های باستان و میانه ندارد، ولی می‌توان از نظر معنی با پیشوند ni- فارسی باستان، hñt- اوستایی و ēr دوره میانه مقایسه کرد، که هر سه به معنی زیر و پایین هستند، در هر سه گویش تالشی، گیلکی و تاتی واژه jir هم‌ریشه و هم‌معنی با «زیر» است و پیشوند -ji و گونه‌های آن (-ji و -ju) نیز در آنها وجود دارد.

محدوده جغرافیایی پیشوندهای فعلی:

محدوده جغرافیای گویشی پیشوندهای فعلی گویش گیلکی، تالشی و تاتی (و گونه‌های نه‌گانه) در جدول زیر آمده است:

da	ji	â	bar	pe	vi	-	-	-	-	-	-	تالشی پرمیری
da	ji	â	ba	pe	vi	-	-	-	-	-	-	تالشی جنوبی
da	-	-	be	pe	-	-	a	u	-	-	-	تالشی شمالی
da	ji	â	bar	pe	-	-	-	-	-	e	-	تاتی دروی
da	ji	â	bar	-	-	-	a	-	ara	-	-	تاتی لردی
ada	-	â	abar	-	-	-	a(v)	-	ara	e(y)	-	تاتی کجلی
da	ji	â	-	-	vi	fu	-	u	-	-	-	گیلکی رشتی
da	ji	â	-	-	vi	fu	-	-	-	-	hâ	گیلکی شرق
da	ji	â	-	-	vi	fu	-	u	-	-	-	گیلکی غربی

همان‌طور که معلوم است، ۱۳ پیشوند فعلی در نه گونه مورد نظر وجود دارد که بعضی از آنها محتملاً تکواژگونه‌اند. سه پیشوند اصلی -jā, -da و -â در هر سه گویش مشترک است. پیشوند -vi در تالشی و گیلکی مشترک است، پیشوند -pe در تالشی و تاتی مشترک است. پیشوندهای گیلکی بیش از پیشوندهای دو گویش دیگر تکواژگونه دارند.

روش تشخیص پیشوند:

برای تمایز مصادر پیشوندی از غیرپیشوندی در هر سه گویش سه روش وجود دارد:
الف) منفی کردن یا آوردن وند نفی بر سر فعل‌ها، ب) ساختن فعل امر از آن فعل، ج- ساختن فعل مضارع التزامی. در کجلی چون وند نفی همیشه قبل از پیشوند می‌آید، روش‌های دوم و سوم کارسازتر است.

ویژگی پیشوندهای فعلی:

در هر سه گویش وقتی فعل پیشوندی، امری شود، خود پیشوند فعلی به جای وند تصریفی -b(ν) ظاهر می‌شود. بیشتر فعل‌های ساده این توانایی را دارند که با پیشوندهای مختلف به کار بروند. در

هر سه گویش، پیشوندهای فعلی در اصل پیش‌فعل‌هایی بوده‌اند که بر جهت انجام کار دلالت می‌کرده‌اند، اما امروزه در مواردی معنای اصطلاحی به فعل بعد از خود می‌افزایند و معنای خود را از دست داده‌اند. در هر سه گویش فعل‌های پیشوندی کمبود فعل ساده را جبران کرده‌اند. در تالشی جنوبی همانند فارسی باستان یک فعل ممکن است دو پیشوند داشته باشد. در هر سه گویش فعل‌هایی وجود دارند که فقط شکل پیشوندی‌شان باقی مانده و شکل ساده خود را از دست داده‌اند، یا از اول شکل ساده نداشته‌اند.

۵- پسوندهای فعلی

۵-۱-۱ پسوندهای تصریفی

۵-۱-۱-۱ شناسه‌های فعلی

در ایرانی باستان شناسه‌های متفاوتی برای فعل‌ها وجود دارد: شناسه‌های خاص فعل مضارع، شناسه‌های خاص فعل امر، شناسه‌های خاص ماضی نقلی، شناسه‌های خاص التزامی و شناسه‌های خاص تمنایی. و هریک از شناسه‌های پنج‌گانه بالا بر دو گونه‌اند: شناسه‌های خاص باب گذرا، شناسه‌های خاص باب ناگذر.

در ایرانی میانه غربی شناسه‌های فعل مضارع اخباری بازمانده شناسه‌های فعل مضارع گذرای ایرانی باستان‌اند. امر مفرد دوم شخص مفرد شناسه ندارد و ماده مضارع به عنوان فعل امر به کار می‌رود. شناسه‌های فعل مضارع التزامی، بازمانده‌های شناسه‌های خاص التزامی گذرای ایرانی باستان‌اند. شناسه فعل تمنایی در پهلوی اشکانی ترفانی (h)indē-، در فارسی میانه ترفانی (h)ē- و در فارسی میانه زردتشتی ēh- است.

در دو گویش تاتی و تالشی شناسه ماضی و مضارع با هم تفاوت دارد. علاوه بر آن هر کدام شناسه‌های تمنایی نیز دارند. در هر سه گونه گیلکی برای ماضی و مضارع یک شناسه به کار می‌رود. به طور کلی شناسه‌های سه گویش مورد نظر را به شرح زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

شناسه‌های تاتی: شناسه‌های ماضی، شناسه‌های مضارع، شناسه‌های تمنایی، شناسه‌های ماضی در هر سه گونه تقریباً یکی است، فقط دوم شخص مفرد کجلی شناسه‌اش (əz-) با بقیه متفاوت است. در دو گونه دیگر شناسه k- است. در کجلی و لردی شناسه سوم شخص مفرد مؤنث ā- نیز وجود دارد که در دروی وجود ندارد؛

تالشی پره‌سری: شناسه‌های اولیه و شناسه‌های ثانویه؛

تالشی شمالی: در تالشی شمالی سه دسته شناسه وجود دارد: شناسهٔ افعال التزامی (برای افعال التزامی)، شناسهٔ افعال اخباری (برای فعل مضارع اخباری) و شناسهٔ دیگر افعال که با بقیه افعال به کار می‌رود؛

تالشی جنوبی: در تالشی جنوبی با افعال متعدی، دسته‌ای از شناسه‌ها به کار می‌رود که همان ضمایر متصل غیرفاعلی‌اند، اما چون در گونهٔ جنوبی ساخت ارگتیو از بین رفته، در این اثر شناسه نامیده شده‌اند. در تالشی جنوبی یک دسته شناسه نیز وجود دارد که همراه افعال ماضی بعید می‌آید؛

شناسه‌های رشتی: در هر سه گونهٔ گیلکی شناسه‌ها تقریباً یکسان‌اند، فقط شناسه‌های گیلکی رشتی و غربی کمی با شرقی تفاوت دارند. در این دو گونهٔ اخیر شناسهٔ سوم شخص جمع، علاوه بر -n (ə) شرقی، -d (ə) است. شناسهٔ صیغه‌های جمع گیلکی رشتی به -i اختیاری ختم می‌شوند.

۵-۱-۲ پسوند زمان ماضی (مادهٔ ماضی‌ساز)

ماده‌های جعلی در فارسی میانه با -ist و -īd و در پهلوی اشکانی ترفانی با -ād ساخته می‌شوند. پسوندهای ماضی‌ساز در گویش‌های سه‌گانه را می‌توان به دو دستهٔ اصلی و ثانوی تقسیم کرد: الف) دستهٔ اصلی پسوندهای مختوم به -d و -t. این دو پسوند در هر سه گونه به کار می‌روند، ب) دستهٔ ثانوی: پسوندهای مختوم به -i, -e, -st (v) و -Ø. پسوند -st (v) در هر سه گویش (به استثنای تالشی گونهٔ جنوبی و شمالی)، بیش از همهٔ وندهای مادهٔ ماضی‌ساز کاربرد دارد، بعد از آن پسوند -i و -e و پس از آن پسوند تهی قرار دارد. پسوند -xəst -āxəst فقط در گیلکی غربی رایج است.

۵-۱-۳ وند سببی

در ایرانی باستان مادهٔ سببی از پیوستن -aya به صورت‌های مختلف ریشه ساخته می‌شود. در پهلوی با افزودن وند -ēn به مادهٔ مضارع، مادهٔ مضارع سببی ساخته می‌شود.

وند سببی در گویش‌های سه‌گانه -ān/-on است که به ریشه یا مادهٔ مضارع می‌پیوندد. در تالشی پره‌سری این وند -āvən- در تالشی جنوبی به -āmən- و در تالشی شمالی به -ovon- تبدیل شده است.

۵-۲-۱ پسوندهای اشتقاقی

۵-۲-۱-۱ پسوند مصدر ساز

پسوند مصدر ساز در تاتی و گیلکی مختوم به -n (v) است، اما در تالشی مختوم به مصوت -e است. در تالشی جنوبی مصدر مختوم به -e (n) نیز رایج است.

۵-۲-۲ پسوند صفت مفعولی

صفت مفعولی در فارسی باستان غالباً از ریشهٔ ضعیف با پسوند -ta ساخته می‌شود. در زبان‌های ایرانی میانهٔ غربی صفت مفعولی با افزودن پسوند -ag به مادهٔ ماضی به دست می‌آید.

صفت مفعولی در زبان‌های سه‌گانه مختوم به *-a* است که به ماده ماضی الحاق می‌شود. در هر سه گونه گیلکی پسوند *-ə* نیز رایج است. در تاتی دروی گاه ماده ماضی مختوم به *-â* و *-a* بدون استفاده از پسوند، صفت مفعولی می‌سازد. مثل: *za* «زده شده».

۶- وجه فعل

در ایرانی باستان وجه انشایی نیز وجود داشته که به دوره میانه و نو نرسیده است. در هر سه گویش وجه اخباری، تمنایی، التزامی و امری وجود دارد.

۶-۱ وجه اخباری

در گویش‌های سه‌گانه، فعل‌های ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمرار، ماضی مستمر، مضارع اخباری، مضارع مستمر و فعل‌های پی‌بستی، آینده نزدیک (فقط در تالشی پره‌سری)، آینده در گذشته (فقط در تالشی پره‌سری) دارای وجه اخباری‌اند.

۶-۲ وجه تمنایی

در تالشی: ساخت ماضی استمرار تمنایی، مضارع التزامی نشانه‌دار، ماضی التزامی نشانه‌دار و ماضی بعید تمنایی دارای وجه تمنایی‌اند. در تاتی: ساخت ماضی استمرار تمنایی، ماضی تمنایی ماضی نقلی غیرمحقق (تمنایی)، ماضی بعید نقلی تمنایی و مضارع تمنایی دارای وجه تمنایی‌اند. در گیلکی: فقط ساخت ماضی بعید تمنایی، دارای وجه تمنایی است.

۶-۲ وجه التزامی

در هر سه گویش، ماضی التزامی و مضارع التزامی دارای وجه التزامی‌اند (نیز «وند وجه التزامی» بخش ۴-۱-۳).

۶-۱ وجه امری

در هر سه گویش، فعل امر و نهی دارای وجه امری‌اند.

۷- نمود فعل

افعال هر سه گویش دو نمود اصلی ساده (مطلق) و مستمر، و دو نمود فرعی (آغازی و تأکیدی) دارند.

۷-۱ نمود ساده

در گویش سه‌گانه فعل‌های ماضی مطلق، ماضی نقلی (و گونه‌های آن در تاتی)، ماضی بعید، انواع فعل‌های التزامی، مضارع اخباری، فعل‌های تمنایی، فعل امر و فعل پی‌بستی نمود ساده دارند.

۷-۲ نمود مستمر

در گویش‌های سه‌گانه ساخت‌های مضارع مستمر، ماضی مستمر و ماضی استمراری دارای نمود مستمر هستند.

۷-۳ نمود تأکیدی

در هر سه گویش نمود تأکیدی وجود دارد و با استفاده از وندهای خاصی که اغلب مختوم به *-y*، *-â* و *-a* است به آخر فعل اضافه می‌شود و فعل را تأکیدی می‌کند.

۷-۴ نمود آغازی

هر سه گویش با استفاده از فعل‌هایی که به معنی «شروع کردن» هستند، جملاتی می‌سازند که متضمن شروع و آغاز کار است.

۸- جهت فعل

۸-۱ فعل متعدی

در زبان پهلوی صرف افعال لازم و متعدی با هم تفاوت دارند. افعال ماضی متعدی پهلوی ساخت ارگتیو دارند. در گویش گیلکی ساخت ارگتیو از بین رفته و فعل‌های لازم و متعدی طرز ساخت یکسانی دارند. در تاتی و تالشی (به استثنای جنوبی) ساخت ارگتیو حفظ شده است و روش ساخت فعل‌های لازم و متعدی با هم تفاوت دارد. در تاتی و تالشی پره‌سری و شمالی فعل ماضی متعدی صرف جداگانه‌ای دارد اما مضارع متعدی، همانند فعل‌های مضارع لازم صرف می‌شود، در تالشی جنوبی به دلیل از بین رفتن ساخت ارگتیو فعل‌های لازم و متعدی ساخت مشابهی دارند.

در گونه‌هایی که ساخت ارگتیو دارند، ماضی متعدی از ماده ماضی به اضافه ضمائر متصل غیرفاعلی ساخته می‌شود، ولی در گونه‌هایی که از بین رفته، در فعل‌های لازم و متعدی ماضی و مضارع، به جای ضمائر، از شناسه‌ها استفاده می‌شود.

۸-۲ فعل لازم

(← ۸-۱ فعل متعدی).

۸-۳ فعل مجهول

در زبان اوستا از ترکیب پسوند *-ya-* با صورت ضعیف ریشه، دو نوع ماده مضارع ساخته می‌شود: ۱- ماده مضارع که معادل آن در هندی باستان دارای تکیه ریشه‌ای است.

۲- ماده مضارع مجهول که در هندی باستان تکیه روی پسوند آن قرار می‌گیرد: در فارسی باستان فعل مجهول به دو دسته تقسیم می‌شود: آنهایی که با پسوند -iya- ساخته می‌شوند، مانند: ayadiya «ستایش شد»، آنهایی که از ترکیب صفت مفعولی با یا بدون فعل «بودن» ساخته می‌شوند.

در فارسی میانه فعل مجهول با نشانه -īh- (> ya- ایرانی باستان)، که میان ماده مضارع و شناسه می‌آید، شناخته می‌گردد.

فعل مجهول در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی به چند طریق زیر ساخته می‌شوند:

الف) استفاده از ماده مجهول (تاتی و تالشی پره‌سری و جنوبی):

ب) استفاده از فعل کمکی (گیلکی و تالشی شمالی):

ج) استفاده از سوم شخص جمع فعل‌های متعدی (هر سه گویش).

علاوه بر موارد فوق، در گیلکی رشتی با استفاده از مصدر فعل اصلی و فعل کمکی kūn (رفتن)، فعل مجهول به دست می‌آید، در این حالت حرف اضافه -ba در آغاز مصدر قرار می‌گیرد.

۹- زمان فعل

در ایرانی باستان فعل از نظر زمان به مضارع، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی ساده، آینده تقسیم می‌شود. ایرانی میانه غربی دارای فعل‌های مضارع، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید و آینده است. فعل‌های هر سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی به دو دسته ماضی و مضارع تقسیم می‌شوند، زمان آینده (به استثنای تالشی پره‌سری)، در هیچ کدام از گونه‌ها ساخت ویژه‌ای ندارد و از مضارع اخباری برای بیان آن استفاده می‌شود. در تالشی پره‌سری (آینده نزدیک و آینده در گذشته) رایج است.

در هر سه گویش تعداد ساخت‌های زیر مشترک است:

۱- ماضی مطلق، ۲- ماضی نقلی، ۳- ماضی التزامی، ۴- ماضی استمراری، ۵- ماضی مستمر، ۶- ماضی بعید، ۷- ماضی بعید تمنایی، ۸- مضارع اخباری، ۹- مضارع التزامی، ۱۰- مضارع مستمر.

علاوه بر اینها در تالشی ساخت‌های: ماضی استمراری تمنایی، ماضی و مضارع التزامی نشانه‌دار و دو ساخت آینده (تالشی پره‌سری) ماضی نقلی غیرمحقق (تالشی شمالی) به کار می‌رود. در تاتی نیز علاوه بر آنچه گذشت، ساخت‌های ماضی نقلی ابعاد، ماضی بعید التزامی، ماضی شرطی تمنایی، ماضی نقلی غیرمحقق، ماضی نقلی نزدیک (لردی) رایج است.

در تاتی دروی علاوه بر موارد فوق، پنج ساخت ماضی نقلی بعید تمنایی، ماضی نقلی غیرمحقق، ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنایی و ماضی مستمر همراه با *say*-ساخت جداگانه‌ای می‌سازند که در گونه‌های دیگر نیست (← وند *say* در بخش تاتی).
به طور کلی در هر سه گویش حداقل ۱۰ (ده) ساخت ماضی و مضارع وجود دارد. تالشی دو ساخت (آینده) ویژه دارد که مختص گونه پره‌سری است. غیر از آینده در تالشی بقیه ساخت‌های تاتی و تالشی مشترک‌اند. تاتی دروی ساخت‌هایی دارد که در گونه‌های دیگر تاتی، تالشی و گیلکی یافت نمی‌شود. ساخت‌های زیر مختص تاتی دروی است: ماضی نقلی بعید تمنایی، ماضی بعید التزامی. گونه اخیر از تاتی دارای ۱۷ (هفده) ساخت فعلی است. ساخت‌های ماضی تمنایی (شرطی) ماضی بعید تمنایی و ماضی نقلی ابعاد، در تاتی لردی و دروی مشترک‌اند ماضی نقلی غیرمحقق در کجلی و دروی مشترک است. ماضی نقلی نزدیک مختص لردی است.

۹-۱ ماضی مطلق

ماضی مطلق در هر سه گویش از ماده ماضی به اضافه شناسه (یا ضمایر متصل غیرفعلی در گونه‌های ارگتیودار) ساخته می‌شود.

در ماضی مطلق هر سه گویش بین ماده مختوم به همخوان و بعضی از شناسه‌ها اغلب مصوت *-ə* قرار می‌گیرد، وقتی ماده مختوم به مصوت باشد، دیگر قبل از ضمیر متصل غیرفعلی، *-ə* ظاهر نمی‌شود.

روش منفی کردن ماضی مطلق در هر سه گویش گیلکی به این شرح است که وند *-n* (۱) قبل از ماده قرار می‌گیرد، در افعال پیشوندی اغلب وند نفی *-n* بعد از پیشوند ظهور می‌کند. به جز تاتی کجلی که وند نفی در همه فعل‌های پیشوندی قبل از پیشوند قرار می‌گیرد.

۹-۲ ماضی نقلی

در حال حاضر در هر سه گویش ماضی نقلی وجود دارد، اما در هر سه گونه گیلکی در حال از بین رفتن به نفع ماضی مطلق است و فقط در چند فعل این ساخت به شکل اصلی باقی مانده است.
ماضی نقلی در هر سه گویش، از صفت مفعولی به اضافه شناسه (یا ضمایر متصل غیرفعلی در گونه‌های ارگتیودار) ساخته می‌شود.

برای منفی کردن این ساخت در هر سه گونه گیلکی وند نفی *-nə* در فعل‌های ساده قبل از ماده فعل و در فعل‌های پیشوندی بعد از پیشوند ظاهر می‌شود. در تاتی و تالشی برای منفی کردن این ساخت از وند نفی *-ni* استفاده می‌شود. این وند قبل از شناسه (یا ضمایر متصل غیرفعلی در گونه‌های ارگتیودار) می‌آید.

روش دیگری برای ساخت ماضی نقلی گیلکی (خمام، انزلی و نواحی دیگر)، وجود دارد که در آن از فعل کمکی dāšt-en «داشتن» استفاده می‌کنند.

۲-۲-۹ ماضی نقلی نزدیک

این ساخت فقط در تاتی لردی رایج است (← تاتی ذیل: ۲-۲-۹ ماضی نقلی نزدیک).

۳-۲-۹ ماضی نقلی ابعاد

این ساخت در لردی و دروی رایج است (← تاتی ذیل: ۳-۲-۹ ماضی نقلی ابعاد).

۴-۲-۹ ماضی نقلی غیرمحقق

این ساخت فقط در دو گونه دروی، کجلی و تالشی شمالی رواج دارد. وند مخصوص این ساخت bay است که در هر سه گونه دارای این ساخت، مشترک است. ساخت متعدی آن در هر سه گونه به شرح زیر است:

صفت مفعولی + ضمایر شخصی + نمودنمای bay / eby (ba) ← ماضی نقلی غیرمحقق متعدی
ساخت لازم آن در هر سه گونه به شرح زیر است:

صفت مفعولی (+ ba) + نمودنمای bay + شناسه ← نقلی غیرمحقق لازم

۵-۲-۹ ماضی نقلی بعید تمنایی

این ساخت فقط در دروی وجود دارد (← تاتی ذیل: ۵-۲-۹ ماضی نقلی بعید تمنایی).

۳-۹ ماضی التزامی

ماضی التزامی در هر سه گویش از صفت مفعولی فعل اصلی به اضافه صرف مضارع التزامی از فعل «بودن» به دست می‌آید. در ماضی التزامی تاتی دروی گاهی وند تصریفی -b(ɪ) از مضارع التزامی حذف می‌شود. ماضی التزامی گیلکی از صفت مفعولی فعل اصلی به اضافه صرف ماضی مطلق فعل «بودن» درست می‌شود. در گیلکی رشتی نحوه صرف فعل کمکی بودن در دو ساخت ماضی بعید و ماضی التزامی متفاوت است. به عبارتی، واژه شناسه در ماضی بعید در اول شخص مفرد و سوم شخص جمع -u- ولی در دیگری -i- است.

در هر سه گویش، طرز منفی کردن این ساخت به این شرح است که وند نفی -n(ɪ) به جای وند -b(ɪ) می‌نشیند، فقط در تالشی جنوبی به جای وند -n(ɪ) از وند -ma استفاده می‌شود.

۴-۹ ماضی تمنایی (یا التزامی نشانه‌دار)

تفاوت بارز این ساخت با ساخت ماضی التزامی در این است که در ساخت ماضی تمنایی یا شرطی از شناسه‌های تمنایی استفاده می‌شود که متفاوت از شناسه‌های ماضی یا مضارع‌اند.

در تاتی و تالشی طرزمنفی کردن فعل لازم و متعدی ماضی تمنایی و ماضی التزامی از هم تمایز دارد، یعنی در تاتی از وند $ma-$ ولی در تالشی از $n(v)-$ استفاده می‌شود. در تاتی لردی طرز منفی کردن این ساخت به دو صورت است:

الف- وند نفی- $n(v)-$ را قبل از صفت مفعولی می‌آورند. (ب) وند نفی $ma-$ را بعد از ماده فعل می‌آورند.

۵-۹ ماضی بعید

ماضی بعید در هر سه گویش از ترکیب صفت مفعولی و صرف ماضی مطلق فعل «بودن» ساخته می‌شود. در هر سه گونه گیلکی و تالشی شمالی وند نفی بلافاصله قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد و در دو گونه تاتی دروی و کجلی قبل از فعل معین می‌آید. در فعل‌های ساده لردی گاهی وند نفی قبل از صفت مفعولی ذکر می‌گردد. در تالشی پره‌سری وند نفی $na-$ قبل از فعل معین و وند نفی ni بعد از آن ظاهر می‌شود. در تالشی جنوبی همیشه وند نفی $ni-$ بعد از ماده فعلی ظاهر می‌شود.

۵-۹ ماضی بعید تمنایی

در هر سه گویش این ساخت وجود دارد و طرز ساخت آنها در اصل یکی است، یعنی از صفت مفعولی به اضافه فعل کمکی «بودن» به دست می‌آید. در همه ساخت‌ها فعل کمکی، به مانند یک وند، به شکل $bâ-$ ، $bu-$ و $bi-$ عمل می‌کند و تمنا را القا می‌کند.

در تاتی (دروی و لردی) و تالشی برای منفی کردن این ساخت، از وند نفی $ma-$ استفاده می‌شود. در هر سه گونه گیلکی وند نفی $n(v)-$ در فعل‌های ساده به جای $b(v)-$ در صفت مفعولی می‌نشیند.

۶-۹ ماضی استمراری

فعل ماضی استمراری در ایرانی باستان از پیوستن شناسه‌های خاص فعل ماضی به ماده‌های مختلف مضارع ساخته می‌شود. در تاتی دروی و تالشی پره‌سری و جنوبی ماضی غیرتام (imperfect) باستانی که بر ستاک حال بنا شده بود، حفظ شده است. در فارسی باستان پیش از ماضی استمراری $a-$ اضافه می‌شود. در تالشی پره‌سری و شمالی این ویژگی حفظ شده است.

در تالشی شمالی، گیلکی، تاتی لردی و کجلی ماضی استمراری از ماده گذشته به دست می‌آید. وند استمرار در تاتی دروی و کجلی $i-$ ، ولی در تاتی لردی $e-$ است. در تالشی و گیلکی نیز وند استمرار $i-$ است. در هر سه گویش برای منفی کردن فعل‌های ساده این ساخت وند نفی $n(v)-$ به اول ماده فعل افزوده می‌شود.

نکته: امروزه در تاتی لردی برای بیان فعل ماضی استمراری، بیشتر از فعل ماضی مستمر استفاده می‌شود و کم‌کم ماضی استمراری جای خود را در این گونه به ماضی مستمر می‌دهد، هم‌چنان‌که مضارع اخباری جای خود را به مضارع مستمر می‌دهد (نیز ← فعل مضارع اخباری).

۷-۹ ماضی مستمر

در ایرانی باستان و میانه ماضی مستمر وجود ندارد. به طور کلی می‌توان ماضی مستمر گویش‌های سه‌گانه را به چند دسته زیر تقسیم کرد:

- ۱- دسته‌ای که از وند *kâri- /kâ-* و *kārâ-* استفاده می‌کنند؛ تاتی دروی و کجلی، تالشی پره‌سری و جنوبی، گیلکی غربی و در مواردی رشتی، از این دسته‌اند.
- ۲- دسته‌ای که وند از مخصوص (*-ard*) در تاتی لردی و *-ina/-n-* در تالشی شمالی، استفاده می‌کنند.

۳- دسته‌ای (شامل هر سه گونه گیلکی)، که در ماضی مستمر از وند *da-* و مصدر فعل اصلی به اضافه ماضی مطلق فعل کمکی «بودن» استفاده می‌کنند.

نکته ۱: گیلکی غربی از وند *kārâ-* به اضافه ماضی استمراری استفاده می‌کند. این گونه در این مورد، به احتمال قریب به یقین، تحت تأثیر گویش تالشی اطراف خود است.

نکته ۲: ماضی مستمر هر نه گونه، برخلاف زبان فارسی، منفی می‌شود. در گونه‌هایی نظیر تاتی دروی و گیلکی غربی تمایل به منفی کردن از طریق به کار بردن شکل منفی ماضی استمرار همان فعل نیز وجود دارد. در هر سه گویش وند نفی این ساخت، بعد از نمودنمای مستمر اضافه می‌شود.

۸-۹ مضارع اخباری

فعل مضارع اخباری در ایرانی میانه غربی برای دلالت بر آینده هم به کار می‌رود. در گویش‌های سه‌گانه نیز چنین حالتی وجود دارد. در هر سه گویش از ماده مضارع به اضافه شناسه‌های مضارع اخباری ساخته می‌شود. در تالشی شمالی و نیز پره‌سری روند استفاده از ماده ماضی برای ساخت مضارع رو به رشد است، به طوری که اغلب افعال مضارع اخباری تالشی شمالی از ماده ماضی به دست آمده است.

نکته ۱: تفاوت بارز فعل مضارع اخباری تاتی کجلی با دیگر گونه‌های نه‌گانه این است که در کجلی از وند تصریفی *m(ə)-* و *n(ə)-* استفاده می‌شود که در گویش‌های منطقه خزر بی‌سابقه است، فقط در تاتی اطراف قزوین (← یارشاطر، ۱۹۶۹: ۲۰۸) چنین وندی یافت می‌شود. وقتی در مضارع اخباری منفی کجلی، وند نفی و وند تصریفی کنار هم می‌آیند، خواننده را به اشتباه می‌-

اندازد و راه شناخت آن، این است که در کجلی همهٔ وندهای نفی در اول فعل قرار می‌گیرند، وند مضارع $\pi(\partial)$ - در وسط و بیشتر با افعال پیشوندی می‌آید.

نکتهٔ ۲: در گویش گیلکی، تاتی لردی و تالشی پره‌سری مضارع اخباری اغلب بر مفهوم آینده دلالت می‌کند، به عبارتی، گویندگان از این ساخت برای بیان آینده استفاده می‌کنند و از ساخت مضارع مستمر برای بیان حال استفاده می‌کنند. مضارع اخباری کم‌کم جای خودش را به مضارع مستمر می‌دهد، در گویش گیلکی به قدری این مسأله شیوع پیدا کرده است که در مواردی این ساخت را آینده فرض کرده‌اند.

در هر سه گونهٔ گیلکی و تاتی لردی و دروی و نیز تالشی جنوبی طرز منفی کردن فعل‌های مضارع اخباری یکسان است، یعنی، وند نفی- $\pi(\partial)$ قبل از مادهٔ فعل می‌آید. فرق عمده منفی کردن این ساخت در تالشی پره‌سری و شمالی این است که در تالشی پره‌سری وند نفی جایگزین وند تصریفی π - می‌شود، ولی در شمالی وند نفی- π وند تصریفی را حذف نمی‌کند و قبل از آن ظاهر می‌شود.

۹-۹ مضارع التزامی

نشانهٔ التزامی- $b(\nu)$ در همهٔ گونه‌های نه‌گانه یافت می‌شود. در هر سه گویش از مادهٔ مضارع برای ساخت مضارع التزامی استفاده می‌کنند. حتی در تالشی شمالی (که در مضارع اخباری از مادهٔ ماضی ساخته می‌شود)، این مادهٔ مضارع است که فعل مضارع التزامی را می‌سازد، چرا که مادهٔ امر با آن مشترک است و مادهٔ امر نیز در این گونه، از مضارع به دست می‌آید، گرچه در گونهٔ اخیر در مواردی فرقی بین مادهٔ مضارع و ماضی نباشد.

به استثنای تاتی کجلی که همیشه وند نفی در آغاز فعل قرار می‌گیرد، در بقیهٔ گونه‌ها، یکی از راه‌های شناخت فعل پیشوندی از غیر پیشوندی، فعل مضارع التزامی است. وند نفی در این ساخت، در گیلکی، تالشی پره‌سری و شمالی و تاتی کجلی به جای وند تصریفی $b(\nu)$ - وند نفی $\pi(\nu)$ - ظاهر می‌شود. شکل منفی افعال ساده این ساخت، در هر سه گویش، با تکیه از ساخت مضارع اخباری تمیز داده می‌شود و افعال پیشوندی این ساخت نیز با تکیه از افعال پیشوندی مضارع اخباری تشخیص داده می‌شوند، در مضارع التزامی تکیه بر وند نفی و پیشوند است و در مضارع اخباری تکیه بر مادهٔ فعل است. چون در مضارع التزامی پیشوندی، دیگر از وند تصریفی $b(\nu)$ - استفاده نمی‌شود و پیشوند به جای آن می‌نشیند، در شکل، همانند مضارع اخباری پیشوندی می‌شود، یگانه راه شناخت این دو فعل جایگاه تکیهٔ آنهاست، به این ترتیب که در مضارع التزامی بی‌نشانهٔ پیشوندی تکیه بر پیشوند فعلی و در مضارع اخباری پیشوندی تکیه بر مادهٔ مضارع است، در منفی این فعل‌ها جای تکیه مهم نیست.

در تاتی دروی و لردی، و تالشی جنوبی وند نفی این ساخت *ma-* است و به راحتی از مضارع اخباری منفی قابل تشخیص است. در تاتی و تالشی پره‌سری از ساخت دیگری (مضارع التزامی یا تمنایی) نیز استفاده می‌کنند که تفاوت آن در شناسه‌های آن است.

۹-۱۰ مضارع مستمر

در ایرانی باستان و میانه مضارع مستمر وجود ندارد. از مضارع مستمر در گیلکی و تاتی لردی و تالشی پره‌سری بیشتر برای بیان حال استفاده می‌شود. طرز ساخت مضارع مستمر هر گونه به نوعی همانند ماضی مستمر همان گونه است.

نکته: در گیلکی شرقی وقتی مصادر مرکبی چون «خنده کردن» و «گریه کردن» در این ساخت به کار می‌روند، از فعل معین استفاده نمی‌شود، در رشتی نیز فقط در همان افعال از فعل معین *kudən* «کردن» به صورت مصدر مرخم (*ka*) استفاده می‌شود. گاهی در رشتی، وند *da* نیز استفاده نمی‌شود.

مضارع مستمر هر سه گویش برخلاف زبان فارسی، منفی می‌شود. در گونه‌هایی نظیر تاتی دروی و گیلکی غربی تمایل به منفی کردن از طریق به کار بردن شکل منفی مضارع اخباری همان فعل نیز وجود دارد. در هر سه گویش وند نفی این ساخت، بعد از نمودنمای مستمر اضافه می‌شود. در ماضی مستمر نیز سعی بر آن است که به جای منفی آن از منفی ماضی استمرار استفاده شود. مضارع مستمر در گیلکی (همانند ماضی مستمر) کمتر منفی می‌شود و از شکل منفی مضارع اخباری به جای آن استفاده می‌شود.

۹-۱۱ آینده در گذشته

در ایرانی باستان برای بیان آینده از ماده آینده استفاده می‌شود. آینده در فارسی میانه ساخت خاصی ندارد و برای بیان آینده از مضارع اخباری و التزامی استفاده می‌شود. گویش تاتی، گیلکی، تالشی شمالی و جنوبی ساخت آینده ندارند. ساخت آینده در گذشته فقط در تالشی پره‌سری رواج دارد (← ساخت آینده در گذشته، بخش تالشی).

۹-۱۲ آینده نزدیک

این ساخت فقط در تالشی پره‌سری رایج است (← ساخت آینده، بخش تالشی).

۱۰- فعل‌های امر و نهی

۱-۱۰ فعل امر

در ایرانی باستان فعل امر از یکی از ماده‌های مضارع، نقلی و ماضی به اضافه شناسه‌های خاص فعل امر ساخته می‌شود. در ایرانی میانه غربی برای ساختن فعل امر از ماده مضارع استفاده می‌شود و دوم شخص مفرد امر شناسه‌ای ندارد. طرز ساخت فعل امر در گویش‌های سه‌گانه چنین است: پیشوند تصریفی -(v) b/ یا پیشوند اشتقاقی + ماده مضارع ← فعل امر.

فعل امر در هر سه گویش دو صیغه دارد: مفرد و جمع. شناسه جمع in- (در گیلکی شرقی)، id- (در رشتی و غربی)، a- (در تاتی و تالشی پره‌سری) و an- (در تالشی جنوبی و شمالی) است. نکته: یکی از راه‌های شناخت ماده مضارع و پیشوند فعل، ساخت فعل امر از آن است. در هر سه گویش وند bə- شایع‌ترین وند تصریفی فعل امر ساده است. در فعل امر پیشوندی هر سه گویش پیشوند فعل جانشین وند تصریفی امر می‌شود.

در آخر بعضی از فعل‌های امر گیلکی شرقی، همخوان n- حذف می‌گردد، یعنی، در ماده مضارع آنها، گویا چنین همخوانی وجود داشته اما در امر ظاهر نمی‌شود و می‌توان گفت n- در ماده مضارع این افعال، اصلی نیست، بلکه واجی میانجی است. در هر سه گونه تاتی و تالشی پره‌سری در آخر بعضی از فعل‌های امر همخوان n- اضافه می‌گردد، بدون اینکه در ماده مضارع آنها چنین همخوانی وجود داشته باشد. محتمل است این نشانه به قیاس با n- ماده‌ساز مضارع ایجاد شده باشد.

۱۰-۲ امر منفی (فعل نهی)

در ایرانی باستان mā نشانه نهی است و با فعل‌های التزامی، تمنایی، انشایی و امری به کار می‌رود. در ایرانی میانه غربی نشانه mā (> فارسی باستان mā) برای نهی به کار می‌رود. در تاتی و تالشی از ma- برای نهی به کار می‌رود. در گیلکی وند ma- به کار نمی‌رود. در گویش‌های سه‌گانه برای ساختن امر منفی در فعل‌های ساده، فقط جای پیشوند امر با پیشوند نفی -(v) n عوض می‌شود.

در گیلکی رشتی و غربی علاوه بر فعل نهی فوق، نوع دیگری از نهی وجود دارد، بدین صورت که از فعل شبه‌معین na-vā استفاده می‌شود که تابعش به شکل مصدر می‌آید. گاهی وند نفی در نوع فوق‌الذکر به فعل شبه‌معین vā و گاهی به مصدر فعل اصلی می‌پیوندد. جایگاه فعل شبه‌معین در این ساخت متغیر است، گاهی قبل از مصدر و گاهی بعد از مصدر فعل اصلی می‌آید.

۱۱- فعل‌های معین و شبه‌معین

۱-۱۱ فعل معین

فعل‌های معین و شبه‌معین ایرانی میانه غربی به دو دسته قابل تقسیم‌اند: شخصی و غیرشخصی. فعل‌های کمکی شخصی ایرانی میانه غربی عبارت‌اند از: پهلوی اشکانی ترفانی: šah «توانستن»؛ فارسی میانه ترفانی: nivistan «آغازیدن»؛ فارسی میانه زردشتی: grifan «گرفتن»، kāmistan «خواستن». فعل‌های کمکی غیرشخصی ایرانی میانه غربی عبارت‌اند از: پهلوی اشکانی ترفانی: čār «باید»، sazēd «سزد»؛ فارسی میانه abāyēd «باید»، šāyēd «شاید»، tuwān «توان» و sazēd «سزد».

تنها فعل معین در گویش‌های سه گانه فعل «بودن» است. این فعل علاوه بر شکل پی‌بستی و ربطی، به عنوان فعل معین در صرف فعل‌های مختلفی به کار می‌رود.

۱۱-۲ فعل‌های شبه‌معین^۱

فعل‌های شبه‌معین رایج در تاتی، تالشی و گیلکی عبارت‌اند از:

- ۱- توانستن (هر سه گویش)؛
- ۲- نتوانستن (فقط در گیلکی شرقی)؛
- ۳- جرات داشتن (رشتی)؛
- ۴- باید (هر سه گویش)؛
- ۵- شروع کردن (هر سه گویش)؛
- ۶- خواستن، آرزو داشتن (هر سه گویش).

۱۲- فعل‌های ربطی

فعل «بودن» در گویش‌های مورد نظر علاوه بر اینکه معین است و شکل پی‌بستی دارد، به عنوان فعل ربطی در همه گونه‌ها (به استثنای تالشی شمالی) کاربرد دارد. شکل پیشوندی این فعل نیز، به عنوان ربطی به کار می‌رود. این فعل زمانی که پیشوند ā- می‌گیرد، معنای «شدن» می‌دهد و با هریک از پیشوندها، معنی خاصی پیدا می‌کند (برای کاربرد و معنای خاص هر پیشوند— ذیل فعل‌های ربطی هر گویش).

از بین پیشوندهای این فعل، پیشوند da- در هر سه گویش، بسیار پرکاربرد است و معنای «بودن داخل چیزی یا جایی» را می‌رساند. پیشوندهای دیگر نیز هرکدام «بودن در بالا» یا «بودن در

۱- به دلیل تفاوت بسیار شکل در اینجا به ذکر معنی فعل اکتفا شده است.

پایین» و «بودن در زیر» را به فعل اضافه می‌کنند. در تالشی پره‌سری این فعل‌های ربطی پیشوندی، صفت اسنادی نیز می‌سازند.

۱۳- مل‌های غیرشخصی

در هر سه گویش فعل «باید»^۱ و «می‌شود» و «امکان دارد» به عنوان فعل غیرشخصی به کار می‌رود.

۱۴- فعل ناقص

به طور کلی در این حوزه زبانی دو فعل ناقص رواج دارد:

۱-۱۴ manne (نمی‌تواند)، این فعل ناقص فقط در گیلکی شرقی رایج است؛

۲-۱۴ (h)isə/ hesta/es (هست)، این فعل در همه گونه‌های نه‌گانه فعل ناقص است.^۲

۱۵- چند نکته مهم در فعل تاتی، تالشی، گیلکی.

۱-۱۵ فعل مرکب ضمیری

در تاتی و تالشی (پره‌سری و شمالی)، فعل مرکب ضمیری رایج است. در تالشی جنوبی از بین رفته و در یک ساخت باقی مانده است. نمونه آن ساخت چنین است: *man xanda get-əḡ-a* (من خنده‌اش [خنده‌ام] گرفت). در همه گونه‌ها، ضمیر بین فعل معین و جزء غیرفعلی آمده است و فعل معین این فعل‌ها در هر دو گویش از مصدرهایی چون: آمدن، رفتن، گرفتن، بودن و ... به دست می‌آید.

تنها فعلی که در تالشی و تاتی در ساخت مضارع اخباری چنین ساختاری دارد، از مصدر «لازم داشتن» است که در دروی *pirəs-en*، در کجلی *gavəstan*، در لردی *gaves-an*، در پره‌سری *pist-e*، در جنوبی *pie/piyen* و در شمالی *pie* است، که همانند فعل‌های ماضی متعدی از ضمائر متصل غیرفاعلی به جای شناسه‌های فعلی استفاده می‌کند. موارد کاربرد این فعل در تالشی جنوبی اکنون محدود شده و به جای آن، اغلب از ماده *xâst-e* (خواستن) که ساخت ارگتیو ندارد، استفاده می‌شود. در گیلکی نیز بقایایی از فعل مرکب ضمیری رایج است (← فعل مرکب ضمیری در گیلکی).

۱- همان‌طور که گذشت، به دلیل اینکه شکل تلفظ در این قسمت مهم نبوده و قبلاً نیز آمده، فقط معنی فعل ذکر شده است.

۲- در تالشی (جنوبی و پره‌سری)، این فعل به معنی «داشتن و دارا بودن» نیز هست، اما در تاتی این فعل چنین معنایی ندارد و برای رساندن این معنی (داشتن و دارا بودن) از مصدر «داشتن» استفاده می‌کنند.

۱۵-۲ افزونه فعل‌های ماضی

در هر سه گویش، افزونه فعل‌های ماضی رایج است و در ساخت‌های زیادی خود را نشان می‌دهد. این افزونه بیشتر در ماضی مطلق و ماضی نقلی رایج است. این افزونه در هر سه گویش به شکل a- ظاهر می‌شود، در تالشی به شکل a- نیز ظاهر می‌شود. این افزونه در همه گونه‌ها اختیاری و در حال از بین رفتن است. این افزونه گرچه روزی معنا و کارکرد خاصی داشته، اما امروزه به دلیل نبود قراین کافی نمی‌توان درباره کارکرد و معنای دقیق آن نظر داد.

۱۵-۳ ساخت ارگتیو

در هر سه گونه تاتی و در تالشی پره‌سری و شمالی، ساخت ارگتیو حفظ شده است. در تالشی جنوبی رسوباتی از ساخت ارگتیو وجود دارد، در گیلکی ساخت ارگتیو کاربرد ندارد.

۱۵-۴ تمایز جنس دستوری در تاتی

از مجموع نه گونه مورد بررسی این اثر، فقط در تاتی کجلی و لردی در سوم شخص مفرد فعل‌های لازم و متعدی مضارع و ماضی، تمایز جنس دستوری وجود دارد.

کتاب‌نامه^۱

- آزادگلی، ماری (۱۳۴۹)، بررسی واج‌شناسی گویش تاتی دهکده کجل (خلخال) بر اساس روش‌های نوین زبان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۲)، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، انتشارات معین، تهران.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳)، ماده‌های فعل‌های فارسی دری، انتشارات ققنوس، تهران.
- _____ (۱۳۸۳)، دستور تاریخی زبان فارسی، انتشارات سمت، تهران.
- ادیب طوسی؛ محمد امین (۱۳۳۵)، «نمونه‌ای چند از لغت آذری»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۸، ۳۱۰-۳۴۹.
- ادیبی، فرانک (۱۳۵۰)، گویش گیلکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- ارانسکی، یوسف م. (۱۳۷۸)، زبان‌های ایرانی، ترجمه علی‌اشرف صادقی، سخن، تهران.
- اصغری، احمد (۱۳۸۵)، «فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۴۹، شماره مسلسل ۱۹۸، بهار، ص ۲۵-۱.
- افشار، ایرج (۱۳۷۱)، زبان فارسی در آذربایجان (۲ جلد)، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران.
- امیریان بودالو، ربابه (۱۳۸۴)، میراث به جا مانده گویش تالشی عنبران اردبیل (ویلکیج)، جامعه‌نگر، تالش.
- بختیاری مرکیه، فرزاد (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی ساختمان گروه اسمی فارسی و گویش‌های تالشی، تاتی جنوبی (آذری)، گیلکی و تبری، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.
- پورداد، منصوره (۱۳۸۵)، گویش تاتی از زبان آذری، هما، تهران.
- پورریاحی، مسعود (۱۳۵۳)، بررسی دستور گویش گیلکی رشت، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- پورشفقی، مریم (۱۳۸۵)، توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.

۱- منظور از کتاب‌نامه در این جا منابعی است که در متن پایان‌نامه از آنها استفاده شده یا به عنوان پیشینه تحقیق به آنها ارجاع داده شده است.

- پورمحمدی املشی، نصرالله (۱۳۸۳)، «بررسی تاریخی معنا و کاربرد واژه تات» مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی ۲۷-۳۰ خرداد ۱۳۸۱ جلد اول زبان و زبان‌شناسی، ص ۱۶۱-۱۷۵.
- پورهادی، مسعود (۱۳۸۷)، زبان گیلکی، فرهنگ ایلیا، رشت.
- پورهادی، مسعود و بیژن شهرستانی (۱۳۸۴)، بررسی ویژگی‌ها و ساختار زبان گیلکی (گویش رشتی)، فرهنگ ایلیا، رشت.
- ثمره، یدالله (۱۳۸۵)، آواشناسی زبان فارسی آواها و ساخت آوایی هجاها، ویرایش دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- جعفری، نصرالله (۱۳۷۹)، زمان و نمود درگویش لنگرودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جلالی امام، سیده لعل (۱۳۸۰)، بررسی گویش املشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، واحد مرکزی.
- حاجت‌پور، حمید (۱۳۸۳)، زبان تالشی (گویش خوشابو)، گیلکان، رشت.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۳)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، زیر نظر بهمن سرکاراتی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۲)، آواشناسی (فونتیک)، آگه، تهران.
- حقیری لیموده‌ی، مصطفی (۱۳۷۱)، بررسی گروه اسمی و گروه فعلی گویش گیلکی صومعه‌سرا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۷)، «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی»، فصلنامه ادب پژوهی، سال دوم، شماره پنجم، ص ۹۱-۱۲۸.
- ذکاء، یحیی (۱۳۳۲)، «گویش کرینگان» نشریه راه دانش شماره ۲، تهران.
- ----- (۱۳۳۶)، «گویش گلین‌قیه یا هرزندی»، فرهنگ ایران زمین، سال ۵، ص ۵۱-۹۲.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۶)، «توصیف افعال مرکب پی‌بستی در زبان فارسی و شیوه ضبط آنها در فرهنگ‌ها»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۱ ص ۲۳۶-۲۵۲.
- رسایی، ایوب (۱۳۸۴)، گویش گیلکی فومنات، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۶۴)، درآمدی بر دستور زبان اوستایی، انتشارات کاریان، تهران.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۲)، «چند نکته دستوری در گویش تالشی»، مجله گویش‌شناسی، شماره اول، جلد اول، ۴۱-۵۲.

- (۱۳۸۳)، «فعل‌های مرکب ضمیری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۴۴، ص ۱۹۱-۲۰۵.
- (الف: ۱۳۸۴)، «ارگتیو در گویش تالش»، مجله زبان‌شناسی، سال بیستم، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۱۱۳-۱۲۶.
- (ب: ۱۳۸۴)، «تأملی دیگر در فہلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، مجله گویش‌شناسی، شماره چهارم، ص ۱۲۸-۱۴۶.
- (۱۳۸۵)، «مصدر و ساخت آن در گویش تالشی»، مجله گویش‌شناسی، دوره سوم، شماره پنجم، ص ۷-۳۰.
- (۱۳۸۶)، زبان تالشی، انتشارات فرهنگ ایلیا، رشت.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی ارده (۱۳۸۷)، فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی، انتشارات دانشگاه گیلان.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست سبزلعلی‌پور (۱۳۸۶)، «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، فصلنامه ادب پژوهی، سال اول، شماره اول، ص ۸۹-۱۰۵.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و مهدی دیان (۱۳۸۷)، «بررسی ساختمان فعل ساده در زبان فارسی»، مجله دستور، جلد چهارم، شماره پیاپی ۴، ص ۱۰۶-۱۳۴.
- رضایی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۵) راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی)، ققنوس، تهران.
- (۱۳۸۳)، «گویش ویدری»، مجله گویش‌شناسی، جلد اول، شماره سوم، ص ۲۰-۳۸.
- (۱۳۸۸)، تاریخ زبان‌های ایرانی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی)، تهران.
- رفیعی جیردهی، علی (۱۳۸۴)، «پیشوندهای فعلی در تالشی»، مجله گویش‌شناسی، شماره ۴، ص ۶۵-۷۶.
- (۱۳۸۶)، «فعل پیشوندی در تالشی»، مجله ادب پژوهی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۰۷-۱۲۶.
- سامارین، ویلیام (۱۹۶۷)، زبان‌شناسی عملی، راهنمای بررسی گویش‌ها، ترجمه لطیف عطاری، نشر دانشگاهی، تهران.
- سبزلعلی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۸۸)، «ساختمان فعل در گویش تاتی خلخال»، مجله زبان‌شناسی، سال ۲۳، شماره دوم، شماره پیاپی ۴۵، ص ۳۹-۶۲.
- (الف: ۱۳۸۹)، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، فرهنگ ایلیا، رشت.

- _____ (ب ۱۳۸۹)، «شانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال»، مجله ادب‌پژوهی، سال ۴، شماره ۱۳، ص ۱۰۹-۱۳۰.
- _____ (۱۳۹۰)، فرهنگ تاتی، فرهنگ ایلیا، رشت.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر (۱۳۶۹)، ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی، نشر گیلکان، رشت.
- سرکراتی، بهمن (۱۳۸۰)، «هت‌مام برای جبران مافات»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، ص ۹ تا ۱۱. اردیبهشت ۱۳۸۰، به کوشش حسن رضایی باغ‌بیدی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اردیبهشت ص ۵-۱۳، تهران.
- سمیعی (گیلاتی)، احمد (۱۳۸۱)، «پیشوندهای فعلی در گویش گیلکی و راه‌های بازشناسی آنها»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، ص ۹ تا ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۰، به کوشش حسن رضایی باغ‌بیدی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۲۹۹-۲۸۵، تهران.
- سیفی، رویا (۱۳۹۰)، بررسی ساختار فعل در گویش درزو پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۱)، «واژه‌هایی تازه از زبان قدیم مردم ارژان و شروان و آذربایجان»، مجله زبان‌شناسی، شماره پیاپی ۳۳، ص ۲۲-۴۱.
- _____ (۱۳۸۲)، «فهلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، مجله زبان‌شناسی، شماره پیاپی ۳۶، ص ۱-۳۳.
- صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارزنگ (۱۳۵۴)، دستور سال دوم فرهنگ و ادب، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- صفرزاده، حبیب (۱۳۸۲)، گویش تاتی شمال خراسان، سخن‌گستر، مشهد.
- عبدی و لمی مجید (۱۳۷۶)، پیوند گویش گیلکی با زبان‌های باستانی ایران (اوستا فارسی باستان پهلوی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شیراز.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۸۳)، «گذشته نقلی و بعید در سغدی و شباهت آن با برخی از گویش‌های ایرانی نو»، ترجمه میترا فریدی، مجله گویش‌شناسی، شماره ۲ جلد ۱، ص ۵۴-۶۵.
- _____ (۱۳۷۲) «نظام فعل در زبان سغدی»، مجله زبان‌شناسی شماره ۱۹، ص ۲-۵۴.
- کارنگ، عبدالعلی (۱۳۳۳)، «تاتی و کرینگان»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال چهارم ۱۳۳۵، شماره اول و دوم.
- _____ (۱۳۳۵)، «خلخال‌ی یک لهجه از آذری»، مجله جهان اخلاق، ص ۸۲-۹۳.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۴)، گویش گیلکی رشت، ترجمه و تحشیه جعفر خمami‌زاده، سروش، تهران.
- کلیاسی، ایران (۱۳۷۶)، گویش کلاردشت (رودبارک)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

- ——— (۱۳۸۳)، «گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی»، گویش‌شناسی، جلد اول، شماره دوم، ص ۶۶-۸۹.
- لکوک، پیر (۱۳۸۳)، راهنمای زبان‌های ایرانی ویراستار رودیگر اشمیت (۲جلد)، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغیبدی، ققنوس، تهران.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، انتشارات هرمس، تهران.
- ——— (۱۳۸۶)، تالشی (گویش ماسوله)، ترجمه جعفر خمایی‌زاده و علی رفیعی جیردهی، دانشگاه گیلان، رشت.
- ماهیار نوایی، یحیی (۱۳۳۲) «زبان کنونی آذربایجان»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۵ و ۶ ص ۱۴۶-۱.
- مدنی، رضا (۱۳۶۹)، «کتاب‌شناسی و بررسی واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌ها و نوشته‌های گیلکی و دیلمی و تالشی (از سده هشتم تا کنون)»، مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، ج. ۲، به کوشش م. پ. جکتاجی، طاعتی، رشت.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۴۲)، «فعل در زبان هرزنی»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱۴ ص ۶۱-۹۷.
- ——— (۱۳۶۸)، «زبان آذربایجان»، زبان فارسی در آذربایجان، به کوشش ایرج افشار، ص ۳۵۵-۳۶۹.
- معراجی لرد، جواد (۱۳۷۷)، زبان تاتی در شاهرود خلخال، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکزی.
- ——— (۱۳۸۸)، فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی، گویش تاتی روستای لرد شاهرود خلخال، شامل کنایات، ترکیبات و اصطلاحات، بلور، رشت.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۸۳)، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میر فخرایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- منصوری، یدالله و جمیله حسن زاده (۱۳۸۷)، بررسی ریشه‌شناختی افعال در زبان فارسی، زیر نظر بهمن سرکاراتی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- مولایی، چنگیز (۱۳۸۴)، راهنمای زبان فارسی باستان (دستور زبان، گزیده متون، واژه‌نامه)، مهرنامک، تهران.
- نائل خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، تاریخ زبان فارسی (۳جلد)، نشر نو، تهران.

ناصر محمد امین (۱۳۸۶)، چکیده پایان‌نامه‌های حوزه زبان و زبان‌شناسی دانشگاه‌های دولتی و آزاد کشور دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری (۱۳۸۵-۱۳۳۳)، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

- نغزگوی کهن، مهرداد (الف: ۱۳۷۳)، بررسی گویش تالشی دهستان تاسکوه ماسال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- (ب: ۱۳۷۳)، «توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی دهستان تاسکوه ماسال»، مجله زبان‌شناسی، ش ۲۱، ص ۳۸-۵۷.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی (۱)، سمت، تهران.
- هنینگ، وب. (۱۳۸۵)، «زبان کهن آذربایجان»، ترجمه بهمن سرکاراتی، مجله نامه فرهنگستان، سال اول، شماره ۱، ص ۳۱۵-۳۴۰.
- یارشاطر، احسان (۱۳۳۶)، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال پنجم شماره ۱ و ۲، ص ۱۱-۴۶.
- (۱۳۵۴)، «آذری»، زبان فارسی در آذربایجان (۲ جلد)، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران ص ۳۹۱-۴۰۴.
- یحیی‌زاده، سید اکبر (۱۳۸۲)، بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز.
- Christensen, A. (1930), *Contributions a la Dialectologie Iranienne*, Bd., I, kbenhavn.
- Kent, R.G. (1953), *Old Persian Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven, American Oriental Society.
- Lazard, G. (1978), "Le Dialecte tâleši de Mâsule (Gilân)", *StIr* 7, 251-268.
- Pahalina, and T. N. and Sokolova, V. S. (1957), *Die Gilanische Sprache* : B. N. Zachoder u.a: *sovremennyj Iran. sparavocnik*, moskau, 75-82.
- Rastorgueva, V. S. , Kerimova, A. A. , Edelmann, D.I., Pirejko, L.A. and Mamedzade, A. K. (1971), *Gilyanskij Yazyk*, moskva.
- Schulze, W. (2000), *Northern Taleysi*. Lincom Europa.
- W. Jackson, A.V. (2004), *Avesta Grammar and Reader*, with an Introduction in Persian by Hassan Rezai Baghbidi, Asatir. Tehran.
- Yar-Shater, A. (1959), "The Dialect of Shahrood (Khalkhal)", *BSOAS*, XXII 22, 52-68.
- (1960), "The Tati Dialect of Kajal", *BSOAS*, 23, pp. 275-286.
- (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague Paris.
- (1996), "The Taleshi of Asalem", *studia Iranica*, volume 25, pp.77-104.
- Миллер, Б. В. (1953), *Талышский язык*, Москва.
- Рисс, П.Ф. (1855), *О Талышинцахъ, их образе жизни и языке*, Заниски Кавказского отдела, Русского географического общесва, и 3, Тифлис, c1-72.